

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

هشتمین سالنامهٔ کابل

د ډیر شکر او خوشحالتیا ځای دی چه دخپل ښاغلی تولواك اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (خلدالله ملکه وسلطنته) ترسیوری لاندی او دخپل گران اومتبوع حکومت په لارښوونه بری مو مو چه د کابل اتمه سالنامه د محترمو لوستونکو حضور ته وړاندی کوو .

سره زمونږ له نیمگړتیاچه د نویسندگی او لیکلو له خوا زمونږ په سالنامه کښی لیدل کیږی و یلی شو چه زمونږ د لوړ او بیدار حکومت اجراآت او مهم کارونه چه په هره شعبه کښی د خپل مربوط وزارت له عنوان لاندی د لوستونکو له نظره تیریږی زمونږ تولو د افتخار وړ دی ځکه چه مونږ له ښه مرغه هرکال د همدی سالنامی په واسطه کولی شو چه د خپل حکومت اوږده قدمونه چه د مملکت د شئونو په ترقی او لوړوالی کښی یی اخلی نشر کړو ، د همدی لامله د پښتو ټولنی کارکوونکی د دغو تولو موفقیتو په نسبت چه لکه تیرکلونه پدی کال ۱۳۱۸ کښی هم لیدل شوی دی مملکتی دوایروته تبریك وائی اوله څښتن تعالی ځخنی دخپل متبوع حکومت رجالوته د ډیر ډیر موفقیتونه غواړی تر څو چه د خپل تولواك لوړنظریات اوښه هدایتونه چه د خپل مملکت د ترقیږ د پاره یی لری پرمخ بوزی .

جای بسا شکر گذاری ومسرت است که در زیر سایهٔ همایونی اعلیحضرت معظم محمد ظاهر شاه افغان خلدالله ملکه وسلطنته و برهنمائی هدی حکومت متبوعه موفق شدیم که اینك هشتمین سالنامهٔ کابل را به محضر مطالعهٔ قارئین محترم تقدیم نمائیم .

علی الرغم تمام عجز وقصوریکه از ناحیهٔ اقتدار نویسندگی ما به سالنامه دیده میشود میتوان گفت که اجراآت و کار روائی های بزرگ دولت که هرشعبهٔ ازان درتحت عنوان وزارت منسوبه و مربوطه اش ازنظرمطالعین عزیز میگذرد باعث افتخار ما وامثال ماميباشد زیراخوش بختانه درهرسال بذریعهٔ همین سالنامه موفق میشویم قدم های فراخی راکه دولت درتعالی تمام شئون مملکتی میبردارد نشر واشاعه نمائیم ازین جاست که کارکنان پښتو ټولنه این همه موفقیت هائی راکه به دوائر مملکتی در ظرف سنه ۱۳۱۸ مثل سنوات دیگر نصب شده تبریك گفته از خدای بزرگ موفقیت های زیادی را به رجال حکومت متبوعه خواهان است تابتوانند هدایات ونظریات بزرگ شاهانه راکه برای ترقی مملکت دارند پیش ببرند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

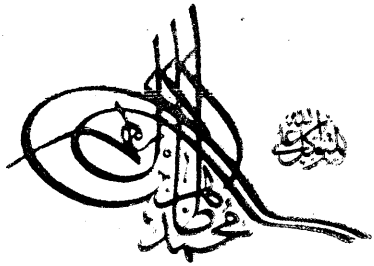

پادشاه افغانستان

شهریار جوان وپادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمدظاهر شاه خلدالله ملکه و اطال‌الله عمره ودولته که‌ذات همایونش درین‌سنه قدم‌بمرحلهٔ بیست‌وپنجمین حیات شریف‌خود میگذارند ، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری‌شمسی درکابل وپس ازسن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی ومتوسط وبالاخره تحصیلات خودرا ذات همایونی درمکاتب عالی کابل باختتام رسانیده موقعیکه والدماجد فقیدشان اعلیحضرت محمدنادرشاه کبیر عازم‌سفارت افغانستان درپاریس گردیدند ذات‌همایونی نیزبمعیت‌آن شهریارفقید بغرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه وعلوم عالیه را در رشته های مختلف بمکاتب عالی وخاندان های بادانش ومعظم آن مملکت تحصیل ، وتربیهٔ خصوصی را نسبت بمسائل داخلی وطن واخلاق ملی وادراك مطالب لازمه راجع بوطن وخصایص را ازوالد بزرگوار خود حاصل‌فرمودند .

پس‌ازواقعهٔ شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده ومستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان وتعقیب سنت سنیهٔ پدربزرگوار خود درشعبهٔ عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده وبمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند ودرسنه ۱۳۱۰ شمسی باصبیهٔ معظمهٔ والاحضرت سردار احمدشاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت‌شهید ازدواج فرموده ودراخیر همین‌سنه چندی بوکالت وزارت جلیلهٔ‌حربیه وبعداً بوکالت وزارت‌معارف مؤظف‌بوده قابلیت ذاتی واستعداد فطری ذات‌همایونی درحسن اداره وصحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی ودرستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس‌از شهادت شهریار شهید بتاریخ ۱۶عقرب باتفاق ودرخواست وکلا وبزرگان ملت وعموم افراد عسکری وکشوری اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ افغانستان شده سال حاضر هفتمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهریار جوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

۱ ـ شهزاده بیگم بلقیس	تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
۲ ـ والاحضرت شهزاده محمد اکبر خان	« « ۱۹ اسد « ۱۳۱۲ «
۳ ـ والاحضرت شهزاده احمد شاه خان	« « ۲۱ سنبله « ۱۳۱۳ «
٤ ـ شهزاده بیگم مریم	« « ۱۰ عقرب « ۱۳۱۵ «

(c) ketabton.com: The Digital Library



(c) ketabton.com: The Digital Library



دوائر مملکتی

صدارت عظمی

صدراعظم	:	ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت افخم سردار محمد هاشم خان
معاون اوّل	:	ع ، ج ، والاحضرت سردار محمد نعیم خان
« دوم	:	« « « عبد الرحیم خان

مشاورین :

مشاور اول	:	ع ، ص ، سید احمد خان
« دوم	:	« « یار محمد خان
رئیس ضبط احوالات	:	« « محمد شاه خان
مدیر اول تحریرات	:	« خلیل الله خان
« دوم «	:	« محمد فاروق خان
« اوراق	:	« محمد ابراهیم خان
« عارضین	:	« میر عبد الله خان
« کنترول واجرائیه	:	« عبد الکریم خان



ج ،ع ،ج ،ا،ا، نشان والاحضرت افخم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم افغانستان
که ترقیات اخیرهٔ مملکت در تمام رشته ها مرهون خدمات خسته گی ناپذیر ایشان است.

S. A. R. ‹ A. A. › Sardar Mohammad Hâchêm Khan
premier ministre

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت حربیه

وزیر حربیه و سپه سالار : ع ، ج ، ا ، ا ، نشان سردار شاه محمود خان غازی
معاون وزارت : ع ، ع ، ش ، محمد انورخان نائب سالار

ریاست ارکان حربیه :

رئیس ارکان حربیهٔ عمومی : ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر
معاون ریاست ارکان حربیه‌عمومی : ح ؛ محمد مصطفی خان غند مشر
مدیر عمومی حرکات : ح، سراج الدین‌خان‌غند مشر
مدیر عمومی تعلیم و تربیه : ح ، غلام سرور خان غند مشر

مفتشیت‌عمومی‌اردو:

مفتش عمومی اردو : ع،ش،س،ع،اسدالله خان فرقه مشر اول
معاون مفتشیت ؛ : « « عبدالقیوم خان فرقه مشر ثانی
رئیس ارکان حربیهٔ مفتشیت عمومی‌اردو : ح ، محمدصفر خان غند مشر
معاون ریاست ارکان حربیه مفتشیت : ش ، عبیدالله خان کندکمشر
یاور مفتش عمومی اردو ؛ : غ ، محمد سرور خان تولیمشر

متخصصیت ها :

متخصص پیاده : ح محمدابراهیم‌خان غندمشر
معاون بحیث تولیمشر : . . . .
متخصص طوپچی : . . . .
معاون : . . . .
متخصص سواری : ح، سیداحمدخان غندمشر
متخصص استحکام : . . . .
متخصص مخابره : . . . .
متخصص نقلیه : . . . .
« بیطاریه . . . .
« هوائی : . . . .
« صحیه : . . . .

(c) ketabton.com: The Digital Library

متخصص ذاتیه : . . . .

« لوازم : . . . .

معاون : . . . .

شعبه ترجمه :

ترجمان فرانسوی ، ترکی ، المانی ، : . . . .

ریاست اردو :

رئیس اردو : ع ، ش ، س، ع،احمد علیخان فرقه مشر

مدیر عمومی مامورین : ح، عبدالخالق خان غند مشر

« عمومی صحیه : « ، میرمحمد سعیدخان « «

« عمومی نقلیه : « سید محمد اکبر خان غند مشر

« اخذ عسکر : « حبیب الله خان غند مشر

ریاست لوازمات :

رئیس لوازمات : ع ، ع ، ش، شیر احمد خان نائب سالار

مدیر لوازم : ح ، حسین علیخان غند مشر

مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقیوم خان

ریاست حربیه :

رئیس : . . . . .

مدیر اسلحه : ش ، سر بلند خان کندك مشر

« جباخانه : ح ، محمد اسمعیل خان غند مشر

« آلات و ادوات فنیه : « محمد اسلم خان غند مشر

« شعبهٔ هیئت معاینه و تدقیق : « محمد عمر خان غند مشر

ریاست اصلاح و ترقی :

رئیس : ع ، ش ، محمد عمرخان فرقه مشر

ریاست محاکمات :

رئیس : ح، سید علیخان غند مشر

« دیوان حرب دایمی : ع ، ش، عبدالقیوم خان فرقه مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library



ع ، ج ، ا، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه محمودخان غازی سپه‌سالار ووزیرحربیه

S.A. R. «A. A. »Sardar Chah Mahmoud Khan ministre de la guerre



ع ، ج ، والاحضرت سردار محمدنعیم خان وزیر معارف ومعاون اول صدارت عظمی

S. Ex. Sardar Mohammad Naïm Khan ministre de l'instruction publique

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیریت عمومی استخبارات :

مدیر : ح ، محمد انورخان غند مشر

مدیریت سنجش و برآورد تعمیرات وزارت حربیه :

مدیر : ح ، شاه عبد الحمید خان غند مشر

مدیریت تعمیرات :

مدیر : ح ، غلام سعید خان غند مشر

مدیریت تحریرات :

مدیر : . . . . .
مدیر اوراق : . . . . .
رئیس قبائل : ع ، ش محمدشاه خان

ریاست فابریکه :

رئیس : ع . ع، ش، سید عبدالله خان نائب سالار
معاون : ع ، ش، میاء صاحب خان

مدیریت اجرائیه و کنترول :

مدیر : . . . . . .

قوماندانی طیاره :

قوماندان : ع ، ش ،محمد احسان خان فرقه مشر
رئیس ارکان حربیه : ح ، محمد هاشم خان غند مشر
مدیر فابریك : ح ، غلام دستگیرخان « « «

قوماندانی قوای مرکزی و مکاتب حربیه :

قوماندان قوای مرکزی ومکاتب حربیه : ع ، ش، سردار عالی محمدداؤد خان فرقه‌مشر
رئیس ارکان حربیه قوای مرکزی : ح ،محمدعارف خان غند مشر
قوماندان فرقه اول : ع ، ش. عبدالغنی خان فرقه مشر
قوماندان فرقه ۲ : « « عبدالاحد خان فرقه مشر
قوماندان فرقه ۳ : « « عبدالله خان فرقه مشر
قوماندان فرقه ٤ : « « فیض‌محمد خان فرقه مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت خارجه



ع، ج، علی محمد خان وزیرامور خارجه
S. Ex. Ali Mohammad Khan ministre des affaires étrangeres.

وزیر	:	ع ، ج ، علی محمد خان
معین اول	:	ع ، ج حبیب الله خان
« دوم	:	ع ، ص، عبدالحمید خان
رئیس تشریفات	:	ع ، ص، غلام محمد خان
مدیر عمومی سیاسی	:	ع ، نجیب الله خان
مدیر عمومی امور بین المللی	:	ع ، میر محمد صدیق خان
مدیر شفر و قلم مخصوص	:	ص ، محمد سلیمانخان
« مامورین واجرائیه و تنظیمات	:	ع ، عبدالرؤف خان
مدیر کنترول	:	ص ، عبدالاحد خان
« اوراق	:	ع ، عبد الغفار خان

تشکیل سفراء ونمایندگان افغانی درخارج

سفیر کبیر اعلیحضرت درانقره : ع ، ج ، سردار فیض محمد خان
« « درطهران : « « محمد نوروزخان
« « در مسکو : « « سلطان احمدخان
وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس : « « ا ، ا ، نشان سردار شاه ولیخان که سمت وزارت مختاری برن وبروکسل رانیز دارند .
« « « در لندن : « « سردار احمد علیخان
« « « دربرلین : « « الله نوازخان
« « « درتوکیو : « « ذوالفقارخان
« « « درمصر : « « محمد صادق خان مجددی که حیثیت نمایندگی حجاز را نیز دارند .
جنرال قونسل افغانی در دهلی : ع ، ص ، محمد شفیع خان
« « « درمشهد : « « بازمحمدخان
قونسل افغانی در بمبئی : « عبدالوهابخان
« « درکراچی : « محمد شعیب خان
مامور ویزهٔ افغانی در پشاور : ص ، سیدتاج الدینخان
« « « درچمن : « میرغلام فاروقخان

(c) ketabton.com: The Digital Library



ع، ج ۱۰۱۰ ، نشان والاحضرت سردارشاه ولی خان «فاتح کابل» وزیرمختا
ونما یندهٔ فوق العادهٔ اعلیحضرت همایونی درپاریس، برن وبر و کس

S. A. R. «A A,» Sardar Chah Vali Khan envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire de Sa Majesté à Paris, Berne, Bruxelle et Varsovie.

(c) ketabton.com: The Digital Library



ع ، ج ، س، ا، غلام فاروق خان وکیل وزارت داخله

S. Ex. Gholam Farouq Khan
Ministre par intérime du ministre de l'indérieur.

وزارت داخله

وکیل وزارت	:	ع، ج، س، ا، غلام فاروق خان
معین	:	« ص، عبدالرشید خان
مدیر عمومی پولیس	:	« عبدالحکیم خان
مدیر عمومی احصائیه و نفوس	:	« ، عبدالرحیم خان
« مامورین	:	ص ، عبدالودود خان
« کنترول	:	« مرزا محمد سعید خان
مامور اوراق	:	« مرزا محمد حسن خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« مرزا شاه محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت عدلیه

وزیر : ع ، ج . فضل احمد خان مجددی

معین : « ، ص ، امین الله خان

رئیس تمیز : ج ، ف ، عبدالرب خان

مدیر تحریرات تمیز : ص ، محمد شریف خان «ترهکی»

مدیر مامورین : ص ، مرزا محمد میر خان

مدیر تحریرات : « مرزا عبدالسلام خان

« کنترول : « مرزا محمد ناصر خان



ع ، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه

S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre de la Justice.

(c) ketabton.com: The Digital Library

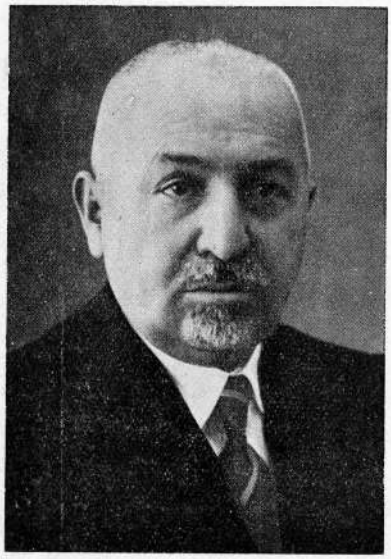

ع ، ج ، مرزا محمد خان وزیر مالیه

S. Ex. Mirza Mohammad Khan
ministre de finances.

وزارت مالیه

وزیر : ع ، ج، مرزا محمد خان

معین : ع ، ص ، محمد اسلم خان

مدیر عمومی کنترول : . . .

« « اجرائیه : « محمد انور خان

« « تفتیش : « محمد حسن خان

مدیر محاسبه د افغانستان

بانک : ص ، نصر الله خان

« محاسبه تجارتی دوائر رسمی : ص ، غلام سخی خان

« تصفیه اجرائیه : « محمد ایوبخان

رئیس خزانهٔ عمومی : ع ، ص نظر محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت معارف

وزیر معارف : ع ، ج، والاحضرت سردار محمد نعیم خان

معین اول : ع ، ص، عبد الجبار خان
« دوم : « « عبدالاحمد خان

رئیس تعلیم وتربیه : « « هاشم‌خان شایق
« تفتیش : « « سید فاروق خان

« تدریسات : « « عزیزالرحمن خان
« توسیع معارف ومدیر
مکتب دارالمعلمین نوی کابل : « ، ص ،جمال‌الدین‌خان
رئیس حفظ الصحه‌وسپورت : « ، ص ،فاروق شاه‌خان
مدیر اجرائیه‌ومامورین وکفیل

مدیریت تنظیمات : ص، محمدمرید خان
کفیل مدیریت کنترول : « ، محمدنبی خان
مدیر اوراق : « ، عبدالله خان

رئیس فاکولته طبی : ع، ص، بای رفقی
« « حقوق وسیاسی : « ، ص، بای‌محمدعلی فواد داغینر
مدیر مکتب حبیبیه : ص، غلام‌حیدر خان

« « استقلال : « ، عبدالرحیم خان
« مکتب نجات : « ، غلام جانخان
« « غازی : « فدای احمد خان
« « دارالمعلمین‌پغمان : « ، رمزی

معاون اداری : ص، غلام رسول‌خان
« تدریسی : « عبدالغفور خان

مدیرمکتب صنایع : « عبدالغفورخان برشنا
« « تخنیکی : « محمد آصف خان
« « نجاری : « عبدالسلام خان
کفیل مدیر مکتب اصول

تحریر ومحاسبات : « ، عبدالقیوم خان
مدیرمکتب دارالمعلمین مستعجل : « ، غلام‌حسین خان
مدیرمعارف ولایت کابل
ومدیرمکتب طبی وفاکولته طبی : ص، عبدالله خان
مدیرکیمیا خانه : « ، نورالله خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت اقتصاد ملی

وزیر	:	ع،ج، عبد المجید خان
معین اول	:	« ،ص، محمد اکرم خان
معین دوم ورئیس اطاقهای تجارت	:	ع ،ص، غلام غوث خان
معین سوم	:	« ، « عبد الرحمن خان
مدیر عمومی انطباعات	:	ع ، محمد زمان خان تره کی
« « گمرکات	:	« ، غلام محمد خان
« « اداری	:	« سید احمد علیشاه خان
« « تجارتی	:	« فقیر محمد خان
« « اطاق تجارت	:	« میر محمد ضیاء الدینخان
مدیر کنترول	،	« ، محمد عنایت الله خان

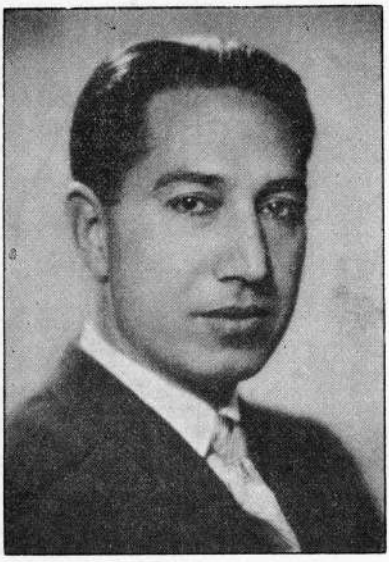

ع ، ج عبد المجید خان وزیر اقتصاد ملی
S. Ex. Abdul-Madjid Khan ministre de l'économic Nationale

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت فواعد عامه

وزیر	:	ع ، ج ، عبدالحسین خان
معین اول	:	ع ، ص ، عبدالحمید خان
« دوم	:	« « نصر الله خان
« سوم	:	« « عبد الرحیم خان
سرکاتب خصوصی	:	« سید احمد شاه خان
مدیر عمومی تفتیش	:	ع ، شاه محمود خان
« « کنترول	:	« عبد الکریم خان
« « تعمیرات	:	. . .
« « بندوانهار	:	ع ، غلام محمد خان
کفیل مدیر « فبریکات	:	ع ، محمد نعیم خان
مدیر مامورین	:	ص ، عبد الغنی خان
« تهیهٔ مصالح	:	« غوث الدین خان
« پیمایشی	:	« سعد الدین خان
« تعلیمات و نشریات	:	« سید محمد عثمانخان
« حمل و نقل	:	« گل ایاز خان



ع ، ج عبدالحسین خان وزیر فواعد عامه
S. Ex. Abdul - Hossain Khan
ministre travaux publics

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت صحیه

وزیر	:	. . . . .
معین	:	. . . . .
مدیر عمومی حفظ الصحه	:	ع ، جلال الدینخان طرزی
« اجرائیه وماموربن	:	ص ، میرزا محمد ابراهیم خان
« عمومی معاونیت اجتماعیه	:	. . . .
مامور اوراق	:	ص ، صالح محمد خان
مدیر تفتیش	:	. . . . .
مدیر کنترول	:	ص، محمد افضل خان .
مدیر نشریات واحصائیه	:	. .
« حفظ الصحه	:	ص عبدالغفور خان
معاون فنی موسسه اکسریز	:	ص،عزیزالله خان
متخصص موسسهٔ دندان سازی مردانه	:	عزتمند محی الدین بیگ
دکتورش موسسهٔ دندان سازی زنانه	:	محترمه شادیه خانم
سرطبیب موسسات صحیه علی آباد	:	عزتمند جواد بیگ
مدیرهٔ شفاخانهٔ مستورات	:	محترمه زینت بیگم
دکتور معاینه خانهٔ مرکزی	:	فقیر محمد خان
مامورهٔ سنا توریوم مستورات	:	محترمه امیر بیگم
متخصص انستیتوی باکترولوژی وحفظ صحه	:	عزتمند زهدی بیگ



(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت پست و تلگراف وتیلفون



ع ، ج غلام یحیی خان وزیر پست
و تلگراف وتیلفون
S. Ex. Gholam Yahya Khan
ministre des P. T. T.

وزیر	:	ع ؛ ج غلام یحیی خان
معین	:	ع ، ص محمد حسین خان
رئیس تفتیش	:	ع ، ص غلام صفدر خان
مدیر ارتباط خارجی	:	ص ، عبدالقیوم خان
« عمومی پست وتیلفون	:	ع ، محمد سعید خان
« « تلگراف	:	« ، علی گل خان
« محاسبه وکنترول	:	ص ، لعل محمد خان
« اجرائیه ومامورین	:	« ، عبدالخالق خان
« اوراق	:	« ، میرزا پاینده محمد خان

شعب مربوطه:

منتظم دفتر مرکزی تلگراف	:	ص ، محمد امان خان
منتظم دستگاه آخذهٔ بی سیم یکه توت	:	ص ، محمد حسین خان
منتظم دستگاه مرسلهٔ مهتاب قلعه	:	ص ، غلام سرور خان
منتظم تلگراف سیار	:	. . . . .
متخصص تیلفون کیبل	:	ص ، عبدالمجید خان
مدیر عمومی رادیو	:	ع ، عطاءالله خان

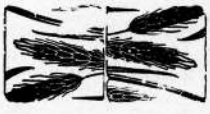

(c) ketabton.com: The Digital Library

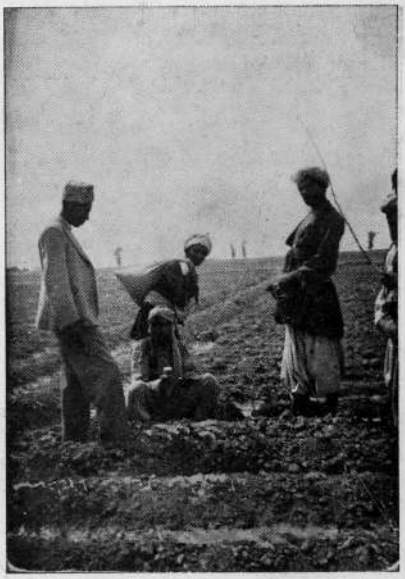

بذر پنبه (طریقه جویه بذر)



قد پنبه



طریقه قلمه شانی درماه های تابستان
امتحان شعبه قندوز

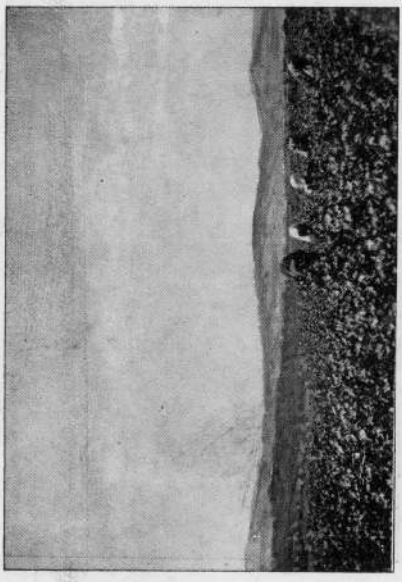

چین پنبه

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت معادن

وزیر	:	ع ، ج رحیم الله خان
معین	:	« ، ص د کتور عبدالله خان
مدیر عمومی		
اقتصادی	:	ع ، غلام محمد خان
مدیر عمومی فنی	:	« ، سید عبدالاحد خان
مدیر مامورین	:	. . .
مدیر اوراق	:	. . .
مدیر کنترول	:	. . .
مدیر تفتیش	:	ص، محمد احسان خان
مدیر کشافی	:	« غلام علی خان
سرکاتب خصوصی	:	. . .



ع ، ج رحیم الله خان وزیر معادن
S. Ex. Rahimullah Khan ministre des mines

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریاست مستقلهٔ زراعت

رئیس	:	ج ، محمد یوسف خان
معین	:	. . . . .
رئیس فارم زراعتی قندوز	:	ع ، ص، نور محمد خان
مدیر عمومی زراعت	:	ع محمد زمان خان
« دفع آفات و تفتیش عمومی جنگلات	:	ص ، غلام صدیق خان
« « بانك زراعتی و احصائیه	:	. . . . .
« اجرائیه و مامورین	:	ص، نادر علیخان
« کنترول	:	« میرزا عبدالرؤف خان
« اوراق	:	« میر محمد هاشم خان



ج ، میر محمد یوسف خان رئیس مستقل زراعت

S.Ex. Mimr M. Yossuf Khan chef de département de l' agriculture

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریاست مستقلهٔ مطبوعات

رئیس : ج ، صلاح الدین خان
معاون : ع ، عبدالحی خان حبیبی
مشاور شرعی : « قاری عبدالله خان ملك الشعرا
مدیر عمومی نشریات : « سید قاسم خان رشتیا
« « آژانس : « عبدالرشید خان لطیفی
« « پښتو ټولنه : « ع ،عبدالحی خان حبیبی معاون ریاست
« « مطابع : « عبدالغفور خان « برشنا »
« رادیو وکلوپ : « سرور خان گویا « اعتمادی »
« اجرائیه : ص ، امیر محمد خان
« کنترول : « میر حسام الدین خان
کفیل مامور اوراق : « میر احمد خان



ج ،صلاح الدین خان رئیس مستقل مطبوعات
S. Ex. Salahoddin Khan Chef du département de la presse

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات ولایات ،حکومتی های اعلی :

وحکومتی های کلان :

ولایت کابل

وکیل والی ولایت کابل	:	و ، ج ، محمد اسمعیل خان
مستوفی	:	ع ، ص ، سید حبیب خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ع ، ش ، طره باز خان
مدیر خزانه	:	ص ، محمد اسمعیل خان
کفیل مدیر مخصوص	:	« محمد سرور خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص ، غلام حیدر خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبدالباقی خان
کفیل مدیر معارف	:	« سید عبدالله خان
نمایندهٔ آژانس	:	« عبدالحنان خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	ع،ص غلام حیدر خان
حاکم کلان غزنی	:	ع ، ع ، سید عباس خان

ولایت قندهار :

وکیل نائب الحکومه	:	ع،ش،علی شاه خان وکیل نائب الحکومه وقوماندان عسکری
مستوفی	:	ع ،ص، محمد نعیم خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا اختر محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص ، فخرالدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف،ملا صاحب جان
مدیر خارجه	:	ص، عبدالرحمن خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر تحریرات	:	ص ، محمداسمعیل خان
« مخابرات	:	« ، گل احمد خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمدیوسف خان
وکیل مدیر خزانه	:	« ، عبدالحمید خان
مدیر معارف	:	« ، غلام جیلانی خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	:	ع ، ص غلام قادرخان
مدیر فواید عامه	:	. . . .
« احصائیه ونفوس	:	ص، امین الله خان
« زراعت	:	« ، عبدالغفور خان
نماینده آژانس	:	« ، محمدسرور خان
مدیر فیصله منازعات تجاریه	:	« ، غلام فاروق خان

ولایت هرات

نائب الحکومه	:	و ، ج ، محمد قاسم خان
قوماندان قوای عسکری	:	ع ، ش ، محمدقاسم خان فرقه مشر
مستوفی	:	ع ، ص، میرزا سیدمحمد خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملااحمد علیخان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، خدابخش خان
مدیر امور خارجه	:	ص ، سلطان عزیز خان
« تحریرات نائب الحکومه گی	:	« ، عبدالقدیر خان
« زراعت وجنگلات	:	« ، محمدزمانخان
« صحیه ودکتور	:	« ، عبدالغنی خان
« فوائد عامه	:	« ، محمدعمر خان
« احصائیه	:	« ، محمدالدین خان
« مخابرات	:	« ، محمدعلم خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	:	ع ، ص ، عبدالقادر خان
مامور معارف	:	ص ، عبدالواحد خان
مدیر خزانه	:	« ، حاجی گل محمد خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبدالاحد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه	:	و، ج ، گل احمد خان
قوماندان قوای عسکری	:	ع ، ش الله داد خان فرقه‌مشر
مستوفی	:	ع ، ص ، عزیز الله خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، عبدالجلیل خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا عبدا لرحمن خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص ، خواجه تاج‌الدینخان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبد السمیع خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	:	ص ، عبدالاحدخان
مدیر خزانه	:	ص ، میرسکندر شاه خان
« مخابرات	:	ص ، غلام غوث خان
« معارف	:	ص ، عبدالرسول خان
« فواید عامه	:	ص ، دادمحمد خان
وکیل مدیر زراعت	:	ص ، محمد علی خان
مدیر احصائیه ونفوس	:	ص ، سید جعفرخان
وکیل مدیر صحیه	:	ص ، عبد الرحیم‌خان
رئیس امور روضه شریف	:	ف ، نور محمد خان

ولایت قطغن و بدخشان

رئیس تنظیمیه	:	ع، ج ، ا، ا نشان محمدگل خان
قوماندان قوای عسکری	:	ع ، ش ، محمدجعفرخان فرقه مشر
مستوفی	:	ع ، ص ، محمدسرور خان
وکیل قوماندان کوتوالی	:	ش عبدالقادر خان
قاضی مرافعه	:	. . .
« ابتدائیه	:	. . .
مدیر تحریرات	:	. . .
مدیر خزانه	:	ص ، عبدالرشید خان
« گمرك	:	ص، محمدانور خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر مخابرات	:	ص نیك محمدخان
کفیل مدیر زراعت	:	« غلام بهاوالدین خان
« مدیر صحیه ومعاون داکتر	:	« محمد جعفر خان
« « احصائیه ونفوس	:	« صالح محمدخان
مدیر معارف	:	« محمدطاهر خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« فضل احمدخان
نمایندهٔ اژانس	:	« غلام حضرت خان

حکومت اعلای مشرقی

حاکم اعلای مشرقی	:	ع ، ع ، ص عبدالحکیم خان
کفیل قوماندان عسکری	:	ح ، محمدعلم خان غند مشر
وکیل سررشته دار اعلی	:	ص ، محمد حسین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا عبدالله خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمدجانخان غند مشر
مدیر گمرك	:	ص ، آغاجانخان
قاضی ابتدائیه	:	. . . .
مدیر خارجه	:	ص ، محمداخترخان
کفیل مدیر صحیه	:	« فقیرمحمدخان
مدیر زراعت	:	« مسجدی خان
« فوائد عامه	:	ص ، غلام حیدر خان
مامور تحریرات	:	ص،عبدالرزاق خان
کفیل مدیر معارف	:	ص،عبدالمحمدخان
« « مخابرات	:	میرزا غلام نبی خان
نمایندهٔ آژانس	:	ص سید فقیر خان

حکومت اعلای جنوبی

حاکم اعلی	:	ع ، ش ، س ، ع ، محمد افضل خان فرقه مشر اول
سررشته داراعلی	:	ص ، عبدالمجید خان
قوماندان کوتوالی	:	ش مدد خان کندك مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

قاضی مرافعه	:	ف ، ملا سید کاظم خان
مدیر خارجه	:	ص،سلطان علیخان
« گمرك	:	ص ، عبدالمجید خان
وکیل مدیر صحیه	:	ص ، محمد سرور خان
مامور معارف	:	ص ، علیجانخان
« فواید عامه	:	ص ، مدد خان
« مخابرات	:	ص ، عبدالغفورخان
کفیل مامور زراعت	:	ص ، مرزا غلام رسول خان
« « تحریرات	:	ص ، غلام حیدر خان
نماینده آژانس	:	ص ، محمدعمر خان

حکومت اعلای میمنه

حاکم اعلی		ع،ع ، ص محمد عزیزخان
سر رشته داراعلی	:	ع ، ص نورمحمد خان
قاضی مرافعه	:	ف ،ملا محمد یوسف
قوما ندان کوتوالی	:	ش ، عبدالغفور خان
مدیر گمرك اندخوی	:	ص ، محمود خان
مامور گمرك میمنه	:	« محمداسمعیل خان
مدیر فوائد عامه	:	« سلطان عزیز خان
سرکاتب کنترول فواید عامه	:	« میرمحمد حفیظ خان
مامور تحریرات	:	« حاجی عزیزالله خان
سر کاتب خارجه	:	« محمد عثمان خان
مدیر صحیه	:	« محمد ابراهیم خان
مامور مخابرات	:	« عبدالسمیع خان
« زراعت	:	« آقا رحیم خان
« خزانه	:	« ملا طوره خان
« معارف	:	« محمد اکرم خان
منتظم تلگراف	:	« عبدالرحیم خان
مامور احصأیه	:	« عبدالعزیز خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مامور حمل‌ونقل : « . . . . .

رئیس فیصله مناز عات تجار یه : ع « احمد جا ن خا ن

حکو مت اعلای فراه

حا کم اعلی : ع ، ع ، ص عبد الصمد خـان

وکیل قوماندان قوای عسکر ی : ح ، سید غریب شاه خان

سر رشته داراعلی : ص ، عزیزاحمد خا ن

قاضی مرافعه : ف ، ملا عبد الرزا قخان

قوما ندان کوتوالی : ش ، عبدالقیوم خان کندك مشر

کفیل مدیر صحیه : ص ، محمد طاهر خا ن

مامور زراعت : ص ، محمدامان خان

مامور گمرك : ص ، رحمت‌الله خان

کفیل مامور تحریرات : ص ، غلام رسول خان

مامور مخابرات : ص ، میرزا رجب علی خان

« معارف : ص ، عبد الحمید خان

مدیر فواید عامه : . . .

نماینده آژانس : ص ، امیر محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات دوائر ملی

ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسهٔ ریاست شورای‌ملی :

رئیس	:	ع ، ج ، عبدالاحد خان
معین اول	:	ع ، ص ، سیدمحمد یونس‌خان
« دوم	:	« « سید محمد خان
منشی	:	ع ، عبداللطیف خان
سرکاتب مجلس	:	ص ، عطاء محمد خان
مامور کنترول	:	« محمد حسین خان
سرکاتب اوراق	:	« عبدالغفور خان

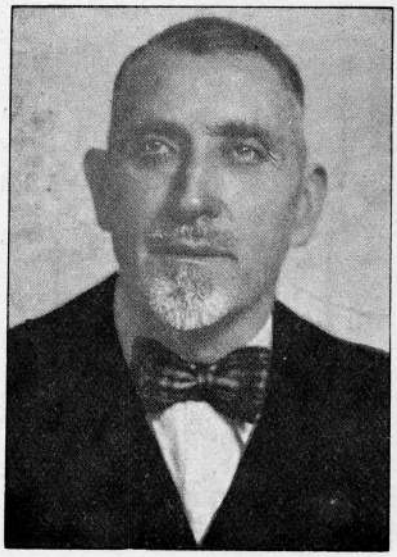

ع ، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی
S.Ex. Abdul Ahad Khan président du Conseil National.

وکلا :

وکیل شهر کابل	:	ص ، سید جلال الدین خان
« شش کروهی	:	« عبدالصمد خان
« پغمان	:	« محمد علیخان
« لوگر	:	« حاجی محمد ابراهیم خان
« میدان	:	« مولوی عبدالقدوس خان
« وردك	:	« عبدالقیوم خان
« سروبی	:	« عبدالمؤمن خان
« چهاریکار	:	« میرزا محمد جانخان
« جبل السراج	:	« حاجی امیر محمد خان
« کوهدامن	:	« سیداحمد خان
« ریزه کوهستان	:	« عبدالحبیب خان
« تگاب	:	« محمد یعقوب خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل نجراب	:	ص ، غلام نبی خان
« سیغان وکهرمرد	:	« احمد جانخان
« پنجشیر	:	« عبد الروف خان
« بامیان	:	« سید طاهر شاه خان
« سرخ و پارسا	:	« سید اسمعیل شاه خان
« غور بند	:	« محمد قاسم خان
« غزنی	:	« حکیم خان
« مقر	:	« حاجی عبد القیوم خان
« ده شین کته واز	:	« آزاد خان
« کوچی دامانی کته واز	:	« علی گل خان
« دایزنگی	:	« محمد نعیم خان
« بهسود	:	« میر محمد علیخان
« یکاولنگ	:	« میر حبیب الله خان
« جاغوری	:	« محب علیخان

ولایت قندهار :

وکیل شهر قند هار	:	ص ، عبد القیوم خان
وکیل شهر دند	:	« غلام دستگیر خان
« کدنی	:	« محمدشاه خان
« ترین	:	« فیض‌الله خان
« کشك نخود	:	« محمداقبال خان
« ارغستان	:	« احمد شاه خان
« دهله	:	« محمدسعید خان
« گرشك پشت رود	:	« محمدموسی‌خان
« موسی‌قلعه‌زمین‌داور	:	« عبد الحمید خان
« گرم سیر	:	« یار محمد خان
« گیزاب	:	« محمدحسن خان
وکیل اروز گان	:	« مولا داد خان
« ترنك وجلدك	:	« حاجی عبدالسلام خان
« اجرستان	:	« خان محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل قلات : ص حاجی عبدالمحمدخان
« کوچی قندهار : « اسمعیل حبیب خان

ولایت هرات :

« کوچی پشت‌رود : « دوست محمد خان
« شهر هرات : « حاجی غلام‌نبی خان
« بلوکات : « حاجی محمدقاسم خان
« غور : « عبد الوهاب خان
« شین دند : « احمدجان خان
« غوریان : « نصرالدینخان
« کشك وگلران : « سیدغیاث‌الدین خان
« بالا مرغاب : « عبدالقادر خان
« اوبه : « حاجی فیض‌محمد خان
« تولك وتگابسان : « عبدالرحمن خان
« شهرك : « غوث‌الدین خان
« چقچران : « محمدیعقوب خان

ولایت مزار:

« نهر شاهی : « سراج الدینخان
« سنگ چارك : « عبدالکریم بیگ خان
« آی بك : « مرزا کلان خان
وکیل سرپل : « عبدالرحمن خان
« آقچه : « عبدالروف خان
« دولت آباد : « محمدانورخان
« دره صوف : « محمدرحیم خان
« شبرغان : « میرمحمداسلم خان
« بلخ : « عزیزالله خان

ولایت قطغن وبدخشان :

« شهرخان‌آباد : ص غلام حیدر خان
« قندوز : « عبدالغیور خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل نهرین : ص سیدمیرزا خان
« اندراب : « محمد اکبر خان
« تالقان : « سیدمحمدخان
« حضرت امام : « صاحب نورخان
« چال واشکمش : « میرفضل احمد خان
« غوری : « عبدالله خان
« رستاق : « عبدالعزیز خان
« ینگی قلعه : « محمدنبی خان
« جرم : « غلام محمد معصوم خان
« درواز : « شاه منصورخان
« واخان وزیباك : « سلطان علیخان

حکومت اعلی مشرقی :

« شهرجلال آباد : « سید محمد اکبرخان
« سرخ رود : « عبیدالله خان
« لغمان : « سید حمزه خان
« نورستان : « مشك عالم
« خوگیانی : « عبدالرشید خان
« شنوار : « محمدگل خان
« مهمند : « محمدخان
« رودات : « ثنا گل خان
« کامه : « محمدمراد خان
« حکومت کلان اسمار : ص ، مجاهدین خان
« دره پیچ : ص ، عین‌الله خان
« مرکز درهٔ سین : « عتیق‌الله خان
« حصارك غلجائی : « حاجی گل علم خان
« کوچی ننك نهار : « محمدهاشم خان

حکومت اعلی جنوبی :

وکیل ذرمت : ص غلام محمدخان
« خوست : « میرزا محمدخان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل خوست	:	« گل صاحب خان
« ارگون	:	« اسمعیل خان
« جدران	:	« خان گل خان
« منگل	:	« خانجان خان
« چمکنی	:	« یارمحمدخان

حکومت اعلی میمنه :

وکیل شهر میمنه	:	ص ابو قاسم خان
« تگاب شیرین	:	« سید ابوالخیرخان
« اند خوی	:	« چهاریار قل‌خان
« درزاب وگرزی وان	:	« محمداسلم خان
« قیصار	:	« آستانه قل خان

حکومت اعلی فراه :

« مرکز فراه	:	ص سلطان محمد خان
« چخانسور	:	« عبدالوکیل‌خان
« بکواه وخاشرود	:	« درمحمدخان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریاست اعیان



ع ، ج عطا محمد خان رئیس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
président du Sénat.

رئیس : ع ، ج ، میر عطا محمد خان
معاون اول : ع ، ص، حاجی محمد اکبر خان
« دوم : « « عبدالرحیم خان
رئیس تمیز : « « حافظ عبدالغفار خان
منشی : « « مرزا محمود خان
عضو مجلس : ع ، سردار گل محمد خان
« : « حاجی خیر محمد خان
« : « عطا محمد خان
« : « عبدالحکیم خان
« : « معاذالله خان
« : « شرف الدینخان
« : « جان محمد خان
« : « سیدیاقوت شاه خان
« : « ایشان امان الدینخان
« : « ملك رحمدل خان

عضو مجلس : ع ، حاجی مرزا عبدالرحیم خان
« : « خان آقا خان
« : « اخندزاده محمد رسول خان
« : « عبدالغفور خان
« : ع حاجی عبدالحکیم خان
« : « سید فیض الله خان
« : « حاجی مرزا محمود خان
« : « مرزا عبداللطیف خان
« : « امین الله خان
« : « محمد عمر خان
« : « عبدالستار خان
« : « میر محمد علیخان آزاد
« : « سید احمد شاه خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

عضو مجلس : « علی احمدخان
« : « محمدحسن‌خان مهمند
« : « خداداد خان
« : « نظرمحمدخان
« : « محمدحسن خان وردکی
« : ف ، ملامحمد پذیر خان
« : ع ، نور الله ینخان
« : « حاجی محمدشریف خان
« : « غلام رسول‌خان
« : « ، محمدا کبر خان
« : « سیداحمد خان
« : « بشیر احمد خان
« : « خواجه محمد خان
« : « محمد یعقوبخان
« : « محمد حسین خان
« : « خواجه جانگل خان
« : « محمد اسحق خان
« : « حاجی شایگ خان
« : « دیوان حکم چند

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات دوائر حضورشاهانه



ع،ج والاحضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار ناظر کارخانه : « ، حاجی نظر محمد خان
S. A. Ahmad Cha A Khan ministre de la cour فراش باشی : « عبدالرشید خان
مدیر خزانه : « ، عبد الباقی خان

وزارت دربار

وزیر : ع ، ج و الا حضرت سردار احمد شاه خان
معین : ع، ص ،محمد حیدر خان
سرکاتب مخصوص : ص ،میرعلی احمد خان
مدیر عمومی :
کنترول ع ، عبدالو هابخان
« تشریفات : ص ، عبدالرشید خان
« تنظیمات : « ، عبد الرحیم خان
« نقلیه : « میر اکبر خان
« دواخانهٔ حضور : « عبد النبی خان

خانه سامان باشی : ص ، صالح محمد خان
عرض بیگی حضور همایونی : « ، محمد اسمعیل خان
موتر ران باشی : « ، خواجه محمد خان

مصاحبین حضور شاهانه

ع ، ص محمد اکبر خان
« « سلطان احمد خان
« « حاجی محمد نواب خان
« « صالح محمد خان
« « محمد سرور خان

(c) ketabton.com: The Digital Library



وکیل سرمنشی ع ، ج ، میر محمد حیدر خان
S. Ex. Mohammad Haïdar Khan
secrétaire privé par intérime

دارالتحریر شاهی

وکیل سر منشی	:	ع، ج، میر محمد حیدر خان
مشاور	:	ع ، سراج الدینخان
مدیر قلم مخصوص	:	ع ، نور محمد خان
« شعبهٔ اول	:	« ، حافظ نور محمد خان
کفیل مدیر شعبه دوم	:	ص ؛ عبدالقدوس خان
مدیر اوراق	:	ع، غلام قادر خان

* * *

سریاوری حربی حضور همایونی

سریاور حربی	:	ع ، ش عبدالغفور خان فرقه مشر
معاون سریاور	:	« « محمد لطیف خان فرقه مشر
یاور حربی	:	« « فیض محمد خان فرقه مشر
« «	:	ح محمد حسین خان
« «	:	« محمد یعقو بخان
سر کاتب تحریرات	:	پاینده محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات دوائر متفرقه

ریاست مطبوعات :

رئیس	:	ع ،ص عبدا لرسول خان
معاون	:	. . . .
مدیر اجرا ئیهٔ خارجه	:	ص، محمد عثمان خان
مدیر محاسبه وکنترول	:	ص، محمد سرور خان
کفیل‌مدیر اقتصاد	:	« جلال الدین خان
سر کاتب مامورین	:	« محمد اسحق خان
مامور اوراق	:	« غلام رسول‌خان
خزانه دار	:	« باز محمدخان
تحویلدار ذخیره	:	« عبدالغفار خان

مطبوعات :

مدیر روز نامه اصلاح	:	ع ، عبدالرحمن خان « پژواك »
« « انیس	:	ع ، محمدامین خان‌خوگیانی
مدیر مجلهٔ آئینه عرفان	:	ع ، ص، هاشم خان شائق رئیس‌تعلیم‌وتربیهٔ وزارت‌معارف
« مجلهٔ اقتصاد	:	ع ، محمد زمان خان «تره کی» مدیرعمومی‌انطباعات
« مجلهٔ اردوی افغان	:	از طرف دائرهٔ تعلیم وتر بیهٔ وزارت حربیه نشرمی شود
« مجلهٔ صحیهٔ	:	. . . . .
« جر یدهٔ طلوع افغان	:	ص‌عبدالحی‌خان حبیبی
« « اتفاق اسلام	:	« محمدکریم خان صدیقی
« اتحاد خان آباد	:	« سید محمدخان بدخشی
« اتحادمشرقی	:	« شمس‌الدین خان قلعه تبکی
« جریدهٔ بیدار مزار	.	« عبدالصمد خان جاهد
« مجلهٔ کابل	:	« محمد قدیر خان‌تره کی
جریدهٔ زیری	:	از طرف پښتو ټولنه (شعبه زبان) نشر می شود

(c) ketabton.com: The Digital Library

اجراآت دوائر مملکتی

سالنامهٔ کابل افتخار دارد که در ختم هرسال پیش رفت یك قدم وسیع وفراخی را درتمام امورات مملکتی به مطالعین عزیز خود مژده میدهد .

بدون مبالغه اجراآتی که درظرف این سال وسنوات قبل برای ترقی امور مملکتی واصلاح نواقص اداری وکشوری ازطرف حکومت متبوعه به عمل آمده است برای هرفرد حساس ومنتظر ترقی وسعادت این ملت ووطن مایهٔ بسا امید واری و افتخار است .

سال ۱۳۱۸ مثل سنوات قبل بلکه بهتر و بیش تر ازان هادورهٔ فعالیت وجدیت دوائر مملکتی ما بوده است زیرا درین سال در زیر سایهٔ همایهٔ پاد شاه جوان وترقی پرور افغانستان اعلیحضرت معظم محمد ظاهرشاه افغان وزحمات خستگی ناپذیروالاحضرت افخم صدراعظم صاحب وتمام وزرای محترم امورات اداری ، اصلاحی ، عمرانی وسائر رشته های کشوری ولشکری پیش رفت کاملی نموده بما حق ووظیفه میدهد تا باستناد این اجراآت درمحضرسائرین افتخار ودرحضور اعلیحضرت همایونی ووالاحضرت صدراعظم صاحب وسائر اعضای کابینه تقدیرکار وشکرگذار باشیم وازخداوند بقای سایهٔ این شاه مصلح ومربی ملت ووطن راطالب گردیم .

این است که در ذیل رؤس مسائل و اجراآت ۱۳۱۸ دوائر دولتی را بصورت اختصار درج سالنامه مینمائیم .

امور حربیه

البته تاوقتی نسل بشر برروی زمین هست واین کرهٔ خاکی در تحت حاکمیت این مخلوق وجود دارد حس مفاد و استفاده توأم با اعمال بشر میباشد و این حس استفاده همان طوریکه ازاول تاریخ تا امروز مقدرات بشررا معین کرده تاریخ اورا تشکیل داده است در آینده هم برای پیدایش وترقی و بالاخره محوواضمحلال مدنیت ها رول بزرگی را به عهده خواهد داشت

این حس منفعت خواهی انسان ها را دائماً بر علیه هم دیگر برانگیخته و براي اینکه مفاد ملی و قومی خود را از دست برد و تطاول دیگران حفظ کنند انسان ها را دائماً به تشکیل اردو های موقتی ودائمی و عساکر سفری وحضری سوق داده است و اکنون هم ملل جهان بنا بر دونقطهٔ نظر پیوسته درتقویهٔ اردو وعساکر خود میکوشند :

۱ـ مللی که بالای دیگران بنای تجاوز و حمله را دارند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ـ مما لکی که خیال حمله و تجاوز را نداشته محض خواهان حفظ استقلال و موجودیت و مفاد ملی خود اند مملکت عزیز ما افغانستان از ابتدای زمام داری اعلیحضرت مغفور شهید باین طرف برای حفظ استقلال وشرف و ناموس ملت به تشکیل اردوی منظمی پرداخته زمام این اردورا بدست باکفایت یگانه مرد رشید وسپاهی وطن ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت سردار شاه محمود خان غازی و زیر حربیه سپردند و إلحمدالله این اردو سال بسال نواقص خود را رفع و اکنون بحال یك اردوی منظمی که از هر حیث برای دفاع ازمملکت طرف اطمینان واعتماد است درآمده واینك اجراآت امسال این اردوی شاهانه رامثل سنوات گذشته به بسیار اختصار درج سالنامهٔ کابل مینمائیم :

ریاست ارکانحربیهٔ عمومی :

مسلم است که ریاست ارکانحربیهٔ عمومی وزارت حربیه ، منبع سوق ، اداره، تعلیم و تربیهٔ اردو بوده در خصوص تکمیل تسلیحات وتجهیزات و غیرهٔ اردو بامقامات مربوطهٔ آن امداد نموده وتمام اجراآت مهمهٔ عسکری ازین مرجع صورت میگیرد . در رأس این ریاست مهمه ع ، ش ، محمدعمرخان فرقه مشر رئیس ارکان حربیهٔ عمومیه موظف میباشند واین ریاست مرکب ازشعباتی است که در ذیل اجراآت آن هارا خلاصه مینمائیم .

مدیریت عمومی حرکات :

این مدیریت درتقسیمات عمومیه ووضع سوق الجیش اردوغور وتدقیقات لازمه بعمل آورده .
وبرای اصلاح وبهبود اردو پروژهای لازمه را مدنظر گرفته است .
اعطای هدایات لازمه راجع به تغیرات وتبدلات وپسته‌های حدود وتعمیر یك سلسله عمرانات وتهانه های عسکری در مواضع معینهٔ حدود مملکت .

تبلیغ هدایات لازمه راجع به تأمین معاملات حدود بمراجع آنها وراجع به قضایای سرحدیه وتقدیم بعضی پیشنهادات لازمه بوزارت خارجه .
ازنقطهٔ نظر عسکری ترتیب لوائح حرکات حربیه وامورات عمومیهٔ اردو .
ترتیب اعطای اوامر عسکریه که حسب وظائف مقتضیه درمعرض اجرا آمده است .
هدایات وترتیبات لازمه ازنقطهٔ نظر حربیه که بقوماندانی های عسکری تبلیغ نموده است نظر به ارادهٔ سنیه حضور مبارك همایونی بمقصد پیشرفت امور تعلیم وتربیهٔ اردو یك دایره بنام مفتشیت اردو جدیداً تشکیل گردیده که این مفتشیت از جانب یك نفر فرقه مشر و یا نائب سالاریکه درقطعه ابراز لیاقت نشانداده باشد اداره می شود .
نظر به توریدوتزئیدطیارات جدید قوماندانیت قوای هوائی مجدداً بصورت مکمل تری تشکیل گردیده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل قلات : ص حاجی عبدالمحمدخان
« کوچی قندهار : « اسمعیل حبیب خان

ولایت هرات :

« کوچی پشت‌رود : « دوست محمد خان
« شهر هرات : « حاجی غلام‌نبی خان
« بلوکات : « حاجی محمدقاسم خان
« غور : « عبد الوهاب خان
« شین دند : « احمدجان خان
« غوریان : « نصرالدینخان
« کشك وگلران : « سیدغیاث‌الدین خان
« بالا مرغاب : « عبدالقادر خان
« اوبه : « حاجی فیض‌محمد خان
« تولك وتگابسان : « عبدالرحمن خان
« شهرك : « غوث‌الدین خان
« چقچران : « محمدیعقوب خان

ولایت مزار:

« نهر شاهی : « سراج الدینخان
« سنگ چارك : « عبدالکریم بیگ خان
« آی بك : « مرزا کلان خان
وکیل سرپل : « عبدالرحمن خان
« آقچه : « عبدالروف خان
« دولت آباد : « محمدانورخان
« دره صوف : « محمدرحیم خان
« شبرغان : « میرمحمداسلم خان
« بلخ : « عزیزالله خان

ولایت قطغن وبدخشان :

« شهرخان‌آباد : ص غلام حیدر خان
« قندوز : « عبدالغیور خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

فراغت یك‌عده ضابطان از دورهٔ اول کورس نقلیه وتوظیف آن‌ها به قطعات مربوطه وآغاز دورهٔ دوم مذکور .

یك‌تعداد ضابطان وافراد موزیکه قطعات که‌شامل کورس قانفار گردیدند ودورهٔ تحصیلهٔ خود را به پایان رسانیده داخل قطعات خود شدند .

برای تربیه قانفار های قطعات استخدام مداومین آن از افراد جلبی واد خال آن ها بکورس موزیك .

تثبیت یك پروگرام صحیح برای کورس جدید التاسیس معلمین موزیك وتکمیل مداومین آن از خوردضابطان وضابطان قانفار های قطعات .

انجام یافتن باموفقیت یك‌دورهٔ مکتب موزیك‌حربیه وآغاز آن به‌دورهٔ دیگر .

ترجمه وطبع کتاب تخنیك جهاز تیلفون و تیلگراف .

« « کتاب‌محاسبه‌عسکری نظر به‌مقتضیات صنف لوازم، چون‌سیستم‌محاسبات‌اردو، ازمحاسبات دیگر دوایر کشوری بصورت خصوصی بوده ازخود اصولات علیحده دارد لذا برای رهبری اصولات وسیستم محاسبات اردو درین اواخر یك کتاب ضخیمی بنام محاسبهٔ عسکری از طرف متخصصین مسلك تالیف وترجمه وبعد ازطبع شایع شده است .

ترجمه وطبع کتاب انداخت هوائی

« « « تعلیمنامه اردمان

« « « اول مسلك لوازم

« « « تعلیمنامه تطهیر اسلحه

« « « سوق واراده

تالیف « « عسکریت دراسلام

ترجمه « « تعلیمات نامهٔ خدمات داخلیه بحال مسوده

« « « « دافع تانك ومین انداز .

مقتشیت اردو :

اردوی افغانستان نظر به‌یمن وسایقهٔ توجهات یگانه قائداعظم و توانای خویش اعلیحضرت جوان بخت همایونی المتوکل علی‌الله که‌همواره درترقی وتکامل اردوی شاهانه نظریات فیاضی داشته‌وتوجه مخصوصی مبذول‌میدارند وبه‌مساعی‌جمیله واهتمامات خسته‌گی ناپذیر عالیقدر جلالتمآب ا ، ا ، نشان والا حضرت افخم سردار شاه محمود خان سپه سالار ووزیر صاحب حربیه غازی به سرعت مراحل ترقی و تکامل خودرا می‌پیمایند ومجاری امور اردو طوری است که‌اجرای امید های دیرینه را نمایندگی می‌کند ، چون درتسریع امور تکامل نواقص وتفتیش اجرا آت

(c) ketabton.com: The Digital Library

قطعات صنوف مختلفه اردو بایست تدقیق وغور بعمل میآمد تاو ظائف لازمه بر حسب اصولا ت موضوعه و نظامات معینه وتعلیمات مسلکیه ایفا وجریان می یافت واینکه اردوی همایونی باسرع اوقات بیش ازپیش چه از نقطهٔ تعلیم وتربیه وچه از نقطه نظر تکمیل ضروریات وتجهیزات وغیره بدرجه وپیمانهٔ بلندی ارتقا یافت ونواقص وسکته گی ها هرچه زودتر رفع ودفع میگردید بتاسیس یك مقام رفیع وشامخ صلا حیت دار عسکری مجبوریت احساس میگر دید ، خو شبختانه امروز میبینیم که نظر بهامر وارادهٔ سنیهٔ اعلیحضر ت همایونی برای اجرای همچه وظائف اخیراً فتشیت عمومی اردو (دگردو اردو پلتون لمی) باتشکیلات بزرگ ووسیع عسکری تشکیل وتنظیم گردیده وبهجهت اینکه وظائف سنگین ومهم محولهٔ آن باحسن صورت کماینبغی اجراشده بتواند ، درراس آن تقرر وموجودیت یك ذات فهیم وعالی ومقتدر ومجرب باکفایت محسوس میگردید این است که ع،ش ، س،ع اسدالله خان فرقه مشراول که یکی ازاجلهٔ صاحب منصبان ارشد نظامی وجوان مقتدر فعال باکفا یت ولایق ریا ست این مقام رفیع بو دند ازحضور اعلیحضرت عسکر پرور مادررأس مفتشیت مذکور بحیث مفتش عمومی اردو وع ، ش عبد ا لقیوم خان فرقه مشر سابق قوماندان قطغن وبدخشان وح، محمدصفر خان غندمشر اول سابقاقوماندان لوای شاهی که ازجوانان فعال وصاحب منصب مقتدر اردواندا ول الذکر بحیث معاون و موخرالذکر بحیث رئیس ار کان حربیه مفتشیت اردو عزتقرر حاصل نموده اند ، مفتشیت مذکور دارای معاونیت ریاست ارکان ومتخصصیت ها وشعبات مختلف ومتعددی که برأس هریك ازآن صاحب منصبان لایق وتجربه دیده که اکثر آن ها ازجملهٔ فارغ التحصیلان ممالك خارج بوده ودررشتهٔ خود ها تخصص کامل حاصل وبامعلومات مکمل ومکفی بوطن خویش مراجعه نموده اند بواسطهٔ همین تشکیلات وسیع که بهکار های بزرگ عمدهٔ این موسسهٔ جدید التاسیس راباجدیت فوق العاده درین وقت کم اجرا ویاتحت اجرا گرفته است امید میرود که زودتر خو اهشاتیکه ازتاسیس مقام مذکور پرورانیده می شود بعرصهٔ ظهور برسد .

اجراآت امور هوائی :

همچنانکه دردیگر موسسات وزارت جلیله حربیه پیشرفت های نمایانی دیده میشوددر قوای هوائی نیز اصلاحات لازمه وترتیبات روز افزون بمشاهده رسیده که قسمت های قابل الذکر آن را ذیلاً خلاصه مینمائیم :

پیشرفت تعلیم وتربیهٔ هوابازی بصورت اساسی .

قبول تغیرات وتبدلات نظر به تشکیلات جدید قوهٔ هوائی بصورت عصری .

مبایعهٔ یك تعداد طیارات جدید ، تعمیرات لازمه درمیدانهای مرکز واطراف آن .

ورودیك عده هوابازان وطیاره جهت عملیات وپرواز بمیدان مشرقی وقندهار (چون امسال زمستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

قدری سرد بود بنابران نفری جهت عملیات فرستاده شده بودند)

تأسیس مکتب هوائی برای تعلیم صنف پیلوتی ومیخانیکی بمرکز .

تکمیل یك عده مامورین وشاگردان نظر به تشکیل جدید .

فرستادن یك عده مامورین وشاگردان نظر به‌تشکیل جدید .

فرستادن یك عده طلاب هوابازی برای تعلیم میخانیکی به هند .

احراز موفقیت شایان یك قسمت قوهٔ هوائی مادر غایلهٔ ، قندهار، جلال‌آباد ، کتواز .

امور ریاست اردو:

انجام امور عزل ، نصب ، ترفیع ، تبدیل ،برطرفی منسوبین‌عسکری حسب اصول موضوعه عسکری ، انجام معاملات دعوی حقوقی مسایل حسابی ، جلب واحضار منسوبین عسکری .

ترتیب وتنظیم دفاتر سوانح وسجل عمومیه منسوبین عسکری.

انجام معاملات اخذ نفوس وانقسام آن درقطعات وتر خیص افراد بعد ازاختتام دورهٔ تعلیم واعطای تذکرهٔ رخصت به ایشان .

تنظیم وتدویر امور صحیهٔ اردو ومراقبت های جدی‌ازموسسات طبی‌واجزاجی ، بیطاری.

مدیریت عمومی نقلیه ریاست اردو :

تشکیلات قطعات نقلیهٔ میخانیکی که عبارت از صنوف مهمهٔ اردو است ، درین‌سال به تشکیل یك قوماندانیت گروپ وسعت یافته واین تشکیلات که‌بیك پیمانهٔ واسع و احتیاجات بسیار عصری از طرف ریاست ارکا نحربیهٔ عمومیه مرتب گردیده بود عملی گردید ،

اصول تعلیم وتربیه ورسانیدن شوفر ها مطابق یك پروگرام‌صحیح ، تنظیم، وتنسیق گردید که بدینصورت مانندصنوف‌سایرشوفران لایق همه ساله دربین ملت‌افزود می شود.

ضابطان قوماندانیت گر وپ تا درجهٔ لازمه که از ضابطان‌تعلیم یافته ومحصلین کورس نقلیه اکمال گردید ؛ نظر به تشکیلات مذکوره لائحهٔوظائف وتعلیماتنامه خد مات و امور سیر و سفر وقرمیمات ترتیب وتطبیق گردید ،

در خصو ص وسایط وتانك های احتیا ط وتعمیر خانه ها ی ثابت وسیا ر تر تیبات لازمه گرفته شده .

وسایط تعمیر خانه های متذکره تحت یك پلان درست احضار گردیده یعنی قوما ندانیت نقلیه مالك فابریکهٔ ترمیم گردید برای استخدام شوفران دائمی لا یحهٔ قید قبول و مدت خدمت ترتیب گردید .

برای اکمال واحضار نفری صنعت کار به تحت یك پروگرام صحیح لایحه ترتیب گردید تا احتیاجات صنعتکاران قوماند انیت گروپ به اصول صحیح تکمیل شده و بعد از ا کمال دورهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library

خدمت عسکری که میعاد معینهٔ خدمت عسکریت درصنعت کاران افزود گردد .

در تنظیم امور حسابیه موافق با صولات موضوعه یك مدیریت اجرا ئیه به تشکیل گروپ افزود گردید .

عمارت تعمیر خانه والکتر یك خانه ورنگمال خانه والحاصل موسسات صناعتی یك اصول عصری اتمام گردیده بنابرین خصوصیات عموماً وسایط نقلیه یك حالت فعال حاضر گردیده واکمال هرگونه احتیاجات ترمیمیه درداخل تشکیلات قوماندانیت نقلیه تهیه واکمال گردیده است

باین مقصد مدیریت عمومی نقلیه به مقصد وغایهٔ تشکیل خود به اکمال وانجام هرگونه خدمات مودوعهٔ خویش موفق گردید ،

به ترجمهٔ آثار وموسسات عرفانی که موجب ترقیات روحیهٔ افراد منسوبین نقلیه باشد اقدام شد وازین جهت یك اصول موافق قطعات نقلیهٔ عصری تعلیم وتربیه میگردند ،

امور ریاست حربیه :

ریاست مذکور دراکمال احضار وسایط حربیه نسبت به سالهای گذشته بحسن فعالیت دوایر مربوطهٔ خویش توانسته است به انجام وظائف محوله موفق گردد ، قسمتی ازاجرا آت قابل الذکر آن قرار آتی خلاصه می شود توحید وتکمیل اسلحهٔ ناریه وجار حه قطعات مرکز در اطراف خریداری وتوزید یك تعداد طوپهای کوهی جدید ، توپ های ابوس صحرا ، دافع طیاره ماشیندار های دافع طیاره دافع تانك ، مین اندازهای پروانه دار ، تانکهای جدید ، باجبه خانه ها وبم های لازمهٔ آن ؛ اعزام یك هیئت کاریگران برای اصلاح اسلحهٔ دستی وماشین دار های قطعات اطراف ؛ وتکمیل تفنگ ها وماشیندار های ناقص قطعات اطراف ، مگزین .

دادن اوامر راجع به ترمیم وتکمیل اسلحه وجبخانهٔ قطعات واعمال آن توسط ریاست فابریکه حربی ؛ اجرا آت درباب تحصیل اسلحهٔ زمان انقلاب ؛

تهیه واعمال بعضی ازانواع جبخانه ، ماشین دارها وبم های دستی وتعلیمی ، مرمی توپ های آتش وجبخانه های تعلیمی ومانوره ئی ذریعه ریاست فابریکهٔ حربی .

تهیه بارود نواستعمال انشاءآت .

ترتیب وتطهیر جبخانه های بازگشتی وغیره .

تکمیل نواقص کمبود ادوات استحکامی ، تکمیل ونواقص کمبود سامان سراجی .

تکمیل ونواقص کمبود سامان نجاری ، کسبه های اهنگری قطعات .

مخابرات لازمه درباب بدست آوردن معلومات وغیره آلات واداوات کار آمد .

معائنات صحیح طوپهای دافع طیاره ماشیندار های طیاره ، طوپهای ابوس سکوردا .

طوپهای کوهی طوپهای دافع تانك ، تانکهای جدید سامان وتجهیزات آن .

(c) ketabton.com: The Digital Library

معائنهٔ سا ما نیکه جدیداً درفابریکهٔ حربی ساخته شده .
دادن هدایات درخصوص ساختن زین های ماشیندار های سبك .
معائنه سامان ماشیند ارها وتفنگ ها وغیره اسحله که درفابریکهٔ حربی ساخته می شود .
معائنهٔ اسلحه وجبخانه جاجی ومشرقی .

امور ریاست لوازمات :

اکمال البسه وتجهیزات عمومیه نسبت بسالهای گذشته بیك صورت خوبتر .
تدارك خوراکهٔ انسانی وحیوانی درمواضع آن واکمال مواد لازمهٔ عموم شفاخانه ها .

امور ریاست محاکمات :

این ریاست درعموم معاملات حقوقی اردو رسیدگی خوبی کرده ، تطبیق و تعمیم قانون را بطوریکه مطلوب است مراقبت ونظارت کرده است واز یکطرف عند الایجاب به تشکیل دیوان حرب های موقتی وغیره سرعت ورزیده ونتائج خوبی از آن گرفته شده وهم برعلاوه دیوان حرب های قطعات یك دیوان حرب عالی از صاحب منصبان برجسته و تجربه کار ترتیب درامورمسایل حقوقی ووضع اساسات مقننهٔ اردوخدمت شایانی نموده است .

امور مدیریت عمومی استخبارات :

این مدیریت در ار دو حایز اهمیت مهمی بوده به تمام قدرت وتوانائی خویش و ظائف مرجوعهٔ خودرا حسب المطلوب ایفا وجریان امورات اردو را بهحورش بدقت مراقبت ونظارت کرده توانسته است .

امور مدیریت عمومی اوراق :

ارسال ومرسول اوراق واوامر عسکری بصورت بسیار سریع وحسن انتظام ترتیب دوسیه های اوراق ؛ علاوه برین اجرائیهٔ امور ریاست اصلاح وترقی ، مدیریت تعمیرات ، مدیریت سنجش ، مدیریت قلم مخصوص ، مدیریت تحریرات ، ریاست قبایل که ذکرآن بطوالت می انجامد هرکدام بمرتبهٔ خویش خیلی اهم وبرای پیشرفت وبهبود عمو اردو خدمات شایانی نموده اند.

مقرری های مهمه در وزارت حربیه

مشاورحربی حضورمبارك شاهانه : ع ، ع ، ش ، سرداراعلی محمد غوث خان نائب سالار
قوماندان قوای مرکزی : ع ، ش ، سردارعالی محمد داؤد خان
« فرقه قندهار : « « « علی شاه خان
رئیس مفتشیت اردو : « « « اسد الله خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

معاونیت مفتشیت اردو	:	ع ، ش عبدالقیوم خان فرقه مشر
رئیس دیوان حرب دائمی	:	« « عبدالقیوم خان «
فرقه مشرقوای مرکزی	:	« « عبدالاحد خان «
وکیل قوماندانی فرقه غزنی	:	ح ، غلام رسول خان
متخصص سواری مفتشیت اردو	:	ح سید احمد خان
به قوای مرکزی	:	ح سید عالم شاه خان
بدیوان حرب دایمی وزارت حربیه	:	ح محمد ایاز خان
به غند ۳ فرقه قندهار	:	ح سیدغریب شاه خان
به جملهٔ منصبداران احتیاطی	:	ح محمدامین خان
به غندتوپچی قندهار	:	« غلام حیدر خان
کمیسار اسلام قلعه وحکومت غوریان	:	« فقیراحمد خان
به غندتوپچی هرات	:	« غلام محمدخان
بریاست ارکان فرقه قطغن وبدخشان	:	« شیراحمد خان
به غند اول فرقه مذکور	:	« غلام حسن خان
به احتیاطی	:	« نصرالله خان
به غندمشری غند۲ فرقه قطغن	:	ح علی اکبرخان غندمشر
به غند سوار فرقه قطغن	:	ح میراکبر خان غند مشر
به غندمشری طوپچی قطغن	:	ح سلطان محمدخان غندمشر
به وکالت قوماندانی فرقه مشرقی	:	ح محمدعلم خان غندمشر
رئیس ارکان فرقه مذکور	:	ح عبدالرؤف خان غندمشر
به غندمشری طوپچی فرقه مشرقی	:	ح محمد صدیق خان غند مشر
به عضو اصلاح و ترقی	:	ح علی احمد خان غندمشر
به ریاست ارکان جنوبی	:	ح نورمحمد خان غندمشر
بدیوان حرب دائمی	:	ح محمداصغر شاه خان غند مشر
به غند۳ فرقه مذکور	:	ح نصرالله خان غند مشر
به غند اول فرقه مذکور	:	ح غلام رسول خان غندمشر
به غند ۳ فرقه مذکور	:	ح فتح محمد خان غند مشر
به غند توپچی فرقه ۲ جنوبی	:	ح طوطی شادخان غند مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library



ع ۰ ع ، ش، والاحضرت سردار محمد داؤدخان قوماندان قوای مرکزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

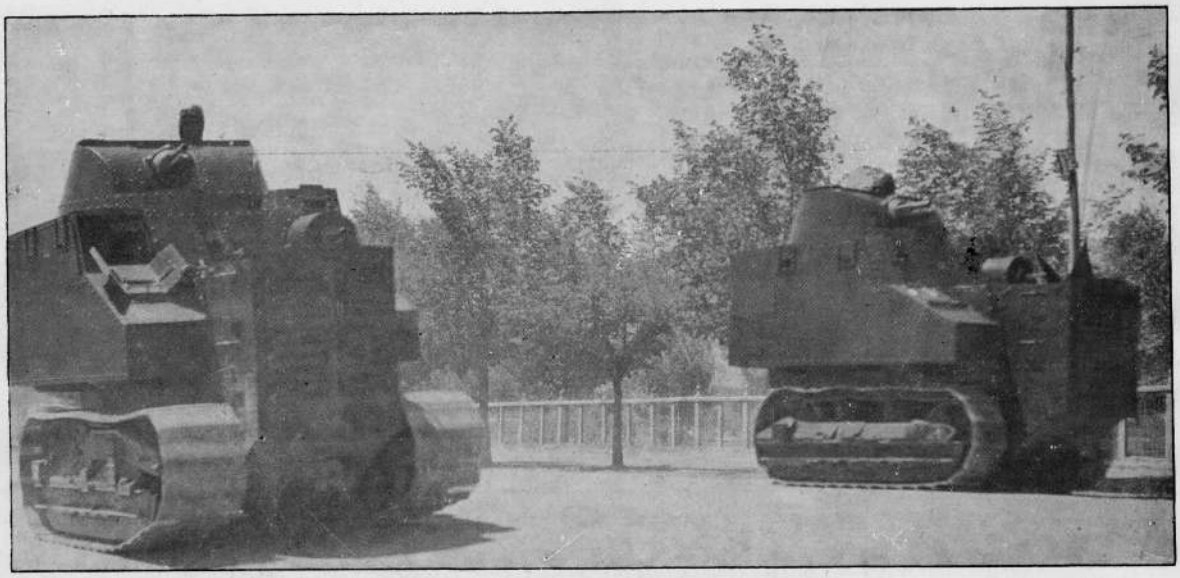

از مناظر رسم گذشت تانك ها در جشن استقلال ۱۳۱۸

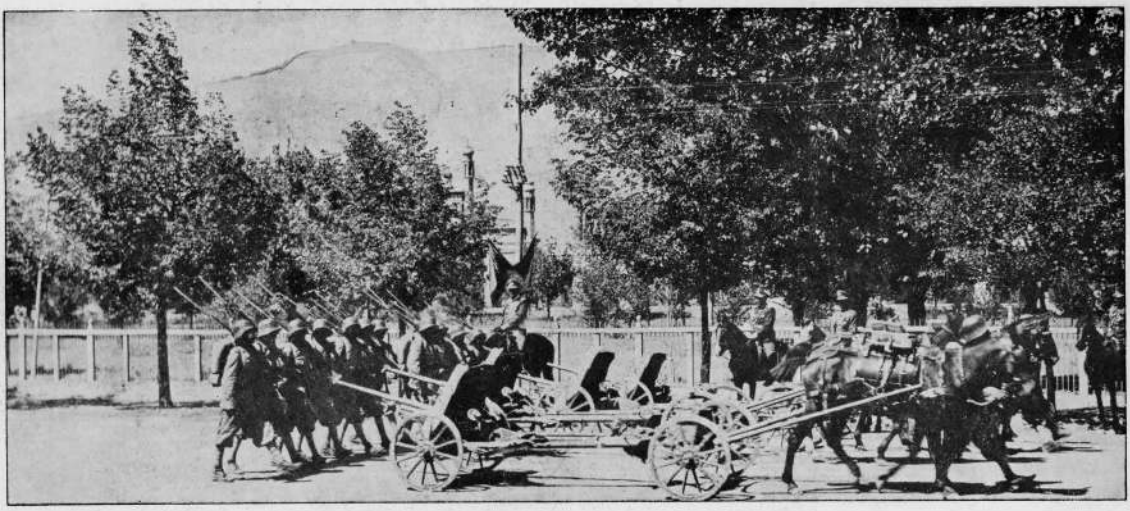

از مناظر رسم گذشت فرقه توپچی در جشن استقلا ل ۱۳۱۸

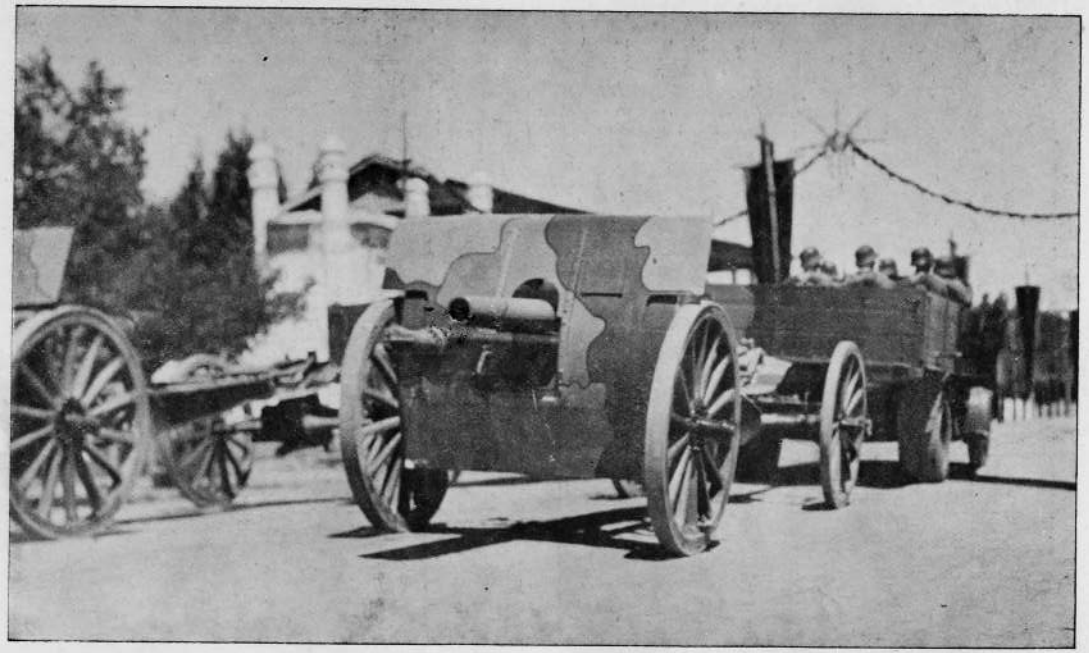

از مناظر رسم گذشت فرقه توپچی درجشن استقلال۱۳۱۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



از طیارهٔ های خریداری جدید

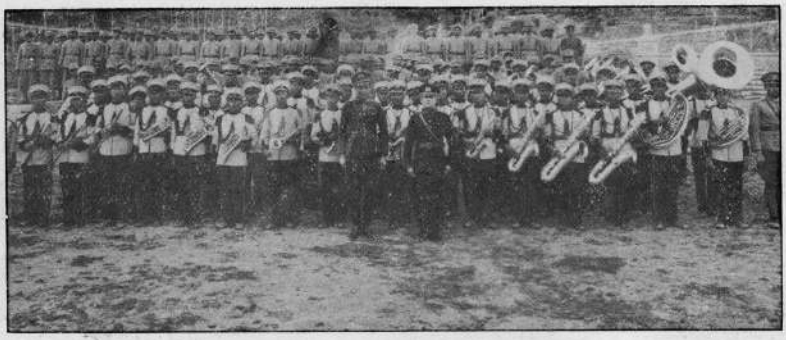

طلبهٔ کورس جدید التشکیل موزیك

دو جوان فقید





آقای محمد توابخان پیلوت و عبدالواحد خان کشاف که بتاریخ ۲۸ جوزا از باعث سقوط طیاره درراه خدمت وطن شهید شده اند .

طرف راست: محمد توابخان

طرف چپ : عبدالواحد خان .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



ح ، ذکریا خان غند مشر مدیر کورسها بامداومن دور دوم کورس نقلیه

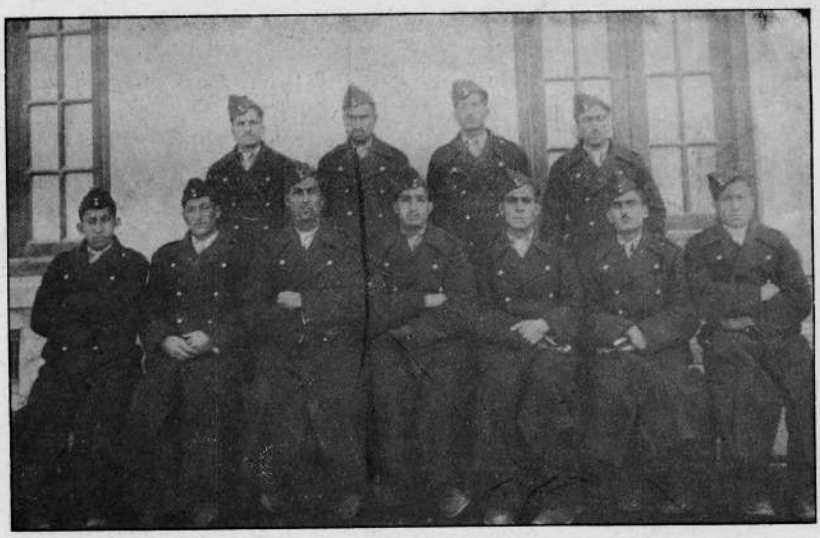

گروپ کلب بیلوتی مکتب هوائی مرکز قوماندانی طیاره

(c) ketabton.com: The Digital Library



ح ذکریا خان غند مشر بامد اومین فارغ التحصیل دورهٔ دوم کورس لوازم



یك گروپ از مکتب میخانیکی هوائی مرکز قوماندانی طیاره

(c) ketabton.com: The Digital Library



رسم گذشت افراد عسکری در جشن استقلال ۱۳۱۸



گروپ دویم طلبهٔ میخانیکی که در ۸ برج میزان ۱۳۱۸ اعزام کراچی شده اند

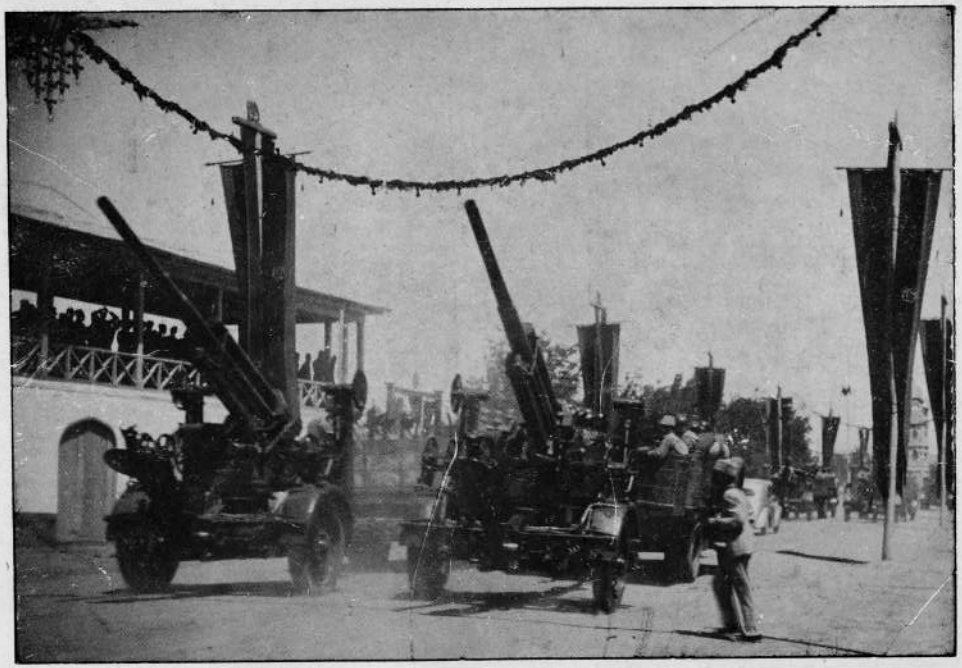

رسم گذشت قوای مرکزی در جشن استقلال ۱۳۱۸

(c) ketabton.com: The Digital Library



گروپ فارغ التحصیلان ۱۳۱۸ مکتب حربیه که عبارت از صنوف مختلفه میباشند

(c) ketabton.com: The Digital Library

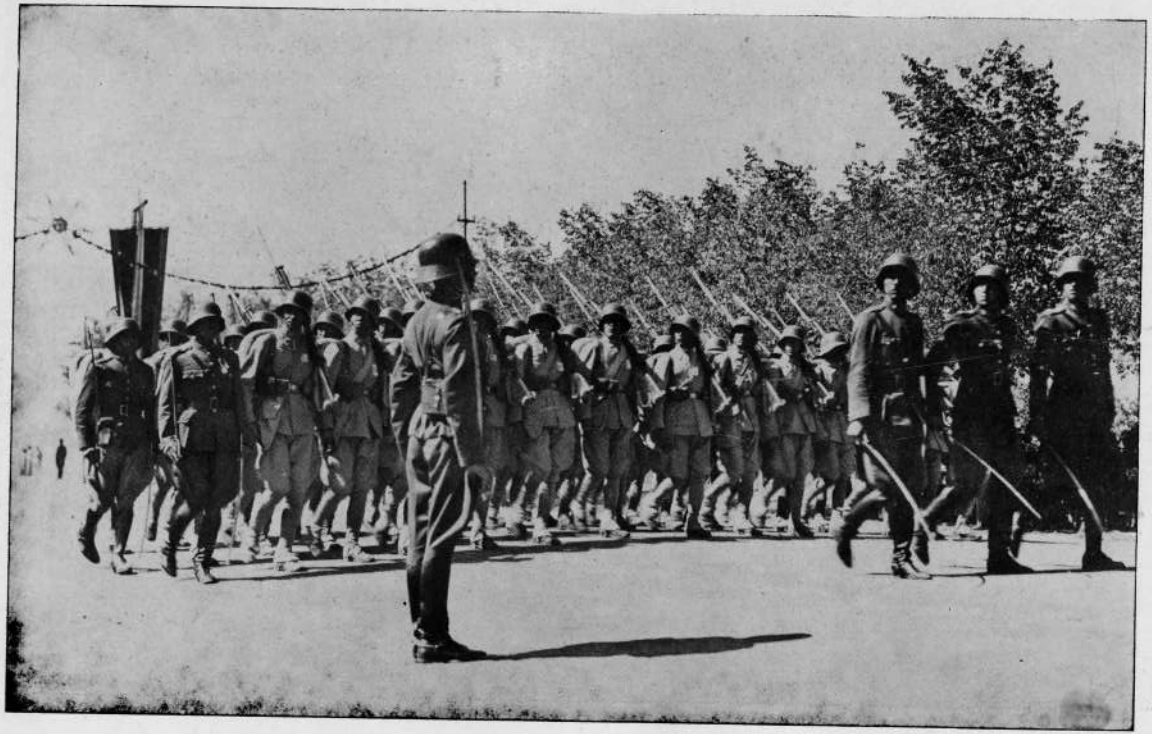

رسم گذشت ۱۳۱۸ افراد پیاده درایام جشن استقلال

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



اعلیحضرت همایونی بمیدان هوا بازی در روز نمایش توپ‌های ضد طیاره

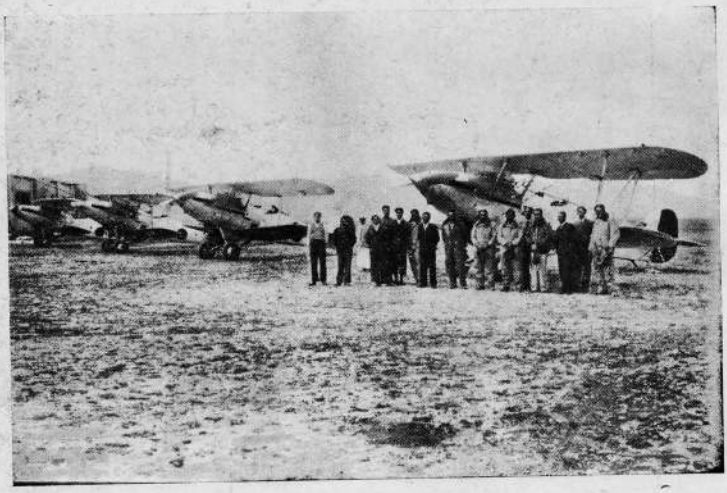

یك عده هوابازان دراثنای اجرای وظیفه درقندهار



رسم گذشت تانك ها درایام جشن استقلال سنه ۱۳۱۸

(c) ketabton.com: The Digital Library



ذات شاهانه : در موقع معائنهٔ عملیات انداخت توپهای دافع طیاره در چمن خواجه رواش

(c) ketabton.com: The Digital Library

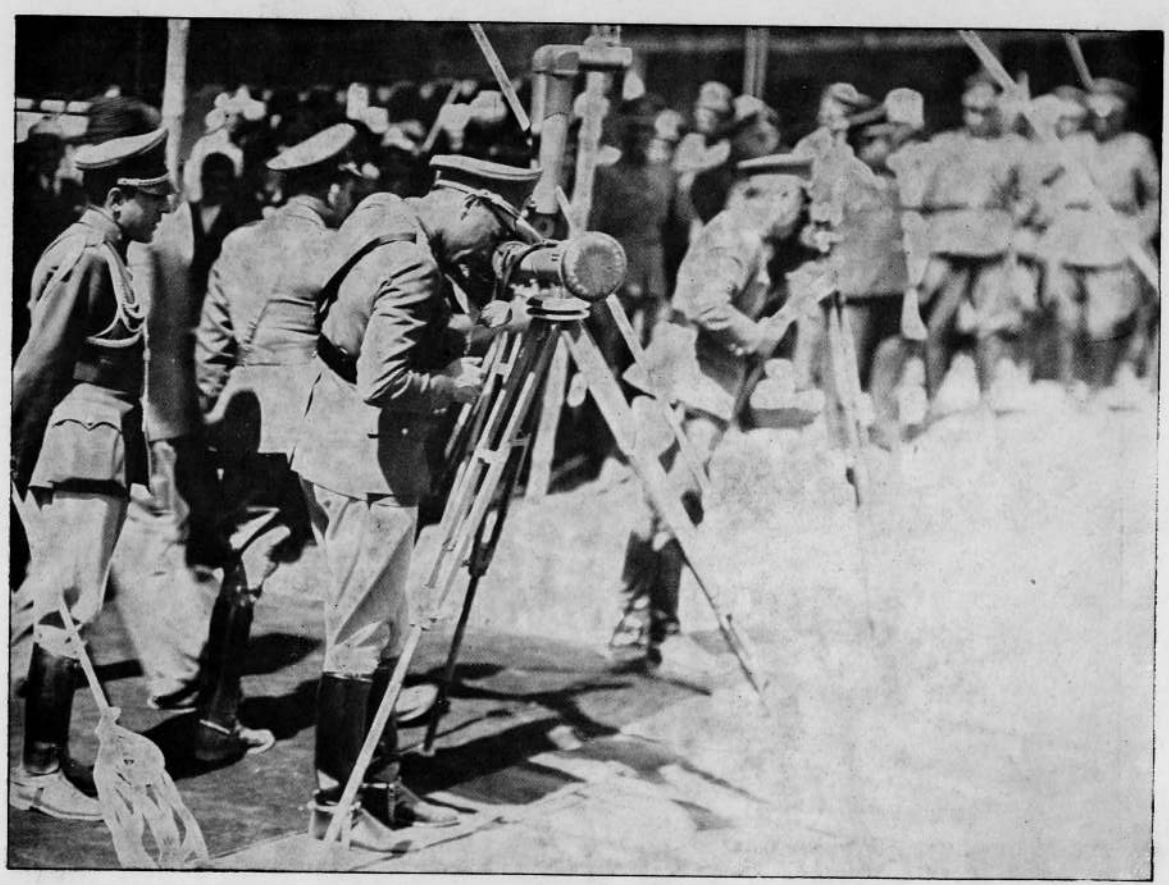

اعلیحضرت همایونی : بواسطهٔ دوربین مخصوص نتائج عملیات انداخت توپهارادرچمن خواجه رواش معاینه میفرمایند

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ع،ع، ش،س،ا، محمد غوث خان
نایب سالار ومشاور حربی حضور
ذات شاهانه



ع،ش،س،ع سردار اسدالله
خان مفتش عمو می اردو



ع،ش، س،ع، علی شاخان
قوماندان عسکری قندهار

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقر ریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ع ، ش ، عبدالاحد خان
فرقه مشرفرقه۲ قوای مرکز



ع،ش، عبدالقیوم خان فرقه مشر
بحیث رئیس دیوان حرب دائمی
وزارتحریه



ع،ش، عبدالقیوم خان فرقه مشر
معاون مفتشیت عمومی اردو



ع ، ش ، عبدالله خان فرقه مشر
فرقه۳ قوای مرکزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقر ریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ع ، ش عبدالغنی خان قوماندان
فرقهٔ شاهی



ح، محمد صفر خان غندمشر اول رئیس
ارکان حرب مفتشیت عمومی اردو



ح، غلام رسول خان غندمشر که
درسنه ۱۳۱۸ کفالت حکومت
غزنی راهم عهده دار بودند



ح ، ذکریا خان غندمشر کفیل
دائرهٔ ترجمه ومدیر کور سها

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ح ، محمدانور خان مدیرعمومی
استخبارات



ح ، محمدعمرخان غندمشر مدیر
تدقیق ومعاینهٔ ریاست حربیه



ح، محمدغوث خان معاون مدیریت
تدقیق ومعاینهٔ ریاست حربیه



ح ، علی احمد خان غند مشر
که فعلاً بحیث عضودرمجلس اصلاح
وترقی عسکری موظف اند ،

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ح ـ سید صالح خان غند مشر
قوای مرکزی



ح ، شاه عبدالحمید خان غند مشر
مدیر دایرهٔ سنجش تعمیرات
وزارت حربیه

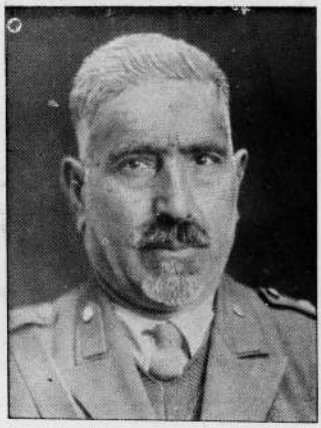

ح ، محمد یعقوب خان غندمشر مدیر
عمومی نقلیه که بحیث عضو در مجلس
اصلاح وترقی عسکری مقررگردیده



ح ، محمدعارف خان غندمشر رئیس
ارکانحربیه قوای مرکزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقررهای مهمه شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



ح ، سید عالمشاه خان غند مشر
قوای مرکز



ح ، عبدالکریم خان غند مشر
قوای مرکز



ح ، سید احمد خان غند مشر
متخصص سواری ، مفتشیت اردو



ح ، محمد ابراهیم خان غند مشر
متخصص پیاده مفتشیت اردو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸

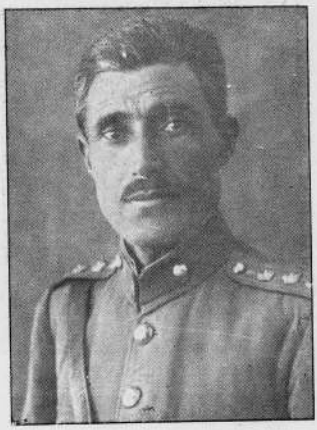

ح ، گل محمدخان غند مشر
فرقهٔ دو قوای مرکز



ح ، میراحمد خان غند مشر
قوای مرکز



غ ، عبد القیوم خان ضابط سواری که در سنه ۱۳۱۸ از تورکیه بعد از فراغ تحصیل وارد افغانستان شدند



غ ، سید عظیم خان تولیمشر ضابط توپچی که درسال ۱۳۱۸ بعد از فراغ تحصیل از تورکیه وارد مرکز شده

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ شعب عسکری درسال ۱۳۱۸



غ، امیر محمدخان ضابط نقلیه که در سال ۱۳۱۸ فارغ التحصیل و بوطن مراجعت و آغاز به کار نموده است



ب ، اسد الله خان تورای بلوکمشریاور والاحضرت غازی وزیر صاحب حربیه که در سنه ۱۳۱۸ بعد از فراغ تحصیل از تورکیه وارد افغانستان گردیده



غ ، محمد موسی خان پیلوت که جدید از ترکیه فارغ التحصیل ووارد مرکز گردیده وبکار آغاز نموده



غ ، عبد اللطیف خان تو لیمشر ضابط طوپچی که بعد از فراغ تحصیل وارد مرکز گردیده و بکار آغاز نموده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

قوما ندان کوتوالی هرات	:	ح ، خدا بخش خان
کمیسار حضرت امام	:	« عبد الرحیم خان
سرحددار دکه	:	« باز محمد خان
رئیس ارکان مفتشیت اردو	:	« محمد صفر خان
متخصص پیاده « «	:	« محمد ابراهیم خان
مدیر کورس ها		« ذکریاء خان غندمشر
مدیر لوازم ریاست لوازم	:	« حسین علیخان
مدیر صحیه	:	« میر محمد سعید خان
مدیر سنجش پیمایش وزارت حربیه	:	« شاه عبدالحمید خان
عضو اصلاح وترقی	:	« محمد یعقوب خان
مدیر عمومی نقلیه	:	« سید محمد اکبر خان
معاون مدیریت تدقیق ومعائنه	:	« محمدغوث خان عند مشر
مدیر قوای مرکز	:	« عبد الغفور خان
« « «	:	« سلطان احمد خان
اصلاح وترقی	:	« محمدعمر خان
نگران مکتب سپورت نورستانی		
وعضو دیوان حرب وزارت حربیه	:	ح ، گلمیر خان
« « «	:	« غلام بهاوالدین
« « «	:	« احمدشاه خان
« « «	:	« سید محمد حسین خان
در بست احتیاطی	:	« محمد حنیف خان
« « «	:	« محمدیعقوب خان
« « «	:	« محمد هاشم خان
« « «	:	« اجر خان
« « «	:	« محمد جعفر خان
« « بحیث دیوان حرب شاهی	:	« محمد نادر خان
در غند متفرقه فرقه فراه	:	« عبدالرشید خان غندمشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور خارجه

وزارت خارجه بتأسی آمال ونیات خیر خواهانه وصلح پسندانهٔ حکومت متبوعه درظرف سنه جاری مثل سنوات گذشته در موضوعات موظفه و متعلقهٔ خود چه‌درامور اداری مرکز وزارت وچه درامور ومعاملات متعلق به سیاست خارجی واوضاع بین‌المللی باساس حقوق عمومیهٔ دول مصدر اجراآت خوبی شده ودر تمام مجالس وجلسات بین المللی بحیث یك عضو مفید ومؤید اصلاحات نماینده اعزام وتا حدیکه ایجابات حقوقیه متقاضی بود وظیفهٔ خود را درین راه اکمال نموده است که اینك به نبذی ازان اجراآت وزارت معزی الیها اشاره می شود :

امور اداری :

۱ :- ترتیب پروژهٔ مامورین وتشکیلات وزارت امور خارجه‌در ۳۳ ماده که از مقامات صلاحیت دار گذارش داده شده است .

۲ :- چون اصولنامهٔ مامورین وتشکیلات وزارت خارجه مامورین‌وزارت را بدوصنف مسلکی واداری منقسم نموده‌ودرجات هشتگانه را برای مامورین مسلکی قائل شده‌لذا برای تفریق مامورین به صنف مسلکی امتحانات معلومات متذیله که عبارت از تاریخ سیاسی ، حقوق عمومیه بین‌المللی وحقوق خصوصیه بین المللی‌واقتصاد سیاسی وجغرافیای اقتصادی ویك لسان اجنبی باشد معیار قرار یافته است .

بناءً علیه برای شمولیت مامورین فعلی درین امتحانات درزمرهٔ دیگر اقدامات یك کورس دیپلوماتی محتوی مضامین متذکره نیز بعد از وقت رسمی در وزارت دائر گردیده است .

۳ :- پروژهٔ لوائح اصولنامهٔ مسافرت واقامت اتباع‌خارجه درافغانستان وپاسپورت که سال گذشته بغرض تصویب بمقامات ذیصلاحیت تقدیم شده بود ازآن مقامات گذارش یافته وکسب قطعیت نموده است .

٤ :- علاوه برمواد متذکره‌درساحهٔ‌تدقیق پروژه‌های مرتبه دیگر مقامات اداری واستشار های حقوقی نیز سهم معتنا بهی گرفته شده است .

امور متعلق به مجلس اقوام :

از آنجا که حکومت افغانستان مفکورهٔ صلح عمومی ورفاه وآرامش عالم بشری رامدار سیاست خارجهٔ خویش‌قرارداده است ، درسال۱۳۱۸ شمسی (۱۹۳۹-۱۹٤۰ع) نیزکمافی‌السابق مناسبات و معاملات خارجی خود را تماماً بر طبق مقررات حقوق وتعامل بین‌المللی و باساس

(c) ketabton.com: The Digital Library

تعهدات متقابله انجام داده ، درراه تأمین وتوسعهٔ روابط حسنه‌باممالك متحابه بذل مساعی لازمه نموده ودر اکثرمجامع بین‌المللی اشتراك عمل ورزیده است اینك گذارشات مهمهٔ سال۱۳۱۸ ذیلاً تذکار میشود :

مهمترین اقدامیکه علاوه بر اجراآت سالهای گذشته درین سال بعمل آمده است اعلان بیطرفی‌افغانستان میباشد : چون بتاریخ ۳۰ اگست واول ستامبر ۱۹۳۹ اختلاف نظر بین المان ولهستان متأسفانه منجر بنزاع گردید و بروز دوم ستامبر متحدین پولند (فرانسه وانگلستان) هم بالمان اعلان حرب نمودند وجنگ جنبهٔ عمومیت گرفت دولت شاهی افغانستان باساس همان سیاست صلح خواهانهٔ خویش بیطرفی افغانستان را « پس ازتصویب مجلسین عالی شوراواعیان » بوسیلهٔ فرمان پادشاهی مورخه ۱۳ سنبله (٦ ستامبر) اعلان نمود چنانچه دران موقع اعلان بیطرفی افغانستان بنمایندگان دول خارجه مقیم کابل و دارالانشای جامعهٔ ملل ابلاغ گردید .

در اوایل سال برای انعقاد دورهٔ سوم کنفرانس چهارگانهٔ دول شامله پیمان سعدآباد درطهران ، پیشنهادی ازطرف حکومت شاهنشاهی‌ایران بعمل آمده و بعد ازین که انعقاد مجلس مزبوره ازطرف امضاکنندگان میثاق تصمیم گرفته شد ، حکومت افغانستان عالیقدر جلالتمآب علی محمد خان وزیر امور خارجهٔ افغانستان و ص ، عبدالوهاب خان سابق مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه راجهت شمولیت باین‌کنفرانس تعیین و به طهران اعزام نمود چنانچه جلالتمآب وزیر امورخارجهٔ افغانستان درجلسات کنفرانس مزبوره (۷و۸ ثور ۱۳۱۸) شمولیت ورزیده افغانستان را تمثیل کردند .

کنفرانس یازدهم بین‌المللی پوستی بماه‌اپریل ۱۹۳۹ دربوئنس ایرس ، (ارژانتین) منعقد واز طرف افغانستان جلالتمآب بای عبدالاحد سفیر کبیر ونمایندهٔ ترکیه درین کنگره بحیث نماینده ایزاواتوردرکنگرهٔ مزبوره شامل گردیده چنانچه شمولیت افغانستان بقرارداد بین‌المللی‌پوستی‌عمومی‌وپارسلات که‌درین‌کنگره‌انعقادگردیده‌اخیراًبحکومت‌ارژانتین‌ابلاغ شده‌است حسب معمول کنفرانس بیست و پنجم بین‌المللی کار درین سال هم بماه جون (جوزاوسرطان) در ژنو منعقد شد و بنابر دعوتیکه قبل از ماه جون بمرکز رسیده بود ، وزارت امور خارجه عالیقدر جلالتمآب عبدالحمید خان سابق نمایندهٔ دائمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل را با ص ، غلام احمد خان کاتب نمایندگی موصوفه بحیث نماینده های افغانی درکنفرانس مزبوره بدارالانشای جامعهٔ ملل‌معرفی‌نموده بود ، چنانچه مشارالیهما ازابتدا تا اخیر درجلسات کنفرانس شامل بوده افغانستانرا تمثیل کرده اند (نطقی که جلالتمآب مشارالیه‌در شروع کنفرانس ایراد نموده است قبلاً بفارسی ترجمه وبه رورنامهٔ شریفهٔ اصلاح اشاعه یافته) .

دورهٔ هشتم کنفرانس بین‌المللی معارف بعادت همه ساله در هفتهٔ اخیر سرطان (جولائی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۹۳۹) درژنو منعقد گردید و برحسب دعوت نامهٔ که قبلاً ازطرف حکومت سویس بمرکز واصل گردیده بود از طرف افغانستان ع ، ج عبدالحمید خان سابق نمایندهٔ دائمی افغانستان در جامعهٔ ملل باین کنگره نماینده معرفی شده را پورتی حاکی از پیشرفتهای مهمهٔ معارفی درمملکت بکنفرانس مزبور قرائت نموده وتا آخردورهٔ کنفرانس بتمام اجلاس آن شامل بودند

علاوه برین به اکثراجلاس واجتماعات دوری ومتناوب که دایروبرمسایل اجتماعی ، تکنیکی وغیره ازطرف کمسیون های موظف جامعهٔ ملل انعقادگردیده است « تاجائیکه بافغانستان تعلق میگرفت » حکومت افغانستان بوسیلهٔ نمایندهٔ دائمی خویش درجامعهٔ اقوام، اشتراک عمل ورزیده وباتمامی موضوعات عام المنفعه که درآنجا مطرح بحث ومذاکره قرار داده شده است ، تماس قریبی داشته .

چندی قبل چون عالیقدر جلالتمآب عبدالحمید خان سابق نمایندهٔ دائمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل لزوماً ازژنو بمرکز احضار شدند ، حکومت ، عالیقدر جلالتمآب سردارفیض محمدخان سفیرکبیر اعلیحضرت مقیم انقره را درعین زمان بحیث نمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔ اقوام نیزمعرفی کرده وظایف نمایندگی خویش را بهاوشان تفویض نمود نظربه بحران اخیرهٔ یوروپ انعقاد واسامبلهٔ بیستم جامعهٔ ملل که بوقت مقرره (ماه ستامبر ۱۹۳۹) ازطرف منشی عمومی مجلس اقوام پیشنهاد گردیده بود ، تصمیم گرفته نشد وبعداً بجهت تنظیم بودجه سال ۱۹۴۰ جامعهٔ ملل ، از طرف منشی عمومی جامعه کمیتهٔ چهارم اسامبله نزدهم(۱۹۳۸) بتاریخ۱۱دسمبر ۱۹۳۹ احضار گردید . ازطرف افغانستان برحسب معرفی مرکز ، ع ، ص اسلام بیگ خان مستشار وزارتمختاری اعلیحضرت مقیم پاریس باص ، محمدعلیخان کاتب وزارتمختاری موصوفه بژنو رفته درین کمیته شامل شدند همچنین باسامیله فوق العاده که بروز ۱۴دسمبر سال گذشته درژنومنعقدشد ، دونفرنمایندگان فوق الذکر بنابرفورمالیته ، ازطرف افغانستان نمایندگی کرده اند.

امورسیاسی :

راجع بابلاغ اوراق مربوطه بامور قضائی درین اواخر بین وزارت امور خارجهٔ دولت پادشاهی افغانستان وسفارت کبرای دولت شاهنشاهی ایران تبادلهٔ نوته بعمل آمده . مقصود ازان اینست که باثر این موافقت « اوراق مربوطه بامور قضائی وهمچنین اظهار نامه های رسمی وامثال آن را که از مقام صلاحیت دار یکی از دولتین صادر شده باشد بشرط معاملهٔ متقابله بکشور طرف مقابل باشخاصیکه اوراق مزبور باید بآنها ابلاغ شود ابلاغ نماید . »

تشکیل جدیدوزارتخارجه:

دروزارت امور خارجه در۱۳۱۸ تشکیل جدیدی بعمل آمده وبه صحهٔ مقامات مربوطه رسیده است که ماعین آن تشکیل را برای اطلاع مطالعین محترم ذیلاً درج مینمائیم :

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱ : ـ مدیریت عمومی سیاسی که قبلاً به سه شعبه منقسم بود :

۱ ـ شعبهٔ شرق
۲ ـ « غرب
۳ ـ « مطبوعات

تشکیل جدید : شعبات مربوط آن بشعب چهار گانهٔ ذیل منقسم شده است :

۱ ـ شعبه اول مدیریت ممالك اسلامی
۲ ـ « دوم « اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه
۳ ـ « سوم « انگلستان وممالك داخل امپراطوری آن
٤ ـ « چهارم « سایر ممالك خارجه

۲ : مدیریت عمومی تشریفات که یك معاونیت اداره میشد.

تشکیل جدید : بنام ریاست تبدیل وبه دومعاونیت منقسم شده

۳ : مدیریت عمومی بین المللی که قبلاً به سه شعبه منقسم بوده : ـ

۱ ـ معاونیت امور بین‌المللی کانفرانسها
۲ ـ « معاهدات
۳ ـ « حقوق

تشکیل جدید : به دو معاونیت منقسم شده

۱ ـ معاونیت ما مورین بین المللی
۲ ـ « مشاوریت حقوق

٤ : مدیریت عمومی اداری که متشکل از مدیریت مامورین ویزه ومحاسبه بود

تشکیل جدید : بنام مدیریت عمومی قونسلگری تشکیل و به شعبات سه گانه ذیل منقسم شده

۱ ـ مدیریت قونسلگری
۲ ـ « امور قضائیه و اختلافات قوانین
۳ ـ « ویزه

۵ ـ مدیریت عمومی اوراق که متشکل از معاونیت اجرائیه ومعاونیت حفظیه بود

تشکیل جدید : به شعباة سه‌گانه منقسم شده :

۱ ـ شعبه اول قید و توزیع اوراق وارده وتثبیت و توزیع اوراق صادره

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ ـ شعبه۲ طبقه بندی وحفظ هرنوع اوراق دوسیه های وزارت که معاهدات درآن نیز شامل است

۳ ـ شعبه ۳ پاکنویس مینوت های شعبات وزارت خارجه .

۶ : ـ مدیریت شفر و مدیریت قلم مخصوص ← تشکیل جدید : ـ بنام مدیریت شفروقلم مخصوص تشکیل گردیده .

۷ : ـ مدیریت مامورین و اجرائیه مربوط مدیریت عمومی اداری بود ← تشکیل جدید : مستقلاً بنام مدیریت مامورین اجرائیه وتنظیمات تشکیل گردیده. « شعبهٔ تنظیمات سابقاً جزو ریاست تشریفات بود قرار تشکیل جدید مربوط بمدیریت مامورین شده »

۸ :ـ مدیریت محاسبه وکنترول مربوط مدیریت عمومی اداری بود ← مدیریت محاسبه وکنترول قرار تشکیل جدید مستقل شده

مقرریها در وزارت خارجه

ع ، ج ، حبیب الله خان طرزی معین اول
« ص عبد الحمید خان « دوم
« « غلام محمد خان رئیس تشریفات
ص ، عبدالرؤف خان مدیر شعبهٔ اول سیاسی سابق سرکاتب وزارت مختاری افغانی درتوکیو
« محمد یونس خان « « دوم « « « سفارت کبرا « درمسکو
« جمعه گل خان « « سوم « « « وزارت مختاری « لندن
« محمد اکبر سان « « چهارم « « « خارجهٔ ولایت قندهار
« محمد قیوم خان معاون سابق سرکاتب وفعلاً معاون شعبهٔ دوم
« عبد الاحد خان مدیر کنترول سابق سرکاتب اجرائیه و مامورین

(c) ketabton.com: The Digital Library

کور دیپلوماتیك

مقیم دربار کابل

سفارت کبرای دولت جمهوریه ترکیه :

سفیرکبیر : ع ، ج ممدوح شوکت اساندال
سرکاتب سفارتکبری: آقای حلمی بایور.
کاتب : حقی کتنلی
ترجمان : آقای عباس صبری

سفارت کبرای دولت شاهشناهی ایران :

سفیر کبیر : ع ، ج علی سهیلی
مستشار : . . . .
کاتب سوم سفارت : آقای عباس قلی حکمی

سفارت کبرای دولت اتحاد جمائیر اشتراکیه شورویه

سفیرکبیر : ع ، ج کنستنین میخائیلوف الکسا ندرویچ
مستشار : آقای کاز لوف ویکو رلیمو نوویچ
سرکاتب دوم : آقای واویلاف میخائیل سرگی ویچ
آتشهٔ نظامی : آقای ماژور کسار یوف ماکوف وائیلی
اتاشه : آقای ایزاف

وزارت تمختاری دولت بر طانیه

وزیرمختار : ع ج آقای لینوئان فریزر تلر
مستشار : آقای هلبین
آتشهٔ نظامی : آقای بایس کوپر
داکتر : آقای مودی
کاتب : آقای ای ایف لیدل
آتشه : مس ای ولیمز
کاتب امورشرقی : آقای خان بهادر سکندر خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت مختاری دولت الطالیا :

وزیر مختار : ع ، ج کوم دت پتیرو کوار ونی .
سرکاتب : آنژي لوتی آنریکو .
شانسیه : دوت اودلف کرشینی .
پیش‌نماز : آقاي گاسیانی .

وزارت مختاری‌دولت آلمان :

وزیر مختار : ع ، ج هنس‌پلگر.
شانسیه : آقای شمیت

وزارت مختاری دولت فرانسه :

وزیرمختار : ع ، ج ژان باتیست باربیه
کاتب‌سفارت : آقای گابریل بونو

وزارت مختاری دولت‌امپرا طوری جاپان:

وزیر مختار : ع ، ج وارو موریا .
سر کاتب : : . . . . .
کاتب : آقای چنیارو ایوا زاکی .
آتشه : آقای ریوساکو اوگاوا .
آتشه : سیکهی سایتو
داکتر : کوواتا نابی

وزارت مختاری دولت شاهی مصر:

وزیرمختار : ع ، ج محمد سلیمان الحوت بیگ آگریمان ایشان داده شده اماتا هنوزبکابل‌تشریف نیاورده واعتماد نامه‌خودرابحضوراعلیحضرت همایونی تقدیم نکرده‌اند
آتشه : آقای حسن العروسی

مریکا :

وزیرمختارامریکادرطهران: ع ، ج لونس دریفوز که تاحال اعتماد نامهٔ خود را بحضورشاهانه تقدیم نکرده اند .

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت خارجه



ع ، ج حبیب الله خان معین اول
وزارت خارجه



ع،ص غلام‌محمد خان رئیس
تشریفات و معاهدات

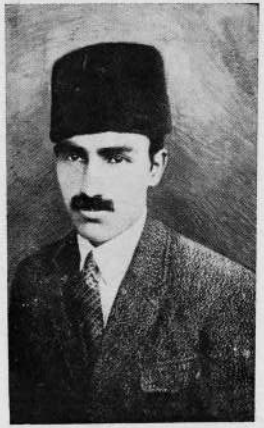

ع،ص محمد شفیع خان جنرال
قونسل افغانی در دهلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت خارجه



ع ،ص ،محمد شعیب خان قونسل
افغانی در کراچی



ص،عبدالرؤف خان مدیر شعبهٔ
اول سیاسی



ص، محمد یونس خان مدیر شعبهٔ
دوم سیاسی وزارت خارجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت خارجه



ص ، جمعه گل خان مدیر
شعبهٔ سوم



ص ، محمد اکبر خان مدیر شعبهٔ
چهارم سیاسی



ص، عبدالرحمن خان مدیر خارجه
ولایت قندهار

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت خارجه



ص، سلطانعزیز خان مدیر خارجهٔ
هرات

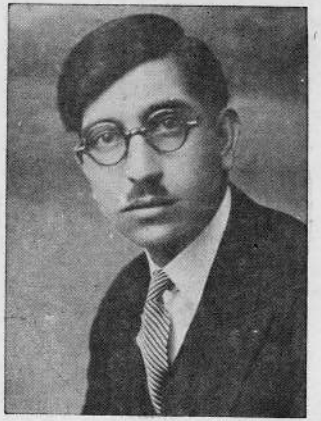

ص، اختر محمد خان مدیر امور
خارجهٔ مشرقی



ص، سلطانعلی خان مدیر خارجهٔ
سمت جنوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

سفرای افغانی در خارج

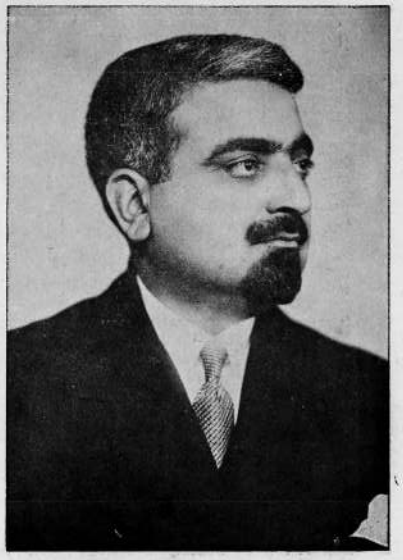

ع ، ج ، فیض محمد خان سفیر کبیر
اعلیحضرت درانقره



ع ، ج ، محمد نو روز خان سفیر کبیر
اعلیحضرت درطهران



ع ، ج ، احمد علیخان وزیرمختارافغانستان
در لندن

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

سفرای افغانی درخارج

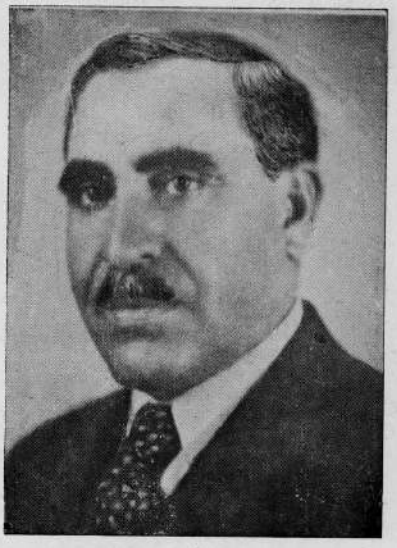

ع ، ج ، سلطان احمد خان سفیر کبیر
افغانستان در ماسکو



ع ، ج ، ذو الفقار خان وزیر مختار
افغانستان در جاپان



ع ، ج ، عبدالصمد خان وزیر مختار
افغانستان در روما



ع ، ج ، الله نواز خان وزیر مختار
افغانستان در برلن

(c) ketabton.com: The Digital Library



ع ، ج بای ممد و ح شوکت سفیر کبیر
جمهوریهٔ تورکیه



ع، ج آقای کنستنین میخائیلوف الکساندرویچ
سفیر کبیر شوروی

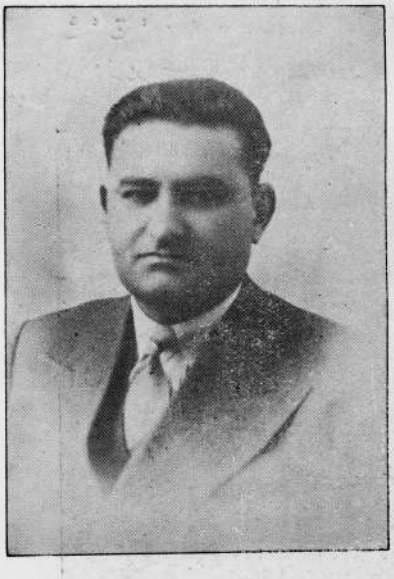

ع، ج ،آقای علی سهیلی سفیر کبیر ایران
در کابل

جناب آقای علی سهیلی سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در کابل در ۱۲۷۵ هجری شمسی در طهران متولد وتحصیلات عالیهٔ خود را درمدرسهٔ عالی علوم سیاسی بپایان رسانده ووارد خدمت وزارت امور خارجه گردیده ومقامات اداری را در ادارات مرکزی مرتباً طی کرده ومدتی هم دروزارت عدلیه برسیدگی امور قضائی اشتغال داشته تادر ۱۳۰۱ بعضویت هیئت فوق العاده برای عقد قرار داد های تجارتی وپستی وتلگرافی وقونسلی بمسکو اعزام گردید وپس از مراجعت بمعاونت ادارهٔ دوم سیاسی (رسیدگی بکار های روسها وترکها) منصوب وبعد از آن در ۱۳۰۷ بعضویت هیئت مدیرهٔ کمپانی شیلات ایران وشوروی برقرار ودر ۱۳۰۸ بمدیریت ادارهٔ دوم سیاسی انتخاب ودر ۱۳۱۰ بسمت معاونت وزارت طرق وشوارع منصوب ودر ۱۳۱۱ بریاست هیئت مدیرهٔ کمپانی شیلات ایران وشوروی برقرار گردیدند در ۱۳۱۲ بسمت معاونت وزارت امورخارجه مقرر ودرسال ۱۳۱۵ بوزیرمختاری دولت شاهنشاهی بلندن عزیمت نمودند درسال ۱۳۱۶ بمقام وزارت امورخارجه نائل ودر ۱۳۱۷ استانداری استان هشتم (ایالت کرمان ومضافات) راداشته ودر ۱۳۱۸ به سفارت کبرای شاهنشاهی دردربار افغانستان انتخاب شدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سفرای خارجی مقیم کابل

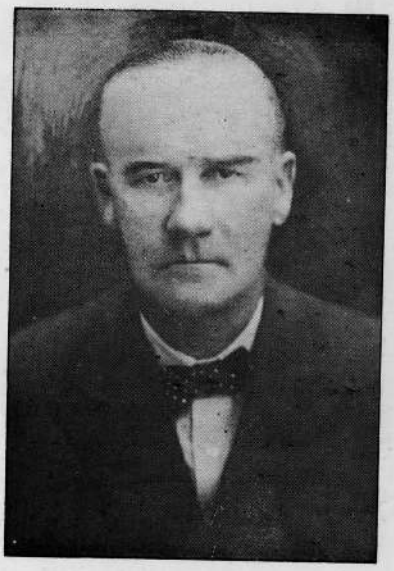

ع ، ج ، لیتو نان فریزر تتلر وزیر مختار
برطانیه در کابل



ع ، ج ، کوم دت پتیر و کوا رونی
وزیر مختار ایطالیا در کابل

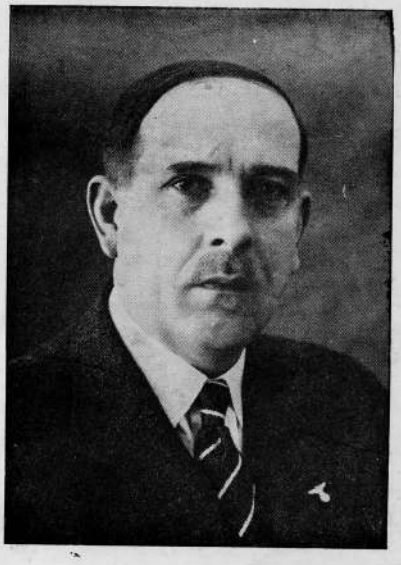

ع ، ج ، پلگر وزیرمختار آلمان
درکابل



ع ، ج وارو موریا وزیرمختار جاپان
درکابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور داخلی

مسلم است که درجهٔ ترقی وپیش رفت ومعیار رفاه و آسوده گی یك ملت مربوط به سکون وآرامی یاعدم سکون امور داخلی آن ملت میباشد درمملکتی که امنیت موجود وامور اداری داخلی آن ازروی عدالت وانصاف در جریان است دیگر تمام چرخ های حیاتی آن مملکت به محور اصلی خود جریان داشته روزبروز آن مملکت پیش رفت وترقی مینماید ولی درمملکتی که امنیت نباشد واقویا دائماً برعلیه ضعفا کمربسته درپی چاپیدن آن ها باشند طبعاً زارع به زراعت وکاسب واهل پیشه به کسب وپیشهٔ خود وبالاخره تمام طبقات بوظائف موظفهٔ خویش رسیدگی نتوانسته چرخ های اداری وزندگانی آن مملکت عاطل وبالمره فاسد میگردد. خوشبختانه وزارت امور داخلهٔ ما درتمام سنوات این دورهٔ درخشنده امنیت مملکت را کاملاً تامین نموده سبب ترقی وپیش رفت سائر امورات مملکتی گردیده است واینك به علاوهٔ اجراآت سنوات گذشته اجراآت سنه ۱۳۱۸ آن وزارت را ازنظر قارئین کرام میگذرانیم وشاید از مطالعهٔ سطور ذیل بتوان به اهمیت اجراآت امسالهٔ این وزارت پی برده درك نمود که تا چه درجه موسسات حفظ امنیت وعدالت درسرتاسر مملکت بوظائف موظفهٔ خود مشغول کاراند :

صورت تعدیل تشکیلات ملکیه

الف مربوط ولایت کابل :

۱ ـ درده یك مربوط حکومت کلان غزنی نظر به موقعیت واهمیت آن یك علاقه داری جدید تشکیل شد.

ب : مربوطهٔ ولایت قندهار :

۱ ـ حکومت درجه۲ نهر سراج که مستقیماً بمرکز دارالحکومه گی قندهار مربوط بود مربوط حکومت کلان گرشك شد.

۲ـ در قندهار یك مدیریت احصائیه تشکیل گردید.

ج مربوطهٔ ولایت هرات :

۱ـ اسم قره تپه مربوط ولایت هرات به (توره غندی) تبدیل شده است.

د : مربوط ولایت مزار شریف :

۱ـ حکومت بلخ که درجه اول بود حکومت کلان تشکیل و مربوطات آن ذیلاً تعیین شد.

۲ـ « درجه ۲ دولت آباد که مربوط مرکز دارالحکومگی مزار شریف بود مربوط حکومت کلان بلخ شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳ـ حکومت درجه ۳ شورتیه که مربوط مرکز دارالحکو مگی مزار شریف بود مربوط حکومت کلان بلخ شد .

٤ـ حکومت درجه ۳ کشندوه با علاقه داری تولکره مربوطهٔ آن که مربوط مرکز دارالحکومهٔ مزار شریف بود مربوط حکومت کلان بلخ شد .

٥ـ حکومت درجه اول سنگ چهارك که مستقیماً مربوط مرکز دار الحکو مگی بود چون به شبرغان قریب است مربوط حکومت کلان شبرغان شد .

ه : مربوط قطغن :

۱ـ یك علاقه داری به جزیرهٔ درقد برای رفع حوائج اهالی تشکیل و منظور شد .

و : مربوطهٔ حکومت اعلای مشرقی :

۱ـ حکومت درجه اول شنوار به حکومت کلان مبدل شد .

۲ـ علاقه داری نازیان مربوط به حکومت شنوار گردید .

۳ـ « « اچین « « « «

٤ـ « « دورابا « « « «

٥ـ حکومت درجه ۲ رودات که مستقیماً بحکومت اعلی مربوط بود مربوط حکومت کلان شنوار شد .

٦ـ علاقه‌داری ده‌بالا که‌بحکومت شنوار مربوط بود مربوط حکومت‌درجه ۲ رودات‌شد.

۷ـ حکومت‌درجه۳ مهمندره که‌مستقیماً‌بحکومت اعلی مربوط بودمربوط حکومت‌کلان شنوارشد.

ز : مربوط حکومت اعلای سمت جنوبی :

۱ـ حکومت درجه اول خوست به حکومت‌کلان مبدل گردید .

۲ـ علاقه داری تنی خوست حکومت درجه ۲ تشکیل ومنظور گردیده مربوط حکومت کلان خوست شد .

۳ـ علاقداری‌جاجی میدان خوست حکومت‌درجه۳ تشکیل ومنظور گردیده مربوط حکومت کلان خوست شد .

٤ـ حکومت درجه ۲ منگل باسه علاقداری مربوط‌آن که‌حکومت مذکور مستقیماً مربوط حکومت اعلی بود بحکومت کلان خوست مربوط شد .

٥ـ علاقداریهای مندوزائی ، تریزئی ، صبری کمافی‌السابق مربوط حکومت‌کلان خوست مانده‌است.

٦ـ علاقه داری گربز وعلاقداری المره که سابق مربوط حکومت خوست بود مربوط

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکومت درجه ۲ جدیدالتشکیل تنی شد .

ح : مربوط حکومت اعلای میمنه :

۱ : در میمنه یك ماموریت احصائیه جدیداً تشکیل شد .

ط : مربوط حکومت اعلای فراه :

۱ :- در فراه یك ماموریت احصایه جدیداً تشکیل شد .

امور پولیس وژاندارمه :

قسمت اول درشق تأسیسات تعلیماتی وتشکیلاتی قواء پلیس وکوتوالی مملکت :

۱ : - درین سال دورهٔ دویم تعلیمگاه پلیس که درسال ۱۳۱۷ بمانند سال گذشته تأسیس واز قطعات پلیس وژاندرمه های ولایات وحکومات اعلی برای تحصیل تعلیمات پلیس های مملکت آغاز یافته بود بکمال موفقیت درین سال نیز مداومین آن فارغ التحصیل وباشهادتنامه های تعلیمیه تحصیلیه نظر بدرجات تحصیل خود ها از درجه کند کمشرالی ضابط و خورد ضابط به ترفیع رتبه بمناطق مربوطه مقرر واعزام شده است که صورت تعلیمات تحصیلیه خودها را بداخل قطعات اجرا وعملی نمایند بر علاوه برای شمولیت دورهٔ سوم تعلیمگاه پلیس نیز یك تعداد متعلمین درست ازتمام قوماندانی های کوتوالی ولایات وحکومات اعلی بمرکز حاضر وشامل تعلیمگاه شده مصروف تعلیمات هستند ؛

۲ : - نظر به توسعهٔ قواء پلیس وکوتوالی وقوماندانی ولایت کابل برحسب ایجاب تشکیلات اصولی آن درین سال رتبهٔ غندمشری قوماندانی پلیس وکوتوالی ولایت کابل برتبهٔ فرقه مشری از حضور ملوکانه منظور گردیده است ؛

۳ : - تشکیلات کوتوالی پلیس مرکزی ولایت کابل نظر به مقتضای امور تشکیلاتی آن برای خوبتر وصحیحتر اداره شدن تحت دسپلن نظامیه به صورت غند های منظم تشکیل ومنظور شده است ودر رأس ادارهٔ غند های جدید التشکیل وکندکها وتولی های مربوطهٔ آن آمران وضابطان تربیه دیده انتخاب ومقرر شده اند .

٤ : - در جملهٔ تشکیلات پلیس وکوتوالی درین سال جهت حفاظت فابریکهٔ گوگرد سازی ودار النزن تشکیل یك تولی منظم منظور گردید چنانچه تهیه وتدارك نفر واسلحه والبسهٔ آن مکمل ومشغول وظائف لازمهٔ خود اند .

٥ : - راجع بتوسعه وترقی امور صناعتی محبوسین محبس عمومی درین سال اقدامات مفیدی بعمل آمده است که تااندازهٔ زیادی منفعت بخش است راجع به انتظام جیره وسائر امورات متعلقهٔ محبوسین درین سال اقدام درستی نموده شده است ؛

(c) ketabton.com: The Digital Library

٦ : ـ برای فابریکهٔ برق جبل السراج یك اندازه افرادمنظور وتهیهٔ نفر والبسه راسلحهٔآن گردیده است ؛ هکذا قوهٔ ضابطه علاقه داری جدیدالتشکیل ده یك منظور وتهیه شده است،

٧ : ـ یك دلگی پلیس بمر بوطهٔ حکومتی سپین بو لدك جدیدالتشکیل ومنظوری، یافته نفر والبسه واسلحهٔ آن تدارك گردیده است ،

٨ : ـ قوهٔ ضابطه وهیئت اداری حکومتی جدیدالتشکیل حکومتی کلان بلخ بتوافق بست عمومی حکومات کلان منظور گردیده ونسبت بهتکمیل افرادواسلحه والبسهٔ آنها اقدامات بهعمل آمده است

٩ : ـ قوهٔ ضابطه علاقهٔ داری جدیدالتشکیل منطقه درقد درین سال منظور وتکمیل گردیده است ؛

١٠ : ـ حکومتی درجه اول شنوار بهحکومتی کلان تشکیل وقوهٔ ضابطه وهیئت اداری حکومتی کلان مذکور درین سال منظور ودرتهیهٔ نفرواسلحه والبسه آن اقدام شده است ؛

١١ : ـ قوهٔ ضابطهٔ علاقهداری جدید التشکیل اچین منظور وتکمیل شده است

١٢ : ـ قوهٔ ضابطه علاقهداری جدیدالتشکیل دربابا تکمیل شده است

١٣ : ـ بحکومتی اعلای سمت مشرقی تشکیل یك غند ژاندرمه مطابق بست عسکری به صورت عصری منظور گردیده تهیه وتکمیل نفرواسلحه والبسه ولوازمات وتجهیزات سائرهٔ آن گردیده غند مذکور بهنقاط تهانه جات ملکی سرحدی مربوط حکومتی اعلی مشرقی ایفاء وظائف مینمایند درمقابل آن از بست تهانه جات ملکیهٔ آنحکومتی اعلی تنقیص بعمل آمده چنانچه وظائف موکولهٔ آنها بهمفرزه وقطعات غند جدید التشکیل ژاندرمه تفویض شده است ؛

١٤ : ـ به امور تهانه جات ملکی درین سال غور لازم بعمل آمده چنانچه سه تهانه بنام تهانه ناوه وگنجگل وسرکانی جدید تشکیل وتهیه وتدارك نفر واسلحه والبسهٔ آن گردیده است.

١٥ : ـ یك عده از سواران کوتوالی مرکز حکومتی اعلی سمت جنوبی تنقیص وعوض آن ازقلم بودجه معاش آنهاجهت سیر وحرکت قوهٔ ضابطه موتر منظور گردیده است .

١٦ : ـ بمرکز قوماندانی کوتوالی سمت جنوبی یکنفر عکاس منظوری داشت لذا بهسبب حسن اجرای امور عکاس ماهری استخدام وهکذا یك یك نفرعکاس برای حکومت کلان خوست وحکومتی محلی جاجی وحکومتی محلی ارگون درین سال منظور ومعاش ومصارفات مالزمهٔ عکاسی برای نقاط مذکور منظور گردیده است

١٧ : ـ حکومتی درجه اول خوست نظر بتوسعه حوضهٔ حکومت وحسن اداره شدن آن درین سال بحکومتی کلان جدیدالتشکیل مبدل شده قوهٔ ضابطه وهیئت اداری حکومتی کلان موصوف بتوافق بست عمومی منظور وتکمیل گردیده است ؛

١٨ : ـ علاقه داری تنی بحکومتی درجه ٢ مربوط حکومتی کلان خوست تبدیل وقوهٔ ضابطه

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکومتی مذکور بتوافق بست عمومی منظور وتکمیل شده است .

۱۹ : ـ علاقه داری جاجی میدان بحکومتی درجه ۳ مربوط حکومتی کلان خوست تبدیل وقوهٔ ضابطهٔ حکومتی مذکور بتوافق بست عمومی منظور وتکمیل شده است ؛

۲۰ : ـ درین سال نسبت بحسن انتظام قوا و انتظامیهٔ ژاندرمه های حکومتی های کلان وحکومات ثلاثه وعلاقه داری های تمام نقاط مملکت غور مزیدی بعمل آ مده است چنانچه از نقطهٔ نظر حسن انتظام وتوسعه محلات واحصائیه واقعات جرائم وضبط ربط داخلی مفرزه های آن درتمام حکومات کلان یك یك نفر ما مور توقیف خانه و بحکومات ثلاثه تماماً یك یك نفرکاتب مفرزه ویك یك نفر ضابط بدرجهٔ بلوکمشروهمچنان در سائر نقاط علاقه داری های مملکت یك تعداد افراد سائر علی قدرمراتبهم منظور گردیده است که گویا به اینوسیله تااندازهٔ زیادی انتظام قوهٔ ضابطهٔ حکومتی های کلان وثلاثه و علاقه داری های مملکت از نقطهٔ نظر اداری دارای حسن انتظام صحیح تری شده است .

قسمت دوم راجع به تحکیم و قیام امنیت عمومیهٔ مملکت :

۱ : ـ درین سال به صورت عمومی درسر تاسر مملکت امنیت وسکون کار فرما بوده نظر بملاحظهٔ جدولهای احصائیه انواع واقعات جرائم ومقایسه با احصائیهٔ سال گذشته در ین سال درتعداد واقعات جرائم تخفیف کلی بعمل آمده است .

۲ : ـ نظر باینکه اصول راپورهای وارده مجرد واقعات و اصول تعقیبات دستگیر مجرمین وتکمیل تحقیقات واصول فیصلهٔ باز خواست در بارهٔ آنها وادارهٔ تعقیبا تی آن بسیار مفید ثابت شده است لهذا درین سال برای خوبتر وبه صورت صحیح تر اداره شدن وتوجه تعقیبات آن درادارهٔ مرکزی مذکورکه تمام واقعات مملکت راغور وتعقیب اصولی نموده بتواند ترتیبات درستی اتخاذ شده است .

قسمت سوم اجراآة امور اداری :

۱ : ـ نسبت به تهیه البسهٔ بهاری وزمستانی محبوسین وتهیهٔ خوراکه وجیرهٔ آنها درین سال نیز انتظامات درستی بعمل آمده است .

۲ : ـ نسبت به تعلیمات وتهذیب اخلاق واصلاح حال محبوسین درمحبس خانه ها وتوجهات مزید بامور دینی ومذهبی شان وآموختن صنعت وحرفت ذریعهٔ معلمین مخصوص وتاسیس کارگاهای امور صناعتی به محبس ها درین سال نیز ترتیبات درستی اتخاذ شده است

۳ : ـ نسبت به تعلیم وتربیهٔ افراد واصطلاح قیافه وضع ولباس واسلحه عمومیه افراد پلیس وکوتوالی وغندژاندرمه درین سال نیزاقدامات اصولی به عمل آمده :

(c) ketabton.com: The Digital Library

٤ : ـ نسبت به اصلاحات تهانه جات ملکیه وتشکیلات انفرادی آن وضبط وربط وحسن ادارهٔ آنها وتنظیم اسلحه والبسهٔ شان درین سال نیز ترتیبات درستی اتخاذ شده است .

٥ : ـ نسبت بحسن اداره امور راجعه پاسپورت وامور طباعتی وممر عائدات آن واصول را پورهای وارده وصادره اتباع داخله وخارجه از طرف نقاط سرحدی وترتیبات امور عکس گیری پاسپورتی درین سال نیز ترتیبات درستی اتخاذ شده است .

٦ : ـ نسبت بحسن انتظام ورقهٔ اذن اقامه اتباع خارجه درافغانستان بمراعات اصولنامه ویزاء اتباع خارجه درافغانستان که تطبیق وتعمیل یافته باشد اقدامات مکفی بعمل آمده است .

٧ : ـ راجع بحسن ادارهٔ امور راجعه مسائل حقوقی وممرعائدات آن در تزئید وارد ات دولت واصول را پورهای احصائیهٔ عایدات آن درین سال نیز ترتیبات درستی اتخاذ شده است .

مدیریت عمومی احصائیه :

١ ـ مدیریت عمومی احصائیه درسال حاضره نیز مطابق گذشته نفری کارآمد قطعات عسکری وکوتوالی وانشاآت کارآمد بندها وسرکها وغیره . رابصورت پشك اخذ وداخل خدمت کرده برعلاوه احصائیه بعضاً مناطق با قیمانده ولایت کابل را تکمیل نموده احصائیه نفوس ولایت قطغن وبدخشان ، مزارشریف ، هرات ، وحکومات اعلای میمنه ، فراه را تکمیل کرده ودرسال جاری بصورت پشکی ازمقامات مذکور اتخاذ نفرکار آمدعسکری وکوتوالی رانموده واحصائیه ولایت قندهار رانیززیر اجرا گرفته که عنقریب اختتام خواهد یافت .

٢ ـ درولایات متذکرهٔ فوق باعطای تذکرهٔ تابعیت نیز شروع کرده است .

مقرریهای مهمهٔ جدید ١٣١٨ :

، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان محمدگل خان وزیرداخله رئیس تنظیمیهٔ قطغن وبدخشان مقرر شده

ع ، ج ، ، س ، ا ، غلام فاروق خان وکیل وزارت داخله « « «

و ، ج ، محمد اسمعیل خان وکیل والی ولایت کابل « « «

و ، ج ، س ، ع ، علیشاه خان نائب الحکومه وقوماندان عسکری قندهار « « «

ع ، ع ، ص ، عبدالحکیم خان وکیل حکومت اعلای سمت مشرقی « « «

ع ، ش ، طره بازخان قوماندان کوتوالی ولایت کابل ترفیعاً برتبهٔ فرقه مشری ثانی « « «

ح ، خدا بخش خان غندمشر قوماندان کوتوالی ولایت هرات « « «

ش ، عبدالقادر خان وکیل قوماندان کوتوالی « قطغن و بدخشان « « «

ع ، ع ، عبدالرزاق خان حاکم کیلان سمت شمالی مربوط ولایت کابل « « «

ح ، غلام رسول خان غندمشر وکیل حکومت کلان غزنی « « « « «

از مقرر یهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ش ، عبدالقیوم خان قوماندان
کوتوالی فراه



ص ، عبدالباقی خان مدیر تحریرات
ولایت کابل



ص ، محمد معصوم خان مدیر احصائیهٔ
ولایت کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرر یهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ع ، ع عبدالجبارخان حاکم کلان
شبرغان



ع ، ع شاه بزرگ خان حاکم
کلان ارزگان



ع ، ع محمد سرورخان حاکم کلان
خوست

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ ۱۳۱۸



ص ، عبدالاحدخان مدیرکنترول
ومحاسبه وزارت خارجه

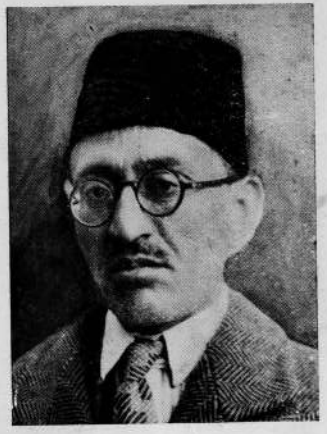

ص ، مهزا عبدالرؤف خان مدیر
کنترول ریاست زراعت

(c) ketabton.com: The Digital Library



و، ج ، محمداسماعیل خان وکیل ولایت کابل



ش ، ص ، عبدالرحمن خان معین سوم
وزارت اقتصاد



ع ، رشید خان لطیفی مدیر عمومی
آژانس ریاست مستقله مطبوعات

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ح ، عبدالجلیل خان کفیل قوماندان
کوتوالی مزار شریف



ع ، ع ، سید عباس خان حاکم
کلان غزنی



ع ، ع ، سراج الدین خان حاکم
کلان بلخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرر یهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ع ، ج ا ا نشان محمد گل خان وزیر داخله
و رئیس تنظیمیهٔ قطغن و بد خشان



ع ، ش،طره باز خان قوماند ان
کوتوالی کابل



ح ، عبدالکریم خان غند مشرداخلهٔ
قوماندانی کوتوالی کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقر ریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ص ، محمد سعید خان مدیر کنترول
وزارت داخله



ص ، سید جعفر خان مدیر احصائیهٔ
مزار شریف



ص، محمد صدیق خان مدیر استخبارات
حکومت اعلای مشرقی



ص ، امین الله خان مدیر احصائیهٔ
ولایت قندهار

ازمقر ریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت داخله



ص ، محمد سرور خان کفیل مدیریت
ضبط احوالات قوماندانی مرکزی



ص ، سید بها و الدین خان
مدیر جزاء

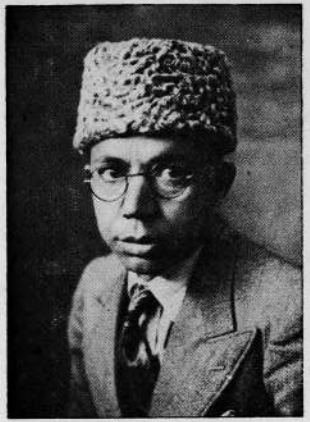

ص ، محمد شریف خان مدیر تحریرات
ریاست تمیز وزارت عدلیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ع ، ع ، محمد صدیق خان وکیل حکومت کلان لهو گرد	مربوط ولایت کابل		مقرر شده
« « پاینده محمد خان حاکم کلان کرشك	«	قندهار	« «
« « عبدالجبار خان « «	شبرغان	« مزارشریف	« «
« « سراج الدینخان « «	بلخ	« «	« «
« « علام قادرخان وکیل حکومت کلان بدخشان		« قطغن	« «
ح ، محمد علم خان غندمشر وکیل حکومت کلان شنوار	مربوط حکومت اعلای مشرقی		« «
ع ، ع محمدسرورخان حاکم کلان خوست		« حکومت اعلای جنوبی	« «
ح ، محمد اکبر خان غند مشر سرمامور پولیس مرکز کابل			« «
« عبدالکریم خان « غند کوتوالی		« «	« «
ص ، میرزا محمد معصوم خان مدیر احصائیهٔ ولایت کابل			« «
« « امین الله خان « «		« قندهار	« «
« « محمد الدین خان « «		« هرات	« «
« « سید جعفر خان « «		« مزار	« «
« « صالح محمد خان « «		« خان آباد	« «
« « عبدالعزیز خان مامور		« حکومت اعلی میمنه	« «
« « ضیاء الدین خان « «		« فراه	« «

مجبس عمومی :

۱ :- امورات صنعتی مجبس مثل سطرنجی بافی، گلیم بافی، تسربافی وکرمچ بافی وسرج بافی وقالین بافی وبوت دوزی ونجاری ونل وخشت سازی سمنتی وخطاطی وتابلو نویسی وسنگ تراشی وغیره که از سابق جریان داشت در هذاسنه پیشرفت خوبی نموده ووسیع تر گردیده یك تعداد نفراضافه ازتعداد یکه در سال های گذشته به شعبات مذکور مشغولیت داشته در هذاسنه افزود کرده شده است .

۲ :- علاوه ازشعبات فوق الذکر شعبهٔ خیمه دوزی وچانطه سازی وطبراق سازی که جدیداً تأسیس گردیده نتیجهٔ بسیارخوبی ازان بدست آمده ویك تعداد زیادنفری درآن مصروفیت دارند .

۳ :- درقسمت امورات عمرانی مجبس درسال ۱۳۱۸ یك تعمیر بسیار وسیع بصورت اساسی درالحاق مجبس عمومی بغرض رهایش محبوسین اعمار گردیده گرچه تعمیر مذکور هنوز کامل نشده ممکن یك مدت قریبی تکمیل شود شعبات اداری برای اینکه درامورات اداری مجبس کدام سکته گی وارد نشود وبصورت خوب تر واساسی تری جریان داشته باشد یك شعبهٔ کنترول درخود مجبس تشکیل شده تاتماماً اجراآت اموررا مطابق

(c) ketabton.com: The Digital Library

اصولات موضوعهٔ حکومت متبوعه جاری بدارد .

اینبود صورت اجراآت وتعمیراتیکه درسال ۱۳۱۸ بمحبس عمومی بوقوع پیوسته است .

امورعدلیه

امور موظفهٔ وزارت عدلیه وشعبات مربوطهٔ آن که عبارت از محاکم شرعیه ابتدائیه ، مرافعه ریاست عالی تمیز وغیره میباشد در سال ۱۳۱۸ به فضل خداوند متعال وتوجه حکومت متبوعه تحت انضباط ومقررات شرعی بصورت صحیح وحسب مطلوب اداره ووزارت عدلیه مثل سنوات ماضی حسب نظریات شریعت پسند حکومت باجراآت امور محاکم توجه داشته دراحقاق حقوق مستحقین وتعین جزای مجرمین برطبق مقررات شرعی مراقب ونگران بوده ومیتوان گفت که لله الحمد درسال ۱۳۱۸ ـ اجراآت شعب عدلیه ازهر حیث اطمینان بخش میباشد ودر عایدات محاکم هم نسبت به سال گذشته کسری واقع نشده بلکه یك مقدار مهم زیادت نموده است .

درسال ۱۳۱۸ ازطرف وزارت عدلیه حسب منظوری حکومت متبوعه دومحکمهٔ جدیدیکی به حکومتی تنی ودیگری درحکومتی جاجی میدان منظور وهیئت آن مقرر شده است بریاست عالیه تمیز وزارت عدلیه درسال جاری (۱۰۹) فقره معاملات شرعیه بعد ازطی محاکم ابتدائیه ومرافعه بصورت اصولی ویا باثر تمیز خواهی یکی ازطرفین مواصلت کرده که ازجملهٔ فقرات مذکور (۸) فقره آن حقوقی و(۱۰۱) فقره مذکور جزائی میباشدوتمام فقرات آن از طرف ریاست عالیه مذکور بصورت مدققانه وشرعی حل و فصل شده است.

مقرری ها در وزارت عدلیه :

قاضی ابتدائیهٔ بگرامی	:	ف، ملا محمد علیخان
« « مرکز لوگرد	:	« « عبیدالله خان
« « وردك	:	« مولوی محی الدین خان
« « مقر	:	« ملا عبدالله خان
« « واز خواه	:	« عبدالغفار خان
« « چهاریکار مرکز شمالی	:	« « فضل کریم خان
« « بامیان	:	« « عبدالقادر خان
« « کوهستان	:	« « پاینده محمد خان
« « غوربند	:	« « محمد گل خان
« « قلات	:	« « محی الدینخان
« « نوزاد	:	« « عبدالغفور خان
« « شورابك	:	« « میراجان خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

قاضی ابتدائی اجرستان	:	ف، ملا عبدالودود خان
« « پنج وائی	:	« « لعل محمد خان
« « مرکز حکومت کلان غور	:	« « محمد عمر خان
« « بالا مرغاب	:	« « عبدالکریم خان
« « شین دند	:	« « بابا خان
« « گذاره	:	« « حصام الدین خان
« « کشك	:	« « عبدالکریم خان
« « اوبه	:	« « الله بخش خان
« « چخچران	:	« « حصام الدین خان
« « غوریان	:	« « عبدالحلیم خان
« « مزار شریف	:	« « ضیاء الدین خان
« « آقچه	:	« « جان گل خان
« « درهٔ صوف	:	« « عبدالله خان
« « سرپل	:	« « سیدقاسم خان
« مرافعهٔ مرکز مزار شریف	:	« « عبدالرحمن خان
« « « فراه	:	« « عبدالرزاق خان
« ابتدائیهٔ شبرغان	:	« ،ملاعبد الرحمن خان
« « ایبك		« « عبدالکریم خان
« « دولت آباد	:	« « فضل مولا خان
« « سنگ چارك	:	« « عبدالغفور خان
« « قرقین	:	« « عبیدالله خان
« « نهر شاهی	:	« « عبدالله خان
« « شورتپه	:	« « محمد نادر شاه خان
« « مرکز حکومتی کلان غوری	:	« « عبدالرؤف خان
« « حضرت امام صاحب	:	« « فیض محمد خان
« « رستاق	:	« « عبدالرسول خان
« « قندوز	:	« « فضل حق خان
« « درواز	:	« « محمد افضل خان
« « جرم	:	« « عبدالحنان خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

قاضی ابتدائیه	کشم	:	ف ، ملا دولت محمد خان
« «	ینگی قلعه	:	« « محمد ایوب خان
« «	چال واشکمش	:	« « عبدالله خان
« «	دوشی	:	« « محمد بشیرخان
« «	فرخار	:	« « عبدالله خان
« «	چاه آب	:	« « عبدالودود خان
« «	سرخ رود	:	« « حمدالله خان
« «	مهمند دره	:	« « محمدهاشم خان
« «	لندی سین کامدیش	:	« « عبدالحق خان
« «	کامه	:	« « صدیق‌الله خان
« «	رودات	:	« « غلام حیدرخان
« «	اندخوی	:	« « عبدالرحمن خان
« «	تگاب شیرین	:	« « شیرحسن خان
« «	جاجی وچمکنی	:	« « شیرگل خان
« «	ازرو	:	« « محمد گل خان
« «	بلخ	:	« « عبدالکریم خان
« «	تنی گربز	:	« « محمد یوسف خان

امور مالی

وزارت مالیه بر علاوهٔ جدیت وفعالیت و دقتی که درصرف بودجهٔ سالانهٔ مملکتی نموده وازین راه چرخ های امورمملکت رابدوران معقولی انداخته است امسال‌قراریکه از وزارت معزی الیه بما اطلاع داده اند واردات سنه ۱۳۱۸ وزارت مالیه به نسبت سنه ۱۳۱۷ فیصد ۱ افغانی و۸۲پول‌وازدرك محصول‌مواشی ۳ افغانی ۵۷ پول زیادت نموده که این خود از نقطهٔ نظر عدالت و عوائد مالیه « در صورتیکه بدون ایزاد موضوع مالیه عوائد باین اندازه زیادت کند » بسیار مهم است .

مقرریهای وزارت مالیه

مدیر بودجه		:	ص ، غلام رسول خان
« مامورین ومعاش ومصرف		:	« عبدالمجید خان
« اوراق		:	« سید کمال خان

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معارف



غ، ص، مولوی جمال الدین خان
رئیس توسیع معارف ومدیر مکتب
دارالمعلمین خواجه ملا



ص ، سید عبدالله خان مدیر اداری
فاکولتهٔ طب ووکیل مدیریت معارف
ولایت کابل



ص ، غلام حیدر خان مدیر
مکتب حبیبیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معارف



ص ، آقای عبدالرحیم خان مدیر
اداری مکتب استقلال



ص ، غلام جانخان مدیر اداری
مکتب نجات



ص ، فدائی احمد خان مدیر
مکتب غازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت اقتصاد



ع ؛ ص ، عبدالقادر خان رئیس
فیصلهٔ منازعات هرات



ص ، محمدعزیزخان معاون ریاست
گمرك مرکزی کابل

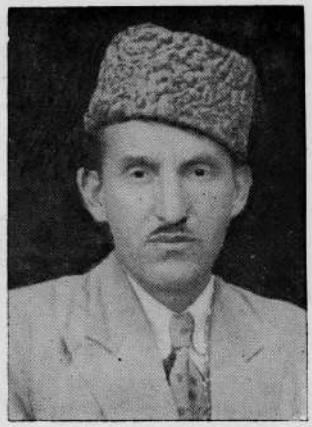

ص ، آقا جانخان مدیر گمرك
جلال آباد

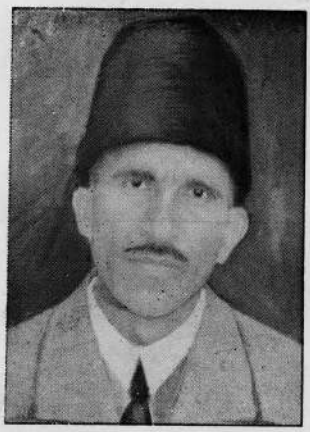

ص ، میر محمدافضل خان مدیر
گمرك دکه

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت اقتصاد



ع ، میرمحمدضیاءالدین خان مدیر
عمومی اطاقهای تجارت



ص ، حبیب الله خان مدیر
احصائیه



ع ، ص ، عبدالاحد خان رئیس
گمرك هرات

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ دروزارت مالیه



ص ، غلام سخی خان مدیر محاسبه
و تفتیش دوایر تجارتی حکومتی



ص ، محمد مهدی خان مدیر اعضای
مدیریت عمومی تفتیش



ص ، عبد الغفور خان مدیر
خزائن

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مغروریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت مالیه



ص ، سید کمال خان مدیر اوراق



ص ، فقر محمد خان مدیر اعضاء تفتیش

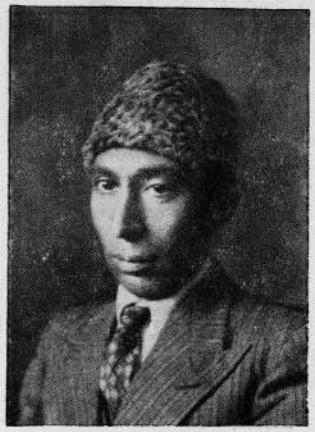

ص ، غلام رسول خان مدیر بودجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت اقتصاد



ع ، محمد زمان خان مدیر عمومی
انطباعات



ع ، سیداحمد علیشاه خان مدیر
عمومی اداری



ع ، فقیرمحمد خان مدیر عمومی
تجارتی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔسال ۱۳۱۸ در وزارت‌مالیه



ص ، نصرالله خان مدیر مدرك جدید
(محاسبه دافغانستان بانگ)



ص ، امیرمحمد خان مدیر کنترول
مستوفیت ولایت کابل



ص ؛ محمد ابراهیم خان اعضای
مدیریت عمومی تفتیش

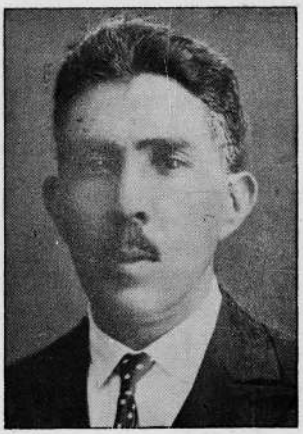

ص ، محمدرضاخان عضو مدیریت
عمومی تفتیش

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر عمومی تفتیش	:	ع ، محمد حسن خان
اعضاء تفتیش بحیث مدیر	:	ص محمدابراهیم خان
« « « «	:	« محمد رضاء خان
« « « «	:	« محمد مهدی خان
« « « «	:	« فقیر محمد خان
مدیر محاسبه د افغانستان بانك	:	« نصرالله خان
« « تجارتی دوائر رسمی	:	« غلام سخی خان
« تصفیه واجرائیه	:	« محمد ایوب خان

امور اقتصادی

خوش بختانه وزارت اقتصاد ملی درسنه ۱۳۱۸ هم مثل سنوات ماضیه درتمام شعبه های مربوطهٔ خود مصدر یك سلسله اصلاحات اساسی اقتصادی گردیده است که میتوان باستناد این اصلاحات واجرا آت وزارت معزی الیها آیندهٔ اقتصادی مملکت را روشن ودرخشان تصور نمود زیرا این ها هسته های است که برای آینده هر کدام آن ها برومند شده وضعیت اقتصادی افراد ملت ودولت را اصلاح و مقرون به رفاهیت و آسوده گی خواهد نمود و این است که به نبذی از اجرا آت وزارت موصوفه در ذیل میپردازیم :

اطاقهای تجارت ومحاکم تجاریه :

۱ :ـ اطاق تجارت مرکز که در ابتدا عبارت از یك مجلس و دارای یك عدهٔ محدود اعضاء بود اکنون باشمولیت وانتخاب یك عده اعضاء جدید از بین طبقهٔ تجارد ومجلس تشکیل شد .

الف : ـ مجلس اطاق تجارت که وظایف آن امورات اصلی اطاقهای تجارت است .

ب : ـ مجلس مرافعه وتمیز تجاریه : که وظایف آن مرافعه وتمیز دعاوی تجاریه ایست که درمحکمهٔ ابتدائیه منازعات تجاریهٔ مرکزی ودر محاکم مرافعه تجاریه ولایات فیصله شده است .

۲ :ـ تجدید نظردرمدارك عایداتی اطاق تجارت وتجویز منابع جدید برای تزئید عایدات آن باتحصیل منظوری مقامات صالحه ازقبیل مدارك ذیل :

الف : ـ تزئید در محصولات جواز نامه های شرکت های تجارتی .

ب : ـ تعدیل در محصولات جواز نامه های تجار انفرادی .

ج : ـ تجویز برای عطای جواز نامه های صنفی به مقصود کمك بعواید اطاق و درعین حال تحصیل وترتیب یك احصائیه ومعلومات صحیح ازان .

۳ :ـ تشکیل یك شعبهٔ جدید بنام شعبهٔ حق الثبت شرکت ها در مدیریت عمومیه اطاق های

(c) ketabton.com: The Digital Library

تجارت وتاسیس دفاترثبت شرکت های تجارتی درشعبهٔ مذکوره که‌این‌مدرك نیزیك سرعایداتی جدیدی برای اطاق تجارت می‌باشد .

٤ :ـ تشکیل وتاسیس یك‌شعبهٔ جدید بنام‌شعبه اطلاعات وقوانین تجاریه در مدیریت عمومیهٔ اطاق های تجارت که‌از اجراآت این‌شعبه ترتیب وتسوید پروژه های قوانین واصولنامه های ذیل است .

الف : ـ ترتیب پروژهٔ اصولنامهٔ اطاق‌های تجارت که‌اکنون در ریاست‌عالی‌اعیان است.

ب : ـ ترتیب پروژه اصولنامه دلالی که اکنون درمجلس عالی وزرا است .

ج : ـ پروژهٔ اصولنامهٔ دفاتر تجاریه که تحت ملاحظهٔ مقام وزارت است .

د: ـ پروژهٔ اصولنامهٔ ورشکست که تحت ملاحظهٔ مقام وزارت است .

ه : ـ ترتیب لایحه تعلیمات نامهٔ مجازات گریزی که تحت اجرا آمده .

و : ـ ترتیب : ـ لایحهٔ مکافات‌گریزی‌وقاچاق « »

ز : ـ ترتیب لایحه تعلیمات نامهٔ داخلی حق‌الثبت شرکتها « »

ح : ـ تسوید لایحه واساسنامهٔ متحدالمضمون شرکتهای جدیدالتاسیس پوست .

ط : ـ تسوید اصولنامهٔ وظایف نمایندگان تجارتی ووکیل‌التجار ها درخارج که تحت ملاحظهٔ مقام وزارت است .

اجراآت مجلسین اطاق تجارت :

٥ :ـ مجلسین اطاق تجارت از ابتدای سال ١٣١٨ تااخیر سال مذکور (١٧٠)فقره از موضوعات مختلفه راکه متعلق بوظایف اساسی اطاقهای تجارت است حل وفصل نموده تصاویب ونظریات صادر وتعمیم نموده است که ازان جمله (١٢٠) فقره اظهار نظریه ویا پیشنهادات سایره ازطرف خود اطاق بوده وباقی (٥٠) فقره فیصله وقرارهای است که‌درامور مرافعه ومسایل دعاوی تجاریه از مجلس مرافعه صادر شده است .

٦ـ: تعمیرعمارت دارالاینام ومساکین . برای ساختمان عمارت دارالاینام ومساکین که ریاست بلدیه تعمیر آن را درنظر داشت ، اطاق تجارت به منظوری اعانه وشرکت در تعمیر مذکور تااندازهٔ (دولك) افغانی اعانه راکه شرکت ها وتجار مرکزی به تجویز اطاق تجارت‌قبول کرده بودند اقدام بجمع‌آوری نموده چنانچه‌یك‌حصه‌ازاعانهٔ جمع‌شده‌را نیزبریاست بلدیه جهة شروع ساختمان مذکور تادیه نموده است درین اعانه ١٠٢٠٠٠ افغانی آن را ع،ج وزیر صاحب‌اقتصادملی ازشخصی خودشان وباقی‌را شرکت‌ها وتجار مرکز سهیم شده اند:

٧ : ـ اطاق تجارت به مقصد کمك وامداد به‌اشخاص مستحق درایام زمستان یك‌مدرك اعانه خریهٔ دیگری‌رانیز بنابرقبولی بعضی ازشرکت ها وتجار منور مرکز تجویزوجمع آوری نموده

(c) ketabton.com: The Digital Library

مصرف آن رابه امورات وامدادیه های که خود اطاق تجارت تجویز نماید تخصیص داد ازان جمله است که از طرف اطاق تجارت در اوایل زمستان برای یك عده متعلمات فقیر و ناتوان مکتب قابله گی یك تعداد البسهٔ مکمل زمستانی تهیه وبقسم امداد اعطا شده است .

۸ : ـ اجرا آت اطاق تجارت درامور کنترول نرخ بازارها که ازباعث واقعات اروپا واقع شده بود وقتاً فوقتاً درروزنامهای مرکز شایع شده تقرر هیئت های کنترول نرخ وهیئت های سیار درمرکز ودرهرولایت وتعین نرخها واقدامات برای جلوگیری ازاحتکار مال وغیره .

۹ : ـ اطاق تجارت بهمنظور رفع قلت مال درداخل اقدام بخرید یك مقدار مال مهم وارداتی که طرف احتیاج عامه بودنمود وبرای این مقصد تااندازهٔ دونیم ملیون افغانی رامال تورید نمود چنانچه دراثر این اقدام قلت مال که قریب بود اهالی را مشوش سازد چارهٔ درستی شد .

۱۰ : ـ متعاقب آن به منظور ذخیرهٔ مال درداخل ، اطاق تجارت اقدام مجددی نموده شرکت های ذیل راکه سرمایه های شان بالغ به تقریباً ٦ ملیون افغانی میشود وازین سرمایه یك مقدار مهم آن ازخود اطاق تجارت شامل است تشکیل داد .

الف : شرکت صابر که دارای سرمایهٔ (۳۵ لك) افغانی است .

ب : شرکت عزیز « « (۱۷ لك) « « .

۱۱ : اعطای قرضه : اطاق تجارت درسال ۱۳۱۸ ازعایدات خودتا اندازهٔ یك لك و هفتاد وشش هزار افغانی به جهت تقویه وکمك به امور صنعتی به مدیریت عمومی صنایع وزارت اقتصادملی قرضه داده است که مدیریت موصوفه یکنیم لك افغانی رابقسم تقاوی وتسهیلات جهته جولاهای مشرقی مصرف نمود وباقی رابه جهته پیشرفت و جریان فابریکه بافت موسسهٔ آقای عبد السبحان خان صرف کرده است .

۱۲ : اقدام مهم تر اطاق تجارت درموضوع صنایع ، تاسیس موسسهٔ قالین است که دایر ساختن آنرا یك نفر از اعضا خوداطاق تجارت تصدی نموده درین راه نیزتا اندازهٔ یك لك وپنجاه هزار افغانی اطاق تجارت بصورت تقاوی جهته پیشرفت این موسسه ازعایدات خود داده است .

۱۳ : همچنان تاسیس مکتب تجارت است که بااثر پیشنهاد اطاق تجارت از بود جه مشترکه اطاق تجارت وبانك ملی مکتب مذکور تاسیس یافته فعلاً درتحت ادارهٔ وزارت جلیله معارف دایر است.

انحصارات

انحصار پوست قره گلی :

یکی ازصادرات عمدهٔ مملکت چنانکه مشهود است پوست قره گلی میباشد حکومت بغرض آنکه تجارت آن به نفع وصرفهٔ کشور تحت انتظام بیاید درسال ۱۳۱۷ صدور آنرا جزء انحصار

(c) ketabton.com: The Digital Library

یك شرکت عمومی قره‌گلی قرارداده بود .

درسال ۱۳۱۸ وزارت اقتصاد ملی بمنظور واردکردن عدهٔ زیاد تاجران وسر مایهٔ ملی درین شعبه وبقصد ایجا درقابت در بین شرکتهای مختلفه درخرید که‌به‌نفع مولدین (مستحصلین) تمام میشود ـ انحصار خرید رایك شرکت‌عمومی‌لغونموده وبطوریکه‌درذیل مطا لعه میشود برای اینکار شرکتهای مخصوصی تشکیل داد تابراساس‌رقابت پوست‌رااز مستحصل‌ومالدار خریداری نمایند وبدینصورت طبیعیست که‌مالداران درعرضه وفروش اموال خود باثررقابت بین شر کتها میتوانند بیشتر صرفه ومنفعت برند .اعتبارمدت‌این‌انحصار طوریکه درامتیاز نامه پیش بینی شده برای سه سال است .

صورت تشکیل شر کتها

نام شرکت	مقدار سهم
شرکت صادارت‌قره‌گل‌کابل	۸۸۹۰۰۰/جلد
« توکل «	۱۵۰۰۰ / «
« خیر خواه «	۱۷۰۰۰ / «
« عزیز «	۱۵۰۰۰ / «
برادر ان «	۱۲۰۰۰ / «
« تسلیم «	۱۰۰۰۰ / «
« شهزاده «	۳۴۰۰۰ / «
شرکت نقشبند ی «	۲۰۰۰۰ / «
« سعید «	۱۲۰۰۰ / «
« رجاء مزارشریف	۱۰۰۰۰ / «
« کاکا « «	۱۵۰۰۰ / «
« رفاء « «	۱۰۰۰۰ / «
« رشتیاء « «	۸۵۰۰۰ / «
« قومی « «	۱۰۰۰۰ / «
« کمال بلخ « «	۱۰۰۰۰ / «
« میمنت‌میمنه	۳۰۰۰۰ / «
« اخوت اندخوی	۲۰۰۰۰ / «
« اتفاق « «	۱۵۰۰۰ / «

(c) ketabton.com: The Digital Library

شرکت محبت اندخوی	۱۰۰۰۰ / جلد
« اقدام « «	۱۰۰۰۰ / «
« متوکل « «	۱۰۰۰۰ / «
« صداقت « «	۳۰۰۰۰ / «
« اخلاص « «	۳۰۰۰۰ / «
« سعادت « «	۳۰۰۰۰ / «
« صادرات تریاك هرات	۲۰۰۰۰ / «
« طغاری خان آباد	۱۰۰۰۰ / «

اسکان ناقلین :

در بعضی حصص مملکت باثر عدم مساعدت شرایط محیط یك دسته افرادی دیده میشوند که نه زمین ونه شغل ثابتی داشته وحیات شان به بیکاری سپری میشود . و بسا ممکن است که باثر بی علاقه گی آنها که ناشی ازعدم جایداد است مضرات اجتماعیه تولید گردد . حکومت مصلح ما که ترقی و پیشرفت کشور را بطور اساسی وجهه منظور عالیهٔ خود قرار داده است برای اینکه این قبیل مردم واجد زمین وجایداد وتهیه زمینه برای سعی و عمل شوند فکری داشته وزارت اقتصاد ملی به پیروی این افکار عالی در سنه ۱۳۱۸ پروژهٔ حاضر ساخته واز تصویب دولت گذرانیده است که مطابق آن بایستی به ناقلین در ولایت قطغن باندازهٔ لازم زمین وتقاوی داده شود تاهرفرد وخانواده کارو مشغولیت و توفیق سعی وعمل حاصل نمایند مطابق مقررات این پروژه تاکنون یك عده نفری که فاقد زمین واموال غیر منقول بوده اند بولایت قطغن منتقل و اسکان یافته اند ؛ مطابق مقررات پروژه ناقلین برای کسانیکه درآنجا منتقل میشوند قرار ذیل ازطرف دولت کمك ومعاونت بعمل میآید .

۱ ـ اشخاصیکه زمین مزروعی اخذ مینمایند از طرف دولت برای فی خانه وارششصد افغانی بطور رایگان داده میشود .

۲ ـ برای کسانیکه زمین لامزروع بدون جنگل میگیرند فی جریب ٤٠ افغانی کسانیکه زمین جنگل ونی لوخ میگیرند فی جریب ٥٠ افغانی مجاناً داده میشود .

هرکسیکه برای گرفتن زمین نقل میکنند باید باعائله خود حرکت کنند. یك صدافغانی درحین حرکت وبقیه درمو قعیکه باراضی ساکن میشود اعطاء میگردد . هر عائله که نقل میکند اگر عدهٔ نفرشان ۲ الی ۳ نفرباشد ۲۰ جریب زمین وعائلهٔ که عدهٔ اشخاص آن ٤ نفر باشد ۲۵ جریب وعائله که ٥ نفر باشد ۳۰ جریب زمین داده شده وازقرار هرجریب زمین مزروعی ۱۰ افغانی وغیر مزروعی ٥ افغانی داده میشود وقیمت زمین درظرف ٥ سال اخذ میگردد . عدم تجاوز

(c) ketabton.com: The Digital Library

سن از ٤٥ سال وداشتن عائله وصحت مزاج وقوهٔ زراعت از شرائط انتقال است .

شرکت پشتون قندهار :

این شرکت که ازچند سال باینطرف تاسیس گردیده صادرات میوهٔ تازه وخشک قندهار وانحصار توریدپطرول قندهار را بدست داشت . امابعدها به تصویب دولت انحصار توریدقند وشکر وپطرول قندهار بشرکت جدید التاسیس قندسازی مفوض گردیده وتنها قسمت صادرات بشرکت پشتون باقی ماند . این تحدید وظیفه ، شرکت پشتون را ـ موقع داد که توجه بیشتری درحسن ترتیب صادرات میوه بعمل آردچنانچه یك عده ماشینهای شیرینی ومرباسازی وکانسرو درقندهار بکاراندا خته بطوریکه محصولات آن ازیکطرف بازار های داخله عرضه ومورد حسن قبول واقع شده . وازجانب دیگر تااندازهٔ به صدور آن در بازار خارجه نیز موفق شده است .

وزارت اقتصاد ملی بمقصد انکشاف وپیشرفت امور این شرکت پروژه حاضر واز تصویب دولت گذشتانده است که مطابق آن برای چندی محصول واردات سامان کار آمد شیرینی سازی وغیرهٔ آن بامحصول صادراتی شیرینی باب (ساخت فابریکه) معاف گردیده است .

شرکت پرزه فروشی :

توریدموتر قبلا بریاست بانك ملی تعلق داشت امادر سال ۱۳۱۷ امتیاز توریدموتر وپرز های آن بیك شرکت جدید بنام : « شرکت انحصار موتر » داده شد . چون در جریان ومرور وقت احتیاج بهوفور پرزه جات محسوس ولزوم اداره مخصوص برای آن مشهود گردید بنابرآن پرزه فروشی ازشرکت انحصار موتر منفك وشرکت علیحده بنام « شرکت پرزه فروشی » تشکیل گردید . ریاست این شرکت به ع ، ص غلام رسول خان رئیس سابق انحصار موتر تفویض وبریاست انحصارموتر ع ، ص سیدکریم خان مقرر شده وکنون این دوشرکت مطابق مرامنامهٔ مخصوص خود اجراآت مینمایند .

پرزه فروشی قندهار :

چون امور حمل و نقل در افغانستان رو به ترقی است وپرزه های مختلفهٔ موتر مورد احتیاج مسافرین دارندهٔ موتر میباشد بنابرین امتیاز ورود پرزه جات موتر درولایت قندهار درسال ۱۳۱۸ بشرکت پشتون اعطاء گردیده که شرکت مذکور مثل دیگر کارهای خود این عمل را هم تحت ریاست ع ، ص محمد موسی خان رئیس انجام میدهد .

عفو محصول گمرکی پنبه :

پنبه یکی از پیداوار مهم افغانستان بوده دولت درچند سال اخیر چه بواسطهٔ وضع مقررات

(c) ketabton.com: The Digital Library

مفید وچه ایجاد مؤسسات برای توسعهٔ حجم تولید آن اقدامات مؤثره نموده است .
چنانچه باثرفعالیت شرکت پنبه وشرکت اتحادیهٔ شمالی وشرکت وطن (قندهار) حاصلات پنبه نسبت به سالهای گذشته در سال ۱۳۱۸ فیصد صد ترقی نموده . وصادرات آن بخارج زیاد شده است .

برای اینکه در زراعت وصادرات پنبه ترقی بیشتری حاصل گردد دولت درسال ۱۳۱۸ محصول گمرکی صادرات پنبه را بامحصول واردات تخم پنبه وسامان کار آمد بار بندی آن برای یکسال عفو نموده است .

عفو محصول ماشین آلات :

مملکت ما در مرحلهٔ وارد شدن به دوره ایست که آنرا مقدمهٔ ورود دور صنعتی میتوان خواند . خوشبختانه دولت مصلح ما وظایف خود را درین قسمت بخوبی دانسته ودر اجرای امور مطلوب ازهیچگونه اقدام مفیدی خود داری نفرموده است . درسال ۱۳۱۸ بسلسلهٔ همین اقدامات مطابق پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی دولت محصول وارداتی ماشینهای صنعتی (خوردوکلان) وآلات وپرزه جات ماشینهای مذکور ومواد اولیهٔ آنرا (که درداخل تهیه نمی شود) بحساب موسسین وارباب فابریکه جات ملی معاف نموده است .

انحصار صدور روده :

انحصار صادرات روده (بزی وگوسفندی) که برای سه سال دربدل (ده لك) افغانی به آقای عبدالعزیز خان سدوزائی داده شده بود چون دراخیرسال ۱۳۱۸ مدت انحصار آن بآخر رسید به قرار داد او خاتمه داده شده پس از اعلان مزائدهٔ علنی واصولی در روز نامه ها بالاخره انحصار خرید وصدور آن در بدل بیست ویك لك افغانی سه ساله به ع ، حاجی غلام حیدر خان معاون سابق شرکت قندسازی داده شد .

انحصار نصوار :

انحصار تولید وفروش نصواردهن از اول سال ۱۳۱۸ برای سه سال دربدل (۱۶۲۳۰۰۰) افغانی به عبدالغنی خان وشرکای آن اعطا گردید .

شعبهٔ صنایع :

اگرچه درسابق هم شعبهٔ صنائع موجودبود ولی درسنه ۱۳۱۷ مدیریت امور صنائع تشکل گردیده وشعبات آن عبارت از شعبهٔ دستی مغازه ماشینی ، اجرائیه تشویق ، فروش نخ است اینك اجرا آت مدیریت مذکوردرسال ۱۳۱۸ حسب آتی است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

امتناع استعمال رنگ های خام :

استعمال رنگ های خام جوهری که ازچند سال است در بین طوائف قالین باف ترویج یافته وسبب شکست تجارت وازالهٔ شهرت قالین افغانی درخارج گردیده بود وزارت اقتصاد ملی برای رفع نواقص مذکور رنگهای خام جوهری را بکلی ممنوع قرارداده و توزید رنگهای پخته را با رعایت شرایط مخصوصهٔ آن که از کمپنی های رنگ های پخته وارد گردیده مجاز قرار داده است رنگ های پختهٔ وارده که درکیمیاخانهٔ وزارت معارف مورد امتحان آمده طرف اطمینان واقع شده است علا وتاً اصول فنی استعمال رنگ های پختهٔ جوهری ساخت خارج وروین و قرمز پیداوار وطن ذریعهٔ نشراعلانات وشایعات مجلهٔ اقتصاد تاحدی به اهالی دانانده شده است

تدابیر ترویج رنگ های پخته :

برای اینکه ازاستعمال رنگ های خام جوهری جلوگیری بعمل آمده وعوض آن رنگهای پختهٔ جوهری ترویج گردد دراثر پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی ومنظوری مجلس عالی وزراء از اول ماه میزان ۱۳۱۸ پنج فیصد برمحصول گمرکی قالین های رنگ خام صادراتی افزود شده ودر عوض قالین های رنگ پخته نه تنها از محصول گمرکی معاف گردیده بلکه وزارت برای دادن انعام به تجاریکه قالین های رنگ پخته راصادر می نمایند مبلغ کافی اعتبار حاصل نموده و به تجار مذکور از قرار فی متر دو افغانی انعام داده است :

نمایشگاه صنعتی جشن استقلال :

درسال جاری نمایشات صنعتی جشن استقلال ازوزارت فوائدعامه منفك وازطرف مدیریت امور صنائع وزارت اقتصادملی دایرگردیده وبه اشخاص مستحق که درصنایع مربوطه حائز نومره شدند انعامات لازمه داده شد .

تقاوی صناعتی :

برای تقویهٔ پنبهٔ صنعتی مملکت وزارت اقتصادملی یك مقدار پول کافی جهته اعطای تقاوی اعتبار حاصل نموده وبه بعضی موارد حرف وصنایع تقاوی داده شده است علاوتاً برای حمایت صنایع داخله ازقبیل منسوجات پشم وغیره که فابریکات داخلی تااندازهٔ اعاشهٔ قومی احتیاجات ملی رامی تراند به محصولات گمرکی جاکت های خارجه فی متر ۲۶ افغانی افزود شده است .

فروش نخ :

شعبهٔ فروش نخ مدیریت صنایع بغرض جلوگیری از قاچاق وفراهم نمودن تسهیلات برای بافندگان اقسام نخ های مطلوبه راازخارج تهیه دیده وبا قیمت ارزان برای بافندگان

(c) ketabton.com: The Digital Library

بفروش رسانیده است این اقدام برای ترقی منسوجات مفید ثابت گردیده ووضع صنعتی رو به بهبودی نموده وهم بر عدهٔ بافندگان ومقدار محصولات صنعتی شان افزوده شده است چون مصنوعات مذکور از احتیاجات محلی بیشتر است ، لهذا یك یك مقدار بولایات دیگر نیز ار سال میشود برای تفریق و امتیاز منسوجات داخلی ازساخت خارج یکنوع سر غچ های کوچك بنام صنایع داخلی ساخته شده ودرمنسوجات داخلی مستعمل گردیده است .

مقرری های وزارت اقتصاد :

الف : دوائر مرکزی وزارت .

مدیر عمومی اداری	:	ع ، احمدعلیشا خان
مدیر عمومی تجارتی	:	« ، فقیرمحمد خان
مدیر عمومی اطاق های تجارت	:	« ، میرمحمد ضیاء الدین خان
مدیر عمومی انطباعات	:	« ؛ محمد زمان خان ترهکی
مدیر احصائیه	:	ص ، حبیب الله خان
مدیر مخصوص	:	« ، محمد صدیق خان
مدیر انحصارات	:	« ، محمد صدیق خان
مدیر گریزی	:	« ، پاینده محمد خان
مدیر ترجمانی	:	« ، محمدعلی خان

ب : شعبات مربوطهٔ مرکز

رئیس گمرك هرات	:	ع ، ص ، عبدالاحد خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی	:	« ، ص ، حاجی عبدالقدیر خان
مدیر گمرك جلال آباد	:	ص ، آقاجان خان
مدیر گمرك دکه	:	« ، میرافضل خان
معاون ریاست گمرك کابل	:	« ، محمدعزیز خان

وزارت فوائد عامه :

یکی از بهترین ومثمرترین شعب اداری یك مملکت امور فوائد عامهٔ آن است درمملکتیکه این شعبه باصول درستی اداره میگردد زراعت ، صنعت ، تجارت وامنیت و سائر شعب اجتماعی آن مملکت پیوسته رو به ترقی واصلاح سیر میکنند زیرا اصلاحات در امور فوائد عامه در حقیقت اصلاحات بالواسطهٔ شعب فوق می باشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

چون وزارت فوائد عامهٔ مملکت ما هم خو شبختانه به جدیت ودر تحت پلان های مفید فنی کار میکنند لذا امید قوی است که با آتیهٔ نزدیکی بتوانیم ثمرات شیرینی ازان بردار یم واین است که برای نمونهٔ اجراآت سنه ۱۳۱۸ آن وزارت را در ذیل مینو یسیم .

امور بند ها وانهار

امور بند ها وانهار دراخیر سال ۱۳۱۷ بوزارت فواید عامه مربوط گردید .

این وزارت بند ها و انهاری را که مفاد و اهمیت اقتصادی آن ازنقطهٔ نظر فن مطالعه و تصدیق شده بود زیر کارگرفت ، بند ها وانهاریکه پروژه ونقشهٔ صحیحی نداشت آن را معطل نمود که بعد از پروژه و نقشهٔ فنی زیر کار گرفته شود .

علتیکه وزارت فواید عامه را به تعطیل کار های بعضی ازین بند ها و انهار مجبور گردانید . ازروی اقتضای فن واصول بوده که ذیلاً توضیحات داده میشود .

بستن بند ها و کشیدن انهار زیر کنترول آوردن آب واستفاده ازان است ، برای بهبود مملکت و بلند بردن معیارحیات اقتصادی باید تمام منابع ثروتی یك روز بکارافتد ، آب ثروت مهمترین مملکت بوده استفاده ازان عین حیات یك مملکت را تشکیل میدهد .

تأسیس بند ها بصورت های ذیل آب را زیر کنترول واستفاده می آورد .

۱ـ ذریعهٔ بند ها آبهای موسم آب خیزی ذخیره شده ، درموقع احتیاج عندالزوم بمصرف زراعت رسانیده میشود به این وسیله زمین های خاره ولا مزروع آبیاری میگردد .

۲ـ بند ها ازخسارات دریاهائیکه زیر کنترول نبوده درموقع آب خیزی مزارع دهکده ها و قصباتی که در سیر آن واقع می باشد دستخوش خود قرار داده باعث تلفات مالی وجانی میگردد . جلوگیری می نماید .

۳ـ و هم غرض از تاسیس بند ها تهیه دیدن قوهٔ آب است که آن قوه بصورت قوهٔ برق یا قوهٔ میخانیکی ، وقوهٔ حرارت تبدیل گردیده ، منازل وموسسه ها را تنویر نموده گرم میکند و ماشین ها را بحرکت می اندازد ، بالاخره قوهٔ آب بصورت قوهٔ صوت تبدیل شده سبب بکار انداختن رادیو میگردد .

٤ـ بالاخره تأسیس بندها برای آن است که آب خوش ذائقهٔ صحی برای نوشیدن اهالی شهر ها وقصبات تهیه به بیند ، واینکه به این صورت تهیه میشود از زیر کنترول طبی وصحی می گذرد وازسایر امراضیکه بواسطهٔ آب نشر میشود جلوگیری می نماید .

بستن بندها بنابر مقاصد فوق زیر نظر گرفته میشود ، ولی ازدیگرطرف چون تأسیس بند مثل سائر امور انجنیری بنظریهٔ منافع اقتصادی وعمرانی مملکت می باشد ، باید پهلوهای نفع

(c) ketabton.com: The Digital Library

وضرر پولی آن را سنجیده تا از روی قیمت اقتصادی آن ها ، همان بند ها وانهار آباد و بکار انداخته شود که از همه ارزان تر مفاد آن بیشتر است ، و برای رسیدن به این معلومات بذرایع ذیل اقدام میشود .

۱ـ برای بند ونهر مطلوب چقدر مصرف لازم است ؟

۲ـ منفعتی که ازان حاصل میشود چیست ؟

اگر تعمیر بندویانهر بملاحظهٔ فوق مفیددیده شودزیراجرا گرفته شود، والاترك داده میشود مدرك پول وسعی وعمل بجای دیگر که نفع آن زیاد ومصرف آن کمتر باشد بکار می‌افتد .

مگر باید معلوم کردن این نفع ونقصان بصورت فنی عملی شودیعنی معلوم کرده شود که قیمت هرواحد مثلاً مترمکعب تعمیر بند ویامتر مکعب حفرنهر بچند تمام میشود ، وازتاسیس بند ونهر دراز دیاد محصولات اراضی ، سر سبزی مملکت چه مقدار تاثیرات منفعت بخشی تولید میشود چه مقدار زمین‌را ابیاری میکند .

برای سنجیدن قیمت یك متر مکعب بند تعمیر شده یاحفر یك متر مکعب خاك وسنگ نهر وبرای تعیین نمودن مقدار آبیکه میتواند به کاسهٔ بند ذخیره شود نقشه وپروژه لازم است وهم مساحهٔ تیپو گرافی کردن کاسهٔ بند ضرور است ، وهمچنین معلوم شود که کاسهٔ بند مستعد نگهداشتن آب ذخیره شده می‌باشد ، ویا کاسهٔ بند ازرقم سنگچل وغیره است که آب ازان عبور میکند ، و هم سنجیدن وضعیت اراضی بند لازم است که‌اراضی مذکور برای ساختمان بندپخته ویابندخام مستعداست تهداب بروی خاك ویابروی سنگ قرار داده میشود چه تهداب‌درفیصله نمودن‌رقم‌بند اعتبار زیاد دارد ونیز راجع بمواد تعمیریهٔ بند ازقبیل سنگ وسنگ پارچه چونه وخاك رس وغیره معلومات کرده شود که درنواحی بندیافت میشود یااز جای دور آورده میشود وبچه قدر قیمت تمام میشود زیرا ازتمام این ها وضعیت اقتصاد آن ورقم بند معلوم‌کرده میشود .

بعد ازانکه تمام این مراتب بروی کاغذ آمدبند ونهر زیرکار گرفته میشود .

زمانیکه اموربندها وانهار بوزارت فوائد عامه تعلق پیداکرد دیده‌شد که‌تمام بندها وانهار افغانستان پیش ازشروع بکارشان همچو مطالعات فنی‌نشده ، ومراتب منطقی خودرا طی نکرده است چنانچه (بندزنخان) واقع غزنی که ازچندسال زیرکار گرفته شده است بالاخره وزارت فوائدعامه بذریعهٔ مطالعات فنی انجنیران خودعدم اهمیت اقتصادی آن‌را درك کرد .

بنا بران وزارت فوائد عامه بمشورهٔ انجنیران فنی خود وبه اقتضای تجارب ممالك دنیا ، مطالعات وتحقیقات فنی‌را راجع به‌بندها وانهار افغانستان نخست ازهمه‌لازم دید ، تامفاد ومضار بندها وانهار را ازپهلوی فن معلوم نماید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مگرچون وزارت فوائدعامه مهندسین کافی دردسترس خود نداشت وندارد طوریکه باید وشاید تمام بندها وانهار افغانستان رادرین‌مدت‌قلیلیکه کارهای‌مذکوربه اوتعلق پیدا کرد مطالعه کرده نتوانست زیراکه مطالعات ابتدائی دریك بندونهر وقت‌بکار دارد برای اینکه خوانندگان محترم میدانند که مطالعات ابتدائی دریك‌بند چقدر وقت لازم دارد توضیح میشود که چهار نفر انجنیر دربند قرغه کار میکنند تامراتب فنی ومنطقی بند مذکور را ازقبیل پروژه ونقشه ترتب داده توانستند .

علاوه براین وزارت فوائد عامه درك کرد که برای پیشرفت کار های بند ها وانهاریکه پروژه ونقشه شده زیر کار گرفته می شود سامان‌فنی‌کارلازم است‌واگر سامان و لوازم کار حسب لزوم موجو د ومهیا نباشد ، باز هم قراریکه مطلوب است پیشرفت ما مو ل تطبیق پیدا نمیکند،فلهذاوزارت بمشورهٔ انجنیران‌خوددر صدد‌تهیه‌دیدن‌سامان ولوازم فنی امور‌بند وانهار ومایحتاج‌ضروری آن هابرآمد تادرسال۱۳۱۹همه حوائج فنی وادوات لازمهٔ کار های بند ها وانهارتهیه بوده ، امور آن ها سریعاً زیر کار گرفته شود .

وهمچنان‌درصدد آن برآمده که بعدهٔ مهندسین خود افزوده پروژهٔ عمرانی وسرسبزی مملکت راچنانکه نصب‌العین حکومت است بصورت اساسی وفنی درسال۱۳۱۹ زیر کار بگیرد .

رو بهمرفته وزارت فواید عامه به علاوهٔ آنکه امور‌بندهاوانهار جاریه را بصورت صحیح واصولی‌زیر کار گرفته سامان ولوازم کار آن هارا دردسترس عمال آ ن گذ اشت ، تهیات لازمه را ازقبیل فوق‌الذ کربرای سال۱۳۱۹دیده میرود تاخدا بخواهد امورات سال اینده بر وفق اقتضاءآت فنی واصول زیر اجرا آید مملکت وملت ازان‌متمتع ومستفید شود .

امور معابر :

الف ،

۱ : ـ سرك بگر امی از سنگ کلوله وجغله وریگ به اصول مهندسی با آ برو های آ ن تکمیل شد ه .

۲ : ـ سرك‌های‌جدیددرشنوارواطراف آن‌ازمار کوالی چهاونی‌وازسرك مذکوربه هرقصبهٔ دیگرسرك هاامتداد یافته .

۳ : ـ سرك جدید مشرقی که از راه تنگی غارو ودرو نته بجلال آ باد وصل میشود نقشه برداری آن تایك اندازه شروع گردیده از حصهٔ درونته الی کج محمد علیخان سا ختمان سرك وپخته کاری آب رو هـا و غیرهٔ آن جریـان دارد : ـ

٤ :ـپل سه‌کمانه ٤ متره پیش‌روی‌حکومتی سید آباد جدیدساخته شده : ـ

٥ : ـ پخته کاری سرك پیش روی وزارت تکمیل شده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ب ـ دره شکاری :

۱ : ـ سرنگ پرانی پایان پوزهٔ پل رنگای غوربند .

۲ : ـ کارپل چوب پوش اشنر شهرغوربند.

۳ : ـ سنگ کاری وخاکه کاری های کوتل شبر .

٤ : ـ اصلاحات سرك پایان چهاردهی غوربند .

٥ : ـ ترمیم سرك سنگ سوراخ درهٔ شکاری .

٦ : ـ ساختمان سه کوته معابر برف پاك کوتل شبر .

۷ : ـ ساختمان دوهزار دوصد سیزده متر سرك جدید شبر .

۸ ـ : صفائی سه هزار دوصد متر سرك کافر قلعهٔ کوتل شبر .

۹ : ـ ساختمان پل چوب پوش سرك جدید شبر .

۱۰ : ـ ساختما ن یك معبر ودوآب روسرك جدید شبر .

۱۱ : ـ کار سه آ ب روسرك جدید شبر .

۱۲ : ـ فرش جغله بالای سرك جدید شبر .

۱۳ : ـ رسانیدن سنگ پارچه بالای سرك قدیمهٔ شبر .

۱٤ : ـ ساختمان پول چوب پوش موضع توتمدره .

۱٥ : ـ کاریخته کاری پل آهنی موضع توتمدره :

۱٦ : ـ سر نگ پرانی وسنگ کاری حصه جات باغ افغان غوربند .

مجموع کار شده گی دره شکاری ۳٦٤۳۲ فوت مکعب سرنگ پرانی و ۸۲ ۰ ۹ ۸ ۰ فوت مکعب خامه کاری و۹٥٥٤٤ فوت مکعب سنگ کاری و۱۱۱٦۰ فوت مکعب فرش جغله می باشد.

اجرا آتیکه درطی سال ۱۳۱۸ درفابریکهٔ برق وردگ انجام یافته

حصهٔ نهر :

۱ : ـ حفریات ز مین خامه = (۷۹٥۰۰) متر مکتب .

۲ : ـ کندن سنگ کنگلو مرات = (۱۳٤۰۰) » »

۳ : ـ کندن وپراندن سنگ معمولی = (۲۲۷۰۰) » »

٤ : ـ دیواریکه ازسنگ پارچه ساخته شده = (۳ ۸ ۰) » »

٥ : ـ کانکریت ریخته شده . . . . = (٥ ۰) » »

حصهٔ بند پخته :

۱ : ـ حفریات . = (٤۳۰۰) متر مکعب

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ : ـ کانکریت = (۵۹۵۰) متر مکعب
۳ : ـ درینازٔ حصهٔ بند پخته = (۹۰۰) » »
٤ : ـ کار بند خامه = (۲٤۰۰۰) » »
٥ : ـ دیـوارسنگی = (٦۰۰) » »

حصهٔ پاور هوس (کار خانه)

فوری وپر چاوهٔ یخ

۱ : ـ حفریات = (۷۰۰) متر مکعب
۲ : ـ کانکریت = (٦۸۰) » »

پاپ این :

۱ـ حفریات = (٤۳۰۰) متر مکعب
۲ـ کانکریت = (٤۰۰) » »

سرکیکه بطرف کارخانه امتداد یافته :

۱ـ حفریات خامه = (۱٦۰۰۰) متر مکعب
۲ـ خاکی که بالای سرك انداخته میشود = (۱٥۰۰۰) » »

کارخانه و استیشن هوائی :

۱ـ حفریات = (٥٥۰۰) متر مکعب
۲ـ کانکریت = (٥۰) » »
۳ـ خشت کاری پخته = (٤٦۰) » »
٤ـ پلا ستر = (۱۲۰۰) » مربع

نهر زیر کار خانه :

حفریات ز مین خامه = (۲۰۰۰) متر مکعب

این بود اجراآت و کار هائیکه از اول ثور ۱۳۱۸ الی اخیر عقرب ۱۳۱۸در سب استیشن دهمزنگ و فابریکهٔ برق چك وردك انجام یافته . ازتذکار اجرای کارهای کوچك وجزئی دراینجا خود داری و صرف نظر شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

٤ـ مستر نلدنسکی معاون مهندس برای بعضی کارات مدیریت مذکور و مدیریت عمومی معابر بطرف هرات فرستاده شده .

امور فابریکات

بااینکه مدیریت عمومی فابریکات برای پیشرفت وترقی عموماً شعبات مربوطه اقدامات لازمه ورویه های مفیده را اتخاذ وعملی نموده باآن چون تاحال صنایع سنگ تراشی دروطن عزیزما ذریعهٔ دست اجرا می‌شود باآنهم طوریکه ملاحظه می‌شود کار دستی که تاحال اجراء شده ولوازمات متعدد سنگی که تکمیل گردیده خیلی متین وقابل قدراست باوصف این مدیریت عمومی فابریکات قدم دیگری در این راه برداشته وبه تاسیس یك فابریکهٔ جدید سنگتراشی اقدام نموده تااز سنگهای قیمتی وطن عزیزما که تاحال ازآن استفادهٔ صحیح نشده منافع‌لازمه اتخاذ وصنایع سنگی وطن را که‌قبل ازاین بدست اجراء می گردید ذریعهٔ‌ماشین وآلات‌عصری بکار انداخته وبتوانند اهالی مملکت خود را از لوازمات صناعی مستفید وعلاوتاً بصادرات این صنایع مفیده موفق شود ـ بدین نظریه قرار داد رسانیدن یك فابریکهٔ مکمل سنگتراشی را باشرکت ای ـ جی‌ـی ـاو ، ایطالوی امضاء ونظر بقرار داد موصوف شرکت مزبور یکتعداد صنادیق ماشین های فابریکهٔ فوق‌الذکر را وارد وچیز یکه باقیمانده در سال ۱۳۱۹ واصل خواهد شد وعلاوتاً نصب وبسته کاری وبکار انداختن ابتدائی ماشین های مذکور چهار نفر متخصصین سنگتراشی ذریعهٔ وزارت فختاری روما قرار معرفی شرکت‌مذکور استخدام و درین روزها وارد خواهند شد چون تعمیر فابریکهٔ موصوف قبل ازین‌تعمیر وفعلاً برای نصب نمودن ماشین ها مستعد است در نظر است که به توفیق خدای متعال در سال ۱۳۱۹ ماشین های مذکور نصب وبوظیفهٔ اصلی خود به پردازد .

فابریکه های مربوطه

۱ : ـ مدیریت فابریکهٔ‌نساجی مرکز:ـ این فابریکه‌که مصنوعات آن‌عبارت از سرج فتین وکورس ومدیم می‌باشد باوجودیکه بحران موجودهٔ اروپا باینطور فابریکهای تجارتی به تمام دنیا اثر انداخته مگر فابریکهٔ موصوف وظیفهٔ خود را مطابق سال گذشته انجام وباآنکه حصهٔ مهم حاصلاتش به تهیهٔ البسهٔ عسکری صرف می‌شود باآنهم از حاصلات خود حتی‌المقدور حوائج اهالی وطن را نیز رفع ویك اندازه تکه های راهدار وچهار خانه، کمپل وغیره را برای استفادهٔ اهالی بمعرض فروش گذاشته وحاصلات سال جاری فابریکهٔ موصوف مطابق سال گذشته در حدود یك‌لك متر تکه می‌باشد .

۲ : ـ مدیریت فابریکهٔ نجاری دارالفنون: ـ فابریکه موصوف وظیفه دار تکمیل‌دروازه

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت فواید عامه

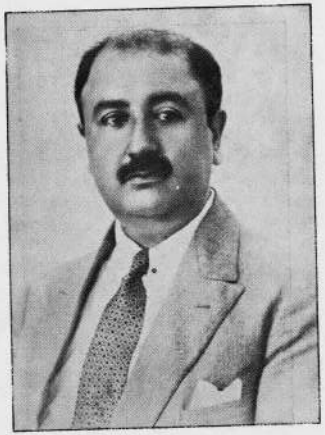

ع ، ص عبد الحمید خان
معین



ع ، محمد کبیر خان مدیر عمومی
بند و انهار



ص ، سعد ا لدینخان مدیر
پیمائشی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت فواید عامه



ع ، میراحمد خان مدیر عمومی
معابر



ص ، عبدالغنی خان مدیر
مامورین



ص ، میرزا یعقوب علیخان مدیر
کنترول فابریکات

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرر یهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت فواید عامه



ص ، سید محمد عثمان خان مدیر
نشریات و تعلیمات و تجزیه



ص ، شیراحمد خان مدیر فابریکهٔ
بوت دوزی



ص ، محمد ابراهیم خان مدیرفابریکه
نختابی جل السراج



ص ، محمد اسمعیل خان مدیر فنی
فابریهٔ گو گرد سازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت فوائد عامه

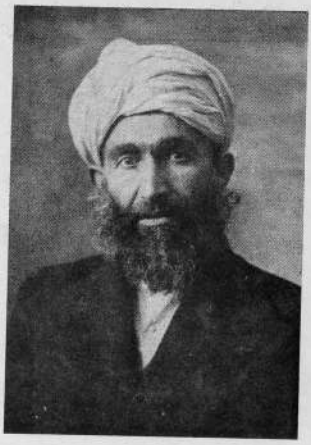

ص ، فقیر محمد خان مدیر بند سراج
غزنین



ص ، سلطان عزیز خان مدیر
فوائد عامهٔ میمنه



ع ، جلال الدینخان مدیر عمومی حفظ الصحه
وتشکیلات وزارت صحیه



ص ، عبدالغفورخان مدیر حفظ الصحه
وتشکیلات وزارت صحیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

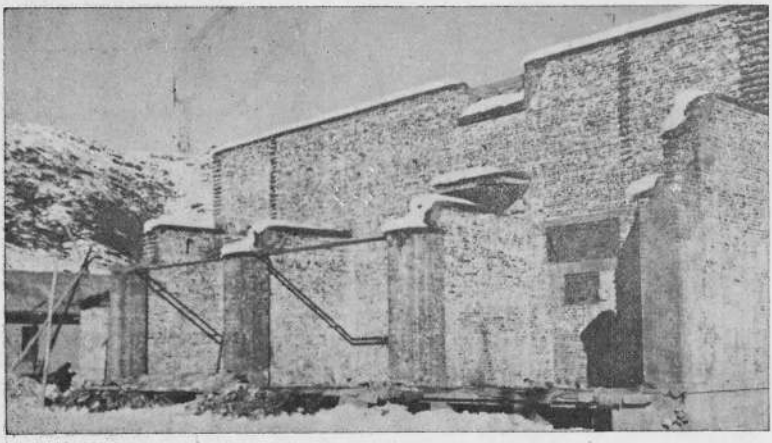

منظرهٔ عمارت نیم کاره ترانسفار مرهای سب استیشن دهمزنگ

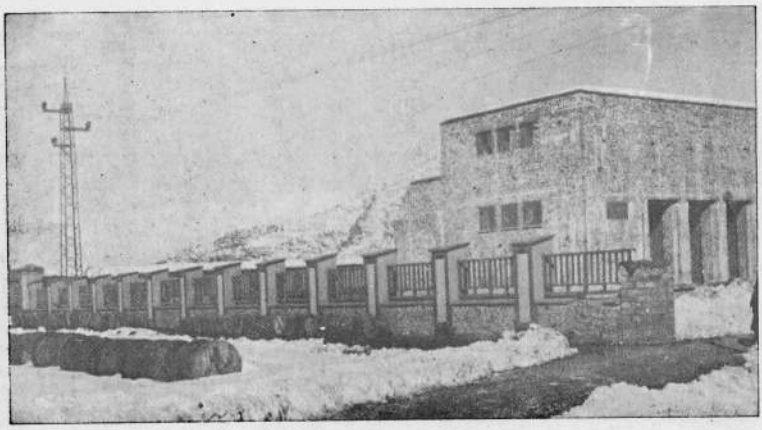

منظرهٔ قسمت غربی سب استیشن دهمزنگ

(c) ketabton.com: The Digital Library

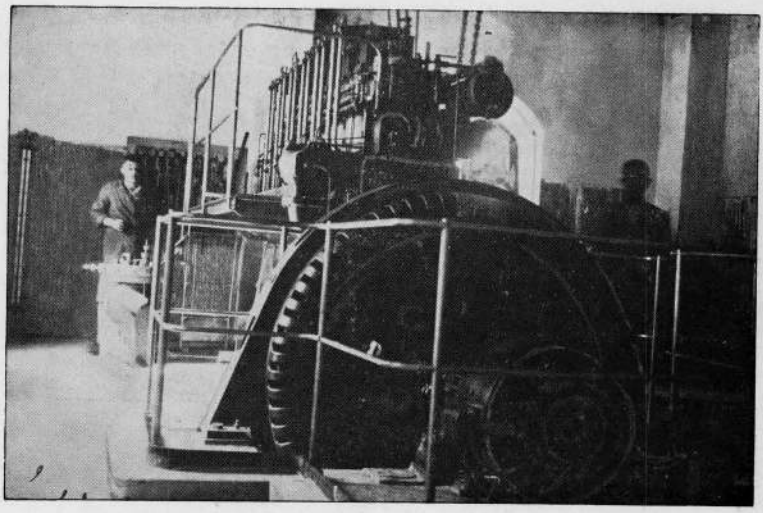

منظرهٔ ماشین دیزل کابل

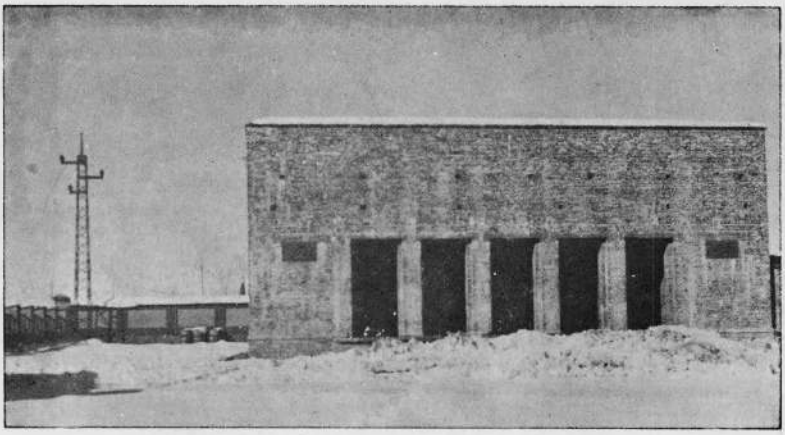

منظرهٔ عمارت نیم کارهٔ آیل سویچهای سب استیشن دهمزنگ

(c) ketabton.com: The Digital Library

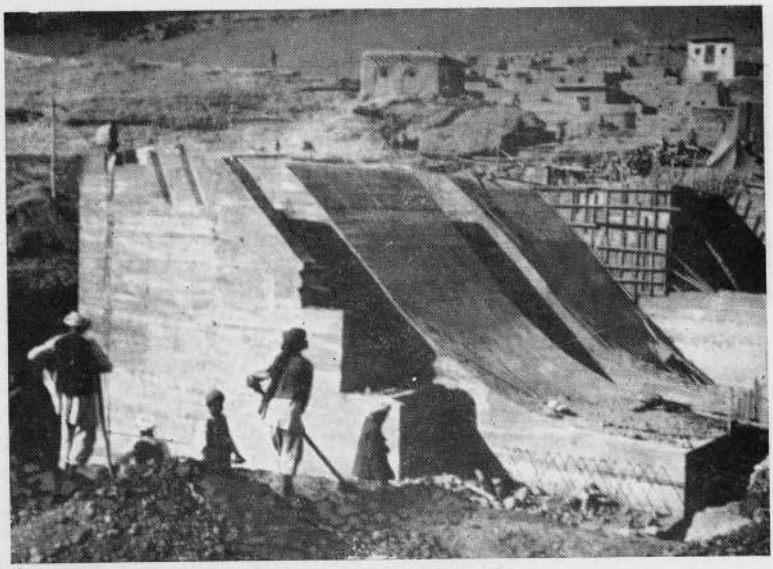

منظرهٔ یك قسمت بند یختهٔ فابریکهٔ برق وردك



باپ لین ماشین نمبر ٤ در وقت لیم کاری

(c) ketabton.com: The Digital Library

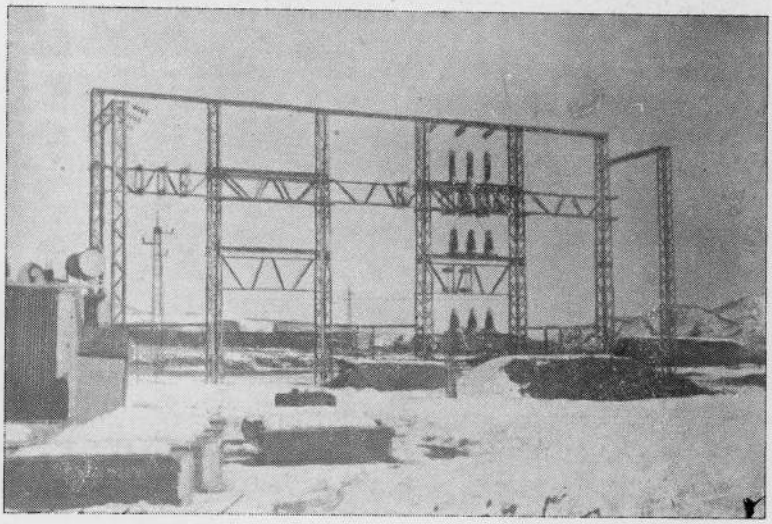

استیشن هوائی فابریکهٔ برق وردك

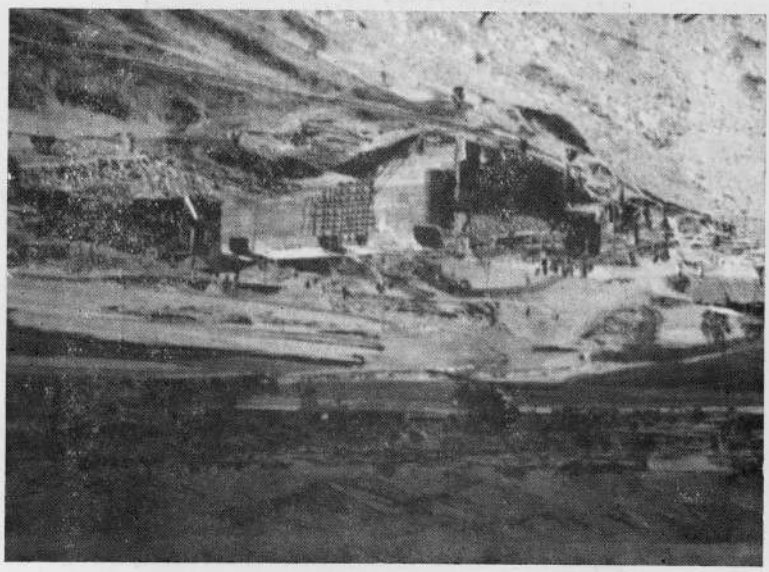

قسمت عقب بند پختهٔ فابریکهٔ وردك

(c) ketabton.com: The Digital Library

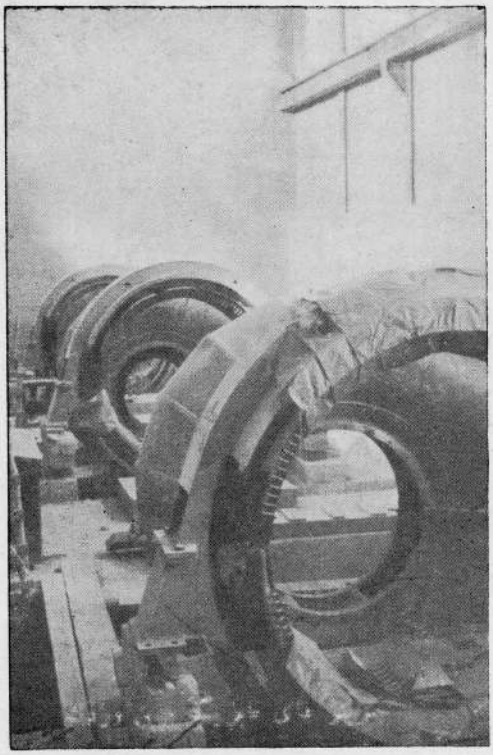

جنریتر های فابریکهٔ برق وردك

(c) ketabton.com: The Digital Library

تعمیر جدید وزارت خارجه - کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

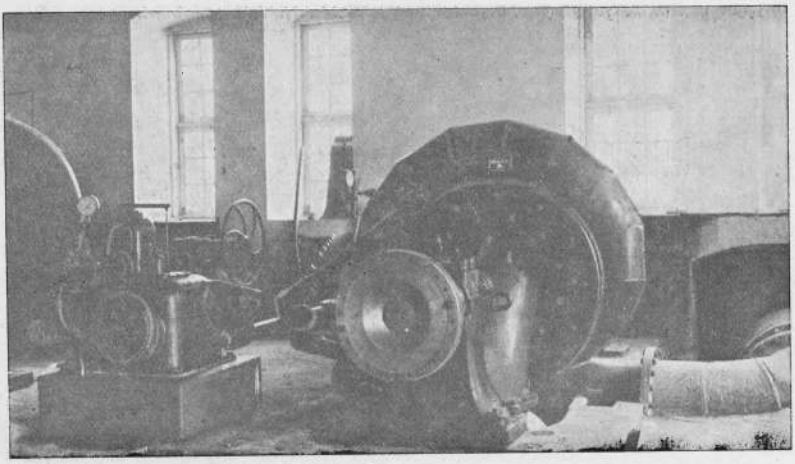

منظر ترین فابریکهٔ برق جبل السراج

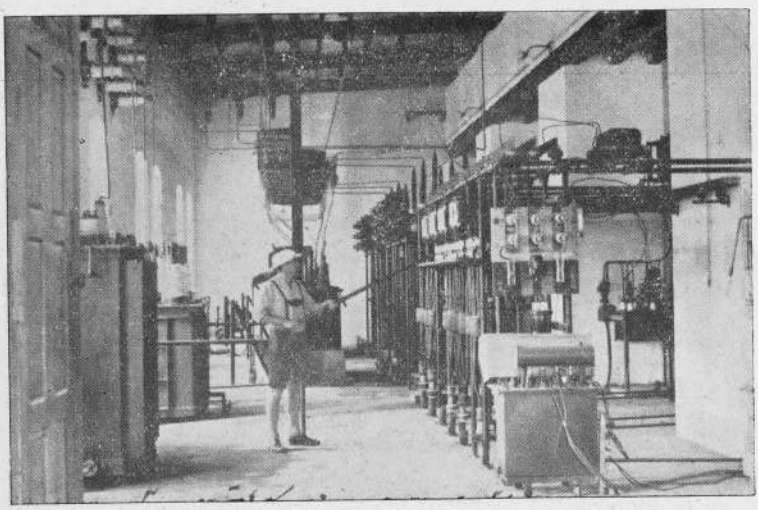

اطاق ترانسفارمرهای فابریکهٔ برق جبل السراج

(c) ketabton.com: The Digital Library

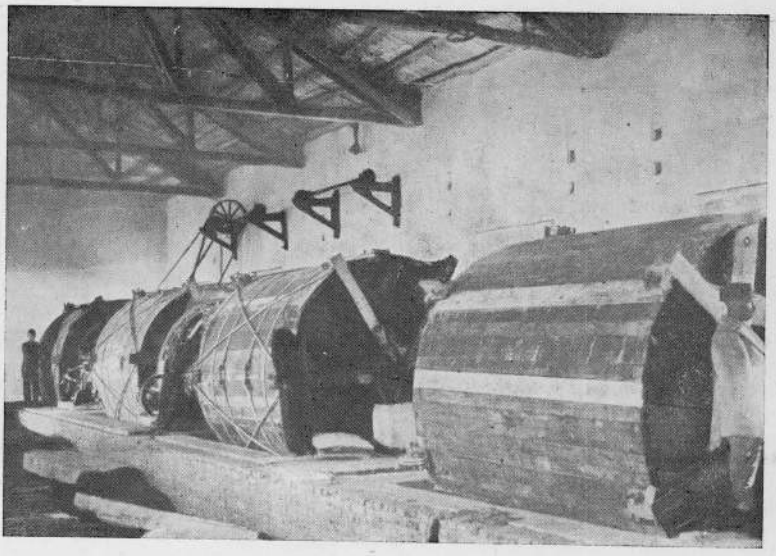

دستگاه عملیات متعلقهٔ صنعت بوت



عمارت فابریکهٔ بوت دوزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

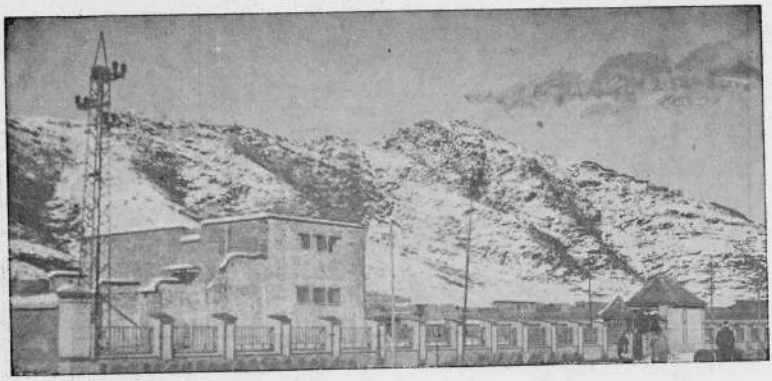

منظرهٔ سب‌استیشن دهمزنگ ازسرك عمومی

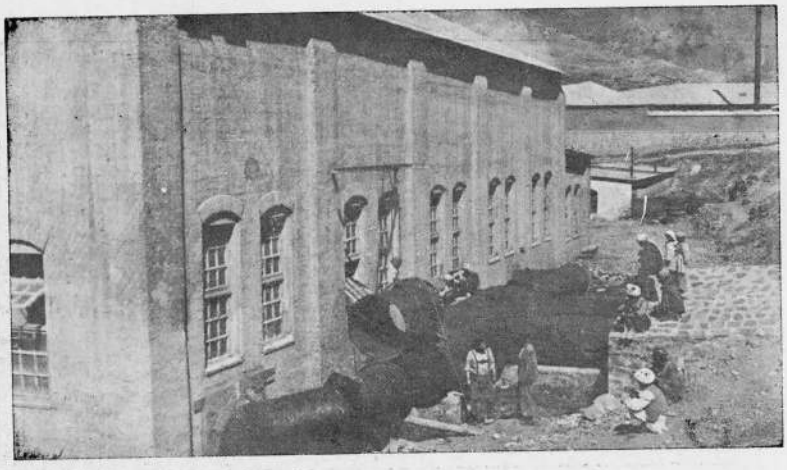

منظرهٔ نصب تربین نمبر ٦ فابریکهٔ برق جبل السراج

(c) ketabton.com: The Digital Library

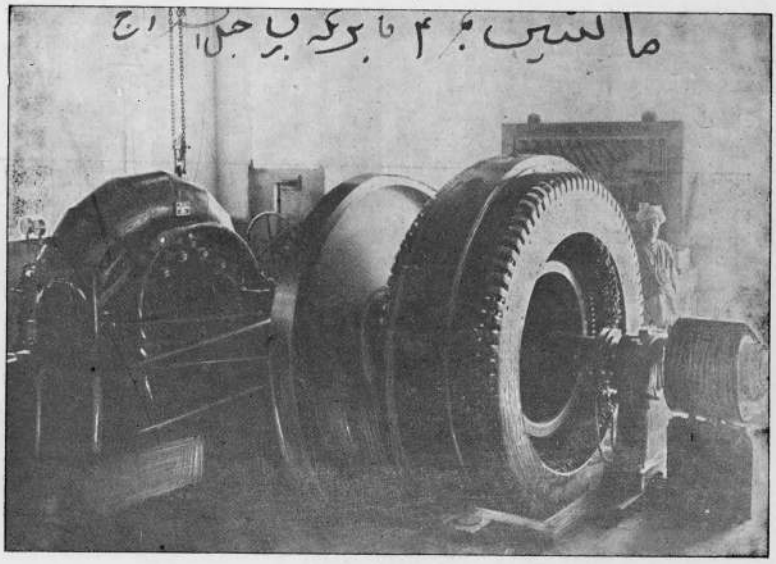

ماشین نمبر ٤ فابریکهٔ برق جبل السراج

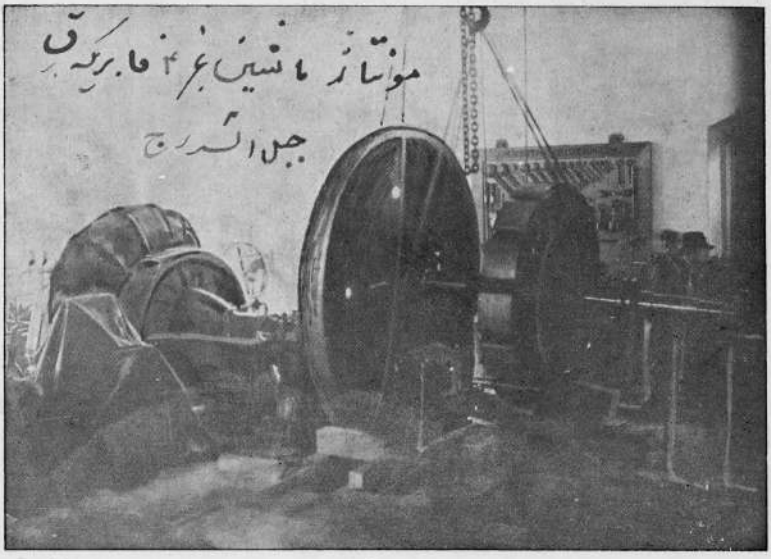

موتاژ ماشین نمبر ٤ فابریکهٔ برق جبل السراج

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکلکین تعمیرات حکومتی بوده باساس وظیفهٔ خود امورات محولهٔ خود را بکمال متانت انجام وعلاوه ازآن به انجام فرمایش اشخاص وغیره مستعدبوده وتماماً فرمایشات واصله‌را به بهترین صورت تکمیل نموده ودر سال جاری در حدود ـ (۱۳۷۶) یکهزارو سه صدو هفتادو شش باب دروازه اکمال وبه اشخاص فرمایش دهنده تحویل نموده است .

۳ : ـ فابریکهٔ چرمگری وبوت دوزی :ـ چون فابریکهٔ بوت دوزی اساساً وظیفه دار تهیه وتکمیل بوت وموزه وکمربند کار آمد وزارت جلیلهٔ حربیه می باشد و فابریکه چرمگری که به تهیهٔ مواد ابتدائی یعنی چرم خود رنگ ورویه دار وغیره موظف است به‌همکاری فابریکهٔ بوت دوزی کار میکند این فابریکه درسال جاری خدمات خود را نسبت به سنوات گذشته بهتر اجراء نموده وحاصلاتش در حدود زیاده تر ازسنوات ماقبل بوده است .

٤ : ـ مدیریت فابریکهٔ گوگرد سازی :ـ این فابریکه که‌به‌تهیهٔ گوگرد مصارف وطن عزیز مشاغلت دارد مانند سنوات گذشته به تعمیل وظیفهٔ خود اقدامات لازمه نموده است .

٥ : ـ مدیریت فابریکه نخ‌تابی جبل‌السراج :ـ حاصلات این فابریکه عبارت از جیم وتسر وصحن N ـ۲ـ و N ـ۱ می باشد حصهٔ مهم حاصلاتش مصارف وزارت جلیله حربیه و وزارت صحیه وعلاوه ازآن یك‌تعداد تکه را برای رفع حوایج بدست رس اهالی میگذارد .

٦ : ـ مدیریت فابریکه نجاری مرکز :ـ این فابریکه دارای چندشعبهٔ صناعتی که عبارت از سنگ تراشی ورنگ مالی ونجاری وحکاکی می‌باشد بوده و درسال جاری مانند سنوات گذشته وظایف محولهٔ خود را اجرا ولواز مات مایحتاج دوائر را طور مرغوب تهیه نموده است و شعبهٔ رنگمالی مصنوعات فابریکهٔ موصوف را رنگ آمیزی کرده . و شعبهٔ حکاکی و سنگتراشی نیز حسب در خواست های شعبات واشخاص لوازمات کار آمد تهیه و آماده ساخته وبمعرض فروش گذاشته است .

فابریکهٔ چرمگری :

در ۱۳۱۸ که‌فرمایش ساخت بوت وموزه وکمربندازوزارت حربیه‌یك‌بردو بوزارت فوائد عامه هدایات وفرمایش داده شده حسب‌فرمایش‌وزارت حربیه‌درهذالسنه اجراآت‌فابریکهٔ‌بوت دوزی نظر بسال‌های گذشته پیشرفت در ساختمان مذکور نموده است همچنین که‌درساخت مال فابریکه پیشرفت نموده مفادفابریکه هم در هذاسنه نظر بسال گذشته زیاد شده است علاوتاً در هذاسنه عمارت جدید برای نصب ماشین های جدید ودولها وسنگ آبخانه‌ها وتحویلخانه‌ها وچرم گری وبوت دوزی تعمیر جدید به‌نقشهٔ عصری ساخته شده که‌ماشین وچهار عدد دول نصب وازسنگ آبخانه ها درپخت چرم نتیجهٔ خوبی گرفته شده است .

امور صحیه

مسائل صحی که یکی ازعمده ترین قسمت های‌امور مملکتی محسوب‌می شود باثر بذل توجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاص حکومت که نسبت بآن معطوف فر موده جنبهٔ صحی مملکت تحت یك نظم و اصول صحیح وموافق بسط وتوسعه یافته مفهوم حقیقی صحت وتندرستی درتمام مناطق ودورترین نقاط مملکت ظاهر شده است . امور صحی ومسائل متعلق آن درمرور سال ۱۳۱۸ بمراتب آنچه درسال گذشته بود پیشرفت حاصل نموده وزارت صحیه را موفق گردانیده است تانظریات حکومت بهی خواه‌را حسب دل خواه اوتعمیل نماید .

در ردیف اجرا آت سال ۱۳۱۸ وزارت صحیه یك عده موضو عاتیست که شرح وتفصیل زیادی بکار داشته لازم می افتد که در اطراف هریك آن توضیحات مطولی داده شود ولی مامسلك سالنامه راکه عبارت از اشاره واختصار اجرا آت دوائر مملکتی است رعایت نموده وخلاصهٔ اجراآت وزارت موصوف را آتیاً می نگاریم :

اول : ـ حکومت متبوع وخیراندیش ماکه نصب العین همیشه گی آن ترقی و تعالی مملکت بوده وبرای پیشرفت واعتلای این خاك ورفاه وآسوده حالی ملت دائم در صدد چاره اندیشی وبیشتر به نکات مهم تعمق ورزیده دوائر صلاحیت دار را وادار ساخته اند تا برای پیشبرد امورات مرجوعهٔ خویش از طرق اساسی داخل کار گردیده واز قواعد و قوانینیکه سائرین استفاده کرده اند داخل اقدامات شوند وزارت صحیه هم بتأسی همین نظریات نیك حکومت داخل تشبث گردیده وبهترین وسیلهٔ ترقی وپیشرفت نهضت‌های صحی راوابسته بیك پلان اساسی دانسته جهة توسعه وپیشرفت جنبهٔ صحی مملکت به‌ترتیب یك پلان پنج ساله قیام نموده وصورت آنرابرای بازدیدمنظوری مقامات عالیه‌تقدیم داشت ،

مرادیگانهٔ وزارت صحیه‌ازپلان مزبور که‌خاص تقویه صحت‌عمومی والحای امراض مستولیه ازسراپای جامعه بوده پس از ملاحظهٔ مقامات صلاحیه دار ومجلس عالی وزراء اخیراً تصویب ومراتب قانونی راطی کرده‌ازطرف مقام‌وزارت‌صحیه دردست اجرا گرفته شد . امید واریم که باتعمیل واجرای این‌پلان که‌بما یك قسمت نظریات ایثار کارانهٔ حکومت مصلح راکه به‌منظور صحت و سلامتی ملت است معرفی کرده وریشهٔ بسامراض مهلکه افنا خواهد شد .

چون برای اجراء وتعمیل این‌پلان تشکیلات اداری وزارت صحیه نیز ایجاب تغیر وتوسیع می نمود لهذا حسب مقتضیات پلان مذکور توسیعات وتعدیداتیکه در امور اداری وزارت رخ داده وذیلاً بنظر خوانندگان محترم رسانیده می‌شود تنها در تشکیلات اداری مرکز وزارت بعمل آمده واز ابتدای برج میزان ۱۳۱۸ مامورین‌همان‌قسمتیکه درشش ماه اخیر سال جاری مورد احتیاج وضرورت واقع می‌شد تعین‌وبکار آغاز کردند البته مابقی تشکیلات هم و قتاً فوقتاً نظر به وسعت کار وایجاب وضرورت‌عملی خواهد شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عمارت اکسریز :

۱ :ـ مؤسسهٔ اکسریز که یکی ازمؤسسات عام المنفعه وازجملهٔ ضروریات صحی مملکتی بشمار می رود واز زمانی باین طرف مؤسسهٔ اکسریز درمرکز موجود ومورد استفاده قرار دارد ولی چون عمارت آن گنجایش تمام آلات ضروریهٔ اکسریز راندا شته وطرز ساختمان آن موافق به اصول عصری نبود بناسی نظریهٔ حکومت متبوعه یك عمارت جدیدعصری که دارای همهٔ ضروریات است بنام مؤسسهٔ اکسریز تحت نگرانی وزارت صحیه اعمار وماشین جدید اکسریز با لوازم معاینه وتداوی الکتریکی که ازاروپا خریداری شده واصل وعنقریب درعمارت جدید که جزبعضی ترمیمات جزوی آن باقی نمانده نصب ودرسال ۱۳۱۹ برای استفادهٔ هموطنان عزیز آماده خواهد شد .

۲ : ـ قراریکه قارئین گرام اطلاع دارند مرض کولرا که درسال گذشته بوسیلهٔ قبائل کوچی ازهند بافغانستان آمده وساحهٔ انتشار خودرا وسیع ساخته بود از طرف وزارت صحیه تدابیر لازمهٔ مجادله وی بااعزام هیئت های صحی به اطراف ومناطق مستولی شده مرض وهیئت های قرانتین در مواضع لازمه بعمل آمده بود گرچه دراواخر تیرماسر تاسر افغانستان تما ماً خبریت ونشانی ازمرض دیده نمی شد ولی با آن دراوائل بهار ۱۳۱۸ اولین مرتبه بازدرنوزاد مربوط قندهار اثرات مرض ظاهرشده آهسته آهسته دامنهٔ انتشار خودرا وسعت داده و زارت صحیه به مجرد اصول اطلاع بلادرنگ هیئت صحی دکتور ومعاونین باسامان وغیره لوازم آن برای جلوگیری ازمرض بسمت قندهار وبه نقطهٔ مقصود اعزام کرده شروع به واکسین ناسیون عمومی ولایت قندهار نمود برای انسداد ازشیوع مرض دردیگر مناطق چندهیئت قرانتین نیز درمواقع معین اعزام وترتیب قرانتین گرفته شد .

بعد ازان دامنهٔ انتشار مرض روبه تزائد نموده تا حدود فراه وچخانسورسیده وآهسته آهسته بولایت هرات ونواحی آن نیز ظاهرگشت که درحصص مذکور نیز هیئت های صحی اعزام وامرواکسین ناسیون عمومی مناطق مستولی شده داده شد . سیر مرض درین وقت از حصص مربوط ولایت قندهار بفضل خداوند ومجاهدت هیئت های صحی کم کم محو شده وتنها در حوالی ولایت هرات الی ۲۳ برج عقرب دوام داشت ! . که اینك برای مزید معلومات قارئین خویش تعداد مصاب ووفیات تمام حصص مستولی شده مرض را باتعداد واکسین ناسیون عمومی ذیلاً توضیح می نمائیم .

تمام مصاب شدگان	۱۸۹۶ نفر
عدهٔ فوت شده	» ۹۸۹
تعداد تمام واکسین ناسیون شدگان	۷۲۵۰۰۰ نفر

۳ : ـ کورس دندان سازی مردانه وزنانه :ـ قراریکه سابقا توضیحات داده شده بود

(c) ketabton.com: The Digital Library

کورس دندان سازی مردانه وزنانه حسب قانون مقررهٔ تعلیمی تحت تعلیم بود و در هذاسنه امتحان سال اول خود را داده وبه تعلیمات بلند تر سال دوم شروع نمو دند .

٤ : ـ تطبیق خال چیچك :ـ برحسب پروگرام همه ساله ذریعهٔ یك عده طلاب کورس آبله کوبی درهذاسنه نیزکه‌دورهٔ تعلیمات عملی ونظری رااتمام نموده بودند بتمام‌نقاط دور و نزدیك مملکت تطبیق خال‌کوبی شده که‌تمام تعداد آبله کوب شده‌گان بالغبر (١٦٤٠٠٠) نفر میشود .

٥ : ـدرسال جاری نیز حسب لزوم دربستر شفاخانه های‌ملکی مرکز وولایات تزئیدی بعمل آورده شده .

٦ : ـ کورس کمپوندری : ـ قرار تفصیلی که درسال گذشته‌داده شده بوددرجریان‌است .

٧ : ـ کورس قابله‌گی وپرستاری :ـ کورس مذکور که درچند سال‌گذشته‌مربوط بشفاخانهٔ مستورات وزیر ادارهٔ وزارت صحیه بود درهذاسنه حسب ارادهٔ حکومت محبوب‌تدریس ابتدائی این‌کورس ازوزارت صحیه منفك وبوزارت معارف مربوط گردید تنهاپس ازختم تعلیمات‌ابتدائی یك‌عده متعلمات ازطرف وزارت معارف برای تعلیم عملی و ستاژ بشفاخانهٔ مستورات اعزام می‌شوند ودرامسال نیزماندسال های‌گذشته یك‌عده طلاب فارغ التحصیل گردیده باخذ شهادت نامه موفق شدند .

٨ : ـ هفت‌نفر طلاب‌دورهٔ دوم‌فاکولته طبی‌تعلیمات خودهارابپایان رسانیده ودر پولیکینیك های امراض مختلفه مشغول ستاژ می باشند بعد تکمیل دورهٔ ستاژ به‌صفت دکتور بمواقع لازمه مقرر خواهند شد .

٩:ـنزده‌نفرطلاب دورهٔ‌پنجم مکتب‌طبی که‌تعلیمات خودرابانجام رسانیده‌بودند مشغول امتحان میباشند البته‌بعدختم امتحان وتکمیل دورهٔ‌ستاژ بجاهای‌لازمه بحیث‌معاون دکتور مقرر میشوند .

١٠:ـبه‌نسبت اجتماع مؤسسات صناعتی‌درحکومت غوری وبغلان‌وحکومت قندوز مربوط ولایت قطغن برای معالجه وتداوی اهالی آنجا ومامورین ومستخدمین عمال مؤسسات موجودیت یك‌یك شفاخانه رابحکومات مذکور ضرورت دیده واخیراً حسب استیذان مقام ذیصلاحیت دوشفا خانه بحکومت قندوز وبغلان افتتاح گردیده مامورین فنی ولوازم وادویه وغیره فرستاده شده .

١١:ـیك نفر متخصص امراض ساری عزتمند بای حلمی رایمر برای شفاخانهٔ سیار عمومی برحسب لزوم‌ازترکیه‌استخدام ودرین روزهای قریب‌وارد مرکزشده‌فعلابمرکز ایفای‌وظیفه مینماید

١٢:ـشوارتس المانی به‌صفت شویستر درهذا سنه استخدام وبشفا خانهٔ مستورات مقرر گردیده‌مصروف خدمت می باشد .

١٣:ـمدیریت دواخانهٔ عمومی وتحویل خانهٔ مرکزی‌که‌مؤسسات دندانسازی (مردانه‌وزنانه)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ومؤسسهٔ اکسریز وشعبهٔ اسپریت‌کشی وتهیهٔ آب مقطر ولابر اتوار اسپنچاري وشعبهٔ کیمیا گری وتحلیل وتجزیه بوده‌حسب‌الامر مقامات صالحه بدوحصه منقسم وحصهٔ اول آن بنام دیپوي عمومی وحصهٔ دویمین آن‌نظر به‌ارتباط وظایف بخود وزارت صحیه حسب ذیل مر بوط ساخته شد ه :

اول :- شعباتیکه مربوط بدوائر مرکزی وزارت شده :

الف :- مؤسسهٔ دندانسازی مردانه .

ب :- « « « زنانه

ج :- « اکسریزوتداوی الکتریکی

د :- امورات تحلیلات وتجزیه ازمدیریت‌دواخانه متفك‌گردیده وبمرکز وزارت مسائل آن تعلق گرفته وراساً ازطرف وزارت اداره می‌شود .

دوم:- شعباتیکه به دیپوی عمومی متعلق شده .

الف :- دوافروشی مرکزی وشعبات آن

ب :- شعبهٔ اسپریت کشی

ج :- تهیهٔ آب مقطر

د :- لابراتوار اسپنچاری یعنی (تیار کردن ادویه ؛ مثل تیت ها ، تنکچر ها سولو سیونها بعضی سپی سیالته‌ها.

مقرریها دروزارت صحیه :

بمدیریت عمومی حفظ الصحه	:	ع ، جلال‌الدین خان
« حفظ الصحه وتشکیلات	:	ص ، عبد الغفور خان
« اجرائیه ومامورین	:	« مرزا محمد ابراهیم خان
« صحیه ولایت هرات	:	« عبدالغنی خان
« « میمنه	:	« محمد ابراهیم خان
« « مشرقی	:	« فقیر محمد خان
« « فراه	:	« محمد طاهر خان
« « لهو گرد	:	« سید رحیم خان

لست دکتوران دورهٔ دویم فاکولتهٔ طبی‌که دیپلوم اخذ و پس‌ازتشرف بحضور والاحضرت صدر اعظم صاحب به صفت دکتور منصوب شدند .

دکتور مؤظف	:	ص ، رجب علیخان
« «	:	« محمد آصف خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

دکتور	مؤظف	: ص	عطا محمد خان
«	«	: «	محمد اسلم خان
«	«	: «	محمد ایوب خان
«	«	: «	امیر محمد خان
«	«	: «	محمود خان

معارف (۱)

چون وزارت معارف متکفل امور تعلیم‌وتربیه ومروج ومقوی کولتورملی افغانیان میباشد، این وظیفه‌را بدوشعبهٔ کار تقسیم نموده اجرا می‌نماید لهذا مانیز اجراآت وزارت معزی الیها را در دوقسم جمع وتدوین میکنیم .

اولاً اساسات امور تعلیم وتربیه وتدریس وتطبیق آن که در مرکز است توسط ریاست تعلیم وتربیهٔ ، ریاست تدریسات ، ریاست تفتیش ، ریاست سپورت ، وتوسیع معارف در حواشی ومربوطات آن توسط مدیریت ها ، ماموریتها وسرمعلمین مکاتب ومدارس ابتدائی ، متوسط وثانوی ومکاتب مسلکی ودارالمعلمین ها ، صنائع نفیسه باشعبات آن ، زراعت ، طبیه ، میخانیك ومکاتب متوسط تجارت ، اصول تحریر ومحاسبه وکورسهای مستعجل معلمی و پنتو وسپورت ، بالاخره توسط ریاسات موسسات عالی یعنی فاکولته های طب ودواسازی و موسسه های باکتریولوژی وفاکولتهٔ حقوق وعلوم سیاسی ودارالعلوم ها صورت میگیرد .

امور اداری ومالی این موسسات را درمرکز بواسطهٔ مدیریت مامورین و اجرائیه ، مدیریت تنظیمات مدیریت کنترول واوراق نموده درمربوطات باتعلیماتنامه ها و پروگرامها واصولنامهائیکه بماموریتها ومدیریتهای معارف وسرمعلمی حکومتهای اطراف‌آن داده میشود اجراء می‌نماید .

بریتوجه امور تعلیم وتربیه وتطبیق وانتظام آن که فوقاً بران اشاره رفت بطور اجمال یك یك ازنظر میگذرانیم .

امور تعلیم وتربیه ازیك طرف بنابر وظیفهٔ ذاتی واز طرف دیگر برحسب هدایات مقام وزارت مخصوصاً توسط پروژه های انکشاف وترقی بخش وتدبیر وزیر فاضل جوان و دانشمند فعال معارف والاحضرت سردار محمد نعیم خان وهمکاری معین های معارف پیش میرود. وظیفهٔ عمدهٔ تعلیم وتربیه مجملاً درضمن ترتیب پروگرام ولوائح وضوابط وتالیف، تصحیح وترجمه ، طبع ونشرکتب ورسائل درسه فصل ذکر می‌شود .

(۱) بنابر اهمیت موضوع مانتوانستیم اجراآت وزارت معارف‌را به‌وقت‌آن بدست آورده حسب ترتیب درج کنیم لذا از تاخیر رون آن معذرت میخواهیم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

در قسمت لوائح پروگرام :

۱ : ـ لایحهٔ تشکیلات جدید جهت مکتب صنائع نفیسه وشعبات آن و تقسیم نوع دروس در شعبهٔ رسامی ، تزئینات ، مهند سی ، نجاری ، مسلکی ونجاری و معماری مستعجله ، خیا طی ، قالین بافی ، رنگمالی وغیره نموده .

۲ : ـ لایحهٔ تشکیلات جدید مکتب متوسط تجارت وتثبیت نوع دروس وپروگرام آن .

۳ : ـ « « « مکتب تحریر ومحا سبه « « « «

٤ : ـ تثبیت رخصتی های شا گردان مکاتب از روی اقلیم و ضرورت . . . .

٥ : ـ رخصتی ها وآغاز دروس در کورس های مستعجلهٔ مسلکی ومکاتب متوسط مسلکی .

٦ : ـ اصول تطبیق مضامین به پښتو درصنوف سوم ابتدائی ولوائح چگونگی تعلیم درآنها.

۷ : ـ لوازم تحصیل ازجنس اشیا وکتب درمکاتب ابتدائی ، متوسط واعدادی و غیره .

۸ : ـ کتب منتخب ادبی ، علمی ، تاریخی و اجتماعی برای کتابخانه های مکاتب از کتب مطبوع وطنی ، ایرانی وهندی .

۹ : ـ تحریر راپور معارف برای مجلات ، سالنامهٔ داخلی وخارجی چهار مرتبه .

۱۰ : ـ جوابیهٔ سوالهای علمی که از سائر وزارات وریاسات ودوائر مرکز و ولایات که درمجلس علمی تثبیت نموده .

۱۱ : ـ ملاحظهٔ تعلیماتنامه های متعددیکه ارطرف ارباب اختصاص جهت جریان امور علمی واداری مکاتب متوسط ودارالمعلمین ترتیب وازطرف هیئت تعلیم وتربیه تصدیق یافته .

۱۲ : ـ تثبیت شکل وتوحید مواد شهادتنامه های مکا تب مختلفه که از طرف ریاست تدریسات پیشنهاد شده .

۱۳ : ـ تدوین تعلیماتنامهٔ وظا ئف ریاست تعلیم وتربیه ، ریاست تفتیش ، ریاست سپورت ، ریاست توسیع پلان معارف وغیره جهت ملاحظه بشورای ملی .

قسمت تصحیح وطبع :

ملاحظهٔ تصحیح وحکم طبع کتب درسی ومعاون درسی و استفادهٔ عموم .

آ ـ چهل وهشت جلد کتاب تدریس مکاتب ابتدائی ، رشدی ، اعدادی و دارالمعلمین وغیره که صفحات هر کتاب از پنجاه صفحه تا ۳۰۰ صفحه بوده تصحیح و اصلاح گردیده باندازهٔ (۵۰۰۰۰۰) جلد ازان مطابق احصائیهٔ مکاتب وطلاب بطبع داده شده که چهارده جلد آن پښتو بوده باقی فارسی .

ب:ـ ملاحظهٔ یك عده کتب ادبی ، علمی وفنی که فضلای مرکز بغرض اشتراك درجشن استقلال

(c) ketabton.com: The Digital Library

تالیف ویاترجمه کرده بودندازروی اسلوب واهمیت مضمون ملاحظه کرده درجات آ نرا درنتیجهٔ مجلس تشخیص نموده تعداد آن بالغ برسی جلد شده اما(۱۷) جلد آن جائزه برده از جملهٔ این (۱۷) جلد(٥) جلد آن به پښتو وباقی درفارسی تحریریافته که بعضی منظوم وبعضی منثور میبا شد .

ج : ـ ملاحظه وتدقیق کتب قابل تدریس پښتوی امسال علاوه برکتابهای فقرهٔ (آ) که برای مکاتب ابتدائی ، رشدی، اعدادی بوده وتثبیت آن جهت تدریس وحکم طبع آن بمطبعه .

د : ـ ملاحظه وتدقیق یکدسته کتب علمی وفنی که از مکاتب عالی واشخاص جهت ترویج وطبع آن بوزارت رسیده بعد ازتصفیهٔ مجلس حکم طبع شخصی ویارسمی داده شده بتعداد پانزده جلد وچند جلد ازان طبع گردیده .

ه : ـ طبع بعضی ازکتب تاریخی وعلمی وطبع بعضی از لوایح ومقررات پروگرام وغیره درخود ریاست درحدود چندین صد صفحه بماشین تایپ .

قسمت تالیف وترجمه :

ترجمهٔ هشت جلد کتاب ابتدائی ازفارسی به پښتو . ترجمهٔ ٥ جلدکتاب اول رشدی از فارسی به پښتو ترجمهٔ ده لایحه وراپور مشاور معارف راجع بمعارف عمومی . تشکیلات مرکزی معارف اصولنامهٔ استخدام وتقاعد ما مورین لایحهٔ تشکیل اکادمی صنایع ، لایحهٔ اصول فلم بر داری راپور راجع بملاحظهٔ مکتب استقلال ، حبیبیه ، نجات وغازی ودارالمعلمین وتعلیما تنامهٔ تدریسات وغیره .

علاوه بران تالیف کتابهای ذیل رانیز بواسطهٔ اعضاءومعلمین وغیره نموده است : اخلاق رشدیهٔ دوم تاریخ رشدیهٔ ۲ ـ ۳ ـ ٤ ، هندسهٔ رشدیهٔ ۳ ـ معلومات طبیعی رشدیهٔ ۳ ، ترجمهٔ سائنس عمومی معاون درس رشدیهٔ ۲ و ۳ جمله شش جلد .

ملاحظهٔ بعضی ازمکاتب ازنقطهٔ نظرتدریس واداره درمکتب صنایع اصول تحریر ومحاسبه دارالمعلمین پغمان کورس تعلیم وتربیه وکورس پښتو و غیره . علاوه بران تصحیح وتعدیل وتالیف وترجمهٔ مقالات آئینهٔ عرفان که جمعاً ۹٦ مقاله میشود .

اشتراك بمجالس تدریسات (امتحانات معلمین ومتعلمین) وانضباط ، انتخاب ، ما مورین ومعلمین وسپورت وتنظیمات ومدیریت موزه وحفریات . درینجا ازتذکر جزئیات این مجالس و معائنهٔ مکاتب از سبب ضیقی مقام مثل مجالس حکمیت و نگرانی امتحانات صرف نظر کرده شد .

ریاست تدریسات

ریاست تدریسات درسال ۱۳۱۸ علاوه بررسیدگی امورات مرجوعهٔ دوائر مرکزوولایات افغانستان فقرات اتی الذکرا نیز در معرض اجرا گذاشته ازین قرار : ـ

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱:- نتایج امتحان سنویهٔ عموم مکاتب افغانستان که درین سنه وارد شده تماماً کنترول ونواقص هرمکتب جداگانه به شعبهٔ مربوطهٔ آن خبرداده شده .

۲:- راپورهای ماهواریکه ازمعیارخواندگی عموم مکاتب افغانستان ترتیب وذریعهٔ مدیریت ها ومامورین های معارف بریاست تدریسات میرسد باپروگرام موازنه ومقایسه شده نواقص هریك ماهوار بشعبهٔ مربوطهٔ آن مخابره گردیده .

۳:- اشخاصیکه بتفاریق حسب عریضهٔ جداگانه خواهش معلمی نموده اند هریك را امتحان گرفته وبدائرهٔ مامورین معرفی شده .

٤:- تفتیش کورسهای پښتو که لااقل درهرهفته یك کورس تفتیش ونواقص آن مکتوباً بشعبات مربوطهٔ هرکدام خبر داده شده .

٥:- کذالك اوراق تفتیشیهٔ بعضی ازکورسهای پښتو و ولایات واصل وعندالوصول نواقص هرکدام باهدایات لازمه جواباً نگارش یافته .

٦:- قرارنامه وپروگرامهائیکه ازریاست تعلیم وتربیه واصل گردیده برای تطبیق آن اوامر لازمه اصدار وبمواضع متعلق بهای شان توزیع گردیده .

۷:- بتعداد چندین هزار شهادتنامه های دورهٔ ابتدائیهٔ ، رشدی وثانوی وعالی ومسلکی بطلابیکه درامتحان ۱۸ - ۱۳۱۷ تدریسیه کامیاب شده اند بتمام شعبات مربوطهٔ شان ارسال وتقسیم گردیده .

۸:- برای تهیه وتدارك معلمین پښتو جهت صنوف سوم ابتدائیه یك هیئت طرف قندهار وهیئت دیگر طرف مشرقی اعزام وباین وسیله به تهیهٔ یك عده معلمین موفقیت حاصل گردیده .

۹:- ریاست برای معلومات دراطراف امورات تدریسی بولایات وحکومات مقتشین متعددی اعزام ونتائج واصله درتحت اجرا گذاشته شده .

۱۰:- ترتیب یك جدول مکمل باساس فیصلهٔ مجلس راجع برخصتی سمستر و رخصتی دراز و شروع وختم دورهٔ تحصیل و امتحانات .

۱۱:- ترتیب جدول سیت کتب درسی وانقسام آن بمکاتب مرکزوولایات وحکومات اعلی .

۱۲:- صدور متحدالمال راجع بنواقص عمومی راپورهای تعلیمی و تفریق مکاتب گرمسیر و سرد سیر و تیاری امتحان سالانهٔ آنها و امتحان ثانی ناکامهای کورس پښتو در بین رخصتی سمستر و امتحان سمستر اول پښتو ، تعین نگرانها درروزهای امتحان سالانه هر درجهٔ مکاتب مرکز وصدورمتحدالمال راجع بجابهای مکاتب وخواستن نتایج امتحان سالانه و جریان تعلیمات صنوف سوم ابتدائی به پښتو و فرستادن طلاب جهت دارالمعلمین متوسط وابتدائیه وغیره .

۱۳:- ترتیب وتوزیع ورقه های تعرفهٔ تحصیل زبان پښتو برای جلوگیری از معاذیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

بی‌مورد مامورین درتمام دوائرمرکزوولایات وحکومات اعلی وعدم تبدیل‌معلمین دراثنای‌سال .

۱٤:ـ توزیع انعامات برای‌طلاب ومعلمین پښتو برحسب تعلیماتنامهٔ کورس پښتو .

۱۵:ـ افتتاح مکتب اصول تحریر ومحاسبه وفراهم داشتن طلبه ، افتتاح مکاتب متوسط در شین دند هرات دهانهٔ غوری ، سر پل مزار شریف ، بمبائی وردك ، سلطان پور جلال آباد ، جاجی وثانوی درده خواجهٔ قندهار .

۱٦:ـ بالاخره ترتیب احصائیه وگرافهای عمومی معارف از قبیل معلمین ، متعلمین ، فارغ التحصیلان و بودجهٔ سنه (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۸) .

اجراآت ریاست تفتیش

ریاست تفتیش که باحوال معلمین وشاگردان ازحیث اخلاق وتعلیم وشمول طلاب وتدقیق احوال مامورین وزارت معارف موظف است لذا :

۱:ـ برای موازنهٔ تعدادشاگردان مکاتب ابتدائی و متوسطه و ثانوی وعالی ازحیث تربیه واخلاق وغیره امور عرفانی اجراآت مفید نموده درمکاتب ابتدائی بیست و پنج هزار شاگرد در مکاتب متوسطه (۱۵۵۳) در مدارس ثانوی (۱٤۱) ودر مکاتب مسلکی ودارالمعلین ها (۱٦۱۰) نفر جدیداً شامل نموده .

۲:ـ دوسیهٔ هویت ومدارج تعلیمی هر یك طلبهٔ مکاتب ثانوی ومتوسطه و مسلکی وابتدائیه را تشکیل وتنظیم نموده ،

۳:ـ برای‌جلوگیری ازسوء اجراآت درمکاتب ومؤسسات ودوائر عرفانی ، دراقدامات اموراداری ومالی حسب تصاویب واصول معینه نظارت ومراقبت نموده وتوسط مفتشین (۱۸) فقره تدقیق وتحقیق کرده ودر جریان امورمعارف تسهیلات خوبی بعمل آورده .

٤:ـ مراسلات عدیده جهت اصلاح بعضی‌نواقص اموراداری بنام مکاتب ودوائر مربوطه وقتاً فوقتاً در یافت وصادر کرده .

۵:ـ درمسائل زیست وحوائج محصلین افغانی‌درترکیه ، المان ، فرانسه ، انگلستان ، جاپان ، امریکا ، توسط دوائر مربوطه رسیدگی و اجراآت لازمه بعمل آورده .

٦:ـ تحقیقات دراسناد و نوشته‌جات مسکوك دوائر حسابی که جهت مزید تحقیق از دوائر مربوطه واصل آمده رسیدگی و تصفیه نموده .

۷:ـ کیفیت هفتادودفت و قایع متعلمین وچهل وقایع معلمین وشانزده واقعهٔ مامورین مرکز ومحیط را تدقیق ومطالعه کرده و بعد از قرار مجلس انضباطیه اجراآت لازمه نموده است .

۸:ـ مفتشین اعزامی برای وارسی امورعرفانی واخلاقی واداری در طول این سال در

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرکز کابل (۳۱) مکتب را وقتاً فوقتاً در مربوطهٔ ولایت کابل (٦٦) مکتب را یك دفعه ومن جمله شش کروهی راسه مرتبه ودر ولایات قندهار (٥٧) مکتب را یك مرتبه و درولایت هزار (۳٤) مکتب را یك‌دفعه ، درولایت‌قطغن وبدخشان (۳۱) مکتب را یك‌دفعه ، درحکومت اعلای جنوبی (۱۷) مکتب را سه‌دفعه ، در حکومت اعلای میمنه (۱۳) مکتب را یکمرتبه بطور صحیح ومفید تفتیش کرده درنتیجه اجرا آت لازمه کرده است .

۹ : ـ درپایان هرماه راپور های حاضری وغیر حاضری و جدیدالشمول مکاتب مرکز وکلیهٔ ولایات افغانستان را در یافت وتحت مداقه قرار داده احصائیه هر ماه را جداگانه ترتیب نموده است .

ریاست سپورت و حفظ الصحه :

آغاز سال ۱۳۱۸ وارتقای مدیریت سپورت وحفظالصحه بریاست سپورت و حفظا لصحه توأم است . ریاست سپورت از بدوسال جاری بعدازاینکه یك‌مقدار سامان سپورت زیاد یکه دارای لباس وسامان گوناگون انواع بازیهای سپورت بود از خارج وارد وبمکاتب مرکز تقسیم وبمکاتب ولایات وحکومتی های اعلی ارسال کرده سپورتهای فت بال،والی بال،هندبال، باسکت بال، باکسنگ،دویدن ۱۰۰ـ۲۲۰ـ٤٤۰ـ۱۰۰۰ـ۱۰۰۰۰ متر،خیزدراز،خیزقدم‌دار،خیز بلند، انداخت دسك،انداخت گلوله ، جیولن ، دویدن ریلی ، ریسمان کشی‌را بصورت تورنمنت دربین طلاب مکاتب استقلال ، نجات ،حبیبیه، صنائع،غازی شروع نموده تورنمنت مذکورالی افتتاح جشن استقلال جریان پذیر بوده علاوه بران بمواد ذیل مخصوصاً اهمیت داده .

۱ : ـ بلیزرها (لباسهای سپورتی) هرمکتب وخارج مکتب‌را بقرارمجلس‌انتخاب وتهیه‌کرد .

۲ : ـ قرار پروگرام آن رسم‌گذشت دستهٔ سپورت‌هارا بروزهای رسمی‌مثل‌جشن ومسابقه برای هرتیم ترتیب و انتظام نموده .

۳ : ـ عملیات والی بال ، هاکی ، دویدن ۱۰۰۰۰ـ۱۰۰۰ـ۲۰۰ـ٤٤۰ـ۲۲۰ متر بمسابقه داشت . کذا خیزقدم‌دار ، خیزبلند ، انداخت دسك ، انداخت گلوله ، جیولن ، دویدن ریلی، کذا نمایش ادمان وغیره را در ایام سپورت درتحت نگرانی متخصصین اجرا و انجام داده .

٤ : ـ برای جائزه برندگان انفرادی‌واجتماعی‌مکتب‌های مرکزتعین جائزه‌وتوزیع نموده.

٥ : ـ درتربیهٔ معلمین ورهبران انواع سپورت بتاسیس کورس سپورت باموافقت ار باب اختصاص وریاست تعلیم وتربیه پروگرام تهیه و تطبیق نموده .

درقسمت حفظ الصحهٔ معارف نیز درامسال امورات قابل‌الذکری انجام داده شده است . از اینجا در شفاخانهٔ معارف بجز یك نفر معاون دوکتور کدام دوکتور تحصیل کردهٔ اروپا وجود نداشت لهذا ریاست حفظ الصحه وسپورت در اثر منظوری وزارت و بموافقت وزارت

(c) ketabton.com: The Digital Library

جلیلهٔ صحیه صفرعلی‌خان داکتر دیپلومهٔ فرانسه را که داکتر لایقی است بداکتری شفاخانهٔ معارف مقرر نمود . چون ادویهٔ سابقه باتمام رسیده وآلات داکتری بشفاخانهٔ معارف موجود نبودبنابرین یك‌مقدار مکفی ادویهٔ تازه وبهتری راجهت مصارفات تداوی روزمرهٔ طلاب‌معارف از خارج وارد ودردسترس مراجعین معارف گذاشت . وهم چنان سامان شفاخانه را بخارج فرمایش نمود . برطبق لایحهٔ اصول‌صحی درامسال دومرتبه تمام‌طلاب مکاتب عالی وابتدائی را بااطاقهای درس وطعام ومطبخ وغیره ودهلیزها وظروف نانخوری معاینه نموده‌وطلاب مریض رامعالجه وراجع برفع نواقصات صحی‌مکتب بمکاتیب هدایات لازمه ارسال نمود . طوریکه‌احصائیه گرفته‌ایم ازشروع امسال تاکنون (۱۶۱۰۰) نفرطلاب ومامورین معارف در شفاخانهٔ معارف تداوی شده است .

اجرا آت وظائف‌ریاست‌توسیع معارف:

درنتیجهٔ استطلاعاتیکه درضمن بعضی‌یاد داشتها معلوم میشود این ریاست ازروی تشکیلات ظاهراً جوان وبسیط ولی‌کار هائی‌را که‌انجام میدهد مرکب و با احاطه است .

اولاً :ـ درتنظیم بودجهٔ معارف اصولی که‌تعقیب کرده نسبت بسالهای قبل خیلی خصوصی وجدید است .

لهذا درطریق تدوین بودجه فصول وموادی راکه طرح نموده فصول آنرا بردوبنانهاده وموادآنرا درضمن (۱۶۳) قید کرده است .

دوم :ـ درباب مکاتب شاگردان ، معلمین لوازم تحصیل وادوات لازمه حدود منتظمی مشخص نموده درجات معلمین را ازحیث تنخواه ودرجات مکاتب را از روی تعداد داخله ودرجات اشیای کتب‌را ازروی ضرورت‌ترتیب داده است .

سوم :ـ بنابرین ماده دراستقبال وانکشاف هرمکتب قاعده گذاشته که‌هرگاه تعداد شاگردان روبتزاید بگذارد ازیکدرجه بدرجهٔ دیگرخود بخود حق‌ترقی حاصل‌کرده بتواند یعنی درهرمنطقهٔ که‌کثرت نفوس‌مقتضی تشکیل‌مکتب ابتدائی‌شده بعدازاختتام چهارسال‌اگر تعداد شاگرد صنف اول ودوم وسوم وچهارم صنف پنجم‌را پرورده بتواند حق پیدا خواهد کرد که مکتب متوسط بشود هم‌چنین هرولایت که‌حیات دران روبانکشاف باشد مستعد آن خواهدشد که مکاتب ابتدائی آن ولایت بدرجهٔ‌ثانوی رسیده‌استعداد یك‌حیات علمی واختصاصی تشکیل بنمایدبرینوجه برتعدادمکاتب ابتدائی امسال یك ربع و بر تعداد مکاتب متوسط یك نصف و برتعداد طلبه یك ثلث و بر تعداد معلمین یك خمس و برمبلغ بودجه یك ربع افزود شده با اینهمه حکومت معارف پرور با فرامین علیحده بزبای ع ، ج ، وزیرفاضل وجوان معارف والاحضرت سردارمحمد نعیم خان صلا حیتی بخشیده که درهر موقع جهت پیشرفت معارف مبالغ لازمه را پی در پی منظور فرماید . وکار

(c) ketabton.com: The Digital Library

فردارا امروزمعطل نگذارد ، درائراین درایت وفعالیت دراواخرسال ۱۳۱۸ بازوی راست صدارت عظمی یعنی معاون مقام صدارت پناهی گردیدند .

٤- این ریاست در ضمن وظائف خود بادارهٔ یك دارالمعلمین که معلم مکاتب متوسطه حاضر بنماید ، مامورگردیده برینوجه یك مؤسسهٔ جدید دیگر درفهرست مؤسسات علمی افزود . که از تعلیم یافتگان متوسطه گرفته در چهارسال به تحصیل زبان اجنبی فارغ التحصیل شده معلم مکتب های متوسطه خواهند شد ، دراصلاح اداری وعلمی وتطبیقی مکتب زراعت موجوده نیز موظف گردانیده شده که حیات فنی جدید دیگری از فلاحت دران مکتب بعمل آورده شود

کذا کورس مستعجله و یا دارالمعلمین مستعجل که ازسه سال باینطرف در تحت یك ادارهٔ علیحده بوده درسه دوره تقریباً (۹۰۰) معلم ابتدائی تربیه کرده بود ، اکنون زیر ادارهٔ این ریاست آمده برقوت وثمرهٔ خود خواهد افزود چونکه چندین صد نفر شاگرد احضاری دیگری دران شامل شده مربیان فردا راروی اصول بجلو خواهد برد . از روی بودجهٔ معارف برای طلبه فی نفر (۲۵۰) افغانی و برای (۵۰) نفر شاگرد یك معلم اصابت میکند

اجراآت سال ۱۳۱۸ دائرهٔ مامورین :

مدیریت مامورین واجرائیه در سال ۱۳۱۸ قدم های برجسته درراه انجام وظائف خود برداشته است ، در سال ۱۳۱۷ همانطوریکه به ترتیب ودفاتر سجل وسوانح مامورین و معلمین وتقرر مامورین ومعلمین برای تمام مؤسسات جدید و سابق وزارت معارف اقدامات جدیدی نموده بود ، در امسال (۱۳۱۸) نیز درتوسعه ورفع نواقص تشکیلات خود بذل مجاهدت کرده درترتیب وتدوین دفاتر سوانح وسجل مامورین ومعلمین و به تهیهٔ یك عده معلمین خارجی برای مکاتب ثانوی و عالی و حسن جریان اموراداری واجرائی موفقیت خوبی حاصل کرده است ، بعلاوهٔ جدیت ومساعی اودرانتصاب وتقررمامورین ومعلمین جدید برای تمام مؤسسات و مکاتبی که برحسب پروگرام درسال ۱۳۱۸ تأسیس و بنیادگذارده شده قابل وصف وتذکردیده میشود بصورت عمومی بر وس اقدامات و اجراآت دائرهٔ مامورین واجرائیهٔ معارف پرداخته اولاً بامر ع ، ج وزیرصاحب معارف وقرار مجلس انتخابی مامورین بالجمله درانتخاب اشخاص لایق بمدیریت های مکاتب مرکز وولایات پیشنهاد نموده منظوری یافته است .

در استخدام معلمین خارجی برای مکاتب ثانوی و مسلکی اقدامات نموده در مؤسسات عرفانی جدیداً (۲۰) نفرمشاور پروفیسور ، دوکتور ومعلم خارجه استخدام شده در انکشاف مساعی ایشان خدمت کرده درقرار داد همین قدر وازاشخاص دیگر تجدید موافقت کرده است این رقم ها علاوه برچندین صد نفرمعلمین ومامورین معارف میباشد که درسال ۱۳۱۸ بدائرهٔ مامورین سوانح وسجل ایشان ثبت وقید گردیده و در مؤسسات عرفانی ومکاتب جدیدالتأسیس

(c) ketabton.com: The Digital Library

مؤظف گردانیده است بر ینوجه ضمناً اکمال مامورین و معلمین و مستخدمین مکاتب دوائر و مؤسسات سابقه شده است .

مدیریت تنظیمات :

طوریکه معلوم است مدیریت تنظیمات معارف هم درسال ۱۳۱۸ وظائف خود را بحسن صورت انجام داده است این دائره باوجود مشکلاتیکه در بازارهای تجارتی عالم درتولید و تهیهٔ اموال خارجه برایش پیش شده درین سال توانسته است وظائف خود رابصورت اطمینان بخش اجرا کند ، چنانچه سامان و مالزمهٔ ضروریهٔ مکاتب ومؤسسات راباندازهٔ کافی تهیه دیده و نگذاشته است از عدم وجود سامان ومالزمه در پیشرفت تعلیمات سکته وارد شود .

راجع بدائرهٔ کنترول که امور تفتیش حسابات وتصدیق بروات وموازنهٔ فصول وابواب بودجه می‌باشد بنابرعدم گنجایش مقام وخصوصیت های ارقام حسابی ازان صرف نظر کرده در امور اداری اوراق نیز بذکرنمرهٔ اوراق صادره ووارده اکتفا می نمائیم ازینقرار :

اوراقیکه مستقیماً بوزارت معارف وارد وجوابیه واجرائیهٔ آن ویا مستقیماً صادر گردیده است درحدود یکصدهزار می‌باشدامانمرهٔ مکتوباتیکه از یکدائرهٔ مرکز بدیگر دائرهٔ مرکز وارد وصادر شده وتقریباً یك‌ربع رقم فوق را تشکیل میکنند داخل ارقام اول‌الذکر نیست .

راجع باجراآت سرکاتب قلم مخصوص بطور اجمال اینقدر را میتوان درینجا تذکر کرد که تحریرات (خاص) و (راساً) و (مخصوص) را بحضور وزارت پناهی تقدیم واوامر آنرا بدوائر، گاه بصورت تحریری‌وگاه بصورت شفاهی ابلاغ می‌نماید که یومیه تحریر خواهد شد .

اجراآت سال ۱۳۱۸ موزهٔ کابل :

ترتیباتیکه مدیریت موزه وحفریات در اثر هدایات وزارت جلیلهٔ معارف درسال ۱۳۱۸ گرفته است آثار قیمتدار یکه یادگار جلال گذشته وهنرمندی ساکنین این دیار را معرفی نماید ، عجالتاً از دوراه بموزهٔ کابل منتقل شده برثروت این موسسهٔ حقیقی تاریخ ومدنیت گذشته افزوده شده . یکی ازراه حفریات ودیگری ازراه اهدائیکه از مقامات رسمی واصل شده ویااز راه خریداری که همه ساله دربودجهٔ مدیریت موزه ، حفریات مبلغی بران تخصیص یافته است ، می‌باشد .

۱ : ـ حفریات : ـ درسال ۱۳۱۸ عموماً درمنطقهٔ بگرام عملی‌شده وآن بردوشق است .

آ : ـ حفریات درمنطقهٔ (شهر شاهی جدید) بگرام .

ب : ـ حفریات(قول نادر)شش‌کیلومتری شرق برج عبدالله دردامنهٔ شمالی کوه پهلوان. درینجا همین قدر متذکر میشویم که بگرام در ۱۳۱۸ مانند ۱۳۱۶ بلکه از آنهم بیشتر

(c) ketabton.com: The Digital Library

نتیجه داده وچیز های مهمی کشف شده است که راجع بروا بط تجارتی افغا نستان بارو من ها وچین وهند درعصر کوشانی روشنی زیادی میاندازد .

درقول نادر یك معبد حفریات شده که تقریباً یك کیلومتری شرق (معبدشترك) واقع است . ازینجا چیزی آثار گچی ، چیزی هم سنگی کشف گردیده . رویهمرفته اشیا ی مکشوفهٔ بگرام وقول نادر از نقطهٔ نظر مواد مختلف است .

قرار ذیل تعداد اشیای مکشوفهٔ این دوجارا بانوعیت جنس آ ن شرح میدهیم .

آثار بگرام

شماره	مواد	تعداد
۱ ـ :	عاجی	۱۳۹ عدد
۲ ـ :	گچی	٤٠ »
۳ ـ :	مسی	۷۰ »

آثار قول نادر

۱ ـ :	سنگی	۲۸ »
۲ ـ :	طلائی	٦ »
۳ ـ :	نقرهٔ	۳ »
٤ ـ :	مروارید	۲٤ »
٥ ـ :	یاقوت	۳ »
٦ ـ :	ریگ مرین	۱ »

اکنون لست اشیائیکه از مقامات رسمی پدید شده اولاً آ ن کتاب قیمتدا ر قلمی بید ل علیه‌الرحمه که در سال ۱۲٤۷ در ماوراءالنهر تحریر گردیده حضور همایونی شا ها نه ابتیا ع فرموده بموزه اهدا نموده اند . علاوه بران سیزده جلد کتاب قلمی از تاریخ ادب و سائر علوم بتاریخهای مختلف تحریر یافته است خریداری شده و چهار جلد کتاب مطبوع که عز تمند موسیو ها کن هدیه نموده . علاوه بران سی‌وپنج قلم سکه ، کمربند ، آ فتابه، مجسمه ، مهروغیره که هر کدام آ ن از نقطهٔ نظر تاریخ و مدنیت و علم آ ثار قیمتدا ر میبا شد . هم چنین چند جلد کتاب متعلق به آ ثار تاریخی این سرزمین باافتخار ازالسنهٔ خارجه ترجمه گردیده است ، هم چنین بسا از میز ها رافها و تضیف د ائره های جدا گانه در ظرف همین سال سا خته و انجام یافته است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مقرری ها در وزارت معارف :

مدیر اداری فاکولتهٔ طب	:	ص ، سید عبدالله خان
« مکتب حبیبیه	:	« غلام حیدر خان
« اداری مکتب نجات	:	« غلام جانخان
« « « استقلال	:	« عبد الرحیم خان
« « « میخانیکی	:	« محمد آصف خان
« مکتب غازی	:	« فدا احمد خان
« معارف مزار شریف	:	« عبدالرسول خان
« مکتب تجارتی	:	« عبد السلام خان
« معارف قندهار	:	« غلام جیلانی خان

امور مخابراتی

علما امور مخابرات را به شریان های خون در وجود انسان تشبیه کرده میگویند « بهر اندازهٔ که در داخل یك مملکت امور مخابرات بسرعت جریان داشته بهمان اندازه صحت وجود آن مملکت کامل ودرست می‌باشد » بلی امور مخابرات مقامات وتقسیمات ملکی واقوام وطبقات اهالی‌را اتصال معنوی می‌بخشد زیرا آمال وآرزوهای یکی‌را بدیگری‌فهمانده دورترین نقطهٔ مملکت را از آمال واجرا آت دولت ودولت را ازحال وگذارهٔ ایشان مطلع می‌نماید وباین سبب ایجاد یك‌وحدت معنوی دربین افراد ملت می‌شود .

خوشبختانه این شعبه باهمین اهمیتی که دارد اخیراً درمملکت ما هم رنگ و رونق خوبی گرفته وسال بسال مارا به آیندهٔ روشن تری امید وار میسازد واین‌است که برعلاوه یك‌سلسله امورات واصلاحاتی که‌درین زمینه در سالنامه های سنوات قبل‌مطالعه میفرمائید درسنه ۱۳۱۸ هم وزارت موصوفه مصدر اجرا آت امید بخشی گردیده است که اینك بصورت مختصر مطالعه میفرمائید .

درسال جاری یك‌سلسلهٔ تشکیلات وتغیرات درادارات‌مرکزی وزارت معزی الیها به‌عمل آمده که اینك تشکیلات وتغیرات مذکوره بااجرا آت برجستهٔ آن حسب آتی معلومات داده میشود :

الف : تشکیلات :

۱ ـ درسال جاری مدیریت مخابرات کابل منحل گردیده شعبات پستی آن به مدیریت پست وشقوق تیلفون آن به مدیریت تیلفون وهکذا تلگرافخانه ها وشعبات تیلگرافی آن به مدیریت تیلگراف وامور محاسباتی آن به مدیریت محاسبه وزارت مربوط گردیده . ملحوظ ازین تشکیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاص سهولت کار وخوب تر وارسی مامور مخابر اتی مرکز است زیرا قبل از تشکیل مذکوره مدیریت مخابرات مرکز مربوط ولایت کابل بوده لذا اوامر وزارت به سلسلهٔ ولایت بانجا وهکذا مراجعات آنها به سلسلهٔ ولایت بوزارت میرسید . وچون ولایت کابل نظر به کثرت وظیفه باجراء آت مدیریت مخابرات خوب تر رسید گی نمیتوانست ازین حیث مدیریت مذکوره منحل و شعبات آن به تفریق فوق به مدیریت های وزارت مربوط گردیده است .

۲ :ـ باثر پیشرفت ووسعت کار یك مدیریت بنام (مدیریت عمومی پست وتیلفون) درمرکز وزارت تشکیل یافته است که درتحت اثرآن مدیریت های فرعی پست وتیلفون اجرای وظیفه می نمایند .

۳ :ـ همچنان بنابر توسعهٔ شق تلگراف یك مدیریت به (عنوان مدیریت عمومی تلگراف) نیز در مرکز وزارت تشکیل گردیده که تحت اثر آن مدیریت تلگراف وشعبهٔ منسوبه بادارهٔ رادیو تیلفونی مرکزی اداره میگردد .

٤ :ـ شعبهٔ تیلفون که سابقاً جزو مدیریت تلگراف بود از مدیریت مذکوره مجزی وبه صفت مدیریت جداگانه تشکیل یافته است .

٥ :ـ کذا ماموریت اجرائیه وما مورین وزارت به صفت مدیریت اجرائیه و مامورین تشکیل گردیده .

٦ :ـ ادارهٔ اوراق وزارت که قبلاً به صفت ماموریت اداره می شد درسال جاری تشکیل مدیریت را گرفته است .

۷ :ـ ماموریت مخابرات مشرقی درسال جاری بنابر وسعت امورپستی آن منطقه به مدیریت تشکیل گردیده .

۸ :ـ ادارات مخابرات حکومت کلان سمت شمالی وغزنی که قبلاً به صفت سرکتابت اداره می شد درهذاسنه بنابر ایجاب اجراء آت به صفت ماموریت های مخابراتی وهکذا کتابت های مخابراتی حکومت کلان لهوگرد ودایزنگی به صفت سرکتابت تشکیل یافته اند .

مدیریت پست وارتباط خارجه :

۱ :ـ دائر نمودن اصول راجع باخذ محصول ازتمام مراسلات رسمیه .

۲ :ـ دائر ساختن سرویس موتر برای حمل ونقل پوسته های هرات الی اسلام قلعه .

۳ :ـ « « « « « « مزار شریف به قطغن .

٤ :ـ ارسال ومرسول پست ها هفتهٔ دو مرتبه از کابل ذریعهٔ موتر به مزار شریف .

٥ :ـ تشکیل ودائر ساختن یك پوسته خانه بحکومت کلان بلخ تعلقهٔ ولایت مزار شریف .

٦ :ـ طبع کتابچه های کنتر ول راجع به سیر و حرکت پوسته ها و توزیع آن به تمام ادارات پستی مملکت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۷ـ طبع تکت های پستی جدید .
۸ـ طبع تکت های رسمیه برای ارسالات حکومتی داخلهٔ مملکت .
۹ـ طبع تکت های عید استقلال سال ۲۱
۱۰ـ ارسالات تکت‌های جدیدهٔ پستی به‌مجمع بین‌المللی پست برای توزیع به‌ممالك اتحادیهٔ پستی
۱۱ـ تبادلهٔ خریطه های سر بستهٔ پستی ازراه هند بادولت علیهٔ ترکیه .
۱۲ـ تلگرامات ترانزیتی از راه ایران به ممالك خارجه وترتیب وتوزیع نر خنامهٔ آن بدوائر تلگرافی .
۱۳ـ اقدامات برای به کار انداختن استیشن رادیو تلگرافی و رادیو تیلفونی افغانستان وجریان مذاکرات بادول متحابه و ترتیب پروژه های موافقه های عایده بآن .
۱٤ـ اقدامات برای اخذ اخبار ریوتر . ترانس او شن ، هاواس ؛ تاس از مسکو ، انگلستان ، فرانسه ، المان .
۱۵ـ ترتیب احصائیهٔ خریطه های پستی سر بسته ازراه هند به ممالك خارجه .
۱٦ـ ترتیب موافقهٔ پستی بادولت شوروی :
۱۷ـ اقدامات برای شامل شدن حکومت متبوعهٔ ما به قرارداد پستی و پارسلات بین‌المللی منعقدهٔ بوئنس آرس (ارژنتین)
۱۸ـ ترتیب فهرست دفاتر تلگرافی افغانستان واعلام آن بدفتر بین‌المللی تلگرافی برن
۱۹ـ تبادلهٔ خریطه های پست سر بسته ومستقیم بین کابل ومشهد . هرات ومشهد .

مدیریت تیلفون :

۲۰ـ کشیدن یك لین جدید از سیم مسی ازکابل به سمت مزارشریف واندخوی و تکمیل کارلین کشی الی حکومت ایبك تعلقهٔ مزار شریف .

این‌لین برعلاوه ازلین‌سابقه است واین لین یك سلسله تسهیلات فوق‌العاده را به مخابرات حکومتی و تجارتی فراهم آورده است و مشکلات سابقه را که بواسطهٔ امتداد یك لین و کثرت مخابرات بود کاملاً رفع کرده وحالا بذریعهٔ لین مذکور ولایت مزارشریف وقطغن راساً به کابل وازکابل هم راساً بانجا مخابره میشود .

۲۱ـ نصب امتصار ها به گرشك ، فراه ، دلارام ، شین دند که باثر نصب ماشین های مذکورراساًولایت‌هرات ، فراه ، قندهار به‌کابل وهمچنان ازکابل راساً بانجاهامخابره شده میتواند

۲۲ : ـ تعین‌مقررات‌جدیدبرای مخابرات تیلفون‌درشق رسمی ومحصولی به‌تناسب بعد مسافه .
۲۳ : ـ تقسیم اوقات برای مخابرات تیلفون .
۲٤ : ـ تمدید یك‌تعداد لین‌های خفیف ونصب تیلفون های آن .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۵ : ـ تاسیس یك کورس مستعجلهٔ تیلفون وشامل نمودن یك تعداد طلاب رادران برای تعلیم به زیر دستی متخصصین فن .

مدیریت تلگراف :

۲۶ : ـ به کار انداختن دستگاه بزرگ تلگراف وتیلفون بی سیم .

۲۷ : ـ تشکیل وتنظیم دوائر شعبهٔ صادره واخذهٔ تلگراف ودفتر مرکزی مذکور

۲۸ : ـ امتحانات تلگرافی و تیلفونی راساً ومستقیماً بادول اروپا وامریکا وجاپان .

۲۹ : ـ تشکیل یك موسسهٔ تعلیمات تلگرافی بی سیم وتخنیکی درخود وزارت وشامل نمودن یك عده طلاب تلگرافی به آن .

۳۰ : ـ تزئید معاش مامورین تلگراف خانه‌ها حسب اصولات مقرره .

۳۱ : ـ جریان واتخاذ ترتیب تلگراف سیمدار فیمابین تلگرافخانهٔقطغن وپل خمری ،قندوز بغلان ، تالقان وحضرت امام .

۳۲ : ـ قائم نمودن دستگاه تلگراف سیمدار درپل خمری ، بغلان وتالقان .

۳۳ : ـ جریان تلگراف سیمداربین کابل وپل خمری وقندوز وبغلان وتالقان وحضرت امام .

۳۴ : ـ تشکیل یك تلگرافخانهٔ سیمدار دراند خوی وجریان مخابرات تلگرافی سیمدار بین مزار ومیمنه .

۳۵ : ـ قرارداد یك دستگاه تلگراف بی سیم برای (قوماندانی طیاره) مرکزی ومرکز هرات

۳۶ : ـ تعمیر تلگرافخانهٔ (بی سیم) قوماندانی طیاره درکابل وشروع به عملیات نصب دستگاه مذکور .

۳۷ : ـ تنظیم لین تلگراف بین هرات واسلام قلعه وخط سرحدی .

۳۸ : ـ قائم کردن تلگرافخانهٔ سیمدار درهرات وسرحد اسلام قلعه .

۳۹ : ـ تشکیل کورس‌های تلگراف درولایات وحکومات اعلی برحسب لزوم وتهیهٔ متعلمین دران به معاش کافی .

مدیریت رادیو :

۴۰ : ـ توریدیك تعداد دستگاه های کوچك اخذه رادیو برای ولایات وحکومات اعلی .

۴۱ : ـ شروع عملیات بسته کاری دستگاه برودکاست وتکمیل آن تایك حصه .

۴۲ : ـ تکمیل شدن استیشن برود کاست واقع یکه توت .

۴۳ : ـ اعمار یك تعمیر وتکمیل آن جهت دستگاه موتر جنریتر دیزل وتولید نمودن ۱۳۵ کیلوات امپیر برق جهت دستگاه برود کاست .

۴۴ : ـ تکمیل عمارت نیم کاره استدیو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

٤٥ : ـ فارغ التحصیل شدن (٦٣) نفر طلاب رادیو و تقرر آنها بحیث منتظم و رادیو میخانیك .
٤٦ : ـ اعمار چند تعمیر اخذه رادیو در ولایات و حکومات اعلی .
٤٧ : ـ کشیدن یك لین کبل از بست استیشن ماشینخانه الی عمارت برودکاست (زندر) و استدیو
٤٨ : ـ تعمیر یك دفتر بنام دفتر نظارتی و پروگرام ها بالحاقیه استدیو واقع باغ عمومی .
نوت : امسال وزارت پوست و تلگراف و تیلفون چندین نوع تکت های زیبای پستی هم طبع نموده بود که ازگراور کردن آن‌ها صرف نظر نمودیم .

مقرری ها در وزارت پست و تلگراف و تیلفون :

بمدیریت عمومی پست و تیلفون	:	ع ، محمدسعید خان
« ارتباط خارجه	:	ص ، عبدالقیوم خان
« پست	:	« غلام فاروق خان
« اجرائیه و مامورین	:	« عبدالخالق خان
« تیلفون	:	« عبدالعزیز خان
« تلگراف	:	« پاینده محمد خان
« کنترول	:	« لعل محمد خان
« اوراق	:	« پاینده محمد خان
« معاونی ارتباط خارجه	:	« محمدحسن خان
« مخابرات قندهار	:	« گل احمد خان
« کفالت مدیریت مخابرات مزار شریف	:	« غلام غوث خان
« مخابرات قطغن و بدخشان	:	« نیك محمد خان
بمدیریت مخابرات جلال آباد	:	« نقیب الله خان
بماموریت « جنوبی	:	« عبد الغفور خان
« « مخابرات میمنه	:	« میر عبدالسمیع خان
« « « فراه	:	« رجب علی خان
منتظم تلگراف قطغن و بدخشان	:	« محمدعثمان خان
معاون دفتر تلگراف مرکزی	:	« عبدالغیاث خان
منتظم تلگراف پی سیم میمنه	:	« عبدالرحیم خان
« « مزار شریف	:	« عبدالله خان
معاون « مهتاب قلعه	:	« سیدوزیر خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت مالیه



ص ، نصرالله خان مدیر مدرك جدید
(محاسبه دافغانستان بانگ)



ص ، امیرمحمد خان مدیر کنترول
مستوفیت ولایت کابل



ص ؛ محمد ابراهیم خان اعضای
مدیریت عمومی تفتیش

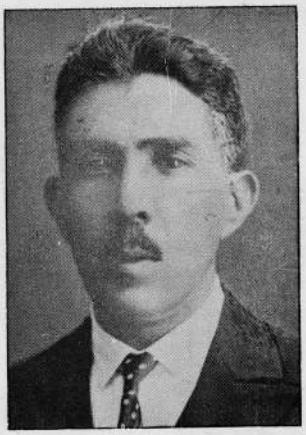

ص ، محمدرضاخان عضو مدیریت
عمومی تفتیش

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت اقتصاد



ع ، محمد زمان خان مدیر عمومی
انطباعات



ع ، سیداحمد علیشاه خان مدیر
عمومی اداری



ع ، فقیرمحمد خان مدیر عمومی
تجارتی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معارف



ص ، محمد آصف خان مدیر اداری
مکتب میخانیکی



ص ، عبد السلام خان مدیر
مکتب تجارتی



ص ، غلام جیلانی مدیر معارف
قندهار



ص ، عبدالرسولخان مدیر معارف
مزار شریف

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ دروزارت مالیه

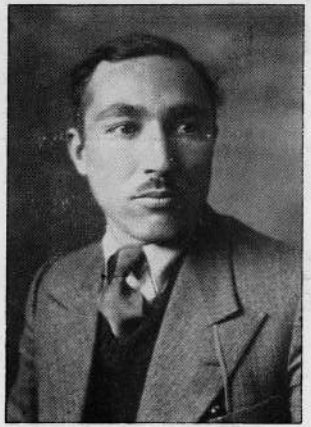

ص ، عبدالمجید خان مدیر
مامورین

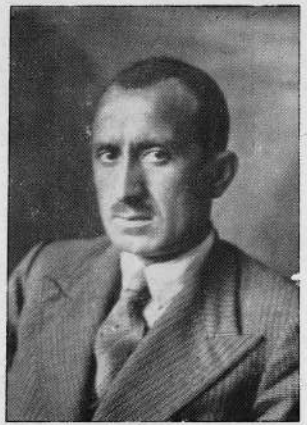

ص ، میرزا محمد عثمانخان
مدیر کنترول



ص ، محمد ایوبخان مدیر اجرائیه
تصفیه مایعات

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت پوست

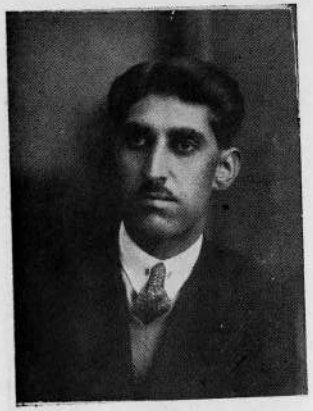

ع ، محمد سید خان مدیر عمو می
پوست وتلفون



ص ، عبدالخالق خان مدیر اجرائیه
ومامورین مرکز

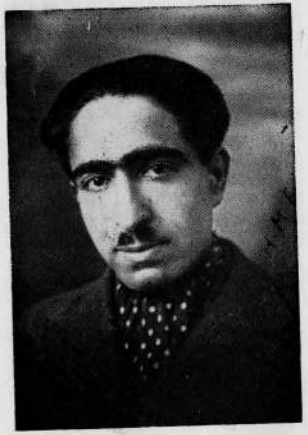

ص ، محمد محسن خان معاون مدیر
ارتباط خارجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ دروزارت پوست



ص ، پاینده محمد خان مدیر اوراق

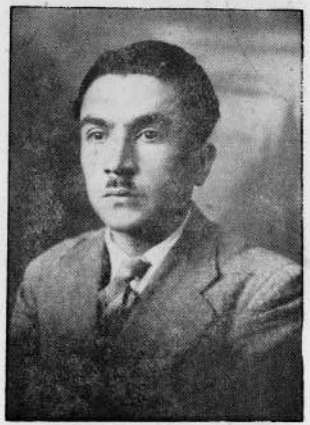

ص ، عبدالقیوم‌خان مدیر ارتباط خارجه



ص ، عبدالعزیز خان مدیر تیلفون

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت پوست



ص ، نقیب الله خان معاون
ریاست تفتیش



ص ، پاینده محمد خان مدیر
تلگراف



ص ، محمد عثمان خان منتظم تلگراف
مزار شریف

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت پوست



ص ، غلام غوث خان کفیل مخابرات
مزار شریف



ص ، گل احمد خان مدیر
مخابرات قندهار

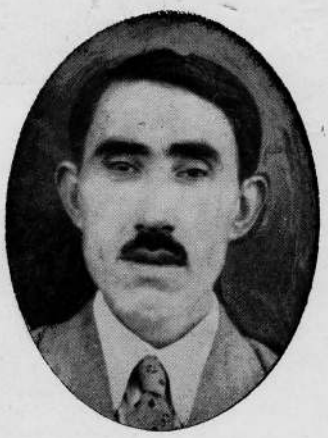

ص ، نیك محمد خان مدیر قطغن
و بدخشان

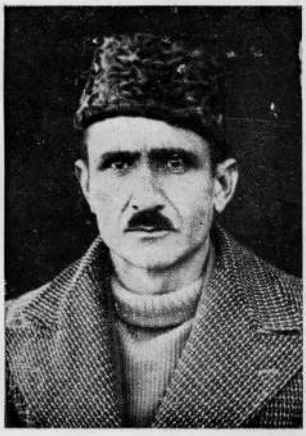

ص ، گل ایاز خان مدیر
حمل و نقل

(c) ketabton.com: The Digital Library

معادن

معادن که یکی از عمده ترین اساس های امور اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد از مدتی باینطرف تحت توجه مخصوص حکومت بهیخواه ومصلح ماواقع و برای توسعهٔ آن مساعی بزرگی بخرج داده میشود عملیات معدن درین سال بیش از سالهای گذشته انبساط وترقی کرده چنانچه در سال ۱۳۱۷ از طرف یك ریاست مستقل اداره میگردید نظر باهمیت آن در اوائل سال ۱۳۱۸ حسب منظوری مقامات صلاحیت دارمبدل بوزارت گردیده ونظر به سابقهٔ حسن پیروی ازافکار بهیخواهانهٔ حکومت متبوع وزارت معادن بعضی اقداماتی راجع به بکار انداختن معادن نمود حکومت ازهمه مقدم تراستخراج معادن ذغال سنگ را نصب العین قرارداد تااز مصارف چوب جلوگیری بعمل آمده جنگلات واشجار مثمر مملکت تقویه شود و از طرف دیگر ذغال سنگ برای بکار انداختن ماشین های صناعتی و غیره احتیاجات لازمه مورد ضرورت است ازین نقطهٔ نظر سال ۱۳۱۸ درضمن یك سلسلهٔ تفتیش و تحقیقات ابتدائی وسنجس و مطالعه در طرز بکارانداختن معادن ذغال و برخی‌معادن دیگر که آتیاً شرح داده می شود طی گردیده اما این تحقیقات ومطالعات وزارت معادن را آماده وحاضر ساخت تادر سال آینده نتائج عملی آن رادر استخراج معادن مذکور تطبیق نماید . لهذا اجراآتیکه درین سال بعمل آمده است ذیلاً بطور مختصر آن را شرح میدهیم .

۱:ـ وزارت معادن در بدو امر از یکطرف توسط متخصصین داخلی بمعاینه و تحقیقات معادن سابق وانکشاف معادن تازه و مطالعات در اطراف بکار انداختن معادن ذغال سنگ ناحیهٔ سمت شمال افغانستان پرداخت و از طرف دیگر بتاسی ازنظریهٔ حکومت متبوعه در صدد استخدام یك عده متخصصین خارجی برای بکار انداختن معادن ذغال داخل اقدامات لازمه گردیده و بالاخره بسبب اشتعال نائرهٔ جنگ اروپا با ستخدام یکنفر مستر درات متخصص مجرب طبقات الارضی از مملکت پولیند موفق آمد .

وزارت معدن طوریکه در فوق ذکر یافته از جملهٔ نفری متخصصین خارجی صرف یکنفر آن را استخدام توانست که آنهم در اوائل برج اسد این سال وارد کابل گردید ، البته اجراآتیکه توسط متخصص‌موصوف بعمل‌آمده درآتی شرح داده می‌شود ، ولی اجراآتیکه قبل از ورود متخصص مذکور ذریعهٔ متخصصین داخلی گردیده قرار ذیل است .

الف معدن ذغال غور بند :

چون این معدن قریب مرکز وحمل ونقل آن ارزان تمام میگردید مسایل تحقیقات و حفریات آن توسط ع ، آقای سید عبدالله خان دیپلوم انجنیر بحصهٔ کاچی خیل شروع شد

(c) ketabton.com: The Digital Library

وبعد از حفریات یك صوف (۳۵) متره بیك رگ ذغال که (۳۰) سانتی متر ضخامت داشت رسیده و روزانه تا اندازهٔ تقریباً دو خروار ذغال ازان استخراج میگردید و لی این نوع استخراج الی و رود مستر درات متخصص طبقات الارضی که در فوق از آن ذکر یافته ادامه داشت . وقتا که درمعدن مذکور توسط متخصص موصوف تحقیقات فنی به عمل آمد دارای یك استعداد بزرگ وذخیرهٔ کافی نبوده وعلاوتاً درنتیجهٔ پیشرفت کار حفریات مشکلات تولید ورگ ذغال آن از ضخامت خود کاست مطابق براپور متخصص موصوف درکار استخراج معدن مذکور خاتمه داده شد .

ب : معدن ذغال دره صوف :

در برج جوزای این سال برای تحقیقات علمی استخراج یك مقدار ذغال وسنجش مسایل حمل ونقل ذغال معدن مذکور دکتور ع ، ص ، عبدالله خان معین وزارت معادن بایك هیئت متخصصین داخلی فرستاده شد معین موصوف مزید بر تحقیقات خویش باندازهٔ یکهزار خروار ذغال را از معدن مذکور استخراج و یك مقدار آنرا ازراه قرغوتل بدوآب میخ زرین ذریعهٔ بار گیر نقل داده و مابقی آن را بالای معدن مذکور ذخیره نمودند بملاحظهٔ این اجراآت اندازهٔ تمامی کراههٔ ذغال مذکورالی مرکز کابل ومشکلات غیرهٔ آن برای وزارت معدن معلوم گردید . و راجع باین معدن مستر فاکس انگلیسی راپوری قبلاً تقدیم نموده بود که ازان چنین استنباط شد که معدن مذکور ازنقطهٔ نظر طبقات الارض ونقشه برداری تحقیقات مفصل بکاردارد از آنرومسایل تحقیقات آن به مستر درات متخصص طبقات الارضی محول گردید .

ج : معدن ذغال برفك وایش پشته :

چون این معدن هم نسبتاً قریب بمرکز می باشد در اوایل برج سرطان کار تحقیقات و حفریات آن ها ذریعهٔ ص ، آقای محمد احسانخان معدن شناس شروع گردیده بالاخره نظر باینکه از معدن مذکور خاکه و میدهٔ ذغال فیصد هفتاد تولید میگردید واز طرف دیگر معلوم کردن ذخایر آن در اعماق زمین یك تحقیقات علمی را ایجاب مینمود اجرای تحقیقات آن بعد ازاقدامات معدن شناس مذکور بمستردرات متخصص طبقات الارض محول گردید .

سوم :- اجراآتیکه توسط مستر درات متخصص طبقات الارض مستخدم وزارت معادن بعمل آمده قرار ذیل است :

الف : درائنائیکه متخصص موصوف وارد کابل گردید مومی الیه بتاریخ ۱۳ اسد برای معاینهٔ عملی معدن ذغال غور بند وایش پشته اعزام شد .

۱ :- معدن غور بند : معاینه وتحقیقات متخصص موصوف درین معدن از تاریخ ۱٤ الی ۱۹ اسد مدت شش روز را در بر گرفت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ :- معدن ایش پشته و برفك : متخصص موصوف باتفاق ع ، ص دکتور عبدالله خان معین وزارت معادن و ع ، سید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیر مدیر عمومی فنی به معاینه و مطالعات طبقات الارضی وکاوش های عملی رگ برفك وایش پشته پرداخته بعدازاخذ نتیجه بکابل مراجعت نمودند .

۳- متخصص موصوف بعد ازاینکه ازمعاینهٔ معادن فوق الذکر فارغ شده بکابل وارد گردید نتیجهٔ مشاهدات ونظریات خود را راجع به کشفیات عملی و استخراج ذغال غور بند وایش پشته راپوری مفصلی بوزارت معادن تقدیم کرد که خلص آن قرار ذیل است .

الف : معدن غور بند : مستر درات نظر بمشکلات استخراج ذغال معدن حصهٔ کاچی خیل غور بند و اینکه فوائد اقتصادی و ذخائر کافی نداشت از اجرای استخراج آن وزارت معادن را منصرف ساخت .

ب : معدن ایش پشته و برفك : متخصص موصوف در راپور خود از روی سنجش سطحی مقداری ذغال ناحیهٔ این معدن را تاحدود (یك لك تن) وانمود کرده و این تخمین فرضی و مقدار حقیقی ذغال را وابسته با ثبات تحقیقات علمی و عملی میداند و برای پیشبرد تحقیقات ابتدائی و امتحان معدن مذکور استخدام یکعده متخصصین و کاریگران را برای مدت یکسال پیش نهاد نموده وعلاوتاً صورت استخراج ذغال را ازمعدن مذکور بدون وسایل فنی غیر قابل تطبیق دانسته ونیزضایعات ذغال مذکوررا فیصد هفتاد ازرهگذر خاکه ومیدهٔ آن وانمود کرده ازین جهت اجرای استخراج آن را الی زمان بکار انداختن اساسی آن درین سال معطل نمود .

ج :- متخصص موصوف بعد از اینکه راپور خود را راجع بمعدن غور بند وایش پشته وبرفك بوزارت معادن تقدیم نمود بمعیت ع ، ص دکتور عبدالله خان معین وزارت وغلام علیخان معدن شناس بطرف معدن ذغال درهٔ صوف اعزام گردیدند ، ازآنجا که در دسترس وزارت معادن سامان ولوازم برمه کاری ونقشه برداری درین سال کافی نبود و از طرف دیگر معاونتی را که متخصص موصوف از رهگذر استخدام یکعده متخصصین دیگر لازم داشت بنابر وقوع جنگ در پولیند آمده نتوانستند ازین حیث برای متخصص موصوف از طرف وزارت هدایات ذیل داده شد .

۱ :- یکفکر عمومی راجع بذغال ناحیهٔ درهٔ صوف قایم کرده بعد هرگاه ذغال را که روشن تر ونزدیکتر بکابل ملاحظه کنند دران حصه بیشتر تحقیقات وبرآورد بنماید .

۲ :- هرگاه کدام حصهٔ معین مذکور به نظر متخصص موصوف نزدیکتر بکابل وغنی وقابل استخراج واقع شود همان حصه را برای استفادهٔ وزارت معادن معین نموده در مابقی حصص یکی بعد دیگری تحقیقات لازمه بدارد .

د :- مستردرات متخصص مذکور بعد ازملاحظهٔ وضعیت عمومی طبقات الارضی معدن درهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library

صوف که قسمتاً ذریعهٔ طیاره وقسمتاً درنتیجهٔ ترددهای خود درناحیهٔ مذکور بعمل آورده بعد ازان درحصهٔ شوباشك که نسبتاً بکابل نزدیکتر گفته می‌شد یك حصه را که ص ، غلام علیخان معدن شناس پیدا کرده بود تحت تحقیقات خود قرار داده وتقریباً دوماه متواتر الی زمانیکه برف باری کار اورا معطل ساخت درآنجا کار نمود ، در طول این مدت قرار اقتضای فن جر ها کنده ونوت های لازمه برای ترتیب راپورت خود برداشت وهمچنین پروفیل هائیکه برای نتیجهٔ برآورد راپورت‌او لازم بود باخود گرفته برای تحقیقات مزید درموضع ایش‌پشته آمد واز آنجا بکابل مراجعت نمود (۱) ازروی‌یاد داشت ها ونقشه ها وپروفیل هائیکه آورده بود شروع به ترتیب راپورت خود نمود بعد از چندی راپورت مکمله را در زبان انگلیسی درچهل صفحه باچهار قطعه نقشه که یکی‌را بذریعهٔ ص ، غلام علیخان معدن شناس وسه‌قطعهٔ‌دیگر آنرا خودش به‌معاونت آقای غلام علیخان اکمال کرده بوزارت معادن تقدیم نمود لذاتاجائیکه از راپورت او اقتباس کرده شده قرار ذیل شرح میدهیم :

۱ : ـ معدن درهٔ صوف برای افغانستان یك معدن غنی شمرده می شود یعنی در حدود (٦٠) ملیون تن دارای ذغال قابل استفاده گفته می شود .

۲ : ـ طرق وشوارعیکه معدن مذکور را قابل‌استفاده بسازد بایدمطابق نظریات متخصصین ومهندسین آن بطرف معدن مذکور تمدید وتسطیح شود .

۳ : ـ یك قسمت اجراآت مذکور تعلق بوزارت معادن دارد از قبیل ادامهٔ تحقیقات ، برمه کاری های لازمه ، ترتیب نقشه جات لازمه در مسایل استخراج آن ذغال را از اعماق زمین دربالای معدن بقدر احتیاج ذخیره نماید .

٤ : ـ متخصص موصوف مسئلهٔ مهم وخیلی قابل اهمیت درین خصوص ارزانی نقل ذغال مذکور را وانمود کرده زیرا قرار سنجش تقریباً فیصد هشتاد بقیمت ذغال مخارج ترانسپورت آن می افزاید .

٥ : ـ متخصص موصوف بعد از یك سلسله تشریحات علمی رگهای ذغال را که در حصهٔ شوباشك تحقیقات کرده وبه نقشه جات مرتبهٔ خود نشانداده بعد از وضع انواع خرابی های رگهای مذکور وغیره حسابات آن دارائی آنرا چهارملیون دوصدوچهل‌ویکهزارتن ذکرمیکند.

٦ : ـ قرار تشریحات راپورت متخصص موصوف درناحیه درهٔ صوف نه تنها ذغال داریم بلکه اشیاء ذیل نیز درآنجا موجود است :

---

(۱) حین مراجعت متأسفانه مومی‌الیه درایش‌پشته درحالیکه مشاهدات خود را میخواست تکمیل بنماید ازبلندی شش‌متر لول خورده کمراو شدیداً ضرب خورد که‌باثر آن قرار هدایت دکتور ۳٥ روز درشفاخانهٔ ملکی دربستر خوابید بعد از صحت یابی بادارهٔ خود آمد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

الف : سنگ چونه که کارآمد سمنت سازی باشد .
ب : مارل (یك‌قسم گل)وشیل (یك‌قسم خاك) لازمهٔ ساخت سمنت سازی .
ج : یکنوع دیگر شیل وخاك رس خالص که‌برای کاشی سازی استعمال میشود .
د : یکنوع ریگ خالص که مخصوص ساخت شیشه گری است .
ه : شیشه هائیکه دارای موادخام آهن‌میباشد که‌ازآن آهن‌خالص استخراج شده‌میتواند .

۷ : ـ متخصص موصوف نظریه میدهد که‌باید دردرهٔ صوف یك فابریکهٔ برق‌نیز قایم‌شود تا یك قسمت برای فابریکهٔ سمنت پاوربدهد یعنی میده کردن مواد لازمهٔ سمنت سازی بذریعهٔ ماشین که ببرق دایرشود تهیه خواهد شد والبته برای پخته کردن سمنت خاکهٔ ذغال مصرف خواهد گردیدوبقیهٔقوهٔبرق مذکوربرای‌تنویر شهر مزارشریف وبعضی حصص قریب و جوار آن بکار خواهد رفت وماشین برق مذکور بذریعهٔ خاکهٔ ذغال باید دایر شود .

۸ : ـ متخصص موصوف نظریه میدهد که‌باید یك‌فابریکه دردرهٔ صوف تاسیس شود تاذغال کوك بسازد وفابریکهٔ مذکور علاوه ازاینکه ازذغال‌های میدهٔ کوك برای گداز آهن کاربدهد گازقابل استفادهٔ تنویر وطبخ وقیر وبنزول رابرای تراکتورها وموترهائیکه به‌بنزول‌بکار می‌افتد خواهد داد . واینکه آیاذغال درهٔصوف قابل‌کوك ساختن میباشد یانه ؟ باساس نظریات گریس نج ودکتور فاکس که‌قبلاً معادن مذکور را معاینه کرده بودند مستردرات متخصص مذکور جنبهٔ مثبت را تائید می کنند .

۹ : ـ متخصص موصوف بعدازاینکه ازدادن راپور معادن ذغال غوربند یاایش پشته وبرفك ودرهٔ صوف طوریکه درفوق ذکریافت فارغ گردید تماماً مسایل دوسیه‌ها وراپورهای مناطق نفط دار افغانستان که‌قبلاً ازطرف متخصصین داده‌شده وبذریعهٔشرکت انلاند اکسپلوریشن‌اوراق‌ها و دوسیه های مذکور بوزارت معدن رسیده بود تحت مطالعهٔ مذکور قرارداده شد ، البته بعد ازمطالعهٔ آنهابه‌نقاط نفطدار فرستاده خواهد شد تاعملاً درمناطق مذکور مصروف تحقیقات لازمه گردیده نتائج کار خودرا راپور تقدیم بدارد .

چهارم : ـ برای وزارت معادن نظر بملاحظهٔ راپورت های مستر درات متخصص‌طبقات الارض مسایل بکار انداختن معادن ذغال واضح شده اجراآت ذیل بعمل آمد :

۱ : ـ دراجرای استخراج معدن غوربند خاتمه داده شد وتماماً سامان ولوازم کار آن بکابل وبرخی (به‌ایش پشته) نقل داده‌شد ، تحویلدار معدن مذکور وزیردست آن بکار دیگری مقرر شدند .

۲ : ـ قرار نظریهٔ مستردرات متخصص موصوف درمعدن ایش‌پشته توسط ع ، آقای سیدعبدالاحد خان دیپلوم انجنیر بعداز منظوری مقامات صلاحیت داراجرای حفریات امتحانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

الی زمانیکه کار آنهارا برف باری خاتمه داد شروع گردیده ، ولی چون اجرای این تحقیقات عملی معدن مذکور مستلزم اجراآت وسیع یك‌عده متخصصین لازمه‌بود راجع به اجرای آن وزارت‌معادن ذریعهٔ سفارت‌برطانیه مقیم‌کابل داخل اقدامات لازمه شده‌برای نقشه برداری وعملیات امتحانی ومعلوم کردن ذخایر کافی معدن مذکور بایك هیئت متخصصین طبقات الارضی مملکت‌هند موافقه گردیده وتاکنون هیئت‌مذکور مواصلت نکرده والبته در موقعیکه هوا مساعدشودوارد خواهندشدوبکارمعدن مذکور گماشته‌خواهند گردید . وعلاوتاً نظر باینکه معدن مذکور خاکومیدهٔ زیاددارد مطابق نظریهٔ مستردرات ومتخصصین داخلی برای بریکت سازی میده‌وخاکهٔ آن راجع به خریداری ماشین بریکت سازی نیزتوسط سفارت مو صوفه اقدامات لازمه بعمل آمده است .

۳:- چون وزارت معادن ازراپور مستردرات راجع به معدن ذغال درهٔ‌صوف استنباط نمود که‌ذخایر ذغال ، رگهای آن برای احتیاجات اقلاسی‌سالهٔ مملکت کافی شمرده میشود این فکر پیدا شد که‌آیا راه‌سرك‌ویاوسیلهٔ دیگر که ذغال مذکور را دریکی ازسرك های عمومی برساند ممکن است یانه برای دانستن این موضوع وزارت معدن به‌معاونت ع ، ج ، وزیر صاحب فوائد عامه بفرستادن مستر کالی نوفسکی متخصص سرك‌سازی برای تحقیقات بدرهٔ‌صوف موفق گردید چنانچه متخصص موصوف راهمراه ص ، غلام‌علی خان معدن شناس که بین درهٔ صوف ودوآب میخزرین ازراه کهمرد وایش پشته چنددفعه سفرکرده بود فرستاده شدند .

٤:- مستر کالی‌نوفسکی‌درنتیجه یك‌سلسلهٔ تحقیقات خود راپوری در۲۹ صفحه باچند قطعه نقشه بذریعهٔ وزارت جلیلهٔ فوائد عامه بوزارت معادن تقدیم نمود تا نامبرده در راپورت خود ترانسپورت ذغال‌را ازدرهٔ صوف الا دوآب میخزرین بسه صورت ذیل‌فکر کرده است :-

الف:- بذریعهٔ خط‌آهن .

ب :- « ریل هوائی .

ج :- « سرك ولاری .

خلاصه اینکه راپور آن موضوعات زیادرا دربر دارد که‌قابل گنجایش این‌جا نمی باشد وزارت‌معادن راپور ونقشه های مرتبهٔ متخصص موصوف راتحت تدقیق وغور قرارداده ، البته اجراآت‌لازمه رادر تطبیق یکی ازنظریات مفیدهٔ آن خواهد نمود .

٥:- راجع به حمل ونقل ذغال معدن درهٔ صوف در وزارت معادن یك مجلسیکه عبارت از متخصصین وزارت فوائد عامه ووزارت معادن بود بتاریخ ۲۹ دلو انعقاد وبعد از دو روز ختم گردید .

درمجلس اول مسئلهٔ امتداد راه‌آهن ازدرهٔ صوف الا دو آب میخ زرین روی کار آمد وبعد ازمفاهمه معلوم شدکه برای نقل‌دادن آن‌مقدار ذغال که‌فعلا ذخیرهٔ آن معلوم‌شده هر گاه

(c) ketabton.com: The Digital Library

راه آهن ساخته شود اقتصادی نمیباشد مجلس فیصله نمود که از موضع معدن درهٔ صوف الی دوآب باید سرك موتررو تمدید داده شود چون مخارج موترها و تیل آنها و معاش موتران و قیمت استهلاك موتر سنجیده شد تقریباً کمتر از ۲ فیصد قیمت ذغال را در بر گرفت در ینصورت ساختن سرك موتر رو حتمی خواهد بود .

اما به نسبت اینکه روزانه مقدار زیاد ذغال نقل داده میشود . باید سرك مذکور در جهٔ اول باشد وساختن سرك ازراه نزدیکتر توسط انجنیرها که وزارت معادن استخدام خواهد نمود اتخاذ کرده شود سرکیکه ساخته میشود اینطور باشد که هرگاه وزارت معادن در آینده بخواهد سرك زیل تمدید بدهد این سرك موجوده مورد استفاده شده بتواند .

۶:- وزارت معادن گرچه صلاحیت استخراج تمام معادن مملکت عزیز را دارد ولی طوریکه ذکر یافت درین سال مصروف مطالعات و تحقیقات معادن ذغال بوده وازطرف دیگر در صدد تحقیقات وکشفیات وطرح بکارانداختن معادن ابرك ، گوگرد ، سنگ ریشه ، تورمالین ، سنگ شاه مقصود . سنگ خواجه بغرائی و گل ایرانی که از جملهٔ معادن سهل الاستخراج می باشد اقدامات لازمه گردیده والبته راجع بکار انداختن آهن ومس و غیره که در ردیف صنایع ثقیله بشمار میروند درقدم های آتی توجه لازمه بکار برده میشود وعلاوتاً قسمت معادن فلزات از مدت سه سال است که بامتیاز شرکت مختلط افغان والمان داده شده است که آنها مصروف مطالعات و تحقیقات معادن مذکور تا کنون می باشند .

۷:- معادن ولایت قطغن و بدخشان که ازاوائل سال ۱۳۱۷ تحت عمل امانی آمده عواید آن نظر به سال گذشته باثر توجه وزارت معادن زیاد گردیده . وهم در تشکیلات اداره و طرز بکارانداختن معادن مذکور اقدامات لازمه بعمل آمده است .

۸:- معدن نمکسار هرات که دارای ذخایر کافی است از سالیان دراز از آن استفاده نمیگردید درین سال باثر اقدامات وزارت معادن ومنظوری مقامات صلاحیت دار تحت اداره وعمل امانی گرفته شده است و یك مبلغ هنگفتی از پول عواید آن بخزانهٔ حکومت تحویل داده شده است والبته ازمقرری مامورین ادارهٔ معدن مذکور درقسمت تشکیلات بحث رانده میشود .

۹:- معدن نمکسار اندخوی : چون وزارت معادن بتأسی از نظریهٔ حکومت مصلح تماماً معادن نمك را که درسالهای گذشته بعهده داده میشد ازشروع سال ۱۳۱۹ تحت اداره وعمل امانی میگیرد ، این معدن را که دارای ذخایر معتنابهای نمك می باشد برای ضبط و ربط آن پیش ازپیش منظوری یکنفر مدیر و یکنفر کاتب گرفته شد که بمدیریت آن ص ، عبدالفتاح خان مدیر سابق مخابرات و لایت مزار شریف مقرر وچنانچه مدیر مذکور برای مطالعات وتحقیقات دراطراف بکارانداختن معدن مذکور ارسال و بعد از معاینهٔ معدن مذکور

(c) ketabton.com: The Digital Library

نظریات خود را نسبت به تشکیل اداره وترقی عوائد واصول فروش وطرح بکار انداختن وحتی موقعیت وچگونگی نمك نمکسار مذکوررا بعد ازتصویب محفل مشورهٔ حکومت اعلی میمنه باخود بمرکزحاضر آورده است . والبته درآغاز سال ۱۳۱۹ ضبط وربط معدن مذکور از طرف مدیر موصوف بعمل خواهد آمد .

۱۰ :- معدن نمکسارتاشقرغان که ازسالهای گذشته به عهده داده شده آ نرانیز وزارت معادن مثل سایر معادن نمك می خواهد که از آغاز سال ۱۳۱۹ تحت اداره و عمل امانی بگیرد چنانچه راجع به تشکیل اداره ، ترقی ، عوائد ، اصول فروش و طرح بکار انداختن و موقعیت وچگونگی معدن مذکور نیز نظر به هدایت وزارت معادن ص ، عبد الفتاح خان مدیر نظریات خود را بعد از تصویب محفل مشورهٔ ولایت مزارشریف بمرکزحاضر والبته مامورین کار آن مقرر ومعدن مذکور از شروع سال ۱۳۱۹ از طرف آنها تحت اثر مدیر موصوف ضبط و ربط خواهد شد .

۱۱ :- وزارت معادن راجع بمعاینهٔ عموم معادن افغانستان بایك ریاست فنی هندی برای دوماه قرار دادی نموده‌است والبته درین اواخر وارد خواهندشد وبامتخصصین داخلی بغرض معاینه بطرف معادن‌نمك اعزام می‌شوند تابعد ازمعاینه راپوری را راجع باصول بکار انداختن معادن مذکور وطریق تصفیهٔ نمك که از نقطهٔ نظرفنی واقتصادی بوزارت مغادن تقدیم نمایند والبته وزارت‌معادن بملاحظهٔ راپوری آنهادرطرز استخراج وفوائد اقتصادی واصول‌تصفیهٔ‌نمك اجراءآت لازمه را بعمل خواهند آورد وتا مثل ممالك متمدن نمکها را تصفیه کرده بمعرض استفادهٔ اهالی عرضه نماید .

۱۲ :- درممالك متمدن نمکهارا تصفیه نموده ازمضار آن باینصورت جلوگیری می نمایند ازین جهت وزارت معادن درین سال بمعاونت ص ، آقای نورالله خان متخصص کیمیاء مربوط وزارت جلیلهٔ معارف بطور امتحان یك انداز ه نمك معادن ولایت قطغن وبدخشانرا تصفیه و این عمل امتحانی نتائج امید بخش داده است برای سال ۱۳۱۹ درمسایل تصفیهٔ نمك توسعه داده خواهد شد تایك پیمانهٔ زیاد نمکها تصفیه شود والبته طرف استفادهٔ اهالی قرار داده خواهد شد .

۱۳ :- اجراآتیکه از طرف مدیریت جدیدا لتشکیل تفتیش وزارت معادن بعمل آمده قرار ذیل است :

۱ :- دراین مدت دوماه علاوه براینکه مدیریت تفتیش به‌تأسیس واصلاح امور اداری واجرای وظائف محولهٔ تفتیش عندالموقع صرف مجاهدت ورزیده ضمناً جمیع تحویلخانه های مرکز وغوربند وکهنه خمار میدان را تحت موجودی قرار داده وبعد ازختم این کار به‌تفتیش

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معادن

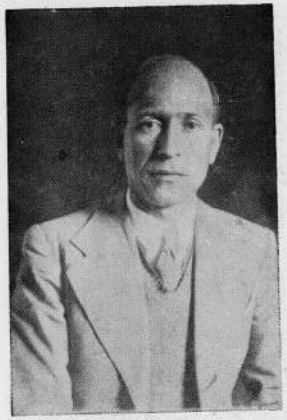

ع، عبدالفتاح خان مدیر عمومی نمك
اندخوی و تاشقرغان



ص ، سید قبول شاه خان وکیل
مدیریت کنترول



ص ، محمد صدیق خان مدیر ترجمانی
واستخراج پطرول

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در ریاست بلدیه



ص، محمدآصف‌خان مدیر تنظیفات و صحیه



ص، عطا محمدخان مدیر مامورین و اجرائیه



ص ، نوراحمد خان مدیر جشن

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معدن



ع، ص، دکتور عبدالله خان
معین



ع ، غلام احمد خان مدیر عمومی
اقتصادی



ص ، محمد احسان خان متخصص معادن
ومدیر تفتیش فنی واداری

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۸ در وزارت معادن



ع ، سیدعبدالاحد خان دیپلوم انجنیر
ومدیر عمومی فنی



ص ، میرزا فقیر محمد خان مدیر
خرید وفروش

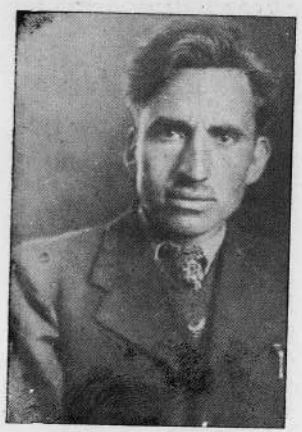

ص ، غلام علی خان متخصص
ومدیر کشافی مدیریت عمومی فنی

(c) ketabton.com: The Digital Library



ص ، محمد جان خان مدیر کنترول
ریاست بلدیه کابل

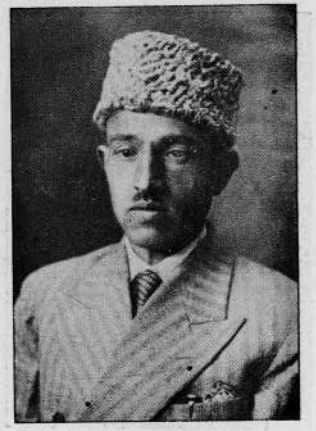

ص ، محمد نبی خان مدیر ارزاق
ریاست بلدیه کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library



ص ، عبدالقدوس خان کفیل شعبهٔ
دوم دارالتحریر شاهی



ص ، غلام صدیق خان مدیر
دفع آفات

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

شعبات داخلهٔ وزارت شروع بکار نموده است .

۲ : ـ راجع به مسائل پیدایش سرش که بقسم موادلحیم کننده برای بریکت ساختن خاکهٔ ذغال بکار میرود اقدامات مدققانه نموده ودرنتیجه از دوسیهٔ تحقیقات او یقین حاصل گردید که درگرد ونواح کابل وباقی نقاط افغانستان سرش بمقدار کافی وقیمت ارزان یافت می شود وراجع بمسئلهٔ پتومن ومواد قیری که بقیمت گران و مشکلات زیاد بدست می آمد فعلاً به تهیهٔ این مواد لزومی دیده نمی‌شود ودر وقت تهیه وبکار انداختن ماشین بریکت از مادهٔ چسپندهٔ مذکور استفاده کرده خواهد شد .

۳ : ـ راجع به بریکت ساختن خاکهٔ ذغال موضع ایشپشته امتحانات مقدماتی ذریعهٔ ماشین فشار متعلقهٔ ضرابخانه بعمل آورده ودر نتیجه ثابت گردیده است که اگر باخاکهٔ ذغال ازیك تادو فیصد سرش کاهی‌را بقسم مادهٔ لحیم کننده مخلوط نموده ودرتحت اثر فشار ماشین قالب ریختانده شود مواد بریکت ذغال طور سخت ومستحکم بدست می آید ومعین تحقیقات وزارت معادن را آماده ساخته است که یك‌پایه ماشین پریس متعلقهٔ فابریکهٔ سمنت سازی را باموتربرقی وملحقات آن برای بریکت ساختن خاکهٔ ذغال ایش‌پشته بعد از امتحان بکار بیندازد .

٤ : ـ راجع به معاینه و تحقیقات معدن گوگرد موضع دشت سفید وهم در خصوص مقدار کارآمد سالانهٔ فابریکهٔ گوگرد سازی ونرخ گوگرد معلومات‌واقدامات سودمندی بعمل‌آورده وراپورت ودوسیهٔ تحقیقات مکمل آنرا بمدیریت عمومی فنی سپرده که عندالموقع معدن مذکور مورد استفاده قرار داده خواهد شد .

مقرری های سال ۱۳۱۸ دروزارت معادن

۱ :ـ وزیر معادن	:	ع ، ج رحیم‌الله خان
۲ مدیر عمومی فنی	:	« ، آقای سیدعبدالاحد خان دیپلوم انجنیر
۳ « « اقتصادی	:	« ، « غلام‌احمد خان
٤ « « نمك‌اندخوی‌وتاشقرغان	:	« ، « عبدالفتاح خان
٥ « تفتیش‌فنی واداری	:	ص ، « محمداحسان خان متخصص
٦ « کشافی	:	« ، « غلام علی خان متخصص
۷ « انتهائی خرید وفرش	:	« ، « فقیرمحمد خان
۸ « ترجمانی واستخراج پطرول	:	« ، « محمدصدیق خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور زراعت وفلاحت

پیشتر ازهمه بایدمعلومات مجملی بالای خطمشی ریاست مستقل زراعت تحریر داریم زیرا بسا اشخاص خیال خواهند نمود که اصلاحات زراعتی دریك مملکت مسئلهٔ یك سال یادوسال بوده باید درمدت قلیلی نتائج عظیم وفوق العاده که توجه عامه را جلب نموده بتواند بروی کار آید . بلی ریاست مستقل زراعت برای حصول همچه نتائج عظیم ومهم که مدعا ازتولید ثروت های زراعتی است پروگرام خودرا ترتیب داده وداخل کار گردیده است لاکن باید خاطر نشان کردکه نتائج زراعتی بوقت ارتباط زیادی داشته مانند معاملات صنعتی دفعتاً تمامی مطالب را اقناع بخشیده نمیتواند . علاوه بران متذکر بایدشد که افغانستان چون پیشتر دارای مؤسسه های مهم زراعتی وتجربه گاهای وسیع فلاحتی نبوده است بحال حاضر بالای اوضاع وساختمان طبیعی وژیولوژی وتقاضای جوی اراضی زراعتی خودمعلومات لازمه وفنی را دارانیست تابه تعقیب آن فوراً داخل اجرا آت عملی مهمی گردیم . افغانستان فاقدهمچه معلومات عمومی زراعتی است که مساعی وثبات زیادی بکار دارد . لهذا ریاست زراعت این مسئلهٔ مهم را درخاطر خویش داشته درپروگرام خویش ترتیب تجربه گاهای زراعتی را باتمامی حوائج لازمهٔ آن ازقبیل آلات وادوات و متخصصین زراعتی شامل داشته برای مناطق مهم زراعتی افغانستان مثلاً قطغن وبدخشان ومزار شریف وقندهار ومرکز ومشرقی وهرات ترتیب وتشکیل تجربه گاهای زراعتی راتحت غور قرار داده از همه اولتر فارم قندوز راکه مدعا ازیك تجربه گاه مهم زراعتی است تحت نگرانی ع ، ص معاون ریاست مستقل زراعت تشکیل داده است که برای اصلاحات شعب مختلف زراعتی بوده برای هرشق زراعتی متخصص علیحده وآلات وادوات فنی لازمه رامتضمن است . چنانچه درصفحات آینده اجراآتیکه درفارم زراعتی قندوز درسنهٔ ۱۳۱۸ بعمل آمده است مفصلاً معلومات داده خواهد شد .

چون فارم قندوز اولین تجربه گاه مهم زراعتی است لهذا ریاست مستقل زراعت مراقب تمامی تجارب ونتائج آن بوده خواهان وساعی است که درفارم مذکور تمامی مراتب فنی عصری پیموده شود تادرآینده قریبی بتاسی فارم مذکور درقندهار وهرات ومرکز ومشرقی ومزارشریف نیزفارم زراعتی لازمه تشکیل شود . البته حصول همچه معلومات وتجربه های قناعت بخش مقتضی وقت وثبات وحوصله است . اگرمتوجه شویم که درخارج نسل حیوانی که اصلاح شده است ازمدت سه صدسال که دورهای تدریجی بهبودی واصلاح راپیموده است ویایك نباتی ازمدت صد سال است که تحت تجارب فنی قرارگرفته است معلوم میشود که دراصلاحات زراعتی اهمیت وقت چقدر زیاداست ترتیب کداستر زراعتی فرانسه (نقشهٔ احصائی اراضی) باوجود ترتیبات مهم و مصارف زیادومساعی خسته گی ناپذیر هیئت های فنی مدت ٤٧ سال را دربرگرفته است ، حال افغانستان نیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

بایدبرای اینکه کلید امور زراعتی رادردست داشته باشد به‌ترتیب همچه کداستر عمومی اراضی خود بطور فنی‌آغاز نماید . بدون اینکه درین مسائل داخل تفصیلات گردیم به تشریح اجرا آت زراعتی ۱۳۱۸ ریاست مستقل زراعت ذیلاً می پر دازیم :

مدیریت عمومی زراعت :

فارم زراعتی قندوز ، اصلاحات در زراعت پنبه وتشکیل تجربه گاهای زراعتی .

اصلاحاتی که در زراعت پنبهٔ قندوز در سنه ۱۳۱۸ بعمل آمده است قرار ذیل است :

۱ :ـ اهالی زراعت پنبه را پیش ازوقت مد نظر نداشته درماه حمل وثور که بهترین موسم تیاری زمین و بذر پنبه است غافل مانده اکثر در ماهای جوزا و سرطان به تخم پاشی پنبه پرداخته باین قسم وقت کافی نداشتند که زمین را باصول درست قلبه نمایند و یا جویه هابکشند و پنبه را در جویه ها زرع کنند ، در جریان سنه ۱۳۱۸ دراثر هدایات متواترفارم زراعتی قندوز زراعت کاران پنبه اکثراً در ماه ثور زراعت پنبهٔ خود ها را نموده اند و باین قسم قوه ونموی نباتات به نسبت سالهای گذشته زیاده تر بوده است .

۲ :ـ زراعت پنبه را بصورت جویه هدایات لازمه داده اداره فارم زراعتی قندوز که تحت اثر ع ، ص ، نور محمد خان معاون ریاست مستقل زراعت اداره میشود توسط اعلانات و تبلیغات لازمه برای اهالی فوائد زرع جویه ئی وفوائد خیشاوه نمودن پنبه را فهمانیده وعلاوتاً متخصص زراعت پنبه آقای محمد محمود احمد افندی که برای اصلاح و توسعهٔ اصولی زرع پنبه قطغن توسط ریاست مستقل زراعت استخدام شده است برای اهالی در خصوص زرع اصولی پنبه هدایات لازمه داده است .

۳ :ـ برای تجارب فنی پنبه در قندوز یك حصه زمین معین شده است که متخصص پنبه با اشخاصیکه ازجملهٔ طلبهٔ مکتب زراعت زیر دستی او داده شده اند در زمین مذکور تجارب زرع فنی پنبه را اجرانمایند ، یك مقدار پنبهٔ امریکائی ویك مقدار پنبهٔ مصری در زمین مذکور زرع شده وزراعت پنبه ازنقطهٔ نظر عرض جویه وفاصلهٔ تخم ها واوقات آب دادن هابصورت های مختلفی بعمل آمده است تا بهترین نتیجهٔ آن معلوم شده عمومی گردد .

٤ :ـ برای نگرانی اصولی زرع پنبه و انتشار اصول فنی زرع و ضبط و ربط آن قرار تصویب مجلس عالی وزراء به نقاطیکه دران زرع پنبه به پیمانهٔ بزرگی میشود یك یك نمایندگی زرع پنبه مقررشده است که مرکب از یکنفر فارغ التحصیل زراعت وسه‌نفر از اهالی ماهر فنی پنبه کاری و یك نفر کاتب است هیئت مذکور همیشه در حرکت بوده برای مردم هدایات لازمه داده زراعت پنبه وحاصلات آن را قرار هدایات مرکز زراعتی قندوز نگرانی نموده وقتاً فوقتاً راپورت های خود را بفارم زراعتی قندوز تقدیم میدارند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

منطقه های هشت گانه زرع پنبه که مران نمایندگی های زرع پنبه مقرر شده است قرار ذیل است.

۱ : ـ خان آباد ـ ۲ بغلان وغوری ـ ۳ حضرت امام صاحب ـ ٤ قندوز ـ مرتا لقلق ٦ ینگی قلعه ـ ۷ قلعهٔ زال ـ ۸ خواجه غار .

۵ : ـ چون بیشتر چیدن پنبه غیر اصولی وطور مخلوطی بوده اهالی بجدا کردن چین های مختلف پنبه عادی نبودند لهذا فارم زراعتی قندوز مراقبت وکوشش زیاد نموده است که اهالی چین اول ودوم وسوم پنبه را بصورت های علیحده تحویل شرکت پنبه نمایند وشرکت نیز هرچین را علیحده ذخیره نماید تادر سورت نمودن پنبه وخصوصاً انتخاب پنبه دانه که درآینده کاشته می شود مشکلاتی عاید نگردد . زیرا که ازروی تجربه ثابت گردیده است که بهترین تخم ها ازپنبه های چین اول ودوم حاصل میشود خصوصاً ترتیبات فوق درفروش بازار خارج بسیار مفید ثابت میشود چه قیمت پنبه درخارج نسبت به جنس ودرجهٔ آن تعین می شود .

٦ : ـ در خصوص توسعهٔ زرع پنبه وتشویق اهالی بزراعت اصولی آن بمجلس عالی وزراء تصویبی بتاریخ ۱۵ حوت سنه ۱۳۱۷ بعمل آمده وبصحهٔ منظوری حضور شاهانه رسیده است . درتصویب مذکور علاوه برتاسیس یك یك نمایندگی زراعتی درمحال زراعتی پنبه چنین پیشنهاد ومنظوری حاصل شده است که : همه ساله برای هریك ازهشت علاقه خان آباد ، قندوز ، حضرت امام صاحب ، تالقان ، ینگی قلعه ، قلعهٔ زال ، بغلان وخواجه غار ، جهت تشویق دهقین یك یك جائزه که دارای سه درجه است اعلان گردد وتقسیم انعامات دراخیرسال در وقت رفع حاصل عملی گردد . ونیز برای مامورین هیئت های هشت گانهٔ زراعتی مطابق به حسن خدمت شان انعامات داده شود .

بنابران به تقریب چین اول پنبه بحضور ع ، ج ، ا ، نشان محمدگل خان رئیس تنظیمیه قطغن وبدخشان وع ، ص ، معاون ریاست زراعت برای یکعده نفری که زراعت پنبه را با صول صحیح نموده ونتیجهٔ خوبتری حاصل کرده بودند یك مبلغ پول طور انعام تقسیم شده و بحضور ع ، ج ، عبدالمجید خان وزیر اقتصاد ملی که با یکعده ذوات محترم دیگر بمناطق زرع پنبه تشریف برده بودند نیز برای اهالی که درزرع پنبهٔ خود ها حائز یکی ازدرجات سه گانه شده بودند انعامات تقسیم شد وع ، ج ، وزیر اقتصاد برای مزید توجه ومراقبت شان دوآیندهٔ پنبه نصائح وتبلیغات مفید ومهمی ایراد نمودند وامید میرود که در اثر همچو تشویقات حکومت متبوعهٔ ما در زراعت پنبه ترقی وتوسعهٔ مطلوبه بعمل آید زیرا که پنبه یکی از پیداوار مهم مملکت ما است و هنوز دراولین مرحلهٔ تکامل وتوسعهٔ خود بوده بالتدریج در حاصلات آن ترقی ظاهر گردد .

۷ : ـ دراثر مساعی فارم قندوز وتبلیغات فنی متخصص پنبه وکوشش های نمایندگی های زرع

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنبه حاصل پنبهٔ امسال باوجودیکه شرایط هوا هم بمذاق مساعد نبوده نسبت به نسبت ۱۳۱۷ ترقی شایانی نموده تقریباً از اپیورته و اصلهٔ ۱۴۳ برج دلو حاصل فارم زراعتی قندوز (۳۳۶۸۴۱۹۰) سیر بوده است که تخمین تا اواخر ماه مذکور به (۴۷۰۰۰۰۰۰) سیر رسیده باشد. حال انکه در سنهٔ ۱۳۱۷ محصول مجموعی پنبه بالغ به (۲۳۲۰۵۴۳۶۳) سیر بوده است.

۸ : ـ اصلاحاتیکه درآینده در خصوص زرع پنبهٔ قطعن مدنظر بوده داخل پروگرام فارم زراعتی قندوز است ، اولاً اصلاح وتربیهٔ تخم پنبه است که بوسایط فنی انتخاب و اصلاح شود وبرای این امر یك حصه زمین از زمین های متعلقهٔ فارم تحت اثر متخصص مصری جهة تجارب فنی پنبه معین شده است که انواع تجارب آن بعمل آمده است .

مسئلهٔ مهم دیگر ترویج ماشین های زراعتی است درین زمینداران یعنی نظریه است که اولاً ماشین های ساده و کم وزن توزید ودرین اهالی تقسیم شود وبعد ازین بتدریج در توسعه و اهمیت آن کوشیده شود. چنانچه فارم قندوز درسنهٔ ۱۳۱۸ یکعده ماشین های زراعتی را از قبیل قلبه های ساده ماشین های درو وغیره از هند خریداری نموده است .

چون تقسیمات آب درین اهالی بطور صحیح بعمل نیامده دهانه های آب خام وجوی ها غیر منظم میباشند ریاست زراعت در استخدام یکنفر متخصص آب یاری داخل اجرا آت لازمه شده است وعلاوه بران جهة معاینهٔ انهار قطغن واراضی لامزروع آن ازقبیل دشت حسن تال ودشت ارچی ووسایط آب یاری و حفر انهار جدید و تقسیمات فنی آب یك هیئت مهندسی ازطرف وزارت فواید عامه بقطغن فرستاد شده است . تقسیمات آب بطور صحیح ازروی حوائج اراضی وپخته نمودن دهانه ها اهمیت زیادی را دارا است زیرا که علاوه براینکه ازمصرف بیهوده آب جلوگیری بعمل می آید توسط آب فاضله میتواند اراضی جدیدی را قابل الزرع ساخت و باهالی ذریعهٔ فارم تبلیغات شده که آب رایجا صرف ننمایند .

تجارب فنی فارم زراعتی قندوز درسنهٔ ۱۳۱۸ :

۱ : ـ مصرف سگرت درافغانستان مانند دیگر ممالك زیاد است ویك مقدار پول بمنکفتی جهة توزید آن بخارج میدهیم لهذا درصورتیکه تباکوی مخصوص سگرت درافغانستان زرع شده بتواند تاسیس یك فابریکهٔ سگرت سازی لازم است تا وسائل رفع حوائج ملی را ازاین جهة درخود وطن تهیه نمایند .

بناءً علیه اگرچه زراعت تباکو در اکثر مناطق افغانستان بعمل می آید ریاست زراعت آب وهوای قطغن را برای زراعت تباکوی سگرت مساعدتر دانسته درقندوز یك مقدار تخم تباکوی سگرتی تحت زراعت آمده است وتباکوی مذکور از نوع گولدن ورجنیا می باشد ونتیجهٔ آن مهم قرار یکه اطلاع رسیده ودر فوتوی منضمه مطوم می شود اطمینان بخش است ، لهذا البته بعد

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازینکه حوائج تباکوی مذکور بطور فنی معلوم شد ثابت گردید که تباکوی مذکور برای سگرت قابلیت‌دارد درتوسعهٔ زرع‌آن ودیگرمسایل سگرت‌سازی اجراآت لازمهٔ بعمل‌خواهدآمد.

۲ : ـ چون زرد چوبه در مملکت ما مصرف مهمی دارد وتورید آن‌ازهند میشود جهت تجربه یك‌مقدار تخم‌آن درفارم زراعتی قندوز زراعت شده ونتیجهٔ آن هم تاحال خوب است.

۳ : ـ همچنین زراعت زنجبیل که محصول خوب مما لك است نیز در فارم زراعتی قندوز بعمل آمده است .

٤ : ـ مار چوبه که اهمیت طبی وغذائی آن درخورا که های اروپائی مهم است درتجربه گاه زراعتی قندوز زرع شده است .

٥ : ـ بادنجان رومی وبادنجان کابلی بطور فنی زرع شده است ویك‌نوع بادنجان‌سفید که تخم آن ازامریکه واردشده نیززرع شده‌است. بادنجان‌سیاه امریکائی نیز کاشته‌شده است.

٦ : ـ کرم گلدار که پیشتر در قندوز زرع آن مروج نبوده است ویکی از سبز یجات مهم محسوب میشود زرع شده است .

۷ : ـ جواری هندی که‌سه‌نوع ازان‌زرع شده‌است ویك‌نوع‌ازده تادوازده خوشه میگیرد.

۸ : ـ جواری خصیلی برای علوفهٔ حیوانات که در هرسال الی سه درو میدهد کشت شده نتیجهٔ خوبی داده است.

۹ : ـ تخم توت خسك امسال زرع شده است ودر سنه ۱۳۱۹ نهال شانی خواهد شد .

۱۰ : ـ چند نوع اشجار زرع شده است که چوب آن برای تعمیر بکار میرود .

چون غرس نهال وترتیب قوریه های نهال چنانچه متذکر شدیم اهمیت زیاد دارد لهذا ریاست زراعت باین موضوع دلچسپی زیاد داشته مسائلی را که به‌توسعهٔ غرس اشجار وتکثیر نهال ها ربطی دارد زیاد تر طرف دقت وتوجه خویش قرار داده است ، چنانچه یك نفر متخصص زراعت هندی که بفارم قندوز درشعبهٔ نباتات کار میکند تجربتاً چنین‌اصولی‌رادریافت وعملی نمود که توسط آن میتوان علاوه برموعد شروع بهار که موعد طبعی نهال شانی است که درتمام جریان سال عملیات نهال شانی وغرس قلمه وغیره را اجرا نموده تجربهٔ مومی الیه که قرار اطلاع واصلهٔ قندوز صدفی صدبکامیابی رسیده است ذیلاً شرح داده میشود :

دریك چقوری حوض مانندی اولاً یك‌طبقه سنگ‌چل انداخته بالای‌آن پارو خوابانده می‌شود وبالای پاروی مذکور یك مقدار خاکستر وبالای خاکستر ریگ انداخته می‌شود . بودن سنگ چل ازسبب اینست‌که آب درین طبقهٔ ریگ بمقدارزیاد نمانده بزودی بحصهٔپایان نفوذ یابد پارو مولد حرارت بوده به قلمه درجهٔ گرمی لازمه را میرساند وخاکستر چون بکتر یا وغیره اجسام مولد مرض دران موجود نیست قلمه ها را ازامراض وپوسیده شدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

محفوظ نگاه میدارد در ریگ قلمه‌ها بطور طبیعی نشوونمو نموده خراب نمی‌شوند وهمان طور سبز وخرم می‌مانند . برای جریان هوا بدیوار های این تجربه گاه سوراخها گذاشته شده ودیوار های مذکور جهة روشن بودن سفید شده است وبرای معلوم نمودن سمت باد بالای بام تجربه گاه آلهٔ نشان دهندهٔ سمت‌باد وضع شده است تااز هرسمت که باد بوزد همان‌سمت بندکرده شود .

نباتاتیکه درین تجربه گاه درماه اسد (طور قلمه) غرس شده نتیجه داده اند انجیر وناك وانار وتوت ، وچنار وبید است .

۱۱ : ـ یك عده نهال های هندی که بصورت قلمه از هند توریدشده است غرس شده ونتیجهٔ محصولهٔ آن اطمینان بخش است .

۱۲ : ـ یك‌مقدارتخم سبزیجات هندی ووطنی هم بذرشده است که نتیجهٔ آن خوب‌است . در قطغن بعضی اقسام سبزیجات ازقبیل بامیه وفاسولیا ومار چوبه وکرم گلدار وغیره که خیلی لذیذ وبا قیمت اند پیدایش وزرع آن رواج ندارد ، بنابرین به نزدیك فارم زراعتی قندوز یك‌قطعه وسیع زمین مخصوص زرع سبزیجات گردیده است که‌بطور صحیح وفنی زرع میشود . نظریه است که‌تخم سبزیجات بمقدارمهم وفنی حاصل شده دربین اهالی بفروش برسد تازراعت سبزیجات درقطغن صورت وسیع تری را اختیار کنند .

۱۳ : ـ برنج‌باریك که‌تخم‌آن ازهند خواسته‌شده ونتیجهٔ که‌ازان حاصل‌شده‌است خوب‌است.

۱٤ : ـ یکمقدار بامیه و فاسولیا نیز بذر شده است که بخوبی نمو کرده اند .

۱۵ : ـ چون تنها اصلاح وتربیهٔ نباتات مد نظر نیست بلکه اصلاح حیوانات و تربیهٔ اصولی آنها نیزداخل‌پروگرام‌کارفارم زراعتی قندوز است لهذابرای سال آینده مدنظر است که حیوانات نیز تحت تربیه گرفته شوند .

۱٦ : ـ یکعده ماشین های زراعتی ازقبیل ماشین قلبه برای امتحان وارد شده تحت‌کار است درصورتیکه مفید ثابت شود تکثیر آن روی کار می شود .

۱۷ : ـ درباغ ذخیرهٔ چهار درهٔ قندوز یکعده نهال مثمر از تمام ولایات خواسته و تحت امتحان گرفته شده تااگر خدا بخواهد درصورت موافقت آب و هوا ونتیجهٔ خوب ، آن درخت های که میوهٔ آن اعلی باشد بدیگر منطقه ها پیوند و تکثیر شود .

برای‌اجرای تجارب زراعتی واصلاح نباتات یك‌نفر متخصص زراعت هندی غلام‌محمد ملك وجهة اصلاح سبزیجات وکارات فنی باغبانی یکنفر باغبان باشی‌هندی فتح‌الدین درفارم زراعتی‌قندوز مشغول تجارب بوده نتائیجیکه ازتجارب خود گرفته اند اطمینان بخش است .

چنانچه پیشتر متذکر شده‌ایم درپروگرام کارفارم زراعتی قندوز اصلاحات زراعتی بطور

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجموعی داخل بوده برای آینده فارم مذکور صورت تجربه‌گاه مهم زراعتی را اختیار نموده مؤسسهٔ مهمی قرار پلان فنی تحت تعمیر گرفته خواهدشد واطاقهای متعدد تجربه‌وی برای مطالعهٔ امراض نباتات وحیوانات ومدافعهٔ حشرات مضره واصلاح حیوانات ونباتات ومطالعهٔ ماشین‌های زراعتی ومسائل مهندسی زراعتی واصلاح اراضی معین وبرای هرشعبه کارات مذکور یک نفر متخصص ازخارج استخدام خواهدشد وهمچنین برطبق فارم ومؤسسهٔ زراعتی قندوز دردیگر نقاط افغانستان مثلاً قندهار ومشرقی وهرات ومزارشریف فارمهای زراعتی دیگری برای اصلاح امورزراعتی محال مذکور تاسیس وقائم خواهدشد فارم زراعتی قندوز که دربهترین حصص زراعتی مملکت ما برپاشده است آیندهٔ وسیع وبانتیجهٔ خواهد داشت وازان فوائد زیادی دراصلاح امور زراعتی حصهٔ شمال بعمل خواهد آمد .

حشرهٔ مضرهٔ ومدافعهٔ آن:

دراثر راپورهائیکه درسنهٔ ۱۳۱۷ بریاست مستقل زراعت واصل گردیده بود دربعضی نقاط ولایات مزارشریف ومیمنه ملخ بروز نموده ازطرف یک‌عده متخصصین مدافعهٔ ملخ که به نقاط فوق‌الذکر باهدایات لازمه تعین گردیده ودرانجا میباشند یکعده زیادملخ‌های مذکور پراگنده ومحوشده درخصوص مدافعه یکمقدار قلیلی دیگر آن که بصورت پراگنده میباشند نیز برای سال آینده احتیاطات لازمه گرفته شده‌است . درجریان سال ۱۳۱۷ و۱۳۱۸ مدافعهٔ ملخ بطوروطنی وشمیکی بعمل آمده وتعداد زیادآن محوگردیده علاوه برآن درنقاط التمور وبرکی‌راجان ودبر لوگر نیزیک تعداد ملخ بروز نموده بهمان صورت وطنی وشمیکی بمدافعهٔ آن پردا خته شده و نتیجهٔ خوبی حاصل شده است .

همچنین دربعضی حصص بتخاك وده سبز هم‌ملخ پیداشده درمدافعهٔ آن ازطرف اهالی تحت هدایات ریاست زراعت ونگرانی متخصصین دفع ملخ اجراآت لازمه شده از خسارات ممکنه جلوگیری شده است .

علاوه برملخ یک‌نوع حشره درباغات مقر وغزنی بنام‌مور پیدا شده که برگهای درخت تخم‌خودرا گذاشته برگها ومیوه‌را ازنومانع میشوداز تخم این‌حشره‌دروقت اوائل‌بهار کرمی‌پیدا میشودکه بنام موریاد شده بدور خودها تارهای سفیدی مانند عنکبوت تنیده درآنجا بالتدریج حالت پرواز را اختیار میکند از ریاست‌زراعت دو نفرمتخصصین باهدایات لازمه فرستاده شدند، لاکن پیشترازان ریاست زراعت توسط متخصصین هندی‌نوعیت واصول‌مدافعه حشرهٔ مذکور را بطور فنی ومفصل بخود معلوم نموده بود و دراثر آن بنائب‌الحکومه‌گی قندهار هدایات لازمه داده شده تابطور وطنی مثل مدافعهٔ‌ملخ اهالی بمدافعهٔ‌مور بپردازند وحکام محلی نیز درمدافعهٔ آن مشارکت ورزند چون دران‌وقت حشرهٔ مذکور صورت پروانه‌را اختیار کرده بود ومدافعهٔ آن

(c) ketabton.com: The Digital Library

ممکن نبود لهذا لازم دیده شد که مدافعهٔ آن درحینی پرداخته شود که کرم‌ها درین جالی های تاری موجود وقابل مدافعه باشند چون برای مدافعهٔ این حشره که مانند ملخ تعداد آن زیاداست بحال حاضر مفید ترین نوع مدافعهٔ آن مدافعهٔ وطنی است واین مسئله مربوط بجدیت ومساعی اهالی وتوجه حکام محلی است تاتحت هدایات فارغ التحصیلانی که ازریاست باهدایات لازمه فرستاده میشود بطور عمومی وجدیانه بمدافعهٔ این حشرهٔ مضره پیر دازند.

تربیهٔ کرم پیله :

یك مقدار تخم پیله بطورفنی ازپروانه های جنس ایطالوی که تخم آن بیشتر ازایطالیا خواسته شده بود به پیله خانهٔ خواجه ملا تحت نگرانی موسیو ریسانگتیس متخصص تربیهٔ پیله درسنهٔ ۱۳۱۷ گرفته شده بود ، چون قرار نظریهٔ متخصص پیله تربیهٔ کرم پیله درمناطق طبیعی آن مثلاً مشرقی وهرات ویاقطغن نتیجهٔ خوبتری میدهد لهذا مطابق به نظریهٔ متخصص موازی بیست وشش اونس تخم پیله ذریعهٔ ص ،عبدالخالق خان مامور پیله بهرات وموازی چهل اونس دیگر ذریعهٔ متخصص ایطالوی و ص ، محمد کریم خان متخصص زراعت ومحمد یعقو بخان مامور تربیهٔ پیله بمشرقی فرستا ده شد تابطریق فنی انکشاف تخم‌هایمذ کور بعمل آمده بعدازان باهالی تقسیم شود تاقرار هدایات متخصص ومامورین تربیهٔ پیله تحت تربیه بگیرند . اجراآت فنی که درین خصوص درهرات ومشرقی بعمل آمده است ذیلاً شرح داده میشود ،

۱ : ــ مشرقی :

نقائصیکه درتربیهٔ کرم پیله درعلاقه های مشرقی مثلاً خوگیانی و چپلیار وبهار و غیره موجود است همانا عدم رعایت قوانین فنی است اولاً انکشاف تخم‌ها خلاف اصول بوده ذریعهٔ حرارت بدن مثلاً گذاشتن زیربغل ویازیر بسترهٔ خواب بعمل می‌آید درین صورت بصحت کرم هائیکه تولیدشده نقص عاید گردیده بخوبی نمونمیکندوامراض مسری درین انها ازقبیل پیرین و فلاستری وغیره پیدا میشود . ثانیاً جای مناسبی که دران شرایط نظافت وحفظ الصحه مرعی باشد موجود نیست کثافت هوا وناپاکی جای منتج به تولید امراض وضعیفی کرم ها وقلت حاصل وخرابی ابریشم میگردد حال آنکه تهیه جای باصول صحی چندین مصارف ومشکلاتی هم دربر ندارد . ذریعهٔ نی‌ها وبوریا که دران محال زیاداست میتوان خانهٔ ترتیب دادکه پاك وصفا ودارای هوای صاف وروشنی کافی که برای نموی پیله خیلی‌ها ضروری است باشد .علاوه بران باوجود وفور برگ توت خوراکه کرم‌ها غیر اصولی بوده ازان کرم‌ها استفاده کلی کرده نمیتوانند . کرم هائیکه در جات نموی شان مختلف بوده وباید که یکی ازدیگر جدا شوند یکجا بوده کرم هائیکه بخواب اول میباشند باکرم هائیکه بخواب دوم ویاسوم میباشد یکجابوده یکسان خوراکه برایشان داده میشود و نیز از قلت جای وهوا وروشنی بصحت شان نقص میرسد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازهمین جهات متخصص‌پیله مقدار چهل انس‌تخم پیله‌را که‌باخود ازمرکز برده بود بطریق فنی تحت‌عمل انکشاف گرفته کرم‌های حاصل‌شده راباهالی تقسیم‌نموده ، بعدازان بمناطق مختلف گردش نموده هدایات لازمهٔ‌فنی داده است .درخصوص مساعدت آب‌وهوا ووفور برگ نظریهٔ متخصص پیله اینستکه خوگیانی وچپلیار بهترین مناطق پیله وری مشرقی بوده ازلحاظ زیادتی برگ تنها درحصهٔ خوگیانی میتوان‌گفت که‌برای تربیه (۲۰۰۰) اونس تخم‌پیله گنجایش دارد .

۲ هرات :- قرار معائنات وملا حظات ص ، عبدالخالق خان مامور تربیه کرم پیله که با بیست‌وشش اونس تخم‌پیله اصلاح‌شده بهرات فرستاده شده‌بود تربیهٔ کرم‌پیله درهرات دارای نقائص متعددی است که‌اصلاح آن ازلحاظ اینکه عایدات سالانه پیلهٔ هرات مهم است ازلوازم امور بحساب میرود اولاً انکشاف کرم پیله‌را بصورت درست نمینوانند . ثانیاً کرم های پنج وشش روزه را دریک جای گذاشته درخواب وسن پیله‌ها تفریقی نمیباشد وباین قسم طبعاً کرم روز اول که‌بخواب میرود بزیربرگ شده بالای‌آن کرم‌روز دوم وبالای کرم‌روز دوم کرم روز سوم انداخته شده ازلحاظ کمی‌هوا وخورا که وروشنی برای کرم های زیرین خسارات زیادی عاید میشود .

نقص دیگری که ذریعهٔ مامور پیله بملاحظه رسیده است اینستکه دورهٔ حیاتیهٔ پیله ازوقت انکشاف تابه‌غوزه تبدیل‌شدن تابه‌سه‌ماد وام می‌ورزد حال‌آنکه درتربیهٔ‌فنی ۳۵ روز کافی است . سبب‌آن اینستکه قرار اصول فنی باید بعداز هرسه ساعت برای کرم‌ها خوراکه داده شود یعنی دربیست وچهار ساعت هشت دفعه برای شان برگ انداخته شود تادر تغذیه شان تقویه پیداشده ازمدت نموی شان کاسته‌شود حال آنکه اهالی‌هرات‌فی‌روز دودفعه برای‌شان خوراکه میدهند وپس اهالی هرات چون به اصول صحیح تخم گرفته نمیتوانند تخم‌پیلهٔ ضروری خودرا ازممالك ایران وترکیه خریداری می‌کنند برای تلقین وتعلیم تخم‌گرفتن برای سال آینده وبرای انتشار هدایات فنی ریاست زراعت ترتیبات لازمه خواهد گرفت درسنه ۱۳۱۸ تایك‌حد درهرات هدایات لازمه ذریعهٔ مامور پیله داده شده‌است که‌در سنه ۱۳۱۹ باین ادامه داده خواهد شد

شعبه جنگلات :

غرس نهال وتکثیر اشجار مصارف روزافزون چوب درمرکز وخصوصاً مقادیر چوبیکه درموسم زمستان در دوایر حکومتی بصرف میرسد خیلی قابل توجه است . اگر کدام‌ماده اختراعیه دیگر مثلاً ذغال سنگ بعوض چوب‌پیدانشود البته گفته میتوانیم که‌درمدتی دراشجار مثمر خویش خصوصاً چوب توت‌قلت مدهشی را مشاهده‌خواهیم نمود . بنابرآن ریاست مستقل زراعت اطراف این مسلهٔ را سنجیده برای اصلاح این نواقص وجبران خساره قطع اشجار پروگرامی ترتیب داده‌وبمقامات عالی‌تقدیم داشته است وضمناً در سنه ۱۳۱۸ درتکثیر اشجار

(c) ketabton.com: The Digital Library

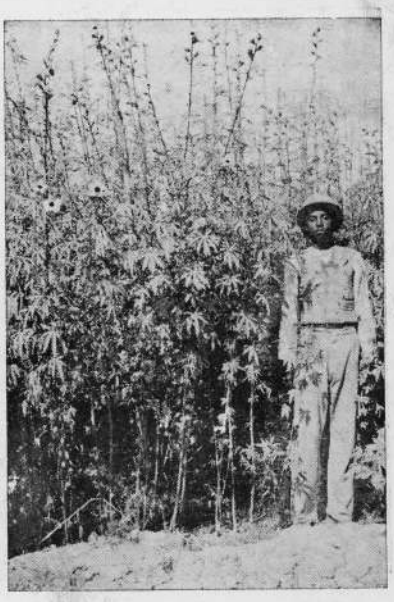

زراعت سند



لند ی بتهٔ تمباکو : (ورژینا) در قندوز



جواری خلیلی بعد ازدر واول



ادویه پاشی پنبه (ماشین دستی)

(c) ketabton.com: The Digital Library



زراعت باجره



زراعت کنجد



خیشاوه بنبه (ذریعه کتمن)

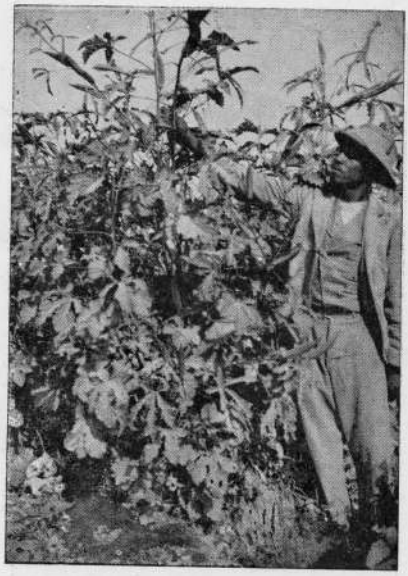

بامبه در (فارم قند و ز)

(c) ketabton.com: The Digital Library



بلندی بوته پنبه



خرمن پنبه



خیشاوه پنبه ذریعه کتمن



پنبه در وقت چین

(c) ketabton.com: The Digital Library

مساعی لازمه نموده برای اینکه ازموقع استفاده شود درنواحی کابل ومربوطات آن یکحصه اراضی رابصورت قوریه های اشجار میوه داروا شجار جنگلی ترتیب داده یك مقدار مهم حبوب وخسته اشجار مذکور بذر شده است که تفصیلات آن قرار ذیل است .

درحصهٔ گذر گاه یك مقدار تخم اشجار جنگلی ازقبیل ارچه ، بلوط ، عکاسی ، سرو شیشم ،ارغوان وغیره بایکمقدار خستهٔ زرد آلو ، بادام ، چار مغز و غیره کاشته شده وفعلاً یك تعداد مکفی نهال ها یمذکور باستفادهٔ عامه گذاشته شده است .

درباغ بینی حصار ، موسوم به باغ ولایتی نیز چند هزار نهال اشجار مثمرغرس گردیده است. درحصص شمالی برعلاوه قوریه جاتیکه توسط حکام وعلاقه داری ها ترتیب داده شده است دراستالف وسید آباد یك اندازه اراضی حکومتی بصورت قوریه ها تشکیل داده شده وآلان یکتعداد مکفی نهال های چارمغز، بادام ، سیب ، ناك ، زردالو ، عکاسی ، پنجه چنار وغیره موجود است . همچنین درحصه جات لهوگرد مثلاً شش قلعه ،چرخ لهو گرد بصورت قوریه ها ترتیب داده شده نهال مثمر به تنوع موجوداست. همچنین درباغات پغمان قوریه های جدید احداث شده است.

یك مقدار تخم اشجار جنگلی ازخارج خریداری شده وبمامورین قوریه پغمان وچاردهی وباغ بلند پغمان ویکمقدار آن بفارم زراعتی قندوز تقسیم شده درنظر است که نهال های حبوب مذکور بالتدریج بدیگر نقاط غرس وبه قوریه های نهال های خارجی وسعت مزیدی داده شود درهذا سنه تعداد نهال های جدیدیکه توسط ریاست زراعت درنواحی قریب کابل تهیه وترتیب شده است تخمیناً (۱۱۲۴۹۲) اصله وبمربوطات ولایت کابل ودیگر ولایات (۴۲۰۸۶۹) اصله نهال غرس گردیده است وبسال آینده قوریه های جدیدی احداث شده به تعداد نهال هاخیلی افزوده خواهد شد .

شعبه مامورین :

مقرر های جدید مرکزی ریاست زراعت درسنه ۱۳۱۸ :- س ، میرمحمد هاشم خان که سابقاً بحیث مامور دائرهٔ او راق ریاست بوده در اوایل هذا سنه ۱۳۱۸ ترفیعاً مدیر ابتدائی . ص ، میرزا عبد الروف خان مدیر کنترول بعوض ص میرزا محمد اسلم خان مرحوم . ص ، غلام صدیق خان سابق کفیل مدیریت مکتب زراعت مربوط وزارت معارف بحیث مدیر دفع افات بریاست مستقل زراعت .

امور زراعت و فلاحت :

ریاست مستقل زراعت درجریان سنه ۱۳۱۸ به عملی نمودن یك حصه پروگرام خویش مشغول ودرمرکز ومربوطات آن بغرس یکعدهٔ مهم نهالهای مثمر وتشکیل قوریه های نهال پرداخته ودر خصوص مدافعهٔ ملخ ده سبز وبتخاك داخل اجرا آت فنی لازمه گردیده دراصلاح واز دیاد محاصیل شیردائرهٔ نسلگیری علی آباد صرف مساعی لازمه داشته نتیجهٔ اطمینان بخشی حاصل

(c) ketabton.com: The Digital Library

نموده است . درولایات توجه ومساعی خود را از لحاظ مساعدت شرایط زرع وتوسعهٔ زراعت پنبه خصوصاً بقارم قندوز معطوف داشته ذریعه متخصصین خارجی تحت نگرانی ع ، ص نورمحمدخان معاون ریاست مستقل زراعت به توسعه واصلاح زرع پنبه اصلاح نباتات قطغن داخل اجراآت مهمی گردیده است که درصفحات فوق بطور مشرحی تحریر شد . در زراعت پنبهٔ قند هار ومشرقی نیز خصوصاً درجنبهٔ کنترول امراض پنبه دقت لازمه را مرعی داشته نگرانی ومعاینات امراض پنبه را ادامه داده است تادر حین بروز امراض مسری وحشرات مضره عند اللزوم جلوگیری از امراض بعمل آید .

درخصوص تربیهٔ کرم پیله درمشرقی وهرات نیز اجراآت لازمه بعمل آمده است که بطور مشروح ذکر شد .

ریاست مستقل زراعت پلان اصلاحات عمومی زراعت افغانستان را دربروگرام خویش شامل داشته برای اینکه شعب مختلف زراعتی توسعه واصلاح پذیرد وتشکیل یکعده فارم های زراعتی راکه به قسم موسسه ها وتجربه گاهای وسیع زراعتی است درنظر داشته اول ازهمه فارم زراعتی قندوز را تشکیل داده یکعده متخصصین خارجی را باسامان وآلات وادوات لازمهٔ تجارب زراعتی فرستاده است تا در زراعت پنبه اصلاحات لازمهٔ بعمل آمده دامنهٔ آن وسعت پذیرد ونیز در زراعت سبزیجات وغرس اشجار وامور باغبانی ومداوا فعه حشرات مضره وغیره اجراآت ابتدائی ولازمه بعل آمده است که درصفحات فوق بطور مشرح معلومات داده شد:

امور مطبوعات

در ربع اخیرهٔ سنه ۱۳۱۸ دراثر توجهات ذات مبارک شاهانه ومعارف خواهی والاحضرتین صدر اعظم صاحب ومعاون صاحب صدارت (وزیر معارف) ریاست مستقل مطبوعات تاسیس ودرتحت اثر جلالتماب صلاح الدین خان که از فضلای مملکت بوده در زمینهٔ مطبوعات تبحر ووزوثقی کاملی دارند شروع بکار کرد وانصافاً باید گفت که این ریاست در ظرف این مدت قلیل مصدر اجراآت وتاثیرات مهمی در عالم مطبوعات مملکت گردیده است .

اینک برای اینکه نمونهٔ ازان اجراآت را ارائه نموده باشیم سطور ذیل را از نظر مطالعین عزیز میگذرانیم :

مدیریت عمومی نشریات :

اجراآت مهمیکه ازبدو تأسیس ریاست مطبوعات(از ۱۵ جدی الی اخیرحوت ۱۳۱۸) به شعبهٔ اول مدیریت عمومی نشریات به عمل آمده قرار ذیل است:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱ ـ اقدامات جهته بهبود روز نامهٔ اصلاح .

۲ ـ اقدام جهته روز نامه ساختن جریدهٔ ملی انیس .

۳ ـ مراقبت جراید ومجلات مطابق لائحهٔ مخصوصه ودادن هدایات لازمه دائر به بهبود صوری ومعنوی آنها .

٤ ـ ترتیب لائحهٔ وظایف برای شعبات ریاست .

٥ ـ تهیهٔ (۷۰) سرمقاله وغیره درقید (٤۰۰) صفحه بطور معاونت برای نشر بروز نامهٔ اصلاح ،انیس، مجلهٔ کابل وجرائد ولایات .

٦ ـ اقدامات جهته تعدیل روش نثر ونظم ،

۷ ـ تهیه واصلاح داستان ها برای اشاعه درپاورقی روز نامهٔ اصلاح وانیس .

۸ ـ ترتیب لائحهٔ وظایف برای مدیریت شعبهٔ اول نشریات .

۹ ـ تهیهٔ دستورالعمل برای جرائد اطراف .

۱۰ ـ اقدام جهت ترتیب قانون مطبوعات .

۱۱ ـ تشویق نویسنده ها بذریعهٔ متحدالمال ها وغیره بهمکاری مطبوعات وگرفتن نتیجهٔ خوب از این اقدام .

۱۲ ـ وارسی به شکایات مطبوعات ولایات .

۱۳ ـ ترتیب لائحهٔ جوائز برای کسانیکه بمطبوعات خدمات فکری وقلمی مینمایند(جهت تشویق وبکار انداختن استعداد شعراء ونویسندگان) .

۱٤ ـ ترتیب لائحه جهت امور مطابع .

۱٥ ـ تحریر رسالهٔ اصول تنقیط .

۱٦ ـ همکاری بامدیریت عمومی مطابع دربارهٔ تهیهٔ سامان وبهبود شکل مطبوعات .

۱۷ ـ همکاری درتهیهٔ کنفرانسها باکلوب رادیو .

شعبه دوم :

۱: ـ اقدامات لازمه برای انسداد وجلوگیری بعضی شایعات بی اساس خارجی توسط نمایندگیهای افغانی درخارج .

۲: ـ امداد ومعاونت بجراید مرکزی ازقسم مقالات سیاسی معلومات عمومی وغیره که ترجمانهای شعبه از السنهٔ مختلفه ترجمه واقتباس کرده اند به تعداد (۱۱۲٤) ورق .

۳: ـ امداد ومعاونت اخلاقی بجراید ولایات ازقسم مقالات سیاسی معلومات عمومی وغیره که ترجمانهای شعبه از السنهٔ مختلفه ترجمه و اقتباس کرده اند به تعداد (٦۲) ورق .

٤: ـ اشتراک جراید ومجلات خارجی به تعداد زیاد برای معلومات شعبه وتراجم لازمه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵: ـ اشتراك بدوایر کتنگ فروشی خارجه برای جلب اطلاعات مربوط بافغانستان وغیره مطالب مفیده .

٦: ـ ارسال معلومات نشریات وفوتوهای مختلفه برای مؤسسات خارجی که طلب کرده‌اند (عند ا لموقع) .

۷: ـ ارسال یاد داشتهائی که ازجراید خارجه اقتباس شده به مقامات مربوط نظر بارتباط موضوع (۸٤) نومره .

۸: ـ ترتیب لایحهٔ وظایف برای مدیریت شعبهٔ ۲ .

مدیریت عمومی آژانس :

با تشکیل ریاست مستقل مطبوعات مدیریت عمومی آژانس هم بمیدان آمده است .

مدیریت عمومی آژانس بلافاصله پس ازتشکیل وانتخاب ومقرری قسمتی ازاعضای دفتری خویش پروژهٔ برای قائم ساختن سرویس اخباری مطابق بمنظور وپروژهٔ که قبلا تهیه شده بود وضع نموده وبدواً ذریعهٔ انتخاب وبکار انداختن مامورین اطلاعات مرکزی خویش یك سرویس منظم اخباری درمرکز کابل قائم نموده وموفق شده توانست که اخبار واقعهٔ روز را خواه رسمی ویاغیر رسمی باشد بلا فاصله پس ازوقوع آن حاصل وپس ازملاحظه وتدقیق برای درج بمراجع لازمه وجراید مرکزی ارسال نماید، قدم دوم آن که خالی از اشکال نبوده وبتوجه اولیای امور حکومت بهسهولت برداشته شد قائم نمودن نماینده گی‌های آژانس در ولایات یعنی تمام نائب الحکومه گی ها وحکومت های اعلی وکلان بوده است با تاسیس نماینده گی های آژانس که بنام ماموریت های اطلاعات آژانس باختردرولایات یاد میشوند مرکز باکلیه ایالات خوردوکلان مملکت تیلفوناً مربوط شده ودرماه اول تاسیس آژانس توانستند که یومیه خبرهای مرکزرا بولایات مخابره وازتمام ولایات را ذریعهٔ نمایند های خویش تیلفوناً حاصل ودر جرائد مرکز نشردهند وفعلاً باکمال انتظام این سلسله جریان دارد .

برعلاوه وقایع داخلی وظیفهٔ دیگری را که آژانس بدوش خویش گرفت اخذ خبر های یومیه اژانس های خارجه ازقبیل ریوتر انگلیسی وترانس اوشن المانی وها واس فرانسوی وتاس روسی است که‌روزی یکمرتبه ازتلگراف خانه بی‌سیم بمدیریت عمومی اژانس واصل وذریعهٔ ترجمان‌ها ترجمه ودرجرائد مرکز نشروخلاصهٔ آن بضمیمهٔ خبرهای داخلی هفته یك تادومراتبه برای جرائد ولایات تیلفوناً وتیلگرافاً فرستاده میشود .

قدم های دیگریکه مدیریت عمومی اژانس باختر درسال جاری در نظر دارد که بردارد یکی قائم نمودن روابط باشرکت‌های خبررسانی خارجه واخذ واعطای خبرهااست که خبرهای

(c) ketabton.com: The Digital Library

داخله افغانستان زیرعنوان خبرهای اژانس‌باختر بدنیا ارسال واز دنیا مستقیماً بنام خبرهای اژانس باختر حاصل وبهمان نام درجرائد نشرداده شود مقدمات این امرذریعهٔ وزارت خارجه تاجائی‌فراهم شده وتا کنون مذاکرات به نتیجه قطعی‌واصل نشده است، دیگرتاسیس‌نمایندگی های مستقل‌اژانس دربعضی‌ممالك خارجه است که برای این‌مقصود هم اقدامات جاری میباشد.

مدیریت عمومی اژانس تا کنون درسایهٔ توجه حکومت موفقیات شایانی درحوضهٔ وظائف خویش حاصل‌داشته وامید میرود که سائر نقشه ها ونواقص آن هم بنوبهٔ شان آهسته آهسته عملی ورفع شده واژانس‌باختر بمفهوم صحیح آن ابرومنداند خدمات خویش را انجام داده بتواند.

مدیریت عمومی پښتو ټولنه

مدیریت زبان :

(۱) کتاب دوم‌پشتوکلی‌دردوجزو (۲۰۳) صفحه تالیف امین‌الله خان‌زمریالی مدیر زبان پشتو و قیام‌الدین خان «خادم» عضو اول شعبه تالیف وترجمه :

(۲) تالیف‌وتدوین‌یك‌کتاب‌ادبی‌باسم «مرغلری» درحدود ۳۵۰ صفحه، تالیف‌امین‌الله‌خان‌زمریالی

(۳) کتاب دوم ضرب‌المثل ها یکصد صفحه تا تمام تالیف محمد قدیرخان مدیر صحافت وامین‌الله خان‌زمریالی

(٤) ترجمهٔ منول‌آف پشتو (روس‌کپیل) ۱۰٦ صفحه مترجم ارجنداس «کپور»

شعبهٔ تالیف و ترجمه :

(۱) ترجمه یك درام بنام (یومسلمان او ټول یورپ) در حدود ۳۰ صفحه از قیام الدینخان «خادم».

(۲) نوشتن اخبار تعلیمی هفته وار (زیری) گل پاچا خان الفت.

(۳) ترجمهٔ کتاب (اسرار موفقیت) بزبان پښتو گل پاچا خان الفت.

(٤) ترجمهٔ کتاب (علم‌الاجتماع) از عربی بزبان پښتو گل پاچا خان الفت.

(٥) تحریر فولکلور علاقهٔ شنوار، تیرا و مهمند که بمواد ذیل منقسم میگردد (الف) حدود طبیعی (ب) رسوم و رواج (ج) امراض و معالجهٔ آن (د) اقسام نباتات و فوائد آن (ه) حیوانات و اقسام آن ۴۰۰ صفحه‌تدوین اورا دالدین خان عضو.

(٦) ترجمهٔ کتاب (قومی ژوندون) از عربی ۸۰ صفحه اورا دالدین خان عضو.

(۷) تالیف و ترتیب حکایات ولطائف ۱٤۰ صفحه صدیق‌الله خان (رشتین)

(۸) فولکلورا (انواع شکار) — ۵۰ — صفحه صدیق‌الله خان (رشتین)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شعبهٔ لغات وقواعد :

(۱) لغات برای قاموس علاوه بسال گذشته روی کارت ها (۷۰۰۰) هفت‌هزار جمله (۱۲۰۰۰) دوازده هزار

(۲) ترتیب لغات برای کتاب لغت حبیبی که ازماه حوت۱۳۱۸ شروع شده(۲۰۰۰) دوهزار .

(۳) ترجمه لغت‌حبیبی انگریزی که درسال گذشته شروع ونا تمام بود درین سال با تمام رسید ۲۳۳ صفحه میرزامحمد اعظم‌خان‌عضو اول .

(٤) تدوین گرامر کلا سیکی ابتدائیه باتمرینات لازمه ۱۳۰ صفحه محمد اعظم خان عضواول

(٥) گرامر کلا سیکی برای رشدیه - ٥٠ - صفحه « « «

(٦) اصول مضمون نویسی در پښتو ٦٠ صفحه - ناتمام « « «

(۷) انشاء پښتو . . . - ۱٦٠ صفحه « « « « «

شعبه تفتیش :

(۱) تفتیش وبازدید وامتحان کورس های مامورین مرکز .

(۲) کتاب (ادبی ورانگه) درخصوص حقیقت ومجاز وتشبیهات پښتو تالیف عبد الروف خان بینوا علاوه به تالیف وتراجم فوق تخمین سه صد صفحه اوراق وجداول ولوایح وزارت خانه‌هاوشورای ملی‌نیز بصورت عمومی ترجمه ومقالات واشعار وارده تصحیح واصلاح وبرای مجلات وسالنامه وسائر اخبار های وطن مقالات داده شده واز مقام مدیریت ترتیب لوایح واقدامات لازمه برای پیشبرد زبان پښتو و امورات اداری اجرا گردیده است ونیز از مدیرالی اعضا اکثر اوقات خود را به تدریس کورس ها صرف نموده اند .

مدیریت تاریخ :

درطی‌سال ۱۳۱٦ و ۱۳۱۷دراثر هدایاتی که بشعبه تاریخ داده شده بود جدیت‌شعبه سراسر منحصر به‌این بود که حتی المقدور تاجائیکه ماخذ خارجی درانجمن ادبی باشد ترجمه شود چنانچه درین راه منسوبین شعبه‌فعالیت زیاد به‌خرج داده آنچه ماخذ قابل ترجمه درزبان فرانسه، انگلیسی - جرمنی در انجمن بود حصص مربوط افغانستان آن راترجمه نموده وبه دو سیه ها مرتب قید کرده است چنانچه درسالنامه های سال مذکور کار های هرساله قیداست .

درطی سال ۱۳۱۷ ضمناً یک نظریه دیگری هم‌پیدا شد که قرارامر حضور والاحضرت ع ، ج وزیرصاحب معارف ومعاون صدارت‌عظما مفردات تاریخ دوره های اسلامی افغانستان بین یک عده نویسندگان وطن تقسیم شود چنانچه مکاتیب متحد المال به اسم یکعده ذوات

(c) ketabton.com: The Digital Library

محترم فرستاده شده است .

راجع به دورهٔ پیش از اسلام در ۱۳۱۷ چنین فکر بود که کتاب « اریانا افغانستان قبل الاسلام » تالیف آقای احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تاریخ طبع ونشر شود ولی مجلس باید آن را قبل از طبع به بیند چون از یکطرف قرار مطلوب عکس‌های لازمه آن بدست نیامده واز جانب دیگر مجالس برای ملاحظهٔ کتاب مذکور تشکیل نشد طبع کتاب مذکور تا اوائل ۱۳۱۸ به تعویق افتاد .

چون درین دوسه‌سال مواد تازه ونواز ماخذ خارجی بدست امده ودرشعبه تاریخ متراکم شد در ۱۳۱۸ شعبه تاریخ از نشر کتاب مذکور بکلی صرف نظر نموده درمرامنامهٔ سرسال ۱۳۱۸ چنین تجویز وپیشنهاد نمود که مانند مفردات عصر اسلامی دوره پیش از اسلام هم به مفردات وفصل‌ها تقسیم شود وراجع به هر فصل یك رسالهٔ مستقل ترتیب وطبع گردد . این ترتیب چندین فایده دارد (۱) هر کس در تحریر یك قسمت سهم گرفته میتواند (۲) هر فصل بصورت رساله علیحده طبع میشود وپیش از طبع عمومی اگر نواقصات داشته باشد تصحیح وتکمیل میشود .

(۳) حاجت به انتظار نمیماند ووقت بوقت به تدریج قسمت‌های تاریخ پیش از اسلام برامده میرود.

(٤) برای هر رساله به تدریج عکس‌های لازمه هم جمع آوری میشود (٥) مطبعه دچار مشکلات نمیشود و کم کم فصل به فصل این اثر را طبع میکند . به این ترتیب در پروگرام ۱۳۱۸ چنین پیشنهاد شد که (٥) فصل یك جلد تاریخی که برای دوره‌های پیش از اسلام در نظر است ترتیب وتدوین شود این پنج فصل یا رساله قرار ذیل است .

(۱) رساله افغانستان قبل التاریخ

(۲) « مدنیت ویدی

(۳) « « اوستائی

(٤) « نژاد افغانیان

(٥) « زبان‌ها در افغانستان

❀ ❀ ❀ ❀

برای اینکه دو همین زبان به سلسله سالهای گذشته ترجمه ماخذ خارجی هم معطل نماند درین قسمت ترجمهٔ ماخذ ذیل در نظر گرفته شده بود :

(۱) ترجمه عروج بارك زائی‌ها

(۲) « نگاهی به تاریخ آریانای قدیم (حصه از آریانا ائتی کوا)

(۳) « رساله ال میکال

این بود صورت پروگرام کارهای که برای سال ۱۳۱۸ درنظر گرفته شده بود اینك دراخیر سال اجرا تیکه شده ذیلاً شرح میدهیم :

(c) ketabton.com: The Digital Library

تالیفات :

رسائل مربوط فصول کتاب آریانا یاافغانستان قبل الاسلام :

(۱) افغانستان قبل التاریخ : اگرچه درخاك خود افغانستان امروزی به استثنای حفریات مقدماتی فرانسوی ها در تپه های (سرخ داغ) و (سفید داغ) نادعلی یعنی زرنج پایتخت باشکوه سیستان قدیم حفریات نشده وچیز نگاشتن درین موضوع کار آسان نیست معذالك تحقیقات سیستان وحوضه اندوس (موهنجو ویتروهرپا .) . وتدقیقاتی که درین زمینه به چهار طرف افغانستان دربلوچستان وایران وسغدیان وغیره شده زمینه را تااندازهٔ مساعد ساخت . مدیر شعبه تاریخ نگارش این رساله را بعهده گرفته ودر ۱۰۹ صفحه متن و۱۲ صفحه مقدمه وتوضیحات آن را حاضر نمود ولی قرار مجلس اخیری که شد چنین فیصله گردید که خلاصهٔ آن طبع گردد (۲) مدنیت ویدی : مدنیت ویدی رسالهٔ دومی است که فصل دوم تاریخ افغانستان پیش از اسلام را تشکیل میدهد . این رساله از نقطهٔ نظر زبان - عرق - نژاد - ادبیات تشکیلات اجتماعی - تذکر اسمای قبایل افغانستان وبسیار چیز های دیگر خیلی مهم است واولین فصل درخشان دوره تاریخی افغانستان را تشکیل میدهد . دوره مدنیت ویدی اگرچنانچه حق آن است نوشته میشود ثابت میگردد که اصل کانون این مدنیت افغانستان بوده ومبادی مذهب ،ادبیات - موزیك - تشکیلات اجتماعی ودیگر چیزهائی که اساس ثقافت ویدی را تشکیل میدهد از (افغانستان) شرقی به هند انتشار یافته است . این رساله را آقای کهزاد درحدود ۱۵۰ صفحه نوشته وحاضر کرده است .

(۳) رساله مدنیت اوستائی : اهمیت مدنیت اوستائی درتاریخ پیش ازاسلام افغانستان کم ازمدنیت ویدی نیست . همان طورکه مدنیت ویدی افغانستان جنوبی وشرقی را منور ساخت مثل مدنیت اوستائی قسمت های شمال را روشن کرد . همان طور که شعاع ثقافت ویدی به ما ورای اندوس تابیداشعه مدنیت اوستائی به خارج سرحدات غربی افغانستان روشنی افگند کانون مدنیت اوستائی قرار متن جغرافیئی خود اوستا سرزمین افغانستان کنونی است . این رساله که درتاریخ پیش ازاسلام افغانستان فصل سوم را تشکیل میدهد در (۱۱٤) صفحه بقلم جناب احمدعلیخان کهزاد مدیرشعبه تاریخ نوشته شده است چنانچه عین آن را درهمین سالنامه مطالعه میفرمائید .

(٤) نژاد افغانان : چون مغرضین ومورخین خارجی بواسطه عدم اطلاعات صحیح راجع به نژاد افغان دچارخطاهای مدحش شده اند شعبه تاریخ اهمیت موضوع را دیده چنین تجویز نمود که رسالهٔ مخصوص درین موضوع وضع کند تاازیکطرف مورخین خارجی به اشتباه وغلطی خود بفهمند وازجانب دیگر به اصل حقایق روشنی افگنده شود. تالیف این اثرمهم را جناب یعقوب حسن خان معاون

(c) ketabton.com: The Digital Library

شعبه تاریخ بعهده گرفته ودرحدود (۱۲۸) صفحه رسالهٔ خوبی حاضر کرده اند . رساله مذکور درماشین « گستدنر » تحت طبع است راجع به طبع عمومی آن بعدازمجالس آینده اقدامات خواهدشد .

(۵) زبان ها درافغانستان : چون جناب یعقوب حسن خان چندی قبل درسالنامهٔ کابل تحت عنوان فوق مقاله نوشته بود نگارش رسالهٔ مخصوصی را درین زمینه پیشنهاد کرد قرارمعلوم تا اندازه ئی موادفراهم کرده ومتن آن را نیز نوشته ولی هنوز تکمیل نشده است .

پس قرار شرح فوق به استثنای یك رساله زبانها که بعهدهٔ جناب یعقوب حسن خان است باقی رسائل همه تحریر شده است .

تراجم:

(۱) عروج بار کزائیها : تالیف (ای - ای پاریس) ترجمه آقای عبدالرحمن خان پژواك آقای عثمانخان صدقی در (۴۳۵) صفحه

(۲) نگاهی به آریانای قدیم : قسمتی از کتاب « آریاناانتی کوا » تالیف « اچ ،اچ ،ولسن » ترجمه آقای عبدالرحمن خان پژواك مدیرروز نامه اصلاح (۱۶۹) صفحه

(۳) رساله الیکان : ترجمه آقای عدالباقی خان لطیفی سابق عضو شعبهٔ تاریخ معاون مدیریت عمومی اژانس .

قرارشرح فوق آثاریکه که ترجمه آن برای سال ۱۳۱۸ درنظر گرفته شده بود بکلی تمام شده است.

کارهای فوق العاده که خارج پروگرام موضوعه اجرا گردیده است :

(۱) کتاب کافرستان تالیف « مارتین فویك » آلمانی : ترجمه آقای غلام جیلانیخان مترجم آلمانی که ازابتدای ماه اسد به این مدیریت داخل همکاری شده اند ، در (۲۱۰) صفحه .

(۲) قسمتی از تاریخچه زبان سانسکریت تالیف ، ژوزف ، مانشیون فرانسوی ترجمه آقای علی احمد خان نعیمی در حدود (۷۰) صفحه .

مدیریت صحافت :

این مدیریت توام باتشکیل جدید ریاست مطبوعات و پښتو تولنه به میدان برآمده طوریکه موظف بود در اصلاح و بهبود مجلهٔ کابل از هرحیث پرداخته شماره های مجله را پوره در روز های اول هرماه مملو از مقالات سود مند اجتماعی ، ادبی ، تاریخی ، زبانی وبالآخره فلسفی بدست مشترکین محترم تقدیم کرده است .

این مدیریت بر علاوهٔ مجله درظرف سه ماه توانست این سالنامه را باهمین ماهیتی که دارد تقدیم مطالعین عزیز نماید پس بادرنظر گرفتن اینکه تا کنون اعضای این مدیریت استخدام نشده میتوان گفت که خدمت خود را انجام داده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

چون این شعبه متعلق به خود ما است شاید شمردن زحمات خود ستائی تلقی شود پس به همین قدر مکتفی می شویم .

ادارهٔ رادیو :

۱ :ـ ترتیب یك پروژه برای جمع آوری کسب واطلاع ازاسمای مطربها ومغنی‌های کسبی وخواننده گان شوقی وني نوازها وکسانیکه آلات باستانی موزیك را می‌نوازند وهمچنین کسب اطلاع ازاشخاص اهل ذوق وآرتست‌های مملکت شعراوادبا، موزیك نوازان شوقی واشخا صیکه استعداد اکت وتقلید درآنها موجود باشد وهکذا سرایندگان نشیده ها وترانه های ملی ووطنی وارسال یك هدایت وتعلیمات مفصل بطور متحد المال عاید باین موضوع بعنوان نائب الحکومه ها وحکام اعلی.

۲ :ـ ترتیب پروژه برای مفاهمه ومذاکره با کمپنی های ریکارد گیری هند، ایران، مصر تورك وحاضر کردن آنها برای اینکه کلکسیون های ریکاردها ومخصوصاً ریکارد های (لیت موزیك) وسایر موزیك‌های مودرن وعصری شانرا جهة ریکلام به بروکاست مارواته دارند وبرای عملی شدن این پروژه ارسال مکاتیب مفصل ودارای توضیحات کامله به نمایند گان افغانی مقیمین ممالك مذکوره چه درین صورت اگر خدا بخواهد وکمپنی های مذکور بموافقه نمودن درین موضوع بامامجاضر شوند هرآئینه بدون اینکه متحمل مصارف زیاد جهة خریداری ریکاردهای تازه وجدید بشویم وهمچه ریکاردهای را که در ساحهٔ موزیك یك مملکت جدیدا وارد میشوند هرآن دردسترس خود داشته خواهیم بود.

۳ :ـ ارسال مکاتیب متحد المال به عنوان جنرال قونسل‌های افغانی مقیمین هندراجع به ارسال نمودن کاتالوك های آلات موزیك های مختلفهٔ هندی و اروپائی واعطای معلو مات نسبت به قیمت سازهای مذکور .

٤ :ـ اقدامات برای اشتراك بعضی مجلات رادیو که باحث ازپروگرام های رادیو وموضوعات ومقالات راجع باین موضوع باشد .

٥ :ـ داخل مفاهمه شدن بااشخاص خارجی که درقسمت‌ها وموضو عات پروگرام وغیره خصوصیات رادیو دلچسپی ومعلو مات دارند باالوسیلهٔ مکتوب ومراسله واینکه اگر موافقه ودلچسپی خود هارا ارائه نمایند آنهارا دعوت خواهیم نمود .

٦ :ـ ترتیب وتدوین مفردات پروگرام کلوپ رادیو وطبع و تصحیح آن بصورت موزون وزیبا

۷ :ـ اجرای ترمیمات ورنگمالی های بعض قسمت‌های ضروری کلوپ وتهیه وتکمیل بعض نواقص آن تااندازهٔ که تکمیل آن درین موسم زمستان ممکن شده می‌توانست .



ع ، عبدالغفورخان « برشنا » مدیر
عمومی مطابع

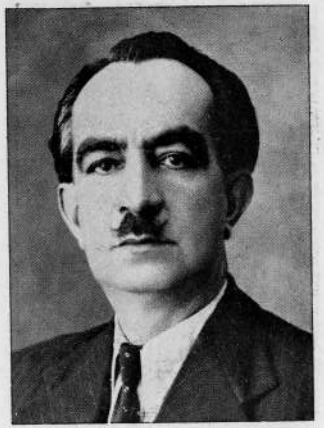

ص، بای محمدنوری مدیرزینگوگرافی
ومشاورفنی مدیریت عمومی مطابع



ص، احمدالله خان « کریمی » مدیر
شبعهٔ اول نشریات

(c) ketabton.com: The Digital Library



ص ، عبدالباقی‌خان « لطیفی » معاون
مدیریت عمومی آژانس



ص ، عبدالنبی‌خان متخصص ومدیر
طباعتی مطبعهٔ عمومی



ص ، عبدالودود خان مدیر
تخنیکی مطبعهٔ عمومی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

۸:- تهیه وخریداری یك اندازه فرش وغیره لوازمات وادوات ضروری مثل بخاری وچوب وظروف وسامان چای ومیز پوش وازین قبیل سامان که معجلاً ضرورت دیده شده برای عمارت کلوپ وهمچنین خریداری یکپایه رادیو برای کلوپ.

۹:- فرمایش تهیه وساختن یك تعداد چوکی وبعض لوازم دیگر بمکتب صنایع نفیسه جهته عمارت کلوپ.

۱۰:- ترتیب وانعقاد مجالس جهة شور ومذاکره درمسایل پروگرام وغیره موضوعات رادیو ودر نتیجه تعین وتخصیص سکسیون های ده گانه برای تهیه مواد جهة موضوعات علمی واجتماعی، ادبی، تاریخی، فوکلور، دهاتی، اقتصادی، اطفال، جهان زنان، تعلیم وتربیه، پیس ها، درامه ها، موزیك، کومیدین ها، وغیره امثال این موضوعات.

۱۱:- مکاتبه وجستجو برای اینکه تقلید اصوات رعد وآبشار وطیاره وامثال آن چطور بدست می‌آید وهم بکدام وسیله میتوانیم مساعتی را که یزد مقناطیس بوده وصحت خودرا همیشه حفظ کرده بتواند باآلاتیکه نصف‌النهار راتشخیص بدهد بانقشه های دقیق مطابق ساعت های تمام دنیا وباقی لوازم آن بدست بیاوریم.

مقوری ها:

رئیس مطبوعات	:	ج، صلاح الدین خان
معاون ریاست مطبوعات	:	ع، عبدالحی خان حبیبی
مشاور شرعی	:	ع، قاری عبدالله خان
مدیر عمومی نشریات	:	«، سید قاسم خان رشتیا
مدیر عمومی آژانس	:	«، عبدالرشید خان لطیفی
مدیر عمومی مطبعه	:	«، عبدالغفور خان برشنا
مدیر رادیو	:	«، سرورخان گویا
معاون مدیریت عمومی آژانس	:	«، عبدالباقی خان لطیفی
مدیر شعبهٔ تاریخ	:	«، احدعلیخان کهزاد
مدیر شعبهٔ زبان.	:	«، امین الله خان زمریالی
مدیر صحافت	:	«، محمد قدیر خان ترکی
مدیر زینکوگرافی ومشاور فنی در مطبعه	:	«، محمدنوری افندی
مدیر فنی	:	عبد الودود خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر طبا عتی : ص، محمد نبی خان
مدیر شعبه‌دوم نشر یات : « ، احمد الله خان کریمی
مدیر اجرا ئیهٔ مطبعه عمو می : « ، عبد المجید خان
مد یر اجرائیه ریاست : « ، میر محمد خان
مدیر کنترول ریا ست : « ، میر حسا م الد ین خان

اعطای نشا ن

نشانهای که درسال ۱۳۱۸ از حضور مبارك شاهانه برای اشخاص خارجی اعطا گردیده:

۱ : ـ به‌موجب اعتماد نامه ۱۵۱ بر ۹۷٤ مورخه ۲۰ حمل برای والا حضرت شاد پور محمد رضا ولی عهد دولت شاهنشاهی ایران نشان المراعلی.

۲ : ـ به موجب اعتماد نامه ۱۵۲ بر ۹۷۵ مورخه ۲۰ عمل بـرا ی جنـا ب محمودجم رئیس الوز رای دولت شاهنشا هی ایران نشان سردار اعلی .

۳ : ـ بموجب اعتماد نامه ۱۵۳ بر ۹۷٦ مور خه ۲۰ عمل برا ی جناب مظفر اعلم وز یـر امور خارجیه دولت شاهنشاهی ایران نشان سردار اعلی.

٤ : ـ بمو جب اعتمادنامه ۱۵٤ بر ۹۷۷ مورخه ۲۰ عمل برای جناب حسن اسفند یاری رئیس مجلس شورای ملی دولت شاهنشاهی ایران نشان سردار اعلی .

❀ ❀ ❀

نشانهای کهازابتدای حمل سنه ۱۳۱۸ الی اخیر سنهٔ مذکور برای اشخاص اعطا شده

۱ : ـ به موجب اعتبار نامه نمبر۳ نشان استوردرجهٔ دوم معارف برای مولوی جمال الدین احمد

۲ : ـ « « « « ۱۰۱/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد آ صف خان تولیمشر یاورقوماندان فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حر یه

۳ : ـ به موجب اعتبارنامه نمبر۱۰۲/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای سلطان محمود خان ضابط تعلیم وتربیهٔ ریاست ارکان حر یه فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حر یه

٤ : ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۰۳/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد هاشمخان تو لیمشر ضابط شعبهٔ اداری ریاست ارکان حربیهٔ فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵ : ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۰٤/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد حسین خان تو لیمشر تولی تانك فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حر یه

٦ : ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر۱۰۵/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای عبدالکریم خان تولیمشر تولی تانك فرقه شاهی در اثرتفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حر یه

(c) ketabton.com: The Digital Library

۷:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۰۶/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد ظریف خان تولیمشر تولی ۲ کندك اول غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۰۷/ ۲٤ ثو ر نشان تحسین برای سید قدیم شاه خان تولیمشر تولی ۳ کندك اول غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۰۸/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای احمد شاه خان تولیمشر تولی ٤ کندك اول غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۰۹/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای خوشدل خان تو لیمشر تولی اول کندك ۲ غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۰/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد علم خان تولیمشر تولی ٤ کندك ۲ غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۱/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای عبدالمومن خان تولیمشر تولی اول کندك ۳ غند اول پیادهٔ فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۳:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر۱۱۲/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد سرورخان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند اول پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱٤:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۱۳/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای جانباز خان تولیمشر تولی ۳ کندك ۳ غند اول پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۵:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱٤/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای عبدالله خان تولیمشر تولی ۳ کندك ۲ غند دوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱٦:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۵/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد حسین خان تولیمشر تولی اول کندك ۳ غند دوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۷:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱٦/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای دوست محمد خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند دوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۸:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۷/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای عبدالاحد خان تولیمشر تولی ۳ کندك ۳ غند دوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۹:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۸/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد لقمان خان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند سوم پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۰:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۱۹/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای عبدالرزاق خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند سوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۱:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲۰/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای سعد ملوك خان تولیمشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

تولی ۳ کندک ۲ غند سوم پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۲:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲۱/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد سعید خان تولیمشر تولی اول کندک ۳ غند سوم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۳:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲۲/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد تراب خان تولیمشر تولی ۲ کندک ۳ غند سوم پیاده فرقه شاهی در اثرتفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲٤:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۲۳/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای عزیز الله خان تولیمشر تولی اول کندک اول غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثرتفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۵:- بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲٤/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای ظوظی شاه خان تولیمشر تولی ۲ کندک اول غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲٦:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲۵/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای امین‌الله خان تولیمشر تولی ۳ کندک اول غند چهارم پیاده فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۷:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۲٦/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد قاسمخان تولیمشر تولی ٤ کندک اول غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۸:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۲۷/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای غوث الدین‌خان تولیمشر تولی ۲ کندک ۲ غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۲۹:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۲۸/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای نورمحمد خان تولیمشر تولی ۳ کندک ۲ غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۰:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۲۹/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد انور خان تولیمشر تولی ٤ کندک ۳ غند چهارم پیاده فرقه شاهی دراثرتفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۱:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۰/ ۲٤ ثور نشان تحسین برای حفیظ الله خان تولیمشر تولی ۳ کندک ۳ غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۲:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۱/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای میرحکیم شاه خان تولیمشر تولی بم انداز ... غند چهارم پیاده فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۳:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۳۲/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای قدرت‌الله خان تولیمشر تولی اول غند اول سوار فرقه شاهی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳٤:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۳/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای سید احمد خان تولیمشر تولی ۲ غند اول سوار فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۵:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳٤/ ۲٤ ثورنشان تحسین برای عبد العزیز خان تولیمشر تولی ۳ کندک مخابرهٔ فرقه شاهی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳۶:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۵/ ۲۴ ثورنشان تحسین برای محمد یعقوب خان تولیمشر تولی اول کندك مجاربهٔ فرقه شاهي در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۷:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۳۶/ ۲۴ ثور نشان تحسین برای غلام محمدخان تولیمشر یاور قوماندان قول اردوی مرکزی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۳۸:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۷/ ۲۴ ثورنشان تحسین برای عبدالعزیز خان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند دوم فرقه اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش وزارت حربیه

۳۹:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۳۸/ ۲۴ ثور نشان تفتیش برای محمد هاشمخان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند اول فرقه اول پیاده قول اردوی مرکزی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه .

۴۰:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۹/ ۲۴ ثورنشان تحسین برای شهاب الدین خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند اول پیاده فرقه اول پیاده قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش وزارت حربیه

۴۱:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۴۰/ ۲۴ ثورنشان تحسین برای میر حیدر خان تولیمشر تولی ۳ کندك اول غند ۲ فرقه اول پیاده قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۲:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۴۱/ ۲۴ ثور نشان تحسین برای امیر جانخان تولیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۲ فرقه اول پیاده قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۳:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۴۲/ ۲۴ ثور نشان تحسین برای فخرالدین خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۲ فرقه اول پیاده قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۴:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۴/۱۴۳ ثور نشان تحسین برای محمد اسلم خان تولیمشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۲ فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۵:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۴/۱۴۴ ثور نشان تحسین برای عبدالمجیدخان تولیمشر تولی ۴ کندك ۲ غند ۳ فرقه اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۶:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۴/۱۴۵ ثور نشان تحسین برای جمعه دارخان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۳ فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۷:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۴/۱۴۶ ثور نشان تحسین برای عبدالرحمن خان تولیمشر تولی استحکام . . . فرقه اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۸:- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۴۷ ثور نشان تحسین برای سید انور شاه خان تولیمشر تولی ۳ کندك اول غند اول فرقه اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۴۹:- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۴۸ ثور نشان تحسین برای رمضان علیخان تولیمشر تولی ۲ کندك اول غند اول فرقه اول قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۴۹ ثور نشان تحسین برای محمدرسول‌خان تولیمشر تولی۲ کندك۲ غند۳ فرقه دوم قول اردوی مرکزی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۰ثور نشان تحسین برای محمدسلیم‌خان تولیمشر تولی۱ کندك‌اول غند۲ فرقه سوم قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۱ثور نشان‌تحسین برای عبدالعزیزخان تولیمشرتولی۳ کندك۲ غند۲ فرقه سوم قول اردوی مرکزی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۲ثور نشان تحسین برای محمدعظیم‌خان تولیمشرتو لی‌اول کندك۳ غند۲ فرقه سوم قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۳ثور نشان‌تحسین برای محمدسرورخان تولیمشر تولی۲ کندك۳ غند۲ فرقه سوم قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۴ثور نشان تحسین برای نجم‌الدینخان تولیمشر تولی۲ کندك۲ غند۳ فرقه سوم قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۵ثور نشان تحسین برای ضیاءالدینخان تولیمشر تولی استحکام . . . فرقه سوم قول اردوی مرکزی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۶ ثور نشان تحسین برای معراج‌الدین خان تو لیمشر ضابط شعبهٔ اول ریاست ارکان حربیه فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۷ ثور نشان تحسین برای نیاز محمد خان تولمشر معلم مخابره . . . فرقه توپ چی دراثر تفتیش‌سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۵۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۸ ثور نشان تحسین برای عبدالرحیم خان تو لیمشر تولی اول کندك اول غنداول فرقه توب چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۶۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۵۹ ثور نشان تحسین برای محمداسماعیل خان تولیمشر تولی اول کندك۲ غند اول فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۶۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۶۰ثور نشان تحسین‌برای خواجه محمدصدیق‌خان تولیمشر تولی۲ کندك۲ غند اول فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۶۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۶۱ثور نشان تحسین برای میرغوث‌الدینخان تولیمشر تولی۲ کندك اول غند۲ فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۶۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۶۲ ثور نشان تحسین برای غلام فاروق خان تولیمشر تولی اول کندك اول غند۲ فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۶۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲۴/۱۶۳ ثور نشان تحسین برای عبدالاحمد خان تو لیمشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

تولی اول کندك ۲ غند۲ فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

٦٥ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲٤/١٦٤ ثور نشان تحسین برای محمد یاسین خان تو لیمشر تولی اول کندك اول غند۳ فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

٦٦ :- بموجب اعتبار نامهٔ ۲٤/١٦٥ ثور نشان تحسین برای محمد یعقوب خان تو لیمشر تولی۲ کندك۲ غند۳ فرقه توپ چی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

٦٧ :- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ١٦٦ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمداسحق خان تولیمشر یاور فرقه مشر توپ چی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

٦٨ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/١٦٧ ثور نشان تحسین برای محمدعمرخان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

٦٩ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۲٤/١٦٨ ثور نشان تحسین برای عبدالله خان تو لیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/١٦٩ ثور نشان تحسین برای جلال الدینخان تو لیمشر تولی۳ کندك ۲غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۱ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷۰ ثور نشان تحسین برای محمد یعقوب خان تولیمشر تولی اول کندك ۳ غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷۱ ثور نشان تحسین برای اقا محمد خان تو لیمشر تو لی ۳ کندك ۳ غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۳ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷۲ ثور نشان تحسین برای سید محمد خان تو لیمشر تولی ماشیندار غند ۳۲ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷٤ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷۳ ثور نشان تحسین برای سید ذکریاخان تو لیمشر تولی اول کندك اول غند ۳۳ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷٥ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷٤ ثور نشان تحسین برای سید محمدعثمانخان تولیمشر تولی اول کندك۲ غند ۳۳ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷٦ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷٥ ثور نشان تحسین برای آقا محمدخان تو لیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۳۳ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۷ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷٦ ثور نشان تحسین برای عبدالاحمدخان تولیمشر تولی۳ کندك۲ غند ۳۳ فرقه مشرقی دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۷۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲٤/۱۷۷ ثور نشان تحسین برای عبدالظاهرخان تولیمشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۳٥ فرقه مشرقی در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

۷۹:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۷۸/۲۴ ثور نشان تحسین برای عبدالله خان تولیشر وکیل کندك ۲ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۰:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۷۹/۲۴ ثور نشان تحسین برای غلام علیخان تولیشر وکیل کندك ۳ غند طوپچی فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۱:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۰/۲۴ ثور نشان تحسین برای محمد علم خان تولیشر وکیل کندك ۳ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۲:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۱/۲۴ ثور نشان تحسین برای محمد نعیم خان تولیشر وکیل کندك ۳ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۳:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۲/۲۴ ثور نشان تحسین برای علی محمد خان تولیشر ضابط استخبارات: ... فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۴:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۳/۲۴ ثور نشان تحسین برای خواجه محمد اصغر خان تولیشر تولی سریع آتش غند توپ چی فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۵:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۴/۲۴ ثور نشان تحسین برای محمد کاظم خان تولیشر ضابط شعبه اول ریاست ارکان حربیه فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۶:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۵/۲۴ نشان تحسین برای عبدالمحمد خان تولیشر تولی اول کندك ۲ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۷:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۶/۲۴ ثور نشان تحسین برای حاجی عبدالقادر خان تولیشر تولی اول کندك ۳ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۸:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۷/۲۴ ثور نشان تحسین برای الله رسول خان تولیشر تولی اول کندك ۲ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۸۹:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۸/۲۴ ثور نشان تحسین برای محمد رحیم خان تولیشر تولی ماشیندار کندك ۲ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۰:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۸۹/۲۴ ثور نشان تحسین برای عبدالعلی خان تولیشر تولی ۲ کندك اول غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۱:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۹۰/۲۴ ثور نشان تحسین برای میراقاخان تولیشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۲ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۱/۲۴ ثور نشان تحسین برای خیر محمد خان تولیشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۳ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۲/۲۴ ثور نشان تحسین برای دین محمد خان تولیشر تولی ۳

(c) ketabton.com: The Digital Library

کندك اول غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۴ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۳ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای علم‌شاه‌خان تولیشر تولی اول کندك ۳ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۵ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۴ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای عبدالودودخان تولیشر تولی ۳ کندك ۲ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۶ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۵ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای شیرزمان‌خان تولیشر تولی اول کندك اول غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۷ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۶ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای احمدشاه‌خان تولیشر تولی اول کندك ۳ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۸ بموجب اعتبارنامهٔ ۱۹۷ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای شیرمحمدخان تولیشر تولی ۳ کندك ۲ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۹۹ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۸ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای غلام‌علی‌خان تولیشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۰ بموجب اعتبار نامهٔ ۱۹۹ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای غلام‌حسین‌خان تولیشر تولی ۳ کندك ۲ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۱ بموجب اعتبار نامهٔ ۲۰۰ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای صاحبخان تولیشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۲ بموجب اعتبار نامهٔ ۲۰۱ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای دادمحمدخان تولیشر تولی ماشین‌دار ۰۰ غند ۲۰ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۳ بموجب اعتبار نامهٔ ۲۰۲ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای سیداحمدخان تولیشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۴ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۳ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای کاکوخان تولیشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۵ـ بموجب اعتبار نامهٔ ۲۰۴ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای عبدالمجیدخان تولیشر تولی ماشین دار ۰۰۰ غند ۱۹ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۶ ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۵ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای سیدنورخان تولیشر تولی اول کندك ۳ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۷ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۶ / ۲۴ ثور نشان تحسین برای امیرگل‌خان تولیشر تولی ۳ کندك اول غند توپچی فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰۸ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۷ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد عمر خان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند توپچی فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۰۹ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۰۸ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای امیر جانخان تولیمشر تولی ۳ کندك اول غند توپچی فرقه قندهار در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزرات حربیه

۱۱۰ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۰۹ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای نورالدین خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۱ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۰ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای فیض محمد خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند توپچی فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۲ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۱ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای مدد علی خان تولیمشر تولی ۳ کندك اول غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۳ بموجب اعتبارنامه نمبر۲۱۲ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای آقا گل خان تولیمشر تولی اول کندك ۳ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱٤ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۳ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای عبدالاحمد خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۵ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱٤ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد عالم خان تولیمشر تولی ماشیندارکندك ... غند۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱٦ بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۲۱۵ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمد رستم خان تولیمشر تولی ۲ کندك ۲ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۷ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱٦ / ۲٤ ثورنشان تحسین برای دین محمد خان تولیمشر تولی ۲ کندك اول غند ۱۸ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۸ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۷ / ۲٤ ثورنشان تحسین برای محمد رسول خان تولیمشر تولی۳ کندك ۲ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۱۹ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۸ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای محمدعزیز خان تولیمشر تولی اول کندك ۲ غند ۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۰ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۱۹ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای داد محمد خان تولیمشر تولی اول کندك اولغند۱۷ فرقه قندهار دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۱ بموجب اعتبار نامه نمبر ۲۲۰ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای اقا محمد خان تولیمشر تولی استحکام . . . . . فرقه قندهار در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۲ :- بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۲٤/۲۲۱ ثورنشان تحسین برای محمد نعیم خان تولیمشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

تولی ضابط شعبه اول ریاست ارکان حربیه فرقه‌فراه دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۳ :- بموجب اعتبارنامه نمبر۲۲۲ / ۲٤ ثور نشان تحسین برای سراج الدینخان تولیمشر ضابط شعبه دوم ریاست ارکان حربیه‌فرقه فراه دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲٤ :- بموجب اعتبارنامه نمبر ۲٤/۲۲۳ ثور نشان تحسین برای بها درخان تو لیمشر تولی اول کندك اول غند ۲۱ فرقه فراه در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربه

۱۲۵ :- بموجب اعتبارنامه نمبر۲٤/۲۲٤ ثورنشان تحسین برای غلام حیدر خان تو لیمشر تولی ۲ کندك دوم غند ۲۱ فرقه فراه در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲٦:- بموجب‌اعتبار نامه نمبر ۲۲۵ /۲٤ثورنشان تحسین‌برای شرف الدین‌خان تولیمشر تولی‌اول‌کندك ۲ غند ۲۱ فرقه فراه دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۷ بموجب اعتبارنامهٔ نمبر۲٤/۲۲٦ ثور نشان‌تحسین‌برای‌امیرجنخان تولیمشرتولی اول کندك ۳ غند ۲۱ فرقهٔ فراه در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۸ بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۲٤/۲۲۷ ثور نشان تحسین برای محمد اکرم خان تو لیمشر تولی ۲ کندك ۳ غند ۲۱ فرقهٔ فراه در اثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۲۹ :- بموجب اعتبار نامه نمبر۲٤/۲۲۸ ثور نشان تحسین برای عبد المجید خان‌تولیمشر تولی ۳ کندك ۳ غند ۲۱ فرقه‌فراه دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۳۰ :- بموجب‌اعتبار نامه‌نمبر۲٤/۲۲۹ ثورنشان تحسین برای‌عبد الکریم خان تو لیمشر تولی‌اول کندك توپچی فرقه فراه در اثر تفتیش سال۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۳۱ :- بموجب اعتبار نامه‌نمبر۲٤/۲۳۰ ثور نشان تحسین برای محمدعمر خان تو لیمشر تولی ۲ کندك توپچی فرقه فراه‌دراثر تفتیش سال ۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۳۲ :- بموجب اعتبار نامه‌نمبر۲٤/۲۳۱ ثور نشان تحسین برای رحمد لخان تولیمشر تولی اول کندك ٤ سوار فرقه فراه در اثر تفتیش‌سال۱۳۱۷ وزارت حربیه

۱۳۳ :-بموجب‌اعتبارنامه‌نمبر۳/۲۵۷ جوزا نشان استوردرجه سوم‌برای‌عزتمندعبدالرزاق‌خان البر بوتی مفتش بطری دولت دوست ما عراق

۱۳٤ :- بموجب‌اعتبار نامه‌نمبر۱٦/۲٦۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه محمد اکبرخان‌فرقه مشر ملکی

۱۳۵ :-بموجب اعتبارنامه‌نمبر ۱٦/۲٦۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه فضل حق خان جرنیل ملکی

۱۳٦ :- بموجب اعتبارنامه نمبر ۱٦/۲٦۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد علم خان برگد ملکی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۳۷ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه نظر محمد خان کرنیل ملکی

۱۳۸ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۵ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد افضل خان برگد ملکی

۱۳۹ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزیز الله خان کرنیل ملکی

۱۴۰ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۷ جوزا نشان خدمت برای عالیجا ولی محمد خان برگد ملکی

۱۴۱ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۸ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه نظر علی خان کرنیل ملکی

۱۴۲ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۶۹ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی محمد رفیق خان برگد ملکی

۱۴۳ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۰ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه عزیز الله خان فرقه مشر ملکی

۱۴۴ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه خوشدل فرقه مشر ملکی

۱۴۵ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه شیر احمد خان برگد ملکی

۱۴۶ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه معصوم خان فرقه مشر ملکی

۱۴۷ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد جمه خان برگد ملکی

۱۴۸ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۵ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه قلندر خان کرنیل ملکی

۱۴۹ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه نور محمد خان کرنیل ملکی

۱۵۰ :- بموجب اعتبار نامه ۱۶/۲۷۷ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالحمید خان کرنیل ملکی

۱۵۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۷۸ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه محمد انور خان لوامشر ملکی

۱۵۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۷۹ جوزا نشان خدمت برای عبدالقادر خان برگد ملکی

۱۵۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۰ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه امیر محمد خان کرنیل ملکی

۱۵۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد صدیق خان برگد ملکی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۵۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمدامین خان .
۱۵۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمدایوبخان .
۱۵۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه دوست محمدخان.
۱۵۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۸۵ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام علی خان
۱۵۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالله خان
۱۶۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۷ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمدعمر خان .
۱۶۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۸ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه خان محمدخان .
۱۶۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۸۹ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه میر اکبر خان کرنیل ملکی

۱۶۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۰ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد سلیم خان .
۱۶۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالاحد خان .
۱۶۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام احمد خان .
۱۶۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام احمدخان .
۱۶۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام خان .
۱۶۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۵ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه دادمحمدخان .
۱۶۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمداعظم خان .
۱۷۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۲۹۷ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمدکریم خان .
۱۷۱ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۲۹۸ جوزا نشان خدمت برای عالیجاعبدالحق خان
۱۷۲ :- بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۲۹۹ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد عثمانخان
۱۷۳ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۰۰ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه سید محمد خان

۱۷۴ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۰۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد انور خان

۱۷۵ :- بموجب اعتبار نامه نمبر ۳۰۲ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه جبار خان

۱۷۶ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۳۰۳ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی محمد هاشخان

۱۷۷ :- به موجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۰۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد سرور خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۷۸:- به موجب اعتبار نامه نمبر۱۶/۳۰۵ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی نصرالله خان

۱۷۹:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر۱۶/۳۰۶ جوزانشان خدمت برای عالیجاه نظر محمد خان

۱۸۰:- « « « /۳۰۷ « « « « « « نیك محمد خان

۱۸۱:- « « « /۳۰۸ « « « « « « دارو خان

۱۸۲:- « « « /۳۰۹ « « « « « « محمد شاه خان

۱۸۳:- « « « /۳۱۰ « « « « « « حاجی حیدر خان

۱۸۴:- « « « /۳۱۱ « « « « « « حاجی تور خان

۱۸۵:- « « « /۳۱۲ « « « « « « محمد صدیق خان

۱۸۶:- « « « /۳۱۳ « « « « « « محمد رحیم خان

۱۸۷:- « « « /۳۱۴ « « « « « « غلام حیدر خان

۱۸۸:- « « « /۳۱۵ « « « « « « حبیب الله خان

۱۸۹:- « « « /۳۱۶ « « « « « « محمد جمعه خان

۱۹۰:- « « « /۳۱۷ « « « « « « دین محمد خان

۱۹۱:- « « « /۳۱۸ « « « « « « آدم خان

۱۹۲:- « « « /۳۱۹ « « « « « « گلمیر خان

۱۹۳:- « « « /۳۲۰ « « « « « « حاجی جمعه خان

۱۹۴:- « « « /۳۲۱ « « « « « « ملاعبدالرزاق خان

آخند زادهٔ متولی خرقه مبارکه .

۱۹۵:- به موجب اعتبار نامه نمبر ۳۲۲ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه سیدعبدالقیوم خان متولی موی مبارك

۱۹۶:- به موجب اعتبارنامه نمبر۳۲۳ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجا ملا اختر محمد خان قاضی مرافعه

۱۹۷:- به موجب اعتبارنامه نمبر۳۲۴ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالعلیخان

۱۹۸:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۲۵ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالباقی خان .

۱۹۹:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر۱۶/۳۲۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالغفار خان .

۲۰۰:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۲۷ جوزا نشا خدمت برای عالیجاه سردار خان اچکزائی

۲۰۱:- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۲۸ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محبوب خان .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۰۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۲۹ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه سید علی اکبر خان . کرنیل ملکی

۲۰۳ :- بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۳۰ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالحسین خان . غند مشر ملکی

۲۰۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۳۱ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام دستگیر خان توخی

۲۰۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۳۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه حاجی امیر محمد خان جرنیل ملکی

۲۰۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۳۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه گلبدین خان الکوزائی

۲۰۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۳۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه داودشاخان .

۲۰۸ :- بموجب اعتباد نامه نمبر ۳۳۵/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه آدم خان .

۲۰۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۳۶/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه غلام قادر خان مهمند

۲۱۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۳۷/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه باز محمد خان .

۲۱۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۳۸/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی محمد رسول خان باپری

۲۱۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۳۹/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالرحمن خان

۲۱۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۰/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالرحمن خان

۲۱۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۱ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای دارو خان فوفلزائی

۲۱۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۲/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عبد الشکور خان

۲۱۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۳/۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه جلاد خان

۲۱۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۴/۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد ایوبخان

۲۱۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۵/۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه ملک موسی خان

۲۱۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۶/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد رسول خان

۲۲۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۴۷ /۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عبدالله خان

۲۲۱ :- « « « « ۳۴۸ / « « « « « « پایوخان وزیری کرنیل ملکی

۲۲۲ :- « « « « ۳۴۹ / « « « « « « سید محمد خان

۲۲۳ :- « « « « ۳۵۰ / « « « « « « عبدالسلام خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۲۴:ـ بموجب اعتبار نامه ۳۵۱ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه اختر محمد خان

۲۲۵:ـ « « « « ۳۵۲ / « « « « « « « جمیل خان وزیری

۲۲۶:ـ « « « « ۳۵۳ / « « « « « « « صحبت خان

۲۲۷:ـ « « « « ۳۵۴ / « « « « « « « سلیمان خان وزیری

۲۲۸:ـ « « « « ۳۵۵ / « « « « « « « عبدالمجید خان

۲۲۹:ـ « « « « ۳۵۶ / « « « « « « « عبدالحق خان

۲۳۰:ـ « « « « ۳۵۷ / « « « « « « « حاجی محمد حسن خان

۲۳۱:ـ « « « « ۳۵۸ / « « « « « « « حاجی محمد رسول خان

۲۳۲:ـ « « « « ۳۵۹ / « « « « « « « حاجی عبدالرحمن خان نورزائی

۲۳۳:ـ « « « « ۳۶۰ / « « « « « « « عبدالحبیب خان

۲۳۴:ـ « « « « ۳۶۱ / « « « « « « « حاجی نظر محمد خان بارکزائی

۲۳۵:ـ « « « « ۳۶۲ / « « « « « « « محمد شاه خان

۲۳۶:ـ « « « « ۳۶۳ / « « « « « « « حاجی نظر محمد خان توخی

۲۳۷:ـ « « « « ۳۶۴ / « « « « « « « عزیز الله خان

۲۳۸:ـ « « « « ۳۶۵ / « « « « « « « بلوچ خان

۲۳۹:ـ « « « « ۳۶۶ / « « « « « « « حاجی رحمد ل خان

۲۴۰:ـ « « « « ۳۶۷ / « « « « « « « وزیر خان الکوزائی

۲۴۱:ـ « « « « ۳۶۸ / « « « « « « « منگل خان خوازك

۲۴۲:ـ « « « « ۳۶۹ / « « « « « « « محمد رحیم خان

۲۴۳:ـ « « « « ۳۷۰ / « « « « « « « نور محمد خان اطوال

۲۴۴:ـ « « « « ۳۷۱ / « « « « « « « مراد خان خروتی

۲۴۵:ـ بموجب اعتبار نامه ۱۶/۳۷۲ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همراه خیرگل خان جرنیل ملکی

۲۴۶:ـ بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۷۳ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محی الدین خان نورزائی

۲۴۷:ـ بموجب اعتبار نامه نمبر ۱۶/۳۷۴ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی سلطان محمد خان

۲۴۸:ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۷۵ / ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمد حسین خان

۲۴۹:ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۶/۳۷۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه مدد خان کرنیل ملکی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۵۰ :- بموجب اعتمادنامهٔ نمبر ۳۷۷/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه محمدامین خان

۲۵۱ :- بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۳۷۸/ ۱۶ جوزانشان خدمت برای عالیجاه نور احمدخان

۲۵۲ :- بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۳۷۹/ ۱۶ جوزانشان خدمت برای عالیجاه حاجی خدای رحم خان

۲۵۳ :- بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۳۸۰/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه حاجی رستم خان

۲۵۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۸۱/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاعبدالستارخان

۲۵۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۳۸۲/ ۱۶ جوزا نشان خدمت برای عالیجاه عزت همره عبدالله خان جرنیل ملکی

۲۵۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۴۷۸/ مورخه ۲۴ اسد نشان استور در جه سوم برای عرتمند (هرمورلك) نمایندهٔ راین متال

۲۵۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۰۹/ نشان صداقت برای ع ، ج ، عبدالاحد خان وکیل مرکزرئیس شورای ملی دراثر خدمات اودردورهٔ سوم شورا

۲۵۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۰/ نشان صداقت برای ع ، ص ،سید محمدیونس خان وکیل شهر مزار شریف معین اول شورای ملی دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۵۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۱/ نشان صداقت برای ع ، ص ، سید محمدخان وکیل کنر خاص وکوز کنر معین دوم شورای ملی دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۲/ نشان صداقت برای ص ، سید جلال الدین خان وکیل شهر کابل دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۳ نشان صداقت برای ص ، عبدالصمد خان وکیل شش کروهی دراثر خدمات اودردورهٔ سوم شورا

۲۶۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۴/ نشان صداقت برای ص ، محمدعلی خان وکیل پغمان دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورا

۲۶۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۵/ نشان صداقت برای ص ، حاجی محمد ابراهیم خان وکیل لوگرد دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۴ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۶ / نشان صداقت برای ص ، مولوی عبد القدوس خان وکیل میدان دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۷/ نشان صداقت برای ص ، عبدالقیوم خان وکیل وردك دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۸/ نشان صداقت برای ص ، عبدالمومن خان وکیل سروبی دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۶۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۱۹/ نشان صداقت برای ص ، میرزا محمد جانخان وکیل چهاریکار در اثر خدمات او در دورهٔ سوم شورا

۲۶۸ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۰ نشان صداقت برای ص ، حاجی امیر محمد خان وکیل جبل السراج در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۶۹ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۱ نشان صداقت برای ص ، سید احمد خان وکیل کوهدامن در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۰ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۲ نشان صداقت برای ص ، عبدالحبیب خان وکیل ریزه کوهستان در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۱ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۳ نشان صداقت برای ص ، محمد یعقوب خان وکیل تگاب در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۲ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۴ نشان صداقت برای ص ، غلام نبی خان وکیل نجراب در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۳ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۵ نشان صداقت برای ص ، احمد جان خان وکیل سیغان و کهمرد در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۴ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۶ نشان صداقت برای ص ، عبدالروف خان وکیل پنجشیر در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۵ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۷ نشان صداقت برای ص ، سید ظاهر شاه خان وکیل بامیان در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۶ :- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷۲۸ نشان صداقت برای ص ، سید اسماعیل شاه خان وکیل غرخ و پارسا در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۷ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۲۹ نشان صداقت برای ص ، محمد قاسم خان وکیل غور بند در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۸ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۰ نشان صداقت برای ص ، حکیم خان وکیل غزنی در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۷۹ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۱ نشان صداقت برای ص ، حاجی عبدالقیوم خان وکیل مقر در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۰ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۲ نشان صداقت برای ص ، آزاد خان وکیل دره شین کنواز در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۱ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۳ نشان صداقت برای ص ، علی گل خان وکیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوچی دامانی کتواز در اثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۲۸۲:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۴ نشان صداقت برای ص ، محمد نعیم خان وکیل دایزنگی و دای کندی در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۳:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷۳۵ نشان صداقت برای ص ، میرمحمد علی خان وکیل بهسود در اثر خدماتش دردوره سوم شورای ملی

۲۸۴:- به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷۳۶ نشان صداقت برای ص ، میرحبیب الله خان وکیل یکاو لنگ در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۵:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۷ نشان صداقت برای ص ، محب علیخان وکیل جاغوری در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۶:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۸ نشان صداقت برای ص ، عبدالقیوم خان وکیل شهر قندهار در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۷:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۳۹ نشان صداقت برای ص ، غلام دستگیرخان وکیل اهالی دند در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۸:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۰ نشان صداقت برای ص ، محمد شاه خان وکیل اهالی کدنی در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۸۹:- به موجب اعتبار نامه نمبر ۷۴۱ نشان صداقت برای ص ، فیض الله خان وکیل اهالی تیرین در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۹۰:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۲ نشان صداقت برای ص ، محمد اقبال خان وکیل اهالی کشك نخود در اثر خدماتش در دوره سوم شورای ملی

۲۹۱:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۳ نشان صداقت برای ص ، احمد شاه خان وکیل اهالی ارغستان در اثر خدماتش دردوره سوم شورای ملی

۲۹۲:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۴ نشان صداقت برای ص ، محمد سعید خان وکیل اهالی ذاهله دراثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۲۹۳:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۵ نشان صداقت برای ص ، محمد موسی خان وکیل اهالی گرشك پشت رود در اثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۲۹۴:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۶ نشان صداقت برای ص ، عبدالحمید خان وکیل اهالی موسی قلعه دراثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۲۹۵:- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۷ نشان صداقت برای ص ، یار محمد خان وکیل اهالی گرم سیر در اثر خدمات او در دورهٔ سوم شورای ملی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹۶:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۸ نشان صداقت برای ص ، محمد حسن خان وکیل اهالی گزاب دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۲۹۷:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۴۹ نشان صداقت برای ص ، مولا داد خان وکیل اهالی ارزگان دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۲۹۸:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۰ نشان صداقت برای ص ، حاجی عبدالسلام خان وکیل اهالی ترنگ وجلدك دراثرخدمات او دردوره سوم شورای ملی

۲۹۹:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۱ نشان صداقت برای ص ، خان محمد خان وکیل اهالی اجرستان دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۰:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۲ نشان صداقت برای ص ، حاجی عبدالمحمد خان وکیل اهای قلات دراثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۳۰۱:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۳ نشان صداقت برای ص ، اسماعیل حبیب خان وکیل اهالی کوچی قندهار دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۲:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۴ نشان صداقت برای ص ، دوست محمد خان وکیل اهالی کوچی پشت رود دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۳:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۵ نشان صداقت برای ص ، حاجی غلام نبی خان وکیل اهالی شهر هرات دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۴:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۶ نشان صداقت برای ص ، حاجی محمد قاسم خان وکیل اهالی بلوکات در اثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۵:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۷ نشان صداقت برای ص ، احمد جانخان وکیل اهالی شین دند دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۶:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۸ نشان صداقت برای ص ، نصرالدین خان وکیل اهالی غوریان دراثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۳۰۷:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۵۹ نشان صداقت برای ص ، سید غیاث الدین خان وکیل اهالی کشك وگلران دراثر خدمات او در دوره سوم شورای ملی

۳۰۸:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۶۰ نشان صداقت برای ص ، عبدالقادر خان وکیل اهالی بالا مرغاب دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۰۹:ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۶۱ نشان صداقت برای ص ، حاجی فیض محمد خان وکیل اهالی اوبه دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱۰:ـ به موجب اعتبارنامهٔ نبر ۷۶۲ نشان صداقت برای ص ، غوث الدین خان وکیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

اهالی شهرك دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱۱ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷٦۳ نشان صداقت برای ص ، عبدالرحمن خان وکیل اهالی تولك و تگابستان دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱۲ :ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷٦٤ نشان صداقت برای ص ، محمد یعقوب خان وکیل اهالی چغچران دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱۳ :ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷٦٥ نشان صداقت برای ص ، قاری سراج الدینخان وکیل اهالی نهر شاهی در اثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱٤ :ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷٦٦ نشان صداقت برای ص ، عبدالکریم خان وکیل اهالی سنگ چهارك دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱٥ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷٦۷ نشان صداقت برای ص . غلام حسن خان وکیل اهالی تاشقرغان در اثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱٦ :ـ به موجب اعتبارنامهٔ نمبر ۷٦۸ نشان صداقت برای ص ، میرزا کلان خان وکیل اهالی ایبك دراثر خدمات او دردوره سوم شورای ملی

۳۱۷ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷٦۹ نشان صداقت برای ص ، عبدالرحمن خان وکیل اهالی سرپل دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۱۸ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۰ نشان صداقت برای ص، عبدالرؤف خان وکیل اهالی اقچه دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۱۹ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۱ نشان صداقت برای ص، محمدمرادخان وکیل اهالی دولت آباد دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۰ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۲ نشان صداقت برای ص ، محمد رحیم خان وکیل اهالی درهٔ صوف دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۱ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۳ نشان صداقت برای ص ، میر محمداسلم خان وکیل اهالی شبرغان دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۲ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷٤ نشان صداقت برای ص ، عزیزالله خان وکیل اهالی بلخ دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۳ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷٥ نشان صداقت برای ص ، غلام حیدر خان وکیل اهالی شهر خان آباد دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲٤ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷٦ نشان صداقت برای ص ، عبدالغیور خان وکیل اهالی قندوز دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳۲۵ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۷ نشان صداقت برای ص ، سید صاحب خان وکیل اهالی نهرین دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۶ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۸ نشان صداقت برای ص ، محمد اکبر خان وکیل اهالی اندراب دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۷ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۷۹ نشان صداقت برای ص ، سید محمد خان وکیل اهالی تالقان دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۸ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۰ نشان صداقت برای ص ، صاحب نور خان وکیل حضرت امام صاحب دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۲۹ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۱ نشان صداقت برای ص ، عبدالله خان وکیل اهالی غوری دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۰ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۲ نشان صداقت برای ص ، عبدالعزیز خان وکیل اهالی رستاق دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۱ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۳ نشان صداقت برای ص ، محمد نبی خان وکیل اهالی ینگی قلعه دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۲ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۴ نشان صداقت برای ص ، شاه منصور خان وکیل اهالی درواز دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۳ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۵ نشان صداقت برای ص ، سلطان علی خان وکیل اهالی واخان زیباک دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۴ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۶ نشان صداقت برای ص ، سید محمد اکبر خان وکیل اهالی شهر جلال آباد دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۵ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۷ نشان صداقت برای ص ، عبدالله خان وکیل اهالی سرخ رود دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۶ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۸ نشان صداقت برای ص ، سید حمزه خان وکیل اهالی لغمان دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۷ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۸۹ نشان صداقت برای ص ، مشک عالم خان وکیل اهالی نورستان دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۸ :- به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۰ نشان صداقت برای ص ، عبدالرشید خان وکیل خوگیانی دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۳۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۱ نشان صداقت برای ص ، محمد گل خان وکیل اهالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

شنوار دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٤۰ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۲ نشان صداقت برای ص ، محمدخان وکیل اهالی مهمندره دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٤۱ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۳ نشان صداقت برا ی ص ، ثنا گل خان و کیل اهالی رودات دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٤۲ :ـ به موجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹٤ نشان صداقت برای ص ، محمدمراد خان وکیل اهالی کامه دراثر خدماتش در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٤۳ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۵ نشان صداقت برای ص ، مجاهدین خان وکیل اهالی اسمار دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٤٤ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹٦ نشان صدا قت برای ص ، عین الله خان وکیل اهالی درهٔ پیچ در اثر خد مات او در دورهٔ سوم شورا ی ملی

۳٤۵ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۷ نشان صداقت برای ص ، عتیق الله خان وکیل اها لی برگز درهٔ سین دراثرخدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٤٦ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۸ نشان صدا قت برا ی ص ، حا جی گل علم خا ن وکیل اهالی حصارك دراثرخدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٤۷ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۷۹۹ نشان صداقت برای ص ، محمد هاشمخان وکیل اهالی ننگنهاری در اثر خدمات او در دورهٔ سوم شو رای ملی

۳٤۸ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۰ نشان صداقت برای ص ، غلام محمدخان وکیل اهالی زرمت دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شو رای ملی

۳٤۹ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۱ نشان صداقت برای ص ، میرزا محمدخان وکیل اهالی خوست دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۰ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۲ نشان صداقت برای ص ، گل صاحبخان وکیل اهالی خوست در اثر خدمات او در دورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۱ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۳ نشان صداقت برای ص ، اسماعیل گل خا ن و کیل اهالی ارگون دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شو رای ملی

۳۵۲ :ـ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰٤ نشان صداقت برای ص ، خان گل خان وکیل اهالی جدران در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۳ بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۵ نشان صداقت برای ص ، جان خان وکیل اها لی منگل در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳۵٤ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰٦ نشان صداقت برای ص ، فتو خان وکیل اهالی حاجی دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۵ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۷ نشان صداقت برای ص ، یارمحمد خان وکیل اهالی چمکنی در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵٦ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۸ نشان صداقت برای ص ، ابوالقاسم خان وکیل اهالی شهرمیمنه دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۷ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۰۹ نشان صداقت برای ص ، سید ابوالخیر خان وکیل اهالی شیرین تگاب در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۸ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱۰ نشان صداقت برای ص ، چهارقل خان وکیل ادالی اندخوی در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳۵۹ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱۱ نشان صداقت برای ص ، محمداسلم خان وکیل اهالی درزاب وگرزی وان دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٦۰ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱۲ نشان صداقت برای ص ، استانه قل خان وکیل اهالی قیصاردراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٦۱ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱۳ نشان صداقت برای ص ، سلطان محمدخان وکیل اهالی مرکز فراه در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٦۲ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱٤ نشان صداقت برای ص ، عبدالوکیل خان وکیل اهالی چخانسور دراثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٦۳ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱۵ نشان صداقت برای ص ، درمحمد خان وکیل اهالی بکواه وخاشرود دراثر خدمات او در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٦٤ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۱٦ نشان صداقت برای ص ، میرزا عبداللطیف خان منشی شورا در اثر خدمات او در دورهٔ سوم شورای ملی

۳٦۵ بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۸۱۷ نشان صداقت برای ص ، فضل احمد خان وکیل اهالی چال واشکمش در اثر خدمات او دردورهٔ سوم شورای ملی

۳٦٦ :- بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۰۰٦ /۵ جدی نشان استور درجهٔ دوم برای موسیو مکدم نمایندهٔ تجارتی سکودا

۱ :- فضایل همراه ملا عبدالله خان ولد محمد عظیم خان قوم غلجائی رکن جمعیت العلماء بموجب فرمان نمبر ۹۰۵ بر ٤٤٤۰ نشان خدمت اعطا شده

۲ : فضایل همراه حاجی ملا دادمحمد خان ولد ملا گل محمدخان ساکن کرجی ملای مدرس

(c) ketabton.com: The Digital Library

بموجب فرمان نمبر ۹۰۶ بر ٤٤٤١ نشان خدمت اعطاشده

۳ :ـ فضایل همراه ملامحمد اکرم خان ولد انیا خان ساکن کرجی بلنده مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۰۷ بر ٤٤٤۲ نشان خدمت اعطاشده

٤ :ـ فضایل همراه ملا ضیاء الحق خان ولد ملا محمدامین خان ساکن دار آباد مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۰۸ بر ٤٤٤۳ نشان خدمت اعطا شده

٥ :ـ فضایل همراه ملا محمد سرورخان ولد امیرمحمد خان ساکن سورمدرس بموجب فرمان نمبر ۹۰۹ بر ٤٤٤٤ نشان خدمت اعطا شده

٦ :ـ فضایل همراه حاجی ملا عصمت الله خان ولد ملا عیدمحمد خان ساکن کرجی مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۱۰ بر ٤٤٤٥ نشان خدمت اعطا شده

۷ :ـ فضایل همراه ملا محمد عیسی خان ولد ملا مجید خان ساکن نوبهار مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۱۱ بر ٤٤٤٦ نشان خدمت اعطا شده

۷ :ـ فضایل همراه ملا عبدالقیوم خان ولد ملا دین‌محمد خان ساکن قلعه ملا امان مدرس بموجب نمبر ۹۱۲ بر ٤٤٤۷ نشان خدمت اعطا شده

۹ :ـ فضایل همراه ملا محی الدین خان ولد ملاعبدالله خان ساکن رج مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۱۳ بر ٤٤٤۸ نشان خدمت اعطا شده

۱۰ :ـ فضایل همراه ملا عبدالحق خان ولد ملامحمود خان ساکن اناردره مدرس بموجب فرمان نمبر ۹۱٤ بر ٤٤٤۹ نشان خدمت اعطا شده

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی درسنه ۱۳۱۸ هم‌مثل سنوات قبل‌در اوقات معینه به جلسات خود پرداخته درطی شور ومباحثه اینک درین سال موفق به تصویب اصول نامه های ذیل گردیده است :

اصولنامه‌ها وضمایم وغیره تصویبات :

اصولنامه ها :ـ

۱ :ـ پاسپورت

۲ :ـ شرایط مسافرت واقامت اتباع خارجه در افغانستان .

۳ :ـ اخذ محصولات بلدیه .

٤ :ـ اساسنامه درافغانستان بانك .

٥ :ـ اصولنامهٔ اطاقهای تجارت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

٦:ـ موتر رانی و گادی رانی .
٧:ـ ماده واحده : درموضوع معاش زمان انتخاب مامورین ومستخدمین .

ضمایم :
١:ـ ضمیمه راجع بزیادت نوت دوافغانیگی درانواع نوت های متذکرهٔ اصل ٣ اصولنامهٔ نوت ها
٢:ـ « اصولنامهٔ حاضری ورخصتی مامورین : درموضوع اتلاف تکت های رخصتی مامورین

معاهدات :
١:ـ تصدیق معاهدهٔ مؤدت بین دولت شاهی افغانستان و دولت هولاند .

متفرقه :
١:ـ تصدیق به بیطرفی افغانستان در دائرهٔ حرب اروپا
٢:ـ اصول نامه راجع بدوران و جلند نوت دو افغانیگی .

مجلس اعیان

مجلس اعیان هم مثل سنوات دیگر وبرطبق دوائر رسمی در ظرف سال ١٣١٨ موفق به تصویب اصولنامه ها وضمایم ذیل شده است .

اجراآت :

اصولنامه ها وضمایم آن ها در ریاست اعیان امسال تصویب شده :

الف :ـ اصولنامه ها .

١ :ـ اصولنامهٔ پاسپورت .
٢ :ـ « شرایط مسافرت واقامت اتباع خارجه در افغانستان
٣ :ـ « اخذ محصولات بلدیه .
٤ :ـ لایحهٔ اساس نامهٔ دافغانستان بانك .
٥ :ـ لایحهٔ اصولنامهٔ گادی رانی وموتر رانی .
٦ :ـ راجع به بیطرفی افغانستان از محاربهٔ موجودهٔ اروپا
٧ :ـ اصولنامهٔ اطاق های تجارت .

ب : ضمایم
١ :ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ نوت ها راجع بزیادت نوت دوافغانی درانواع نوت های مروجه.
٢ :ـ « اصولنامهٔ حاضری ورخصتی مامورین .

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور بلدیهٔ کابل

درسال ۱۳۱۸ ریاست بلدیهٔ کابل نیز بتاسی از نظریهٔ حکومت مصلح خود بافعالیت مخصوص نسبت به پیشرفت پلان های اصلاحات ابنیه وی آبادی های قدیم و تعمیرات جدید اهالی وتهیهٔ ارزاق درمارکیت ها وامور صحی ونظافت شهر وترتیب احصائیه جات عمومیه وادارهٔ مساکین وعجزه وایتمام وتعمیر وترمیم مساجد بالاخره عملی نمودن پلان آبادی شهر جدید دار الفنون مساعی زیادی نموده است که اینک امورات مهمهٔ آن را ذیلاً مینگاریم :

۱ - : برای اینکه درحسن مجاری امور بلدیه نظامی قایم گردد ریاست بلدیه جهة پیشرفت اجراآت کارهای سال ۱۹ الی ۲۳ خود پلان ۵ ساله ترتیب کرده چنانچه پلان مذکور مراتب منظوری را حاصل نموده باساس آن بودجهٔ سال ۱۳۱۹ بلدیه ساخته خواهد شد .

۲ : - پلان (۷) ساله آبادی شهر جدید دار الفنون ترتیب وبعداز منظوری در دست اجرا گرفته شده وباساس آن یك ریاست جهة اجرای پلان مذکور وامور عمرانی ریاست بلدیه درشهر قدیم تحت عنوان (ریاست نوی کابل) تاسیس گردیده است

۳ :- درسال ۱۳۱۸ عمارت بزرگ دارالفنون باتمام ملحقات و باغات و غیره آن که سابق مربوط بوزارت معارف بود بنابر منظور پرقیمتی که حکومت متبوعهٔ ما درتوسعهٔ مؤسسات ملی مخصوصاً ریاست بلدیه و بهبود عامه دارند ازوزارت جلیلهٔ معارف منفك و بریاست بلدیه الحاق گردید و ریاست بلدیه ادارهٔ آنرا بریاست جدیدالتاسیس (نوی کابل) بابودجهٔ آن سپرد .

٤ :- درائرنظریات نیك حکومت متبوعهٔ ما منطقهٔ پغمان که سابق ازین دارای مؤسسهٔ ملی بلدیه وی علیحده نبود وازمنطقه بلدیهٔ کابل هم خارج شناخته میشد درمنطقه بلدیهٔ کابل داخل وتمام عمارات و باغات آن بابودجه معاش ومصرف باغبانها ومعابر آن از وزارت فوائد عامه ، ریاست زراعت ، وزارت دربار ، وزارت مالیه منفك و به بلدیه سپرده شد و ریاست بلدیه درانجا یك ماموریت بلدیه قایم وفعلاً نگرانی امور آنرا به حاکم محلی تفویض نموده است .

۵ :- درموارد حفظ صحت عمومی معاینه خانه های شهری را تنظیم و بکارانداخته و بجهته نظافت شهر از قبیل خاك روبی ، آبپاشی ، زیبائی جاده ها ، و رفع عفونت از خندقها وغیره حتی‌الامکان کوشیده تمام وسائل پیشرفت کارآنرا فراهم و نظر بایجاب ضرورت آن چند عراده موتر آبپاشی هر یك دارای ظرفیت ۸۰۰ گیلن آب و چند آبپاش عراده‌ئی اسپه کی هر یك دارای ظرفیت یك هزار لیتر آب و یك عراده خارج کن مواد کثیفه خندقها وچاها دارای ظرفیت (۱۵۰۰) لیتر به صورت تبادله با مواد خام پیدا وار افغانستان ازخارج وارد نموده وهمچنان برای عامهٔ اهل کسبه ازقبیل دکاندارها ، هوتل دارها ، مارکیت ها ، ومسلخ ها

(c) ketabton.com: The Digital Library

حمام‌ها ، سلمانی‌ها ، قهوه خانه ها وغیره دستورنامه های خاص صحی وضع و برطبق وضعیت محیط آنرا تطبیق و نیز بذریعهٔ هیئت کمیسون های فنی واداری سیاراشیای خوراکه باب‌را ازنقطهٔ نظر صحت ونظافت کنترول وآب نل پغمان را پیوسته مورد تفتیش ووارسی قرار داده وبرحسب ضرورت ادویه لازمه را در آن استعمال نموده علاوتاً دکانهای متفرق گوشت ، دنبه ، کله پاچه ، دل جگر ، وانواع سبزی جات را که قسمت عمدهٔ احتیاجات اهالی را فراهم می‌نماید وبجهات عدیدهٔ وضعیت پراگندهٔ آن غیرموزون واضافه برمشکلات ترافیکی نظافت وتازه گی وبالاخره استقرارنرخ ووفرت‌آن‌قابل اطمینان‌نبود به صورت مارکیت ها تبدیل کرده بهرناحیهٔ شهرمارکیت های آنراتحت عنوان(دغو شواود سبومارکیت) تاسیس وهمچنان چوب فروشهای چوب دستك را ازدخول به‌شهرمنع وخارج‌شهر در دوجای معین نقل داده است .

٦ : ـ درحصهٔ اجراآت طبی ، معاینه خانه های بلدیه مثل سائر موسسات صحی حکومتی به تداوی ومعالجه وکار های جراحی‌وغیرهٔ مراجعین بذل مقدرت ورزیده بیش از ۲۳۰۰۰ نفر راتداوی‌ومعالجه کرده وعلاوتاً تمام اهل کسب وصنفی های بازار وموتر رانها معاینهٔ صحی شده ودر عین زمان در جلو گیری ومجادله بااسراض مسریه مثل چیچك وکالرا وغیره خواه در خود معاینه خانه ها یادر محلات شهر ذریعهٔ مامورین سیار سعی و توجه نموده همچنان بانعقاد ودایر کردن کنفرانسهای صحی مردم را از شیوع و بروز امراض مسریه ووسایل علاج ومدافعهٔ آن آگاهانیده است چنانچه اقداماتی که درین باره بعمل آمده است وقتاً فوقتاً در روزنامه اشاعه وباطلاع عموم رسانیده شده است .

٧ : ـ باساس پلان توسعهٔ وی معاینه خانه های بلدیه در بودجهٔ بعضی از آن ها نسبت به سابق سه چند در بعضی دو ویکنیم چند ایزادات بعمل آمده ودر اثر آن در تمام معاینه خانه ها یمذکور ادویه کافی تهیه وهمچنان اضافه برعلاواتی که در موبل وفرنیچر وسامان جراحی وآلات معاینه وی وسامان لابراتور ها ودوا خانه های معاینه خانه های مذکور هم رسیده یك سلسلهٔ اصلاحات ضروریه وترمیمات عمرات وتهیهٔ وسائل تنویریه ودمائیه و دست شوری ها نیز در معاینه خانه های مذکور اجرا و تکمیل شده یك الحاقهٔ جدید که دارای اطاقهای متعدد است در معاینه خانهٔ گذرگاه آباد ونیز نقشهٔ یك عمارت جدید دیگری در معاینه خانهٔ گذرگاه که‌تعمیر آن نظر به پلان توسعه وی معاینهٔ مذکور و موقعیتی که این معاینه خانه بین‌شهر قدیم وشهرجدید دارالفنون دارد دارای اهمیت وعمارت مذکور ازعمارت موجودهٔ معاینه خانهٔ موصوفه بزرگتر است ترتیب وزمینی که در آن عمارت مذکور بنا وباغچهٔ آن ساخته می شود خریداری وکار تعمیر آن باتادیهٔ یك اندازه پول پیشکی جهة تهیهٔ مصالح ومواد تعمیریه آن بریاست نوی کابل محول گردیده وریاست معزی الیها مواد

(c) ketabton.com: The Digital Library

کار آمد تعمیر مذکور راتهیه کرده تادربهارسال ۱۳۱۹ بکارآن آغاز نماید این‌عمارت دارای اطاقهای ذیل است :

۱ :- اطاق اکسریز، ۲ الکترو کاردوکراف ۳ جراحی ٤ آبله کوب ٥ اطاقهای مخصوصیه برای معاینهٔ مریضان که برای اناث علیحده وذکور علیحده تخصیص یافته ٦ اطاقهای انتظار خانهٔزنانه ومردانه ۷ دواخانه‌ها ۸ کتابخانه ۹ دفترونشیمن داکتر،حمام ، مستراح .

۸ : - دراثر عملیاتیکه درکاریز های پغمان بعمل آمده ویك عده ازمیتر های آب درنل های شخصی نصب‌شده آب پغمان قلت سال۱۳۱۷خودرادرسال ۱۳۱۸ مبدل به وفرت‌نموده‌ونظر به گنجایشی که درآن دیده‌شده‌فروش حق امتیاز یك عده ازنل‌ها برای خانه های اهالی وتمدید یك‌عده نل‌ها درگذر های شهر درمورد استفاده اهالی گذاشته شد .

۹ : - دو عراده موتر جنازه بردار یکی رقم شورلیت ودیگر رقم فورد مودل جدید که باطرزمخصوص ومراسم تشریفات تشیع‌جنازه ساخته‌ودربالای‌پوش‌وبادی آنها آیات کلام‌شریف به صورت طلائی وابریشم دست دوزی برجسته نوشته شده درمورد استفادهٔ عامه قرار داده شده است .

۱۰ : - توازن نرخ تهیهٔ ارزاق مصرف سال۱۳۱۸منطقهٔ بلدیه باوجود مداخلهٔ بعضی بحرانات‌بلندی نرخ اموال خارجه بواسطهٔ اغتشاش اوروپا وبلند رفتن اجوره مزدور کاران وتزئیداتیکه درنفوس بعمل آمده استنسب به سال۱۳۱۷به صورت بهتری مواظبت واجرا شد ونیز بااثر پلان ٥ سالهٔ بلدیه تصمیم گرفته شده است که درسال۱۳۱۹ گدام‌های ارزاقیه تعمیر شود .

۱۱ : - پنجاه باب عمارات کارته ٤ شهر جدید دارا لفنون تعمیر گردیده است .

۱۲ :- پنج‌باب‌تهانه های‌معابروتنظیفات درشهرارا گردنهٔباغ بالاچهارراهی قنبر ، پل‌سوخته؛ بینی حصار بصورت کار تمام تعمیرشده است :

۱۳ : - کارباقی مانده‌پخته کاری‌های‌جاد های داخل شهر اکثراًتمام وعلاوتاً درشهرنو بعضی خیابان های نیمه کاره تکمیل شده است .

۱٤ :- کار بسته‌کاری‌پل‌های آهنی‌باغ عمومی‌وشاه‌دوشمشیره درسال ۱۳۱۸ تکمیل وپل باغ عمومی آن افتتاح شده افتتاح پل‌شاه دوشمشیره درسال ۱۹ بعد از تمام شدن کار سرك آن بعمل خواهد آمد .

۱٥ :- کار تعمیر سلاخخانهٔیکه‌توت هم درسال ۱۳۱۸ به‌شدت پیش رفته است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

آثار بر جستهٔ صنعت وادب پشتو



ع ، عبد الحی خان « حبیبی »
نگارندهٔ مقاله

مهم‌ترین چیزهائی که انسانها در ادوار مختلفهٔ زندگانی خویش بمیان آورده و به آیندگان خود گذاشته اند ، آثار بارزه وقیمت دار آرت وصنعت است ، که از حیات ومشاعر واحساسات بدیعی آنها کنون نمایندگی میکند .

طوریکه دانشمند فرانسه گوستاو لوبون عقیده دارد ، فنون همواره پیش از دورهٔ علم وفلسفه بوجود می‌آید ، زیرا که فن وصنعت زادهٔ مشاعر واحساس است ، ولی علم زادهٔ عقل وتجربه است .

وی گوید که فن وصنعت باتبدیل ظروف ومحیط ها شدیداً زیر تأثیر تحول می آید ، وکمتر دیده میشود که ملتی فن ملت دیگری را گرفته وآنرا رنگ نوی موافق محیط وطبیعت ملی خود نداده باشد .

جمال و بداعت چیزیست که قوای اعجاب و ذوق بدیعی مارا برمی‌انگیزد ، واین هم ازمنبع مشاعر واحساسات برمی‌خیزد . پس جمال در حقیقت محور آرت وفن بوده وشعور انسانی زنده کنندهٔ آن گفته می شود ، رو-چر بیری گفته است « آرت وفن یونان تماماً درکلمهٔ تلخیص میشود که عبارت ازجمال است » وپیش از وهم پریکلیس یونانی این مقصد راچنین شرح داده بود .

« ماقومی هستیم که جمال را بشکل طبیعی آن دوست داریم » .

پس ازین مقدمهٔ مختصر میتوان فهمید ، که حب جمال وزیبائی درطبیعت انسانی مرکوز بوده وفنون نفیسه وآرت ازمنبع مشاعر واحساسات بدیعه ، همواره درادوار حیات بشر ، به اجبار همین غریزهٔ قویه بظهور پیوسته است! صنعت وآرت راهم دوحصه کرده اند ، یکی صنائعی است عمومی وسودمند که منبع وعامل آن علم بوده ، واکنون درحیات مدنی انسانها به شعب متفرقه کار میدهد ، ودنیای فلاحت وتجارت ، وکار خانه‌ها و وسائل حمل ونقل وغیره ازپرورش ونموی آن معمور است .

اما قسم دوم همین آن صنائع بدیعه وفنون مستظرفه ونفیسی است که برخلاف قسم اول که به ماده وحیات جسمی سروکاری دارد ، به روح و پرورش معنویات و احساسات بدیعی ربطی داشته ، ووسائل زندگانی روح گفته میشود .

فنون نفیسه وصنایع مستظرفه که به عقیدهٔ علماء یگانه غذای روح ووسیلهٔ پرورش آنست وازبدوخلقت بشر تاکنون ، در هردورهٔ حیات و جود داشته ، به شعبه های تقسیم میگردد ،

(c) ketabton.com: The Digital Library

که دوشعبهٔ مهمهٔ آن هم نقاشی وادبیات است ، که این‌هردو بنوبهٔ خود درتهیج احساسات انسانی وغلیان مشاعردرونی اثرخوبی داشته ، وقریحهٔ حب جمال بشری راجلایش وصیقل کاری‌مینماید واحساسات بدیعی وی را حیاتی می بخشد ،

ببینید ! ادیبی ازدیدن منظرهٔ زیبای تابلوی بهار متحسس گردیده ، و به سرودن شعری وقطعهٔ احساسات خود را ترجمانی کرده ، شعر دلچسپ ونازکی را می‌نویسد ، امانقاش رسام ونقاش همین احساس را ذریعهٔ نوك قلم بر صفحهٔ کاغذی بصورت تابلوئی زیبا و نظر فریبی رسم میکند ، این هردو جمال طبیعت را ستایش وتجسیم می نمایند ، ودیگران را نیز ازدیدن یاخواندن اثر خامهٔ خویش شریك هیجان احساسات می سازند ، ولی هر یك بطور دیگر ، که یکی را رسام ودیگری را ادیب یاشاعر می نامیم .

شاعررسام الفاظ ومعانی است ، ورسام شاعریست ، که الفاظ و معانی را بصورت بدیعی دراشکال ورنگ آمیزی‌های دلاویز نقش می بندد ، وهمان چهرهٔ زیبا وگلگون جمال را با بداعت وتردستی از میدان فکر ، به صحنهٔ تجسیم میکشد .

پس این هردوفن باهم نزدیکی ولزوم تمامی داشته ، ودرادوارمختلفهٔ حیات بشر وهکذا در مدنیت کنونی توأم همدیگر آمده ، ومورد دلچسپی امم سالفه ولاحقه بوده است ! در یونان قدیم فن هیکلتراشی و ادبیات مترقی ، و همچنان در ملل گذشتهٔ دیگر این هردو فن که زادهٔ احساسات ومشاعراست ، زندگی داشته است .

دروطن عزیز ما که مهد پرورش نژاد آریا بوده ، ودوره های روشنی را از مدنیت گذرانیده است ، نیزدرادوارسابقه ادب وآرت وجود داشته ودوره های‌خوبی‌راطی‌کرده‌است !

مخصوصاً درقرون قبل‌ازاسلام که این‌کشورمحل التقای‌مدنیتین بودائی‌ویونان بود، قرائح‌روشن وتابدار این‌ملت ، صنعت ، و آرت‌مخصوصی‌را بوجود آورد ، که درتاریخ صنایع دنیا به عنوان مخصوص صنعت گریکو بودیك یاد می‌شود ، واهمیت بارزی را در صنایع مشرق زمین دارد ! ترقیات این‌صنعت دران‌عصر ، وآثارگرانبهائی که درهرسوی کشور عزیزما اززیرزمین می‌برایید آشکار می‌سازد ، که این مرزو بوم محل پرورش آرت مهم وبدیعی بوده ، وصنعتگران آریائی به‌تردستی ومهارت زیادی شهرت داشتند .

این غریزهٔ صنعت پروری که درنهاد این توده بودیعه گذاشته شده ، درادوارما بعد نیز درخشندگی داشته ، وبهرسو پرتو افگنده است !

درقرون اولیه بعداز اسلام بلخ وسیستان وپس ازان بست‌وغزنی مامهد آرت وصنعت آسیا بوده وآثارگرانبهائی ازان تاکنون بدست می آید ، وازنقاشی های رنگین وابتکار آاود غزنی تاکنون هم درانجا اثری دیده می شود .

هرچند مملکت عزیزما ازمدتهاست بدینطرف مکرراً مورد تاراج وچپاول جهانگیران‌دنیا گردید ، وچندین باربه یغمای مغول رفت ، وشهرهای معمور وآبادان‌آن بکلی ویران وبرهم گردید ، واثری‌ازان‌دستگاهای باشکوه‌مدنیت کهنش‌نماند، باآنهم دیده می‌شود که درهردوره وبهرسو ، قرایح صنعت کاران وپرورندگان آرت‌تابش وفروغی‌داشته است !

(c) ketabton.com: The Digital Library

کسانیکه باتاریخ علاقمندی دارند ، میدانند که هرات ما مدتی مرکز علم وفن آسیای مرکزی بوده وبادشاهان فن‌دوست ووزراء دانش پروری مثل میر علی‌شیر نوائی وغیره را میداشت .

درین دوره صنایع نفیسه درهرات ما رونق وفروغ زیادی داشت ، وقرائح فنان اها لی آنولا آثار گرانبها وخیلی نفیسی رادرجهان آرت وصنعت بوجود آورد .

بعدازین دوره هائی که‌عهد شباب وریعان صنعت وآرت شمرده می‌شود ، چون اعلیحضرت احمدشاه بابای کبیر ، شاهنشائی افغانی‌را درقندهار تاسیس ، وشالودهٔ مدنیت افغانی رادروطن براساس متینی نهاد ، ودرپرورش ثقافت ملی کو شید ، درین دوره نیز می‌بینیم که همان قریحهٔ تابناك فن وصنعت دراهالی این کشور بفروغ آمده وپرورانده شده است .

دردورهٔ اعلیحضرت شاهنشاه کبیر ودودمان سدوزائی علم وادب وصنعت وآرت تابندگی خوبی داشت ، علماء وادباء وصنعتگران زیادی ازخاك پاك این کشور برخاستند ، که ازمفاخر علمی وادبی‌ما شمرده میشوند .

مقصد ازتحریر این مقاله نیز همین است ، که یك نگاه کو تاهی به یکدو اثرادبی وصنعتی پښتو که درین دوره نگارش یافته نموده ، وبه خوانندگان عزیزخود فروغ صنعت وهمدوشی ادب وآرت‌را درانعصر آشکارا سازم :

دو نفر پرورندگان فن

در دورهٔ اعلیحضرت شاه زمان

شاید بخوانندگان محترم واضح باشد که اعلیحضرت شاه زمان نواسهٔ اعلیحضرت احمدشاه بابای کبیر ازشاهنشا هان علم دوست ودانش پرورما بوده ، وقریحهٔ روشنی درسیا ست وعلم وادب داشت ، وزبان ملی راهم خوب می‌پرورانید .

ازقرار معلوماتیکه تاکنون بدست آمده ، چندین نفر ازادبا وشعرای‌زبان ملی در عصر این شا هنشاه ، پرچم سخنو ری افراخته اند ، که ازان جمله است (رحمت داوی) وهمچنان یکنفر رسام ونقاش ما هرورپرد ستی درین عصر برخاسته که نامش (ملاولی) است ، درسطور آینده این دوفنان عصرخودرا به اندازهٔ توان قلمی خود بخوانندگان عزیز شناسائی میدهیم :

۱ :ــ رحمت داوی

رحمت داوی از شعرای نامورو زبر دست پښتو است که درعصر اعلیحضرت شاه زمان مدتی ازمولد ومسکن خود قندهار دور ودرکوهستان سکونت داشت ، وبعد ازان به کشمیر رفته وملازمت سردار عبدالله‌خان والی آنجارا اختیار کرده است ، رحمت دارای دیوان شعر پښتو است که‌خیلی نادر وکمیاب است ، درسال سوم سلطنت اعلیحضرت شاه زمان بنام این شهنشاه رحمت داوی کتاب لیلی مجنون رانیز به پښتومنظوم داشته ودرسال (۱۲۱۰ه) پایان رسانیده است ، طوریکه ازدیباچه وخاتمهٔ این‌کتاب می‌براید ، رحمت این اثر نفیس ادب پښتورا درایام حبس و غمگینی بوجود آورده ، وبعد ازانکه درکشمیر بملازمت سردار عبدالله خان رسیده ، آنرابه محضرش اهداء کرده است !

(c) ketabton.com: The Digital Library

رحمت داوی درسبك كلام وگویندگی خود شیواست ، سخنانش شیرین وپاکیزه ازتعقید وابهام است ، در ادای مطالب مقتدر بنظر می‌رسد ، شیوهٔ شعرش ساده وپسندیده است .

رحمت درطبقات ادبای زبان ملی‌ما جایگاه بلندی دارد ، وادبای پښتون نیز اورا بنظر احترام نگریسته اند ، مثلاً عبدالله پوپلزائی راست :

بل‌رحمت داوی کتاب لری دلکشه — گمان نکړم چه بی‌څوك لری دفتر (۱)

در مقدمهٔ کتاب لیلی ومجنون پښتو چنین گوید :

«غمو ملك‌را باندی تنگ کړ — زړه‌می ځکه داآ هنگ کړ
چه پښتو لیلی مجنون کړم — ښائی‌غم دزړه بیرون کړم
هم‌په‌داچه‌دوی‌غمناك دی — ترهر چانه سینه چاك دی
گوندی وی‌چه ددوی‌غم — له ما لری کړی ماتم
خبر نه چه غم به غم کا — لاله لاسه زیات ماتم کا
چه‌ماتم کړم اوس ناچاره — پډیر غم شوم گرفتاره
یو غم‌خپل بل دمجنون شو — په‌دوه غم زړه زبون شو
اوس که‌غم که‌څه‌خنداده — چه می کړی ابتدا ده
پر پښوول ئی‌راته عاردی — انتها ته می تلو ار دی
بل هم داده ځماوروره — ای ځما دستر گوتوره
په پارسی هر چا ویلی — پښتو نه ده چالید لی
ځکه زه په پښتو ژبه — دا قصه کړم عجائبه
پښتون هم‌خوښ باندی‌زړه کا — او دعا وماته وکا
سلطنت دشاه زمان دی — دی‌خاقان ابن‌الخاقان دی
پلارنیکه ئی‌پادشاهان و — دویه تاج دهر افغان و
ښایسته کښلی پښتون‌دی — زیات‌په ورکړه‌ترجیجون‌دی»

تفصیل مزایای ادبی کلام رحمت ، وکتابش محتاج به‌مقال علیحده ایست ، که با سرایندگان پارسی زبان این افسانه موازنه ومقایسه کرده‌شود ، چون‌این مضمون گنجایش آنرا ندارد ، بنابران همین قدر این شاعرپخته گوی‌پښتون رابخوانندگان خود معرفی کردیم ، حالا میرویم که رفیق فنان دیگرش یعنی ملا ولی رسام ونقاش زبر دست افغان را نیز بشناسیم ، و لحظهٔ تابلوی دلچسپ وقشنگ میناتور های خامهٔ توانای وی را ببینیم :

۲ :ـ ملا ولی نقاش ومصور

ملا ولی نقاش‌هم اصلاً از قندهاربوده که مسقط‌الرأس‌وی نیز همین شهر شمرده میشود، طوریکه دریکی از آثار مرسومهٔوی دیده‌شده ، ملا ولی پسر گل‌محمد خان‌افغان قرم علی زی است ، که پدرش درفتوحات احمد شاهی بکشمیر رفته ، درانجا باحکمد ار ان افغان مباشرت

(۱) از دیوان قلمی عبدالله قندهاری

(c) ketabton.com: The Digital Library

وملازمت داشته وملاولی هم‌مدتی درکشمیر تحصیل کرده ، واز علوم مبادیه بهرهٔ بدست آورده است ! ملا ولی‌دارای‌خط‌خوبی بود وزبان ملی رابخط زیبائی می نو شته است :

ولی نبوغ وشهرت ملا ولی دررسامی ونقاشی زیاد بوده ومصور تر دست و ما هر یست که تا کنون من ۹ کتاب مصور خامهٔ توانای وی را دیده ام .

ملا ولی به امر وخواهش امرای افغان در کشمیرهمواره آثار ادبیهٔ پښتورا مصور کرده ، وبحضور آنها تقدیم مینمود ، وجائزه های هنگفتی‌را ازان مردان هنر پرور می‌یافت ، چنانچه نسخه های چندی را ازدیوان مشهور عبدالرحمن با بای مهمند بامهارت زیادی مصو ر کرده وفکر شاعر توانای پښتون رادر هر جا بصور ت خوبی تصویر نموده است .

طوریکه‌من‌یادداشت گرفته ام ، ملاولی‌یك نسخهٔ‌دیوان مذکوررادرکشمیربه امر عبدالرحمن خان افغان ، ونسخهٔ دیگری‌را درپشاوربه‌امر نورمحمدخان وهمچنان نسخ زیادی را از یوسف وزلیخای پښتوی عبدالقادر خان ختك بخط خوبی نگاشته وآنرا تذهیب وقصص کتاب را جابجا تصو یر کرده است ! ملا ولی ادب ومصوری را همدوش یکدیگر قرار داده ، وخدمت‌خوبی به‌دنیای آرت افغانی کرده‌است ،زیرا تخلیکه ازطرف‌شاعرپښتون‌ذریعهٔ‌یك بیت‌یایك‌قطعهٔ دلچسپ وشیوای شاعرانه،بزبان‌ملی‌صورت گرفته،ودر لف کلمات والفاظ‌منسجم‌گشته است،خامهٔ‌توانای این مصور تردست افغان آنرا بروی کاغذ بصورت‌زیباو دلکشی نقش وترسیم داده است !

که از نقطهٔ نظر صنایع مستظرفه بسی‌گرانبهاست، واحساسات بدیعی‌راخیلی جنبش‌وحرکت میدهد . مثلاً درکتاب لیلی ومجنون رحمت ، جائی که شاعر بمد ح شا هنشاه ادب دو ست خود می پر دازد ، ملا ولی مو کب شهر یاری را در بین ابیات مد حیه تصو یر میکند ، و همچنان در دیوان عبدالر حمن بابا جابجا تخیل آن شا عر حساس و نا مور را نقش می بند د ، که در صفحات آ ینده نمو نه ها ئی چندی را از آ رت ملا و لی عیناً خواهید د ید ، متأسفا نه کتب دیگر مصو ر خامهٔ این صنعتگر زبر د ست افغان که در مصوری ونقاشی بدرجهٔ اعلی است ا کنون پیش من موجود نیست ، ونسخ متعد دی را ازان دیده‌ام ؛ ولی یك دو نسخهٔ ناقصی که ا کنون موجود است ، تصویر چندی ازان گرفته‌می شود متأسفانه تصاویر دیوان عبدالرحمن با با که ا کنون در دست است ، از طرف کدام جا هلی حك وخرا ب شده باآنهم بعضی ازان که فی‌الجمله بجا مانده ، طور نمو نه گرفته وگراور می شود ، تاهمو طنان عزیز به آثار مرسومهٔ این مصور توانای وطن آشنا شوند ، وهمدوش ادب ومصوری ونقاشی را در آثار گذ شتگان خود ببینند .

ملاولی کتاب‌لیلی‌ومجنون رحمت راشش سال بعداز نگارش آن درکشمیر بامرشیر محمدخان بردرانی نگاشته ومصور ساخته وبتاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۱۶ ه تمام کرده است .

که تابلو های چندی از میناتور های کتاب مذکو نیز در اینجا گراور خواهدشد.(۱)

---

(۱) متأسفانه از باعث‌قلت وقت‌بگرفتن گراورهای‌آن موفق نشدیم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدنیت اوستائی

عمومیات



نگارندهٔ مقاله ع ، احمد علیخان «کهزاد» مدیر شعبهٔ تاریخ ومعاون عمومی انجمن ادبی

اقتضا آت محیط و نژاد :

درسلسلهٔ تاریخ باستانی افغانستان بعد از مرحلهٔ قبل التاریخ ودورهٔ مدنیت «ویدی» که به مهاجرت عناصر اریائی ازحوضهٔ اکسوس «باختر وسغدیان» واستقرارآنها به نقاط مختلف آریانا و ممالك مجاور هند و ایران منتهی میشود در حوالی هزار قم ستارهٔ مدنیت درخشان دیگری طلوع میکند که میتوان آنرا «مدنیت اوستائی» خواند . مقدماتی که زمینه‌را برای ظهور این‌دوره آماده نمود طوریکه ذکررفت در حوالی هزار قم یایك دوقرن پیشتر چیده شد تا اینکه در حوالی قرن ۸و۷ قم اثرات مثبت آن نمودار شده اصل ثقافت بامبانی مخصوص خود تاسال های مقارن ظهور هخامنشی ها و جنبهٔ خصوصی دیانت آن باتغیرات محسوسی درآریانا تازمان فتوحات اسکندر دوام کرد .

«مدنیت اوستائی» درحقیقت دامنهٔ همان «مدنیت‌ویدی» است که هردومانندمشعل درخشان یکی بعد دیگری دردامنه های کهساراین سرزمین روشن شده و شعلهٔ فروزان آن ها برحسب تقاضای وقت و مهاجرت پارهٔ قبایل به ماورای جبال هم تاییده است چنانچه اولی حوضهٔ سند و پنجاب دومی تامنتها الیه غربی فلات ایران را منور ساخته است .

بلی «مدنیت اوستائی» عین همان «مدنیت ویدی» است که قرن های متمادی در عروق آریائی های کوهنشین این دیار ریشه دوانیده و مقتضیات وقت وزمان تازه تر ، سبب شد که از همان سرود های قدیمه - از همان اساطیر عناصر طبیعی ازهمان مبانی اولیهٔ حیات آریائی نظریات،معتقدات ،سبك زندگانی وبالاخره ثقافت مادی ومعنوی تازه تری بمیان آید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناگفته نماند که « دورهٔ ویدی » هنوز دوره ایست که انتشار قبایل آریائی از حوضهٔ اکسوس « باختروسغدیان » به آریانا وممالك مجاور هند و ایران تمام نشده واختتام همین مسئله دورهٔ مذکور را به پایان میرساند بناءً علیه چون دورهٔ اوستائی آغاز میشود مهاجرت های قبایل آریائی روبه اختتام گذاشته وقبایل، اول ، درخاك « آریانا » وسپس درخاك های هند و ایران استقرار دارند .

پس مرام این رساله عبارت از ین است که حتی الامکان دراطراف ثقافت آریائی هائی صحبت کند که باسیر مهاجرت های که در اوایل دورهٔ « ویدی » (حوالی ۲۰۰۰ ق م) شروع شد بطرف خاك های دو مملکت مجاور هند وایران نرفته در خود سر زمین کهستانی « آریانا » مستقرومسکون ماندند ودراثرمقتضیات عمومی محیط ومخصوصاً کوایف طبیعی صفحات شمال آن « باختر » وتهدیدی که دائماً از مناطق علف زار شمال « آمو » و « سر دریا » حس میشد حس یگانگی ، تعاون ، اشتراك مساعی ، و حدت امال ، دفاع منافع ، سر پرستی حیوانات اهلی ، حفظ خاك ، قبایل متشتت آریائی را بهم نزدیك و متحد ساخته تشکیل نظام سلطنتی راپیشتر ازتمام نقاط فلات ایران درانجاظاهرساخت وباز دراثرمقتضیات محیط همان عرق ونژادی که وارث مبادی یك دورهٔ ثقافت قبل التاریخ مشترك آریائی ومدنیت ویدی بود اصلاحاتی را بحال خودمناسب دانسته به اساس واصولات زندگانی قدیم شالودهٔ مدنیت جدید اوستائی راریخت .

آن دسته قبایلی که از خاك آریانا جدا شده در حوضهٔ پست ویکرنگ وهموار گنگا مسکون شدند درمیان دراویدی های بومی هند خود را یگانه وخارجی دیده بی اتفاقی ومخالفت های قبیلوی خود را کنار گذاشته ازنقطهٔ نظر سیاست پیش ازهرچیز به تشکیل سلطنت پرداختند . وبرای اینکه نژاد آریائی دراثر دخول خون یگانه مخلوط نشود برعلاوه طبقات براهمه وکشاتریا یعنی طبقهٔ روحانیون وجنگجویان ،طبقهٔ پست « سود را » هم تشکیل شد . همین طور درشق مذهبی هم اصلاحات شروع شده سرزمین یکنواخت حاصل خیز هند به انها تلقین نموده که دنیا ومافیهاهمه ازیك قوه طبیعی تراوش میکند ، انسان محتاج به نیرو وفعالیت نیست ودر اثر ریاضت وازین بردن قالب مادی بدن به روح بزرگ منشاء کائنات متوصل خواهد شد . این بود بصورت خلص اثراتی که محیط هند برآریائی ها وارد کرده ازنقطهٔ نظر اجتماعی ، سیاست ودیانت باب تازه ومخصوصی را برای ایشان کشود .

❀ ❀ ❀

شاخهٔ دیگری که از سرمین آریائی بطرف غرب برآمده بهحصص غربی پارس وجنوبی خزر منتشر شدند به حیات قبیلوی ومال داری خود ادامه دادند وچون محیط ، محیط قوی نبود وغرابتی نداشت وخاك آریانا وایران ازنقطه نظر ساختمان طبیعی زمین واجد اختلافات

(c) ketabton.com: The Digital Library

مهمی نبود درحیات واوضاع قبایل مهاجر مانند مهاجرین شرقی (هندی) تغیراتی آ نی وفوری بعمل نیامد «مادها» و «پارسی ها» قرون متمادی به همان طرز زند گانی اولیه به حیا ت مال داری قبیلوی تحت ادارهٔ ملکان ورؤسا ی خود در دامان کوه‌ها و مراتع زندگانی نمودند تااینکه از صد مهٔ فشار قوم بزرگ سامی آ شور ی ها بتنگ آمد ه ایشان هم به نوبهٔ خود فهمیدند که باید ملکان وشهزاد گان دست بهم دهند و بین خود دارای نظام سلطنتی شوند چنا نچه «ماد ها» درین راه پیشقدم شده وبه تعقیب ایشان پار سی ها بنا ی تشکیل سلطنت را گذا شتند ودست عناصر سامی ازحکومت آریائی ها کو تا شد .

❀ ❀ ❀

این دوشاخهٔ شرق و غرب مهاجرت آ ر یائی که اوائل دورهٔ آ نها در محیط ها ی تازه وتا ثیرات فوری آن در زند گانی ایشان شرح یافت پسان هرکدام راهی ر ا تعقیب نموده بطرف هدف مخصوصی بحرکت می‌افتند که تعقیب آ نها خارج نگارشات ما است آ نچه که مرام این رساله را تشکیل میدهد صحبت در اطراف آن حصهٔ آ ر یائی هائی است که به دو جانب فوق‌الذکر مهاجرت نکرده در جلگه های حاصل خیز ودامنه های سرسبز وکو های سربفلك کشیده اراضی بین هند وایران کنونی یعنی «آریانا» منتشرشده تحت‌تاثیر عمیق محیط گونا گون ودشوار گذار که یك قطعه آن به قطعهٔ دیگر نمی‌ماند دارای بسجایای مخصوص وسبك زند گانی علیحده ئی گردیدند . محیط مختلف‌الشکل که یك حصهٔ آن کوهستانی، یك حصهٔ آن جلگه ، یك قسمت آن تپه‌زار ، یك قسمت آن هموار ، یك طرف آن خشك، یك طرف آن سرسبز وشاداب، یك گوشه آن گرم وگوشهٔ دیگر آن سرد است تاثیرات عمیقی در روحیات سا کنین آ ر یائی این دیار وارد نموده به ایشان حالی نمود که زندگانی وصحنهٔ حیات جنبه های تاریك وروشن ، آ سان ومشکل داشته هیچ گلی بی‌خار نیست و لی این خار ها بهیچ صورت سد راه موفقیت ها ی زندگانی شده نمیتوا ند وانسان بااعتماد به نفس باید به زور بازو وقوهٔ قلب تمام مشکلات را از مقابل خود بردارد . دورهٔ اوستا ئی به معنی حقیقی خود دورهٔ پرو رش و تر بیهٔ رو حی آریائی های بومی این سرزمین است و تمام اصلاحات اجتماعی ، اخلا قی ، مذهبی که درین دوره بمیان آمده واساس مدنیت دورهٔ اوستائی را تشکیل میدهد تزکیه‌نفس نظافت بدن تشیید مبانی راستگوئی وراستکاری درفردو جامعه ، فعالیت، مقابله بامشکلات، توسعهٔ زراعت، اصول آبیاری، غرس اشجار، تربیهٔ حیوانات مفید وقتل حشرات مضره وغیره وغیره است که اگرتمام آن‌را خلاصه بکنیم این‌نتیجه بدست میاید که قرار مبانی ا و ستا فردو جا معه مستعد ـ متحد ـ نیرو مند ، بانشا ط وفعال وخاك مسکو نهٔ ایشا ن حا صل خیز وصحت بخش باشد . جز ئیات اصولات موضوعهٔ اوستا که‌درحیات فردو جامعه ومحیط مدخلیت دارد پسان شرح داده خواهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

شد . آنچه که بصورت تمهید میخواهم درین جا خاطر نشان نمایم این است که آریائی هائی آریانا اولاً دراثر مقتضیات فوق الذکر محیط ، فعال ـ معتمد به نفس ، جنگجو ورشید وزحمت کش بار آمدند وثانیاً مجاورت باساکنین مناطق علف زار شمال سغدیان وتهدید یکه از خطرات تهاجمات آنها بصورت دائمی حس میشد . نسبت به سائر نقاط فلات ایران که دراثر تیغه های کوهاو دریاچه های طبیعی محفوظ بود مفکورهٔ اتفاق قبایل وپیوستگی آنها برای حفظ منافع وخاك اریائی واشتراك مساعی را به آنها زودتر تلقین نمودو همین مسئله باعث شد که نسبت بسائر نقاط مهاجر نشین اریائی ، قبایل آریائی باختر زودتر بهم متحد شده برعلیه توران اساس سلطنتی را بگذارند . آریائی های هند به مجردیکه درمیان قبایل « دراویدی » بومی هند محصور شدند علاج حفاظهٔ حیات خود را منحصر به تشکیل سلطنت یافتند چنانچه دیری از ورود آنها به حوضهٔ گنگا نگذشته بود که به تشکیل سلطنت اقدام کردند .

همین طور اریائی های باختر در مقابل خطرات تورانی درنگ ننموده اساس سلطنتی را گذاشتند که داستان های اوستا به نقل روایات آن رنگین است ولی چون اصل متن اوستای باختری بدست نرسیده بصورت دقیق تاریخ ظهور اولین سلطنت باختر وموسس اول آن در پرده های اساطیری مستور است . اوستا بصورت واضح قبل اززمان « ویستاسپ » که درعصر او « زوراستر » وکتاب اوستا بمیان آمد ازیك سلسله شاهان مقتدر باختر حکایت نموده اوائل آنها را به ارباب انواع قدیم آریائی واخر شان را جزء اسلاف آریائی های باختری حساب میکند تذکر این موضوع تنها منحصر به اوستا نیست پیش از اوستا و بعد ازان از عصر ویدی گرفته تا امروز داستان های شاهان وپهلوانان باختر زبان زد خاص و عام بوده و هست . همین طوریکه ما امروز قهرمانان وسلاطین مقتدر باختر رااز روی تذکرات اوستا می شناسیم اوستادرعصر خود به آستان زمانه های سابق نگاه افگنده وبه زمانه های مجهول ازایشان سراغ میدهد نا گفته نماند که درین اقوام آریائی این حصه ها داستان گوئی وداستان نویسی از قدیم ترین زمانه ها معمول بوده وقصص شاهان گذشته همیشه به دربار شاهان خوانده میشد . اگرچه فتنهٔ یونانی اکثر کتب قیمتدار را ناپدید ساخت معذالك دورهٔ پارتی وساسانی درروشن کردن اساطیر قدیم کمك زیادنمود بعلاوه سرودهای رزمی مادها وپارسی ها که حاکی ازسلاطین مقتدر باختر است آثاری که در عصر ساسانی بزبان پهلوی نوشته شده درین زمینه روشنی زیاد می اندازد « خداینامك » که ابن مقفع انرا ازپهلوی به عربی ترجمه نموده تاریخی است که حصهٔ زیادش داستان های عصر قدیم راتصویر میکند .

هکذا فصل ۳۱ بنداهش پهلوی سراسر دراطراف سلالهٔ شاهان داستانی باختر سخن میراند آثار زبان پهلوی مبنی بر داستانهای شاهان ایران و قصه های سلاطین زیاداست که اکثری بافتوحات اعراب ازبین رفته وچیزی مانند « کارنامك » اردشیر بابکان « ویاد گارزایران » که انرا

(c) ketabton.com: The Digital Library

شاهنامهٔ کشتاسب هم گویند وبعضی های دیگر تاامروز باقی مانده است .

به‌این‌ترتیب داستان‌سرائی وقصه‌نویسی بصورت مسلسل رواج داشت تانوبت به گویندگان عصر اسلامی رسید اگرچه پیشتر.هم کارنامه‌های سلاطین وفتوحات ایشان بیشتر بزبان شعر سروده میشدولی بعدازدورهٔ اسلام‌وعروج زبان‌فارسی‌درین‌دیاروتشویقاتیکه از طرف حکمفرمایان بعمل می‌آمد این کار بیشتر به‌شعرا تعلق گرفته وداستان‌سرائی‌سراسر کار شعراشدو فردوسی تمام گسیختگی های عصرپارتی و ساسانی‌رابهم پیوند زده داستان‌های سلاطین باختر ی‌را از قدیم ترین زمان های عصر اوستاتابه دورهٔ غزنوی‌ها مربوط ساخت .

ناگفته نماند که‌مانند فردوسی چندین کسان پیشتر از اوبه این خیال افتاده و در ین راه زحمات زیاد کشیده اند مثل مسعود مروزی ابومویدبلخی - ابوعلی بلخی ودقیقی بلخی (؟) که همه باشندگان حوضهٔ اکسوس بودند و از داستان ها و روایات قدیم باختر بخوبی اگاهی داشتند ولی متاسفانه آثار سه نفر آنها از بین رفته و جز هزار فرد دقیقی که انرا فردوسی در شاهنامهٔ خود قبول نموده است از دیگران اثری نمانده است . فردوسی بانگارش شاهنامه در روشن کردن داستانهای قدیم ایران که صحنهٔ ظهور آن باختر است خدمت برگزیدهٔ نموده وچون درعصر وی بسا آثار پهلوی مانند «خداینا مك» وغیره وجود داشت وحافظه ها هم برای یادآوری قصه های گذشته مستعد تربود بخوبی موفق شد که نامهای داستانی اوستائی سلاطین باختر را تازه کند . بعد از اجتهادات شعرای بلخی وطوسی قرون اول اسلامی که نامها وکارنامه های‌شاهان وپهلوانان باختر داخل ادبیات فارسی شد داستان سرایان وشعرا هر کدام برطبق معلومات عصر خود چیزی گفته ونوشته رفتند پس مجموع روایات - اساطیر - داستانها - افسانه ها بصورت قطعی حکم میکندکه پیش اززوراستروویستاسپ مقنن وحکمفرمای باختری‌یك‌سلسله شاهانی در صفحات شمال آریانا به سلطنت رسیده اند که چیزی بواسطهٔ قدامت وچیزی هم در اثر از بین رفتن اوستا حقایق چگونگی انها مغشوش شده ویکحصهٔ آن در صف ارباب‌الانواع قرار گرفته است. قبل ازینکه امپراطوری‌هخامنشی تشکیل شود، پیش از ینکه مادها به سلطنت رسند ، مفکورهٔ نظام سلطنت‌درمیان آریائی‌های باختری ظهورنموده است. جنگهای «نینوس»و«سمیرامیس» بادولت مقتدر باختر که پسان شرحش می آید ، تجاوزات «تیگیت‌پیلسر» و«سلمانا سار» دوم آشوری بطرف شرق ایران ومقابله هائی که در ارا کوزی می بیند هر کدام بجای خود اشاره میکند که دولت بسیارمقتدری درین وقتها درآریانا وجود داشت و (دونکر) جرمنی اوائل ظهور سلطنت را در باختر از ۱۱۰۰ ق م تازه‌تر قرار نمیدهد و جادارد که مبدء ظهور این مفکوره در قرون سابق تر ازان هم سراغ شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

احفاد ارباب النواع یا شاهان دا ستانی باختر :

در رساله ئی که برای مدنیت عصر «ویدی» آریانا تخصیص داده شده است در مبحث دین و آئین بصورت مفصل راجع به مجمع ارباب النواع اریائی بحث شده است درین رساله که مخصوص روشن کردن تاریخ وثقافت عصر اوستا ئی است طبعاً چون مو قعش رسد را جع به آئین ودیانت مفصل بحث خواهدشد وبرعلاوه تااندازهٔ کافی مبانی دیانت، اسماء ارباب النواع ورول آ نها درین دو دوره باهم مقا یسه خواهد گردید . انچه که تحت عنوان فوق میخواهم شرح بدهم این است که باختر همانطوریکه کانون ظهور ارباب النواع «ویدی» و«اوستائی» است درتمام سرزمین اریائی ها اولین منطقه ایست که نظام شاهی وسلطنتی در انجا تشکیل شده ویك عده شاهان اوستائی درین سرزمین عرض وجود نموده اند که مشعل تحقیق وتتبع مبدء ظهور انها را به رب النوع ها وصل میکند وحدس وخیال چنین حکم مینمایدکه پرده های روزگار پیشین رایکه یکه بر داشته واوائل شخصیت ایشان را در مجمع ارباب النواع سراغ کرد . در رسالهٔ مدنیت اوستا ئی اریانا گنجا نیدن این مبحث خیلی مهم است زیرا د ر اثر اشوب پی درپی که موقعیت ومرور زمانه برسر باختر واردکرده حقایق سلطنت باختری وکار نامه های شاهان مقتدر این مرزوبوم بکلی ازبین رفته وحقیقت سراسر جنبهٔ افسانه و داستان پیدا کرده است. متأسفانه اگر چه اوستا خصوص آن اوستائی قدیم قبل ازهخامنشی جامعهٔ باختری هم باتها جمات ظالمانهٔ یونا نی ازبین رفت معذالك دربعضی پارچه های پا شان وپرا گنده که پسان ها جمع شده رفت انعکاس عظمت قدیم باختر ودبدبهٔ سلاطین آن کشور دیده میشود چنانچه اوستای موجوده ـ بنداهش ـ خداینامك ـ کارنامك ـ شاهنامهٔ دقیقی وفردوسی ودیگر کتب نظم ونثر دورهٔ اسلا می یکی بعد دیگردرین زمینه رو شنی افگنده مانند انعکاس او از، اوازهٔ شهامت مردان بزرگ وکارنامهای شاهان مقتدر باختر را بصورت داستان بگوش ما رسانیده اند وذیلاً مستند بر تذکرات اوستا از برجسته ترین انها صحبت میکنیم .

دستهٔ «پارادا تا» شاهان اولیه :

یما Vima : اولین شخصی که ازخلال مضامین اوستا دیده میشود «یما» است که میتوان اورا بر طبق مندرجات این کتاب مانند زوراستر مقنن اجتماعی ـ مبلغ وپادشاه خواند د ر اوستا، «هوما» رب النواع مشروب کوهی میگوید که «یما» پسر «وی وانگا نا Vivanghana » است وچون مشارالیه اولین کسی است که عصاره «هو ما» را کشیده است د ر اثر این اقدام نیك «یما» معروفترین تمام کسانیکه افتاب دیده است درخانهٔ اومتولد شد .

«یما» در اوستا به لقب «کشائتا» Kshaeta یعنی (پادشاه) هم یاد شده و در عصر

(c) ketabton.com: The Digital Library

زمامداری اونه‌سر دی‌نه گرمی نه مرض‌نه پیری هیچکدام به مخلوقات هرمزد اسیبی رسانیده نمیتوانست وسراسر دورهٔ سعادت وارامش بود . قرار نگارشات اوستا «یما» پاد شاه خیلی رعیت پرورو مهر بانی بوده وبر «هو کیریا Hukairyà » قله کوه قدس (۱) وقت بوقت بنام ارباب النواع خیرات زیاد میکردتادر دفع عناصر مضره اقتدار پیدا کرده ومخلوقات هر مزدرا از شرآ فات وبلیات نگاه کند .

از مندرجات بعضی قسمت های قانونی کتاب اوستا معلوم میشود که هر مزد قبل از ینکه «یما» را پادشاه مخلوقات بسازد به‌تبلیغ قوانین در میان گروه مردمان هم تکلیف نموده بود چون «یما» خود را مستعد انجام این وظیفه نیافت ابا ورزید ودر نتیجه هرمزد اورا حامی ، نگه بان ، حکمفر ما وشاه گروه مردمان معین کرد وبه اویك عصا ویك اسپار طلائی داد تا مردم را به کشت وزر اعت.و تربیهٔ حیوا نات تشو یق کند سه صد سال بعد جمعیت انسانی وحیوانات وپر ندگان بحدی زیاد شد که در روی زمین برای آ نها جای نما ند انگاه به او درس داد که بطر ف مشرق رفته وبا عصای خود به‌ز مین بکوبد وزمین بزر گ خو اهد شد . یما به این طریق رفتارنموده ورمین برابر ثلث مسا حتش فراخ شد . به‌این طر یق سه مرتبه سطح‌زمین‌برای گنجایش مخلوقات‌خورد شده وسه مرتبه در اثر اقد ام«یما» بز ر گ تر گر دید . بعد از دفعهٔ ثالث چون هزار سال گذشت‌هرمزدبه پادشاه‌خود خبر د اد که سر ماوخنك سختی به‌روی‌زمین عائد خواهد شد برای‌اینکه گروه مردمان وحیوانات وپر ند گان وسا ئر انواع مخلوقات ازین مصیبت جان بسلامت برده بتوانند منطقهٔ زیر زمینی بزرگی اماده کن ودر ان از تمام انواع مخلو قات یك یك جفت را باخود ببر «یما» قرار فرمان هر مزد منطقهٔ که هرضلع آن را یك اسپ به دوش طی میتو انست درزیر زمین تهیه نموده و از بنی نوع انسان وحیوانات وپرندگان‌یك‌یك جوره باخود گرفت . زند گانی این منطقه حیاتی بود با امن وآرامش نه دران در دو آ لام راه داشت ونه خبائث زاده خوی بشری همه باصفای قلب وارامی خاطرزندگا نی داشتند ودرهر۱٤ سال ازهر جفت مخلوقات‌مخلو قی بمیان میآمد.

تری تونا Trraetaona

دو مین کسی که در قطا راشخاص داستانی شمر ده شود « تر ی تو نا » است و چون پدرش « اتو یا Athuya »دومین شخصی است که عصاره « هو ما » را کشیده است در بدل عمل نیك خود صاحب این فر زند شده است چون اوبه دنیامی آ مد «انگرو ما نو » یا « اهریمن » برای مقابلهٔ او بنام « از هی داها کا Azhi dahaka » مار عجیبی را خلق کرد که سه سر، سه حلقوم وشش چشم دا شت واسپ وانسان را میخو رد

(۱) بعقائد خرافی خود شان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ودنیا را تهدید میکرد «تری تونا» به مقصد اینکه بر او فایق شود صد اسپ وهزار نر گاو وده هزارحیوانات کوچك دیگر قربانی نموده وبه این طریق به مار مذکور غالب آمد وآن را کشت ودنیا را از عذاب تهدید داد ومانند «یما» دوره با امن وارامشی را به حکمفر مائی گذرانید .

تری تاThrita

« تری تا » که از خانواده ساما « Cama » بود سومین کسی است که به استخراج عصاره «هوما» اقدام کرده اولین شخصی است که درعلم طبابت اظهار تبحر ولیاقت نموده زیرا میخواست به این ذریعه امراض والام بدنی مخلوقات را رفع کند برای موفقیت او هر مزدانواع مختلف گیاها را که اقسام آن از هزار ها تجاوز میکند بدور گیاه مخصوص «گوکر نا» یا «گوزبان» خلق کرد مشارالیه دو پسر داشت . یکی « یورواك شایا Urvakshaya که بیشتر به قوانین حیاتی معلومات داشت ودیگری « کرساسپا Kereçaçpa که جوانی بود قشنگ وجنگجو ازین دوبرادر «کر ساسپا» معروفتر است . مشار الیه چون به پادشاهی رسید اهریمن مارسبزی موسوم به «سرووارا Çruvara» را خلق کرد تا اقدامات نیك شاه را عقیم سازد « کرسا سپا» کنار سواحل دریاچه « پیسانو Piçano » که عبارت از (پیشین) سیستان باشد قربانی هائی تقدیم کرد تا بر او غالب امد مشارالیه غیر ازین در چندین موارد دیگر هم اظهار شجاعت نموده «گاندارووا Gandarewa »عظیم الجثه را که کناردریاچه «وروکاشا Vouru kasha» بودو۹ تن دزدان دیگررا بقتل رسانیدداستان های اوستائی نقل میکنند که چون برادر او «یور واشایا» را هیتاسپه Hitaçpa بقتل رسانید «کر ساسپا» از شمال استعانت جسته وبکمك او انتقام برادر خود را گرفته وچون قاتل را بدست آورد در گردونهٔ خود بسته کرد تا اورا هلاك سازد.

ازین قبیل اشخاص داستانی نیمه روحانی نیمه رب النوع ونیمه پادشاه در اوستا زیاد است بعداز (یما) (تری تونا) (کرساسپا) به ترتیب اشخاص دیگری مثل «وی وانگانا» Uivanghana اتویا Athwya - ساما çama تری تا Thrita - یور واك شا یا Urvakshaya می آیند و تمام اینها در اوستا بنام « پارا داتا Paradhata» یعنی کسانیکه اول سلطنت نموده اند یاد شده اند .

دستهٔ کاوه Kava:

بعداز دستهٔ سلاطین فوق الذکر که بواسطهٔ مراتب قدامت خودشکل داستانی گرفته ودر صف ارباب النواع بشمار میروند یك دسته شاهان دیگری درباختر به سلطنت رسیده اند که اول نام

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایشان عموماً به‌کلمهٔ «کاوه» شروع میشود و«دونکر» بعد ازذکرنام ووقایع مربوط شاهانی که‌قبل برین گذشته ازانها بحث‌میکند (۱)

سرسلسلهٔ‌این‌دسته‌سلاطین‌که‌باجلال مخصوص‌دراوستاذکرشده کاوه‌کاواتا Kava kavata » است‌بعدازاو «کاوه‌یوسا Kava Uca » که جوان فشنگ وچالاک‌بود به‌تخت نشست و به مقصد اینکه‌برتمام‌دنیاازدیوگرفته تاانسان به‌کل‌مخلوقات آمریت‌کند بالای کوهی موسوم به « Erezifya ارزفیه» قربانی های زیاد تقدیم نمود .

بعدازاوشخص دیگری موسوم‌به «کاوه‌سیا ورشنا Kava Cyavarshana » به‌پادشاهی رسیدودراثر مرگ‌مخوفی‌پدرودحیات گفت‌پسراین‌شخص «کاوه هوسراوا Kava Hucrava » که‌بعد ازمرگ پدربه‌سلطنت باخترمیرسد دراوستا خیلی معروف است‌زیرا وحدت‌خاك اریائی وتشکیل سلطنت واحدی درآن بدست اوصورت میگیرد قراریکه از مندرجات او ستاحس میشود چنین مینماید که مشارالیه بعدازتشکیل وحدت‌خاك اریائی‌و تمرکز قوای باختری ، بجنگ های خارجی‌هم پرداخته وعلی‌الخصوص بامتهاجمین تورانی‌نژاد یغماگرمقابله های‌شدیدی نموده‌است چنانچه آخردراثر کوششات‌زیادوقربانی‌های‌متواتر برشاه‌ایشان« Franghracianaş فرانگر اسیانا» غالب شده واوراعقب دریاچه «شاشاستا» Chaechacta بقتل میرساند . بعد ازین پادشاه یك‌سلسله شاهان‌دیگر ازقبیل «ناوتارا Naotara » — مانو شیترا Manuschithra « وایریو Airyú » آمده وقرار اکثراحتمالات این‌دسته به‌این‌جا منتهی میشود .

دستهٔ اسپه :

اخرین دستهٔ‌شاهان داستانی باختر که بمراتب ازدسته‌های فوق‌الذکر خواص افسانه ئی را ازدست داده‌وبه حقیقت نزدیك‌تر شده‌است خانواده یایك‌سلسله شاهانی‌است که‌اخیرنام ایشان به‌کلمه «اسپ» تمام‌میشود اسپ‌طوریکه امروزدرباختر اهمیت‌زیاددارد‌و سوار کاران باختری درتمام‌دنیا معروف‌اند درزمانه‌های قدیم‌به‌مراتب‌رول‌مهم‌تربازی کرده‌وگفته میتوانیم که ازقدیم ترین زمانه‌ها تاامروزاسپ علامهٔ‌فارقه «باختر» بوده‌است دراسم‌یکی ازمراکز قدیم باختر که موقعیت‌آن بمقام «شاه‌جوی» به‌هشت کیلومتری غرب‌بلخ پیداشده کلمه «اسپ» گنجانیده شده چنانچه انرا «زاریسپ» یا«زاریسپه» میگفتند که (هزاراسپ) معنی داشت .

سرحلقهٔ دستهٔ شاهانی که نام ایشان به کلمهٔ «اسپه» منتهی میشود «ایور و اتا سپه » Aurvatacpa نام‌داشت‌که‌پدرواجداداورابه‌اخرین شاهان‌سلسلهٔ که‌قبلاً ذکرفت نسبت میدهند راجع‌به‌این شاه‌ووقایع مربوطه‌اومعلومات مزیددردست نیست درشاهنامهٔ فردوسی باجزئی تغیری

(۱) صفحه ۳۷ جلد ۵ Duncker 's History of antiquity Evelyn. Abbotty 5.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بنام« لوراسپ » یادشده‌است . پسراو« ویستاسپه Vistacpa » که شخص خیلی‌مقتدر وجنگجو بود بزرگترین شاه باختر شمرده‌میشود انچه که‌اسباب افتخار ودرعین زمان‌موجب شهرت اوودور هٔ زمامداری اش‌میشود وازان‌پسان‌تر مفصل صحبت خواهیم نموداین‌است که« زوراستر » مقنن بلخی واوستا کتاب دینی‌وقانونی جامعهٔ باختری درعصراوبمیان آمده‌است . ازجملهٔ ۲۹ پسر او اوستا سه نفررا که‌عبارت‌از « سپنتوداتا Cpentodata » « فراشاروسترا Frashaostra » و« جماسپه Jamacpa » باشدذ کر میکند وتزئید مینماید که باخود شاه اشخاص خیلی مهمی بودند نظیر « هوسراوا» اخرین شاه‌دود مان « کـاوه » که‌باتورانی ها جنگ کرد « ویست اسپه » هم بایك نفرازشاهان ایشان« ارجت اسپه Arejatacpa »داخل‌نبردگردید . شاه‌باختر وحکمفرمای‌تورانی برای اینکه بریکدیگر غالب شوند هریك به‌الا هه « اوردوی سورا » Ardvicura قربانی ها تقدیم نمودند واخر دراثر معاونت ربا لنواع شاه تورانی که میخواست سرزمین‌آریائی را لگدکوب ستوران نماید مغلوب شد .

پیشتر گفته شد که « ویست اسپه » وزردشت معاصر هم بودند علاوه باید نمود که « ارجت اسپه» یا « ارجسپه » تورانی هم درهمین زمانه می‌زیست . جنگ های شاه باختر وتورانی رابعضی ها انعکاس تبلیغاتی میدانند که زردشت در باختر نموده شاه وآریائی های باختری را به دین خود در آورد ودرنتیجه اینکه شاه باختر « ارجسپه» را به آئین نو دعوت نمود جنگ‌میان‌ایشان‌درگرفت قراریکه « دونکر » ازروی‌مندرجات اوستا (۱) خلاصه کرده چنین مینماید که محار به بین باختر وتوران شروع شده‌بود وزردشت تمام اقتدار روحانی خود را به طرفداری « ویست اسپه » شاه مقتدر باختر بخرج داده ودرنتیجه جامعهٔ آریائی وقوانین آئین جدید باختری برظلمت وتوحش تورانی فایق آمد .

❀ ❀ ❀

مطالعه‌مبحث فوق مستند برمندرجات اوستا تااندازهٔ کافی خطوط عمومی قدامت سرزمین باختر وظهور مفکورهٔ نظام اداره وسلطنت رانشان میدهد این قصه‌ها که اوستا بمارسانیده باوجودیکه تاروپود خود اوستاهم بکدام اندازه دراثر تطورات‌روزگار دستخوش حوادثات شده بدون اینکه بصورت اطمینان بخش داخل جزئیات شده بتوانیم ارائه میکند که تمام این قصه‌ها دراساس شالودهٔ داشته واین‌شالوده متین وخیلی ها قدیم بوده‌انسان اگر بر مندرجات کتب « وید» واوستا وبنداهش که قسمتی ازاوستا بزبان پهلوی میباشد تاشاهنامهٔ فردوسی وبعد ازان به کتب معاصر نگاه کند می‌بیند که این‌قصه‌های داستانی چطور قبل ازمها جرت آریائی‌های‌هند وایران ازحوضهٔ اوکسوس (باختروسغدیان) تاامروز باقی مانده وخاطره های

(۱) Duncker's History of Antiquity Evelyn. Abbottv 5 جلده ۳۸ صفحه

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن‌چسان سلسله وار دوام نموده است . ازعصر « ریگ وید » گرفته تامثلاً زمان طبع « نامهٔ خسروان » (۱) هردوره برروي قصه‌ها ونام‌های قدیم ترسلسلهٔ شاهانی برای با ختر وکل‌آریانادرست‌کرده‌است . کتب بعداز اسلام هرچه سلسله شاهانی برای باختریا آریانا یاکل فلات مسکونهٔ عناصر اریائی درست کرده اند بیشتر دراثرانعکاس شاهنامهٔ فر دوسی است . فردوسی که هزارسال قبل برین درعصر غزنوی ها می زیست زمانی را یاد میدهد که هنوز دیانت اسلام به‌کل‌قبائل وزوایای آریانا منتشر نشده بود ـ و خاطره های اوستای ساسانی وبنداهش پهلوی هنوز درادبیات وافسانه‌ها تازه بود . این شاعر خرا سانی وقتی که دست‌به کار میزند ومیخواهد که یادگارشاهان‌قدیم راتازه کندبیشتر ازبقایای آثار پهلوی استفاده میکند چنانچه بطور مثال بگیریم فصل ۳۱ « بنداهش » پهلوی سرا سر وقف سلسله ونسب‌شا هان کیانی است . پیشتر ازین اوستای ساسانی پارتی وباز اوستای قبل از هخامنشی است‌که‌به‌تدریج قصه‌هاونام‌های شاهان‌وپهلوانان مانندانعکاس اوازازیك عصربدیگر عصررسیده وبرای اثبات قدامت مفکورهٔ نظام سلطنتی درباختر باید به چهار کتاب سرود های «وید» مراجعت کرد . خوانند گان سلسلهٔ تاریخ آریا نا این مطلب را بصورت ایجاز از رسا لهٔ «مدنیت ویدی» خواهند یافت .

ازافسانه تاحقیقت:

باتفصیلات فوق و بامقایسهٔ بعضی پارچه های اوستا باعصرقدیم تر که عبارت از زمانه های سرودهای «ویدی» میباشدخوب معلوم میشود که سلسلهٔ داستانهای باختری که به ترتیب زمان تا عصر شاهنامهٔ فر دوسی تغیرات نموده در زمان پیش از مهاجرت شاخه های آریائی هند و ایران یك مبدء واحد داشته و این پهلوانان و سلا طین باختر اگر ا ز یك طر ف منتهی به ارباب النواع میشوند از طر ف دیگر مفکورهٔ خوبی راجع به موجودیت روح نظام سلطنتی در باخترمیدهند داستان های اوستائی اگرچه پارچه پارچه بمارسیده بازهم مجموعهٔ آن دروازهٔ بزرگی درقسمت تاریخ مجهول باختر بازمیکند «دونکر» درین زمینه می نویسد . « شکوه و جلال‌شاهی اغلب» اوقات به اندازهٔ برجسته نشان داده شده که مجبوراً باید نتیجهٔ گرفته بگوئیم که درعلاقهٔ که اوستابمیان آمده یعنی درشمال آریاناسلطنتی خیلی قوی ومقتدری وجود داشت تغیرشکل ارباب‌النواع قدیم آسمانی دراوستا به پهلوانان و پاد شاهان زبر دست به آن شکلی که دریوتان معمول بود بیشتر به این نظریه موافقت میکند که یك وقتی در اینجا امپراطوری

(۱) کتابی‌است که‌جلال پور فتحعلی شاه‌قاجار در۱۸۶۸ راجع‌به شاهان‌قدیم وافسانه‌ئی ایران تالیف وطبع نموده و ازحیث‌اهمیت تاریخی مقامی ندارد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

وجود داشت که انعکاس آن درزمانه های قبل التاریخ افتاده است مسئلهٔ ارباب انواع آسمانی که درسرود های رزمی بشکل پهلوانان درآمد وجای اجداد پاد شاهان و پدر ملت را گرفته اند خوب تر به این نتیجه رهنمونی میکند که سلطنت عسکری در باختر وجود داشت و فقط شهزادگان جنگجو ومیدان دیده میتوانست داوطلب تخت وتاج پدرشود . از دایرهٔ فرضیات گذشته اوستا واضح ترهم سخن میزند زیرا (باخدی) را «سر زمین یرق های بلند » یاد نموده و «اوستاهای» تازه تر بصورت واضح مسکن « یورواتاسپه » و «ویستاسپه» آخرین شاهان دستهٔ کاوه رادرباختر قرار میدهد آیادرتمام داستان‌ها، باختر مرکزقدیم ترین شاهان افسانه‌ئی وتاریخی قدیم ایران بشمارنرفته ؟ درقرن ۳ ق‌م شهزادگان باختری نه فقط برای احراز استقلال خود ظهورکردند بلکه سلطنتی تشکیل دادند که یك طرف باسلطنت بزرگ «سلوسیدها» مقابله میکرد ودیگرطرف سرزمین«اندوس»راتابع خود نموده بود علاوه برین چیزها اگر به سرود های «مادها» مراجعت کرده وقرارتشریحات اشعار آنها اقتدار بزرگ شاهان باختری ، خزاین پر ازطلا ونقره ، شهر های مستحکمی را که فتح آنها جزوکارهای عمدهٔ «نیئوس» حساب میشود ـ درصفحهٔ خیال تصویر کنیم گفته میتوانیم که در زمان ما د ها یعنی پیش ازسال ۶۵۰ سلطنت مهمی در باختروجود داشت .

باختر و توران :

اهمیت موقعیت یك منطقه به اندازهٔ درحیات وروحیات یك قوم مدخلیت دارد که میتوان علل ومنشاء تمام اختصاصات زندگانی ایشان را درآن سراغ کرد .

تاریخ بوضاحت نشان میدهد که متهاجمین یغماگر آسیای مرکزی چطور بکرات ازراه درهٔ زرافشان به سغدیان ومرو وباخترسرازیر شده اند . قسمت غرب فلات آریائی هابواسطهٔ وجود بحیرهٔ خزر وکوه های آذربایجان از دست گزند این آفت درپناه بود وتنها قلمرو باختر بایغماگران آسیای مرکزی دست وگریبان بود برای اینکه وضعیت باختری ها با تورانی ها یاطوریکه معمولاً میگویند مقابلهٔ ایرانی وتورانی در قدیم ترین زمانه ها در نظر مجسم شود بهتراست اززمان اوستا تازمانه های تاریخی نگاه مجملی درین زمینه افگند .

دراوستا ذکر شده است که «کاوه یوسراوا» و « ویستاسپه » جنگ های شدیدی با « تورا Turas » با « تویریاها Tuiryas » نموده اند . آیا این دشمنان شاهان باختر که بودند ؟ درزبان قدیم باختری دوکلمه فوق «دشمن» و «ظالم» معنی میدهد «استرابن» ازسرزمین توریها Turuia بشمال پارتیا بطرف علف زار های اکسوس سخن میراند .

درداستان های تازه تر،«تورانیها» خطرناك ترین دشمنان شاهان باختر بشمار رفته اند درعلف زارهای بین اکسوس وایگزارت (سیحون و جیحون مورخین عرب) قومی مسکن

(c) ketabton.com: The Digital Library

داشت که مجموع آنهارا فارسی ها «اسکائی» و یونانی‌ها «سیت» خوانده اند این اسکائی ها وسیتی‌ها عموماً قبایلی بودند چادرنشین که بیشتر به تربیهٔ حیوانات می پرداختند واز قدیمترین زمانه ها اراضی حاصل خیز باختر و سغدیان نگاه پرحرص و آز ایشان را جلب نموده بود «سیروس» وقتی که باختر وسغدیان رافتح نمود برای حفاظت این دو ولایت با اقوام فوق مبارزهٔ زیاد نمود از وسط قرن ۲ ق م گرفته بعد، این قبایل چندین مرتبه به پارتیا و مرجیانا وباختر تهاجمات کرده اند . آیا ازخاندان «ارساسید» پارتیا دونفر فرهاتس دوم Phraates II وارتبانوس دوم Artabanus II در مقابلهٔ اسکائی ها کشته نشد ؟ تا اینکه مهرداد دوم پارتیا را از یغمای آنها نگاه کرد . ولی باز هم در حوالی ۱۰۰ ق م در باختر نفوذ نموده سرزمین حاصل خیز هلمند، «ساکاستانا» یاسیستان را متصرف شدند ودر حوضهٔ اندوس هم دست یافتند هکذا آمدن یوچی ها یا کوشانی ها وتشکیل سلطنت مقتدری در آریانا مربوط به همین موضوع است غیرازین عناصر آریا هیاطله ـ ترک ها ـ تازمان تهاجمات چنگیز خان همه ازماورای اکسوس به باختر نه ریخته‌اند ؟ باین شهادت‌های صریح تاریخی شکی در مندرجات اوستا باقی نمانده ، وحتماً پیش از زمان سروس ومادها، شاهان باختر همیشه باقبایل علف نشین شمال مصروف مقابله وپیکار بودند .

در اوستا باشندگان باختر سراسر یك‌ملت «سوار کار» نمایش یافته وواضح معلوم میشود که اسپ را خیلی دوست داشتند و در زندگانی آنها رول مهمی بازی میکرد پیشتر در ذیل شاهان «دسته اسپه» دیده شد که بسیار نامهای مردان معروف و شاهان باختر به کلمهٔ اسپ منتهی میشد ویکی از مراکز مهم آن ولا قریب بلخ امروزه بنام «هزار اسپ» یاد میشد . قربانی اسپ دراوستا مهمترین قربانی‌ها بشمار رفته چنانچه قربانی‌صداسپ برابر هزار نرگاو وده هزار حیوانات دیگر منزلت داشت . تنها در سلك نظام داریوش چهارم سی هزار سوار کار بلخی منسلك بود گفته میتوانیم که اسپ علامهٔ فارقه ونشان مسکوکات شاهان یونانی این سرزمین بود تمام این چیزها نشان میدهد که وقتیکه آریائی‌ها درسغدیان وبکتریان و مرجیان متمرکز شدند وزراعت بعلاوهٔ مال داری نزدآنها ترقی کرد لزوم حفاظت اراضی ازمهاجرت لاینقطع اقوام علف‌زار شمال ویغمای آنها بشدت حس میشد واین مسئله خود بخود در میان آریائی ها نجابت جنگجوئی را بمیان آورد که وظیفهٔ آن دفاع خاك باختر بود پیشتر گفتیم که غرب فلات آریائی ها را بحیره خزر وکوهای اذربایجان درامن نگاه میداشت حال آنکه باختر برروی نفوذ مهاجرت وتهاجم او لادان صحرا باز بود وفقط شمشیر وبازوی توانای مردان جنگ آزموده میتوانست که اراضی حاصل خیز باختر را محافظه کند . باختری که حتی درقرن ٦ ق م هم ازنقطهٔ نظر مدنیت مراتب ابتدائی را پیموده‌بود بخوبی چشم حرص بادیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نشینان را جلب میکرد . گفته میتوانیم که تهاجمات اقوام مناطق علف زار آسیای مرکزی در باختر وسغدیان ومرجیان از زمان ترقی پرورش حیوانات وانبساط زراعت شروع شد ، ودر اثر دوام وشدت این حملات بود که همدردی ووحدت آمال بیشتر در میان باختری‌ها پیداشده اسباب اتفاق وبرتری دستهٔ جنگجویان دران جامعه گردید هکذا یکی از راز های مهمیکه نسبت به دیگر نقاط فلات ایران اولتر اسباب تشکیل دولت‌ونظام سلطنت‌را در باختر فراهم کرد همین مفکورهٔ مقابله با اقوام علف زار بود که آنرا معمولاً بعنوان جامع مقابله (ایرانی‌وتورانی) یادمیکنند ودرحقیقت‌عبارت ازمقابلهٔ باختری‌ها بااقوام علف‌زار شمال‌است .

حالا که سخن به اینجارسید باید متذکر شد «یوروا تاسپه » و « ویستاسپه» شاهان همین سلطنت بودند دراوستا ایشان ازسلسلهٔ که بنام های «پارا داتا Paradhata » و « کاوه » یاد شده اند مجزی اند وباقسمت های مخصوصی که بنام شان علاوه شده ودیگر اختصاصات دستهٔ سومی تشکیل میدهند«دونکر» از روی تفحصات خود زمان سلطنت باختررا از ۱۱۰۰ تازه تر قرارنمیدهد وعصرحکمفرمائی ویستاسپه را به حوالی ۱۰۰۰ق م تخمین میکند ومیگویند شاهانی که‌اشتر دوکوهانه وگاو کوهان دار در(حوالی ۸۵۰ ق م بقسم باج برای سالمناسار دوم اشوری فرستاده اند وتیگیت پلیسر دوم در۸۴۵ق مدر ارا کوزی نفوذ ایشان را تهدید نموده وبالاخره سیروس ایشان را منطقی ساخت جانشینان ویستا سپه بود ند .

درآخر ناگفته نباید گذاشت که در ین سلطنت باختر طبقهٔ جنگجو وروحانیون هر دو اهمیت زیاد داشتند چنانچه شهرهای «زاریسپ »وبکترا مراکز آنها بشمار میرفت ودر اثر ترقی همین دوروح بود که زور استر ازنقطهٔ نظر دین انقلابی درجامعهٔ باختری تولید کرد وروح عسکری وجنگجوئی که در زمان هخامنشی ها تهدید شده بود درعصر تهاجمات یونانی دوباره جان گرفته ودر دامان کوهای سربفلك کشیده مدت چهار سال جنگجویان این کشور مهمترین کارستان های جنگی را به یونانی ها نشان داد ند .

سلطنت باختر:

دردورهٔ ویدی تاریخ آریانا که‌برای تذکار وقایع مربوطهٔ آن رسالهٔ تخصیص داده شده است‌تاجائیکه ازروی‌منابع موثق سرودهای چهار کتاب« وید» معلوم‌میشود آریائی‌های‌باختری پیش ازشروع مهاجرت بطرف هندوایران دارای نظام‌سلطنتی نشده بودند وزندگانی ایشان سراسر جنبهٔ دیموکراسی قبیلوی داشت وهر قبیله تحت ریاست ملك خود وهر خانواده تحت فرمان پدر اداره میشد . چون دوره مهاجرت سالهای بین ۱۹۰۰ ق م و۱۴۰۰ ق م را در برمیگیرد ، گفته میتوانیم که درین‌مدت‌آریائی‌های‌آریانا دارای تشکیلات سلطنتی نشده بو دند چنانچه جنگ‌های «ده‌قبیله وده‌ملك» در سواحل چپ اندوس بوضاحت کامل این نظریه را

(c) ketabton.com: The Digital Library

ثابت کرده‌مانند تبلوئی حیات ملوك الطوایفی وقبیلوی و نفوذ اقتدار ملکان و روحانیون را درغیاب شخص «شاه» نشان میدهد پس آریائی های باختری نه‌فقط در زمان استقرار خود در باختر فاقد نظام سلطنتی بودند بلکه‌درتمام دورهٔ مهاجرت وانتشار عناصر آریائی در« آریانا » وهند وایران این تشکیلات درمیان ایشان وجود نداشت تا اینکه شاخهٔ هندی در حوضهٔ گنگا رسید وپارسوس‌ها شاخهٔایرانی بطرف‌غرب‌فلات آریائی‌ها باامادی (مادها) شاخهٔ دیگر آریائی که‌از راه دربند کسپین به‌حصص غرب ایران فرو آمده بود تصادم نمودند و به‌این طریق نظام سلطنتی دروادی گنگا« سوداس » در حوالی ۱۴۰۰ ق‌م ، ودرایران بعد از مادها باسیروس هخامنشی درحوالی ۵۴۹ بمیان آمد .

حالا سوالی درخاطر میگذرد که آیا اساس سلطنت و نظام حکمفرمائی مملکتی در خود باختروآریانا که‌منشاءمهاجرت آریائی‌های‌هندوایران بود چه‌وقت گذاشته شد ؟ جواب این‌سوال خیلی مهم است زیرا برخلاف آنچه که تاحال بواسطهٔ تاریکی موضوع تصور می‌شد بین دوتاریخ فوق الذکر یعنی زمان تشکیل نظام سلطنت درمیان آریائی های پنجاب وایران سلطنت نهایت مقتدری در باختر تشکیل شده بود متاسفانه تاریخ ظهور این سلطنت ، نام موسس آن ، علت وکوایف تشکیل آن‌چیزهائی است که‌درمیان‌پرده‌های تاریك زمانه‌پیچیده شده‌وکشاده در اطراف آن صحبت کردن اسان نیست معذالك چون به‌کتیبه های آشوری و سرود های رزمی ماد ها و پارسی ها رجوع شود از خلال روایات افسانه‌ئی عظمت سلطنت مقتدر باختر و نیروی مادی ومعنوی آریائی های این سرزمین بخوبی اشکار میشود .

دولت باختر وحکمفرمایان افسانه‌ئی اشور وبابل :

قدیمترین منبعی که‌ازان میتوان اقلاً نظریه‌ئی راجع به وجود دولت‌باختری ونیروی کهن ترین سلطنت آریانا بدست آورد . افسانه‌های آشوری واشعار رزمی ماد ها وپارسی ها است راجع به‌تعلقات دولت باختر وتجاوزات آشوری‌های دورهٔ‌تاریخی بطرف‌شرق‌آسیا آتیاً تاجائیکه معلومات در دست است بحث خواهیم کرد ولی پیش ازین مبحث که اشخاص تاریخی روی صحنه میایندقسمت قدیمتری‌هم‌است‌که اشخاص آن ، خصوص از طرف آشوری نیمه افسانه ئی ووقایع مربوطهٔ آنها هم طبعاً جزء اساطیر خواهد بود ولی بازهم چون شخصیت آنها خیلی برجسته و کار نامه های ایشان خارق العاده است ذکر ایشان بی مورد نیست . علاوه برین چون این اشخاص کاملا افسانه‌ئی هم نیست (حال‌انکه اگرفرضاً کاملا جزء اساطیر هم باشد تذکر آنها خالی ازفایده نیست) و دراثر تجاوزات آنها بطرف شرق وتعلقاتی نوی که‌پیدا میکنند اقلاً نظریه‌ئی راجع به‌وجود دولت باختر واقتدارآن نسبت به‌سائرحکومت های آسیای غربی بدست میآید تذکر آن جزء مرام این رساله است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نینوس ومقابله با دولت باختر .

درسرزمین بین رودخانه‌زاب ودجله که آن را میتوان مهد ظهور آشوری ها خو ا ند و قرار نگارشات یونانی‌هااولین سلطنت اسیائی در انجا عرض وجود نموده است چنین معمو ل بود که تاسلاطین کارهای‌فوق‌العاده نمیکردند صاحب شهرت ونام بلند نمی‌شدند اولین شاهی که‌حافظه‌ها به‌خاطر دارند وحایز کارنامه‌های بزرگ میباشد « نینوس » پادشاه آشوری ا ست مشارالیه طبعاً‌جنگجو وجاه‌طلب‌بوده اکثر تابعین‌جوان‌خودرا بعلاوهٔ اینکه‌مسلح ساخته‌در اثر مشق وتمرین‌های‌مختلف الشکل وطولانی برای‌استقبال هرگونه‌پیش‌آمدهای‌مشکل‌وخطرات‌جنگ آماده ساخته‌بود . بعدازتشکیل قشون‌عالیشانی‌با« اریوس »شاهزادهٔ اعراب‌متفق‌شده وباقشون‌زیادبر علیه بابلی‌ها برامد . هنوزدراین‌وقت‌شهر بابل‌آباد نشده‌بود زیرااساس آن‌را« سمیرامیس » عیال او میگذارد چون بابلی‌ها فاقد صفات حربی بودند ایشان‌را بدون اشکال مطیع خو د ساخته ،شاه ایشان را محبوس گرفته وباپسرانش بقتل رسانید وخراج سالانه برانهانشانید سپس بـاقو ا ی بزرگتر مشغول تهاجم ار منستان شد وشهرهـای آن سامان راخراب کر د . « بـارزانس » Barzanes پاد شاه ارمنستان چون درخود توان مقابله را باشاه آشورندید باتحایف بیشما ر بحضور « نینوس » آمده ومطیع اوشد انگاه نینوس اورا دو باره برتخت ار منستا ن نشانید بشرط اینکه اذوقه برایٔ جنگ‌ها تهیه نمایند، به این ذرایع چون قوای شاه آشوری تقو یت شده رفت فکر تسخیر مدیا درسرش افتاد ـ فارنوس Pharnus نام پاد شاه دریا بـاقو ای زیادی برای مقابله اوبرامد ولی‌پس پاشده شکست خورد ودرنتیجه خود او و عیـالش وهفت نفر پسران اورا « نینوس » به‌دار آویخیت . چون اشتها درخوردن است « نینوس » بعد از یك سلسله کامیابی های فوق الذکر بفکر تسخیر اسیا افتاد، و قراریکه « استزیاس Ctesias شرح میدهد ـ مصر ـ فنیقیه ـ کوئل Coele ـ شام سیلیسیا Cilicia ـ لیوسیا Lucia کار یا Caria لیدیا Lydia ـ میسیـا Mysia فریجیا Phrygia بی تونیا Bithunia کپـا دو چیـا Cappadocia ویك عده نقاط دیگر را به زیر فرمان آورد . انگاه بیشتر بطرف شرق‌ر خ نموده خودرا صاحب اختیاروبادار «کدوزی‌ها» ـ هیرکانیها-درانجی‌ها ـ دربکی‌ها ـ کر مانی ها ـ خوارزمی‌ها ـ پارسی‌ها ـ ودیگر ساکنین «سوزیانا» وبحیره خزر واقوام کو چك د یگر ساخت ولی بااین همه اقتدار وکوششات زیاد درمقابل باختری‌ها کامیابی حاصل نتو انست‌زیرا مدخل اراضی آنها دشوار گذار وعدهٔ مردان جنگی آنها خیلی زیاد بود به این ملا حظا ت جنگ ومقابله راباایشان به موقع مسـاعد تری مو کول سا خته وبعد از ۱۷ سال محار به کـه در نتیجه به استثنای باختری ها وهندی‌ها تمام اسیا را مطیع سـاخت باقشو نش به آ شور ی مرا جعت کرد پادشاه اعراب حلیف‌ومتفقش را باتحا یف وغنایم سر شار به مملکتش فر ستا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

وخود درنظر گرفت که شهری بسازد که نه فقط درسابق نظیرداشته باشد بلکه در آینده هم چشم روز گار مانند آن را نه بیند . بااین نقشه وخیال محلی را کناررود دجله انتخاب نموده وشهری بصورت مستطیل اعمار نمود دوضلع طویل شهرهریك(۱۵۰) استاد (۱) و دوضلع کوتاه آن هریك (۹۰) استاد طول داشت وروی هم رفته مساحهٔ سطح آ ن (۴۸۰) استاد میشوددیوارهای اطراف این‌شهر صدقدم بلندی دا شت و باندازهٔ ضخیم بود که سه کراچی با لای آ ن یکجا تردد میتوا نست . تعدادبرج هائی که حد بحد درین د یو ار های حصار شهر ساخته شده بود به ۱۵۰۰ میرسید وهرکدام ۲۰۰ قدم بلندی داشت. « نینوس» این شهر عجیب را که ازغرائب روزگار بود بنام خود مسمی نموده و بیشتر کسا نی را که درآنجا اجازهٔرهایش‌داده‌بود آشو ری‌بودند نام این شهرباستانی « نینوا » مانند خوا هرش شهر « بابل » که بانی آ ن عیال شاه، ملکه « سمیرا میس » است مثل کلمات سحر انگیز تا امروز باقی مانده وبعد ازین هم ازین نخواهد رفت .

❀ ❀ ❀

بعد ازینکه شهر « نینوا» به اتمام رسید « نینوس» که منتظر موقع مساعد بود بفکر جنگ باختری‌ها افتاده وچون ازتعداد زیاد مردان جنگی وحس‌سلحشوری‌ایشان و مشکلات اراضی خبردار بود ترتیبات بسیار بزرگ گرفته قشون تمام ملل واقوام مطیع خودراجمع و به تعداد ۱۷۰۰۰۰ نفر پیاده ، ۲۱۰۰۰۰ نفر سوار و ۶۰۰ ، ۱۰ عراده های جنگی آماده‌نمود . چون ازترتیب وتجهیزات‌قشون بیشمار خویش خلاص شد رو بطرف باختر نموده وبعلت اشکالات اراضی قشون خودرا بچندین جهه تقسیم نمود .

«اوکزیارتس Oxyartes» پادشاه باختر که این اوازه هارا شنید تمام مردان کا ری و جنگ آزمو دهٔ قلمرو خود را جمع نموده با ۴۰۰۰۰ نفر برای مقابلهٔ آ شوری ها تاقسمت های صعب‌العبور کهستانی پیش رفت ودر انتظار حمله صف آرائی نمود . آشوری ها که بواسطهٔ دره‌های تنگ‌دسته‌دسته شده بودندبه‌ترتیب عبور نموده ودرجلگه جمع شده‌میرفتند چون یك‌عدهٔ کافی آنها جمع شد شاه باختر مجال تمرکز تمام قوا رابه آنها نداده و برایشان حمله برد و تقریباً صد هزار نفر آ شو ر ی ها را بقتل رسا نید لیکن چو ن ما بقی قشون آشوری در اراضی هموار جلگه رسیدند در اثر تفوق تعداد ، باختری هارا پریشان سا خته وایشان رابه‌شهر های‌شان عقب نشانیدند میگویند که « نینوس» درگرفتن سائر شهرهای باختر چندان اشکال ندید ولی پایتخت و مرکز مملکت « بکترا Bactra » (بلخ)بواسطهٔ عظمت وبالاحصار مستحکم و آذوقهٔ کافی که‌داشت فتح نمیشد « نینوس » باقشون بیشمار خویش مدتی

(۱) واحد مسافهٔ یونانی است ومساوی ۶۰۰ قدم یافت یونانی میباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مشغول محاصره بودوهرچه فکرمیکرد راه کامیابی نمی‌یافت چون این وضعیت طول کشید «اونس Onnes » نائب السلطنهٔ شام که شاه آشوری رادر جنگ همراهی نموده واولین مشاور اوبشمار میرفت عقب عیال خود «سمیرامیس» نفرفرستاد تاحاضرشود وچارهٔ درمقابل باختری‌ها بسنجد .

نقشه « سمیرامیس » :

چون «نینوس» وژنرال‌های اووسائر شاهان قطعات مختلف اسیای غربی که در رکاب اوبودند دراشغال شهر «بکترا» موفقیتی حاصل نتوانستند به‌این نتیجه رسیدند که از «سمیرامیس» ملکهٔ سحرانگیز شامی که پسان تر بعنوان «بانی شهر بابل» شهرت پیدامیکند استمداد نمایند . چون رول سمیرامیس، درمقابلهٔ آشوری‌ها وباختری‌ها ودراقداماتی که پسان تر بطرف هند میکندخیلی مهم است بی مورد نیست اگر قبل ازذکر پلان ونقشهٔ جنگ اوچند کلمهٔ مختصر راجع بخودش بنویسیم :

میگویند که پادشاه شام چوپانی داشت موسوم به «سیماس» که رمه‌های اورامیچرانید . این چوپان روزی درمیان دشت بالای صخره سنگی دختر یکساله‌ئی یافته اورا بخانهٔ خود آوردو با گوشت کبوتر وشیروپنیر تغذیه نموده کلان ساخت وچون اولاد نداشت اورا دختر خوانده «سمیرامیس» نام نهاد ونزدخود نگاه کرد روزی «اونس» نائب السلطنهٔ شام که مامور ملاحظهٔ رمه‌های شاهی شده بود درکلیهٔ «سیماس» دختر خواندهٔ زیبای اورا دیده و عاشق اوشد وبااوا زدواج نمود ودرنتیجه صاحب دوپسر شدیکی «هیپاتس Hypates» ودیگری «هیداسپس Hydaspes » چون «سمیرامیس» درحسن وزیبائی طاق بود شوهرش مانندغلام مطیع فرمان اوشده وهیچ کاری را بدون مشورهٔ اونمیکرد زیراهر مشکلی بود دراثررأی صواب او حل میشد بهمین ملاحظه «اونس» چون دید که شهر «بکترا» فتح نمیشود و «نینوس» وقشون آشوری ناامیدشده‌اند عیال خود ملکه را احضار نمود .

❀ ❀ ❀

«سمیرامیس» چون از امر احضار خوددرمیدان جنگ مطلع شدموقع رابرای ابراز تدبیر وشهامت خویش مساعد یافته لباس مردانه دربرکرد وعقب حصار بلخ رسید مشاریالیها بعداز ملاحظهٔ وضعیت سپاه و موقعیت شهر بلخ وصورت محاصره ملتفت شد که قشون آشوری فقط به انطرف شهر حمله نموده اند که درمیدان هموارجلگه واقع است ، وبر بلندی‌ها وقسمت های مستحکم بالاحصار چندان توجه‌ئی نیست علاوه برین ازین وضعیت درک نمود که باختری هاهم عموماً به قسمت های هموار شهر درمقابل صفوف آشوری دفاع دارند وخودبالاحصار را ازتوجه افگنده اند «سمیرامیس» بعدازمطالعات درمیان دسته‌جات قشون آشوری آنهائی راکه به بالاشدن مهارت داشتند جمع نموده ازراه گودال عمیقی بر بالاحصار حمله بردوچون یك رخنهٔ آن رااشغال کرد به تمام

(c) ketabton.com: The Digital Library

قشونیکه درهمواری‌ها جمع‌شده بودند امر حمله‌داد . اشغال بالاحصار جرئت باختری‌ها را کاسته وبه‌این‌تدبیر شهر تسلیم‌شد «نینوس» به‌شهامت ودلاوری های‌این‌زن افرین‌گفته به‌اوخلعت های قیمتداری دادوچون اسیرحسن‌اوشده‌بود شوهرش خودکشی نموده و«سمیرامیس» عیال «نینوس» ملکهٔ آشوری شد .

سمیرامیس و فکر فتح هند :

بعد ازوفات نینوس «سمیر امیس» خودش برتخت آشوری نشسته وبعدا زتعمیر شهر بابل ویك‌سلسله آبادی‌های‌دیگر به باخترآمده ومدت‌مدیدی رابه‌ارامی گذرانید وچون‌می شنیدکه‌هند بزرگترین وقشنگ‌ترین‌ممالك دنیااست به‌فکر تسخیرآن افتادوبعدازسه سال زحمت ۳۰۰،۰۰۰ پیاده ۵۰۰،۰۰۰ سوار و۱۰،۰۰۰ عراده جنگی درباختر آماده‌نمود وچون‌شنیده بودکه هندی‌ها درجنگ فیل‌رانیز استعمال میکنند خدعهٔ‌بکار برده‌صد هزاراشتر را ازپوست های‌گاو سیاه بار نموده و بالای هر کدام سر بازی را نشانید تا شتر و بار و راکبش بمثابهٔ فیل بزرگ معلوم شود و کار فیل را بدهد . علاوه برین چیز ها برای عبور رود اندوس (سند) ده هزار کشتی ساخته وپارچه های آن را براشتر ها حمل نمود تالب دریا بهم بسته شده وکشتی ها آماده شود .

اماده گی هندی ها :

«استا برو باتس» شاه هندی باقشون و سفاین خود در سواحل اندوس منتظر آشوری هابود . چون «سمیر امیس» نزدیك شد با او مکاتبه را شروع نموده واز جنگ و حملهٔ بی جهت او را ملامت نمود «سمیر امیس» به مکاتبات اهمیتی نداده وچون کشتی های هندی ها کناررود خانه آمادهٔ جنگ بود مشارالیها هم سفاین خود رابسته کرده وحاضر محار به گردید ودر نتیجه یك هزار کشتی هندی ها غرق شده وفتح اولی نصیب« سمیرامیس » شد و بعلاوه اشغال جزائر وشهر های قریب سواحل صد هزار نفر هندی‌را دستگیر نمود پادشاه هندی ها باقشونش‌از سواحل رود خانه پس تر موقع گرفتند وچنین خیال داشتند که‌حین عبوز رود خانه به دشمن حمله کنند ولی سمیر امیس با تدابیر پخته پل عریضی بالای رود سند ساخته و تمام قشون‌خود را عبور داد و۶۰۰۰۰نفر را برای حفاظت پل گماشته خودش به مقابل هندی ها روان شد واشتر هائی را که بابار پوست گاو به‌فیل تغیر شکل داده بود در صف اول سپاه قرارداد چون هر دو سپاه بهم نزدیك شدند پادشاه هندی ها به سوارهٔ نظام و عراده های جنگی‌خودحکم حمله داد «سمیرامیس»فیل های مصنوعی را در مقابل آنها سوق داد . میگویند که چون بوی پوست های خام گاو به مشام اسپ ها و سوار کاران هندی رسید حال شان

(c) ketabton.com: The Digital Library

متغیر شده وایستادگی نتوانستند «سمیر امیس» که براسپ خود سوار بود ازین موقع مساعد استفاده نموده خود را با سواران به‌دل سپاه دشمن زد . «ستا برو باتس» شاه هندی بااین پیش آمد هم استقامت رااز دست نداده وکوشش داشت که باملکهٔ آشوری مقابل شود ، فیل های هندی ها دهشت بزرگی درصفوف قشون آشوری افگنده شاه خود را نزدیك به «سمیرامیس» رسانید وبعلاوهٔ اینکه تیراو به بازویش اصابت نمود ضربت نیزه ئی هم به پشت ملکه رسانید انگاه هرج ومرج زیاد درصفوف سپاه آشوری رخ داده در اثر تعداد خود آنهاوفشاری که‌هندی ها ازعقب‌آورده‌بودند بسیاری به رودخانه افتاد . چون «سمیرامیس» سراسیمگی وعقب نشینی حصهٔ زیاد قشون وفشار قوای دشمن را از عقب حس نمود پل را بریده ، عده‌ئی از آشوری ها که بالای پل بودند در آب غرق شدند . به این ترتیب دو ثلث قشون آشوری تلف شده آنچه باقی مانده‌بودبا ملکهٔ زخمی پس به باختر مراجعت کرد ودرهند فتوحاتی نتوانست .

❀ ❀ ❀

ازروی افسانه‌های آشوری‌واشعار رزمی پارس وماد، مقابله‌های آشوری ودولت باختر وهند به این منوال منتهی میشود . اگر چه برای «نینوس» «وسمیر امیس» که پهلوانان نیمه افسانه ئی اندتاریخی هم قائل شده وحیات و سلطنت ایشان را در حوالی ۲۰۰۰ ق م نسبت میدهند ولی ما تاریخ مذکور را در مورد سلطنت باختر استعمال کرده نمیتوانیم زیرا قرار نظریهٔ عمومی در ۲۰۰۰ ق م هنوز مهاجرت آریائی از باختر شروع نشده بود (۱) نا گفته نماند که تاریخ فوق از نقطهٔ نظر قدامت سلطنت آشوری که اولین شاه تاریخی آنها در ۱۱۱۵ ق م ظهورمیکند غرابتی ندارد بلکه سراسر ممکن مینماید که سلالهٔ خیالی وافسانه ئی آنهادرحوالی ۲۰۰۰ و حتی خیلی ها پیشتر هم وجود داشته باشد بهرحال پیشترمتذکرشدیم که اولین سلطنت آریائی های مهاجر دستهٔ شرقی درهند با«سوداس» درحوالی ۱۴۰۰ قم دروادی گنگا واولین سلطنت آریائی مهاجر دستهٔ غربی درایران باسیروس درحوالی ۵۴۹ قم در مهد خود شان تشکیل شد . ازطرف دیگر چون اولین شاه تاریخی‌آشوری «تیگیت پلیسر» بین ۱۱۱۵-۱۱۰۰ قم سلطنت نموده است‌نینوس وسمیرامیس اگرجنبهٔ حقیقت داشته باشند ازتاریخ اخیرالذکر مقدم تر بوده اند وامکان دارد که تا ۲۰۰۰ قم هم برسند حالا در مورد سلطنت وشاهان باختری وهندی که با «نینوس» و «سمیرامیس» آشوری مقابله کرده اند چه سان اظهار نظریه باید نمود ؟ در مورد «استابروباتس» شاه هندی گفته میتوانیم که شاید غیر آریائی و از تودهٔ «دراویدی» عرق

(۱) زیرا اوائل مهاجرت آریائی را ازباختر معمولاً به ۱۹۰۰ قم نسبت میدهند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

قدیم هند بوده باشد زیرا با کتشفیات جدید مراتب اقتدار ومدنیت هند قبل آریائی بخو بی ثابت شده است «اوگز یارتس» شاه باختر معاصر نینوس وسمیرامیس غیرازعرق آریائی چیز دیگر بوده نمیتواند وگفته میتوانیم که بعدازاولین جنبش مهاجرت که درحوالی ۱۹۰۰ ق م شروع ودرحوالی ۱۴۰۰ در گنگاودر قرن ۷-۸ ق م باپارسوس ها درایران سرایت میکند نظام سلطنتی درخود باختر هم درمیان آریائی های بین عصر «ویدی» و «اوستائی» عرض وجود نموده است . پیشتر متذکر شدیم که برای تشکیل اولین سلطنت آریائی باختری تاریخی معین کردن مشکل است : اگر یکطرف به تاریخ تشکیل اولین سلطنت آریائی های شاخهٔ هندی در گنگا درحوالی ۱۴۰۰ ق م نگاه شود وازطرف دیگر به یك سلسلهٔ شاهان افسانه ئی «اوستا» دقت شود که هر کدام به مراتب از «نینوس» و «سمیرامیس» شگفت انگیزتربوده ومقامی بلندتر از بشر عادی احراز کرده اند آنگاه به سهولت به این نتیجه میرسیم که سلطنت آریائی باختر اگرفرضاً درحوالی ۲۰۰۰ ق م وجود خارجی نداشت اقلاً پیش از ۱۱۰۰ ق م فکر نظام سلطنتی درانجا پیداشده بود .

درباب نفوذ واقتدار اگر بیائیم از آنچه که پیشتر گذشت بو ضاحت کامل معلوم میشود که دولت باختر نسبت به تمام سلطنت های نقاط مختلف آسیای غربی قوی تر بوده چنانچه «نینوس» نه تنها نیروی آشوری بلکه قشون تمام شاهان تحت الحمایه خود را تمرکز داده و همه را برعلیه دولت باختر باخود آورده بود و باز هم فیروزی نصیب ایشان نمیشد . بلخ که در عصر اسلامی «ام البلاد» شده بی حقیقت نیست پیش از ینکه «نینوس» شهر «نینوا» و «سمیرامیس» شهر «بابل» و باغهای معلق آن را تعمیرکنند «بکتر» وجود داشت ومرکز سلطنت باختربود وچنین شهر بزرگ ومستحکمی بود که مدحش ترین قشون آشوری و متحدین اوازاشغال آن عاجزشده بودند «راولسن» درملحقات جلد چهارم تاریخ هرودت صفحه ۱۶۶ نیروی باختر بزبان فصیح بیان میکند (۱)

آریانا و تجاوزات دولت آشوری بطرف شرق آسیا :

درین شبهه نیست که آشوری خصوص آشوری دورهٔ تاریخی یکی از مقتدر ترین دول آسیای غربی بوده و کتیبه های شاهان ایشان مراتب کشورکشائی ومدنیت آنهارا نشان میدهد آشوری های دورهٔ تاریخی بطرف شرق آسیا فتوحات زیاد نموده واز روی کتیبه های میخی معلوم میشود که «تیگت پیلسر» Tighat Pilser اولین شاه تاریخی آنها که بین (۱۱۱۵ ۱۱۰۰ ق م) سلطنت داشت داد جنگجوئی را داده ودر فلات ایران تا کنار دریاچهٔ «وان»

(۱) باختری ها مهمترین تمام قبایل سرحدات شمال شرقی میباشند از روی روایاتی که بمارسیده معلوم میشود که برای یونانی ها اقتدار وعظمت باختر درعصر آشوری ها چیز واضح ومبرهن بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

که در ارمنستان در جنوب قفقاز واقع است پیش آمده بود بعداز اوشاه دیگر ایشان « آشور نازیرهابال » Assur-Nazir Habal در قرن ۹ ق م بخاك ایران بنای تهاجمات را گذاشت «سالماناسار» سوم Salamanasar III پاد شاه دیگری است که از دونفرفوق الذکر بیشتر بطرف شرق تجاوز نموده «امادی» و «پارسوس» یعنی «ماد ها» و «پار سی ها» را که هنوز دارای تشکیلات اداری و سلطنتی هم نشده بودند شکست های مد حش داده و بسیار رؤ سای آنهارا بقتل رسانید . فشار آشوری ها بالای «ماد ها» و «پارسی» چیزواضح است و کتیبه های میخی ازان به صراحت سخن میگوید . میگویند که این « سالماناسار » یا سالماناسار دوم ازحدودفارس به آریانا هم تجاوز نموده ولی حقایق وکوایف آن معلوم نیست وذیلاً می بینیم که این نظریه چطور نشئت کرده است .

در میان خرابه های مقرسلاطین آشوری که در « شالاه Chalah » در محل تقاطع دورود بزرگ «زاب Zab »ودجله واقع است ستون سنگی کشف شده که «سالمانا سار» دوم که از ۸۵۹ تا ۸۲۳ سلطنت داشت آن را یاد بود فتوحات خویش برپا نموده بود .

درمیان غنائمی که بهاوداده شده بود «کرگدن » ـ فیل ـ گاو کوهان دار اشتردو کوهانه اسم برده شده است ومحض بواسطهٔ اینکه ازین حیوانات اشتر دوکوهانه (۱) وگاو کوهان دار در بکتریان ، در جنوب بحیرهٔ خزر ودر تا تارستان وجود داشت وپسان ها فیل هم درتصرف حکمفرمایان باختر افتاد پروفیسر «دونکر» جرمنی چنین نتیجه میکشد که باید قشون «سالماناسار» مذکور تا آخر پارتیا درحواشی خاك آریانا هم پیشرفت نموده باشد .

این دلیل او اگرچه طبیعی مینماید ولی راه رد هم داشت اما متعاقباً مشارالیه متن کتیبه های « تیگت پیلسر »دوم شاه آشوری را بمیان آورده می نویسد که مشارالیه اگرتا بکتریان پیش نرفته تاوادی هلمند و« اراکوتی »تجاوز نموده است . قرارتذکر مورخ جرمنی موصوف در میان اراضی مفتوحه سال ۷۴۵ ق م آشوری نیسا Nisaa زیکروتی Zikruti ـ اراکوتی Arakutti نام برده شده است مشارالیه تشریح میدهد که درموقعیت « نیسا » شبهه ئی نیست وعبارت از « نیسهٔ آ Nissea » شرق مدیا میباشد . «زیکروتی» بلا شبه عبارت از «سکار تیان » هرودوت و « اساکارتا » کتیبه های قدیم پارسی ها میباشد ـ « اراکوتی» شکل سامی نام اراکوزی » است که هخامنشی ها آن را « هیرو واتی » میگفتند . چون « اساکارتا » کتیبه های هخامنشی و « هیرو واتی » ایشان عبارت از وادی هلمند وارغنداب است معلوم میشود که «تیگت پیلسر »درحاشیه غربی آریانا درسیستان وقندهار رسیده بود اما نفوذ او به سائر نقاط

(۱) این شتر مخصوص باختر بوده ازان سبب بنام بختی یعنی باختری تاکنون شهرت دارد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مملکت آریانا وصفحات باختر ثابت نیست .

« دونکر » بعد از ذکر مراتب فوق می نویسد : ـ « تاجائیکه عجالتاً از روی کتیبه ها قضاوت شده میتوانند جانشینان « تیگیت پیلسر » باجنگ های خود بیشتر بطرف شرق ایران تجاوز نتوانسته اند وبصورت محقق گفته میتوانیم که دونفر از شاهان آشوری « اسارهادون » و « اشور بانی پال » که سلطنت آشوری را بحد کمال واعتلا رسانیدند درین سمت فتوحات مزید نکرده اند .

ثقافت معنوی

درصفحاتی که قبل برین گذشت آنچه راجع به باختر وجامعهٔ باختری نوشتیم بیشتر جنبهٔ مادی داشت حالا میخواهیم به شق دیگر مدنیت عصر اوستائی که عبارت از ثقافت معنوی آن دوره میباشد به پردازیم درباختر از قدیمترین زمانه هائی که معلومات در دست است دو روح همیشه در جامعه ترقی داشت یکی روح سلحشوری ودیگری روح مذهبی . در صفحات ماقبل بصورت غیر مستقیم تااندازهٔ کافی علت انبساط روح سلحشوری وسوارکاری وترقیات آن نسبت به سائر نقاط آسیائی شرح یافت ودیده شد که باختر نه تنها سدامواج تهاجمات تورانی بود بلکه با قوای مدحش ، آشوری های سامی نژاد هم مردانه مقابله ها نمود . دراثر تنمیهٔ این روح باختری ها نسبت به سائر باشندگان فلات آریانا یك بدیگر بیشتر نزدیك ومتحد شده خود را وظیفه دار دفاع خاك آریائی تصور مینمودند وتااندازهٔ کافی در مقابل تورانی ها و سامی ها از انجام این عهده هم برآمدند . روح مذهبی ودیانت خواهی به مراتب از جنبهٔ سلحشوری درجامعهٔ باختری ریشه دوانیده و گذارشات تاریخی بوضاحت نشان میدهد که از زمان استقرار آریائی ها درحوضهٔ اکسوس حتی قبل ازظهور ایشان از زمانه های قبل التاریخ تازمان انتشار دین مقدس اسلام که باختر باسلالهٔ سامانی مهد مدنیت اسلام و کعبه امال مسلمین میشود همیشه ادیان مختلف عناصر پرستی ، برهمنی ـ مزدیزم ـ زور استریزم ـ بودائی ـ اسلامی هر کدام بنوبهٔ خود شکوه وجلال مخصوصی داشت . برطبق پروگرام خود درین رساله ما به دو مرحلهٔ مذهبی که عبارت از مزدیزم وزور استریزم باشد سروکار داریم بعضی ها درین دو هم فرقی نمی بیند ولی چون در حقیقت فرق زیاد است و « مزدیزم » مانند حلقهٔ زنجیر بین عناصر پرستی اولیهٔ آریائی و « زور استریزم » قرار گرفته حتماً باید دراینجا از آن بحث شود . مزدیزم مانند زور استریزم از خود کتاب ومقنن مخصوصی ندارد ولی بی وجود آن تغیرات عناصر پرستی آریائی به زور استری فهمیده نمیشود لذا اول مختصراً در اطراف مزدیزم شرحی نوشته سپس به تفصیل زوراستریزم می پردازیم :

(c) ketabton.com: The Digital Library

آئین مزدیزم :

ازروی مبانی عناصر پرستی آریائی که شرحش در رسالهٔ «مدنیت ویدی» داده شده استنباط میشود که آریائی ها در اثر دو عامل «امید و بیم از عناصر» قوای طبیعی و تاثیرات فلکی را ستایش کرده ومتعاقباً قوای روحی تخیلی هم نزد ایشان شکل ارباب انواع را بخود گرفت قرار نظریه بعضی مدققین که «کریستن سن» مستشرق دانمارکی هم ازان جمله باشد قبل ازینکه مهاجرت آریائی شروع وقبایل آریا از باختر بطرف هندوایران بروند درمیان «دیواها Daivas» (که مهمترین آنها اندرا «Indra» رب النوع جنگ بود) و «آشوراها Assuras» یعنی ارباب انواع پیمان و ارامش و حقوق (که سرحلقهٔ آنها «وارونا Varuna» رب النواع اسمان ستاره دار ومتیرا Mitra رب النواع روشنی بود) اختلافی وجود داشت.

به این اساس اغلب علما متفق اند که مزدا Mazdah یعنی «عاقل» آریائی های باختری که درعین زمان مقام «اهورای» عالی هم دارد همان «وارونا» قدیم آریائی است که او را «وارونا اهورا» هم میگفتند وچون درزبان اوستائی یازند (س) به (ه) تبدیل میشود «وارونا اسورا» به «واردنا اهورا» تبدیل شده وچون «مزدا» به تعبیر نوعبارت از همان «وارونا» قدیم است «وارونا اهورا» «مزدا اهورا» یا «اهورامزدا» گردید.

به این ترتیب مجموعهٔ ارباب انواع قدیم آریائی که روی هم رفته آنها را «دیواها» یعنی (ذرات درخشان) میگفتند ازهم سوا شده «دیواها» که درراس آنها «اندرا» رب النواع جنگ قرارمیگرفت با «اهوراها» که بیشتر ارکان آن را ارباب انواع روشنی تشکیل میداد و «مزدا» سرحلقهٔ آنها بود اختلاف پیدا کرد طوریکه «دیواها» مخصوصاً مواد تمجید قبایل چادر نشین وجنگجو «اهورا» که جنبهٔ مدنیت کارانه بیشتر داشتند طرف ستایش شهرهای مدنی تر واقع شدند و «اهورا مزدا» نزد آریائی های باختری شکل رب الارباب (۱) یارب النوع عالی بخود گرفت و به این ترتیب آئین «مزدئیزم» ردجامعه باختری بوجود آمد «مزدا» درجامعه آریائی باختری رب النوع یک معبد یا یک ملت نبود بلکه معبود تمام جهان وبشریت بشمار میرفت.

چون «مزدیزم» درحقیقت دنبالهٔ همان آئین عناصر پرستی قدیم آریائی است نام ها د یادگار های اکثر ارباب انواع قدیم دران باقیمانده چنانچه میترا Mitra رب انواع میثاق و روشنی - اردوی سورا Ardevi-sura یا «اناهیتا» ربته النوع آب و حاصل خیزی - Veretrayna «وری تری نا» رب النوع فتح وهرکدام به نوعی توصیف شده وقدیم ترین قسمت اوستا نه آنها اشاره کرده است.

(۱) نها به عقاید منسوخه شان

(c) ketabton.com: The Digital Library

« مزدئیزم » که از نقطهٔ نظر دیانت برزخی بین عناصر پرستی اولی آریائی و دیانت زور استری راتصویر میکند درسلسلهٔ ادیان قدیم آریانا مقام خیلی مهمی دارد زیرا متکورهٔ عناصر پرستی اولیه آریائی و مبانی آئین جدید زوراستری رامانند حلقه بهم وصل میکند و با این صفت درحالیکه ازیکطرف بقایای عناصر پرستی درآن دیده میشود از طرف دیگر شباهتی به زوراستریزم بهم میرساند وچون مزدئیزم باشکل مخصوص خود بامهاجرت یکدسته قبایل آریائی به‌تمام‌نقاط فلات آریانا منتشر میگردد ازآن علاوه برزوراستریزم که در اوائل تنها در باختر محدود بود شعبات دیگری بنام «میترائیزم » و« اناهیتیزم » وغیره می برآید که به تدریج از سواحل غربی آسیای صغیر دراروپا سرایت میکند هکذا طوریکه در رسالهٔ مخصوص در قسمت هخامنشی‌ها خواهیم دید« مزدئیزم» عصر فارسی های هخامنشی (طبقهٔعوام) و (مغ‌ها) یا کاهنان فرق داشت حتی‌شاه وخاندان او رویه‌ئی مخصوص برای خود داشتند ودرموقعیکه «هیرودت » مورخ یونانی ازدین ومذهب فارسی‌ها ومادها صحبت میکند.هنوز آئین جدید زور استر از باختر بغرب سرایت نکرده بود ودرقرن٤ ق م باراول یکنوع مزدئیزم به‌لباس زوراستری بین مغ ها دیده میشود که بامذهب اوستائی جدید هم فرق دارد و از آن در موردش صحبت خواهیم کرد مدققین بامقایسه درمیان عناصرپرستی اولیهٔ آریائی و آئین مزدئیزم عوامل‌مشترکه زیاد یافته اند وچون مزدئیزم قراریکه دیدیم ازعناصر پرستی اولیهٔ آریائی بمیان آمده ومهد هردو باختر بوده پیدا شدن چیزهای مشترك درآنها از مسائل طبیعی است خلاصه اسامی بعضی ارباب انواع که در آنها مشترك است قرار آتی است .

عناصر پرستی آریائی	مزدئیزم
اسورا وارونا (آسمان ستاره‌دار رب‌النوع بزرگ)	« اهورا مزدا »رب‌النوع عالی
میتهرا Mithra (رب‌النوع روشنی)	میترا Mitra (رب‌النوع میثاق وروشنی)
سوما Soma (شرابی که‌از گیاه ساخته میشود)	هوما Homa (شراب مذکور)
اگنی Agni (آتش)	اتار Atar (آتش)

زور استری :

دراین‌رساله که‌برای شرح‌مدنیت عصراوستائی آریانا تخصیص‌داده‌شده‌دیانت «زوراستری» که‌بنام مقنن بزرگ بلخی «زوراستر» معروف‌شده مقام خیلی شامخی‌دارد ومدنیت این دوره بدون‌نام زوراستر وکتاب اوستاو آئین زوراستری معنی ندارد . آریائی‌های اوستائی که‌بعد ازمهاجرت شاخه‌های آریائی بطرف هند وایران درآریانا ماندند « بلهیکا» یا « باخدی »را که‌به‌صفت « شهرییرق های‌بلند» یادشده مرکز سلطنت وفعالیت‌های عسکری ومذهبی خودقرار داده وتقاضای محیط‌وزمان ازاصل مبدءعناصرپرستی ومجموعهٔ ارباب‌انواع آریائی وقت بوقت

(c) ketabton.com: The Digital Library

باتغیرات تدریجی دیانت‌های بمیان آورده رفت . چنانچه مزدئیزم که‌یك یادوقرن قبل‌ازهز ار اول ق م درباختر بمیان آمداولین قدمی‌بود که‌بعدازجداشدن آریائی‌ها ومهاجرت آنها بطر ف هندوایران درباختر برداشته شد .

سپس‌در حوالی هزار ق م معاصر زمان سلطنت «کشتا اسپه» یا «کشتا سپ» که‌ا حتیاج مقابلهٔ عناصر آریائی‌با تورانی های ماورای آمو بیشتر حس میشد مقنن بزرگ اجتماعی بنا م «زوراستر» یا «زوراسترا» یا«زردشت» ازمیان‌باختری‌ها سربرآورده درآئین «مزدئیزم» تغیراتی واردکرد ومطابق مقتضیا ت محیط ووقت‌قوانینی وضع کرد که‌مجموع آن‌بنام کتاب اوستا معروف شدودر نتیجه باختری‌ها دارای سبك زندگانی ودیانت مخصوص شدند .

اهمیت معنوی این‌انقلاب که‌مختصراً درین‌رساله بحث‌میشود خیلی‌ها بزرگ‌است زیر اهمان طوریکه قبایل آریائی «ویدی» آریانا‌سبك زندگانی ـ زبان ـ مجموعهٔ‌ترانه‌ها ـ ارباب النواع داشته ودرنتیجه دراثرمهاجرت یکدستهٔ آن به‌پنجاب انقلاب اجتماعی ـ نژادی ـ لسانی بزرگی درخاك هندبمیان می‌آید که‌اثرات آن تاامروز فنانشده است . چندقرن بعدتر قبایل باقیماندهٔ آریائی آریانا صاحب زندگانی ـ زبان‌ودیانت ـ اجتماعیات ـ قوانین وکتاب مخصوصی میشوند که انقلاب بزرگی درآریانا تولید نموده اثرات آن بشکل «میترائیزم» و«انا هیتیزم» تانقا ط غرب‌اروپا وبصورت «مزدئیزم »و «زوراستری» درحوالی قرن٤ ق م درقسمت های غر ب ایران کنونی نیز سرایت میکند .

همانطوریکه چهارکتاب «وید» ومخصوصاً سرودهای (ریگ‌وید) منبع‌معلومات مادر زمینهٔ مد نیت عصر «ویدی» میباشد کتاب اوستا باوجودیکه نسخهٔ اصل باختری آن در دست نیست یگانه‌منبع موثقی‌است که‌معلومات دلچسپ وقیمتداری ازآن‌نسبت به تمام‌مسائل اجتماعی ـ دینی ـ اخلاقی ـ قانونی ـ وقایع تاریخی داستانی ـ وجغرافیائی آریانا بدست می آید .

چنانچه درقسمت تشکیلات سلطنتی باختر که‌قبل برین گذشت حصهٔ‌بزرگ معلومات از خلال مضامین‌خوداوستا استخراج شده‌است‌وآنیأهم ازهرنقطهٔ نظرهرچه که‌بنویسیم مستند برنگار شات اوستاخواهد بودپس چون‌چنین‌است ابتداشرح مختصری راجع‌به‌خود زوراستر داده سپس کتا ب اوستارا ازپهلوهای مختلف معاینه میکنیم‌ودراخرمستند بران‌دراطراف بعضی‌قسمت‌هائی که‌مو افق به‌مرام این‌رساله باشد صحبت می نمائیم .

زور ا ستر :

زوراستر ـ یازوراشترا ـ یا زردشت کسی‌است که‌نسبت به‌حقایق شخصیت اومنابع تاریخی بدلائل‌آتی‌الذکر بطور یقین چیزی گفته نمیتواند وازین‌سبب اگربعضی نظریه‌ها ازطرف متتبعین داده‌شده همه‌فرضی وتقریبی‌است وچون اصل‌اوستا ودیگرکتب عصراوبواسطهٔ فتنهٔ‌یونانی‌بر بادشد

(c) ketabton.com: The Digital Library

مورخین به خاطره های باقیماندهٔ آن که بشکل داستان واساطیر در آمد متوصل شده میگویند که « زردشت » نام چندین نفر بوده و یا هیچ وجود خارجی نداشته وشخص وهمی وتصوری است ولی اگر در ین مسئله دقت شود که زوراستر وآئین او با نظریات مختلفی که در ین باره است بین قرن ٦ وهزار ق م بمیان امده و سپس تمام آثار وکتب آن دوره با آشوب یونانی تباه شد طوریکه یك نسخه هم از کتاب « اصل اوستا » باقی نماند طبعاً باید که زوراسترمقنن باختری شکل موهومی بخود بگیرد زیرا فراموش نباید کرد که او ستائی که امروز در دست است و از آن همه صحبت میکنیم اوستائی‌است‌تازه که درعصر پارتی وباز دفعهٔ دیگردرعصر ساسانی از حافظه هاواوراق خطی پراگنده جمع‌شده ودست زیاد خورده‌حتی درقرن ۹ مسیحی دوصد سال بعد از ظهور دین مقدس اسلام هم در آن چیزی تزئید کرده اند پس افسانه هائی که راجع‌به زوراستر نقل میکنند همه ساختگی‌وبیشتر آن هم درعصر پارتی وساسانی که‌میخواستند زوراستر وآئین اورا زنده‌بسازندبمیان آمده‌پس اگر شخصیت زوراستر تایك اندازه و ضعیت افسانه ئی بخود گرفته علتش‌یکی بربادی اثار تاریخی عصر او با اشوب یونانی و دیگر هم عدم معلومات محیط عصر پارتی وساسانی‌است واین‌باعث شده نمیتواند که زوراستر یازر دشت بلخی وجود نداشته باشد اینکه میگویند زوراستر نام چند نفر گذشته بی اساس نیست بعلاوه زوراستر باختری،دو نفر دیگر راهم به این نام یاد میکنند یکی‌زوراستری که اصلاً نامش مزدك بوده و درعصر ساسانی ها درآئین‌زردشتی عصر ساسانی‌تغیراتی‌وارد کرده ویاد آئین قدیم باختر دین نوی بمیان آورد ودیگر زوراستر آشوری که او را مورخین قدیم یکی ازشاهان ماد وحکمفرمای بابل تصور میکنند وتاریخ او را در حوالی ۲۲۰۰ ق‌م‌ثبت‌می کنند بهر حال زردشت بزرگ معروف همین شخص‌باختری‌بوده که اوستایکی‌از یادگارهای او است .

باوجود فتنهٔ تهاجمات یونانی وآشوبی که دراثر آن به معارف وکتب‌خانه‌هاصدمهٔ مدحش وارد شد ، نام‌زوراستر از خاطر هامحونشده واکثرمورخین قدیم وکلاسیك به خوبی از ویاد آوری کرده اند وتذکرات بعضی را در اینجا بیان میکنیم : ـ

افلاطون زوراستررا بانی مذهب‌ماژهادانسته‌اورا پسر «اوروماز Oromazes » (هرمزد) قلمدادمیکند هرمیپوس Hermippus که‌ازاهل سمیرنا Smyrna بود زوراستر را باختری وشاگرد «ازوناك Azonakes میداند .

دیودوروس Diodorus می نویسد که زوراستر درمیان آریائی ها چنین وانمود نمود که ارواح نیك‌اساس آئین نوی‌رابه اوالهام نموده است ترگ پومپیوس Trogus Pampeius اورا معاصر نینوس شاه آشوری‌دانسته مینویسد که‌زوراستر شاه باختری ها با کشف حرکات

(c) ketabton.com: The Digital Library

اجرام سماوی واسرار سحرامیز دیگر اقتدار فوق‌العاده حاصل کرده وآخر بدست نینوس بقتل رسید پلینی Pliny بملاحظه میرساند که زوراسترموسس‌دوکترین ماژهابوده و در روزی تولدی خود می خندید : Diochrysostom «دیو کریسوس تم» مینویسد که زوراستر در اثر عشق وعلاقهٔ که به حکمت وعدالت داشت منزوی درکوهی درمیان آتش زندگانی میکرد وچون پادشاه وقت باعرفا وبزرگان کشور به دیدن او رفت از میان آتش برامده و ایشان را به آئین خود دعوت نمود . کفالیون Kephalion متذکر میشود که زوراستر شاه باختر باسمیرامیس جنگ نموده ومغلوب اوشد . هکذا تئون Teon باشندهٔ شهر اسکندریه جنگ سمیرامیس وزوراستر بلخی رامتذکر میشود «امینوس مارسلی نوس» زوراستر را باختری خوانده علاوه میکندکه هستاسپ پدر داریوش آئین مغان را به خارج انتشار داد. سویداس Suidas زوراستر باختری وزوراستر آشوری را که درعصر نینوس می زیست از هم تمیز میدهد . علاوه برین‌بسیار کسان دیگربصورت های مختلف از زوراستر اسم برده اند و بعضی با اشتباه با زوراستر آشوری‌اورا هشتمین پادشاه ماد وسلطنتش رادر بابل مصادف به۲٤۵۱ و۲۲۲٤ ق‌م قرار میدهند لیکن‌چون اکثر این بیانات اغراق امیز و خالی از حقیقت است‌از ان صرف نظر میکنیم .

از بیانات مورخینی که گذشت چنین بر میآید که زوراستر موسس دوکترین ماژ ها اصلاً آریانی یعنی باشندهٔ‌سرزمین آریانا بوده«هرمی پوس» ـ تروك «پومپیوس» کفالیون‌ـ تئون ـ ارنوبیوس Arnobius وایوز بیوس Eusebius اورا از اهل باختر وشاه‌باختری ها مینویسد واز جنگ‌های اوبانینوس وسمیرامیس شاه وملکهٔ آشوری صحبت میکنند .

آنچه که خود «اوستا» و به تعقیب او « بنداهش » پهلوی عصر ساسانی مینویسد این است که«زو راستر» اصلاً از اهل باختر بوده اوستا پدر و پدر کلان اورا پوروشاسپه Pourushacpa وهیچا تاسپه Haechatacpa نام‌میبردو بعداز ۱۲پشت نسب‌اورا به«مانوشیرا» می رساند دراوستا مانوشیرا پسر «ایریو A iryu» قلمداد شده و « ایریو » پسر « تری تونا» Thraetaona است که نژاد آریائی آریانا احفاد او میبا شند .

بهرحال افسانه‌ها وغرائبات دراطراف‌شخصیت وظهور زوراستر زیاد است وکثرت آن چنین حکم میکند که باید ازهمه صرف نظر شود انچه واضح از کتاب او ستا فهمیده میشود این است‌که زوراستردرزمان ویستاسپ شاه‌باختردرحوالی‌بین۶۰۰و۱۰۰۰ ق م می‌زیست وچون عالم متبحر وشخص خیلی دانسته‌ئی بود دراثر تقاضای محیط دراصولات زندگانی ومعتقدات قدیم آریائی باختر اصلاحاتی نموده کم کم کارش بجائی رسید که قوانین اجتماعی شکل دین نوی بخود گرفت انگاه بحضور ویستاسپ حاضر شده با مجمع علمای درباری که عدهٔ آنها

(c) ketabton.com: The Digital Library

رابعضی ها ۶۰ نفر مینویسند مدت چهل روز بحث ومناظره نموده آخر همه رابه نظر یات خود قانع ساخت وشاه پیر وفرما یشات اوشد . ویستاسپ درانتشار آئین زورا سترجد و جهد بلیغ نموده حکم دادتاسخنان حکیمانهٔ او راروی پوست گاو نوشته به معابدباختر تقسیم نما یند بعضی ها مینویسند که دراثر حکم ویستاسپ از سخنان زوراستر فقط دو نسخه نوشته شده که درخزانه سلطنتی باختربود حین تهاجمات یونانی‌ها یك نسخهٔ آن در دسی نبشت- Des-i-nipst یعنی (قلعه کتاب) یاکتابخانه شاهی ودیگرآن درخزانه شاپیگان Shapigan بود این دونسخه از نسخه‌های اصل ومخصوص اوستا بود که باآب طلاروی پوست گاو نوشته شده و تا زمان اعتلای هخامنشی‌ها درباختر بود وبعدازآن آنهارا به کتابخانهٔ استخر بردند و حین تهاجمات یونانی یك نسخهٔ آن باکتابخانهٔ استخر طعمهٔ حریق شد و دیگرش را اسکندر برای ترجمه به یونان فرستاد .

اوستا :

کلمهٔاوستا رامستشر قین اروپائی بصورت مختلف ترجمه وتعبیر نموده اند بعضی آن را «مضمون» وبعضی کهاشتقاق آن‌را ازکلمه «Apstak اپستاك» گرفته اند « قانون » ترجمه کرده اند . کلمهٔ «زند» راکه به ان ملحق میکنند بصورت صفت تعبیر میشود وآن دومعنی دارد «شهر» و «نماز» واصلاً از کلمهٔ «زانتو» Zantu بمیان آمده است پس معنی اسم مرکب «زنداوستا» یك تعبیر«کتاب یاقانون شهری» وبه تعبیر دیگر«کتاب دعاونماز » میشود بعضی های‌دیگر مدعی اند که «اوستا» بمعنی (مجهول) است به‌این طریق که این کلمه مرکب ازدوقسمت است «او» بمعنی دانش و «ستا» بمعنی (نه) ومعنی شکل مرکب آنها غیر مفهوم مجهول میشود و علت این تعبیر را چنین مینویسند که چون اوستای‌باختری منحصر به دو نسخه بود وهردو دراثر تهاجمات یونانی ها ازبین رفت، درعصر پارتی وساسانی که شروع به جمع آوری پارچه های خطی نمودند معنی آن را عموماً به جهت اینکه بزبان زند نوشته شده بود نمیفهمیدند به‌این مناسبت آن را اوستا یعنی (مجهول) نامیدند لیکن روی هم رفته نسبت به تعبیر آخر نظریاتی که اول ذکر نمودیم صحیح تر بنظر میخورد . امروز عموماً کلمهٔ « زند » را « تفسیر » ترجمه میکنند ومعنی «زنداوستا» یا «اوستازند» «تفسیر اوستا » میشود انسیکلو پیدیای بریطانیا مینویسد که‌صورت قدیمه نام اوستا« اویستاك Avistâk » بود ومعنی حقیقی آن معلوم نیست .

اوستا روی‌هم رفته‌عبارت از«مانتراسپتا» «Manthracepta» یعنی «سخنان مقدس» است وبرمجموعهٔ هدایات وقوانینی نسبت میشود که زوراستر ازطرف هرمزد آورده بود .

او ستابوضعیتی که فعلاً دردست است حصهٔ محدودی ازاوستای قدیمی است که قوانین مذهبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

واجتماعی زوراستریزم را دربر میگرفت اوستای باختری بااوستای اولی که در حوالی ۱۰۰۰ ق م درباختر بمیان آمده دو مین مظهر روحیات آریائی است که مقتضیات محیط و زبان بمیان آورد .

ازاوستای باختری یااصل اوستا، امروز متاسفانه جز ویادگار های غیر مستقیم چیز دیگر دردست نیست و دونسخه که تاعصر یونانی وجود داشت طوریکه بالا گفته شد از باختر به استخر برده شده و در انجا یکی طعمهٔ آتش شد ودیگری به یغمای یونانیان رفت . به این‌قسم اوستای باختری ازین رفته مدت تقریباً ۴۰۰ سال (از حدود ۳۳۰ ق م تا ۷۰ ب م) یادگارآن درسینه هاوبعضی قسمت های آن پاشان و پریشان روی پارچه‌های پوست باقیمانده پس درصورتیکه کتاب اوستا از بین رفت آنچه که امروزاوستا خوانده میشود عبارت ازچیست ؟ ازاینجا مدققین به وجود دواوستا معتقد اند یکی اوستای بلخی که از ۱۰۰۰ ق م تا عصر اسکندر وجود داشت و دوم اوستای بعد از تهاجمات یونانی که ازان مفصل صحبت خواهیم نمود .

چون یك حصهٔ اوستا مجموعهٔ دعا ونماز است باوجود مرور زمان متوالی در سینه ها خوب حفظ شد مخصوصاً «وندیدادساده» که هرروز درعبادات تکرارمیشد ازسائرقسمت های اوستا خصوص « یشت ها » Yasts که عموماً ماه یکدفعه خوانده میشد خوب تر در حافظه ها نقش‌شده‌بود . اوستائی‌که بعد ازتهاجمات یونانی‌بمیان آمده وآن را معمولاً «اوستائی‌ساسانی» گویند اوستائی‌است که جمع آوری آن ازعصرولکش یا « ولوجسس» Vologeses شاه پارتی شروع‌ودرزمان سلطنت شاه پوراول (۲۴۱-۲۷۲م) تمام گردیده است .

اولین کسی که بخیال جمع آوری مضامین کتاب اوستا افتاد ولکش Volkash نام پارتی بود وچون در میان پارتی‌ها اقلاً چهار نفر به این اسم سلطنت نموده اند مدققین جمع کنندهٔ اوستامعروفترین «ولکش‌ها» ولوجسس اول Vologesesi رامیدانند که معاصر« نیرو» Nero پاد شاه رومابود و در نیمهٔ دوم قرن اول مسیحی سلطنت داشت (ولوجسس اول) برادرش « تری داتس Tridates» هردو پیرو آئین زردشتی بودند وحتی «تری داتس» خودش مغ بزرگ بود واین نظریه را مکاتیبی ثابت میکند که بین «نیرو» واین دو برادر مبادله شده است وازین گذشته چون ایشان اصلاً باختری بودندبه آئین زردشتی‌طبعاً بسته بودند . بهرجهت اولین اقدامی که درجمع آوری کتاب اوستا بعمل‌آمد ازطرف ولوجسس پاد شاه پارتی دراربع سوم قرن اول مسیحی بود . اوستای پارتی تاهراندازه که جمع شده‌بود تاظهورساسانی ها باقیماند .

موسس سلالهٔ ساسانی ارد شیرچون پسر یك نفر کاهنی بود که بنام «بابك» در یك معبد «اناهیتا» درشهر استخرمجاوری میکرد دراثرتوصیهٔ پدر به جمع آوری کتاب اوستا اقدام نموده

(c) ketabton.com: The Digital Library

« تا نسار Tansar بزرگترین عالم وقت خود را امر داد که هیئتی تشکیل داده رسماً به تعمیل این کار اقدام کند چنانچه تا اندازهٔ زیاد درین راه صرف مساعی بکار برده و آنچه در عصر پارتی جمع شده بود مکمل گردید .

بعد از اردشیر پسر ش شاه پور اول (۲۷۲-۲۴۱ ب م) سومین شخصی است که در تکمیل اوستا مجاهدت نمود مشارالیه حکم داد تا بعضی مباحث علمی- حکمتی- ستاره شناسی - فلسفی - جغرافیائی را از کتب قدیمهٔ هند و یونان ترجمه نموده داخل اوستا نمایند وحتی میگویند که از روی ترجمهٔ اوستای قدیمی که اسکندر یك نسخه اش را به یونان فرستاده بود ترجمه کرده و اوستا به این طریق دو باره ظهور نمود چون اوستای نو به ترتیبی که دیدیم از پارچه های پراگنده و سینه های توده جمع شده بود طبعاً روایات متضاد و مختلف دران زیاد بود و به این منا سبت طریقه های مختلف دردین زردشتی عصر ساسانی بمیان آمد مانند طریقهٔ مانی ومزدك وغیره که مربوط به وقایع عصر ساسانی است شاه پور اول و بعد از و بهرام اول (۲۷۶-۲۷۲ م) و حتی المقدور ازین تفرقه ها جلوگیری نمود تا اینکه سلطنت به شاه پوردوم رسید (۳۷۹-۳۰۹ م)

مشارالیه علمای تمام فرق راجمع نموده بعداز مناظره « ادار باد »Adarbad پسر مهر اسپاند « Mahraspand » در حالیکه برای ثبوت نظریات خود را در آتش افگنده وزنده برآمد بر رقبای خود فایق شد وپیروان اوستای نودارای وحدت مسلك مذهبی شدند وکتاب اوستای ساسانی به آخرین شکل خود درآمد .

پس به شرحیکه ذکر رفت و قتیکه کلمهٔ اوستا تلفظ میشود فراموش نباید کرد که اوستا دو دفعه حتی یك شکل سوم هم عرض وجود نموده یکی اوستای اصلی با ختری که مدققین اروپائی آن را اوستای قبل از اسکندر یاقبل از هخامنشی مینامند ودیگری اوستای نو که آن را معمولاً اوستای ساسانی میگویند ویادگار اوستای قدیم است که جمع آوری آن از ولوجسس اول پارتی شروع وبه شاه پور دوم ساسانی تمام شد وچون درعصر جنگ ها وغلبهٔ اعراب هم بسا کتب مذهبی وغیره درعجم تلف شد در دوقرن اول بعد از ظهور دین مقدس اسلام هم دراوستا چیزهای تزئید وتنقیص کرده اند که آن را بشکل سوم در آورده است .

بنظرعلما تنها قسمتی که از اوستای قدیم یااز سبك مفکوره ونظریات آن در اوستای تازه دیده میشود « وندیداد Vendidad » است که جزء اول اوستای جدیدرا تشکیل میدهد وفرگان اول بافصل جغرافیائی آن بهترین تبلوی افغانستان اوستائی است وازان درموقعش صحبت خواهیم کرد.

قدیمترین و مهمترین قسمت اوستای نو « گاتا » یاسرود هائی است که مجموعه آن کتاب پارسی های معاصر را تشکیل میدهد و تاریخ آن رادارمستتر فرانسوی در مقدمهٔ ترجمهٔ کتاب « زند اوستا » به انگلیسی به اواخر قرن اول مسیحی قرار میدهد ناگفته نماند که بعضی ها

(c) ketabton.com: The Digital Library

قدیمترین قسمت اوستا « گاتا » را قرار میدهند و « دارمستتر »هم میگوید یمکن اینطورهم باشد ونویسندهٔ ـ « وندیداد »،« گاتا »را درمقابل خود حاضر داشته ونوشته باشد اما ازنقطهٔ نظر مواد مفکوره ونظریات « وندیداد » طوریکه گفتیم قدیمترین قسمت اوستا است .

تقسیمات اوستا :

اوستا را معمولاً به دوحصهٔ بزرگ تقسیم میکنند حصهٔ اول وحصهٔ دوم .

حصهٔ اول شامل کتاب هائی است موسوم به : وندیدادVendidad و یسپراد Vispêrad یسناYasnaمختصر تفصیل آ نها را قرار ذیل میتوان تعریف نمود :

وندیداد : مجموعه قو انین مذهبی وافسانه ئی .

ویسپراد : مجموعهٔ دعاهای مخصوص مراسم قربانی .

یسنا بعلاوه دعاهای مخصوص مراسم قربانی پنج سرود گات ها را نیز دربرمیگیرد . این پنج سرود درلهجهٔ مخصوصی نوشته شده که از زبان عمومی سائر قسمتهای اوستا قدیمتر است .

این سه کتاب در اوراق قلمی به دو شکل دیده شده ، هرکد ا م تنها تنها یاهرسه یکجا ومخلوط . درصورت اول هرکدام دارای ترجمهٔ پهلوی ودرصورت دوم بدون ترجمه میبا شد وازین جهت مجموعهٔ هرسه کتاب را« وندیداد ساده »گویند زیراساده است وازخودترجمه ندارد.

حصهٔ دوم که معمولاً آن را « خورد ه اوستا » یعنی اوستا ی خورد هم میگو یند مرکب ازدعاهای کو چکی است که نه تنها علما وکاهنا ن بلکه تمام مردم از بردا شتند ودر مواقع معینهٔ روز ـ هفته ـ سال میخواند ند . علاوه برین « یشت ها » یا (سرود های ستایش) که تعداد اولیهٔ آنها زیاد بود ه وحال جزء (۱۸) آن باقیما نده هم جزء این حصه میبا شد .

اوستائی که جمع آوری مواد آن درعصر پارتی شروع ودر دورهٔ ساسانی به اتمام ر سید روی هم رفته مشتمل بر۲۱ کتاب یا (نقش) میباشد که آ نرابه سه دستهٔ هفت کتابی بنام دستهٔ گات ها یا الهیات دستهٔ دات Dât یاقوانین ودستهٔ هدها ما تا « H'adha-mâtha یاقسمت مخلوط .

ازمیان ۲۱ کتاب فوق الذکر عصر ساسانی فقط دوکتاب « وندیداد» و«استو ت یست Stot yast بصورت کامل بما رسیده باقی ازسائر کتب بعضی حصص کنده کنده وازیك قسمت دیگر فقط ترجمهٔ پهلوی آن دردست میباشد .

مهد وعلت رفورم :

درین شبه نیست که بازوراستر عهد نوینی در میان آریائی های آریانا شروع میشود ولی چون عهد نو دراثر رفورم زوراستر بعمل میاید باید دید که علت این انقلاب اجتماعی چه واصل مرکز آن کجا بود اگر چه فصل اول «وندیداد» بزبان واضح خاك اوستائی و اراضی را که

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر مزد خلق نموده شرح میدهد وما پسان ترتحت عنوان مبحث‌جغرافیائی اوستا از ان صحبت خواهیم کرد ولی - چون علل رفورم سراسربسته به کیفیت محیط است مختصر ازمرکز ظهورآئین اوستائی هم باید تذکر داده شود .

از مضامین پراگندهٔ اوستا به اطمینان و صحت کامل معلوم میشود که زور استر اصلاحات اجتماعی خودرا در شرق ایران کنونی‌درباختر شروع کرده و چون دیانت اوستائی توصیهٔ زیاد به زراعت و کشتمندی داشت امکان ندارد که‌این دین در صحرا های جدروزیا Gedrosia (بلوچستان) یاعلف زارهای سگارتیاSagartia ظهور نموده باشد .

غربی ترین نقطه که‌درجملهٔ اراضی اوستائی در اوستا ذکر شده راغا Raga است از جملهٔ ۱۶ قطعه اراضی که هر مزد خلق نموده همه در شرق فلات، خاك آریانای قدیم و افغانستان امروزی را تشکیل میدهد . درین شانزده قطعه زمین که‌پسان شرح آن داده خواهد شد باز اگر دقت شود اکثر ان دارای معایبی است که «انگرمانو» یااهریمن برضد هر مزد دران وارد کرده و اگر این‌نقاط هم از بین برداشته شود مساعد تر برای‌ظهور آئین اوستائی خاك «ایریانا ویجو» — «مارجیانا= مرو» - «سوغدیانا = سغد»و «بکتریا = باختر» باقی‌میماند. خود اوستاشهرت «زوراشترا» رادرسرزمین «ایریاناویجو» ذکر میکندچون‌این‌منطقه سال‌ده ماه سردوآب وهوای خنکی داشت معمولاً مورخین موقعیت آن را درشمال هندو کوه قرار میدهند در«بنداهش» نوشته شده که‌خانوادهٔ پدرزوراستر (پوروشاسپه) در دامنهٔ کوهی کنار رود خانه داراجا Daraja می زیست . بند اهش این رود خانه‌رادر «Airanvij ایران ویج» یعنی در«ایریانا ویجو» قرار میدهد وبعدازتحقیقات زیاد اکثر مورخین به‌این‌نتیجه رسیده اند که « ایریانا ویجو » باید در شمال شرق آریانا دربدخشان حالیه جستجو شود پیشتر دیدیم که «زاروشترا» معاصر و یستاسپه شاه‌باختر است نام او پاویستاسپ و«هوتا اوسه Hutaoça شاه وملکهٔ باختر که‌ازطرفداران جدی آئین او بوده وبا«ارجت‌اسپه» تورانی مقابله‌ها کرده همیشه متصل است ودرهرجائی که از پهلوانان ازمنهٔ قدیم وارواح های نیك استعانت خواسته شده پهلوی زاروشتراو «فراشوسترا» رفیقش نام‌نامی‌شاه باختر متصلاً یادشده وچون باختری هاو سغدیانی‌هانسبت به‌تمام نقاط ایران‌بیشترومستقیم‌تربا‌جامعهٔ تورانی‌تماس‌ومقابله‌داشته‌ودرحالیکه‌اوستا ویستا سپ پادشاه را حامی زوراشترا حساب میکند خودزو راسترا راهم درباختر قرار میدهد پس بزبان فصیح خود اوستا گفته میتوانیم که زور استر در شمال آریانا درباختر ظهور نموده وباختر مرکزظهور آئین او ستائی میباشد .

❀ ❀ ❀

سرزمین آریانا چطورعوامل ظهور آئین اوستائی‌شد؟ ودراثر چه کوایفی زور استر داخل

(c) ketabton.com: The Digital Library

اصلاحات اجتماعی ومذهبی گردید ؟ این سوالات باید حل شود زیرا یکی ازا سرار بزرگ ونهضت وبیداری قومی درآن نهفته است . قبایل آریائی قبل ازاینکه تقسیم شده بطرف هند و ایران رفتند دارای یك اختصاصات روحی ویك اساس عناصر پرستی بودند .

درین شبه نیست که مبادی تصورات مذهبی نزد آریائی های هندوایران ابتدا یك چیز بود . اصل اساس ازقدیم ترین زمانه ها همین بود که عوامل درخشان بارواح نیك مولد خیر و نیکی وعناصر تاریك اسباب ضرر رسانی ومرگ بود این اساس ومبادی قبل از اصلاحات زوراستر وجود داشت وتهداب عناصر پرستی قدیم آریائی بشمار میرفت . آریائی ها وقتیکه بهوادی گنگا رسیدند وحاصل خیزی زمین وفراوانی رادیدند این مفکوره اهسته اهسته درنزد ایشان عوض شده مخالفت عناصر دوگانه خوب وبدبکلی ازبین رفت واین نظریه پیدا شد که یك روح عمومی موجود است که ازان طبیعت وتمام مخلوقات بمیان آمده وهیچ عنصر مزاحم عناصر خوب شده نمیتواند وکارهای حیات بروفق امال ایشان خود بخود بکمال خوبی اجرا شده میرود انسان باید عاطل وبیکار درکنج عزلت نشسته باگوشه گیری وریاضت وتفکرات مذهبی خودرا محو نماید بلی سرزمین هند همیشه این سبك اثرات رادرساکنین خود تولید کرده وآریاها هم عندالورود ازان خلاص شده نتوانستند وبرهمنی و « جنیزم » و « بودئیزم » همه دراثر کوایف محیط هندبمیان آمده است .

برعکس خاك آریانا کاملاً اثرات معکوس داردواین اثرات هم بجای خود تابع قانون طبیعی ساختمان اراضی وآب هوامیباشد خاك آریانا که برخلاف وادی گنگادر حاصل خیزی بمراتب کمتر است تنوع دارد در آریانا اگر نقاط حاصل خیزهم است پهلوی آن دشت های لایزرع ودامنه های سنگلاخ کهستانی فراوان میباشد . نگاهی به افغانستان طبیعی بوضاحت اختلاف ساختمان اراضی ومشکلات خاك رابمانشان میدهد بلندترین نقاط مرتفعهٔ کهستانی درشمال، عمیق ترین دره ها به دوطرفه هندوکوه، صعب العبور ترین کوتل ها، جلگه های وسیع وهموار باختر، دشت های فراخ فراه وچخانسور وسیستان نقاط خیلی گرم شرقی وحاشیهٔ غربی ومراکزسرد وپربرف شمال شرقی و مرکزی رودخانه های سیلابی پامیرات ودیگر نقاط وسطی وجنوبی رودخانه های بزرگ اکسوس ـ هلمند واندوس ـ کوه های پرجنگل سرسبز وتپه های برهنه، یخچال ها وعالم های برف تمام این چیزها منظره های عادی این سرزمین است که درهرقدمی تغیر میکند وتبلوی دیگری جلب توجه مینماید ایا تغیرات گرمی وسردی حرارت تابستان وبرف زمستان ـ مشکلات زمین هموار جلگه ودامنه های مرتفعهٔ کهستانی دهشت وصدمهٔ سیلاب ها وبرف کوچ ها ومشکلات عبور دره های عمیق وتنگ وکوتل های دشوارگزاروغیره سختی های حیات راماخوب حس میکنیم یاساکنین وادی گنگا ؟ این کوایف که میتوان آن رامفصل ترشرح داد اختلاف ساختمان خاکی هند وآریانا رابوضاحت ترجمانی کرده اثرات هرمحیط را بصورت قانون طبیعی درمی آرد . این اشکالات واختلافات طبیعی اراضی طبعاً در رویه

(c) ketabton.com: The Digital Library

زندگانی ساکنین اینجا اثر بخشیده است ایا علت بادیه نشینی و حیات خانه بدوش کوچی یك حصهٔ قبایل افغانستان غیر ازمشکلات اراضی‌چیز دیگر میباشد .

اگر خاك یك منطقه ما یحتاج حیات یك قوم را درتمام ایام سال داده میتواند آن قوم دیوانه است که تکا لیف دربدری را متحمل شده دائماً در حرکت باشد . یك حصه ساکنین اریانا وایران یعنی بومیان تمام فلات ازقدیم ترین زمانه‌هاحیات‌بدوی داشته وهنوز هم دارند وباز همین زندگانی کوچی‌باعث‌شده است که این‌قوم‌برای حفظ‌جان، حفاظت رمه ها وحیوانات ومفاد خود همیشه آمادهٔ مقابله ونبرد باشند .

این اختلافات طبیعی که روی هم رفته درتمام آریانا مشهود است درشمال هند وکوه در بکتریان وسغدیان‌ومارجیان جنبهٔ خیلی‌مهم تر بخود میگیردزیرا دره های حاصل خیز و پر میوهٔ آمو ومعاونین آن را بطرف شمال‌وغرب‌وعلف‌زارهای بحیرهٔ خزر وجنوب روسیه و از طرف جنوب دامنه های سنگلاخ کهستانی هند و کوه احاطه کرده در حالیکه آسمان شفاف وماهتاب روشن وستارگان درخشان درفضای نورانی آریانا روشنی می اندازد باد مدحش و طوفان گرد باد ریگ از دشت های بی پایان جنوب روسیه می خیزد و درزمستان شمال سردی که گوئی از روی یخچال بر خواسته باشد از جانب شمال وزیده تمام باختر و سغدیان را منجمد میساخت . در تابستان جریان وزش این باد ها از شمال طوفان ریگ رابر باختر میپاشانید وبطرف جنوب دامنه ها وقللی که از برف دائمی سفید میزد آب های سرد چشمه سار های خود را تا نقاط دور دست جلگه میفرستاد علاوه برین چیز ها وجود قبایل بیشمار چادر نشین مناطق علف زار خوف دائمی بود که‌ساکنین سغدوبا ختر را تهدید میکرد پس طبیعی قبایلی که درچنین یك خاك بود وباش داشته دائماً با مشکلات طبیعی و خوف تهاجمات همسایگان در نبرد باشد ازهمه بیشتر مفکورهٔ اختلاف بین عناصر خوب وبد را می بیند و درك میکند در نظر باشندگان آریانا میوه های شیرین ـ فراوانی‌غله جات ـ حاصل خیزی اراضی وهزار ثمرهٔ خوش ایند طبیعت همه‌زادهٔ نیروی همت عناصر خوب بود حال انکه باد وطوفان ـ برف وسرما ودیگر مضرات به عناصر بد اطلاق میشد درسر زمین باختر و سغدیان زراعت ، تجارت با انبساط خود حیات بومیان را مسعود گردانیده بود و درماورای شمال زمین خشك و علف زار ها نتیجهٔ معکوس داده مزیات زندگانی را یك قلم ازنظر اهالی محو ساخته بود و این رویه یعنی جنبه های روشن وتاریك حیات اساس مفکورهٔ مذهبی این دیار گردید .

مفکورهٔ وجود عناصر نیك وبدومقابلهٔ انها که‌زادهٔ‌محیط آریانا و مخصوصاً باختر است طوریکه قبل برین گفته شد قبل ازشروع‌مهاجرت آریائی‌ها وجود داشت باتغیرمحیط نزد انهائی که در هند رفتند این مفکوره عوض شد در انجا برهمنی اقتدار مطلق مراقبت تمام ارباب انواع را به یك

(c) ketabton.com: The Digital Library

قوای بزرگی سپرد که درطبیعت مضمر بودودرآریانادر اثر مقابلهٔ دو عناصر دو جنبه ار باب انواع نیك وبد بمیان آمد که رفته رفته هرکدام درجنبهٔ خوددارای رئیس وحکمفرمائی هم شدند چنا نچه هرمزد سرحلقهٔمجمع ارباب انواع نیك و«انگیرومینو» یا اهریمن سر کردهٔ عناصر مضره گردید.

❀ ❀ ❀

حالا که تایك اندازهٔ کافی مرکز وعلل اصلاحات زوراستر شرح یافت مختصراً به اصل خود مفکورهٔ اصلاحات می‌پر دازیم درصورتیکه قبل ازظهور زردشت محیط آریانا نظریهٔ عناصر نیك وبد ومقابلهٔ انهارا بمیان آورده بود زوراستربارفورم خود دران چه تغیراتی وارد کرد ؟دراینجا دقیق باید شد که صاحب کتاب اوستا هیچ انقلاب تازه از نقطهٔ نظر پرستش در آئین قدیم باختروارد نکرده تمام آنچه که به عنوان اصلاح به‌جامعه‌پیش نمود ه این است که چه‌سان وبچه وسیله‌در مقابل عناصر بد مقاومت نمود این مفکوره نظر یهٔ خیلی اساسی وتنها جمله ایست که فرق میان آریائی‌های هند وآریانا وارد کرده‌است‌بلی اریائی‌های‌پنجاب درسر زمین پست وهموار هند ودرفضای باحرارت آن منطقه خود را سرا سر تسلیم قوای حاکمه نمو ده ،فلاح خود را درمحو نمودن جسم وجان خود یافتند ومصلح باختری به جامعهٔ آریانا تعلیم داد که باید درمقابل عناصر بدکمر همت بست وکار کردوزحمت کشید تابااینطریق همدست عناصر خوب شده مشکلات طبیعی زندگانی وتهلکهٔ تهدید دشمنان یغماگر مناطق علف زار بکلی ازبین برداشته شود .

ناگفته نماند که آریائی های هند دربجا آوردن عبادات خود بصورت صحیح ودراستعانت ارباب انواع وقوای حاکمهٔ طبیعت صرف مساعی زیاد بخرج میدادند در آریانا هم عیناً همین طوروجود اوستا ظاهرمیسازد که اسمان ، عناصر نیك وارواح های مقدس « استعانت گاه » آنها است ازین جهت اولین قدمی که زوراستر درراه اصلاحات خود برداشت این بو د که سلك جدیدی در رویهٔ عبادت ومحضرتجسم ار باب انواع پیش کند به این فکر آ تش که کشندهٔ عناصرمضره است روی کار آمده روشن کردن آن جزء مرام مذ هبی گردید وهر کس که باپر کاه خشکی آن را روشن میکرد مستحق اجرمیشد . روح رو شنی میترای کبیر وغیر ه اجرام نورانی آفتاب وستار گان را ورترگنا Verethragna و سروشا Çraosha قاتل شیاطین‌را نمایندگی‌میکرد رب‌النوع حیات بخشای «هوما» هم ازین نرفته همیشه طرف تمجید واحترام بود ودراثر استخراج این عصاره حیات بخشا بو د که زورستر ا و پیشتراز او د یگر پهلوانان ومقننین بزرگی که اوستانام می برد درخانواده های پدرهای‌شان متولد شده اند.

این‌مفکوره که قرابت‌به کثافت ولمس‌اجسا دمرده‌به عناصر مضره‌قوت می‌بخشد ازنظریه‌ها ی قدیم آریائی است . دررفورم زوراستر به‌این مسئله توجه خاصی شده ودرمسائل نظافت بدنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

وروحی توصیه‌های اکید بعمل آمده است تادر نتیجه پاکی وطهارت ظاهری وباطنی عناصر مضره وارواح خبیثه ضعیف گردد ونابود شود مسئله‌تزکیه بدنی چیزی‌است واضح که بانظافت جسم ولباس عملی میشود برای تزکیه روح هم اصولاتی وضع شد ومهمترین راهی که انسان رابه این مقصودمیرساندراستی، راستکاری بود چنا نچه را ستی بذات خود دارای رب النوعی شده بودموسوم به اشا واهیستاAsha Vahista که درعن زمان منتهای راستی و کمال پاکی را نمایندگی‌میکرد وزوراستر اولین کسی است‌که ستایش این رب‌النوع را نموده است .

هرچیزیکه حیات را مسعود ساخته ودرانبساط آن دخالتی داشت مانند آب ونباتات و زمین حاصل خیز وحیوانات مفید به انسان همه مظاهر اعمال ارواح نیك وجز ومخلوقات خوب و مفید بشمار میرفت . برعکس مناطق خشك و دشتی صحرا ،حرارت ـ سرمای شدید ـ حیوانات درنده مظاهر کرد ارعناصر بدوجز ومخلوقات‌خبیثه حساب میشد . انسان در اثر انبساط زراعت ـ غرس اشجار ـ وکشت وکاراراضی و توسعه آبیاری واتلاف حیوانات و حشرات مضره زمین و تبدیل مناطق‌لایزرع به اراضی زراعتی ودفع مار و گژدم و دیگر حشرات موزی در عین زمانی که برای برومندی وسعادت حیات خود کار میکرد گوئی کمکی به‌عناصر مفید هم می نمود و با انها همدست‌شده باعناصرمضره می‌جنگید اهمیتی که‌اوستا به زراعت وحیات کشتمندی میدهد به اندازهٔ مهم است‌که‌میتوان آن راخط‌اساسی رفورم ـ زوراستر حساب کرد . اوستا در جملهٔ طبقات جامعه درردیف‌جنگجویان وعلمابدرجهٔ‌سوم‌همین‌طبقهٔ‌زارعین‌راشمارمیکند در«وید»ارباب‌النواع روشنی وآسمان ستاره دار میترا Mlthra ووارونا Varuna محافظه راستی وپاکی وسزا دهندهٔ اعمال قبیح‌شمرده‌شده‌اندواوستاعیناًاین‌وظیفه‌رابرای «میترا» تخصیص‌داده‌اورارب‌النوع‌عنصرپاکی وسزا دهندهٔ قاهر ظلم وستم معرفی میکند . پس میترا همان طوریکه نظافت بدن را مراقبت میکرد به پاکیزگی وطهارت روح هم موظف بود وچون پیشتر متذکر شدیم که اساس عمدهٔ طهارت روح‌را راستگوئی‌تشکیل‌میداد «میترا» اشخاص دروغگو را خیلی ها بدمیدید و همان طوریکه نجاست ، ظاهر بدن را کثیف میساخت دروغ آئینه روح را ملوث میکرد . درآئین اوستا وجامعهٔ باختری دروغ‌وفریب درجملهٔ گناهان کبیره بشمارمیرفت وبرعکس راستی وراستگوئی وصفائی قلب از جملهٔ صفات اولیهٔ بشر محسوب می‌شد .

در «وید» مفکورهٔ اجتماع ارواح اجداد وداخل‌شدن ارواح نیکوکاران در «اسمان نورانی» وجود داشت عین این فکر درجامعهٔ باختری هم‌دیده میشد و اصلاحات زور استربا قوانین شدید پاکی ـ راستی و فعالیت واینکه یك شخص در اثر مراعات مبانی فوق مستحق پاداش میشود نظریهٔ یکنوع قضاوت روح را بعد از وفات بمیان برآورد تاهر کس بداند که فلاح این جهان و دنیای ثانی در اثر قوانین اخلاقی کردار نیك ـ گفتار نیك ـ پندار نیك

(c) ketabton.com: The Digital Library

وفعالیت بدست میآید واین هم ازخود سنجش وقضاوتی دارد .

ظهور اهو را مزدا وا نگرو مانو :

نا گفته نماند که ظهور اهورا مزدا وانگر ومانو یا هرمزد و«اهریمن» هم ازچیز های تازه ایست که دراثر اصلاحات زور استر ظهور کر د پیشتر چند ین مرتبه متذ کر شد یم که آئین اولیهٔ آریائی ها درحوضهٔ آمو (سغدیان وباختر) عبارت ازپر. ستش عناصر مختلف طبیعی بود وهر عنصر از خود رب النوعی داشت . هر مذهب همینکه یك اندازه انبساط یـا فت با ین تمایل نشان میدهد تاازمیان گروه ارباب انواع قوای واحدی را سراغ کند یا به زبان دیگر بطرف وحدت الوهیت قدم بردارد . آریائی های هند با علمای برهمنی بعد از ینکه تحت تا ثیری فضای گنگا آمدند دراثر بلند بردن قوای مقد سی که اعمال ارباب انواع را کنترول میکرد باین نظریه رسید ندکه باید ار باب انواع از خود رئیس وسر کرده هم داشته باشند .

چنا نچه این خیال به مفکورهٔ قوای بزرگ یا روح کائنات که منشاء حیات ونموء طبیعت است درمیان آ نهاپیداشد . درآریانا و باختر بواسطهٔ اختلا فاتی که درمظاهرطبیعت وساختمان اراضی درهر گوشه و کنار ودرهر آن و دقیقه دیده میشود درك و حدت قوای بزرگ طبیعی برای اهالی مشکل بود زیرا عملاً وحدت قوارانمیدیدند بلکه قراریکه مفصل شرح یافت هرچه مظاهر اتی بود مخالف هم دیده میشد و وحدت در نظر آ نها دو جنبه بخو د گرفته بود یکطرف قواهای محسنهٔ طبیعت که بحیات انسان نور ـ سعادت و مفاد عرضه میداشت وجانب دیگر قواهای مضرهٔ آن که اسباب نقص وتکلیف میشد به اینطریق گوئی قوای محسنه یکطرف مجتمع و عوامل مضره طرف دیگر صف بسته بود رفورم زوراسترچیز دیگری که درین زمینه علاوه کرد ایجاد این مفکوره بود که باید هرطرفی جنبهٔ عوامل نیك و بد هرکدام ازخود سرکرده ورئیسی داشته باشد باینطریق اهورا Ahura یعنی بادار که او را به صفت مزدا Mazda یعنی «دانا» هم یـاد میکنند وروی هم رفته «اهورامزدا» یعنی (باداردانا) میخواندند رئیس عوامل نیك قرار گرفت اصل خود این اسم جدید نیست بلکه درعصرویدی هم بصورت «اسورا مدها Asura Medha» وجود داشت ولی دران عصر نه یك نفر بلکه به چندین ار باب انواع روشنی اطلاق میشد . همین طور طرف مقابل یعنی دستهٔ عناصر مضره هم صاحب رئیسی شد که اورا « انگرومانو » (کسی که به بدی فکرمیکند) میگفتند و پسان ها به اهریمن تبدیل شد .

این دو دسته عناصر نیك و بد هردومشغول فعالیت بودند واین فعالیت شان را اوستاطو ری وانمود میکرد که گوئی ازاوائل شروع بنای جهان دست بکارزده یکی درنیکی وآسانی د یگری در بد منشی میکوشید .

اوستا بزبان بسیار فصیح صحنهٔ حیات را میدان مبارزه ساخته به آر یائی های باختر و کل

(c) ketabton.com: The Digital Library

آریانا میگفت که رستگاری اینجا وجهان دیگر بسته به درستی ، امانت، راستگوئی و راستکاری وصفای ظاهری و باطنی است و ازین گذشته تمام افراد جامعه باید زحمت کش ، کارکن ، فعال باشند ، بزراعت و کشتمندی توجه نمایند تا درصف ارواح تابناك و عناصر درخشان قرار گرفته برمضرات وجنبه های تاریك حیات یك قلم فایق آیند .

پهلو های عملی اصلاحات زوراستر،مقایسهٔ نتایج رفورم برهمنی واوستائی :

درموقعیکه ما ازانقلاب اجتماعی باختر صحبت میکنیم حد بحد اشاره به اصلاحاتی که شاخهٔ شرقی مهاجرین آریائی در محیط هند نموده رفته اند حتمی شده میرود مقارن به همان وقتیکه زوراستر در باختر به اصلاحات اجتماعی ومذهبی دست میزند یاچیزی پیشترازان آریائی های هند هم دراساس حیاتی ومذهبی قدیمه تغیرات وارد میکنند لیکن نظر به احتیاج محیط و خصوصاً اثرات آن این دوانقلاب اگرچه درمیان یك عنصرنژادی بمیان می‌آید بازهم بین خود اختلافات زیاد دارد . برهمن های گنگا وقتیکه «برهمارا» به «اندرا» تطبیق میدهند دروجود رب النوع جدید قوای مجرد روحی وروح مادی دنیائی هردوراتمرکز میدهند موضوع بین ماده وروح بین ایشان خوب ازهم تمیز میشود و برای اینکه هرکس دارای قواهای روحی شود ار تباط دنیای مادی راسست گذاشته و برای احراز مقصد اساسی ورجحان روحی بدن را درمضیقه گذاشته محو وفنا میسازد .

دوکترین زوراستر بین روح وماده اختلافی قائل نیست . ارواح نیك دنیارا برای ازار وتکلیف وضعف انسان خلق نکرده بلکه برای این بمیان آورده تاانسان و سائر مخلوقات دران به‌آسوده‌گی رهایش وبخوشی زندگانی نمایند در معتقدات اوستائی فقط یك طرف عناصر یا طبیعت که‌دران دست ارواح نیك‌مدخلیت ندارد وآنهم فقط کار عناصر ضعیف است در صد د ایزاء برآمده است یعنی دردوکترین اوستا ایزاء منحصر به تاریکی ، ویرانی و خشکسالی و قحطی ومرگ‌است وچون این چیزها فقط یك‌پهلوی طبیعت را تشکیل میدهد و در اثر کوشش و فعالیت بسیار آن رفع شدنی است باید خود را فنا نساخته برای ازالهٔ اقدامات ارواح خبیثه اماده باشد پس آئین اوستائی روح استقامت و پایداری را در مقابل مشکلات در افراد جامعه استوار ساخته ایشان را برای استقبال هر گونه سختی‌ها اماده میسازد و به آنها مژده میدهد که‌حتماً دراثر مراعات قوانین اخلاقی برهمه جنبه‌های تاریك حیات‌موفق خواهد شد . بلی‌افراد جامعه باید پهلوی روشن حیات ـ گوشهٔ منور زندگانی ـ جنبهٔ درخشان روح‌را تقویت نموده برتاریکی ها فایق شود و همیشه تحریکات بی‌معنی نفس ودیگر حرکات خبیثه را در خود کشته حاکمیت‌راسراسر بدست مشعل‌فروزان‌روح ودل دهد . فرد صحیح‌جامعهٔ‌اوستائی باید دروغگوئی فریب، تقلب ـ تنبلی ـ ودیگر کثافت‌های ظاهری و باطنی را از خود زایل ساخته باصفای قلب

(c) ketabton.com: The Digital Library

ونیت پاك داخل میدان سعی و مجاهدت شود گفتار نیك ـ کردارنیك، پندار نیك راسر مشق زندگانی قرارداده پیش از تمام قوانین به راستی وراستگوئی پابند باشد وباروح نیك یکجا و همقدم شده بااو وتحت کنترول نگاه او کارکند. قوانین مدنی اوستا براصولات تفکر ـ و تصوف وریاضت برهمنی‌های هندخط بطلان کشیده میدان حیات راصحنهٔعملی فعالیت‌وزحمت کشی ساخت تاباقلب قوی وروح پرنشاط هرکسی دران داخل شده ومطمئن باشدکه‌فتح وفیروزی نصیب اوست. زر دشت فنا وکشتن نفس را از اتباع خویش خواهش نمیکرد بلکه صفائی روح وبدن وراستگوئی را تدریس می‌نمود مطابق قوانین مدنی اوستا اگر شخصی بدن‌وروح خویش راپاك نگاه میداشت ودراعمال وگفتار خودراست می‌بود ودرحیات زراعتی‌وتکثیراشجارسهم میگرفت ودرکشتن‌حیوانات‌موذی وضرر رسان فعالیت میکرد ازهرطرف روزنه‌های‌سعادت براو باز شده حیات بر اولب خند میزد وازثمرهٔ زندگانی برخور دار میشد. عمر او دراز، احفاد و حیوانات‌مفیدهٔاو زیادوخانوادهٔ اومسعود وبختیار می‌بودواخیرهم درزندگانی جاویدان در اسمان ارباب‌انواع روشنی بار میبافت.

این است پهلو های اخلاقی مدنی دورهٔ اوستا که‌تذکار آن جزو پروگرام اساسی این رساله است نگاه کنید این‌مبانی که. شالودهٔ آن را در ۱۰۰۰ سال ق‌م مقنن بزرگ باختری میگذاردبکدام اندازه اساسی ومفیداست.

طبقات جامعه :

تااندازهٔ که روی هم رفته از تمام حصه های اوستا ومخصوصاً از قسمت های قانونی آن معلوم میشود در دورهٔ اوستائی جامعهٔ آریانا به سه‌طبقه تقسیم شده بود روحانیون ـ جنگجویان وزارعین. طبقهٔ زارع چیزی است که درهر محیط بوده وهست ولی قراریکه پیشتر هم مختصراً اشاره شد اوستا زراعت وحیات دهقانی را به اندازهٔ اهمیت داد که نظیرآن در کدام آئین وقانون دیگر مشاهده نمیشود.

بلی کشت‌وکار وزراعت در دورهٔ مدنیت اوستائی آریانا نه تنها جزء مشاغل حیاتی بود بلکه از بزرگترین وظایف مذهبی بشمار میرفت. قبل از ظهور زوراستر واصلاحات اوستا آیا درمجمع ارباب انواع آریائی زمین ـ آب درجملهٔ سائر عناصر، رب‌النوع نداشت؟ ازین گذشته در رسالهٔ مدنیت قبل‌التاریخ آریانا در ذیل آئین ومعتقدات شرح داده شد که زمین ازخود الاهه داشت که او را « الاههٔ مادر میگفتند » وهیکل‌او ازباختر و« موهنجو دیر و« وسائر نقاط آسیا پیدا شده است طوریکه بعضی مجسمه های مکشوفه « موهنجو دیرو » وانمود میکند این ربته‌النوع زمین را بعضی اوقات بصورت نیم‌تنه هم نمایش میدادند زیرا عقیده‌چنین بود که مناصفهٔ بدن او در زیرزمین میباشد. زمین حاصل خیز که ازان بصورت معجزنما گیاه

(c) ketabton.com: The Digital Library

های مختلف ـ حبوبات ـ اشجار سبز وخرم می‌روید وانسان وحیوان‌را تغذیه میکند چیزی است که قدیم ترین جنس بشر را بخود واله ساخته واز قدیمترین زمانه ها فکر بشر تحت نفوذ آن آمده وبرای آن رب‌النوع قائل شده اند .

قبل‌از ظهور زوراستر مقنن یاپهلوانان بزرگ دیگری که‌پیش ازاو در اوستا اسم برده شده اندهرکدام‌درمواقع‌مشکل به منظورکامیابی برای « ارد ویسورا» Ardviçura الاهه زمین قربانی‌هاتقدیم میکرد ندواین‌تمثال واضح میسازدکه‌بطورمسلسل‌مفکورهٔرب‌النوع زمین ازاعصار قبل‌التاریخ ودورهٔ استقرار آریائی تابعد از دورهٔ مهاجرت وعصر اوستائی در باختر مانده زوراستر که برای آبادی‌مملکت وسرسبزی خاك باختر زراعت وغرس اشجاررااز‌لوازم اولیه میدانست بااصلاحات خود آن‌را جزء قوانین مذهبی قرارداده انسان دراثرزراعت وکشتمندی ونهال شانی وآب یاری درصف ارواح نیك قرار میگرفت وبا این رفتار خود باآنها همدست شده عناصر مضره را زایل میساخت . تاقوانین اوستائی درباختر مراعات میشد سرسبزی آن سامان را هیچ نقطهٔ روی زمین نداشت و علت خشکباری موجوده بجز تخلف از ین قوانین اساسی چیز دیگر نیست . طبقهٔ جنگجو بارو حانیون همیشه قدم بقدم در آریانا یکجا بود علت روح سلحشوری درباختر مجاورت آن بامناطق علف زار است که همیشه اولاد آن چپاول پیشه بوجود می‌آیند ، ازین‌جهت وقتیکه قبایل آریائی درحوضهٔ اکسوس مستقر شدند برای حفاظهٔ رمه های حیوانات وحاصلات زمین حتمی بود که روح سلحشوری ، سوارکاری و جنگجوئی تقویت شود . درمیان آریائی های باختر وسائر نقاط آریانا تزریق وانبساط این مفکوره اشکالی نداشت زیرا آریائی هائی که فطرتاً استعداد جنگ داشتند بزودی حاضر به دفاع خاك ومنافع خود در مقابل یغماگران شمال گردیدند وچون هرچه مدنیت باختر ترقی نموده میرفت چشم‌حرص بادیه نشینان بیشتر متوجه میشد روح سلحشوری هم در آریائی های باختر بیشتر منبسط گردید وهمین مفکوره مدافعهٔ خاك ومقابله باخارج‌بودکه نسبت به سائرنقاط‌آریائی قبایل آریائی در باختر بیشتر بهم متحد شده برای حفظ منافع عمومی آمادگی نشان دادند واز سائر قبایل آریائیِ مقدم تر ، معاصر باقدیم ترین شاهان آشوری دارای نظام سلطنتی واقتدار بزرگ شدند اوستا واشعار رزمی مادها وفارسی‌های غرب ایران کنونی طوریکه در اوایل رساله دیده شد از نیروی مقتدر باختر ومقابله های آن باتورانی‌ها وآشوری ها بوضاحت صحبت میکند . اریستوکراتی جنگجو وباشرفای سلحشورطبقهٔ بودکه‌در مواقع رسمی وحیات عادی درحواشی شاهان باخترزندگی میکردند استعانت های که‌دراوستا ازمیترا ـ وره تراگنا Verethraghna و وایو Vayu خواسته شده بخوبی روح جنگجوئی دورهٔ اوستائی را ثابت میکند . وظیفهٔ‌جنگ که یك وقتی بدست این ارباب انواع بود وبا « اژدهای فلکی

(c) ketabton.com: The Digital Library

یعنی ابر و دیگر عناصر طبیعی مقابله میکردند پسان تر بدست پهلوانان بشری افتاده ومشغولیت شاه وطبقهٔ « نجبای سلحشور » گردید .

این نجبادراوستا یاد بود جنگ های عصر « ویدی » که جنگجویان درمیان عراده‌ها سواره می جنگیدند بنام « Rathaestar راتستار » یادشده برای خودسرباز دراوستا کلمه‌های « واستریا Vactrya » وویسیاس Vaiçyas دیده شده است .

طبقهٔ روحانیون یا « اتراوا Atbravas »

طبقهٔ روحانیون علاوه برمقام بلندمذهبی ازپهلوی مفاد حربی هم برای جامعه خیلی مهم بود واهمیت وارتباط آن باطبقهٔ سلحشوربیش ازعصر اوستائی دردورهٔ « ویدی » وجود داشت چنانچه علماهمیشه درجنگ‌های آریائی درصفوف جنگجویان حاضرمی بودندنا گفته نماند که اهمیت طبقهٔ روحانیون درجامعهٔ اوستائی محض برای کمک عسکری نبوده بلکه این کاریکی ازشعب مشاغل ایشان بشمارمیرفت دراوائل عصرویدی ومخصوصاً بیشتر ازان روحانیت منحصر بیک عدهٔ اشخاص معین نبوده بلکه پدردرهر خانواده بعلاوهٔ بزرگی مقام پدری دارای جنبهٔ روحانیت هم بود قربانی وخواندن سرودهای مذهبی وحفاظت تهذیب خانواده گی ونژادی وظیفهٔ ایشان بودبعد ازعصر مهاجرت همانطوریکه طبقهٔ برهمنان درهنداین کار رامنحصر بخودساختند ودران محیط روحانیت هم جزء یکی ازطبقات اهالی شد درآریاناهم این تغیرات پیش شدودرعصرویدی عیناً این طبقه در مملکت ماهم مقام خودرا مشخص ساخت درعصر اوستائی این تغیرات مراتبی راپیموده وپخته شده بود همان طوریکه برهمن‌ها درهندروحانیت را ازهرخانواده جداکرده وخانواده وقبیله وحتی طبقهٔ مخصوصی برای آن تشکیل دادندعین آن درآریاناهم بمیان آمده ودردورهٔ اوستائی روحانیون طبقهٔ اول جامعه راتشکیل میدادند نا گفته نماند که درتقسیمات طبقات جامعهٔ آریائی هندی وباختری فرق زیادبوده که ظاهراً معلوم نمیشودوآن این است که طبقهٔ « سودرا » که عبارت ازبومیان « دراویدی » غیرآریائی هندبود باعث شد که غیراز روحانیون وجنگجویان وزارعین طبقهٔ پستی هم بمیان آید وبرعلاوه خود عناصر آریائی راهم بین خودشان تفریق کند . برهمنان یاروحانیون هندی خودرادرحالیکه احفاد « برهما » می دانستند درعروق خودخون رب النوع راتصور می نمودند وازین جهت خودرا عرقاً نه تنها ازتودهٔ بومی هند حتی از عناصر آریائی هم تمیز میدادند . این مفکوره تااندازهٔ به این ربط داشت که ایشان دنیاومافیها را ناشی از یک روح میدانستند درآریانا غیر این بودوچون پیروان اوستادنیارا ناشی از « هرمزد » تصور نمیکردند ازجوهروجود اودرطبقات چیزی نبود که نظر به مراتب آن دران تقسیماتی قایل شوند . درجامعهٔ باختری همه بلااستثنا باید برعلیه عناصر بدومضر بجنگند

(c) ketabton.com: The Digital Library

ودرین مقابله تنها مقام سرکردگی بدست روحانیون بود وبس، درحقیقت مدنیت اوستائی اختلافات طبقات جامعه را ازبین برده مساوات را درمیان همه قائم کرده بود تقسیمات سه گانهٔ روحانیون - جنگجویان - وزارعین محض ازروی پیشه ووظیفه است که برطبق احتیاجات طبیعی کشور بمیان آمده ودرحقوق حیاتی ومذهبی همهٔ ایشان مساوی بودند . روحانیون چون با کلمات واوراد مذهبی وسایل طهارت بدن وروح را اماده میکردند نسبت به‌سائر صفات ایشان را به پاکی ویا کیزگی یادمی‌نمودند .وآنها را «مردان پاك» میخواندند . قربانی بامدخلیت ایشان اجرا می‌شد واوراد مذهبی واستعانت های لازمه فقط ازلب ودهن ایشان خوب تر مقبول می افتاد روشن کردن آتش وظیفهٔ ایشان بود طبیعی‌این چند وظیفهٔ مخصوص به ایشان مقامی داده بود ولی نه به‌ان‌درجه افراط که‌برهمن هادرسواحل گنگا حاصل‌نموده بودند در آریانا روحانیون اندوخته های فضل‌ودانش‌را مانند هند درخانوادهٔ خودمنحصر نموده بودند ولی حق نداشتند که دروازهٔ قرابت به خانواده وطبقهٔ خود را برروی دیگر ان به‌بندند ویا مزاوجت دستهٔ روحانیون رابا سائر طبقات ممنوع قرار دهند . اگر چه ازتذکرات اوستا برتری روحانیون بر دوطبقهٔ دیگر بخوبی‌معلوم میشودولی نسبت‌به نفوذ برهمن‌ها دائرهٔ اقتدار سیاسی و اجتماعی آنها بمراتب کمتر است . اوستا به استثنای شتر و گاو وبعضی حیوانات دیگر که جنگجویان وزارعین درعوض مراسم طهارت به علما میدادند عایدات دیگری برای آنها قایل نشده است البته بعنوان قربانی نذرو نیاز وتحایف به ایشان داده میشد . مهمترین وظیفهٔ روحانیون افروختن‌ونگه داری‌ومواظبت آتش بود که‌درموقع ستایش ارواح های حسنه درموقع قربانی واداى مراسم طهارت وهنگام مطالعات کتب مقدسه بعمل می آمد .

آریانا ومبحث جغرافیائی اوستا :

یکی ازقسمت های خیلی‌مفید ودلچسپ اوستا که ذکرش درین رساله اهمیت زیاد دارد مبحث جغرافیائی است این مبحث اگرچه از نقطهٔ نظر دینی نوشته شده نه تنها نامهای قدیم عصر اوستائی آریانا را ارائه میکند بلکه بصورت ایجاز خواص مختصه‌هر گوشهٔ اهالی آن را نیز نشان میدهد .

روی هم رفته باید متذکر شد که مسئلهٔ ظهور اوستا در«آریانا» امری است که در آن بکلی شبهه و تردید راه ندارد واگر تمام دلایل کنار گذاشته شود تنها مندرجات خود اوستا بازبان فصیح این‌نظریه رابه ثبوت‌میرساند اوستاازنقطهٔ نظر جغرافیه بکلی غرب ایران کنونی رانمیشناسد اکبتانا Ecbatana (همدان) و « پارسارگاد» یعنی مرکز اقتدار سلاطین «ماد»و «پارسی » باوجودیکه درتمام ایران واسیای علیا سلطنت نموده اند راوستاذکری نرفته وبرعکس ازشرق فلات ایران از آریانای قدیم (افغانستان فعلی) مفصل

(c) ketabton.com: The Digital Library

قطعه به قطعه صحبت میکند . سغد به صفت قشنگ ـ باختر سرزمین زیبا ودارای بیرق‌های بلند « هری‌یو » خاك بدیء هرووائی (ارغنداب) به صفت مقبول ـ هیتومنت (وادی هلمند) به صفت تابان مشعشع - در خشان ودیگر قطعات سرزمین بهشتی آریانا هرکدام به صفات برجسته وممتازیاد شده «آریانا ویجو» ـ Airyana Vaejo یعنی‌مهدرهایش آریائی که‌در جوار سرچشمهٔ رود آمو دربدخشان تعین شده دراینجااست . « بخدهی » ـ « هار اوا » Haraeva یاهری‌وا Haraiva ـ « هی‌تومنت » هاراویتی ویکراتا ـ یعنی ولایت باختر ـ هرات وادی هلمند (منطقهٔ فراه وچقانسور) وادی ارغنداب (ولایت قندهار) ولایت‌کابل مانند خانه‌های شطرنج پهلوی هم‌افتاده وخاك افغانستان امروزی‌راتشکیل میدهند سغده مورو هیتاهند و یعنی سغدیان ومرو وپنجاب که‌خارج حدود نقشهٔ سیاسی افغانستان افتاده اند بامناطق مرکزی فوق الذکر ملحق بوده خاك آریانا واراضی طبیعی او ستائی را تشکیل میداد غربی ترین نقطهٔ که در اوستاذکر شده «راغا Ragha »که است محل‌آن رادر «مدیا» اذر بایجان‌تعبیر نموده‌اند پس قراریکه «دونکر» میگوید ازبیانات فوق واضح معلوم میشود که کانون اوستا بطرف شرق بوده واز «راغا» تا «اندوس» را دربر میگیرد و به این حساب که در حقیقت حساب خود متن اوستا است تمام آریانای قدیم یا افغانستان فعلی جزء خاکی است که منطقهٔ جغرافیائی اوستا را تشکیل میدهد وچون « بخدهی » باختر به صفت « بیرق‌های بلند » یادشد «دونکر» نتیجه گرفته مینویسد که مرکز این قلمرومهم یا پایتخت سلالهٔ شاهی آن همین شهر بوده است .

❀ ❀ ❀

قبلاً درتقسیمات دوگانهٔ اوستا متذکر شدیم که«وندیداد»اولین کتابی است که بادوکتاب دیگر حصهٔ اول را تشکیل میدهد هکذا درجای دیگراین هم نگاشته شد که در میان ۲۱ کتب اوستائی عصر ساسانی تنها «وند یداد» ویك کتاب دیگر بصورت مکمل بما رسیده وو ندیداد ازنقطهٔ نظر مواد وتصورات وگا تاازپهلوی لهجهٔ زبان ونگار ش، قدیم ترین قسمت او ستا میباشد بعبارت دیگر گفته میتوانیم که « وندیداد » و« گاتا » دوقسمت اوستای نواست‌که از ماورای‌مندرجات آن اوستای بزرگ یااوستای باختری را دیده وازان معلومات قیمت‌داری راجع به اوضاع جغرافیائی طبیعی قطعات وطن خود استخراج کرده میتوانیم .

« وندیداد » کتاب بزرگی‌است که۲۲ فصل دارد وفصل اول کاملاً وقف‌تشریح چگونگی اراضی شده که هرمزد خلق کرده واهریمن به تدریج آفتی درهرکدام‌تولید نموده رفته‌است چنانچه روی هم رفته هرمزد ۱۶ قطعه زمین اوستائی را بمیان می‌آورد واهریمن درهر کدام فتنه‌ئی را برپامینماید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

علمای تاریخ وجغرافیا، خصوص مدققین نژاد شناسی دراطراف این شانزده قطعه زمین تحقیقات زیاد نموده اند زیرا باترتیبی که دارد ازنقطهٔ نظر اوستا مهاجرت نژاد آریائی تایك اندازه بخوبی حل میشود اگرچه متأ سفانه هنوز این ۱۶ قطعه زمین بصورت یقین معین نشده باز هم تاجائی که تدقیقات عملی شده ازان معلومات خیلی قیمتداری برای مملکت مابدست میآید.

اولین محلی که هرمزدخلق نموده عبارت ازسرزمینی است که بنام ایریاناویجو Airyana Vaego یاایریانم ویجو Airyanem Vaego یاد شده ومعنی تحت اللفظی آن «مهد آریائی» است.

قراریکه دربنداهش بزرگ ذکرشده (۱) سرزمین «ایریانا ویجو» جائی بود خوش آب وهوا ومطبوع وا هورامزدا مخصوصاً آن را زیبا وقشنگ آفریده بود تاساکنین آن، آن را دوست داشته باشندوبرای اینکه همه نوع بشر درانجا رجوع نکنند هرمزد حب وطن را خلق کرد تادیگران درگوشه وکنار خاك های خود بمانند وآریائی ها مستریح درزمین بهشتی وش خود آرام ومسرور باشند.

بعبارت دیگر این خاك زیبا سرزمین زوراستری است زیرا زوراستر درانجا متولدشده ورفورم خود را درانجا بمیان آررده است و اولین جفت پرندگان وحیوانات درانجا خلق شده وازنام آن «مهدآریائی» معلوم میشود که خاك تولدی وپرورش اولی نژاد آریائی بوده است.

علما در باب تعین قلمرو «آریانا ویجو» تدقیقات زیاد نموده واخیراً بصورت عمومی به این نتیجه واصل شده اند که «آریانا ویجو» بمعنی محدود عبارت ازدامنه های شمال غربی پامیر ومناطق قریب سر چشمهٔ آمو دریا است زیرا رود خانه که در قلمرو «آریانا ویجو» میگذشت بنام «وانگو هی دیتیا Vanguhi Daitya» یاد شده و این رود خانه عبارت از اکسوس - جیحون - آمودریا میباشد زیرا درعصر ساسانی هنوز آنرا (وهه Vêh) میگفتند ورود (وهه) عبارت ازهمان رود خانهٔ فوق الذکر است.

اسم «ونگوهی دیتیا» مرکب از دوکلمه است: «وانگوهی» نام رود خانه و (دیتیا) بمعنی «قانون» میباشد وبصورت اصطلاحی ازان این معنی کشیده میشود که زوراستر درمجاورت آن صاحب قوانین مذهبی گردیده است. وچون زوراستر بلخی بود ازاینجا هم معلوم میشود که رودیکه ازقلمرو «آریانا ویجو» میگذشت عبارت ازآمو دریای فعلی بود پس «آریاناویجو» یا «خاك آریائی» به معنی محدود سرزمینی است که درپای دامنه های شمال غربی پامیر به دوطرفهٔ قسمت علیای جلگهٔ رود آمو افتاده واگر سائر قطعات اراضی را که هرمزد بتدریج خلق کرده میرود داخل قلمرو آن کنیم و «آریانا ویجو» را بمعنی نسبتاً جدید تر وجامع تر بگیریم عبارت از «آریانا» یاافغانستان امروزی میشود.

(۱) صفحه ۳ کتاب زند اوستا ترجمه دار مستتر فرانسوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعد ازینکه هرمزد « آریانا ویجو » را پیدا کرد اهریمن سرما وخنك فوق العاده را درانجا بمیان آورد تاآریائی ها را ازانجا دور کند چنانچه ازنقطهٔ نظر اوستا علت مهاجرت نژاد آریائی همین خنك زیاد بود واین کیفیت در « حوضهٔ اکسوس » امری است طبیعی زیرازمستان آنجا تقریباً ده ماه سال را در برمیگیرد وبه این جهت سال درنظر آریائی های اولیه عبارت از زمستان شده بود واگر درسرود ها عمری زیاد میخواستند (صدسال) نه بلکه صد (زمستان) خواهش میکردند و بهمین جهت مستر ولسن انگلیس خانهٔ اصلی نژاد آریائی را دامنهٔ پامیر و شمال حوضهٔ اکسوس قرار داده است بهرجهت موضوع اصلی ازنظر نماند که اهریمن باتولید سرما آریائی ها را ازاولین زمین مخلوقهٔ هرمزد بیرون کشید .

بعدازین هرمزد به تدریج ۱۵ قطعه اراضی خلق کرده میرود واهریمن درهر کدام افتی تولید میکند ازین ۱۵ قطعه زمین (۹) آن بلا تردید معین شده وچون دران شبهه نیست ابتدا در جدولی نامهای زند ـ فارسی قدیم ـ یونانی ـ واسم حالیهٔ آنها را داده سپس هر ۱۵ قطعه زمین را مرتب بابعضی تشریحات مربوطهٔ هرکدام ذکرمیکنیم .

نام زند	فارسی قدیم	یونانی	نام حالیه
سغده	سوگو ده	سوگدیان	سغد
مورو	مار گو	مار ژیان	مرو
باخدی	باختر	باکترا	بلخ
هارویو	هری وا	آریا	هری (رود)
وهرکانا	وار کانا	یرکاویا	گرگان « جرجان »
هارا وی تی	هرو واتی	اراکوزیا	ارخج ـ ارغند (آب)
هی تومنت		اتو ما ندروس	ـ هلمند (سیستان)
هپتاهندو	هیندا وا	هندوی ـ هند	(پنجاب)

روی همرفته ۱۶ قطعه زمین که اهورا مزدا خلق نموده بابعضی تفصیلات وفتنه هائیکه اهریمن درآنها بمیان آورده قرار آتی است :

(۱) سرزمین «آریاناویجو » که رود «وانگوهی دیتیا» ازان میگذشت وتفصیلات مربوطه آن پیشتر ذکر شد ـ انگرامی مینو Angra Mainyu یا اهریمن سرمای فوق العاده را درانجا تولید نمود طوریکه زمستان آنجا ۱۰ ماه وتابستان از دوماه بیشتر نمیباشد .

(۲) جلگهٔ قشنگ سغد « سغدیان » :

اهریمن به نوبهٔ خود درانجا ملخ راخلق کرد که فصل هارامیخورد ودرمیان حیوانات امراض تولید مینمود بهمین جهت ازنقطهٔ نظر اوستا بعدازاینکه آریائی ها ازدامنه های شمال غربی پامیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وسواحل راست رودامو به‌سغدیان پایان میشوند هجوم ملخ ایشان را مجبور میکنند که به باختر مهاجرت کنند .

(۳) قطعه زمین مورو «مرو» :

اهریمن دراینجا هرج ومرج سواران یغماگر یعنی‌الامان ها رابمیان آورد چنانچه مرو تازمان تسلط سوویت همیشه صحنه‌آشوب وگیرودارتورانی هابود واین‌مسئله طبیعی‌برای اها لی فشار واذیت‌تولید میکرد .

(٤) سرزمین بدیع وزیبای باخدی «باختر» :

اهریمن دراینجا موررا خلق کرد تابه‌کشت وکار باختری ها صدمه رساند .

(٥) زمین قشنگ «نیسایا» که بین موروبعنی مرو و باخدی یعنی باختر واقع بود اگرچه بنام نیسایاچندین جای یاد شده تاحال‌معمولاً آن‌را نیشاپور تعبیر میکنند امانص اوستا موقعیت آن‌راین بلخ ومروتعین‌میکند ومدققین چنین نظریه دارند که‌باید ازبلخ بطرف مرو گفته جائی بین این دونقطه‌باشد اهریمن درانجا بی‌اعتقادی رامروج نمود (۱)

(٦) سرزمین‌قشنگ هرویو = هری = «هرات» :

اهریمن‌درانجا گریه وشیون را برای مرده رواج داد قرار مقررات قوانین زردشتی اگرکسی برمرده میگریست قطرات اشکش مبدل به‌رودی میشد که‌مانع عبور او از پل کینوات Kinvat میگردید ودرنتیجه به‌سرزمین فلاح نمیرسید .

(۷) زمین زیبای ویکراتا Vaekrata = «کابل» :

اهریمن درانجا «پریکا کنتی تی Pairika Knthati» مفکورهٔ «بت پرستی» را خلق کرد تاداخل بدن کرساسپا Keresaspa هیولای بت پرستی وبی دینی شده مردم رااز راه بکشد وبت پرست سازد درافسانه‌های زوراستری «پریکا» Pairika رابشکل پهلوان بت‌پرستی تصویر میکنند که‌اخرساوشیانی Saoshyani پسرزوراستر براوغالب‌شده آئین‌غلط بت پرستی راازمیان می بردارد .

چون کابل تازمان ظهور دین‌مقدس اسلام درعصر برهمنی وبودائی سرزمین بت‌پرستی بود ودین بودئیزم طوریکه در مو قعش مفصل خواهیم دید در قرن ۲ ق م درانجا رواج یافته‌است حقایق تاریخی‌هم نشان میدهد که اهالی‌آن بسیارزود ازآئین زردشتی خارج شده اند .

(۸) یوروا Urva : ـ محل‌آن معلوم نیست بعضی آن‌رافرات‌سفلی تعبیر میکنند اهریمن در آنجا غرور راخلق کر .

---

(۱) دارمستتر درپاورقی صفحه ۷ جلداول ترجمهٔ انگلیسی کتاب‌زنداوستا میگوید که در انجا مردمانی‌بودند که‌ازوجود خداوندجل‌وشانه منکر بودند . العیاذ بالله .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۹) کنتا Khnenta شاید عبارت از « گرگان » باشد زیرا به این نام رودی «هیرکانیا» جاری بود .

(۱۰) دهمین زمین خوبی که هرمزد خلق کرد عبارت ازوادی قشنگ «هراویتی» الرخج= ارغندیعنی وادی ارغنداب قسمت جنوب غربی افغانستان است که ولایت قندهار حالیه رادر بر میگیرد . و آنچه که اهریمن درآنجا رواج داد دردادن مرده‌هااست چنانچه کشف خاکسترمرده درکوزه‌های نقره که درموزه قندهار موجود است این نظریه راتقویت میکند .

(۱۱) یازدهمین زمین خوبی که هرمزد خلق کرد « هیتومنت » وادی هلمند و سیستان است واهریمن درانجا جادووجادوگری راشیوع دادچنانچه اهالی انجاهمه ستاره‌شمار- غیب‌گو - وجاد و گر شده بودند

(۱۲) راغا Ragha محل اینجا معین نشده : بعضی برای آن اذربایجان را پیشنهاد میکنند اوستا مینویسد که اهالی آن مرکب ازسه نژاد بود . اصطلاح سه نژاد را مدققین سه طبقهٔ اجتماعی تعبیر کرده‌اند که عبارت از - روحانیون- جنگجویان - دهاقین باشداهریمن درانجا بی اعتمادی را خلق کرد .

(۱۳) زمین خوب اوستائی «کخره» بود «کرخ» شهری بود درغزنی بین هرات وقلعهٔ نوهم محلی موسوم به کرخ میباشد .

(۱٤) «وارنا» محل آن معلوم نیست بعضی‌ها آن راحوالی کوه دماوند یا (ری) قریب طهران تعبیر میکنند واهریمن درانجا اطفال عجب الخلقه وفشاردهشت امیزیا «غیر آریائی» راخلق کرد .

(۱۵) زمین خوب عبارت از «هیتا هندو» منطقهٔ هفت دریا یاپنجاب فعلی هنداست واهریمن درانجا گرمی فوق العاده راایجاد کرد .

(۱٦) زمین را نگایار نگه Rangha که اهالی آن رئیس نداشتند واز قبول آئین زردشتی تخلف میکردند .

مدققین اینجا رابه حدس مناطق علیای رود دجله تصور میکنند واهریمن درانجا سرمارا پیدا کرد .

❀ ❀ ❀

قرارشرح فوق ازروی مبحث جغرافیائی اوستابو ضاحت کامل معلوم میشود که تنها مملکتی که سراسر قلمرو آن در اوستا ذکر شده افغانستان است واین « سرزمین بهشتی » مجموعهٔ قطعات اراضی قشنگ وزیبائی است که به تعبیر اوستا وآئین آنوقت هرمزد خلق کرده درمیان نامهای جغرافیائی قطعات اراضی خوب اوستا از ۹ محلی که بصورت یقین معلوم شده هفت آن «آریانا» یا افغانستان قدیم را تشکیل میدهد ویقین کامل داریم که اگر دامنهٔ تفحصات علما ومدققین درافغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

انبساط یابدو ازاسمای بومی گوشه وکنار این خطهٔ کهستانی مطالعاتی بعمل آید دیده خواهد شد که ۱۶ قطعه زمین قشنگ اوستا، افغانستان امروزی وحاشیهٔ قریب واطراف آن را تشکیل خواهد داد چنانچه همین حال این نظر یه به ثبوت قطعی رسیده است.

❀ ❀ ❀

نوت :وقتیکه نگارش این رساله تمام شده بوددر صفحه ۹۰۷ جلددوم کتاب Innermost Asia تالیف سراورل استن پاورقی دیدم که بامبحث (اریانا ومبحث جغرافیائی اوستا) ربطی داشت خلاصهٔ ان قرار اتی است :

درمقاله ام « افغانستان درجغرافیای اوستا » که درشمارهٔ ۱۵ مجله Indiantiquuary نشر شده در صفحه ۲۲ چنین نگارش یافته : چهار رودخانهٔ راکه بعد ازیشت Xix باهلمند ذکر شده اند چنین تعبیر نموده بودم که « هواکترا Hvactra » « هواسپا Hvaçpa » « فراداتا Fradatha » « هوارنوهی تی Hvarenuhaiti » که عبارت از رودخانه های موجودهٔ خاش ـ خسپاس ـ فراه ـ هاروت میباشند وهمه ازسواحل شمال به رو دهلمند میریزند .

انتشار مبانی آئین اوستائی بطرف غرب :

این نظریه قبلاً شرح داده شدکه زوراستر درحوالی ۱۰۰۰ ق م درباختر ظهور نموده ودر حدود ۸۰۰ ق م آئین اوستائی بکمال معنی به دوطرفهٔ هندوکوه عمومیت داشت چون اساس این دیانت تنهادرخاك آریانا محدود نمانده وتامنتها الیه غربی نقاط ایران کنونی هم منتشر شده است وبعد ازقرن ۲ ق م بکلی دین بودائی قائم مقام ان شده است سوالی درخاطر میگذرد که آیا آئین اوستائی چطوروبکدام عصر بطرف غرب نفوذ نموده است مورخین غربی مخصوصاً یونانی های قدیم اززمان هرودت (۱) وافلاطون گرفته تاقرون بعدتر . . . . . بصورت مستقیم وغیر مستقیم اززوراستر وبعضی مبانی دوکترین اوبطرف غرب فلات ایران صحبت کرده اند Nicolaus Damscus « نیکولای دمشقی » مینویسد که « سیروس » موسس سلطنت هخامنشی یاپدرش « اترادات Atradates » یعنی « عطاشدهٔ آتش » نام داشت ازاینجا ازروی کتیبه های داریوش بدون شبهه معلوم میشود که قوانین ـ زوراستری معاصر سیروس درمیان فارسی ها معمول بود اینجا « دونکر » جرمنی (۲) نتیجه گرفته مینویسد که : دوکترین زوراستر درزمانیکه فرا ورتس Phraortes قبایل « ماد »

(۱) هرودت بصورت واضح اززوراستر وائین اونام نبرده چنانچه بعضی ها خاموشی اورادلیل آورده میگویند که زوراستر وائین اوسراسر مربوط به آریانا است . ولی باذکر بعضی عادات مادها ومعتقدات ایشان بصورت غیرمستقیم معلوم میشود که مبانی آئین اوستائی درمیان مادها وپارسی ها هم انتشار یافته بود .

(۲) صفحهٔ ۹۰ ـ ۹۱ جلدپنجم .Dnncker's Uistory of Antiquty Abbott. Vol.V

(c) ketabton.com: The Digital Library

را بهم متحد میکرد (حوالی ۶۵۰ ق‌م) بطرف غرب ایران رسیده ودر نزد ماد ها وقتی معمول بود که ایشان هنوز بصورت ملوك الطوایفی تحت ادارهٔ رؤسای خود حیات داشتند وباجگذار آشوری ها بودند (وسط قرن ۸ ق‌م تاوسط قرن ۷ ق‌م) هرودت هنوز هم زمان انتشار آئین اوستائی را بطرف غرب عقب‌ترمی برد زیرا «ماژها» رانژاد یا قبیلهٔ از مادها قلمداد میکند وقرار تفسیری که میدهد مینویسد که این قبیله درعصر دیوس Deioces یعنی درحوالی ۷۰۰ ق‌م وجود داشت وچون تشکیل یك طبقهٔ روحانیون بیك روز ویك وقت کوتا امکان ندارد «دونکر» نتیجه گرفته ایزاد میکند که اقلاً یك قرن پیشتراز وجود طبقهٔ روحانیون مذکور آئینی که براساس آن تشکیلات طبقه بمیان آمده است ، نفوذ پیدا کرده است .

بوثوق گفته میتوانیم که پرستش «اهورامزدا» دروسط قرن ۶ درمیان پارسی ها واقلاً یك قرن قبل‌تردرحوالی ۶۵۰ درمیان مادها معمول بود چون مقارن این زمان طبقهٔ ارثی روحانیون درغرب وجود داشت چنین نتیجه بدست میآید که دینی که این روحانیون نمایندهٔ آن بودند پیش از ۷۵۰ مسیح در ان دیار وجود داشت . به‌این طریق سلسله وار به این مطلب میرسیم که ائین زور استر در شرق فلات ایران درباختر نه‌تنها درحوالی ۸۰۰ ق‌م معمول بود بلکه پخته واستوار هر طرفی ریشه دوانیده وبه اندازهٔ کافی آنقدر قوت داشت که بطرف غرب انتشار یابد وبر قبایل مجاور مادو پارسی‌فایق شود وآئین ایشان گردد (۱)

درین دو نقطه هیچ جای شبهه نیست که اصل کانون ظهور دیانت زوراستر باختر است وازینجامبانی قوانین اوستائی به‌طرف‌غرب درمیان‌سائرقبایل آریائی مادهاو پارسی‌ها انتشار یافته ولی‌غیرازعبارتی که‌فوقاً داده شدصورت انتشاران‌راصریح‌تر بطرف‌غرب‌شرح داده نمیتوانیم .

قرارمطالعات‌دقیقی که‌علما در صورت‌نگارش‌وزبان واهنگ کلام قدیمترین‌حصه‌های‌اوستانموده اندچنین‌معلوم میشودکه فهرست دعاهاو اوراد مذهبی درحوالی ۸۰۰ ق‌م درباختر وجود داشت وکتب مفصلی که تمام آئین اوستائی را دربر بگیرد بین سال های ۷۵۰و۳۵۰ ق‌م نوشته شده. این‌هم نا‌گفته نماند که «گاتا» که قدیمترین‌حصهٔ اوستا را تشکیل میدهد . با دیگر حصص عمدهٔ اوستا پیش ازینکه «سیروس» در عوض امپراطوری «مادی» سلطنت پارسی را بمیان آرد درسر زمین آریانادرباختروجود داشت وتمام حصص‌آن قبل ازینکه بودا درکنار گنگا ظهور کند یعنی درحوالی ۶۰۰ ق‌م مکمل جمع شده است . (۲)

---

(۱) Duncker 's History of Autipuity Evelyn Abbott. Vol.V صفحه ۹۱

(۲) صفحه ۱۰۴ جلد پنجم اثر فوق .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیل خانواده، ازدواج و مسئلهٔ از دیاد نسل :

اگر به نظر عمیق به احکام اوستا نگاه شود دیده میشود که نقطهٔ اساسی مبانی اصلاحات زور استر تقویهٔ نسل ونژاد آریائی ومصفا نمودن آن از تمام کثا فات مادی ومعنوی است اوستا اگر توسعهٔ زراعت- کثرت اشجار - اتلاف حشرات وحیوانات مضره - تربیهٔ حیوانات مفید - پاکیزگی وطهارت وغیره احکام مفید را توصیه میکند مقصودش محض بهبودی حال بشر وترقی مبانی حیات او میباشد . برای اینکه نسل آریائی درجامعهٔ باختری سالم ونیرومند بماند «وند یداد» به مسئلهٔ از دواج اهمیت مخصوصی داده واز طرف اهورا مزدا مینویسد : - «نزد من شخص عیال دار مقدم تر ازمجرد، شخص خانه دار مقدم‌تر از بی خانه وپدر اطفال مقدم‌تر ازشخص بی اولاد است» ازین مفکوره به‌خوبی معلوم میشود که ثقافت اوستائی چه اهمیتی به اولاد وخانواده وعائله وپدر اطفال میداد از بعضی روایات دیگر استنباط میشود که عمل مزاوجت ثواب جمیل داشته ودرمیان جامعه بنظر خیلی تقدیر دیده میشد واز دواج هرچه باخویشاوندان قریب بعمل می‌آمد محسن تر بود . (۱)

سن ازدواج دختر بعداز ۱۵ سالگی بود وپیش ازین وقت بکسی داده نمیشد .دوشیزگانی که‌مدت مدیدی در خانه بی‌شوهر می‌ماندند«هوما» رب‌النوع حیات برای‌ایشان حامی‌زندگانی رفیق حیات وشوهر باوفائی تهیه میکرد .

اگرچه‌درجامعهٔ باختر طبقات مردم به‌سه دسته‌روحانیون جنگجویان‌ودهاقین تقسیم شده بودند ولی در اوستا مبنی برمسائل ازدواج تفریقی درمیان اهالی دیده نمیشود وهر صنف و طبقه بایکدیگر بطور عادی مقاربت میتوانست طبیعی مسئلهٔ ازدواج باغیردین اوستائی ازین قانون مجزا است زیرا درین زمینه فرمایشات صریح خویشاوندی تابعین «هرمزد» راقدغن قرار میدهد .

پدر در خانوادهٔ اوستائی جامعهٔ باختری دارای همان مقام وامتیازاتی بود که قانون «مانو» برای آریائی های کنار گنگامقرر کرده بود یعنی رئیس وصاحب اختیار خانواده بود . خانم درخانوادهٔ اوستائی خیلی محترم بود ولی مانند آتش هرمزد از او مراقبت بعمل می‌آمد راجع به‌تربیهٔ اطفال تاجائی که ازبعضی نکات فهمیده میشود قاعده چنین بود که ازسن ۷ به تعلیمات اوپرداخته وبسن پانزده سالگی بعنوان اینکه داخل دورهٔ رجلیت میشود «کمربندی» درکمراو می بستند . کمربسته کردن اطفال که درمحیط ما تاهمین سال های اخیر رواج داشت

(۱) قرار تجارب طبی امروزه هرچه ازدواج بایگانگان بعمل آید مفید وصحی تراست .

(c) ketabton.com: The Digital Library

یکی ازعادات خیلی قدیم آریائی است که منحصر به‌جامعهٔ باختری ودورهٔ مدنیت اوستائی‌هم شده نمیتواند زیرا دردورهٔ ویدی وحتی قبل ازینکه آریائی‌ها ازهم جدا شوند درمیان ایشان معمول بود . اصلاً معنی کمربستن درثقافت اوستائی این‌بودکه شخص را ازاسیب ارواح خبیثه محافظه میکرد .

روز تولدی اطفال درخانواده روزمسرت وشادمانی بود وبیاد بودآن همه ساله جشن میگرفتند وخوشی میکردند .

احترام مادران براطفال ازواجبات بود طفل بدون اجازه در حضور ما در حق نشستن نداشت وباید به‌پای می‌ایستاد .

دراوستا موضوع دوزن برای یك مرد دیده نشده تعدد زوجات که مورخین‌یونانی درمیان پارسی‌ها دیده‌اند پیشتر مربوط به خانواده‌های اشراف بوده‌زیرا قراریکه امیان Ammian میگوید نسبت تعداد زوجات درمیان آنهابسته به ثروت ایشان بود راجع به بودن زن‌ها به‌پرده ومراقبت ایشان دراوستا توصیه های زیاد شده است .



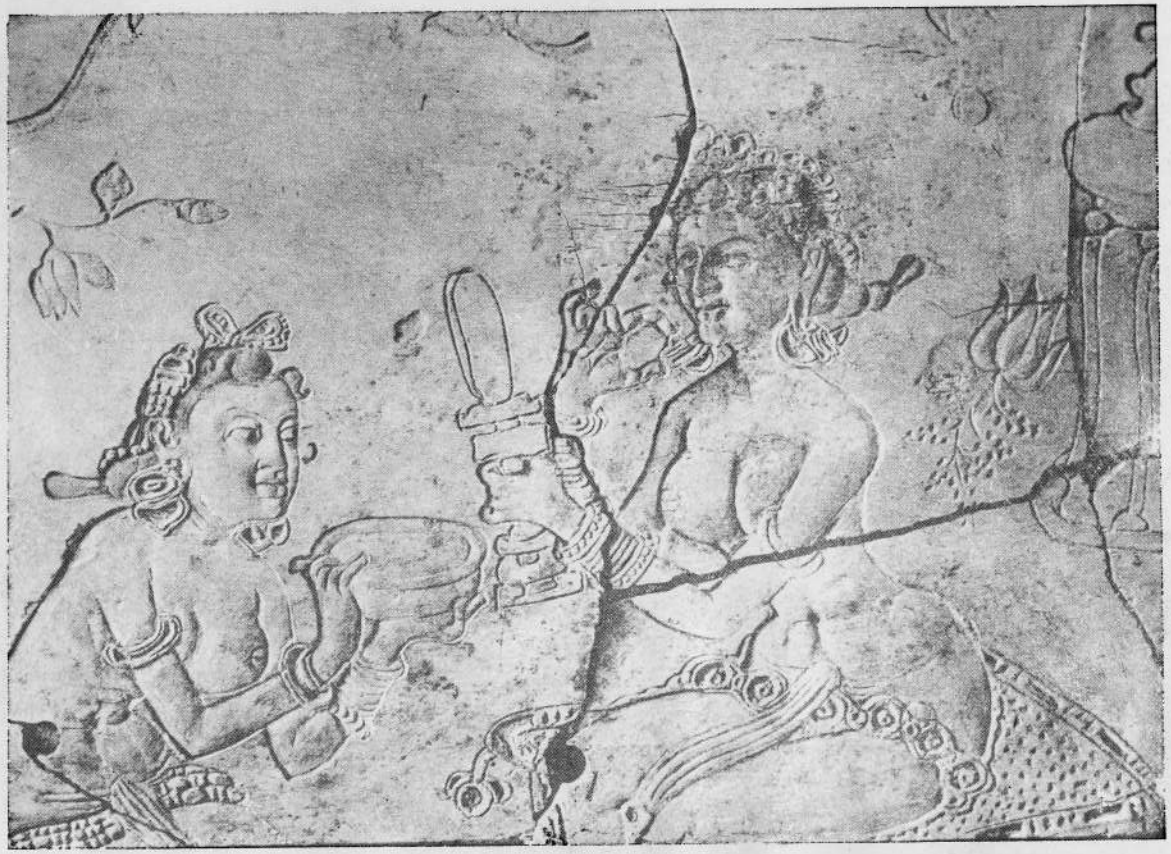

بگرام: پارچهٔ از یك قطعه عاج

Begram: Partie d'une plaque d'ivoire

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



Begram: Plaque en ivoire

بگرام ـ پارچه از عاج

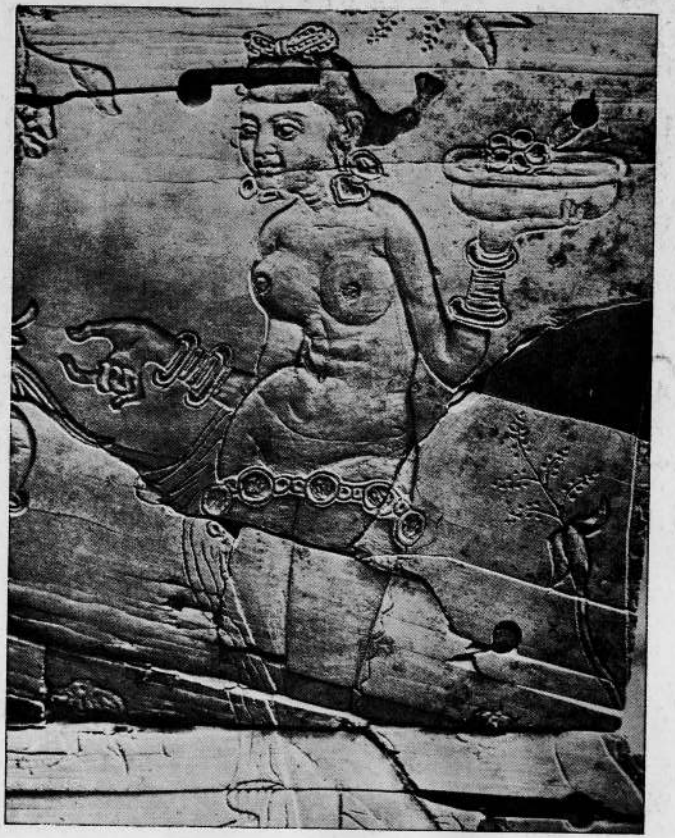

بگرام: جزئیات یك پارچهٔ عاج
Begram: Détail d'une plaquette en **ivoire**



بگرام: پارچهٔ عاج
Begram: Plaquette en **ivoire**

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

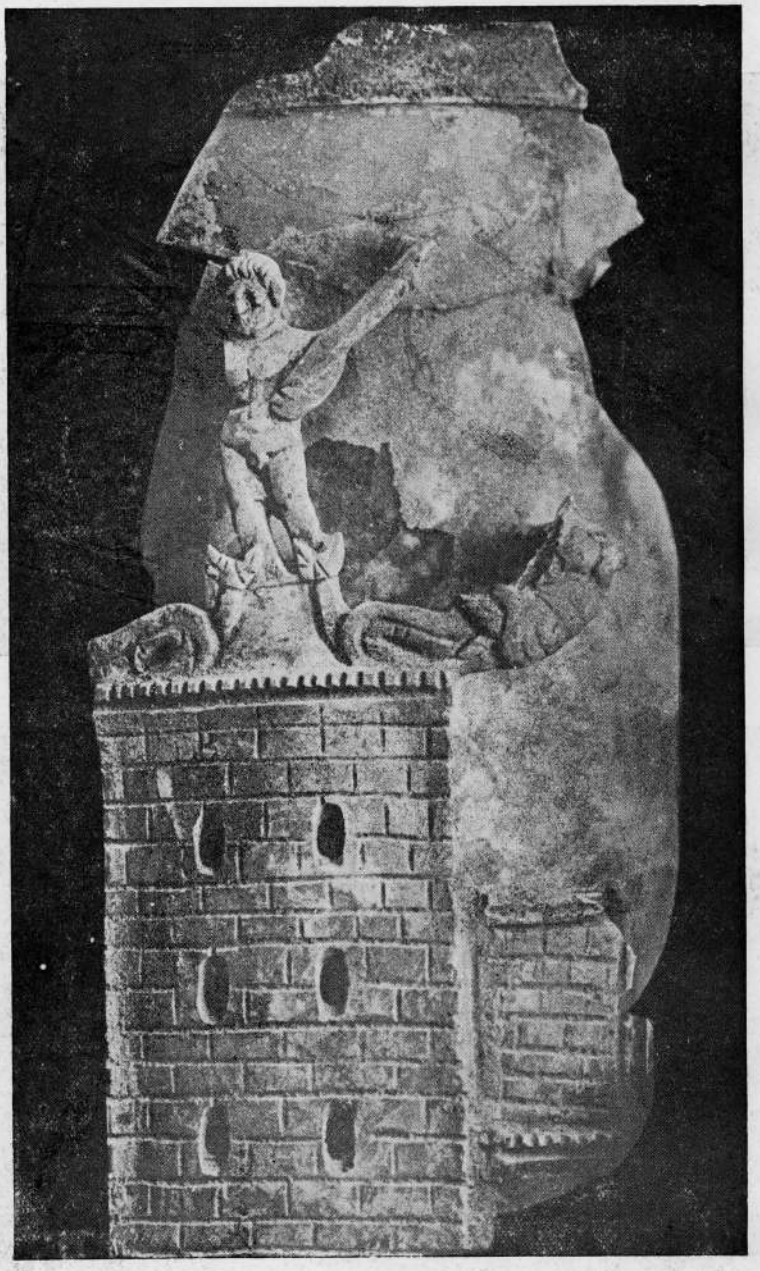

بگرام : پارچه ئی از گیلاس شیشه ئی .

Begram: Fragment de gobelet en verre



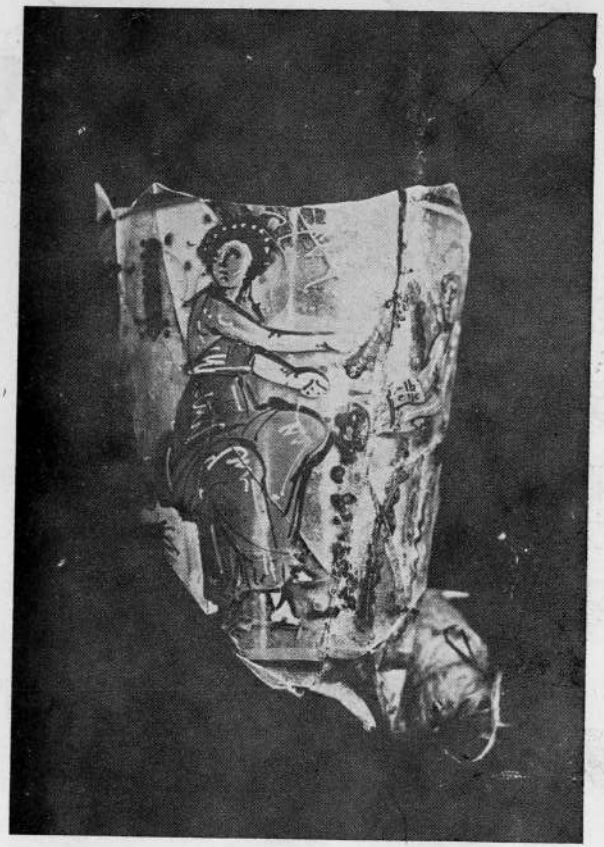

بگرام ، گیلاس شیشه ئی منقوش .

Begram: Gobelet en verre peint

(c) ketabton.com: The Digital Library





بگرام: گیلاس شیشه ئی منقوش .

Begram: Gobelet en verre peint.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

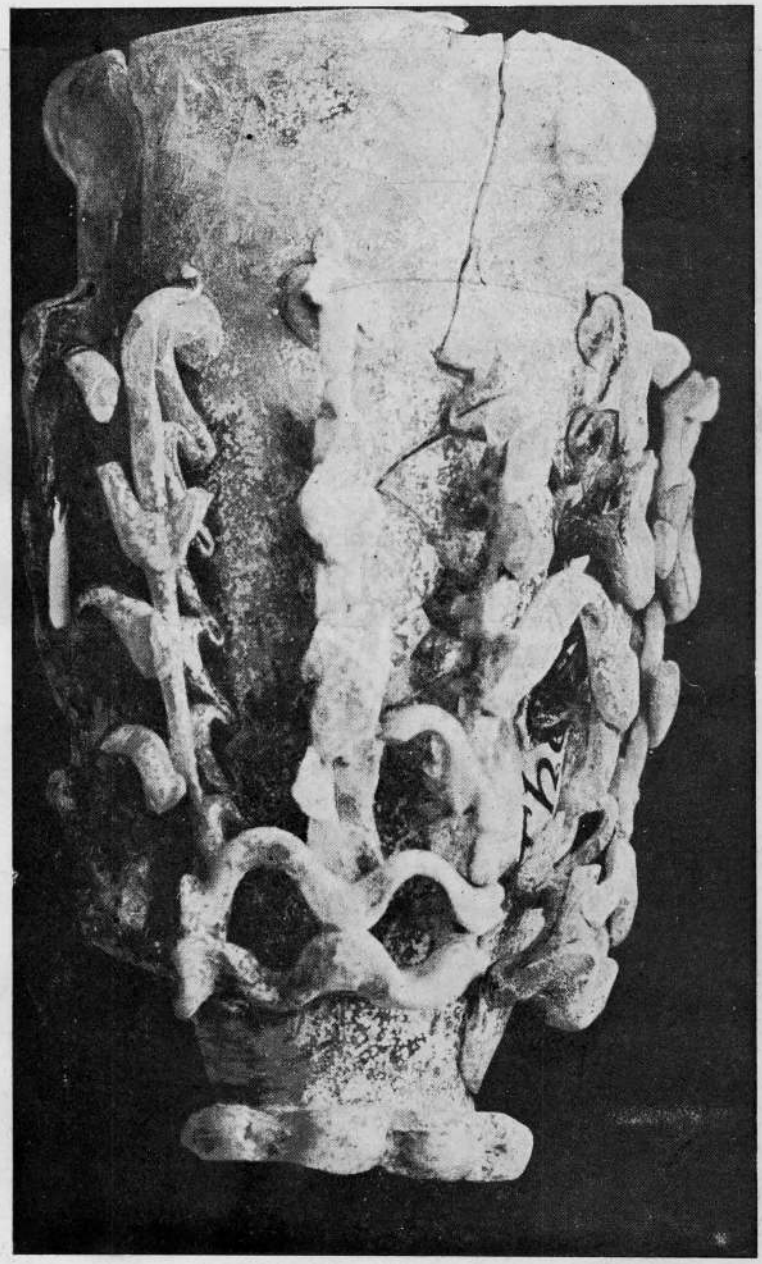

بگرام: گیلاس شیشه ئی .

Begram: Gobelet en verre filé

(c) ketabton.com: The Digital Library

یادگارهای مدنیت هری



از روی تقسیمات امروزه گوشهٔ غرب شمالی افغانستان ولایت هرات نام دارد که مرکز آن نیز شهری بهمین اسم است. این ولایت از دوران قدیم تا کنون خیلی اهمیت داشته مرکز تجارت وتهذیب بوده. اگرچه بارها در اثر تاخت وتاز جنگ آوران پایمال گردیده ولی از یك طرف حاصلخیزی خاك وشادابی وادی، بی نظمی های هنگام بحران را چاره کرده وازطرف دیگر موقعیت جغرافی و تجارتی این ولایت از قدیم تا کنون اهمیت اقتصادی داشته و قبل از انکشاف دریانوردی راه یگانهٔ کاروان هندوبلادچین بادنیای غرب بوده است بالخاصه مرکز این ولایت یعنی شهر هرات مرکز مهم تجارت محسوب وراههای متعدد کاروان رو ازان بهر سمت میرفته.

راجع بقدامت تاریخی هرات چیزنوشتن مارا نگارندهٔ مقاله: آقای، عثمان خان « صدقی » از هدف اصلی دور میدارد؛ اما برای اینکه مطالع عزیز در اثنای خواندن اصل مقاله بی سابقه نماندیك نگاه برادوار تاریخی آن می افگنیم.

نام هرات دراوستادیده شده وهمچنان درکتیبه‌های داریوش (هری و) تحریر گردیده. « و ممکن است که لفظ (هری و) هم بمرور ایام از اریانا منحرف شده باشد» چه این ولایت بنام آریه یا آریانه (۱) گفته شده.

مورخین می نویسند که سکندر مقدونی هرات را بنام قدیم آن (آرتاکوانا) خوانده. آریان آنرا آرتاکوانایا (آرتاکانا) که بمعنی شهر شاهی مردم آریه است می نویسد (۲) بهرحال شك نیست که این شهر در وقت مقدونیان دروازهٔ بود که اسکندر کبیر جهت تسخیر هند ازان عبور نموده.

---

(۱) در نظر باید داشت که افغانستان نیز چندی آریانه یا آریانا خوانده شده.
(۲) صفحات مابعد دیده شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

اسکندر مقدونی هرات را درسال ۳۲۷ ق م فتح کرد . بعد ازان صفحات تاریخ هرات تا ویرانی آن بدست چنگیز خان (۲۲-۱۲۲۱ م) قدری تاریك است . در هنگامیکه سلالهٔ کوشن در افغانستان باقتدار آمد و بزرگترین شاهنشاه قدیم افغانیان کنشکا بر تخت نشست ولایت هرات نیز مانند سائر ولایات درجملهٔ امپراطوری اوشامل بود . بعد از مرگ او کوشن ها روباضمحلال رفتند و بالاخره سلطنت وسیع او تقسیم گردید . حصهٔ از مملکت او تحت سلطهٔ هیاطله وقسمتی هم بدست ساسانیان گذشت وشعبهٔ ضعیفی ازکوشانیان تاقرن ۷ میلادی درکابل ماندو بواسطهٔ ضعف مرکزسلطنت هرات بدست ساسانیان افتاد. تفصیل این زمان پوره واضح نیست اما اینقدرمعلوم شده که هرات درعصرساسانیان نیزعظمت وموقعیت خویش راازدست نداده بود.

همینکه ساسانیان روبزوال رفتند ومسلمین ایران رافتح کردند اهالی هرات نیزمانند دیگر مناطق برخلاف مسلمین بجنگ قیام نمودند ولی نظربتحریر فرشته خراسان باپایخت آن هرات درسنه ۳۱ هجری (مطابق ۶۵۲ میلادی) توسط عبدالله بن امیر حاکم بصره فتح شد .

خلافت عباسی دولت خیلی پهناوری داشت عربستان ، سوریه ، عراق، مصر، افریقهٔ شمالی ترکستان وافغانستان درداخل قلمرو آن قرارداشت . خلفای بغداد میخواستند ازشهر بغداداین مملکت وسیع را إداره کنند اما نتوانستند و بالاخره آن مملکت وسیع دچار انقسام گردید . ضعف مرکز خلافت درهرطرف احساس استقلال جوئی تولید کرد واولاً این فکر راطاهریان عملی نمودند .

طاهر مؤسس این سلسله امیری بود از امرای مامون الرشید که در سنه ۲۰۵ ه بامارت خراسان مقررشد. مشارالیه درفوشنج هرات تولد شده و از عائلهٔ صاحب اعتباری بار آمده بود . موصوف ده سال تابع خلیفهٔ بغداد بوده مملکت را اداره می کرد . در پاداش وفاداری وخدمتگذاری والی خراسان شد ودرافغانستان مستقلاً حکومت می کرد. بعدازوفاتش حکمرانی مستقل را جانشینانش تا نیم قرن دیگر نیز دوام دادند مملکت در عهد ایشان آرام وآسوده بود چنانچه صاحب لب التواریخ یحیی بن عبداللطیف قزوینی گوید : طاهریان پادشاهان عادل ، کریم ، و هنر پرور بودند . خراسان در حکومت این طبقه در نهایت معموری وآبادی بود (۱) .

نیم عصر بعد یعقوب بن لیث صفار که ازروی گری وعیاری بدامن درهم بن نصر (۲) والی سیستان رسیده موقعی بهم رسانید . ولی بعد از وفات درهم بفرزندانش خروج و عصیان نموده حکومت را ربوده در مقابل خلیفهٔ عباسی اعلان استقلال نمود. و شهرهای مهم چون

(۱) ص ۸۱ لب التواریخ طبع طهران .

(۲) دکتور محمد ناظم اسم والی سیستان را صالح بن نضیر نوشته .

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرات ، فارس ، عراق ، کابل، بدخشان و بلخ را در دائرهٔ حکومت خود در آورد . درسنه ۲۵۹ ه محمد آخرین شاه آل طاهر را شکست داد وپادشاه خراسان گردید . در سال دیگر طبرستان را فتح کرده جانب بغداد رفت اما درینجا شکست یافت . بعد از چند ی باز جانب بغداد عزم نمود . اما درراه مریض شد وبتاریخ ۱٤ شوال ۲٦۵ ه (۹ جون ۸۷۹ ع) وفات یافت (۱) .

پسرش عمر و پادشاه شد و اقتدار بهم رسانید خلیفه از اقتدار روز افزون او ترسیده اسماعیل سامانی را بروی ترغیب داد . امیر اسمعیل درسنه ۲۸۷ ه در بلخ او را اسیر کرد وبخلیفه فرستاد. عمرودرحبس بغدادبگر سنگی وفات یافت . از آثارش مسجدجامع شیراز است. چون عمر واسیر شد طاهر بگریخت وبسجستان آمد ولشکر جمع کرده بفارس آمد و از طرف معتضد برا درش بمقابل وی آمد . طاهر بگریخت وبسجستان رفت ومرد (۲) مدت سلطنت ایشان نیز نیم عصر بود .

بعد ازان سامانیـان اقتدار بهم میرسانند هرات نیز در قلمرو حکمرانی ایشان دا خل میگردد . موسس خانوادهٔ سامانی سامان یکی از نجبای بلخ بوده نسب ازبهرام چوبین میبرد ودر وقت المامون پسر هارون الرشید مسلمان شده. اسد پسر سامان چهـار پسر داشت که درسنه ۲۰٤ ه (۸۱۹ ـ ۸۲۰ ع) عباسیان سمرقند را بنوح، فرغانه را به محمد ، شاش و اشروسانه (۳) را به یحیی و هرات را با لیاس سپرد (٤) .

در اواخر قرن دهم میلادی هرات درتحت قیمومیت سبکتگین پدر شهنشاه محمود غزنوی داخل گردید. مسعود در ٤۰۸ حاکم هرات مقرر شد. اوضاع مدنی هرات در عصر ایشـان خیلی خوب و شهر بنابر عمارات قشنگ و با شکوه و اطراف و نواحی زر خیز و شاداب و مرکزیت تجارت شرق شهر تی بسزا داشت .

در نصف دوم قرن ۱۱ مسیحی آ ل سلجوق قوت و عظمتی حاصل کردند . طغرل بیك قشون سلطان مسعود پسر محمود بزرگ را شکست داد و نیشاپور و هرات را بدست آورد . غیاث الدین بن‌سام برادر زادهٔ جهانسوز در سال ۵٦۹ ه (۱۱۷۳ م) غزنه را متصرف‌شده و دو سال بعد هرات را نیز بتصرف در آورد و تا سال مرگ خود ۵۹۹ ه (۱۲۰۲ م) بتمام این صفحات حکومت و تسلط داشت .

---

(۱) ص ۱۸٦ کتاب حیات و اوقات سلطان محمود غزنوی تالیف دکتور محمد ناظم .
(۲) نظام التواریخ تالیف ابوالحسن علی بیضاوی سنه ۹۷٤ نسخهٔ قلمی موزهٔ کابل .
(۳) تاشکند واوراتیهٔ امروزه .
(٤) صفحهٔ ۱۸۰ حیات و اوقات سلطان محمود غزنوی ـ تالیف دکتور محمد ناظم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

درنصف دوم قرن دوازدهٔ میلادی خانوادهٔ سلجوق خاتمه یافت وقسمت بزرگ سلطنت شان و همچنین هرات بدست سلاطین خوارزمی افتاد . در سال ٦٠٤ ه (١٢٠٧ م) هرات و فیروز کوه به امیر محمود پسر سلطان غیاث‌الدین که یکی ازجا نشینان سلا طین غوری است افتاد . اما اوچون مرد عیاش وشرابخور بود زیر دستان از اطاعتش سرپیچیدند و اختلال در کارها پیش آمد تا آنکه اورا درسال ٦٠٩ بقتل‌رسانیدند وبجای اوتاج الدین علیشاه برادر سلطان محمود خوارزم شاه که بامیر محمود پناهنده شده بود بسلطنت برداشتند . خوا رز مشاه کسی را مامور قتل اوکرد وبـا ینصورت درسـال ٦٠٩ ه (١٢١٢م) سلسلهٔ سـلا طین غوری برانداخته شد .

در ١٢١٩ م خونریز ترین جهانکشایان چنگیزخان بطرف ماوراءالنهر رخ نمود . همینکه از آب جیحون ومعبر ترمذ گذشت پسر خود تولی را بخراسان مامور نمود و تولی در دوسه ماه بلاد خراسان را ازحدود مروالروز تا بیق (سبزوار) و از نسـا و ابیورد تا هرات یکی یکی تسخیر وسراسر آن کشور آباد و پرجمعیت را بروزگار ماوراءالنهر نشاند. بعد از قتل‌عام نیشاپور تولی بهرات آمد و یکی از کسان خود را بان شهر فرستاده مردم را با طاعت خواند و ازقاضی وخطیب و حاکم و بزرگان شهر خواست که باستقبال او بر آیند . حکومت شهر درین تاریخ باملك شمس‌الدین جوزجانی دست شاندهٔ جلال‌الدین منگبرتی بود او قبول فرمان مغول را ننگ دانسته فرستادهٔ تولی را کشت ومستعد دفاع ازهرات شد . تولی درخشم شده هرات رامحاصره کرد محاصره هفت روز طول کشید روز هشتم ملك شمس الدین در اثر تیری جان سپرد اهالی شهر رابه تولی و اگذاشتند و او بجز (١٢٠٠٠٠) نفراتباع سلطان جلال‌الدین بکشتن دیگری اقدام نکرد (مورخهٔ ٦١٨ هجری) (١)

آتش چنگیزی بزودی فرونشست ، چه ٢٩ سال بعد از فتح دوم هرات او و جانشینانش ناپدید شدند و از آن وقت تاخروج تیمور هرات درتحت ادارهٔ ملوك وطنی در آمد . زیرا درزمان سلطنت منکو (١٢٥١-١٢٥٩م) شمس‌الدین‌محمدکرت (٦٤٣-٦٧٦ه) که اصلاً غوری وقلعهٔ خیسار رامتصرف بودشهرهرات رابدست آورد . مشارالیه موسس سلسلهٔ کرت است و از ٦٤٨ حکمران مستقل گردید واوست که در هرات دوباره سلسلهٔ غوری الاصل را برقرار نمود سلا لهٔ کرت در تمام مدت استیلای مغل در ایران ، در هرات سلطنت میکردند . درقرن ١٣ و١٤م فخرالدین کرت وپنجمین پاد شاه این سلسله (١٢٨٥-١٣٠٧م) ارگ کنونی هرات که بنام قلعهٔ اختیارالدین معروف بود بنا کرد .

درزمان معزالدین (١٣٣١-١٣٧٠م) که هفتمین ومقتدرترین سلاطین آل کرت بود مغلها

(١) ص ٥٧ ازچنگیز تا اعلان‌مشروطیت جلد اول‌تالیف آقای فاضل عباس اقبال طبع تهران

(c) ketabton.com: The Digital Library

تماماً سقوط کردند . و بعد ازفوت طغاتیمور (که بنام مطیع او بود) پاد شاه مستقل شد (۱) درعهد ملوك کرت شهروبازار رونق خوبی گرفت .

در زمان غیاث الدین پیر علی آخرین پاد شاه کرت در سال ۷۸۳ (۱۳۸۱م) هرات بدست تیمور فتح گردید . شهردرمقابل تیمور هیچ مقاومت ننمود ولی او بر هرات هجوم آورد و آنرا باخاك برابرساخت و آنچه بود ونبود بغمابرد .

«درسنه ۷۹۹ ه (۱۳۹۶ع) تیمور ولایت خراسان را بفرزند خویش میر زاده شاهرخ تفویض نمود . جمعی از سران وامرا واشخاص درست را خانه کوچ بملازمت وی مقررنمود.... (شاهرخ) درشعبان همان سال بکنارآمورسید ازآب گذشت باندخوی فرودآمد و از آنجا جانب هرات رخ نمود امرا ، علما ، اعیان واکابر هرات برسم استقبال پیش آمدند . شاهرخ داخل شهر گردیده باغ زاغانزا نشیمن خاص مقرر نمود . حکام و ولات اطراف خراسان و سیستان همه بانواع پیشکشها بدرگاه وی شتافتند » (۲) شاهرخ حکومت آزادانه راگزید و شهرهرات را پایتخت قرارداد . هرات باگامهای وسیع بسوی ترقی روان شد ، وآن خساراتی که از هجوم تیمور بر آن وارد شده بود جبران گردید . شاهرخ بعد از مرگ تیمور ۸۰۷ه (۱۴۰۵م) در هرات بود امابعد بسمرقند رفت ولی چون هرات را برای مرکزیت سلطنت مهمتر دانست برگشت والوغ بیگ را بانجا فرستاد . این وقت از بهترین ادوار شکوه وعظمت هرات وسلطنت چهل وسه سالهٔ او صفحات در خشان تاریخ این سرزمین است . مشارالیه دیوار های شهر راآباد ، دروازه ها رااصلاح و از تزئینات و نقاشی شهر رارونقی داد .

قلعهٔ اختیارالدین که آبادکردهٔ ملك فخرالدین کرت بود وبنابرحکم تیموروبران شده بود دوباره آباد نمود (۳) ارباب علم وهنر راپرورش داد وخودش نیز از علم بی بهره نبود .

شاهرخ درسنه ۸۵۰ بعمر ۷۱ سالگی دررری وفات یافت . نعش او بسمرقند نقل داده شد ودرجوارتیمور پدرش دفن گردید . بعد ازوی الوغ بیگ مرزا برتخت امپراطوری جلوس نمود این مرد تقریباً فنافی العلم بود خاصةً در ریاضیات ونجوم ید طولا داشت . زیچ الوغ بیگی خیلی معروفست . بعد ازوی عبداللطیف شاه شد .

آخرین شاهنشاه مقتدر تیموری درهرات سلطان حسین میرزای بایقراست . این سلطان بهمدستی بزرگترین سیاستمدران آنعصر امیرنظام الدین علی شیر درراه علم و عرفان کوتاهی نکردند . مملکت دروقت این پاد شاه معمور بود . از آثار وی باغ جهان آراست که بباغ مراد موسوم است که دارای عمارات ، قصرهامدرسه خانقاه وغیره بوده وخود نیز در مدرسه

(۱) طبقات سلاطین- لن پول (۲) ظفرنامهٔ شرف الدین علی یزدی - نسخهٔ قلمی کتب خانهٔ ملی
(۳) تاریخ کثیره مولفه سید شریف راقم قلمی موزیم کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

دفن است (۱) چون طبع سلطان مائل بعمارات و آبادانی بود جمیع امرا وملازمان در بیرون هرات عمارات تعمیر نمودند . میرزا با علمای عصرخودش خیلی خوش بود وخود نیز فاضل و صاحب تالیفات است که یکی از آ نجمله دیوان فارسی وترکی او میباشد . موصوف سی وپنج سال پاد شاهی کرده آخر در ۹۱۱ه در باد غیس وفات نمود نعشش را بهرات آ ور دند و در گنبدی که خود ساخته بود د فن شد .

بد یع‌الزمان ومظفر حسین پسران سلطان حسین مرزا از دست شیبا نی شکست یا فتند وسلسلهٔ تیمور یان هرات بپایان آمد .

شیبا نی ها در مجادله باصفویان شکست خورد ند . شاه اسماعیل هرات را تسخیر نمود . درین وقت شکوه وعظمت شهررا وداع گفت . شیبانی ها چند مرتبه آنرا محاصره نمود ند اما در ۱۵۳۷ میلادی شاه طهماسب آنرا تصرف نمود وتا ۱۷۱۵م بدست صفوی ها بود .

در۱۷۳۱ نادرشاه‌افشار هرات‌را گرفت . بعداز مرگ‌او۱۷۴۹م اعایحضرت‌احمدشاه‌بابا هرات را ازدست اجانب نجات‌داد . درسنوات ۱۸۳۸و۱۸۵۵دومرتبه برین‌شهرحمله آوردند. نه‌سال بعداز حملهٔ دوم ایرانیان اعلیحضرت دوست محمدخان هرات را ازحملات اجنبیان مصون گر دانید .

این بود مجمل تذکر تاریخی هرات . اکنون را جع بخو د شهر مختصر صحبتی کر د ه بتماشای آثار تاریخی آن مشغول میشویم : شهر هرات درین دورشتهٔ کوه مر کز یت وادی شادابی را داراست . درین وادی قریه های زیاد تا کستا نها ، کشت زارها و باغهای فشنگ وقوع دارد . جویبار های چندی که برای سیراب کردن وادی کشیده شده در هر طر ف منظرهٔ نظر فر یبی دارد . در مر کز این واد ی شاداب شهر متینی کا ئن است که سا بقاً روز گاری داشته ومهد تمدن و تهذیبی بوده .

راجع بعظمت گذشته وعمارات ووسعت‌شهر ازیاد داشت های بابر که درسنه۹۱۲ هجری شهررا دیده فکری میتوان بدست آورد . این نکته را نیز نا گفته نباید گذاشت که بابراین شهررا بعد از غلبات چنگیز خان وتیمور ملاحظه کرده وچنین می‌نو یسد : « بیست روزی که درهری بودم هرروز جایهای را که ندیده بودم سوار شده سیرمیکردم رهبرما درین سیرها یو سف علی کوکلتاش بود . درهر سیرگاهی که فرود آمده میشد یوسف‌علی کوکلتاش یکنوع آش می‌کشید . درین بیست‌روز ازسیر گاههای مشهور غیرخانقاه سلطان‌حسین مرزا دیگر جای نادیده شاید نمانده باشد . گا زرگاه وباغچهٔ علی‌شیربیگ وجهاز کاغذ وتخت‌آستانه وپل کاه وکهرستان وباغ نظر گاه ونعمت‌آباد وخیابان گازرگاه وخطیرهٔ سلطان احمد میرزا وتخت

(۱) راجع بمد فن بایقرا درجای خود ش ذکر خواهد شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

سفر نوائی وتخت برگیر وتخت حاجی بیگ وشیخ بهاءالدین عمر وشیخ زین الدین و مزارات مولینا عبدالرحمن جامی ومقابر او ونماز گاه مختار وحوض ماهیان وساق سلمان ، وبلوری که اصل او ابوالولید بوده است وامام فخر وباغ خیابان ومدارس ومقابر میرزا ومدرسهٔ گوهر شادیگم ومقبرهٔ او ومسجد جامع او وباغ زاغان وباغ نو ، وباغ زیده وآقسرای ساخته سلطان ابوسعید میرزا که برسر دراوزهٔ عراق ساخته است . وپورن وصفه سرانداز ان ، چترعالانك ومیر واحد وپل مالان وخواجه طاق وباغ سفید طرب خانه وباغ جهان آرا وکوشك ومقوای خانه وسوسنی خانه ، ودر وازهٔ برج وحوض کلان طرف شمال جهان آرا وچهار عمارت چهار طرف او، پنج در وازهٔ قلعه ، دروازهٔ ملك ودر وازهٔ عراق ودر وازهٔ پیروز آباد ودر وازهٔ خوش ودر وازهٔ قپچاق وبازار ملك وچارسو ومدرسهٔ شیخ الاسلام ومسجد جامع ملکان وباغ شهر ومدرسهٔ بدیع الزمان میرزا که کنار جوی انجیل ساخته وخانه های بودن علی شیر بیگ که انسیه می گویند مقبره ومسجد جامع او که قدسیه می گویند ، مدرسه وخانقاه او که خلاصه واخلاصیه می گویند حمام ودارالشفاء او که صفائیه وشفائیه می گویند اینهمه را دراندك فرصت سیر کردم (۱) »

میلسن گوید : « من الفاظی نمیتوانم پیدا کنم که بتوان شوکت گذشتهٔ هرات را افادهٔ کند جزآنکه هرات راهرات بخوانم . (۲) »

نیدر مایر راجع به بناهای هرات چنین اظهار نظر می کند : « اگر بنا های هرات را باشهر قاهره مقایسه کنیم می بینیم که قاهره باوجود اینکه در تعداد اینچنین بناها نسبت بهرات افزونی داشته ولی درتجمل وشکوه پایهٔ بناهای هرات رسیده نمیتواند . (۳) »

فصیل مستحکم وحیرت آور آنرا اکنون برداشته اند . این فصیل خیلی مهم وتهداب آن وسطی دوصدوپنجاه فت عرض داشته واطراف آن خندق عریضی حفر کرده بود ند .

دست روزگار روز بروز این شهر قشنگ وتاریخی افغانستان را افسرده نموده رفت وهرات آن شوکت وعظمت گذشته را باز نیافت . آثاری که از اد وار تمدن گذشتهٔ آن یادگار مانده بود نیز کم کم روبخرابی گذاشت . اینك راجع ببعضی آثاری که شواهد دوران گذشتهٔ این شهر باستانی است مختصر تذکری داده میشود :

مسجد جامع :

در داخل شهر یکی از بناهای مقدس مسجد یست که بجامع شریف شهرت دارد . این جامع شریف بنائی است وسیع ودر گوشهٔ شمال مشرق واقع گردیده . ایت از زبان

(۱) صفحه ۱۲۱ توزك بابری

(۲) هرات ، باغ وغله خانهٔ آسیای مرکزی ـ میلسن

(۳) افغانستان تالیف نیدرمایر وارنست دتیس جرمنی صفحه ۵۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابن حوقل (۱) درخصوص آن چنین گفته :

« در همهٔ خراسان وماوراءالنهر جائی نیست که مسجدی خوبتر و قشنگتر از مسجد هری داشته باشد . بعد ازان مسجدیست دربلخ وسپس مسجدی در سیستان . »

این جامع شریف را اصلاً غیاث الدین ابو الفتح بن سام که از سلالهٔ غور است (۲) بنا نموده وسبب بنای این مسجد بزرگ حضرت فخر علمای اسلام فخرالدین رازی رحمة الله علیه بوده (۳) وسلطان ازبرای‌وی بنا کرده میگویند که‌پیش ازظهور وسرایت دیانت اسلام

(۱) ابن حوقل : ابوالقاسم محمد یك سیاح وجغرافی دان مهم عرب است : از حیات وی کمتر اطلاعی دردست است او راجع بخود مینویسد که در رمضان ۳۳۱ه بغداد را ترك گفته در تمام دنیای معلوم از شرق بغرب مسافرت نموده: بقرار نظریه دوزی (Dozy) او خفیهٔ بود درخدمت فاطمیان. دراثنای سفر خود به الاصطخری ملاقی شد (غالباً در ۳٤۰) و قرار خواهش او دربعضی نقشه های جغرافی او اصلاحات نمود واثر او را دوباره نوشت. بعد ها قرار داد که اثر مذکور را باز بنام خود وعنوان المسالك والممالك بنویسد (۳٦۷ ه) .

(۲) غیاث الدین بن سام برادر زادهٔ علاءالدین جها نسوز (متوفا ٥٥٦ ه) میباشد که در سال ٥٦۹ (۱۱۷۳ م) غزنه را از چنگ طائفه غز بیرون آورد ودو سال بعد هرات را نیزمسلم خود کرد وتا سال‌مرگ خویش ٥۹۹ه (۱۲۰۲م) برتمام ممالك وسیعه اجدادی حکومت وتسلط داشت. پدرش بهاء الدین سام پسر عزالدین حسین‌غوراست که در ٥٤٤ه حکومت فیروز کوه داشت .

(۳) رازی ملقب به ابن‌الخطیب ابو عبدالله محمد بن‌عمرورازی میباشد. اصلاً تمیمی‌بکری قریشی بود. پدرش ضیاء الدین خطیب درعلم وادب و خطابهٔ نامور عصر خود بود.

این خطیب چون درسال٥٤٤ ه (۱۱٤۹م) دربلادری تولدیافته ازین سبب رازی‌شناخته میشود . تحصیل ابتدائی را از پدر وعلوم حکمت، فلسفه، توحید را در نزد محمد الدین جبلی در مراغه حاصل نمود وباندك مدت درعلوم وفنون وفلسفه عصر خود سر آمد شد. مشارالیه خوارزم، هرات، بامیان،غزنه رفته ودربارگاه سلاطین غور وخوارزم معززومحترم زیسته وملقب به شیخ الاسلام شده . سلطان غیاث الدین غوری مسجد جامع هرات را بنام شافعیه برای او تعمیر نمود که بروز های جمعه وعظ میفر مود. ابن خطیب در حدود هشتاد جلد کتاب نوشته که همه در توحید، فلسفه، طب وبالجمله علوم عقلیه ونقلیه بود تا امروز قیمت خودرا از دست نداده ولی بیشتر آثارش در کتب خانه های اروپاست وقسمتی هم بطبع رسیده. بالاخره بروز عید فطر سنه (٦۰٦ ه) وفات نمودند قبر شان در خیابان هرات است . گویند وقت وفات این رباعی را فرمودند :

هر گز دل من زعلم محروم نشد — کم ماند زاسرار که مفهوم نشد
هفتادو دوسال‌درس‌گفتم شب‌وروز — معلو مم شد که هیچ معلو م نشد

(c) ketabton.com: The Digital Library

درین مرزو بوم درهمین جا بادیان مختلفه معبد عامهٔ بوده است . بعضی هم بنای آنرا بسلطان حسین بایقرا در اواخر قرن ۱۵ مسیحی نسبت میدهند (۱) بار تولد گوید در خود شهر فقط یك عمارت برجسته جلوه گر میباشد وآن مسجد جامع است که در سال ۱۲۰۱ ع سلطان غیاث الدین غور بنا کرده وبعد در دورهٔ سلاطین کرت تعمیر و ترمیم شده است (۲) نیدر مایر گوید که سلطان غیاث الدین غوری بعداز فتح هرات ۵۷۱ ه (۱۱۷۵-۱۱۷۶م) آنرا تعمیر کرد .

امیل ترنکلر گوید : « راجع به بنا های مسجد گفته میشود که در سال ۱۱۹۲ م (۵۸۸ه)از طرف غیاث الدین شروع شده و در سال (۱۲۱۲ م) از طرف محمود پسرش بانجام رسیده. بهر حال حصهٔ ازان را چنگیز خان ویران کرده بود که دو باره از طرف سلطان حسین میرزا تعمیر یافت . (۳)

این مسجد شریف دارای چار ایوان بزرگ، شش دروازه ، چار صد و شصت گنبد ، یکصدوسی رواق وچارصدو چهل وچار فیل پایه ویکدربند مدرسه است .

البته دراوقاتی که بنای این مسجد شریف بپایان آمده چه شکوه و چه عظمت داشته وبا چه کاشی کاری های قشنگ مزین بوده باشد ! جای تردید نیست . اکنون نیز با قسام خطوط سبعه الواح مقدس ازقبیل آیات وحدیث شریف که تزئین یافته مشاهده میگردد .

صحن مسجد جامع شریف بصورت یك محوطهٔ مستطیل نهاده شده که چهار طرف آنرا بنای مسجد مبارك احاطه کرده است. چار ایوان بزرگ بچار سمت درحصص وسطی نهاده شده وهرکدام ازحیث رفعت وبزرگی خود شکوه این بنای معظم را تضاعف می بخشد . صحن مسجد (۴۹۲۰) متر مربع و در وسط آن حوض کلان و پختهٔ می باشد . در یك گوشهٔ مسجد چاهی هم حفرشده که آب وافر وخوشگواردارد، اهالی اطراف ازآن استفاده می کنند .

یك چله خانه هم درمسجد مبارکست که میگویند خواجه عبیدالله احرار و بسیار دیگرازمشایخ کبار درآنجا بعبادت پرداخته اند .

درین مسجد جانب اندرون حویلی و برروافرامین واحکام پادشاهان سابق که درخصوص معافات ورفع تکالیف نموده اند ؛ روی سنگهای مرمر منقور و قسمتی که تاهنوز باقی مانده متعلق بدوره های اخیراست .

همچنین در ایوان غربی پهلوی محراب بصندوق چوبی تبرکات که در سنه ۱۳۴۰ قمری

(۱) ص ۴۷۲ جلد ۱۱ انسیکلو پیدیای بریتا نیکا .
(۲) ۱۰۹ تذکره جغرافیای تاریخی ایران .
(۳) ص ۵۲ عبور ازقلب افغانستان مولفهٔ امیل ترنکلر جرمنی ترجمهٔ فیدر ستون انگلیس .

(c) ketabton.com: The Digital Library

جناب فخری باشا (سفیر دولت ترك) وارد افغانستان نموده نهاده شده و در طرف شمال صندوق سنگی یادگاراین تبرکات بدیوارنصب ودرآن راجع باین موضوع تحریری می باشد تبرکات مذکور عبارت ازغبارصندوق مبارك روضهٔ مطهر ، قطعهٔ ازپوش روضه وقطعهٔ ازشمع داخل روضه ، قدری صندل از صندلهای بخور روضهٔ مبارك ، برش صف نماز پوش روضهٔ مبارك و پرده های اندرون خانهٔ مبارك وقدری ازغبارروضهٔ مبارکه سیدة النسا فاطمة الزهرا رضی‌الله عنها می‌باشد (۱) .

بنای این‌مسجد شریف طوریکه گفته آمدیم درعهد سلطان غیاث الدین غورنهاده شده و دراثر مرورده‌وراین بنای ذیشان رو بویرانی گذاشت تا اینکه درسنه ۸۹۵ هجری درعهد سلطان حسین مرزا امیرعلی شیرنوائی وزیر بزرگ هرات ترمیمات مقصوره و یك طاق آنرا بعمل آورد . رباعی که برروی کاشی های آن خوانده میشود دلیل واضح بر آنست .

مقصوره و طاق جامع شهر — گردیده خراب بود از دیر
شد امر زغیب گشت تاریخ — وفق لبنائهٔ علی شیر
(۸۹۵)

دردفعهٔ ثانی ترمیمات عمومی مسجد شریف آغاز ودر سنه ۹۰٤ ختم شد چنانچه دورباعی دیگر که نیز روی کاشی کاری ها خوانده میشود بر سنهٔ مذکور دلالت میکند :

این بقعه که مانده‌بود چون عظم رمیم — مانند ه کعبه یافت احیای عظیم
تاریخ عمارتش ز دل جستم گفت — ثانی بنای طیب ابراهیم
(۹۰٤)

بدروازهٔ شمالی :

بتعمیر این بقعه جان یافت فیض — که مانند خلد است ماوای فیض
چو از فیض تعمیر شد بهره مند — خرد یافت تاریخ آن جای فیض
(۹۰٤)

مرتبهٔ ثانی در عهد شاه اسمعیل صفوی خراب شده بود در ۱۲۵۳ ه ایوان سمت شمالی مسجدراوزیریارمحمدخان درانی‌آبادکرد.ود رسلطنت‌اعلیحضرت امیرشیرعلیخان(۱۲۹۳) دروازه های مسجد ازطرف خود امیر موصوف آبادکرده شد که نام امیر بدرب غربی واین رباعی بدرب جنوبی مسطوراست :

کرد استاد کریم طرح چهار — باب این‌مسجد پاکیزه سرشت
ملکی از پی تاریخش گفت — افتح الله لك ابواب بهشت
(۱۲۹۳)

(۱) آثار هرات جلد اول تالیف خلیلی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

در اول سلطنت ضیاء الملة والدین ایوان قبلهٔ مسجد خراب شده بود ترمیم یافت . درسنه ۱۳۲۵ که سراج الملة والدین بهرات رفت ومسجد را دید که رو با نهدام است امر کرد که آ نرا ترمیم کنند و مبلغ دولك روپیه عطا کرد که در ظرف پنجسال ترمیم یافت (۱)

بعضی برین عقیده اند که اساس آن ازدورهٔ سلطنت عرب باقیمانده و بعضی از قطعات آن شبیه مسجد ابن طولون وسامره است . چندین بار تجدید عمارت آ نرا چنانچه ذکر شد نموده واصلاح کرده اند دیوارهای روبطرف حیاط مسجد رامعلوم میشود که بعد هابه آجرهای قشنگ مزین کرده اند واندکی بعد روی آجرهارا بطرز ابنیهٔ غربی خراسان کاشی کاری نموده اند .

میتوان حدس زد که این بنای مقدس طوریکه گویند معبد عامه بود ، ولی بعد از انکه مسلمانان هرات رابدست آوردند همان معبد رابمسجد تبدیل کرده باشند ودرعهد سلطنت سلطان غیاث الدین غور نزدیك هیئتی که دیده میشود تجدید شده وسپس ازان ترمیم و کاشی کاری وغیره شده خواهد بود .

در طرف شمال مسجد جامع شریف مدفن خود سلطان غیاث الدین غوری است که گنبد بزرگ و بلندی داشته و اکنون ازان جزچهار دیوار و بعضی نوشته های گذشته چیزی دیگر باقی نمانده است . این مدفن را خود سلطان مذکور در زمانی که مسجد جامع را بنا نموده برای همین معنی احداث کرده . غیر ازوی قبرهای دیگر ازاولاد او وغیره هم در آنجابود. ملك معزالدین حسین کرت نیزدر آغوش این بقعه باستراحت ابدی سپاریده شده است . میگویند که خانهٔ مذکورآن معادل یك جریب است که زیریك گنبد بنایافته ویکی ازمعجزه های معماری است. دیگ بزرگ هفت جوش ومنقشی که در زمان ملوك کرت قلندر نام فقاعی ساخته روی پایه ها گذاشته شده . قطرآن یکنیم متر وعمق آن دومتر می شود ودر ایوان غربی مسجد قرار دارد. این دیگ را برای شربت دادن درایام متبرکه وقف مسجد ساخته اند . در حاشیهٔ بیرونی دیگ اسم محمد بن محمد بن محمد کرت (؟) نقش کرده شده واین دوبیت رادرمدح پادشاه وقت و تاریخ آن درحواشی خارجی آن نقش نموده اند :

هزار سال جلالی بقای ملکش باد — شهور او همه اردی بهشت و فرور دین
بسال هفتصدو هفتادوشش بد ازهجرت — که نقش بند حوادث نمود صورت این (۲)

علاوه بران جامع شریف کتب خانهٔ کوچکی نیز دارد مشتمل برکتب متداولهٔ دینیه وعلمیه.

قلعه ارگ :

بعد از مسجد جامع مشهور ترین جای در شهر هما نا قلعهٔ ارگ است . ارگ هرات در

(۱) ص ۸۷ و ۸۸ جزء اول مزارات هرات طبع لاهور .
(۲) صفحه ۸۸ جزء اول مزارات هرات .

(c) ketabton.com: The Digital Library

موضع بلند قدری عقبترخاکتودهٔ بزرگ شمالی واقع وبرتمام شهر سرکوب است. دیوار های آن همه ازخشت واز بناهای خیلی قدیم معلوم میشود. طوریکه ابن حوقل قلعه را شرح میدهد چنین است (۱) :

« هرات قلعهٔ دارد باخندقها ، این قلعه در مرکز شهر واقع وتوسط دیوار های مستحکمی حفاظه میشود. » خندقها پرشده وقلعه هم از مرکزیت شهر خارج گردیده است. قسمتیکه درآن رهایش کرده میشود محوطه ایست بطول (۳۳۰) فت وعرض (۱۸۰) فت. قلعه دارای چهار برج ودرب آن بطرف بازار عمومی است که بچهار سو میرود.

درقرن ۷و۸ هجری فخرالدین پنجمین پادشاه (۶۸۴-۷۰۷ه) ارگ کنونی هرات را که بنام قلعه اختیارالدین برد بنا کرد. مورخینی اسلامی آنرابهمان نام قلعه اختیارالدین یادکرده اند.

بارتولد گوید :« مسلمین اسکندر را بانی هرات میدانستند. درینصورت روایات مورخین یونان راجع به بنای شهر اسکندر یه درولایات آریاموئد داستان فوقا لذکر است. بطلیموس تحت عنوان (Aria metropolis) همچنین (ایزید ورخارا کسی) غیرازشهر ارتاکوان پایتخت قدیم بومی ازین شهر هم نام میبرند. بدین جهت محل وقوع شهر آرتاکوان بین علما موضوع بحث بود. یعقیدهٔ توماشك شهر آرتاکوان درجای ارگ هرات واقع بوده که بعدها درزمان سلسلهٔ کرت (قرن۱۳و۱۴) باسم اختیارالدین معروف گردید(۲). » « شاهرخ قلعه اختیارالدین کهآباد کردهٔ ملك فخرالدین کرت بود وبنابرحکم تیمور ویران شده بود دوباره آباد نمود (۳) »

در وقتیکه بابرشاه بهرات رفت قلعهٔ مذکور به (باله قورغان) شهرت گرفته بود چنانچه خود گوید « قلعهٔ اختیارالدین هری که حالا به باله قورغان مشهور است... (٤) »

در زمانهای سابق ازحیث متانت واستواری خزانهٔ عمومی وعموم تجهیزات وذخائر دولتی درآنجا تعبیه میشد.

حصص بیرونی قلعهٔ شیرازه واز یکطرف که مشهور بیاحصار وبداخل شهر است خندق دارد. ودیوارهای ثابت وبلندآن بابرج وبارهٔ که بصورت هندسی وعسکری ترتیب داده شده برمناعت وانتظامات نظامی هرات میافزاید. حملات سنگین وطاقت فرسارا که هرات درادوار مهاجمات ومحاصرات تحمل مینموده یك پهلوی مهم مدافعه متانت همین قلعه ایفا کرده است.

عمارت وبنائی که مرحوم فرامرز خان سپه سالار احداث کرده بهمان طرز واصول اصلی

(۱) هرات ، باغ وغله خانه آسیای مرکزی - تالیف میلسن
(۲) ص ۱۰۱ تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران
(۳) تاریخ کثیره مولف سید شریف راقم نسخهٔ خطی موزه
(٤) ص ۱۲۵ توزك بابری.

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن تا کنون موجود است . ازخانهٔ سپه سالار منظرهٔ بیرون شهر درسمت شمال بخوبی دیده میشود . قریب هشتاد فت پائینتر ارگ نو ساخته شده است که ازان بعد میدان وسیعی برای پریتگاه عسکری وخارج ازشهر عمارات ومناره های مصلی که بعد از آن بوسعت بزرگی که بالاخره بدامنهٔ کوههای مابعد می انجامد دیده میشود .

چاونی عالی پای ارگ ودیگر چونی ها بصورت بسیار منظم باشفاخانهٔ مکمل عسکری درین اواخر تاسیس شده است . (۱)

خلاصه این قلعهٔ متین از زمانهای قدیم آباد وشاهد دوره های اعتلا ومدنیت سابق هرات بوده است .

مصلی :

درپیرون شهر مایهٔ دلچسپی همانا زیارات وجایگاه های مقدس هراست . روی دامنهٔ کوههای شمالی جائی بوسعت ٤ میل طول وعرض ۳ میل می باشد که روی آن پارچههای خشت درینجا وآنجا آثار دیوار های خراب شدهٔ قصور عالیهٔ برباد رفته که باری مایهٔ تعجب بینندگان وشکوه وعظمت شرق حساب میشد ملاحظه می گردد . ازین عمارات برباد رفته پارهٔ محض شهادت عظمت گذشتهٔ این شهر تاریخی برپاواز قشنگی سابقهٔ هرات حکایه می کنند درمیان اینها عمارات مصلی که درسمت شمال شرقی شهر بفاصلهٔ هزارقدم واقع وعمارات خیلی پر شکوه بوده است متاسفانه اکنون درحال آنچنان خرابی است که بجز مناره های آن چیزی دیگر دردست نیست . مصلی دراصل مشتمل برسه عمارت است که ازشمال شرق بجنوب غرب ممتد بوده وجائی باندازهٔ (۱۸۰۰) فت را ازیك گوشه تا گوشهٔ دیگر اشغال کرده بود . بقراری که مورخین می نویسند بنای مصلای اول راملوك کرت ودوم را امیر تیمور کورگان وسوم راسلطان حسین بایقرا نموده است (۲) .

امابخیال نگارنده قسمتی را که بامیر تیمور کورگان نسبت می کنند درست نیست ، زیراتیمور بهمچو اقدامی نپرداخته بلکه درعهد پسرش میرزا شاهرخ چنین شده است ، چنانچه از سطور پائین معلوم خواهد شد .

بهرحال مصلی یکی ازیادگارهای تاریخی این خاك است. از عمارت شرقی یعنی مدرسه بجز گنبدعهد علیا وچهارمنار چیزی نمانده . رواقهای آن باید از (٦٠) الی (۸۰) فت بلند بوده باشد روی آنها کاشی کاری وتزئینات شده که اکنون بعض جایهای آن معلوم میشود . راجع باین مدرسه طوریکه درخلاصة الاخبار مولینا محمد بن خاوندشاه هراتی مورخ مشهور تحریر یافته نقل کرده

(۱) صفحه ۵۳ جلد اول آثار هرات تالیف آقای خلیلی

(۲) صفحهٔ ۵۵ » » » »

(c) ketabton.com: The Digital Library

میشود (۱) :

مومی الیه درذیل ابنیهٔ بیرون شهرهرات مصلای موصوف رابنام مدرسهٔ مهدعلیا گوهرشادبیگم (ملکهٔ شاهرخ) ومدرسهٔ سلطان حسین مرزا وخانقاه ومدرسهٔ اخلاصیه ذکرمی کند مهمترین این سه بنا مدرسهٔ گوهرشاد بیگم بوده است . راجع بتاریخ آن ذیلاً نگاشته میشود :

آ ــ مدرسهٔ گوهرشاد بیگم :

درسال (۸۲۰) هجری قمری گوهر شاد بیگم بنت سلطان غیاث الدین ملکهٔ امیرا طور شاهرخ درآوان سلطنت شوهر خویش بنابر احساسات فضیلت پروری وترقی علوم و معارف وتربیهٔ علماوارباب دانش عزم آن کرد که مدرسهٔ بزرگ بنامومد رسین عمدهٔ هرات رادرآن جمع آورده درتوسعهٔ علم وکثرت عدهٔ علمای آن خطه بهترین خدمات را انجام بدهد .

بتعقیب این عزم جمیل معماران، حجاران، کاشی کاران، خطاطان، نقاشان ماهروشیرین کاررا ازنواحی طلبیده وازعین المال خودمبالغ خطیری راصرف ، واین مدرسهٔ ـ شریف وبنای عظیمه رانهاد . وبعدازمدت مدیدی بنای مدرسهٔ موصوف بکمال زیبائی انجام یافت . روا قهای مرتفع ومزین ودیوارهای محیط ومنارها وگنبدهایش عموماً بکاشی های رنگ برنگ وبرسم (خواجه میرك) هراتی نگاشته شده ودرجواراین مدرسه گنبدی بنهایت زیبائی وقشنگی برای آنکه مدفن امیرموصوف وملکهٔ علیا درآن بشود بنا یافت .

یك قطعه سنگ مرمر قشنگی که تاریخ تعمیر مدرسهٔ موصوفه است بخط ثلث جلی بقلم خطاط شهیر (جعفر جلال) هروی نگاشته شده اکنون درموزیم هرات موجود وعبارتی که روی آن حك شده است بدینقرار می باشد :

بیامن فیض فضل ربانی ومساعدت تائید سبحانی این عمارت رفیع البنیان شامخ الارکان که قواعد معا قدش در روز قدر سنهٔ عشرین وثمان مائه (۸۲۰) تمهید یافته بود ودر ایام دولت حضرت خلافت پناه السلطان بن السلطان معین السلطنهٔ الدنیا والدین معز الاسلام ومنعبت المسلمین شاهرخ بهادر خلد الله تعالی ملکه وسلطانه از آثار مساعی مشکوره وخالص مال علیاحضرت مهد علیا عصمت الدنیا والدین گوهر شاد آغا بنت امیر الکبیر غیاث الدین خان خلد دولتها اتمام یافت . فی سنه احدی واربعین و ثمان مائه (۸۴۱) کتبهٔ جعفر جلال (۲) »

کاشی کاری های منارها در اثر دستبرد عوارضات ومرور دهور کهنه شده ولی برای اینکه کس عظمت وشوکت بنارا در وقت تعمیرآن تصورکند کافی است . منار های این مدرسه

(۱) اقتباس ازشمارهٔ ۱۲ سال ۳ مجلهٔ ادبی هرات .

(۲) » » » » »

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازهمه منارهای دیگر بلندتراست وغالباً بین (۱۲۰) و (۱۵۰) فت بلندی دارد .

کونولی در ۱۸۳۱ می نویسد که «بعد ازطی یکصدوچهل پله بقسمت علیای منارهٔ بلندترین آن واصل شدم و از آنجا بسوی شهر و باغهای مزین اطراف آن وتا کستانهای گرد و نواح نظرافگندم منظره های زیاد وقشنگ آنرانمی توان درجائی بجز (شاید) اتالی تصورکرد (۱)»

گنبد جوارمدرسهٔ مذکور که فوقاً تذکار یافت هنوز خراب نشده و بهمان طرز ساختمان مخصوص خودش سه پوششه بشمارمیرود . پوشش اول آن راه داشته و پوشش دوم آن بدون راه وازسوراخ سقف پوشش دوم، سقف پوشش سوم بنظرمیخورد.

چهارعدد رواق بزرگ با ابهت آن که دو بدومقابل هم تعبیه شده وسابقاً بانقاشی های زیبا نفاست وقشنگی خویش را ارائه می کرد افسرده شده و یادگار نقاشی ها و حجاری های ماهرانهٔ استادان دوراعتلای هرات اندك اندك روبانهدام رفته . این مقبره ازکاشی های آبی رنگ تزئین شده که روی آنها آیات قرآنی مشاهده میگردد . اما اثر عوارضات روزگار آن را از حال اصلی و زیبائی های پیشین در انداخته است . این گنبد در نزد عوام به گنبد سوز هم شهرت دارد . درداخل آن مقابر ذیل موجود است :

۱ـ قبر بایسنغر بن شاهرخ بن تیمور که تاریخ آن ۸۳۶ هجری قمری مطابق به ۱۴۳۳ میلادی است بایسنغرپسر سوم شاهرخ درسنه ۷۹۹ تولدگردیده مادهٔ تاریخ وفاتش این قطعه است :

سلطان سعید بایسنغر سحرم — گفتا که برد باهل عالم خبرم
من مردم و تاریخ وفاتم اینست — بادا بجهان دراز عمر پدرم (۲)

۲ـ قبر سلطان احمد بن عبداللطیف بن سلطان عید بن شاهرخ که تاریخ آن ۸۴۸ هجری مطابق ۱۴۴۵ م است :

۳ ـ قبرمهدعلیا گوهر شادبیگم که تاریخ آن ۸۶۱ هجری قمری مطابق ۱۴۵۷ میلادی میباشد.

۴ ـ قبرعلاؤالدوله بن بایسنغربن شاهرخ مورخه ۸۶۳ هجری قمری مطابق ۱۴۵۹ میلادی است

۵ ـ قبر ابراهیم سلطان بن علاوالدوله بن بایسنغر بن شاهرخ مورخه ۸۶۳ هجری قمری مطابق ۱۴۵۹ میلادی است .

۶ ـ قبر شاهرخ سلطان بن ابو سعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور که تاریخ آن

---

(۱) هرات باغ وغلهٔ خانهٔ آسیا ـ تالیف ملسن .

(۲) امیر شاهی سبزواری فیروزکوهی مداح بایسنغربوده ودرمرثیهٔ اورباعی ذیل راسروده :

در ماتم او دهر بسی شیون کرد — لاله همه خون دیده در دامن کرد
گل جیب قبای ارغوانی بدرید — قمری نمد سیاه در گردن کرد

(تاریخ کثیره ـ نسخه خطی موزهٔ کابل)

(c) ketabton.com: The Digital Library

۸۹۸ هجری قمری ومطابق ۱۴۹۳ میلادی می باشد.

ازینقرار طوریکه شاهرخ میرزای کبیر ومهد علیا ملکه اش این مقبره را برای خود آماده داشتند هردو کامیاب نگردیدند که درزیر آن بقعه باهم آرام گیرند. تنهاعلیاحضرت ملکه بادیگران درینجا دفن شد. این مقبره چنانکه در نزد عوام بقبر شاهرخ شهرت دارد براسطهٔایست که شاهرخ نامی از نوه های تیمور قریب ۴۷سال بعد از شاهرخ بزرگ بدین نام ملقب بوده درآن آرام دارد؛ وازینجاست که مقبره چنین مشهور شده.

در کتیبهٔ گنبد مذکور اشعاری در مرثیهٔ سلطان بایسنغر نگاشته شده اما دست حوادث آنرا طوری بحال اندراس درآورده که بجز این دوفرد دیگر آن خوانده نمیشود:

بسکه رفت ازچشم مردم خون دل زین واقعه خامه‌را موج سرشك‌خویش درطوفان نماند
غوطه زد درنیل مصرازمصرگوئی شد عزیز چین گرفت ابروی چین‌درچین‌مگرخاقان نماند

معمار این مدرسهٔ شریف واین بنای عالی استاد عمادالدین هروی بوده که در سال (۸۴۲)فوت ودر مصرخ هرات نزدیك مقبرهٔ سادات مدفون گردید (۱).

علیاحضرت گوهر شادبیگم ذوق سرشاری درتعمیر مدارس ومساجد وترقی معارف داشت علاوه برمسجدمصلی، مدرسهٔ همداشته؛ چنانچه درمشهد نیزمسجدی بنام خود(مسجدگوهرشاد) آباد کرد.

امپراطور بابر دراثنای سفرخود بهرات درسنه۸۹۴ هجری قمری (۱۵۰۶میلادی)مدرسه مقبره‌ومسجد گوهر شادبیگم راخیلی تعریف کرده درنامهٔخویش ثبت‌نموده است. اما حالا بجز سنگ قبر که‌درمیان خاکتوده هامتاسفانه نیمه گورشده وهمان لوحهٔ تاریخی که در موزیم‌هرات می‌باشد اسمش درجائی دیده‌نمیشود «این سنگ بنام هفت قلم مشهور است وضعیت مخصوص در حجاری دارد که‌منحصر بفرداست»

مصلی بطرف غربی مقبرهٔ مهد علیا واقع است؛ و طوریکه از نام‌آن ظاهر است منزلگاه مبارکی استغالباً دیوارهایش مزین بوده عمارت مرکز مشتمل برگنبدی بود وقریب(۷۵) فت قطرداشت که در عقب آن گنبدی نسبتاً کوچکتر وقوع یافته‌ویکتعداد حجیرات واطاقها در اطراف آن بود مدخل آن‌ازبین‌راه روکمان داری بطرف مشرق بازبود که باندازهٔ(۸۰) فت بلند وباکاشی کاری هاملون وخطوط برجستهٔطلائی‌تزئین یافته بوددر بالای دهلیزآن حجیرات وروافهای مختلف موجود وبطرف شرق محوطهٔ قریب(۲۴۰) مربع فت محاط باطاقهاوروافهای مزین بود. مدخل بزرگ در طرف شرق حیاط بازشده و از بین دهلیز کمانداری باندازهٔ (۸۰) فت بلند بوده‌است. چهارمنارآن که‌هرکدام قریب (۱۲۰) فت بلندی دارنددر چهار

(۱) شماره ۱۲. سال ۳ مجله ادبی هرات.

(c) ketabton.com: The Digital Library

گوشهٔ عمارت بوده که اکنون یکمقدارزیاد نقاشی های آنراموا سم تحت تاثیر کشیده افسرده ساخته وخصوصاً سمتی که بابادهای موسمی مواجهه است بیشتر متاثر شده، اما ازدیگر اطراف آ نقدر هاخساره ندیده است (۱) خدامیداند دراوقاتیکه این عمارت تازه اززیرکاراستادان ماهرآنعصر فراغت یافته بود چگونه بینندگان را بحیرت دچار می کرد! گویند اطاقها را برای رهایش طلاب مدرسه ساخته بودند.

ب ـ مدرسهٔ سلطان حسین بایقرا :

دیگر مدرسهٔ سلطان حسین بایقراست که مشهور بمدرسهٔ میرزا می باشد این مدرسه نیز خیلی قشنگ وزیبا تعمیریافته بود. سلطان موصوف ازدیانت پروری وحسن افکاری که داشته در زمان زمامد اریش بتعمیر این مدرسهٔ شریفه عزم کرده، معماران، کاشی کاران، ونقاشان ماهررا احضار وبصرف مبالغ کثیره به بنای آن پرداخته وتمام گنبدودر ودیوارش رابکاشی های فیروزهٔ ولاجوردی وبخطوط نقاشان آنعصر تزئین داد (۲).

آقای خلیلی درآثار هرات مولفهٔ خویش صورت تهیهٔ سامان تعمیرآنرا از زبان صاحب بحیره چنین نقل میکند: «درین سال یعنی ۱۰۲۳ هجری مانندمدرسهٔ میرزادرکل ایران وتوران مدرسهٔ بشکوه وصفانیست وآنرا بصرف مبلغ خطیری احداث فرموده اند. یعقوب بیگ شاه تبریز نظر بروابط اتحادی که باسلطان حسین میرزا داشت قراردرخواست سلطان (۶۰۰) قطارسنگ مرمر از تبریز برای مصرف این مدرسه فرستاده است.» (۳)

خلاصه این مدرسه یکی از بنا های مزین وعالی آندوره بوده وجوی انجیل شمالاً جنوباً از صحن آن می گذشت (٤) مزارخود سلطان نیزدرینجا واقع است ترنکلر گوید: «درین منارها

(۱) ناردرن افغانستان مولفهٔ ایت. (۲) شمارهٔ اول سال ٤ مجلهٔ ادبی هرات.

(۳) صفحه ٥٦ جلد اول آثارهرات. ولی درنظر بایدداشت که سنگ مرمر خوب درهرات موجود است.

(٤) راجع بهر یرود صاحب نزهة القلوب (ص ۲۲۰) چنین نگاشته است که هر یرود ازجبال غورنزدیك رباط گردان برمی خیزد وآبهای بسیار آن جمع میشود که نه نهرازان برمی دارند اول نوجوی دوم آذربائجان، سیم لشکرگان، چهارم کراغ، پنجم غوسمان، ششم کنك، هفتم سفغر، هشتم آنجیر که بهرات می آید (آنجیرپسانها انجیل شده وتاامروز چنین مانده است) نهم یارشت وولایت بسیاری مثل فوشنج وغیره ازین رود مزروع میشود واین آب از هرات گذشته به سرخس رود (میرود). وطول این رود هشتاد وسه فرسنگ است. (جلد اول جغرافیای مفصل ایران تالیف فاضل مسعود کیهان ص ۹٦).

(c) ketabton.com: The Digital Library

محوطهٔ که با دیوار های پست محاط شده قبر مرمری سیاه سلطان حسین میرزا افتاده است. گلهای عجیبی درین مرمرسیاه نقرشده که حتی درهند هم چیزی برابر آن ندیدم » (۱)

ج ـ جامع امیرعلی شیر و مدرسهٔ اخلاصیه :

دیگر مسجد جامع امیرعلی شیراست که درآن نزدیکی ساخته شده بود وبانی آن امیر علی شیر می باشد در حوالی آن ابنیهٔ دیگری را نیز امیر موصوف تعمیر نموده که من جملهٔ آن دار الشفائی بود نهایت قشنگ ودر جوار دارالشفأ مدرسهٔ اخلاصیه وخانقاه اخلاصیه نیز از ابنیهٔ او بوده است. آنچه راجع باین بناها درخلاصة الاخبار تحریر شده نقل کرده میشود:

دیگر از ابنیهٔ رفیعه علیه این بلدهٔ طیبه مسجد جامع است که جامع خیرات ورافع معالم مبرات ... دولت خاقانی مقرب الحضرة السلطانی درمحاذی منزل شریف خویش ساخته اند، الحق عمارتی است که صفای صفهٔ مقصوره اش بلاجورد وطلامزین ومحلی گشته از صفائی باطن خجسته میامن بانی حکایت میکند، وثبوت قواعد جدار عالی آثارش ازرسوخ اعتقاد پاك عامرالثواب توصیف نماید :

ان آثار نا تدل لنا　　فانظرو حالنا عن الاثار

ودو منارهٔ پرکنار بریمین ویسار آن بقهٔ مبارکه سر بسپهر دوارکشیده مانند راه کهکشان بکواکب درخشان که آنها را بکاشی زرکاری ساخته اند مزین گردیده. در شمال این بقعهٔ عدیم المثال دار الحفاظی بکمال زینت در غایت لطافت ونزهت ساخته ودر میان آن بقعهٔ جنت نشان حوض کوثر مثال طرح اند اخته واطبا همواره درآنجا بتداوی مرضی ومعالجهٔ امراض مشغول اند واز ادویه واشربه آنچه دریافت میشود پیوسته درآن مکان خجسته آماده ومهیا دارند واز جملهٔ عمارات علیه مقرب حضرة السلطانی خانقاه اخلاصیه است که قریب بدارالشفاء مذکوربوده واین دوبقعهٔ شریفه نیز بانواع تکلفات وغرائب اختراعات آراسته ومزین است واز جریان آب عذوبت مآب انجیل که درمیان آنها جریان دارد ..... وهرروز باطعام فقراء وضعفا می پردازند وهرسال قریب دوهزارپوستین وکپنك وپیراهن وازارو طاقیه وکفن بدرویشان میدهند. ودرهر بقعهٔ شریفه هفت نفرازعلمأوفضلای واجب الاحترام را بتحقیق مسائل دینیه وتدقیق درعلوم یقینیه مشغول می فرمایند (۲).

آنچه درفوق ذکر گردیدراجع بعماراتی بوده که اکنون بعضی آثار آنها در حال پریشانی باقیست وتااوائل قرن ۱۴ هجری آبادبوده درسال ۱۸۸۵ میلادی درعهدامیر عبدالرحمن خان

(۱) صفحات ۵۲و۵۳ کتاب عبور ازقلب افغانستان موافهٔ امیل ترنکلر.

(۲) شمارهٔ اول سال چهارم مجلهٔ ادبی هرات

(c) ketabton.com: The Digital Library

بنابر بعض مسائل این یادگارهای مقدس منهدم شد و امروز جزهفت مناره وهمان گنبد مقبره مهدعلیادیگرچیزی آزان نمانده است .

تل بنگیان :

درمشرق این عمارات کهن وقدری بطرف شمالی قلعهٔ کهنه ، تپهٔ بزرگی است که غالباً دراز منهٔقدیم‌ازاستحکامات‌دیوار شهر محسوب‌می‌شد. اینکه شهر درکدام وقت تا اینجا وسعت داشته وباز درکدام وقت بشکل موجوده درآمده باشد معین کردن عجالتهً کار آسان نیست . اماطوریکه ابن حوقل ازشهر هرات درتحریرات خود تعریف کرده وقلعه را در مرکز شهر گفته (۱) باین نکات میتوان پی برد که : (اولاً) همان قلعهٔ کهنه اکنون درجانب‌شمال شهر واقع است و (ثانیاً) اینکه اگر قلعه را مرکز تصور کنیم می بایست تا این حد ود بوده باشد . بنابران از آنچه مشاهده می‌گردد ظاهر است کـه دیوار شهر تااین خاکـتودهٔ بزرگ می رسیده .

بارتولد گوید : «فریه (ج اص ۳۴۲) روایتی شنیده بوده که بنظر خود وی هم بعد رسیده بدین معنی که گویا این تپه را نادرشاه برای توپ بستن‌بارك‌هرات ساخته بود احتمال دارد که این تپه همان ارك هرات زمان قبل ازمغل می‌باشد (اسفزاری) (۲) . »

بهرحال این تپه را امروز تل‌بنگیان می نامند . این تپه چنانچه بنظر می آید اکنون گورستانی است ومی‌گویند که این نام را ازروی اسمای اشخاصی که در آن دفن اند (؟) کشیده‌اند.درنیمهٔدوم قرن‌نوزدهم‌عیسوی‌دریك جای‌بطرف‌شمال‌این‌تل اثنائیکه عمال‌بکندن تهداب استحکام جدیدی مصروف بودند بکشف اطاق بزرگ سنگی موفق شدند که پر از استخوانهای انسان بوده اماچیزیکه دلالت برطریقهٔ دفن آنها بدان صورت بهت آور می کرد معلوم نمی شد . ازان جاهیچ سکه و یا اشیای پیدانشد که بتوان ازان فکری راجع بزمانه و عادات مردمانی که میزیستند بدست آورد (۳) .

دربالای تپه دو زیارت واقع شده که ازمشاهدهٔ یکی از آنها ادوار ابتدائی اسلامی ظاهر میشود . چه درنوشته های اطراف سنگ قبرنام عبدالله بن معاویه‌بن عبدالله بن جعفرذولجناحین خوانده میشود . ولی تاریخ وفات مشاهده نمی گردد . بانی این زیارتگاه شیخ بایزید بن علی مشرف درسنه ۸۶۵ هجری بوده (مطابق ۱۴۶۱م) زیارتگاه دیگر آن که مشهور

(۱) ناردرن افغانستان مولفهٔ ایت فصل سوم .
(۲) ص۱۱۰ تذکره جغرافیای تاریخی ایران .
(۳) ناردرن افغانستان مولفهٔ ایت فصل سوم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزیارت شهزاده قاسم است (۱) ظاهراً از اولی نوتر معلوم میشود اگر چه در یکطرف سنگ قبر ابو القاسم بن جعفر متوفی سنه ۹٤٤ هجری و در طرف دیگر سنه ۸۹۷ هجری خوانده میشود ولی تاریخ درستی که باعث تائید این گفته شود ظاهر نیست. سنگ قبر دیگر که می‌گویند ازجای دیگر درآن جا نقل داده اند چندان دلچسپی ندارد.

گازرگاه :

بعد ازمصلی جای مشهور وقشنگ دیگر گازرگاه شریف است. این جایگاه مقدس در دامن کوهی که بفاصلهٔ دومیل بطرف شمال شرقی شهر است وقوع دارد. این مقام را مورخین بنامهای مختلف یادکرده‌اند که اینجا تذکر مورخین‌را از آثار هرات اختصاراً نقل میکنیم.

مولینا جامی آنرا گازرگاه خوانده که گازر جامه شو را می‌گویند. در ینجا هم جامه های که بلوث معصیت سیاه میشود بآب زلال رحمت خداوندی سفید می‌گردد :

گازرگهیست تربت اوکابر مغفرت　　در ساحتش سفید کنند نامهٔ سیاه (۲)

صاحب بستان‌السیاحه کارزارگاه می‌نویسد ومی‌گوید کارزاری درسنه(۱۵۰) هجری اهل اسلام هرات باخوارج درینجا کرده وشهدای مسلمانان را درموضعی که هفت‌چاه میگویند دفن کرده اند. ازین‌جهت این جارا کارزارگاه می‌نامند. معجم‌البلدان این موضع همایون را بنام کازیارگاه یاد فرموده والحاصل اهل تاریخ می‌گویند که این مقام به‌نسبت خواجگان هفت‌چاه که درسنه ۱۵۰ هجری شهید ودرینجا دفن‌اند مرجع دعوات اهالی واقع شده. (۳)

بارتولد می‌نویسد : « (اصل کلمه کارزارگاه یعنی محل جنگ است که تحریف شده بنابقول اسفزاری در سال ۲۰٦ هجری درین نقطه جنگی روی داد) کارزارگاه یکی از مقرهای سلاطین سابق هرات بوده ومقبرهٔ پیرهراتی خواجه ـ عبدالله انصاری که یکی ازمشایخ قرن یازده بود ومقبرهٔ وی را سلاطین تیمور درقرن پانزدهم بنا کرده اند (٤). »

---

(۱) شهزاده ابوالقاسم بن‌جعفربن‌محمد بن امام زین العابدین است. مرقد ایشان زیارتگاه خاص وعام وفیوضات شان از قدیم الی الان مشاهده میشود. در سنه ۱۳۲۵ هجری که امیر حبیب الله خان بدوره رفت و بهرات آمد امر به ترمیم و تعمیر عمارت آن که افسرده شده بود نیز داد. چله خانه، مسجد، حجره وغیره علاوه برسابق تعمیر نمودند.

(۲) این بیت از قصیدهٔ ایست که مولینا جامی درتوصیف این مقام مقدس سروده.

(۳) آثار هرات جلد اول.

(٤) ص ۱۱۰ جغرافیای تاریخی ایران ـ بار تولد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

عمارت بزرگ دیگری که بالای آن بصورت مربع وروی گنبد بزرگی است از دور درنظر می‌آید . گازر گاه شریف ازهمه جایهای این ولایت مقدستر ومشاهدهٔ این مزارات جذاب وپرفیض‌تر میباشد . مخصوصاً مقبرهٔ خواجهٔ انصاری وقبر امیر دوست محمد خان . برای اینکه خوبتر از معرفی این جایگاه مقدس برآمده باشیم قدری واضحتر حرف می‌زنیم واز بیرون شروع کرده آنچه دیدنی است تابداخل تعقیب می کنیم :

هرگاه یك شخص بخواهدزیارت کنداولاً باید ازبین باغ بزرگی(که‌دورش رادیوارکرده‌اند) گذشت که‌درانجام‌یك مقبرهٔ گنبد دارهشت پهلو می‌رسد . مقبره‌دارای رواقها واطاقهای کوچك بسیار است دوسه بالاخانه وغیره هم که‌بطرف‌داخل بازمیشود درروزهای تموزسردخانهٔ آنست . عقب‌این‌احاطهٔ زیارت‌است که‌اکنون بایرو بی‌چیزاست‌هرچیزآن‌معلوم‌میشودرو بخرابی است‌راهرو مدخل‌وکاشی کاری‌های محوطهٔ که‌درحفظ آن احتیاط‌نشده اکنون‌خیلی افسرده‌بنظر می خورد وانسان راحزون میدارد . مدخل‌زیارت از بین دهلیز کماندار بلندیست . زمین آن از سنگ مرمر سفید مفروش است که‌دراثر رفت‌وآمد زواران بی‌اندازه لشم‌شده. درجلومدخل بطرف داخل‌روی سنگ مرمر تصویر درازیست که‌بیشتر ازنصف سنگ موصوف درته‌گل‌فرورفته وآن تصویر شیری است (۱) اما اینکه شیر بااین مقام‌چه ارتباط دارد عجالتاً حکمی نمی‌توان کرد. از مدخل گذشته ، محوطهٔ مستطیل شکلی جلب نظر انسانرا می‌کند . دیوار های آن طاق نما ساخته شده‌اند . کاشی کاری دیوارمشرقی قشنگ بوده ولی اکنون قدری خراب شده .

دروسط حویلی‌قدری بطرف‌جنوب‌یعنی‌بطرف‌مدخل نزدیك‌تریك‌سکوبارتفاع‌یك متربنایافته‌در میان‌سکوودیوارطرف مدخل‌یك‌راه رو ودرمیان سکوودیوارطرف‌قبله‌دیگرراه روموجوداست . راه رواولی راطی کرده براه‌رو دوم داخل و یکسر طرف شمال میروند . مزار اعلیحضرت دوست‌محمدخان‌درزاویهٔ شمال غربی واقع شده.طرف شمال‌سکو بازبقدریك ونیم‌متر فاصله بصورة یك‌راه تشکیل شده که‌طرف شمال راه‌رومذکور خطیرهٔ مبارك خواجه عبدالله انصاری وطرف پای شان قبر اولاد شان است. برروی سکوصندوقه های بسیار نفیسی برگورستان فضلا وامرا نهاده شده . روی مزار خواجه گهوارهٔ چوبی‌است . سنگ‌های سفیدبرقبر گذاشته شده‌وکتیبهٔ که برسنگ اطراف قبر خوانده میشود بخط میرعماد است . روی آن تماماً کنده‌کاری نفیسی شده است . این‌سنگ چه‌ازروی کنده‌کاری وچه از روی‌ساختمان وخط وغیره خیلی قشنگ است . نام خواجه که‌روی آن‌نقرشده‌چنین است : «ابواسمعیل خواجه عبدالله انصاری» وتاریخ وفات شان‌از کلمهٔ «فات» بحساب ابجد خارج میشود که مطابق بسنه ۴۸۱ هجری (۱۰۸۹)

(۱)مانند آن یکی‌دوتا درحوالی حریم‌مزار سلطان‌محمود غزنوی‌درغزنه نیزمشاهده میشود

(c) ketabton.com: The Digital Library

می باشد . . (۱)

سنگ هفت قلمی که صاحب بحیره توصیف کرده گفته سنگی بدان نفاست دردنیا نیست (*) دریکی ازحجره های دیوار طرف غربی حویلی نصب است . سنگ هفت قلم ازجنس سنگ های سیاه است .

از خطوط ثلثی که بالای سنگ نقرشده معلوم میشود که این بنا درزمان سلطان شاهرخ

---

(۱) ایشان ازفرزندان ابومنصور متاالانصاریست که پسرایوب انصاری (رض) صاحب رحل حضرت رسول (صلعم) می باشد اجداد ایشان درخلافت حضرت خلیفه ثالث درهرات آمده واین مبارك درمصرخ هرات بروزجمعه وقت غروب آفتاب روزدوم شعبان سنه۳۹۶ هجری تولد یافته . درنه سالگی املانوشته و در خوردی شعرعربی گفته و مایهٔ حسرت دیگران گردیده . در تحصیل کمال سعی بلیغ می نمود وحافظهٔ نهایت قوی داشت . ایشان محدث بزرگ اند . وطوریکه می گویند ازسیصدتن حدیث اخذ کرده اند . درچهارده سالگی درتذکیر وتفسیر قرآن شاگرد امام یحیی عماربود که امام موصوف راجع بوی چنین گفته «عبدالله را بنازداریدکه ازوی بوی امامی می آید» درتصوف دست شیخ ابوالحسن خرقانی گرفته . چون پدرش مرداوخوردسال بود . بنابران همیشه غریب وبی نوامی زیست وچنانچه می گوید اکثربجامهٔ عاریت مجلس می کرد وبسا روزهابگیاه خوردن بسر برده وازکس توقعی ننموده ، باوجودیکه شاگردان واخلاصمندان متمول داشت . مصنفات ایشان زیاد و معروفست مانند تفسیر قرآن شریف ، منازل السائرین ، طبقات ، گنجنامه وغیره وفات ایشان طوریکه گفته شد درسال ٤٨١ هجری اتفاق افتادوعمرشریف ایشان (٨٤) سال (٤) ماه و (٢٠) روزبود . مادهٔ تاریخ وفات اوازین رباعی که درسرلوح مزار شانست می برآید :

آن خواجه که درصورت ومعنی شاهست ❁ وزسر حقیقت دوکون آگاهست

ازروی حساب جمل اردانی «فات» ❁ تاریخ وفات خواجه عبدالله است

٤٨١

درسنهٔ ۸۵۹ عمارت آن بتکمیل رسید ودرسنهٔ ۱۳۰٤ قمری وقت سلطنت امیرعبدالرحمن خان مرقد مبارك شیخ الاسلام بسنگ رخام محجر وبه پنجرهٔ چوب سر پوش کرده شد . و درسنهٔ ۱۳۰۷ هجری قمری مرمت ایوان بارگاه وتعمیر مسجد جامع وخانقاه از طرف سپه سالار فرامرزخان کرده شد که این واقعات را دولوحه سنگ یکی بکنار ایوان غربی روضه قریب دروازهٔ جنوبی دردیوار نصب است ودیگر درقدم مبارك شیخ الاسلام خواجه انصاری نصب می باشد نشان میدهد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

در سنهٔ ۸۵۹ هـ مطا بق ۱۴۵۵ میلادی ساخته شده است (۱) .

سنگ قبر امیردوست محمد خان خیلی ساده است (۲) . طول این سنگ مرمر سفید هشت فت وعرضش یکنیم تا۲فت خواهد بود . دراطراف آن نیز سنگ های مرمر است. لوحه سنگهای که درسر وپای امیر موصوف ایستاده ازسنگ مرمر سفید وخیلی ظریف می باشد .

درطرف شمال مزار خواجه باندازهٔ دومتر دور ترطاق بزرگ وعالی بنا یافته شبیه بطاق ابونصرپارسا که دربلخ می باشد . ولی ازان بمراتب بلندتر وزیباتر . کاشی کاری های این طاق ازبدایع صنایع عمرانی هرات محسوب میشود . این طاق ازتمام بنا های گازر گاه عظیم تر وحیرت انگیزتر است .

در داخل بیست ـ سی سنگ قبر است که بسیار قدیم نمی باشد . روی قدیمترین آنها که از سنگ مرمر سیاه است سنه ۸۶۵ هجری (۱۴۶۱م) بخط عربی بدون کدام نام تحریر یافته . چار پنج عدهٔ دیگر که عیناً مانند آن است دارای نام و تاریخ هردو می باشد . بردوی دیگر نام رستم محمد خان ومحمد امین خان نقر است که معلوم میشود از احفاد چنگیز خان (؟) باشند. وتاریخ های آنها جداجدا بقرارحساب ابجد ۱۰۵۳ هجری و۱۰۷۶ هجری می برآید . قبر سوم ازمحمد عوض خان پسر خان سوم ۱۰۶۷ هجری و قبر پنجم از شاهزاده مسعود سنه ۱۲۵۶ هجری میباشد .

در حویلی دوسنگ قبر کهنه معلوم میشود که دارای خطوط عربی است . یکی از سلطان محمود سنه ۷۶۱ هجری (۱۳۶۰م) ودیگر از استاد محمد خواجه ۸۴۲ هـ (۱۴۳۸ م) است . نه تنها حویلی آن مملو از قبور است بلکه درهر اطاق وهر محوطه چنین می باشد ، همه امراء ، اولیا و مشایخ زمان خود بوده اند که درپای حضرت خواجه مدفونند. یك سنگ نسبتاً قشنگ مرمری قبر مادر کدام پادشاه رانشان میدهد ولی نامش معلوم نیست . اما کلمهٔ که دلالت بربلندی صاحب قبر می کند « مهد علیا » است . تاریخ وفاتش ۸۶۶ هجری می برآید . خلاصه همهٔ قبوری که دیده میشود رویهمرفته تقریباً برچهار صد قبر بالغ خواهد شد .

در مدخل محوطه یك دیگ سنگی است که از سنگ مرمر سفید ساخته شده ، وبرای شربت زائرین بود، سطح بیرونی آن تماماً منقور وکنده کاری شده است که میگویند دختر شاهرخ میرزا

(۱) اگرچه این تاریخ نه سال بعدازفوت شاه موصوف است ، امامیتوان گفت که این عمارت دراثر حکم وی بنا یافته ودرعهد سلطان ابوسعید انجام گردیده باشد .

(۲) امیرموصوف در۱۲۵۸ هجری دوباره برتخت بنشست . قندهار ، هرات وغیره بوی سر تسلیم فرونکردند امیر موصوف اول قندهار و بعد هرات را تصرف کرد . محاصرهٔ هرات یکسال طول کشید . بعدازفتح امیردوست محمدخان وفات یافته ودرجوار خواجه دفن شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

آنرا ساخته . ولی از نوشته های آن صاف ظاهر است که خود وی ساخته بود اما در سال ۱۱۰۰ هجری (۱۶۸۹ م) چون این دیگ ترمیم طلب بود از طرف خانمی از خانوادهٔ شاهی دوباره ترمیم شده‌ولی نامش معلوم نمیشود .

حوض هشت دروبرکهٔ زمزم باعمارت نمکدان شهرت فوق العاده دارد . دوچله خانهٔ که در هنگام سر ما وگر ما حضرت خواجه ودیگر مشایخ بزرگ در آنجا بعبادت پر داخته اند تا هنوز بهمان ساختمان اصلی باقی است .

درزمانهای سابق اشخاصی که مجرم واقع میشدند هرگاه بگازرگاه شریف پناه می‌بردند حکومت‌محض‌احترام‌خواجهٔ بزرگ اورامادامیکه درآن جابود غرض نمی گرفت . این پناه گاه رابست حضرت خواجه گویند .

از زمانهای قدیم برای مصارف حضرت خواجه اراضی و وجوه زیادی مقرر بوده که به‌مصرف زائرین مجاورین وترمیم عمارات آن جاپرداخته میشد که این کار تاالحال همان‌طور جاری است .

یکی ازتبرکات مهمه ومقدسهٔ اینجا موی مطهرحضرت ختم الرسل صلعم است که در ابتدای سلطنت امیر حبیب الله خان شهید ازترکیه آورده شده .

مسجد زیر زمینی بزرگی هم در ینجاست که با صول عجیبی ساخته شده است و در آن بعبادت می پردازند .

راه مخفی و بعضی ازمزارات دیدنی:

قریب یك میل دور تر بطرف شمال شهر عمارتی است که ازکاشی کاری های قدیمی پوشیده است و در سطح آن حفرهٔ ایست . گویا این حفره راه اطاق زیر زمینی بوده که حالا خیلی افسرده شده . بنابرملاحظات تاریخی این راه زیر زمینی غالباً تابقلعه میرفته ، اماظاهراً مقبرهٔ شانداری معلوم میشود . اگر کدام سنگ قبری داشته که دلیل بر صاحب بزرگ آن بود مفقود است : اماپنج ـ شش عدد دیگر از سنگهای سفید وسیاه قدری دورترافتاده که در بعضی بخط عربی و دربعضی بخط نستعلیق نقرشده است . و از آنجمله روی یکی از آنها که امیر جلال الدین سنه ۸۴۷ هجری (۱۴۴۴م) نوشته شده قابل یاد داشت می باشد . سنگ دیگری هم بنام امیر جلال الدین در زیارت شهزاده قاسم است که ۸۵۸ هجری (۱۴۵۵م) تاریخ آنست . گویند در راه گازرگاه دیگری هم بهمین نام است اما اینکه این امیر جلال الدین ها که بوده اند پوره معلوم نیست .

(c) ketabton.com: The Digital Library

درغرب این مقبرهٔ گنبد دار، زیارات وقبور بزرگانست که یکی قبرمولینا جامی است (۱) دیگرزیارت شیخ زین الدین خوافی رحمته الله علیه که یکی از مشایخ بزرگ بوده (۲) درجوار عیدگاه دفن اند. بالای قبر ایشان نیزعمارت عالی ساخته شده و ازلوحهٔ مزارش سال وفات که بعمر ۸۱ سالگی درسنه ۸۳۸ هجری اتفاق افتاده نیزخوانده میشود.

دیگراز زیارات مهم بطرف شمال غرب شهر بمسافهٔ قریب دومیل درقریهٔ آزادان زیارتگاه

---

(۱) مولینا عبدالرحمن جامی که لقب اصلی شان عمادالدین ولقب مشهورشان نورالدین وتخلص جامی است پسر نظام الدین احمد بن محمد وحنفی مذهب اند. ولادت ایشان در ۲۰ شعبان سنه ۸۱۷ ه واقع گردیده. جامی شخص باکمال وفضیلت مآبی است که درعصرخودش از بزرگان علما محسوب میشد. در نظم ونثر در آن زمان نظیر نداشت تصانیف ایشان بعدد لفظ جامی پنجاه وچهارجلداست مثل: شرح ملاجامی، نفحات الانس، هفت اورنگ (مشتمل برهفت کتاب) بهارستان وکلیات اشعار، اشعه اللمعات، رسالهٔ درموسیقی، معمای کوچك متوسط وبزرگ وغیره.

دررشحات می نویسد که جامی در صغر سن باوالد خویش وارد هرات گردیده در مدرسهٔ نظامیه اقامت نمود از علمای زبدهٔ عصرمانند مولانا جنید اصولی، مولانا خواجه علی سمرقندی وغیره کسب علوم نموده، ملای زبر دستی شد. جامی درخوردی زکی وساعی، درجوانی عالم عامل ودر پیری مولانا وپیر بود ازعمر شان ۸۱ سال گذشته بود که رخت از عالم فانی بستند تاریخ وفات جامی ازین آیهٔ شریف می برآید «ومن دخله کان آمنا» (روزجمعه ۱۸ محرم ۸۹۸ هجری. خاقان کبیر سلطان حسین مرزا و وزیراوامیرعلی شیر بزرگ امرا، ارکان دولت از سادات و علما و مشایخ زمان بمشایعت جنازهٔ ایشان بودند. جنازهٔ جامی درعید گاه هرات خوانده شد. در سال ۱۳۲۵ هجری عهد امیرحبیب الله خان شهید مزاری جهت ایشان ساخته وقنات مشهور بخسرو آقارا وقف آن نمود.

(۲) شیخ زین الدین الخوافی از اکابر اهل ارشاد و افراد بوده اند. چندین نوبت سفر حج نموده درسلوك بطریقهٔ شهاب الدین سهروردی درمذهب حنفی بود. مریدان ایشان درعرب وعجم خیلی زیاد بوده درآخر عمر گوشه گیری اختیار نموده در نواحی گذازه در کوهی زاویهٔ ساخت ودر ویش آباد نام نهاد. بزرگان عصر همچون خواجه محمد پارسا خیلی بایشان عقیدت و احترام داشتند. شیخ موصوف در ۸۳۸ هجری رحلت نموده اول بقریهٔ مالین دفن گردید سپس بدرویش آباد و از آنجا درجوار عیدگاه نقل و دفن گردیدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابوالولیداحمد بن ابی الرجاعبدالله بن ایوب بن حنیفه مروی ثم هروی رحمةالله علیه است (۱) سنگ قبر اصلی آن موجودنیست ، اما آنچه بر لوحه سنگی بالای درب نصب شده ظاهر می‌سازد که زیارت ابوالولید احمد است . ایشان درسنه ۴۳۲ هجری وفات یافته‌اند . قبرمبارکش معروف و مشهور است. سلطان محمد کرت بالای تربت ایشان عمارت عالی بنافرموده که الی الآن موجود است . این مقبره گنبد ی دار سراپا از خشت پخته ولی از بیرون زینتی ندارد . در داخل کاشی کاری شده ومزین است باغی که جلو آنست اکنون خیلی خراب وویرانست . درین اواخر آنرا ترمیم ومدرسهٔ دارالحفاظ ومسجد جامع وحوض طاقنما آباد کرده اند . ملوك ازبکیه نیز در حوالی زیارت ایشان بناها ساختند .

در جوار برج خاکستر یعنی بطرف جنوب غرب شهرهری زیارت بزرگ دیگریست که باسم زیارت سلطان میرشاهد یاد میشود . نوشتهٔ روی سنگ قبر بخط عربی و اسم عبدالواحد بن امیرزیدبن امام حسن بن علی رضی‌الله عنهم نوشته (۲) که درسنه ۳۵ یا ۳۷ هجری تولد ودر سنه ۸۸ هجری در زمان حیات پدر وفات یافته اند .

علاوه بران زیاراتی که درهر دروازهٔ شهر است زیارت دیگری بنام زیارت خواجه علی باقر که بطرف شمال شرقی شهر افتاده . ونیز زیاراتی بنام خواجه تاقی روی پشتهٔ بسمت جنوب شرقی شهر است اگردرینجا ازتمام زیارتگاه های هرات صحبت کرده شود حقاً مارا

---

(۱) خواجه ابوالولیداحمد درعلوم ظاهری وباطنی شاگرد امام احمدبن حنبل رضی الله علیه که از اکابر علمای ظاهر و باطن و مروی الاصل است . ابوعبدالله بخاری صاحب صحیح بخاری وامام دارانی سمرقندی صاحب ستین پیش وی حدیث خوانده اند و در کتاب های خود از ایشان حدیث روایت کرده اند . در نفحات الانس نوشته که وی مال بسیاری داشت و در راه تحصیل علم صرف کرد ، جواد و کریم الطبع بود شاهرخ پسر تیمور صاحبقران بمزار بایشان عقیدت داشت و مادامیکه در هرات بودند هر چهار شنبه بلا ناغه بزیارت ایشان میرفت .

(۲) ایشان ازجمله اولیا ودرعلم حدیث وتاریخ یدطولای داشتند . درسال ۳۲۰ هجری شیخ ابوالفر وقتیکه بخراسان آمد این زیارتگاه را احیا فرمود . عمارت بالائی آن در عهد شهریار بزرگ سلطان حسین بایقرا درسنه ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵ م) تعمیر یافته و در عهد امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان دوباره ترمیم و تعمیر شده . بر قبر سنگ دیگری که درین زیارتگاه است نام جعفر ابواسحق متوفی ۲۸۹ ه نقر شده . بعضی هم نسب ایشانرا عبدالله الواحد بن مسلم بن عقیل نوشته، اما آنچه روی لوحهٔ مزار نوشته است بالا تحریر یافت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

از تعقیب هدف اصلی دور کرده لذا بهمین ذکر جزئی اکتفاشد (۱) .

پل‌ما لان :

دیگر ازچیز های قدیم وقابل ملاحظه پل‌مالا نست . این‌پل روی هریرود بنایافته که‌سرك قندهار ازان عبورمی‌کند . هرات درآن زمانیکه ازراه تجارتی شمال کنار افتاده بود مرکز تجارت باسیستان وولایات جنوبی ایران بود . درهریرود یکنفر ازآتش پرستان پلی‌ساخته بود که بنابقول مقدسی (۳۳۰) درتمام خراسان نظیرنداشت . اسفزاری در دورهٔ تیمور یان پل‌را بهمان نامی‌که امروزمعروف‌است‌اسم می‌برد وپل‌مالان‌می‌نویسد. درکتب انگلیسی Pul-i-Malun وفریه (ج۲ص۲۹) Peul-Malane نوشته اند (۲). اما تلفظ صحیح آن همان‌مالان اسفزاری است . بانی اصلی این پل معلوم نیست ولی آنچه صاحب حبیب‌السیر مورخ هروی می نویسد چنین است : «ازجله نوادر هرات یکی‌پل ـ مالان است که‌برهریرود بسته‌اند ، مبنی‌بر۲۶طاق (چشمه) که از خشت پخته وگچ وآهك ساخته شده اما بانی این پل راکسی نمی شناخت . می‌گویند بانی آن ضعیفهٔ بیوهٔ بوده (۳) . »

درقرن یازدهم یارمحمد خان مشهور این‌پل‌را دوباره ترمیم نمود.ونیز درسال۱۳۰۲ شمسی پل‌مالان بصورت منظمی ازطرف حکومت هرات ترمیم شد .

آتشکده زردشتی :

دیگر ازچیز های قدیم که‌درتاریخ ازآن تذکریافته آتشکدهٔ زردشتی است بنام« سرشك» که در قلهٔ کوهی واقع بوده . این کوه نزدیك ترین کوه هرات واز شهر دو فرسخ مسافه دارد (٤) . بارتولد می‌گوید که‌دربن این‌کوه وشهر هرات کلیسای ترسایان واقع بوده (٥) ولی اکنون ازان نامی نمی‌شنویم . اگرتدقیقاتی بعمل‌آید شاید بکشف بقایای آن موفق‌شوند.

این بود آنچه در اطراف شهر هرات قابل دید بود . راجع به بعضی مقامات تاریخی که متعلق بشهرهای دیگر وقصبات هرات است عجالتهً صرف نظر کرده میشود .

---

(۱) درین موضوع مزارات هرات کتابی است در دوجلد که مجمل احوال هریك از بزرگان وعلمای را ذکرمی‌کند که درهرت دفن شده اند وبرای مطالعهٔ این زمینه سرمایهٔ خوبی است .

(۲) ص ۱۱٦ تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران ـ طبع تهران

(۳) ص ـ ۲۰ خاتمه حبیب‌السیر

(٤) ص ٤٥٤و٤٥٥ تقویم‌البلدان بحث هرات . طبع پاریس

(٥) ـ جغرافیای تاریخی ایران صفحه ۱۰۳

(c) ketabton.com: The Digital Library

مآخذ :

۱ ـ تاریخ کشیره مولفهٔ سیدشریف راقم نسخهٔ خطی (موزه کابل)
۲ ـ انسیکلو پیدیای اسلام
۳ ـ انسیکلو پیدیا بریتا نیکا
٤ ـ نار درن افغانستان مولفهٔ ایت طبع لندن
٥ ـ هرات ، باغ وغله خانهٔ آسیای مرکزی مولفهٔ کالونل ملیسن طبع لندن
٦ ـ تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران تالیف بار تولد ترجمه سرداد ورطبع تهران
۷ ـ طبقات سلاطین تالیف لن پول ترجمه عباس اقبال طبع تهران
۸ ـ آثار هرات جلداول تالیف خلیلی افغان طبع هرات
۹ ـ جغرافیای مفصل ایران جلد اول تالیف مسعود کیهان طبع تهران
۱۰ ـ مزارات هرات جزء اول ودوم طبع لاهور
۱۱ ـ از استیلای مغول تااعلان مشروطیت جلداول تالیف عباس اقبال طبع تهران
۱۲ ـ تاریخ فرشته نولکشور طبع لکنهور
۱۳ ـ توزك بابری طبع هند .
۱٤ ـ حیات واوقات سلطان محمود غزنوی تالیف دکتور محمد ناظم طبع کمبرج
۱٥ ـ نظام التواریخ تالیف ابوالحسن علی بیضاوی سنه ۹۷٤ نسخهٔ خطی موزهٔ کابل .
۱٦ ـ لب التواریخ تالیف یحی بن عبداللطیف قزوینی طبع تهران .
۱۷ ـ امان التواریخ تالیف عبدالمحمد ایرانی نسخهٔ خطی وزارت معارف .
۱۸ ـ ظفرنامهٔ شرف الدین علی یزدی نسخهٔ خطی کتب خانهٔ ملی .
۱۹ ـ حبیب السیر تالیف خوند میر .. طبع هند .
۲۰ ـ ثرودی هارت آف افغانستان مولفهٔ امیل ترنکلر جرمنی ترجمه فیدرستون بانگلیزی طبع لندن
۲۱ ـ شمارهٔ ۱۲ سالی ۳ و شمارهٔ اول سال ٤ مجلهٔ ادبی هرات
۲۲ ـ تقویم البلدان طبع پاریس
۲۳ ـ افغانستان مولفهٔ نیدر مایر وارنست دتیس جرمنی صفحه ٥۸ طبع لائبزیك (ترجمهٔ آقای جیلانی خان) .

نوت :

بجناب محترم فاضل آقای خلیلی افغان که مشاهدات خود شانرا در موضوع این مقاله از بنده دریغ نداشتند عرض شکران می‌کنم .



یکی از صندوقهای نفیس در گازر گاه

Hérat: Epitaphe d'un Tombau

«مربوط مقاله یاد گار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

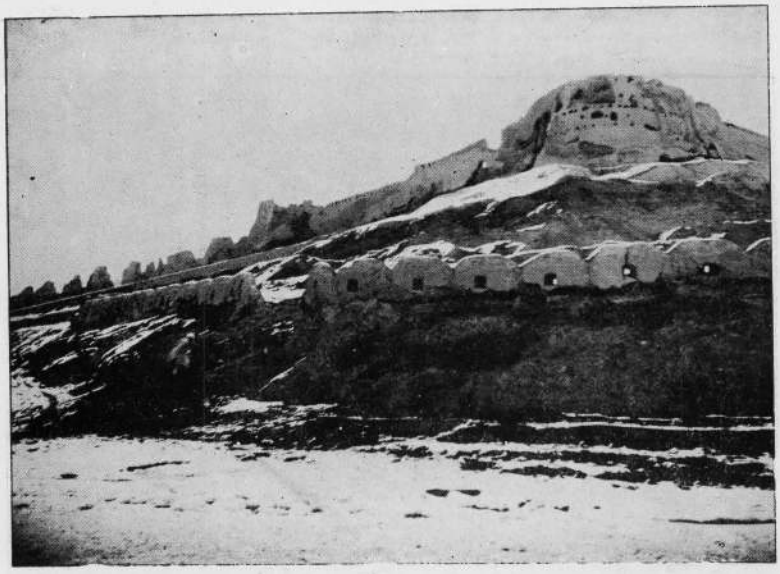

حصه ازدیوار قدیم شهر
Hérat: Ancien Rempart de la Ville

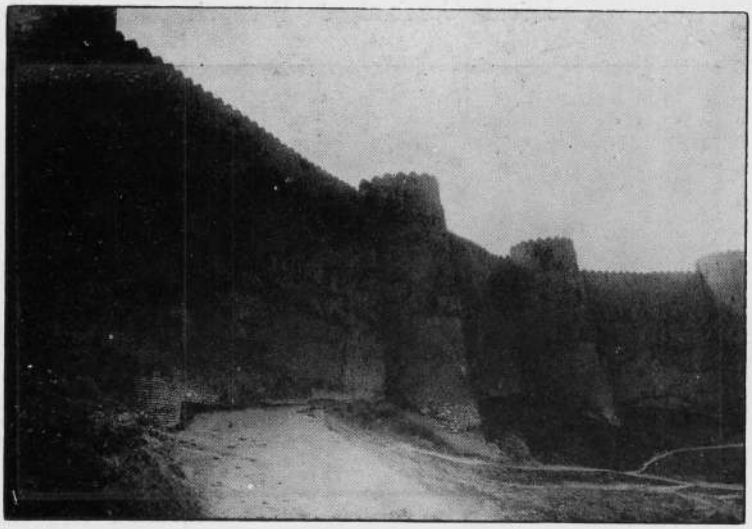

حصه از دیوار سمت شمال ارگ هرات
Partienord du Rempart de la Citadelle de Hérat
«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

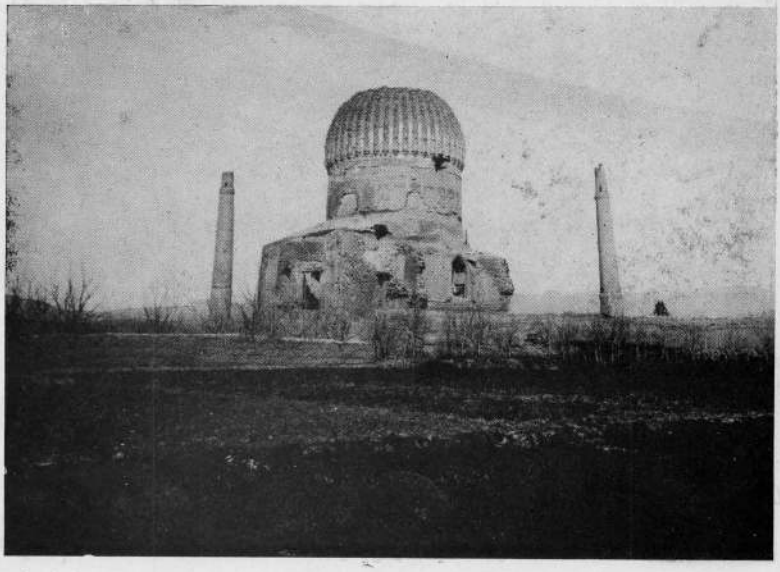

گنبد فیروزه یامهد علیا

Hérat: Gombad -é- Firoseh

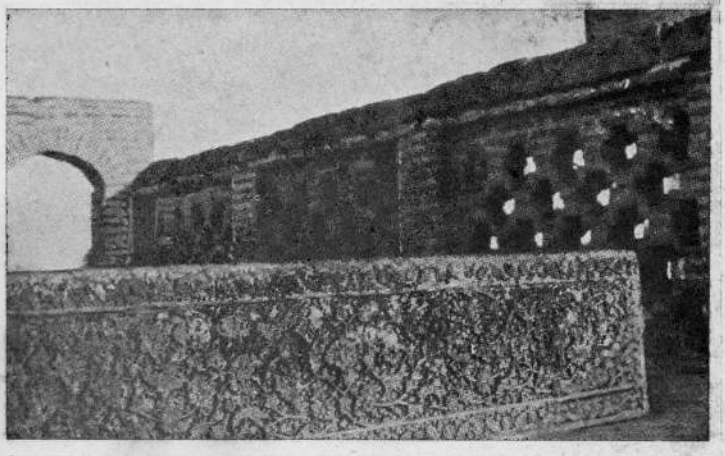

صندوقچه نفیس سنگ سیاه که روی قبر سلطان حسین مرزا بایقرا گذاشته شده

Black Marble Sarcophagus of Hussain Mirza

«مربوط مقالهٔ یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library



زیارت خواجه ابوالولید احمد.

Hérat: Mausolée du Khadja Abolwalid Ahmed

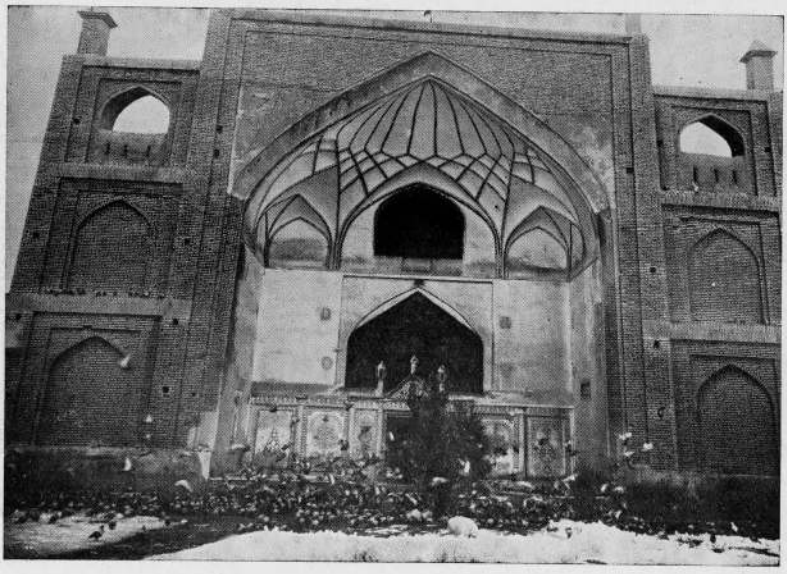

قسمت خارجی زیارت حضرت میرعبدالله الوحد

Hérat: Mausolée de Mir Abdullaheloihed

«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

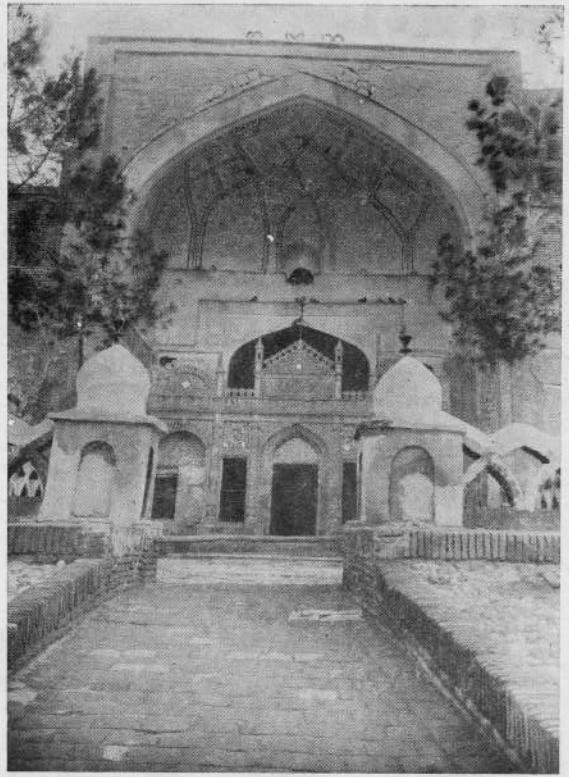

قسمت خارجی زیارت حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه
Hérat: Mausolée du Shahzadeh Abdullah
«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

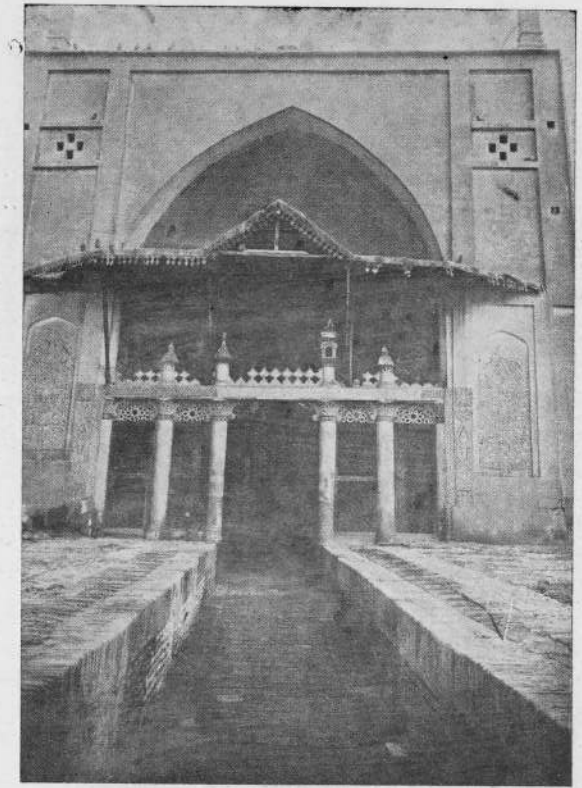

قسمت خارجی زیارت شهزاده قاسم (ر ح)
Hérat: Mausolée du Shahzadé Quassem

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

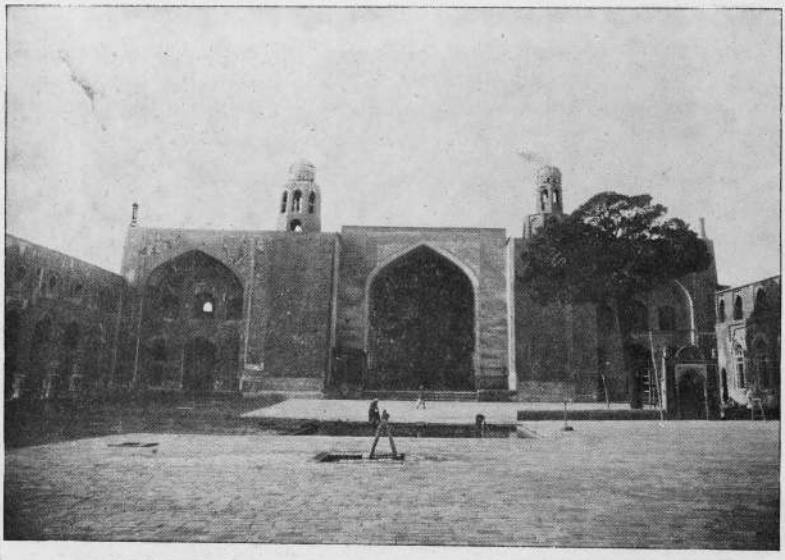

صحن مسجد جامع
Hérat: La Grande Mosquée



سمت شمالی مسجد جامع مقبرهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری درهرات
Hérat: Mausolée du Sultan Ghyassoddin ghorid
«مربوط مقالهٔ یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

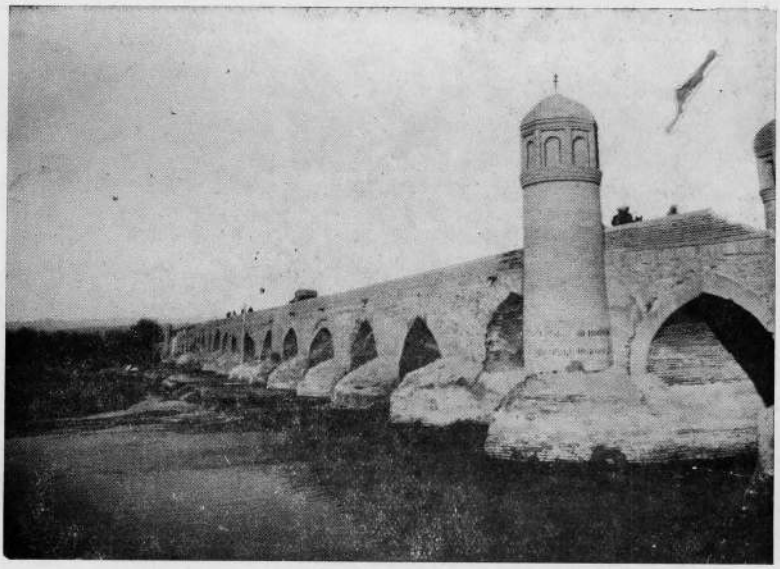

پل مالان
Le Pont dit Malan Sur Hariroud

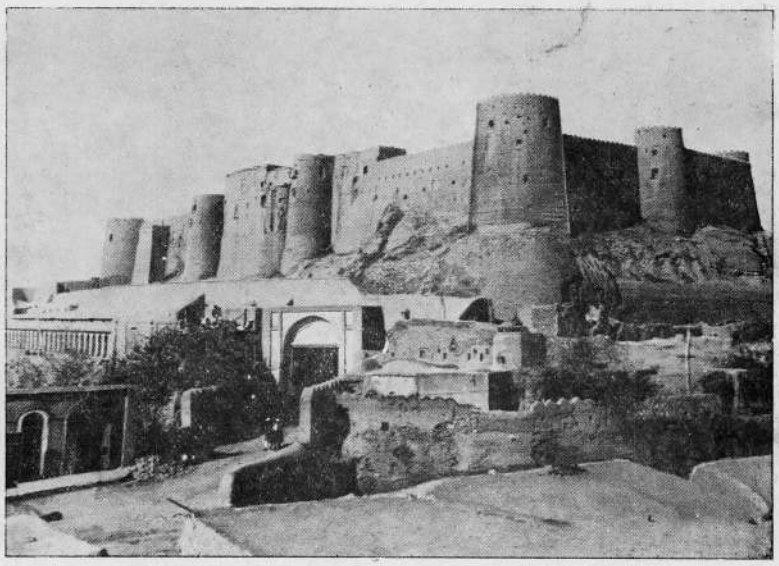

ارگ هرات
La Citadelle de Hérat

«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

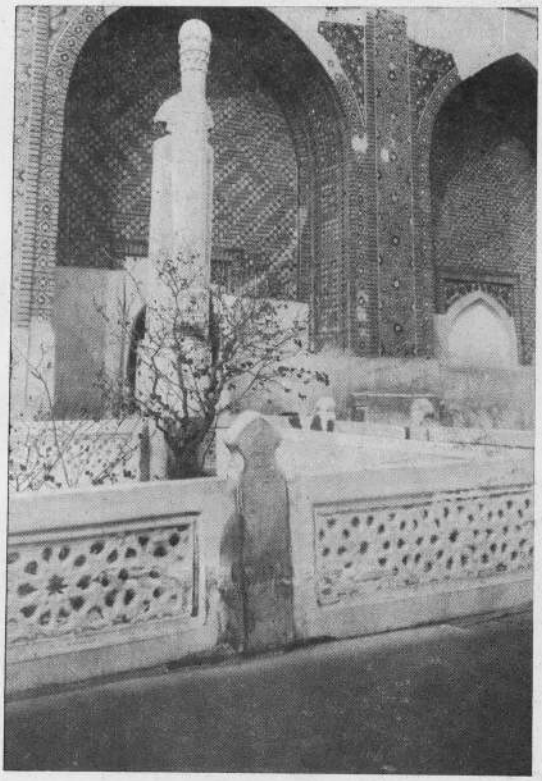

مقبرهٔ امیر کبیر اعلیحضرت دوست محمدخان از گازر گاه

Hérat: Mausolée de S. M. L'Émir dost Mohammed Khan

«مربوط مقالهٔ یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

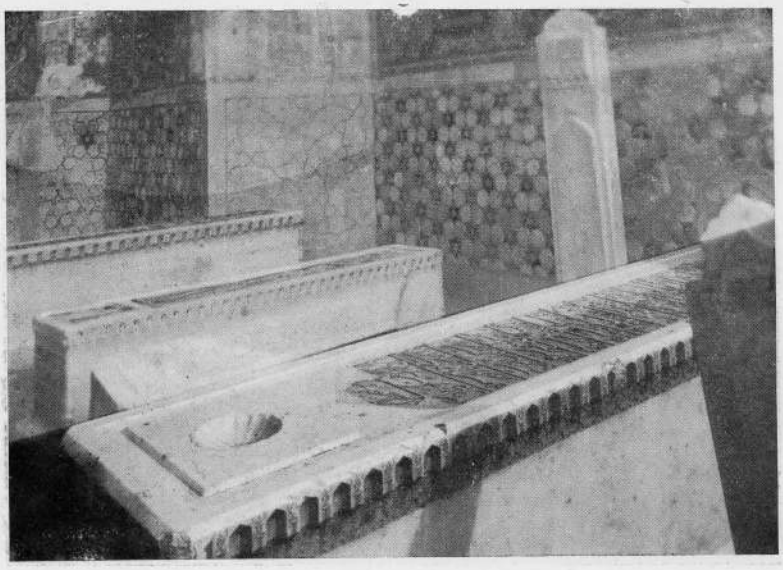

قبر یکی از احفاد چنگیز خان موسوم به مجهر رستم خان ـ ار گازرگاه
Hérat: Mausolée de Sultan Mohammed Khan

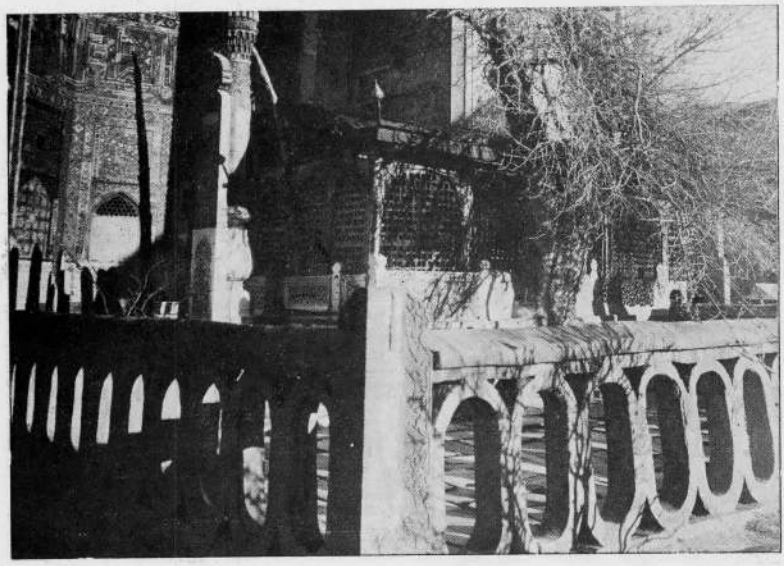

مقبرهٔ متبرك حضرت خواجه عبدالله انصاری
Hérat: Mausolée du Khadja Abdullah é Ansari
«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library

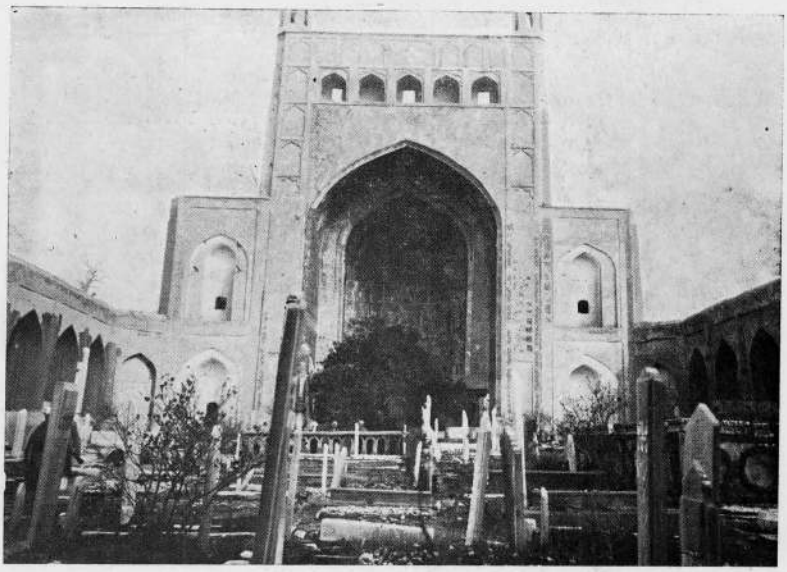

رواق غربی وصحن مزار حضرت خواجه عبدالله انصاری
Hérat: Mausolée du Khadja Abdullahé Ansari

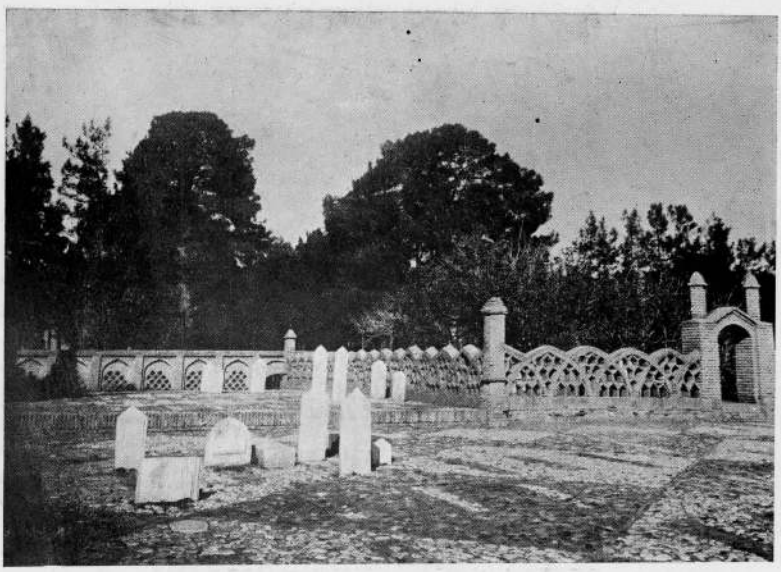

مقبرهٔ مولنا عبد الرحمن جامی
Hérat: Mausolée d'Abduraman djami
«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

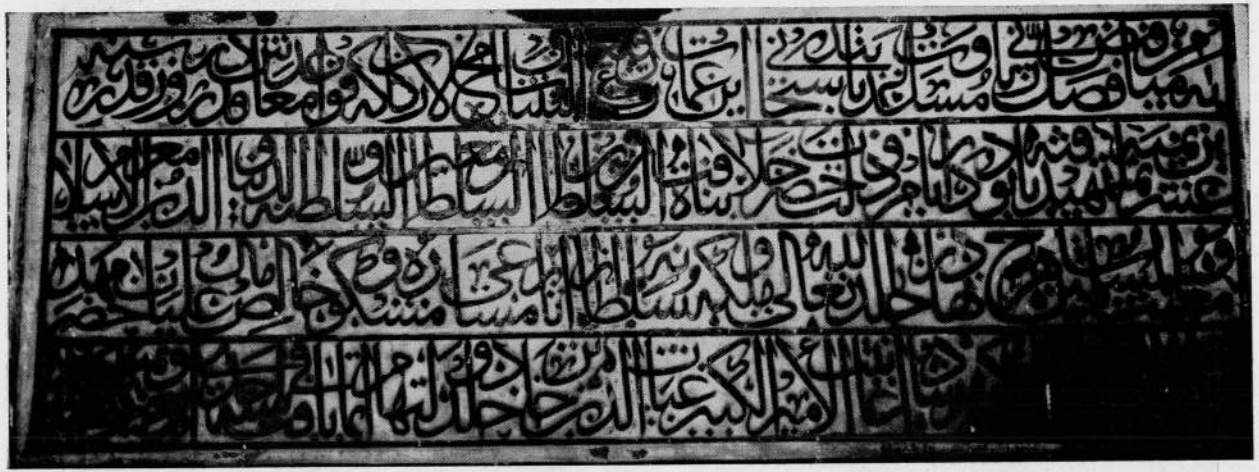

سنگ تاریخ مصلی که اکنون در موزیم هرات موجود است

Musee de Hérat: Pierre Commémorative de la Grande Mosquée

«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»

(c) ketabton.com: The Digital Library



قسمتی ازگازر گاه هرات
Hérat Une partie de Gazergah
«مربوط مقاله یادگار های مدنیت هری»



یکی ازمینار های مصلی هرات
The Minaret of the
Mosallah in Herat

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) kefabton.com: The Digital Library

د ۱۳۱۷ د سالنامې پاتې برخه :

دپښتو ننی لیکوال

غلام جیلانی خان «جلالی»

غلام جیلانی خان «جلالی» د غزنی په واغز ځای کښې زیږېدلی دی .اوپه قام اندړدی . جلالی دده فامیلی نوم دی دی طبعاً نرم، بردبار، خوشخلق او منکسر المزاج سړی دی د ده د خولی څخه هېڅکله سختی او سپوری نه اورېده کېږی .



لیکونکی ددی مقالی آقای قیام الدین خان « خادم »

ده خپل تعلیمونه په خپل وطن کښې دخپل والد او دوطن د مدرسینو څخه حاصل کړی دی . دده دنوشتو او صحبتو څخه موږ ته معلوم شوی دی چه ده صرف نحو ؛ منطق ؛ حکمت ؛ فقه ؛ تفسیر ؛ اونور عربی علوم ویلی دی . دپاړسی اوعربی په ادب باندی ښه عبور لری ، د نوی عربی سره اشنادی او ښه استفاده ورځنی کولی شی . په پاړسی کښې ښه لیکونکی اوپه پښتو کښې هم نظمونه لری .

« جلالی » صاحب دقضاء، افتا ، مدیریت معارف، مدیریت تحریرات دوری تېری کړی دی چه په آخره کښې په انجمن کښې عضو بیا دتاریخ دشعبی معاون او وروسته د کابل د ولایت مدیر معارف مقرر شو . چه اوس هم په دغه رتبه په قندهار کښې مقرر دی .

که څه هم تراوسه دده پښتو نثرز موږ ترنظره ندی تېرشوی ؛ مگر بیاهم د« جلالی » صاحب دپښتو ځینی ښیکلی نظمونه مونگ ته د پښتو دلیکوالو دفهرست ترتیبولو اوتذکری لیکلو په وخت کښې مخکښې مخکښې کېږی ؛ اونه موپرېږدی چه له ده څخه سترگی پټی کړو . دده هغه مقالی چه دپښتو اوعربی ادبیاتو دمقایسی په باب یی لیکلی دی اکثره خلقو خوښی کړیدی وائی چه دی دپښتو دادبیاتو اوموسیقی داستقلال سخت دعوه گیر دی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

د « جلالی » صاحب دشعر نمونه :

(۱)

یو سحر چه فکر سیر ته شایق و — کشیده په شفق لوری د مشرق و
لمر په سوکو سرك لا نه ورا وهلی — چه شغلو په رنگ رنگین کړکور وکلی
د مامه صفا رڼا و زلید له — لر و بره شا وخوا وزلید له
پسرلی دی ونی شنی غوټی غوړ ېږی — باوراگان په اور دسرو گلو کړېږی
د بهار نسیم په لوری د چمن شو — جوړ په باغ کښ د بلبلو انجمن شو
لکه زړه د سخی ارته ارشو شوه — دخېبر له سوکی سترگه په ختو شوه
اندیښنو آخر په دی فکر فایق کړم — چه د زړه په سترگو سیر دمشرق کړم
گورم هغی پخوانی مطلع د لمر ته — چین وقدس ومصر وهند، ایران باخترته
نه بانی د چین د لوړ دیوال شته بل — نه د هند تکسیل په ځای ده نه بابل
نه دبلخ زراسپ لیدای شی په وطن کښ — نه صبا نه ملکه شته په یمن کښ
نه هرسی پولیس کاته شی بی له نام — نه په مصر کښ سه ښکاری بی اهرام
نه کم او رو نینواشته په عراق کښ — چه خلیل ځنی پیدا شی په افاق کښ
نه د بلخ له مانده بل کاروان پریوزی — نه د بست له طاق بیا سپاره جاروزی
گهواره د انبیاؤ فلسطین — لا په دیر کښ د یحیی وهی جبین
نه موسی (ع) نه ئی هیبت پاته په شرق کښ — چه مغرور مادی فرعون په نیل کی غرق کښ
نه عیسی (ع) د شرق نبی شته پخپل حال — چه که ویش له بحر رومه تر اورال
سر مه سورگه روحانی د انبیاؤ — شوه غافله د مذهب له انتباهو
شرق د ټول جهان محور نه ونو څه و — چه هردودئی هم د غرب ترهردود ښه و
نه میډیان شته نه اشکان نه باختریان شته — نه د پارس پاته مزه نه فینیقیان شته
مغربیان د مراکش که هرسو ډیر شی — انیبال کم دی چه بیا له الپ تیر شی
نه چندر گپتا اشوك نه کانشکاشته — نه دوه لوړفیلسوفان زردشت بوداشته
لوړآثاردشرق شووټول ترخاورولاندی — په هرلوری شوی د غم کټوی باندی
چه رومیاددی خوږی لمړی په شخوندشو — لمردحق بیرته په شرق باند سرگندشو
دوباره مشرق په هغه لمر رڼا شو — چه د طورله سوکی پریوت په بطحاشو
له یثر به زلید و د روح منظر — حقیقت د حق سرگند شو په خاور
مدینه جامع دوحی ، معرفت شوه — روحانی خونه د فیض او د رحمت شوه
منکر انو ته ئی ښکاره د حق قوة کړ — له دی ښکی نه ئی د شرق علم اوچت کړ

(c) ketabton.com: The Digital Library

ولی ولاړ د حق و لور ته هغه ذات — چه شمار نشی په قلم د دوی صفات
پس له څو مودی تقدیرو د ښه خدای — دا خوت خونه و یجاره شوه هر ځای
نتیجه ئی تباهی نفاق د شرق شو — مسلمان له برمه پریوت و یرکښ غرق شو
نه بوبکر (رض) شته چه مخ کاز نگبار ته — نه عمر (رض) شته چه فرمان وکړی تاتار ته
نه له شامه لښکر د رومی و بر بر ته — قتیبه نه روانیږی و کاشغر ته
نه موسی شته چه ملك فتح کاتر سپینه — نه د نیلو کاروان د رومی تر کسپینه
نه په مصر کښ یو بل معز ښکار یږی — نه د شام له سیمی بل و لید زیږی
نه هارون نه لوړ دربار شته دی هوادکښ — نه مامون هنر پرور شته په بغداد کښ
له موصله نور الدین نه پیدا کیږی — ایو بی صلاح الدین بیا کله زیږی
نه د شام مطب په ځای نه خلیفه شته — نه په شرق کښ د بغداد بیت الحکمه شته
نه دی مصر صید لی نه مکتبی شته — نه هغه شان و شوکت د قرطبی شته
الحمرا د غرناطی له ویره ژاړی — زمانه ئی لا تر او سه سره نغاړی
نه سامان د باختر پاته نه سامان دی — نه د ترکو محمد فاتح سلطان دی
هغی مور لره چه خپل لړمون بلا شی — نابغه زوی ئی چنگیز یا اتیلا شی
هم چنگیز هم هلاکو د دی هوا دوو — ولی څه شی چه کاسیر او بد نها دوو
داقوی ټولو اکداران چه مونږ حساب کړه — وه لازمه شرق آبادکی دوی خراب کړه
انقلاب د زمانی کاهسی چاری — چه له شرق دی لمر پریوزی په یوواری
اوس اقبال که شرق چپه وینم دنیا کښ — مقابل د جهل شرقی او رم و ینا کښ

د مشرق په سیر کښ خوارخسته بیمار شوم
و خپل زان ته می نظر کو را بید ر شوم

(۲)

موزیك په ملی ژبه ماته ژغیږی — دو لونه ډنگیږی پنځگونه ټولیږی
دری رنگه جنډه کی پښتون ورځلیږی — درسته د مړانی مړوله رغیږی
نامرد دی هغه چه له ننگه غړیږی — پړونی ته وړ دی چه نن ورځ پټیږی

تخت او ټوپل ، هواد گران دی ر ښتیا
لوړ - لوړ در شل مهربان دی پر ما

هغه یم پښتون چه په سره او رگډیږی — هالته چه توب لکه تالند غړمبیږی
په لږنده مځکه لمبی پورته کیږی — په خړسکو کی پټ یم مردك می لگیږی

(c) ketabton.com: The Digital Library

چه منده پرمخ کړم صفونه چیرې بڼې بوډی می په لاس کښې د پرڅ ژړ چلیږی
که کړانګی دا ور طیاری پر هوا
یا بم ، شرغل ، توری کاند برښنا

لوړ لیک دتو اواک دی چه ورشه په جنګ په توره دشمن ته مانده کړه پری تنګ
خرجاړی خوړونه یی په وینو کړه رنګ پرښتې کړه بیا ستې کړه غنیم په یوه درنګ
خوزما ساهو توبه رالحه په غورزنګ پرخواد هغه شه چه مړی ستا پر ننګ
په صخر ، چړه تورو ګډوډ کړم اعدا
یا خپل ګران وطن کړم شین ښ په دنیا

هر څوك چه خدمت کا ژوندی کا خپل لحان پرمینه یاد ښ ی اکبر، نادر خان
اوچت شه پښتونه هوادی د پر ګران لوړ غږونه که بوتی ناموس د افغان
اغزی یی ګلان دی هر صغری ریحان شلمه پیړی د ه عالم شو ودان
تورتم د وحشت کړه په علم رنا
ودان په همت کړه خپل کور اوبیدیا

چه کام یی ژوندی وی بیا ژوندی که افراد ګران دی وهر چاته هواد و نژاد
چوپړ د هواد دی لازم پر اولاد په مینه دمینې که سر لحی پر باد
نه ډار شته نه پیړه پردی یم د پرښاد پښتون یم ناموس می هوادی هواد
په جنګ کی زمری یم چیتې زما پرخوا
سور او رشم جار وزم سیځم خپل بدخوا

محمد اعظم خان « ایازی »

د محمد اسلم خان زوی په خته جدران او ۵۰ کلن سړی دی. ددوی خیلخا نه دغازی سردار محمد ایوب خان سره جلاوطن شوی وه ؛ ایران ، ترك اودهند وستان مختلفی صوبی یی لیدلی دی . په آخره کښ یی په کوئټه (بلوچستان) کښ توطن نپولی اودلته یی دلسم جماعته پوری اردو اوانګریزی وبلی ده ؛ ورو سته همدلته په دفترو نوکښ په ملازمت اخستل شوی دی اوپه ۱۳۰۳ ش کښ بیرته دخپل پلار اونیکه وطن ته راغلی اودلته د مکتبو په معلمی مقرر شوی دی . کوم وخت چه په قندهار کښ د پښتو انجمن تاسیس شو ، نو دی د معلمی څخه دانجمن عضویت ته راتبدیل شوی دی . بیاکوم وخت چه د پښتو اودکابل انجمنو نه په «پښتو ټولنه» بدل شوه ، نودی دلغت اوصرف، نحو دشعبی په مدیریت وټاکل شو . دی د خپل نامه سره «ایازی» لیکی . «ایازی» صاحب شعرنه وایی . ددده دتر تحریرونو نمو نی دمقالو اوترجمو

(c) ketabton.com: The Digital Library

په صورت په « پښتو » مجله ؛ کابل مجله ؛ اوانيس کښې شته .

دده زيات زور په دی خواکښې دی چه دپښتو دصرف اونحو په باب معلومات غونډ کاندی؛ په دی بابکښې يی دمختلفو ماخذو څخه دپښتو يوگرائمر (صرف ونحو) ترتيب کړی هم دی چه چاپ شوی دی او د پښتو دلغاتو په جمع اوتدوين باندی بخت دی . پرته له د ښه يی الفا روق او ځينی نورکتابو نه هم په پښتو ترجمه کړی دی .

برهان الدينخان «کشککی»

برهان الدينخان «کشککی» داصلاح دروز نامی موجوده مدير په عمر ٤٠ کلن ، په قد وقامت وړکوټی ، مگر خوراچست وچالاك ، نه ستړی کيدونکی اودقوی اعصابو والاسړی دی علاوه دتيز فکر او فراسته څخه ، حاضر جوابه ، تيز زبانه ، دعزم اواستقامت خاوند ؛ اوغير متردد سړی هم دی . دی دو ېلونه دکولو ډير طرفدار دی .

مولديی دمشرقی دسره رود «کشکك» قريه ده . په دغه سبب دی ځان ته «کشککی» وايی گويادی دنورو ټولوممېزاتو څخه . مادروطن ته زيات اهميت ورکوی ، نوداوجه ده چه دی ځان دوطن يوی وړی قريی ته منسوبوی .

جناب برهان الدينخان ابتدايی تعليم دخپل والد څخه اخستی دی ، وروسته يی دعربی علومو دتحصيل پسی سفرونه کړی دی ؛ صرف، نحو ، منطق، حکمت ، اونور نوريی ويلی دی .

ړومبی زل دی داتحا دمشرقی په دائره کښې مقررشو ، لږ موده روسته مدير شو ؛ تردی وروسته يی دمطبوعاتو په سلسله کښې ډيری دوری طی کړی دی اوپه آخره کښې د «اصلاح» دروز نامی مدير شوی دی چه اوس هم دی . دی ړومبی سړی دی چه زموږ په وطن کښې يی دروز نامه نويسی ريکار ډ قائم کړی دی .

«کشککی» صاحب په پاړسی کښې برجسته ليکونکی اودمستقلو تاليفونو اوتصنيفونو خاونددی ولی موږ چه دده يادولو ته مجبور وی ، هغه دده دپښتو مينه ده . ده دپخوانه دپښتو سره علاقه لرله . په موجوده نهضت کښې اول سړی دی چه بی له شرائطو څخه يی داخبار دپښتو کولو ذمه په يولوی مجلس کښې وکړه اوترهغی وروسته دپښتو په نشر اواشاعت کښې يی ښه سهم اخستی دی . په روز نامه کښې دپښتو رومان برخه اول وارد ده په مسا عياتو وليدل شوه . (پټه مينه) دده دپښتو دليکلو نمونه ده چه په اصلاح کښې به تاسی لوستی وی .

صالح محمد خان

صالح محمد خان دفيض محمدخان ځوی ، په قام هوتك دپنځه څلو يښتو کالو حوشقواره سړی دی . دی دقندهار په ښار کښې زيږيدلی او لوی شوی دی . ابتدائی تعليم يی دخپل ما مامو لوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

عبدالواسع صاحب او خپل مورنی نیکه مولوی عبدالرؤف صاحب څخه حاصل کړی دی . اوهرکله چهغوی دپادشاهانو پهخوا اودر بارونو کښ او سیدل اودی ورسره و ، نو په دی لحاظ یی دیرهموده په کابل کښ تیره کړیده ؛ اودر باری اوضاعیی هم ښه زده کړی دی. دی خورا خوشپوشه ؛ اونفیساغوستونکی دی .

ده دپادسی او عربی په ځینی کتابو عبور حاصل کړی دی . د پښتو دادب کتابونه لکه رحمن ، حمید اوخوشحال خان یی پلټلی دی ؛ اوپه دغه واسطه سره دوی دشعر د پیژندلو یوه لطیفه قریحه موندلی ده .

دی داعلیحضرت امیرحبیبالله خان په عصر کښ څهموده دکابل دولایت مدیر معارفو . څه موده یی طلوع افغان چلو لو . بیاد ۱۳۱۵ ش پو ری دقند هار مدیر معار ف و؛ له د غه ځایه څخهدپښتو ټولنی دپښتو مبصر شو ؛ څه موده وروسته دارالتحریر شاهی تهلاړ .

مبصر صاحب دپښتو پخوانی طرفدار دی ده داعلیحضرت امیر حبیبالله خان په و خت کښ دپښتو یوه قاعده او یو لمړی کتاب لیکلی وو چهچاپ شوی دی . یوبل کچنی کتا ب یی په قندهارکښ د «خود آموز پښتو» په نامه ؛ روسته دیو هیئت داصلاح او کتنی څخه چاپ شوی دی . اویو کتاب یی «پښتو ژبه» ده چه په دوه ټوکه کښ طبع ته رسیدلی دی . دا اثرونه ده په دی لحاظ لیکلی دی چه دپښتو دنو آموز انو اومبتد یانو سره مرسته وکړی شی .

دی پخپله نظم هم وائی . اوس غو اړو چه د ده دنظم نمونه لا ندی ولیکو : دی جناب پخواپخوا یولوی نظم لیکلی دیچه دهغی نوم دی «هر سړی کارونه لری » په دیکښ دده په فکر سره دجامعی دهرصنف وظائف ښودل شویدی . دادده مشهور نظم دی . چه دطلوع افغان په ۱۱ کال کښ نشر شویدی .له دغه نظم څخه دالاندی ټوټه لیکل کیږی :

ادیب وائی

زه چه ادیب یمه ـ نو ستا حبیب یمه　　زه عندلیب یمه ـ ادیب لیب یمه
زه خوملت وښیوم ـ زه خودولت وښیوم

نازك‌خیالو نه لرم ـ تازه‌فکرونه لرم　　څه‌ښه شعرونه لرم ـ ښه بیانونه لرم
تنویر د فکر کوم ـ دهر شی ذکر کوم

ښی‌قصیدی‌جوړوم ـ ښی‌ترانی‌جوړوم　　ښی‌رسالی جوړوم ـ ښی مجلی‌جوړوم
وطن‌پرشوق‌راولم ـ وطن پر ذوق‌را ولم

ادبیات لیکم ـ ښه بیانات لیکم　　ښه مقالات لیکم ـ لوړعنوانات لیکم
خدمت کوم په قلم ـ یانکوم په ښه چم

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه چه ناری وهمه - باغلبلی وهمه یامضامین لیکمه - درو گوهر پیمه
داټول دستا دپاره - داخپل اشنا دپاره
عصری آداب درښیم-لاراومآب درښیم هرپیچ وتاب درښیم-سم اوخراب درښیم
ستادو پښتیا دپاره - دار تقا دپاره
گاه مضامین ادبی-کله علمی سیاسی اجتماعی اوعصری-دزمه په وینو لیکی
کار دادیب دی دا - دخوږ طبیب دی دا
خوب وآرام نه لرم-تل په فکرونو ډوب یم ټول خیروشر سنجوم-لاردښیګنړی ښیم
دخپل قلم په قوت - ولاړ و مه ملت

په دغه اوږ دنظم کښ دهر کا سب دخولی نه همدغسی بیان شو یدی په آخره کښ دغه دادیب ټوته ده چه پورته ولیکل شوه .

❀ ❀ ❀

دپورته خفیف بحر دده ډیر خوښ دی اکثره په دغه بحر ګډیږی وګوری لاندی نمونه:

پښتو واګی

زه چه پښتو ژبه یم - دپښتنو ژبه یم دنیا ینو ژبه یم - د ښو مړو ژبه یم
زما روز نه وکی - زما پالنه وکی
زه عالمان غواړم - زه فاضلان غواړم زه ادیبان غواړم - زه ښه زلمیان غواړم
چه ما علمی ژبه کړی - اومارسمی ژبه کړی
پښتو ژبه اول جلد

محمدامین خان «خوګیانی»

جناب محمدامین خان خوګیانی دجناب مولانا محمداسرائیل خان لمحوی اوپه قام یوسف زی دی. دی په حکیم اباد د خوګیانی کښ په کال د ۱۳۱۷ قمری کښ زیږ یدلی د ی د ې په نسبت دوطنیت په خوګیانی مشهوردی او دنامه سره ګډی لیکی ، جناب خوګیانی خپل تعلیمات په پارسی اوعربی کښ دابتدا تر انتها پوری زیات دخپل والد څخه اوخه نور دخپلی کورنی دنورو فضلاو څخه حاصل کړیدی دتحصیل په ورځوکښ دکورنه دباندی دسبق دپاره وتلی نه دی لمحکه چه دی مسافرت ته محتاج نه و . ددوی کورنی یوه دعلم اودفضل کورنی ده :

دده والد ماجد جناب مولانا محمد اسرائیل خان دخپل عصر یونامتوعالم فاضل اویومعروف ذکی حقګوی مخه وریز اوکریم مجاهدمتقی ذات ؤ، اودعربی اودپارسی دټولو لومړ وجو علومو فنونوماهرمدرس اواستاذاویومعروف زړه ورا صلاحی بلیغ مبلغ ؤعلاوه ددوی دوالد دوجودنه ددوی په کورنی کښ نورهم دعلم اودفضل خاوندان هغه وخت کښ هم ډیروو او اوس هم شته جناب خوګیانی دعربی مروج علوم اخلاق، صرف، نحو، منطق، حکمت، طب، فقه، اصول، تفسیر، حدیث ، هیئت ، کلام ادب، مناظره ، عروض ، تجوید لوستی دی . علاوه تردی دخصوصی معلمانو سره خپل کورکښ

(c) ketabton.com: The Digital Library

عصری فنون خط، حساب، جغرافیه، تاریخ، هندسه، انشاء اوداسی نور حاصل کړیدی دپاره دامتحاناتو درشدی مدارجو دانتها پوری دطورو مکتب کښ وارپه وار شامل شویدی دلاهور نعمانیه کښ اودتا کال په اسلامی کالج کښ ئی دعربی علومو امتحان ورکړیدی اوددی امتحانونو دکامیابی شها دتنا می ئی حاصل کړیدی، دی لومړی وار ۱۳۹۹ کښ دکڼړی د مکتب سر معلم او ۱۳۰۳ کښ معاون او ۱۳۰٤ کښ کفیل د مدیریت معارف د مشرقی او بیا معاون داتحاد مشرقی مقررشو نوئی اوعلاوه دپارسی - په دوه شمارو دهفته کښ یوه شماره یوازی په پښتو په خپل قلم زیاته کړه شپږمیاشتی بس ده ۱۳۰۵ په اوائلو کښ دهمدغی جریدی مدیرشو دانقلاب نه وروسته داصلاح داخبار مدیر او ۱۳۱۱ کښ دانیس مدیریت ته رابدل شو تراوسه په همدغه رتبه مقرر دی، جناب خوگیانی طبعاً مجلس آراء اشنا پرور متین محتاط متحمل او دلوی زړه او پراخی حوصلی خاونددی په عربی پارسی، پښتو، اردو کښ لوړقلم لری په پارسی کښ مستقل اثار هم لری په پښتو کښ ئی چه څه لیکلی دی هغه عبارت دهغه مقالو څخه دی چه په انیس کښ نشریږی دده غالب پښتو تحریرونه علمی، اجتماعی، تاریخی او اصلاحی دی په هره جنبه کښ ئی قلم دپوره فلسفی او استدلاله ډک دی دپښتو په باب کښ معقول نظریات او اساسی اقدامات داوله څخه لری دپښتو ژبی دسبك او اسلوب دوحدت طرفدار دی که څوك ئی دپښتو دکلام نمونه گوری داتحاد مشرقی دشپږم کال او دانیس مجلداتو ته دی مراجعت وکی جناب خوگیانی په خپله شعرنه وائی لیکن دبا اخلاقو او دمصلحو شعر او اشعارو ته داهمیت په سترگی گوری. ده په ملی خدماتو کی دمعنوی پښتو امتحانات ورکړی دی. او داستقلال اودنجات دحصول په جنگ کښ ئی ښه پوره حصه اخستی ده

سید حسین خان «سید»

په قام سید، په عمر څلویښت کلن، په قداوړ سړی دی. دی دقندهار په ښار کښ زیږیدلی اولوی شوی دی. لیکل اولوستل یی دخپلو شاؤخوا استاذانو څخه په خصوصی ډول سره زده کړی دی. دی مخکښ دطلوع افغان معاون و؛ په ۱۳۱۲ شمسی کښ چه زه دقندهار انجمن ته ورغلم؛ دی دمطبعی منتظم و. اوس اورم چه بیا دمطبعی منتظم شوی دی. دوطن داستقلال دحصول اود نجات په مخار باتو کښ ښه مهمه نیکنامه برخه لری.

دی په پښتو کښ ښه ذوق اوروانه خوږه طبعه لری. په اشعار وکښ خپل تخلص «سید» لیکی. موږ دسید صاحب نثر ندی لیدلی. لیکن نظمونه یی ښایسته ډیر دی. په شعر کښ دی معاشرتی او اجتماعی مسائل را اخلی.

دسید صاحب دالاندی نظم دکیف اواثرنه ندی خالی.

یاره نه لرم ولور

زوم والی

پخوا لاتر دی ښه وم گرزیدم به دخپل سر کوزده نه وه بلا وه تر پخوا شومه بتر

یاره نه لرم ولور

(c) ketabton.com: The Digital Library

پرمای اېښی له‌سره ، خسردی څلورزره ولور نه کا ملیږی خر څو مه خپل ډگر
یاره نه لرم ولور
دامهر دی که‌حمله ده ، داکومه مسله ده ولور که خر څېده دی د انسان نوع بشر
یاره نه لرم ولور
نکاح‌راته ماتم‌دی ، کوژده نده‌یوغم‌دی خسربابا کړه غصب که‌می غواده که‌سخوندر
یاره نه لرم ولور
کلونه‌دی تېرېږی ، رسمونه‌دی ډېرېږی په پور یی لېونی کړم د خسر با با تېر
یاره نه لرم ولور
داڅه‌دودودستوردی ؟ داکله بیاضروردی چه‌خوارلاپه خوریږی یابه‌پروت‌وی‌پرتېر
یاره نه لرم ولور
واده‌ولی ځنډیږی ، دودوارپه وارغمیږی خواښی لاراته‌گوری ، پاته‌نورزر وزېور
یاره نه لرم ولور
دوستی که‌دښمنی‌ده ، سپالی‌ده که‌ځوانی‌ده له‌سره نه پو هیږی دا مخلوق په‌خېر وشر
یاره نه لرم ولور
شکوه کړم له بدحاله ، له داسی سخته جاله په عذرنه خلاصېږم په‌زړگی می‌ځی خنجر
یاره نه لرم و لور
خسر با با که ښه‌وا ئی پرما بی وسیله وای مانه‌پریږدی وکورته‌راته‌وای پیل‌وغر(۱)
یاره نه لرم ولور
څوداولورپوره شی،زړگی‌به می اره شی په‌سیل‌به‌می‌ماینه(۲)مری‌دی‌به‌گرځی‌شملور
یاره نه لرم ولور
خسره‌بختوره ! پوره دی کړه څوزره ؟ گروی‌بی‌چاته‌ورکړی‌زماشوی‌خاوری پسر
یاره نه لرم و لور
خسربا باچه‌موړشو، واده‌هم‌داسی جوړشو دوستی که دښمنی ده سره ولوبه په‌سخر
یاره نه لرم ولور
داڅه‌ډول‌واده‌دی.داسیل‌دی که‌مانده‌دی په زرنه تاړه کیږی زوم یی یووړلکه‌پر
یاره نه لرم ولور
دیگونه دی مجمی دی،سالن‌دی‌کتلمی‌دی واده په ډماډم شو فضول خرڅ که برابر
یاره نه لرم ولور

(۱) پیل وغرویل بیهوده وینا اوبده وینا . (۲) ماینه یا ماندینه : خپله ښځه ، ارتینه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

دری سوه نارینه دی، نیاز منی په بانه دی فضول رسمونه ډیر شوه زوم په غم و هی غومبر
یاره نه لرم ولور

خسر روپی راشه کړی وځان ته ئی خره کړی جهیز به دلورور کړی زوړ تلتک(۱) نوی ټغر
یاره نه لرم ولور

داگټه کړی دوروره؟ هو، یودی وړه ترکوره نوها !لاس می په زیره که اخته نشوی په شر
یاره نه لرم ولور

چه ورك مواعتدال شو، دهر چا په سر خیال شو دغه دودو نه ډیر شوه چه یی و کی بداثر
یاره نه لرم ولور

« نه کورورك نه به دود » و، متل د پښتنو و پخوا به څوك خوښ نه وویو دبله په ضرر
یاره نه لرم ولور

داشعر بی در ده ندی، دهره سړی په ښه دی، په کار دی هر مومن اومسلمان لره هنر
یاره نه لرم ولور

« سید » چه نصیحت کړم، خپل ځان به په عبرت کړم وینا وی می پخپله پرما ډیر کوی اثر
یاره نه لرم ولور

طلوع ٤٠ شماره ۱۲ کال

سراج الدینخان «سعید»

دملا منهاج الدین خان زوی، چه اوس ددا را لتحریر شاهی مشاور دی په قام شنواری، په عمر ۳۵ کالو، له ونی ټیټ سړی دی. دی دکابل په ده افغانانو کښ زیږیدلی اولوی شوی دی. دده والد ښه عالم سړی و، ده ابتدایی تعلیم دخپل پلاره څخه اخستی دی. او نور یی یوځای بل ځای دخصوصی معلمانو څخه څه دماموریت په وختو کښ اوڅه مخکښ له ماموریته تحصیلات کړی دی. اوس علاوه له پښتو او پاړسی څخه په عربی اردو، ترکی، انگریزی، باندی پوهیږی اومطالعه پکښ لری، او دخپلو مطالعو په برکت په هره خواکښ دښو معلوماتو خاوند دی. اهل فضل او اهل علم خلك ده ته دعالم او فاضل په سترگه گوری.

په اخلاقی حیثیت سره دروند، قدر پیژند ونکی، رښتیانی یومخی، زړه سواندی، بیضرره او فیاض سړی دی. دهر چا سره یی چه نیکی دلاسه کیږی کوی یی؛ اوپه هیڅ شان دچا زړه بداوی نه غواړی.

(۱) تلتك : بړستن

(c) ketabton.com: The Digital Library

دی په پاډسی کښ خورا ښه لیکونکی دی . په خپلو تحریر ونو کښ دنامه سره سعید لیکی سعید صاحب د پښتو د پرطرفداردی . هر کله چه دی یو فاضل سړی دی او پښتو یی مورنی ژبه هم ده نو په دی لړه موده کښ چه د پښتو نهضت په کابل کښ شروع شویدی ، ده ورته توجه کړیده ، او وارله واره یی په پښتو کښ داسی آثار لیکلی دی چه دستی په دستی مقبول شویدی . دی شعرته څه په ښه نظر نه گوری . په پښتو کښ هم دده نظر یه داده چه باید په پښتو کښ ښه ښه نثرونه ولیکل شی . اودنثر لیکلو دپاره ښه متین او متحده سبك او اسلوب پیداشی . په دی خیال سره ده دکابل په مجله کښ خوښی ښی حزینه قصی نشر کړیدی ، د پښتو په تحریر کښ دی هم دسذاجت او سوچه والی ټینګ طرفدار دی . دی وایی : د پښتو لیکونکی ترخوچه خپل لغت اومحاوره مومی باید پردی لغت او محاوره وانخلی .

محمد عثمان خان « پښتون »

د پښتو د انجمن پخوانی رئیس چه اوس دوزارت معارف د تعلیم او تربیی د ریاست عضودی . دی په قام بارکزی دی ، دده ابائی مقام د قندهارماروف نوماندی ځای دی ؛ دی په کمسنی کښ هندوستان ته تللی و لکه چه ده وړل ده ابتدایی تعلیم په لاهور کښ د څلورم جماعته پوری حاصل کړی دی . نو ره یی خصوصی زد کړه کړیده . د هند و ستان په مختلف ښارونو کښ اوسیدلی دی ، خصوصاً کراچی او په کوئټه (بلوچستان) کښ یی د یر عمر تیر کړیدی . په اردو ښه پوهیږی ، ویلی یی شی او ښه مطالعه پکښ لری . وایی چه په سندهی ژبه هم پوهیږم . پنجابی هم ویلی شی ، او په انګریزی هم خبری کوی . په خپله ملی ژبه په هره خواکښ مطالب لیکلی او اداکولی شی . دده نظم ، نثر ، اوترجمی په « پښتو » مجله کښ شته . ده خپل تخلص « پښتون » غوره کړیدی .

« پښتون » صاحب د مولانا ابوالکلام دترجمان القرآن دفاتحی جز په پښتوترجمه کړیدی چه تراوسه ندی چاپ شوی . یوکتاب یی د « پښتوښوونکی » په نامه په خپلو پیسو په لاهور کښ چاپ کړیدی او د همدی کتاب دویم جلد په کابل کښ چاپ شویدی . په دی کتاب کښ دگرایمر او محاوری مختلط اصول د نظر لاندی نیول شوی دی .

گل پاچا خان « الفت »

د میرسید پاچازوی ، په قام « سید » ، په عمر داته ویشتوکالو او په قد جګ ځوان دی دی د لغمان په کځ کښ زیږیدلی او لوی شوی دی . ده په خصوصی طور سره عربی صرف، نحو ؛ او دمنطق ، حکمت ، فقه، اصول ، کتابونه ویلی دی . په عربی پوهیږی او استفاده ورلخنی کولی شی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

علاوه تردی چه په ملی ژبه کښی نظم اونثر لیکی ، په پارسی کښی هم قلم لری . دومبی په انیس کښی مقرر و ، او اوس په پښتو ټولنه کښی عضو دی . که څه هم لږه موده کیږی چه دی د ادیاتومیدان ته راکښیوتی دی مگر بیاهم دده په آثاروکښی د پوخوالی علامی څرگندی دی . پاچاصاحب په شعرکښی « الفت » تخلص غوره کړیدی . شوق اوکوښښ لری ، چه خپل شعر په نازك خیالاتو اوشعری صنائعوبدائعو باندی ښایسته کړی .

اوس غواړو چه دده د نثر اونظم نمونه د خپلی تذکری لوستو نکوته وښیو :

بله دنیا

نیمه شپه ده هیڅوك له ځایه حرکت نکړی، مگرزه لکه سرسام بی ارادی روان یم . په مخکښی می غږو نه او سندونه رالحی خوزما مانع کیدی نشی ، په لوړ وا وژورولکه نسیم یابریښنا څرخنده تیریږم هیڅ شی مې په مخ کښ نه حایل کیږی . یوه شیبه وروسته نه یم خبرچه مادخومره مودی لار په څو دقیقوکښی قطع کړی خوله دغی دنیا چه زه ورسره اشناوم وتلی اویوی نوی دنیاته دتعجب په سترگو گورم . زما اوددی ځای دخلقو ترمنځ دومره بعد او فاصله ده لکه چه داولی ورځی انسان یی ددی وخت له انسان سره لری ، دلته هرڅه نوی دی اوله هغی دنیاسره چه زه تری راغلی یم هیڅ مشا بهت نلری ، حسن او جمال ټول همدلته جمع شوی . عیش اوعشرت دهمدی خلقو په برخه رسیدلی دی .

ددی ځای وگړی چه لکه دیوه چمن گلان یوشان تراوتازه ښکاری ماته هغه تفاوت اوتیت وپاس چه مادانسا نانو په ډله کښی لیدلی ووایا دوی اوهغه کسان چه دفقر اوضعف نمایندگان ووراته حاضردی . دلته که هرخومره میخانی اودساعت تیری وسیلی ډیری دی مگرخلقیږی دومره نه دی بیخوده کړی چه له آینده حیات نه غافل او پدی حال قانع شی . گویا دی ځای ته لا دقناعت لغت نه دی رسیدلی اوحرص بدنه دی معرفی شوی . هرطرف ته کار خانی اوفابریکی جاری نوی نوی کشفیات اواختراعات کیږی ، خو افسوس چه زه ددی ځای دشیانو نوم نه پیژنم اوتعبیر تری نشم کولی مگر دومره پوهیږم چه دټولی دنیا دتسخیر دپاره کفایت کړی . ددی ځای په کتاب کښی ډیرشیان چه ماته بدمعرفی شوی وه ښه ښودل شوی اوداخلاقو په غټو غټو عنوانو کښی لوی تغیر اوتبدیل پیدا شوی دی ، دلته په عوض دتواضع اوامیدواری دعزةالنفس اواعتمادبه نفس درس ورکول کیږی اودصداقت په ځای سیاست ستایل کیږی . زه پدی ښایسته دنیا کښی ښکته اوپورته گرزم اودبشر یت دامراضو دوا لکه همدردی اونور . . . لټوم خویی له زهردارو غازو اوجهانسوزه اوره بل څه نه وینم او وروسته له ډیرو پښتنو راته ویل کیږی چه ته دمشرق موزیم خانو ته مراجعت وکړه

(c) ketabton.com: The Digital Library

گوندی دادشل قرنو پخوا ارمغان دهغه ځای په زړو اوشکید لو پانو کښې پیدا کړی .

(۲)

لکه شمع که ځان وسیزی په اور ، ته — نوبه هله کړی رنا مینه اوکور ، ته
که فرهادغوندی دغرونه سوری نکړه — دشېرین وطن په عشق کښې نامتور ، ته
که دباد په شان دی ځان کړ سر گردانه — نوبه وچې کړی خولی له مخ دورور ، ته
که دځمکی هومره لوی یی حرکت کړه — تنبلی او سکون بوله لوی پیغور ، ته
په خولو ئی دتندی که ایساری کړی — د وطن دگلو باغ به کړی سمسور ، ته
د وطن آب وابرودی که شوه تویه — په همزولو کښې به سرجگ نگړی نور ، ته
که تسلیم نشی پښې غوندی حلاج ته — پټ به نکړی دوطن لوخ اوسرتور ، ته
لکه ونه که بار نکړی په سر پیتی — وبه نه شندی خوزه میوه هرلور ، ته
که په اوراو بو کښې تیغ غوندی غوته شی — نوپه سر به ددښمن شی هله سور ، ته
که دمخ د دښمن توری ته سپر نکړی — وبه نه ساتی وطن له غله اوچور ، ته
په وسله کښې که مخی د دښمن نه یی — که رستم یی هم آخر بشی نسکور ، ته
دااو به چه ته یی خکی دوطن یی دی — نووطن بوله په شان دخپلی مور ، ته
چاچه ایښې په دی تی درسره خوله ده — هغه خوراوورورگنه دستر گوتور ، ته
هیڅکله په بد نظر و ر ته مه گوره — لکه ځان دهغه هم اوسه غمخور ، ته

په « الفت » به بیگانه اوپردی خپل کړی
وبه نکړی دغه کار په زر او زور ، ته

(۳)

د پښتو نوالی تعلیم

هیڅکله تری مه ویریزه پکښې خوف وخطر نشته — سپینه توره ده ځلیزی خوپکښې څه جوهر نشته
ته دوهم له گرنگه یی ولیدلی ټیټ دلاندی — ژوبل نه یی روغ رمټ یی ضرورت دډاکتر نشته
مانع ستادوړاندی تللو یا خوطمع اویا خوف دی — که له دغه قیده خلاص شوی نوپه مخکښې بل غر نشته
چه نصیب یی آزادی شی دنسیم په شانی وروره ! — څوک یی مخه نیوی نشی له هیچایی حذر نشته
گرد که هر څومره ضعیف دی پرندوی د دښمن ستر گی — جسارت درته په کاردی درسره که خنجر نشته
بت دخوف اوویری مات کړه په جرئت دحق دپاره — که بل شوی درته اوروی پکښې سوزاواثر نشته

ښه تعلیم دپښتو نوالی مایه هریت کښې راوړی
که پوهیزی زماورورو ! هیڅ حاجت د دفتر نشته

(c) ketabton.com: The Digital Library

رحمت الله خان قندهاری

دملاعبدالله صاحب لمحوی اودشپیتو کالو معمرسړی دی . په‌قام پوپلزی اومولدیی دقندهار ښاردی . تعلیم‌یی دپلارسی اولمخنی عربی کتابو میندلی دی . دخپلی ژبی سره‌ډیره مینه اوعشق لری. دی‌په‌پښتوکښ‌په‌پخوانی دول‌شعر وایی . ددە شعر دقندهار اکثره موجوده پښتو پوهان خوښوی ، اووایی چه‌ددە شعردروندوالی اوپوخوالی لری . ددە تر هیڅ ندی لیدل شوی . دخپلی ژبی شاعری دە ته په میراث پاتی دە . ددوی والد هم دپښتو ښه شاعرو دهغه دغزلیاتو یو دیوان هم پاتی دی چه ندی چاپ شوی .

دی‌دعریضو لیکلو کسب‌کوی . دسړك په‌غاړه ناست وی قلم مشوانیی اوعریضه‌یی په‌مخکښ پرتی وی . خوچه کوم وخت لږفارغ‌شی ؛ دستی دیوغزل‌په‌لیکلو کښ چرت‌وهی . په‌طلوع افغان کښ ددە هومره دنظم‌آثار دهیڅا ندی نشر شوی .

دی فکر کوی کوم وخت چه‌دپښتو یونوی غیرمبتذل لغت یامحاوره فکرته ورشی ، دستی ورباندی غزل‌ټری . اوکوښښ‌کوی‌چه‌د خپلی ژبی‌عناصر زیات‌مستعمل‌کاندی‌اوشهرت ورکړی .

اوس مونږ ددە دکلام نمونه لیکو :

(۱)

گونجی گونجی

د خزان باد چه گلان کی گونجی گونجی — دبو را شوندی ار مان کی گونجی گونجی
د بلبل پنی ر ژ ینږ ی په ځا لی کښ — شوپرك غوندی‌چشمان کی گونجی گونجی
لکه شپه چه کړ ی دنا و ی سر ه تیر ه — ځلمی پریوځی په‌دالا ن‌کی گونجی گونجی
د اسما ن د غه کا نی د غه پینی دی — کوم آزاربی ژرگریوان کی‌گونجی گونجی
دعا شق حا ل دیتیم تر حا ل بتر دی — مخ یی ډیرویږ دجانان کی گونجی گونجی
چه د عشق بی تر ا نو لیك په قلم کا — د ادفتر بی نکته دان کی گو نجی گونجی

دا چه نن د«رحمة الله» په حال خندا کړ ی
دعشق اوردی زړه گریان کی‌گونجی‌گونجی

(۲)

زړه وژبه

هغه چاله چه اصلاح شی‌زړه وژبه
مړیان بی په فلاح شی زړه وژبه

دحرامود مشکرك به یی لاس لنډ شی — چه لاس لنډی دمباح‌شی‌زړه‌وژبه

(c) ketabton.com: The Digital Library

منا جات یی خودپه عرش پوری لگیاشی — چه په عجزو په الحاح شی زړه وژبه
د ممدوح زړه به هرو مرو مؤثر کړی — په ربښتیا چه یی مداح شی زړه وژبه
په سوکه (۱) به دمقصد اقلیم کړی فتح — چه یی سمه د فتاح شی زړه و ژبه
«په اخلاص پیرې چلیږی» مقوله ده — دخطر سین له ملا ح شی زړه و ژبه

رحمة الله شبه شبه و یل کو ه هر کله
چه فارغ دی له جراح شی زړه وژبه

«طلوع»

غلام رحمن خـان «جرار»

داقتصاد دمجلی پخوانی پښتو لیکونکی چه اوس داتحاد د مشرقی معاون دی دمیا جانخان ځوی، په عمر ۲۸ کلن اوپه قام‌تره کی دی. مولدیی دهډی‌دللمی کلی دی. ابتدایی تعلیمات یی خصو صی؛ او رسمأیی دهډی‌په نجم‌المد ارس‌کښ د اوم صنف پوری لوستی دی. دی په پښتوکښ بی‌تکلفه‌طبعه لری. ددوی کورنی‌هم دشعر کورنی‌ده؛ما مایی‌ملا محمدگل‌خان داتحاد مشرقی پخوانی‌معـاون‌روانه طبعه‌لری. اومورنی نیکه‌یی دملا محمد گل خـان پلار ملا احمد گل، حسن خپل مهمند دپښتو مشهورشاعرو. ددەغزل؛ رباعیات اوچار بیتی داوسه پور دخلقو په خولو جاری دی، لکه‌چه‌ماواوریدلی دی ددوی دیوان هم‌پاتی دی چه لاچاپ شوی ندی.

غلام رحمن خان خپل تخلص «جرار» غوره کړیدی. جرار صاحب په خپله ژبه‌کښ بی تکلفه اوبی اعتنا شعروایی چه کله کله دده دخولی نه خوراسنجیده اوپاخه اشعار هم را ووزی. دی دښاغلی وزیر صاحب داخله دصحبت په اغیزه دپښتو په سذاجت کښ کله دومره کوښښ کوی چه ځینی اشعار په خالصه پښتو لیکی. لکه دده په‌لاندی منتخب شوو اثارو کښ اول غزل:

گل اواغزی

سحر ولاړوم یومقام کښ دگلزاره سره
چه‌می په‌غوږ شوگفتگوی‌دگل وخاره‌سره

په اشا رت کښ دپیغور خبر ی گل کولی — کم بخته خاره‌سرو کاردې‌دی از اره‌سره
لکه د سپی دمیلمنو لمنی کلکی نیسی — ای بیغیرته داستا خه دی له و قاره سره
نه لرې شوق نه‌لرې ذوق نه‌محبت چاسره — تمامی عمرکښ‌دوست نشوی له ملیاره سره
واړه،زاړه،جنکی، پینغلی،ستا له ظلمه‌که‌شور — په‌مقابل کښ رب‌سزا در کړه د ناره سره
ته په نشتر دژبی هر چـا ته ضرر رسوی — ځکه‌دې‌سپاری هرسړی‌دخدای دقاره سره

(۱) سوکه: اسانه سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه چه‌په‌سرو شونډو وږوزړوله خاندمه‌تل
مقام می بیاموندو دجونو در خساره سره

پته خوله‌ناست یم په‌ضرر دچاراضی نه‌یمه
ځکه دپیغلو په سینه زا نګم له ها ره سره

ځماچه‌رنګ‌وبوی شووقف خاصو عامو لره
مجلس می‌خوښ کړوبورا ګانو له‌هزاره‌سر ه

دقهره تاوشو اغزی داجواب دګل که‌ادا
زه مدعی یم ته لاځه چه ستا دپلاره سره

ته‌تامی‌عمر په‌خلقو رنګ وبوی خر څوی
منا سب نه دی ګفتګوی دریا کاره سره

په خوشامندو دی‌هرچاته خپله خوله نیولی
بی‌شجا عته ځکه خرڅ شوی له‌بازاره سر ه

خنجر په لا س دد ښمنا نو مقا بل یمه زه
زهر دنیش می بر ابر دچمچه ماره سر ه

ته‌تل زماپه حمایت کښ ورځی شپی تیروې
څه‌دی‌نسبت دیوځصوردلو ی حصاره سر ه

هو ، حفاظت دمملکت په شجاعت سره دې
که دی سوداوی ورشه کینه له هوښیاه‌سر ه

ظالم‌بدخواه کله‌صرفه کوی په‌مونږه باندې
که وبره نه وی د بدخواه‌اود بدکاره‌سره

ګلا به ته‌چه شجا عت او قاهر ی نه لرې
رنګ‌دې پنا که ! نه‌یم‌خوښ‌ستا له‌دیداره‌سره

ته د خپل‌ځان په حفاظت باندې قدرت نه‌لرې
مناست ند ی ګفتګو ی‌بی اعتباره سره

د یرتهوراو چاپلوسی لکه دګل اواغزی
شبه نده او سه میانه رو په د غه لا ره‌سره

نه داغزی په شان تیره نه لکه ګل‌په‌خندا
فکرپه کاردی‌په هرڅه‌کښ له مقداره سره

غزل

(۱)

پا خه و ینښ شه خلك و ا ړه در نه تللی
څوك په لار دی څوك کو ر و ته رسید لی

تا د پلا ر او نیکه پا نړ ی چیر ته لو ستی
د هغو په ژ و ند کښ څه خلکو لیکلی

داسره بو تی سری کوکی چه درته ښکاری
د و ی په لپو لپو هغه و ینی څکلی

چه د ستا د پاره توی وی په د ا ګو کښ
په هغو یی ا و س پر ا ته د خا و رو څلی

چه دبل کونډی ته چینګه خو له و لا ړ وی
تر ینه شبه دی د که خوله ګنډه یر خوړ لی

غزل

(۲)

زرراشه بلبلی غوږ یدلی دی بوستان ز ما
نن چمن سپړ لی هغه ګل چه وار ما ن ز ما

کله چه‌له تندی الوتی پکښ مر غی نشوه
اوس‌چمن په زړه‌کښ شرموی هغه‌دامان زما

نن چه دغه سور بن د ګلونو خواو شاوینی
داد زړه په وینو او به کړیدی باغوان زما

ماله یی مالیار زیری د د یر عمرراکړیدی
تورەدې‌تپره وی څه به وکاندې خزان زما

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد گل خان « نوری »

دعبدالواحد صاحبزاده لمړی په قام نور زی د ی ، د قندهار په کوچنی کار یزك کښ زیږیدلی اولوی شوی دی . ده تعلیم خصوصی حاصل کړی دی . د عربی د صرف ونحو ، قرائت ، فقه ، کتابونه یی و یلی د ی . د ی په ۱۳۱۳ کښ د پښتو انجمن په عضو یت مقرر شوی دی ، اوس په پښتو ټولنه کښ عضو دی . دده د ټر او نظم آ ثار په «پښتو» مجله او «کا بل» مجله کښ شته .

دی د فولکلور جمع کولو سره شوق لری . لنډ ی ، متلو نه ، قصی ، نقلونه او داسی نور شیان لیکی او غونډ وی یی . اوس یی «دپښتو لیك ښوونکی » په نامه ، د پښتو یوه انشا لیکلی ده چه چاپ شو یده .

یو بل کتاب یی هم د (ملی هیندار ه) په نامه چاپ شو ید ی . په د ی کتاب کښ د پښتنو مشهوری قصی لیکل شو یدی .

ارسلانخان «سلیمی»

د ی ، پـه قـام و ردگ دی ؛ او د ورد گو پـه چغټو ځا ی کښ ز یږیدلی اولوی شوی دی . ده د کـابل په دارالعلوم کښ د اوم صنفه پوری تعلیم حاصل کړ ی د ی . اول په پښتو انجمن کښ د کـاتب په حیث مقررو ، یا د مرافعی محررشو د اصلاح د پښتولیکونکی شو . اوس د مطبوعاتو په ریاست کښ کـار کوی .

ده د « نیکبختی » په نامه یو کـتاب په پښتو ترجمه کړیدی ؛ چه د انجمن له خوا په دی ورځو کښ چاپ شو . بل یی « اعتماد بنفس » په پښتو ترجمه کړیدی ؛ او «په ځان باور» یی ور باندی نوم ایښی دی . دا کـتاب لاندی چاپ شوی . د «سلیمی» صاحب د نظم او ټر آ ثار په طلوع افغان او کـا بل مجله کښ شته .

عبدالخالق خان «اخلاص»

عبدالخالق خان دملا جان اخندزاده لمړی په قام صافی دچغسرا ی دد هو ز په مقام کښ زیږیدلی دی . دفقه او نظم کـتابونه یی دخپل پلا ره خټه . حدیث اوځینی نوریـی دوطنی علماؤ خټه ویلی دی .

دماموریت په خوا کښ یی دغونډ کـاتبی دشوری وکـالت دوری طی کړیدی . په۱۳۱۶کی د انجمن عضو شو . په پښتو او پارسی کښ نظم ا و ټر لیـکی . د پښتـو د نظم نمونی یـی په انیس او کـابل مجله کښ شته .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عبدالخالق خان په نظم کښ خپل تخلص«اخلاص» لیکی . ده دالاندی کتابونه لیکلی‌دی: (۱) «استقلال» په دی کتاب کښ دافغا نستان دمحمدزایی شاهانو تاریخ او داستقلال موضوع په‌پښتو نظم ایګل شویده . دا کتاب چاپ شویدی . (۲) تصحیح التلاوة یی دقرائت په‌علم‌کښ لیکلی دی . (۳) نهضت پښتو په دی کتاب کښ دپښتو لغتونه د فارسی په نظم کښ دنصاب صبیان په اصول راوړل شویدی . دادوه کتابه نه دی چاپ شوی . دپښتو د نظم نمونه یی لاندی لیکل کیږی :

پوه او ناپوه

پښتو کښ یومتل دی دنا پوه په باره — کم عقل له کوتك‌دی اوهښیار له اشاره
ناپوه کله پوهیږی دوینا په باریکو — هرخو که ورته ووایی د عقل سیپاره
ناپوه دهښیار په مصلحت نه راځی کله — هیڅانه دیوکار نه کوی دی استشاره
که‌څه‌یی دپردی په‌مخکښ ووایی‌په‌ورو — دی کیدی په بازارکښ کوتکی په‌ټاره
لاداعجیبه زیاته چه ناپوه نه ګټږی‌ځان — هواته یی پرواز کوی د عقل طیاره
خوخیرکه‌دی پدی څه پوهیدلی‌لږوډیر — چا څله به راوړلی دناپوهو په شماره
نادان‌مه ګټږه‌هاغه چه‌له چاکوی‌پوښتنه — یاځان ورته ښکاریږی له‌بل چانه یکاره
نادان هغه‌باله شی چه‌یی نه‌وی‌عقل‌خپل — هم‌نه کاندی له کبره له بل چا استعاره
داحمق پوچه وینا دتوری‌واردی‌یادشل — وینبتل په تپا نچه دی یاوهل په کټاره

هښیار هغه سړی دی ر شتیا عبدالخالقه
چه‌ځان کړی دناپو هوله مجلس نه کناره

محمدشریف خان «جانان»

دی‌په قام کاکړ دی ، دقندهارپه‌ښار کښ پیدا شوی‌اولوی شوی دی . مخکښ‌معلم و ، اوس رسمی ملازمت نه‌لری . دی په‌پښتو کښ شاعردی ، آثاریی په‌طلوع افغان‌کښ لیدل کیږی ده یو کتاب د« بهارجانان » په‌نامه په‌خپلو شخصی پیسو چاپ کړی دی . په‌دی کتاب کښ د ه ددغه ځای دهغه کلاسیکی شعراو آثار راغونډ کړی دی چه‌دوګړو په‌خولوکښ جاری وی .

ورو ستنی خبره

پرته‌ددی شلو کسود پښتو لیکو الوخته ؛ نورهم ډیر شاعران اولیکو نکی شته چه هنوی یانالوستی دی یااوس دادب میدان ته داخل شویدی ، یاخوپاخه مقتدر لیکونکی او شعراء دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکن په نورو وظائفو نښتی‌دی . اوخه دیرآثار یامستقل تالیفونه نه‌لری . نوله دوی څخه معافی غواړم ! هو ، کیدی‌شی‌چه په‌دغه سخته لاره کښ چه‌دومبی زل ماپل‌اینبی دی اوددیر و مشکلاتو سره‌مخامخ‌شوی‌یم ؛ ترماورسته نورخوك‌هم پیدا شی اوخماپه‌اساس له‌ماپاتی اشخاص و لیکل شی!

دپښتو هغه کتابونه چه نوی چاپ شوی دی

کتاب	مؤلف اولیکو نکی
۱ : ـ پښتو سیند	بناغلی محمدگل خان « مومند » وزیر صاحب داخله
۲ : ـ پښتوکلی اول کتاب‌دوه جزء	امین‌الله‌خان زمریالی ، مولوی یعقوب‌حسن‌خان‌قیام‌الدین خان « خادم »
۳ : ـ معلم پښتو	دپښتو دفضلا ؤ یوهیئت
٤ : ـ دکوچنیانو اخلاقی پالنه	قیام‌الدین خان « خادم »
٥ : ـ نیکبختی	محمدارسلانخان « سلیمی »
٦ : ـ پښتو شوونکی	محمدعثمانخان « پښتون »
۷ : ـ پښتو ژبه دوه جلده	صالح محمد خان
۸ : ـ بهار جانان	ملا محمدشریف‌خان « جانان »
۹ : ـ خودآموز پښتو	صالح محمدخان
۱۰ : ـ ملی هندارہ	محمدگل‌خان (نوری)
۱۱ : ـ دخوشحالخان اوعبدالقادر خان دیوانونه	په‌اهتمام دعبدالحی‌خان « حبیبی »
۱۲ : ـ پښتوکلی :دویم‌کتاب‌دوه‌جزء	امین‌الله خان « زمریالی » اوقیام‌الدین خان « خادم »
۱۳ : ـ قواعد پښتو	محمداعظم خان « ایازی »
۱٤ : ـ پته مینه	برهان‌الدینخان « کشککی »
۱٥ : ـ په‌پته دپښتو پلټنه	« « «
۱٦ : ـ دپښتو متلونه	امین‌الله خان « زمریالی » اوقدیرخان « ترکی »
۱۷ : ـ غازی پښتون	میراجان خان « سیال » دکوډاخیلو
۱۸ : ـ لیك شوونکی	محمد گل خان « نوری »

(c) ketabton.com: The Digital Library

نورستان یا جدید الاسلام

لیکونکی ددی مقالی آقای عبدالخالق خان
« اخلاص »

په افغانستان کښ پرته له پښتنو نه نور متعدد قبایل او شعبات لکه سادات : تاجك ، هزاره هنود . . . که څه هم داټول پښتانه بلل کیږی شته دی چه دوطن په صفحو کښ ددوی حالات او کورنی دودونه او خصایص بیلابیل ثبت شوی او په واروار دقلم خاوندانو دهغو کیفیات په خپلو مقالو کښ لیکلی او دنیاته یی ښکاره کړی دی اما نورستانیان (جدیدالاسلام) قوم (چه دجلال آباد دشمالی خوا په غرونو کښ پخوانی او سیدونکی دی او دضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان مرحوم په عصر کښ داسلام په دولت مشرف شوی دی او هم دهغه رایسته یی دکفرستان نوم په نورستان بدل شوی دی) دلیکونکو دقلمه څخه پټ پاتی دی او داوسه پوری هیچا ددوی په حالاتو کښ پوره قلم نه دی چلولی .

نوزه چه په سبب دقرب مسکن او نژدی گاونډ چه ددوی بعض طوایفو سره یی لرم تگ راتگ او ناسته او ولاړه مو په مینځ کښ ډیره ده ددوی په زیاتو خصایصو خبریم خپل ځان مجبور گڼم چه ددی قوم اوصاف او اصطلاحی معاملات څه چه رامعلوم دی دقلم په ژبه بیان او دمحترمو لوستونکو حضورته یی تقدیم کړم .

قومیت او پخوا د اسلامه احوال

دوی ته دخپل قوم او نسب سلسله هیڅ نه ده معلومه که څوك تری پوښتنه وکړی دوی پوره جواب نشی ورکولی کله څه وائی او کله څه! خودغه هرڅه یی حقیقت نه لری دوی په خپله ژبه ځان ته (کلشا) او پښتنو ته اغوان وائی کلشا ددوی مذهبی او قومی نوم دی لکه پښتون ، هزاره ، تاجك .

دوی پخواله اسلامه عناصر پرستی او داجدا دوداحترام په مذهب باندی کلك و له دی نه معلو میږی چه د Homoelpinos هوموالپی نوس (غرنی نژاد یا غرڅنی سړی) اصل دی دهو موالپی نوس اختصاصات دادی چه ښایسته صورت ، خرمائی ویښته ، شنی سترگی او متناسب اندامونه لری او دهندو کش دمشرقی شمال ددرو خلك ټول په دی نژاد پوری مربوط دی .
ددوی پخوانی سپین ږیری دهغه وخت دخپلی عناصر پرستی قصی کوی ماچه خپل تحقیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

دکمورشتینو نورستانو څخه کړی دی هغوی راته دومره تفصیل کړی دی چه ددوی پخوانو بتانو څونو مونه لرل مشربت یی چه ددوی په زعم «خالق کل» و «امره» نوم لاره اوبل یی «جمری» وه چه هغه یی دښځی په صورت جوړ کړی اود «امره» ښځه یی ګڼله دوه واړه تبان یی «مونی» او «ګش» وو چه هغه یی دپیغمبرانو په منزله اودامره زیردست ګڼل دغه مونی او ګش به دوی دجنګ رب النوع هم بلل دوی دهریوه دپاره مخصوصه قربانی کوله چه دامره دپاره یی غوا اود ګش دپاره یی غوایی اودمونی دپاره یی وز ګوړی مقرر کړی وچه ددغه باطله خدایا نو په نامه به یی قربانول اووینی به یی وله په هغو شندلی ـ دوی به ګش اومونی په هر کلی کښ په مخصوصو عباد تخانو کښ ساتل اودجنګ په وخت کښ به یی تری استمداد کاوه .

په دغه رنګ یی خوو رو کی ارباب انواع باطله نور هم لرل چه هغه به یی دفصلونو اود مالونو محافظ اوروز ونکی ګڼل ـ

اودغه ټول بتان به دوی پخپله دلر ګو څخه په تخ اوپه څولی جوړول چه یو لوی اوغټ لرګی به یی وتوزه ستر ګی ، پوزه ، خوله ، غوزونه اودنارینه الات به یی پکښ جوړ کړل امره نوم به یی پری کښینو دبل به یی دښځی په صورت وتوزه جمری به یی ورته وایه نورهم په دی قیاس . او کله به یی داله تیزو څخه جوړول په ځینو ځایو کښ داسی هم ووچه یی دتوزلو به یی لوبه ګټه خوښه کړه دعبادت رسوم به یی ورته ادا کول لکه چه دغه رنګه تیزی چه پخوا ددوی معبودان وواوس هم دوی ته معلومی دی چه کله کله یی دندامت په صورت قصی کوی اوښئی چه دجهالت په وخت کښ دغه زمونږ خدایان وو (نعوذ بالله)

مړ نیتو ب او وسله

دوی په توره، مړ نیتوب بهادری او زړور توب کښ پښتنو ته ور ته دی دکفر په وخت کښ چه صافی او مهمند او دباجوړ پښتانه دوی له په جنګ ورتلل او غزایی پری کوله دوی ورسره کلکه مدافعه اوسخته مقابله کوله چه دیرو مسلمانانو سره دډیره شهامته ددوی دلاسه دشهادت پیالی وڅکښلی .

چاچه په هغه وخت کښ دیر مسلمانان په شهادت رسولی اوښه توره یی کړی وی اوس ورته ټول قوم په درنه سترګه ګوری اوخپل مړنی، تور یالی او دفخر ځای یی بولی او پخپله دی لاسه چه دده اولاد ته په مخصوصو ځایو اورسمی دعوتونو کښ چه یان یی وروسته راځنی پیل امتیاز ورکوی .

ددوی وسله پخوا عموماً غشی اولینده اوپه ملاپوری ترلی یوه کټیره وه ځنی سړی پکښ

(c) ketabton.com: The Digital Library

فلیته والاټوپك هم‌لاره اوس هم‌سره ددی چه نور عصری ټوپکونه (پیتی ،یوډزی) او . . . یی هم پیدا کړی‌دی خوهغه خپل غشی او لیندی دلاسه نه وباسی هم هغسی غشی لینده شخو لی مونډی په څنګ کښ ګرځوی دوی اوس دهر رقم ټوپك په ویشتو پوهیږی ، نخښه رساپه خال ولی ښکار هم‌کوی دټوپك دارو (باروت) پخپله جوړو لی شی .

رنګ او قیافه

دوی په عمومی ډول سره غښتلی ، مزی، تکړه، درنګه سپین غنم رنګ ، ښایسته خلك دی دزیاتو سره ویښته اوزرنګی سترګی نری لوړی پوزی دی مګر په ظاهر کښ درنګه تور او خیرن معلومیږی ځکه چه‌دوی اورونه ډیر بلوی او همیشئی په غوړو او څربو شیونو کښ لاس وی دلوګی په‌سبب یی دمخ بشره اونور وجودتك تورشوی وی اوبله دا چه په کلو نو کلونو کښ استحمام نه‌کوی څابون‌خودسره نه‌پیژنی چه څه شی دی نوخامخا خیرن پیرن معلومیږی دوی همیشه په‌څرمینه پټئی (کمربند) ملاتړی اوکټیره یاچوړکی یی پکښ ټومبلی و ی په‌تلوکښ‌دغرڅه اورمبوسی نه‌ګړندی وی‌په منډه کښ‌یی‌هیڅوك نشی رسولی .

کسب او ګټه وټه

ددوی کسب اوکار دنرو اودښځو په مینځ کښ‌دوه تقسیمه دی : نارینه یی چوپانی کو ی غوا اوبزی ساتی هرسړی‌په خپله وسع دمالداری خدمت په ځان فر ض کړی دی او د ا یی کلکه عقیده ده چه (بالعکس ددی چه مال دانسان دراحت دپا ره خدا ی پیدا کړی دی) دوی دمال د ساتنی اوروزنی دپاره مخلوق شوی دی چه دسبانه تریګا بلکه شپه او ورځ یی پسی‌ځان لالهانده کړی اوپه‌غرو اورغوئی ګرځوی ـ دوی فقط ډیری‌غوا اوډیری بزی ساتی لږی‌لږی‌ایږی‌ګډی‌هم لری‌میږی اومیښی‌ښی‌نه ګڼی غوا اوبزی‌یی ډیری خوښی وی هرځا ی کښ چه ښه‌واښه‌اوشه‌ورشووی‌هلته یی پسی‌بیائی په سمڅو اوپه بیدیا کښ‌ورته شپی تیر وی دشودو لو شلو او شلو مبوشر بلو خدمت یی پخپله په‌ډیر رغبت اومینه سره کو ی دخو شیانو اونو ر شیونو څخه یی هیڅ‌کر که نه‌کیږی .

دشودولوښی چه‌دوی ورته « ډمل » وایی او دشلو مبوغړ کی دځان سره سم‌ګرځوی په‌هر ځای کښ چه یی شپه یادهره وی هلته خپلی غوا،بزی‌لوشی اوله شودوڅخه یی دپسرلی په‌میا شتو کښ پنیر یاپوڅه (خام پنیر) چه دوی ورته « بګوړا » وایی جوړوی اوپه او ړ ی کښ یی شاربی (غوړی تری وباسی) خوډیر افسوس دی چه‌دوی غړکوته‌درنګ ورکولو په چل‌نه پو هیږی اومه پوستکی استعمالو ی . هم داسبب دی چه ددوی غوړی تل بد بویه او وزمی و ی

(c) ketabton.com: The Digital Library

اوزیات پښتانه ترنفرت کوی نه یی خوښه وی .

دد هقانی کاری ټول دښځو په غاړه وی ښځیی ډیر ی کلکی اومضبوطی دی چه په کارنه سترې کیږ ی سهار وختی په بر گه تارینه پټي (چه ډیوار په رنگ یی او دلی و ی) ملاتړی اوپټوته اوځی دیګا پوری په کاربختی وی کړ اویوه هر څه په خپلولا سو کوی داوسپنی تسکوری (میتی) اوکلنګونه نه پکاروی غویان هم په قلبه نه ترې خپل لاسونه یی قلبه او د لرګی کشې یی تسکوري (میتی) د ی دوی واړه پټي د پیاز و د کرامرو (کرد ونو) په شان جوړ کړی و ی اودلر گو په کشیوپه کښې عمل کوی ، غنم او گدن پکښې کری ، په لاسویی هواروی - دوی کله کله دد هقانی کار دا شر په دود په شریکه کوی « یعنی » دټول کلی ښځی دیوی ښځی کار نن کوی د بلی سباخوچه دټولوکارونه سرته ورسیږ ی بل دسولو لرګی هر څو مره چه د کا له مصارف وی هم دښځو په ذمه و ی د دوی ښځی تبر گی اویاسته اخلی څوتنه په ډله (صورت اجتماعی) سره هره ورځ غره له ځی اود لر گولو ی لوی کیږی په شا باندی کورته راوړی چه هغه گیږی هیڅ نارینه هم نشی پورته کولی څه چه روز مره سیزی هغه سیزی نوردزمی دپاره ذخیره کوی اودا ذخیره ورته ډیره مده د یوه کال نه بل کال ته پاتی کیږی اودا ښځی هرر نګه دروند بار په شا باندی وړ لی شی . دوی یوه مضبو طه اوږ ده همسا هم گرځوی چه د بار وړلوپه وخت کښې ورسره هغه امسا ډیرکومك کوی

خوراك او آغوستن

ددوی خور اك عموما گدن د ی او گدن هم په دوه قسمه د خوړ لود پاره تیاروی اول : گدن په میچنو واړه کوی ډوډ ی تر پخوی . دوم : گدن په پایکو گا نو کښې ټکوی چه بوس تر ی لیږی شی نو بیایی په کټو کښې دور یجو په ډول پخوی اوخوړ ی ئی خود ډوډی نه ئی وریجی ښی رائځی . دائی خپل خوراك د ی اود میلمه د پاره د غنمو ډوډی هم پخوی - دو ی دنګو لی (کتغ) پخلی نه پیږ نی شلو مبی اوشوده اوپنیر ډوډی سره خوری میلمنو ته خالص غوړی ور کوی دبرو غوښې اوجوشه پخوی ښوروائی تویه و ی او یوا ځی غوښې ئی خوری په میو و کښې غوزان او کور ډ یری لری اوخور ی یی . د کورو خخه به یی پخوا (د کفرپه وخت کښې) شراب تیارول اواوس تری سرکه جوړوی . عمومی اغوستن یی د برو پوستکی و ی چه دری پوستکی سره یو ځای گنډ ی یوپوستکی د شا طرف ته اودوه نور دځی طرف ته یعنی پینبو نو په ځای اچوی او یوه بی نستو نو قبا ډولی لباس تری جوړوی چه د پو ستکو وڅ غنی هم ورپوری وی او عموما د پوستکو لکی د کوناټو په ځای برابروی چه ځنی خیا لولی پټلی په هغه لکی پوری یوه لویه غږه (جرس)

(c) ketabton.com: The Digital Library

هم زوړ ندوی چه دتلویادنا څ په وخت کښ ورته شر نگهار کوی او طبعاً تور بیر پوستکی چه ډیری وژغنی لری دسپین نه زیات خوښوی هم داوجه ده چه پخوا به مسلمانانو دوی ته تور کافر یا سیاه پوش ویل اود څپلو په ځای د بزینو یا د غرڅه د پوستکو کوری (چموښی) په پښو کوی چه هغه ددوی باریان (غلامان) چه بیان به ئی ورسته راشی جوړوی نور پائزار نه لری . ددوی معتبرین او مشران د بیستۍ (کرباس) جامی هم اغوندی خصوصا هغه وخت چه د پښتنو کلو ته د کم کار دپاره ځی واسکټ اوسور غاړی لونگی هم په غاړه کوی په دی اوس وختونو کښ چه ناسته ولاړه ئی دپښتنو سره زیاته شوه د سر لونگی یاد ململ پټکی هم په سر کوی ددوی ښځی هم ددوی پشان پوستکی او خامتا اغوندی علاوه غټی ښځی ئی سپین د بیستی لوی لوی پټکی هم پسر کوی چه دورا پری هر ناشنا سړی د نارینه وگمان کوی په گانه کښ یوائی او گۍ په غاره اودزیړ و و خی په لاس کوی پیغلی جو نه ئی دسرو مشکنو امیلو نه هم په غاړه کوی اوپه غوږ ونو کښ غټی غټی مندری (کړی)اچوی نور څه نه پیږنی -

میلمه :

دوی د آشنا اوخاص میلمه سره مینه محبت ډیر کوی لکه چه پخوا مو وویل د خپل اصطلاحی خوراك نه په غیر میلمه ته خالص غوړی اوپنیر ور کوی . او له پنځه کسو څخه زیاتو میلمنو دپاره خامخا وزه حلا لوی اومیلما نه دننه کاله ته ننباسی . ښځی یی میلمنو ته ډوډی پخوی اونارینه یی نگولی (غوړی) اوپنیر را اخلی میلمه ته ئی په مخکښ زدی .

تبصره :

لکه چه وموویل ددوی ښځی د هقانی کوی اونرئی چوپانی کوی . دار نگه د خرڅو لو په وخت کښ نر په غله کښ اوښځی په غوړو کښ واك نشی کولی . یو دبل په کار کښ تشبث او مداخلت نه کوی هر یو د خپل د سترنج د نتیجی مالك دی نارینه د نگولی اوښځی دډوډی په ورکولو میلمه ته خپله پیر زو ښکاره کوی . عام او نااشنا میلمه ته چندان التفات نکوی .

« ودانی او معماران »

ددوی ودانۍ عموماً یوشان دی یوه لاندی کوټه چه دوی ورته « گوده » وائی اوپه سریې یوه دوه پوړه کله دری پوړه هم جوړوی چه هره کوټه یې دوه بشه څلور ستنی لری ددوی ودانۍ دمچیو د چك په ډول یو په بله پوری تړلی دنښتر و دلر گو څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

تیارې وی په لوړ وځایو نو اود ګړ نګو نو په سرونو یی کلی پراته دی دوی دپښتنو په ډول قلعه ګلانی او لو یی درواز ی نه لری دوی دمعماری د پاره مخصوص ا شخاص لو ی چه دوی ورته (باریان) وائی ـ دغه بار یان په دوی کښ ځانته طایفه ده چه ددوی ټول کارونه اهنګری، زر ګری، معماری، موچیګری، کولا لی اوهر رنګه فنی ضروریات اجرا کو ی ـ باریان ددوی مر یونه د ی هرسړی ځانله ځانله ځنې په څوتنه شریك یو باری لری چه خو ښه یی شی یو په بل یی خرڅولی هم شی اوددوی اولاد (لونه اوځامن) هم دځان د پاره خر څوی کله یی چاته بخښی .

دوی ته باریان په نظر کښ ډ یر سپك ورځی ډوډی ورسره یوځای نه خور ی په مجلس کښ یی د ځان سره نه پر یږ دی ، خورا ولور یی په نکا ح نه اخلی، لنډه داچه د عوا ملو اوچارپایانو په شان یی استعمالوی دوی چه په خپل مینځ کښ یو بل ته په قارشی دسختی کنځلی په ځای ورته دباری ځوی وا ئی .

تعلیم او تربیه

دوی په استثناد هغو کسا نوچه په مرکز یاپه نور وحکومتی دوایر و کښ یی ملاز مت کړی وی تعلیم اوتربیه هیڅ نه لری په اول داسلا م راوړلوورته سر کاری ملا امامان مقرر ووچه د نمانځه اواوداسه په ترتیب یی پویه ول په امانی عصرکښ ترهغه هم موقوف شو .

اوس په ځنی ځایو کښ اختیار ی ملا امامان لری چه وړوهلکانو ته یی ایله مونځ اواو د س ورښئی مګر صحیح او اصولی معلمان اومر بیان پکښ نشته له دی کبله یی تر اوسه پوری دانسانیت جنبه په حیوانیت باند کمزوری ده جهل اوناپو هی پکښ زیات مروج دی .

ژبه او الفاظ

ددوی ژبه نه ایوا ځی د نوروژبو نه بیله ده بلکه په خپل مینځ کښ هم د یوی علا قی خلك یی دبلی منطقی په ژبه نه پوهیږی مثلا د کامدیش او دوایګل ددری خلك یو د بل سره په خپلو ژ بو مفاهمه نشی کولی ـ دارنګه د پارون او دلغمان د کوهستانو یادواما کو اودکړ نګلیا نو په مینځ کښ د الفاظو او د لغاتو مناسبت هیڅ نشته دی دوی چه یو د بل سره په کوم ځای کښ مخامخ شی مفاهمه سره په پښتو یا په فارسی کوی او که د غه یی هم نه وی زده نو د چاړا ګانو په شان بی د اشارت یا د چپ کیناستو نه بل علاج نه لر ی : ـ

په دوی کښ د وایګل دری د ژ بی ځنی لغات چه ماته معلو م د ی د فارسی او د پښتو او دار دو او ځنی د انګلیسی سره د لهجی په لږ تفاوت څه نژدی والی هم لری چه زه یی

(c) ketabton.com: The Digital Library

لاندی یوخولغات د نمونی په ډول در ښیم : -

نورستانی	پښتو	فارسی	اردو ، پنجابی	انگلیسی
ایك	یو	یك	ایك	ون
دو	دوه	دو	دو	تو
تری	دری	سه	تین ، تریا	تری
چتا	څلور	چهار	چار	فور
پونچ	پنځه	پنج	پانچ	ییپ
شو	شپږ	شش	چه	سکس
سوت	اوه	هفت	سات ، ست	سیون
اشټ	اته	هشت	آټھ ، اټ	ایټ
نو	نه	نه	نو	نین
داش	لس	ده	دس	تین
نوذ	پوزه	بینی	ناك	نوذ
دوند	غاښ	دندان	دانت	توتھ
آنچ	سترګه	چشم	انکھ	آی
اوشټ	شونډه	لب	اوټ	لپ
جیپ	ژبه	زبان	جب	تنګ
کار	غوږ	گوش	کان	ایر
انګو	ګوته	انگشت	انګلی	فنګر
داس	لاس	دست	هاتھ	هینډ
نوچه	نوك	ناخن	.	نیل
واټ	ګټه	سنګ	واټ	ستون

د دوی په لهجه کښی د (غ) اود(خ) کلمی استعمال نشته د (غ) په ځای دوی عموماً ګاف (ګ) اود (خ) په ځای کاف (ك) استعمالوی مثلاً د غر می په ځای ګرمه او د غیرت په ځای ګیرت همدارنګه د خان په ځای کان ـ د خیر په ځای کیر دخور په ځای کور وائی هیڅکله دادواړه حر و ف په خپل مخرج کښی نشی ادا کولی دوی چه کله په پښتو ژ به تلفظ کوی همیشه (غ) او (خ)، په ګاف او په کاف بدلوی لکه وائی امدکانه‌په کیرراګلی اکپل پردی او ګوا بزی دی ټول جوړوو ؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسوم اوعادات

از دواج

د نو رستانیا نو په اصولو کښ د تره لور او دما مالور د خور په شان دی په نکاح یی نه اخلی همیشه د لری کورنیو خور اولور غواړی .

حاصل دادی په دوی کښ چه یوسړی غواړی چه د زوی یادورور دپاره کوڑ ده وکړی اول د چاخور یالور په زړه کښ وتاکی نو پخواله دی چه اظهار د خبری ورته وکړی یوښه لوی سیر لی (وز) د ځان سره روانه وی او د جینې د اولیا وکړه یی ورولی په ر موز او اشارت ورته خپل خواهش څکاره کو ی . که چر ی د جینې پلا ر ګنې دده خواهش قبلاوه بالفور به هغه سیرلی چه ده وروستلی وی حلا ل کړی اوخوکسه نژدی اقارب او خپلوان پری راټول کړی او د هغه وز ګوډی غوښی سر ه و خوری . دایی علا مه د ایجاب شو ه نورهیڅ نه وائی رخصتیزی د یوه کاله پور یاغلی وی ، اوکه چرته د جینې پلار ګنې دده ارزونه منله نوهغه دده مال نه حلا لوی ژوندی یی پرته ورسره کوی . ګویا داددده نا امیدی شوه په صورت د قبول کښ چه یو کال تیر شی نو دا سړ ی دوه لو ی سیر لی یا و هغه کاله ته ور و لی ا و خو کسه خپل دو ستا ن هم د ځان سر ه یا یی د ا پیر ه د خپل مطلب اظها ر په وضا حت سره کوی د جنئې پلا ر هم په ملاعیت سره دلور د سر قیمت (ولور) چه دوی ورته « دنیا » وائی معلوموی مثلا ددوی په اصطلاح زریادوه زره دنیا مقرره وی دغه زریا دوه زره ا گرچه دعدد درویه لزشی دی ځکه چه ددوی په حساب کښ زرخلور سوه ته وایی ، مګر په حقیقت کښ ددغه زرونه ډیرلوی شی جوړ یږی ځکه چه دوی په ورورکښ نقدی روپی نه اخلی ټولی غوا اوبزی اخلی اوهغه څنګه اخلی ؟ مثلا زردنیایی مقرر کړه په دی کښ تری نیمی غوا او نیمی بزی اخلی - چه دغوا ولوری قیمت اوه روپی اودبزی یوه روپی ده چه ددغو زرو روپو یازمونږ په حساب دخلور سوه روپیو کم دډیرش (۲۹) غوا او دوه سوه بزی شوی داچه اصلی قیمت ته واړوو ډیرلوی بارتری جوړ یږی. لنده داچه داسړی ورو ورو دغه مالونه که دکوره وی که دپوره ورپوره کو ی .

هرکله یی چه ټول ور ور سول نویا هله دواده تجویز کوی :

واده

داسړی چه واده کو ی دد وی په اصول به ارو مرو یونقرئی کټوری اویوه اوګی اویوه سور غاړی لونګی دجینې دپلار کره ورووړی :

(c) ketabton.com: The Digital Library

چه کتوری بیاځانله اخلی اونور شیونه دواده په وخت کښ لور له ورکوی ، یاد واده په ورځ دزوم دخوانه یوه دله ځوانی ځوانی بښځی اویوځو سړی دجینې (ناوی) دراوستلو دپاره ورځی دجینې پلار دطاقت په اندازه ځلوینت ؛ شپیته منه غنم زیات وکم نینی کوی اودغوزانو چغزی اومرغنې ورسره گډوی په گود وکښ یی اچوی هماغو جینکوته یی چه دزوم له خوا راغلی وی ورپه شا کوی چه دزوم کره یسی ویسی او هغه او گنې اوسور غاړی لونگی خپلی لور (ناوی) ته په غاړه اچوی په دی طور سره چه دلونگې یو سر د جینې په کینه اوزه واچوي اوبل سریی دښې تخرگ لاندی تیرکړی په بله اوزه یی راواړوی اوملاورله کلکه وټړی دښځو سره یی یوځای دزوم کاله ته رخصت کړی په لاری چه ځی هغه سړي چه ورسره وی لوبی ، سندری وائی اوډزی کوی او ناڅی خوچه دزوم کاله ته ورسیږي دزوم پلار گڼې خوښه چه طاقت لری غویان اوسیرلی حلا لوی دوه ورځی یادری ورځی خپلو کلیوالواو دنږدی کلو خپلوانو ته عمومی دعوت ورکوی اوهرځو شپی چه داد عوتونه جاری وی سم ورسره رقصونه او سندری په ډیره مستی او شور او شغب سره دنږو اودښځو له خوا اجرا کیږی .

کله ښځی او نارینه یوځای لاسو نه اچوی او ناڅا (اتن) جوړوی یوری هم په رقم رقم تماشی پکښ کیږی خوچه دعوتونه ختمشی یانوپه مسلمانی طور سره عقد دنکاح کوی .

داچه وشوه نوداجینې دیوکالو سره پوری یا دپلار کره نه ځی پس له یوکالو سره یاتگ راتگ جاری کوی .

په دوی کښ یوسړی دوه او دری ښځی هم کوی مگر هری ښځی ته حتماً بیله بیله کوته جوړوی دوه ښځی هیڅکله په یوه کوته کښ نه اوسی گډه وته هم بیله بیله کوی میړه یسی دهري یوی سره چه خوښ وه همیشه اوسی اودبلی کره کله کله یاپه نوبت ورځی .

دولادت رسوم او نوم اینښودل

دچاڅوی یالور چه پیداشی نوپه ابتداء کښ ورته زیږي ښځی چه ددوی دقابلو په جمع وی راغونډیږی او دتهنیت سندری ورته وائی په دی سندروکښ که هلك وی دپلار دخوانیکونه اوورنیکونه یی اوکه جینې وی دمور دخوانیا گانی یی ستائی اودهر یونوم او افعال یا نوی داوینا دها غه پوری نه ختمیږی چه څو طفل په تی رودلو شروع ونکړی - چه ورکوتی اول کرة تی واخست اوپه رودلو یی شروع وکړه گوری به چه دهغه ښځو په خوله کښ په دغه وخت کښ دچانوم اوستلینه شروع ده هرنوم چه دهغو په خوله وهغه ددی هلك یاجینې نوم شو- هم دایی عادت دی چه دوی په هلك دنیکونوله نومونو اوپه جنسی دنیا گانو دنومونو څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

یو نوم ږدی ددوی دنرو نومونه عموماً دادی ـ اسمیوك ـ سومیرا ـ ننگتا ـ راچکان ـ چودك ـ مالکرا . ایرادینگ ـ استان ـ چندلو ـ سانفیك ـ گوشرا ـ کلشوك ـ سامبار ـ جینشا ـ اودارنگه نور.

ددوی دارقم خپل رسمی نومونه دی مگر دپښتنو دتعارف دپاره ځنی کسان چه روی شناس وی ځانله نور دپښتنو په طرز نومونه هم ږدی لکه احمد کان ـ محمد گل ـ گل محمد ـ اونور لکه مخکښ موویلی ووچه دوی د(خ) اود(غ) دتلفظ نه عاجزه دی په نومو کښ هم دخان په ځای کان وائی لکه محمد کان ـ حبیب کان ، امیر کان ... هم داوجه ده چه ددوی مخاوی اوښکارند ویه اشخاص دوه دوه نومونه لری چه یویی خپل رسمی نوم دی اوبل یی د پښتو نوالی ، او عموم افراد یی هم هغه یواولنی نوم لری نور هیڅ :

دښځو نومونه یی دادی ـ سمری ـ بچیك ـ جیشی ـ پاتو ـ کتوری ـ واري ، زوری ـ اوداسی نور ـ :

دښځی یاد څښتن مرگ

که دسړی ښځه مړه شی نوداسړی دیو کاله پوری نه سرخروی اونه نوکونه پریکوی اونه دچا په رسمی دعوتو نو یا په قومی جرگو کښ شریکیږی تمام کال داقید ونه په ځان تیروی چه کال یی پوره شی نو بیا به له دغه قید ونو نه د ځان از ادو لو په نامه یوه مختصره حلا لکه (قربانی) وکی نوسر هله وخرئی اونو کونه واخلی .

دارنگه ښځه هم چه میړه یی مړ شی دکالو سره پوری سرنه وینځی ، سترگی نه تورو ی دچاو اده یا بل دخو شحا لئی مجلس له نه ور ځی اودخپلی پلار گنی کره هم نه ځی څو چه کال یی پوره شی نو بیا دڅښتن وارثان یی مختار دی چه خر څوی یی او که کوریی ساتی .

هیڅ ښځه دمړی ښځی لرگی نه سیزی

یوه ښځه چه مړه شی دهغی دلاس لرگی چه دذخیری دپاره یی انبار کړی اوپراته وی بله ښځه یی قطعاً نه سیزی ولی داورته پیغور ښکاری اونارینه هم پری غرض نه کوی دیر کلونه ځای په ځای پراته وی څوچه وراسته اوخاوری شی . په دی باره کښ مادیوه نورستانی اشنا نه پوښتنه وکړه چه په دی لرگو کښ څه عیب دی اوداڅه معنی لری چه نه یی سیزی ده راته په جواب کښ وویل چه هغه مړه ښځه بیا گیله کوی اومونږ ته پیغور را کوی چه زه مړه یم اوتاسوزما دلاس لرگی سیزی اوبله داچه مونږ ته دنیکونو اونیا گانو نه دادودیاتی شوی دی اوس تری مخالفت نه شو کولی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

طلاق یا ښځه خرڅول

دوی ته‌طلاق یاښځه خرڅول هیڅ عیب نه‌ښکاری هروخت‌چه‌یی‌ښځه خوښه نه‌شی یاتری له‌خپلی طبعی‌څخه مخالف یوحرکت او کردارحس کاندی‌فی‌الحال یی دمال په‌ډول په‌چاباندی خرڅوی اوچه په چاباندی یی خرڅه کړی هم‌دهغه اخستو نکی کړه یی تګ‌راتګ عیب نه‌ګڼی اوهمیشه ورکړه دخپلوی‌ـ په‌ډول تله راتله کوی بلکه هغه‌ته او ښی (خسربره) وایی یعنی داخپله سابقه ښځه اوس خور ګڼی اونوی میړه‌یی په‌دی نسبت سره او ښی شمیری . کله داسی هم وشی چه دوه تنه دخپلو ښځو نه راضی‌نه‌وی دواړه سره غوږونه نږدی کوی اوخپلی ښځی سره یو تربله بدلوی .

د ډ‌ری تجهیز

په‌دوی کښی چه کم مالدار او معتبر سړی مړشی دهغه تقدیر او مړثیه خوانی په‌دی ډول سره ادا کوی چه‌اول دغه مړی ته‌ښی فاخره جامی و اغوندی ملاوله وتړی هغه وسله چه ده په‌ژوند انه ګر ځولی وی هم ورپه غاړه کړی بیایی په‌لاسو نوکښی دژوندی په هیئت نیغ په‌کټ کښی کینوی او زړی ښځی چه‌په‌دی کار کښی مهارت او خصوصیت لری او هلته حاضری وی په‌خپله ژبه دی مخاطب کوی او دویر په لهجه سره ورته وایی چه‌ای فلانیه ! ته خوډیر نارینه توریالی اومړنی سړی‌وی په‌فلانی فلانی وخت کښی دی‌داسی داسی توری کړی وی اودومره ناری دی کړی‌ووته‌به‌چه هرخنګه مهم‌کارته ولاړاندی شوی په‌سربه‌دی‌رساوه هیڅرته ستادتوری اودپهلوانی ساری نه‌و تابه‌ویل چه‌زه په هرچا زور وریم ماته هیڅوك څه‌نشی ویلی او رشتیا هم دسی‌وه هرڅوك به‌ستانه ویریدل اوس په‌تاخه وشواوولی مړشوی داخپل کوراوبساط دی چاته پرښودل . پاځیزه ! پاځیزه یوځل خوپه‌دی خپل کاله کښی وګرځه ؟

سم‌ددی‌وینا سره یی خوکسه په‌لاسو نوکښی راجګ کړی او دکوتی په‌خلور وواړو ګوټونو کښی‌یی‌وګرځوی اوقسم‌قسم ستاینی اومخاطبی ورته دسندرو په‌ډول کوی خوچه‌دوی‌ښی‌سترې‌شی اویوه شپه اوورځ یازیات هم تیرشی په‌دی فرصت کښی دنورو کلو خلك چه راغونډیږی وی هم راورسی پخوا درسیدو چه‌لاپه‌لاری وی اوددی کلی خواته را نږدی شی‌دهر کلی خلك یعنی دراتلونکی میلمانه دټوپکو‌ډزی کوی او راغونډ یږی .

بیانودا مړی په‌تخته واچوی اوپه‌اسلامی‌دستورسره (څکه‌چه‌اوس‌مسلمانان دی) غسل‌او کفن ورکړی اوپه‌جنازه (کټ) کښی یی دکوره راوباسی په دغه وخت کښی هم‌دمړی په‌بام‌باندی هغه حاضرین‌چه‌هرڅوك‌وی‌دټوپکو باټ‌وچلوی(ډیری ډزی‌وکاندی)چه‌دی‌ـ کاله‌له پیریان را نشی نویاجنازه واخلی‌او قبر له‌یی‌ویسی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

دوی غونډه‌ادیره همنه‌لری هرځوك خپل مړی دهغه په خپله مځکه کښښخوی- هم په‌دغه ورځ ددی مړی په‌نامه ډیرمالونه (غوااوبزی) قربانی کوی اوغوښی یـی ځنی پخوی اوځنی اومی تقسیموی تقسیم‌یی هم‌دقومی منصب‌اورتبی په‌اندازه دی‌یعنی څوك‌چه‌ډیر مړنی او تورزن وی‌یایی خپل‌رسمی دعوتونه (چه‌یان یی‌وروسته کیږی)ډیرکړی وی‌هغه‌ته ډیره‌برخه ورکوی او څوك چه‌په منصب کښ‌کم وی یـابیخی پکښ نه‌وی شـامل هغه‌ته پخپله اندازه سره کمه برخه ورکوی حتی‌چه ډډیر غریب سړی پکښ نیم‌لیچی هم‌وونه رسی .

دایی دغوښو ناری (خیرات) دی اوډوډی- دټول کـلی خلـکوته د ننګـکو غوږو سره ورکوی . په‌دی قسم‌دمړی په‌ناری کښ‌دهر چـاطـاقت معتبردی ځنی‌سړی داوه و نه‌ترلسو یاد شلو پوری غویان اوخوچنده سیرلی حلال کړی ځنی‌ددی نه‌زیات یا کم .

پاس چه‌مونږ وویل چه‌دوی هرځوك خپل‌مړی دهغه‌په خپله مځکه کښ ښخوی دابښخول‌یی اوس اسلامی طریقه نیولی‌ده دکـفر په‌وخت کـښ به‌دوی مړی په‌یولوی صندوق کـښ اچاوه بیابه‌یی دیوه گران ترپه غاړه یاپه‌یوه سمځ کښ ایښبود ښخاوه به‌یی نه - اوخه غوښی اومیوی به‌یـی هم‌ورسره په‌یوه لوښی کـښ ایښبودلی لکه‌چه‌اوس هغه‌زاړه اووراسته شوی صندوقونه اودمړو هډو کی اوهغه لوښی چه‌دوی به‌ورته پکـښ غوښی اومیوی اینی‌وی په‌سمځو اوغاروتو کـښ‌خلـك مومی .

(جرگی مرکی اودجگړو فیصلی)

نورستانیان چه‌په هر کلی کـښ اوسی یلی یلی کورنۍ لری‌هره کـورنۍ دسړو په شمیر اودز یاتوالی په‌اندازه ځان معتبر‌ولی اودافراد وشخصی‌اهمیت‌یی هم‌دخپلـی کورنۍ او قبیلـی په مقام اواعتبار اویاد مال اوثروت په‌ډیر ښت‌پوری منحصردی ، هره کورنۍ اوقبیله ځـانته یومشر (رئیس) لری دغومشرانو چه‌هرټرون اوفیصله وکړه ټول‌یی منی .

که‌چیری په‌یوه کورنۍ کـښ کمه‌وډه(جزئی) جگړه‌پیښه‌شی هم‌دهغه‌خپلی کورنۍ رئیس یی ځانله‌فیصله کوی - اوکه معامله غټه(وخیمه)اومهمه وه‌نورمشران هم‌پسی راغونډیزی اوپه خپلو رسمی اصولوسره‌یی خلاصوی .

هرځوك‌چه‌پر اوملامته وی‌نوهغه اورومرویومال (چه‌دوی ورته‌په خپل رسم‌کښ « ډوک‌ل» وائی)دننواتی په‌ډول دهغه‌وډ (جانب‌مقابل غیرملامت) کړه‌یایی اوهلته یی‌حلالوی چه‌دجرگی مشرانی‌یی وخوری په‌دغو مجلس کـښ پردخپلی ملامتۍ عذراوپښیمانتیا ښکاره کوی او و ډورته عفو-کوی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تبصره

دامشران علاوه په پورته بیان هغه کسان دی چه ډیر مال اوثروت لری او کم ترکمه یی په رسمی دعوتونو سره (چه بیان یی وروستی راځی) افتخار حاصل کړی وی په دوی کښ ثروت اومالداری دهرڅه نه زیات اهمیت لری که یو سړی ډیر عاقل ، هښیار ، بهادر اوزړ ورهم وی خوچه په مال اومکنت کښ لاندی وی په قومی جرگو اومرکو کښ هیڅ نفوذ اواهمیت نه لری .

(قتل او زنا)

ددوی په خپلو رسمی اصولو کښ دقاتل وژل (قصاص) نشته خوک چه قتل و کړی جز ایی دغه ده چه قاتل دخپل کور وکلی څخه شړی ، هماغه مشران ورته په قدر دلزوم دجلا وطنی یوه معینه نیټه مقرر وی چه دومره کلونه به دی خپل کور وکلی ته نه راځی اودیت هم ورته مقرر وی !

داسړی چه فرار شی په بل کلی کښ اوسی نوره وسله هم نه گرځوی فقط یو وړ کوټی تبرگوټی (چه دده دجنایت علامه وی) په لاس کښ گرځوی ، دی هیڅکله خپل کاله ته نشی راتلی مگر که په غلا راشی ؟

هر کله چه نیټه یی پوره شی اودمړی دیت هم چه څومره مشرانو مقرر کړی وی دمړی ورثه وته ورسیږی نو بیا هغه رسمی « ډوکال » یعنی یولوی غوائی دجرگی سره ورولی چه د دواړو (قاتل اودمقتول دورثه و) صلح اومخ کید نه وشی .

دزنا په معامله کښ هم دوی څوک نه وژنی مگر دنزاع فیصله یی په دی صورت سره کیږی چه اول دزناکار درشلی اودکوټی ستنی په تبرگو وهی اوجغنډونه پکښ کوی چه دادده دشرم اوخجالت نخښه ده چه همیشه یی په لیدوسره خجالت وړی اوشرمیږی دد وی په قانون کښ هغه زانی هم دغه نخښی بیرته نشی ورانولی همدسی دډیری مودی پوری پاتی وی بیانو دزناکاری څښتن مختار دی چه په زناکار باندی خپله ښځه (زناکاره) تاوانوی په عوض کښ تری قیمت یادده خور اولور اخلی اوکه دقاتل په شان یی دکلی نه شړی په اخر کښ بیاد « ډوکال » په ور وستلو سره جوړه کوی .

دقرض اصول اومعاملات

په دوی کښ دنغد ورو پوقرض اومعامله ډیره نشته ټول معاملات یی په مالونو او په غوړو جاری دی دوی چه سږکال چاله یوه بزه قرض ورکی کال له تری دوه بزی اخلی اوکه یوه پیمانه غوړی ورکی بیا تری دوه پیمانی اخلی هغه بل سړی هم دخپلو اصولو منقادوی په ورکولو کښ یی ډیل او ډال نه کوی اونه پری خفه کیږی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

په‌دوی کښ‌دتلی‌اودکا نی رواج نشته دغورو اودهر اوبلن (مایع) شی دپاره یی دلر گی پیمانی په‌هره اندازه‌لوی اووړی‌ساتلی وی‌اودغلی اودنور واجناسو دپاره‌یی دلښتو ټو کری‌ په‌معینو انداز وسره تاکلی‌وی .

ددوی په مینځ کښ دمالونو دتبادل نرخ او نوا معلوم دی مثلا دلو ی غو ا ئی قیمت یی لس بزی او دښځی غوا اوه بزی معین نرخدی چه تجاوز تری نه کوی‌مگر دپښتنوسره په دغه نرخ نه چلیږ ی په روپو ور سره علیحده قیمت کو ی ، دوی دپښتنو سره هره معامله‌دپښتنوپه‌رواج‌کوی حتی‌چه دخور اولور خپلوی هم ور سره دپښتنو لې په‌دول کو ی ددوی‌خپل رسوم اوقومی معاملات هم په‌دوی پوری منحصردی .

اشنائی پا لل

دوی په‌اشنائی‌پاللو کښ ډیرمتانت لری مطلق محض پیژاندلی‌شوی سړی ته اشنا نه‌وائی دوی ته اشنا دورور په شان ښکاری .

دوی داشنائی عقد په‌دی دول کوی چه‌اول تراوله یوتن بنه خورب سیرلی (وزګوړ ی) دهغه بل‌کره‌ورولی‌هغه‌یی حلال‌کړی‌خوکسه نور خپلوان هم پکښ داشنا دعزت اوو قاره د پاره شامل کا ندی‌دسیرلی غوښی سره یوځای وخوری اودوی دواړه سره یوتربله غیږ‌په‌غیږ په شی‌اولا سوله‌سره ورکړی .

داددوی داشنا ئی عقدشه نویاچه تری هغه دسیرلی خاوند رخصتیږی دکور خاوند کم‌تر کمه یوه غواورکوی خه موده پس‌چه‌هغه بل ورکره ورشی هغه‌هم‌داسی عمل بلکه په‌ورکړوکښ خه تفوق لا کوی نودغه اشنائی ددو ی په مینځ کښ ډیر اعتبار لری په غم اوپه ښادی‌ کښ یو دبل سره‌لا س اړوی پـه‌هریوه چه‌خه‌غم یاښادی راشی بل‌ورسره‌خانځا جانی‌اومالی‌تاوان‌گالی.

که چرته کورونه یی سره جدا اوپه یلویلو علاقو کښ وی اوپه تاوده غم یاښادی باندی چه‌دکم یوه په کا له کښ‌پیښ‌شی هغه بل‌زر خبر نشی نووروسته یاهرکله چه خبرشه یـو سیرلی یاغوایی‌دتعزیت په‌نامه ورولی مدعاتش‌لاس هیڅکله‌نه‌ورځی نورهم په‌گرانو او مهمو کارو نو کښ سره یوتربله ډیرمعاونتونه کوی .

حمایتی پلا ر

په دوی که حمایتی پلارهم‌لوی اهمیت لری که چری د یوه سړی دلا سه کم لوی جنایت وشی چه دی د هغه په مجازات کښ په خپل مرګ و پریږی اودی په خپله موقع د چاپه کا له ورننوځی او د کا له د خاوند په تی باندی ناڅاپی چه هغه خبرنه وی خوله کښږ دی نوهغه دده حمایته پلارشه او دی یی ځوی شه اګرچه دده خپل دشمن وی هم پس ددی دده حمایت په هغه فرض شه نه‌ورسره پخپله بد کوی او نه‌یی بل چاته خوشی کوی چه بد ورسره وکړی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرخوك چه دده بدوته اختیار کوی هم داحامی پلار ورته په سراوپه مال ولادوی دده په سرکښ خپل سرورکوی ددوی په اوصافوکښ دایولوی صفت دی چه بی‌اعتباری اوبی پتی ورته دپر بدکارښکاری هیڅکله د بی‌اعتباری پښورځانته نه جوړوی .

که چری یوسړی په دارنګه بی اعتباری(چه خوك دده په تی خوله کښږدی او دی‌پی پوره حمایت ونکړی) منسوب شی همیشه ورته خلك پښورکوی اوهرچاته سپك سیاه‌ښکاری ښځی‌اونرورته لاړی توکی خاوری ایری پسی بادوی .

رسمی د عوتونه

۱ د شیروار ناری :

مونږه مخکښ ویلی ووچه دوی د شودو دلوشلو او شر بلوکارونه پخپله کوی نو اوس په کارده چه په دغه باب کښ یوځه تفصیل وکړو :

دوی په اوږی کښ چه د شودو د ډیروالی وخت وی شل‌شل اودیرش دیرش تنه زیاتو کم خپل مالونه (غوا او بزی) په یوه ځای کښ بانده (دیره) کوی اود هر یوه‌شوده چه هرخومره وی د معلومی اندازی په پیمانه معلوموی او د یوی مقررکړی نیتی پوری‌دغه ټول شوده روزمره یوه تن له ورکوی چه هغه‌یی ځانله خه شاریی اوخه پنیرکوی د ی فعل ته دوی «شیروار» وایی هرکله چه د دغه اول‌سړی د شیروارنوبت خلاص شی نودی مجبوردی چه هغه ټولو باندې والوته یورسمی دعوت ورکړی چه هغه ته «دشیروار ناری» وایی په دغه ناری کښ ددی باندې والوښځی هم د شمولیت حق لری چه په د غه کښ فقط غوږی او پنیر خوړل کیږی قربانی اوحلا لکه پکښ نه وی .

چه دعوت تمام شی هرخوغوږی او پنیر چه په دی شیرواوکښ دده شوی وی په غړکو اوکجاوو کښ یی اچوی ښځوته یی په شاکوی اوکورته یی وړی .

بیا د شیروار نو بت بل اخلی هغه هم دارنګه خپل وار پوره کوی یا یی بل ، همدارنګه یو په‌بل پسی چه خوټول خپل وارونه خلاص کړی .

په دی شیروار کښ د اولیت حق د شودو په زیاتوالی پوری مربوط دی د هرچاشوده چه زیات وی هغه لمړی او زیاته موده نو بت اخلی او د چاشوده چه لږ خه کم وی د هغه وار په‌هغه لمړنی پسی وروسته اوده د شودو په حساب خه وخلی کم وی هم په دی ترتیب سره چه د چاشوده له ټولوخخه لږوی هغه له ټولونه وروستی اوکم نوبت اخلی په‌دی دستور سره همیشه عادلانه رفتارکوی چه یو بل ته پکښ علاوه نقص او تفاوت نه رسیږی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ : بلیزر (کالوسری ناری:)

د شیر وار د ناری نه غیر د دوی یو بل کالو سری ناری دی چه په کال کښې یې یو وار اجرا کوی او دوی ورته پخپله ژبه « بلیزر » وائی په دغه دعوت کښې ټول دباندی خلك شریك مصرف کوی قربانی هم پکښې کیږی ښځی اونر پکښې ټول جمع کیږی د طعام خوړلو نه ورسته نارینه اوښځی پاڅیږی لاس ترلاسه نیسی اوخپله مخصوصه نڅا (اتن) په ډیره مستۍ اوحرارت سره کوی ددوی په عقیده کښې که چری دا « بلیزر » ونه کاندی ټول مالونه یی مړه کیږی اوهلا کیږی .

په دی دعوت کښې دوی له پښتنو څخه احتراز کوی دځان سره یی نه پریږدی اوکه چری کوم شپون پښتون پکښې ناخبره پیښ شی هغه ښځی چه دنڅا دپاره غونډی شوی دی په دی پښتانه باندی هندوخر جوړوی اوټولی جامی تری څیروی په ټوقواوپه خندا کښې یی په سو کښې نو اوپه څپیړوشین سابه کوی څوچه تری په تیښته یادکم اشنا په حمایت ځان خلاص کړی .

۳ : مالبار (لوی ناری)

مالبار چه ددوی لوی اوافتخاری دعوت دی هرڅوك چه ډیرمالونه اوزیات ثروت لری اوغواړی چه ځانته په قوم کښې فخراوسرلوئی حاصله کړی نودغه مالبار (لوی ناری) کوی په دی مالبار کښې اگرکه ټول مال اودولت یی صرف شی اودمفلسی نه دپولی ټك ته کینی دده دپاره ډیر فواید اوافتخارات هم حاصلیږی .

الف . ده ته ددی مالبار په سبب دجیښت (کلانتر) لقب ورکاوه شی .

ب : دی دنوروغټانو جیشانو اومشرانو په ډله کښې په کټکی (چوکی) باندی . دکیناستلو جواز مومی هم داوجه ده چه دهغه نژدی کلو پښتانه ددوی دی دعوت ته دکټکی ناری وائی ځکه په غیر دهاغه چاچه مالباریی کړی وی بل څوك ددوی په رسمی دعوت کښې په کټکی نشی کیناستلی .

ج : داسړی پس له دی نه تمام عمر په رسمی ناریو (دعوتونو) کښې دغوښو له تقسیمه لویه برخه وړی په سرله دی هم که چادوه یادری مالبارونه کړی ووهغه دوه اودری برخی اخلی .

د : داسړی به دنڅاپه وخت کښې دنوروغټانو په ډله کښې سرحلقه وی اوپه لمړی صف کښې به ځای نیسی .

ه : دی همیشه په قومی جرگو اودمنازعی په فیصلو کښې لکه چه مخکښې مو ویلی وودشمولیت حق لری .

دمالبار دکولو صورت

داسړی چه مالبار کوی اول به خپل دنژدوکلو خلك په عمومی صورت سره خبروی اووخت

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورته‌ښیئی چه‌په‌هغه تاکلی وخت به‌ټول ځان حاضر وی .

بیانوکم ترکمه شل دبرش‌غویان‌اوپنځوس شپیته غټ سپرلی‌راولی‌اود خپل کلی‌خلك چه ټول دخدمت دپاره ملاتړی تیارولاړدی داغویان اوسپرلی‌په یوه‌ځای متصل یویو حلالوی‌چه دټولو وینی دبهیندی ولی په‌شان په‌کوځکښ وبهیزی اودیر خلك‌یی تماشی‌ته ودریزی بیانو داغوښیی دوه تقسیمه کوی یوبرخه اومه پریږدی اوبله برخه اومغړنه غوند پخوی اوهمیی څو خرو اره دکفایت په‌اندازه غټی‌وریجی دگدنوسره‌گډوی کړی‌وی اوپخوی‌یی دغنمودودی- علیحده په‌تبې گانو باند پخیږی .

دغوښو خدمت اوپخلی نارینه اودډودی اودوریجو پخلی دټول کلی ښځی‌کوی - اوپه‌لویو لویودشوکانو په‌خمانو کښ‌یی (چه‌دوی ورته «کروان» وائی) یوخروارزیاتوکم غوړی ویلی کړی‌تیار پراته‌وی - پنیرونه یی هم‌تیار اینبودلی وی‌دنوروکلو میلمانه چه‌راور سیزی دسپاداته وبجو څخه دشپی ددو لسو بجو پوری ډوډی ورکول جاری وی .

د ډوډی خوړلو تنظیم

جیشتان (کلانتران) یی‌په مخصوص ځای‌کښ په‌کټکو باند کینی اودهرخلور کسو مینځ کښ یووړکی میزچه‌دوی ورته «پاشپه» وائی‌پروت‌وی یوښانکی وریجی دیوی‌توتی پنیر سره‌په هره پاشپه باندی زدی - اوعموم خلك په مخکه کینی هغوته هم په خلور خلور کسه ښانکی زدی دپاسه غوړی پسی په خاورینو کوزو کښ راوړی‌اودوریجو په ښانکو کښ یی هری پینډی ته اړوی دوی قلار ناست وی په خوراك شروع نه کوی څوچه ټولو ناستو خلکو ته ښانکی اوغوړی توزیع شی‌یا یو مخصوص شپیلی (اشپلاق) چه په‌حقیقت کښ ډډوډی- خوړولو ترنګ دی‌وشی سم ددغه - شپیلی سره ټول په خوړلو شروع کوی .

اوناظران ورته دغوړو کوزی په لاس گرځی چه چاته څه کمبود کوی بیحسا به یی ورته اړوی هم‌په دغه حال کښ دپخو غو ښوویش پسی را شروع کیږی دغوښوویش گرندی (قاسم) ناست وی اوډډه یو نماینده په خلکو کښ ولاړ وی اوله خیلمی شروع دجیشتانو له خوا کوی دیوه‌تن نوم اودهغه‌دپلار اودکلی نوم اخلی - ویشگرندی ته که دهغه رتبه اور سمی لیاقت معلوم وی خوښه ! اوکه نه وی دنورو معاونینو څخه پوښتنه کوی‌دهغه په مناسب برخه ور لیږی په‌دی ترتیب سره څوچه دپخوغو ښوویش خلا صیږی ډوډی هم خو ډل شوی وی لوښی تری پورته کړی اودوی لاناست وی چه سم پسی داو مو غوښو تقسیم شروع شی اومی غوښی هم په دغه ترتیب دنامه په‌اخیستو تقسیم کاندی . لکه چه‌مخکښ‌مو ویلی ودجیشتانو برخی غټی اوزیاتی وی حتی چه دچانیم غوایی دچاپوره غوایی‌ورسیزی او دنورو خلکو هم په خپله اندازه کمی‌زیاتی

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخی ورسی - بار یانوته یی ایو اځی لری اوکلمی مقرر دی. پدی دول دهر کلی خلکوته په رون ، رون دودی او خپلی برخی رسوی په اخر کښ خپل کلی هم پسی دارنگه سر ته ورسوی دامیلمستیا تردری ورځو پوری هم اوزده کیږی په دی ورځو کښ دوی ټول دمسا بقی په دول خپل قومی ناڅ اوسرو دونه کوی په دی ناڅ کښ دوی خپل زور ، قوت ، شهامت او تهور ښکاره کوی دنا څ په حالت کښ هره یوه په یوه لا س کښ وښکلی توره اوبه بل لاس کښ ټوپك نیولی وی شل یاد یرش کسه یو ځای حلقه شوی چا پیر په غر ب او غروب اوبه عجیبه طرز چه ددی فن دپا ره یی مخصوص بولی یوقدم وروا وبل په زوره زدی په یوه خوا اوبله خوا توره اوټوپك بربښوی او گرځی یاد میدان مینځ له په یو ځل راځی په ز ور اوهو ، هو سره قدمونه په مځکه وهی اویرته لرپوځی اوبه عین دغه جوش او خرو ش کښ یوځل دټوپکو خولی اسمان ته نیسی هرځو ټو پك چه وی یو ځای یی د « اوربل » په او از خلا صوی چه دې یرو د زو په غږهار دحاضر ینو په تخیل کښ ځمکه او اسمان لرزیږی په دی ناڅ اوا تن کښ کله سره ښځی اونریوځای لاسونه اچوی دخارجی « ډانس » په دول شریکه ناڅا اومستی کوی.

هرکله چه داهرڅه تمام شی او مالبارختم شی اوس نودلری کلا ومیلمانه رخصتیږی هریو خپلی دغوښتو برخی چه په ویښ کښ یی ر سیدلی وی په کجاوو کښ اچهو ی او د تللو په تکل راپاڅی .

دمالبار خاوند په دغه وخت کښ کلی په کلی ژوندی مالونه په د وی تقسیموی چه دځان سره یی هرځوك خپلو کلوته بوځی نظر دکلی لویوالی اوورکو ټو الی ته دهر کلی برخه دیوه غوائی نه تر څلورو پنځه وپوری کښږی ځنی کلی چه دیونیم یا ددوه نیمو غو یانو استحقاق لری یعنی کسر پکښ راځی هغه ته دنیم (کسر) په عوض دقیمت له ځی سپرلی ور کوی. په دی مالبارکښ به یی پخوا (دکفر په زمانه کښ) شراب هم استعمالول چه عموماً به یی په نقرئی کټورو کښ څکل مکراوس چه مسلمانان دی په فحوا د ظن المومنین خیرا « پری دغه گمان نه شو کولی » .

ددوی انتظام اوبه ترتیب کارونه لکه چه پور ته بیان شو که څوك ښه فکرو کړی دتحسین اودتعجب وړدی .

اقتصاد

دوی په هرشی کښ داقتصاد په لاری ډیر ښه چلیږی په خوراك او په ټو لو کار ونو کښ میانه روی کوی هیڅکله بی اندازی خوراك هم نه کوی په کاله کښ چه هر څوکسه وی دافرادو په عدد سره یوه میچی دودی- پخوی هغه هم دلوی دپاره لوبه اودور کوټی دپاره ورکوټی دودی- پخوی دوی هیڅکله داسی نه کوی چه په کاله کښ پنځه کسه وی اودوی شپږ دو دی- پخی کړی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اکثر اوقات خصوصاً په‌بانډو کښ ډیری ورځی بی له‌ډوډۍ هم ساعت تیر وی یوا ځی په شلومبو خکلو اکتفا اوقناعت کوی .

همدارنګه دمالداری په‌څر ځای اوورشو کښ داقتصاد دلاری څه تجاوز نه کوی هیڅه ددوی غږونه اوور شو ګانی دمال څرولو دپاره په‌ټول کال کښ یو معلوم معیار لری ددوی غږونه دکال په‌دو لسو میاشتوتقسیم دی مثلاً دحمل په‌میاشت کښ یی یوطرف د څرپاره مقرر کړی وی په ټورکښ یی بل طرف ،په جوزا کښ بل‌طرف . . . تراخره پوری .

په هرځای کښ چه دوی په یوه وخت کښ مال څروی ـ هغه نوری ور شو ګانی محفوظی ساتی‌مالونه نه‌ورپرېږدی چه خرپکښ وکړی ـ تریوی اندازی پوری یی پری یوه جریمه هم مقرر کړی وی چه دوی ورته « ناغه » وائی ـ که څوك پخواله معلومی نیټی نه په بله ورشوکښ مال وخروی ټول اولس پسی رائځی اوهغه مقرره ناغه (جرمانه) تری آخلی .

دارنګه دوی په هرشی کښ داقتصاد مسئله دنظر لاندنیسی په هیڅ وقت کښ مسرفانه رفتار نه کوی .

خاتمه

دنورستان دخلکو قومی دو دونه او عادات دغه ووچه دیوی اندازی پوری می‌په دی مقاله کښ په مختصر ډول سره ولیکل په خاتمه کښ غواړم چه ددوی اسلامی عقاید او اعمال هم داجمال په صورت ولیکم .

دوی اوس عموماً مسلمانان اودخدای پاك په وحدانیت قایله دی هرڅوك‌چه وګړه‌یی که هرڅو وحشی اوغږ څنی هم وی خدای له شریك نه پیدا کوی . په دوی کښ څنی اشخاص دیردیندار او په مسلمانی کلك هم پیدا کیږی چه په اسلامی ، مذهبی شرایطو باندی پوره اقدام لری په رمضان کښ روژی نیسی مونځونه هم کوی .

« حکایت »

دوایګل دری په کنډ کلی‌کښ زمایو اشناوچه ملاامیر محمد نوم یی لاره دی دامیر شهید په وخت کښ غلام بچه وزیات عمریی په کابل کښ تیر کړی وده د خپلی غلام بچه ګی په موده کښ فارسی اوعربی دینیات لوستی وودسلوك‌په کتابونو کښ یی هم شغل کړی‌و . یاچه دنوکری نه موقوف شه په وطن کښ یی دتقوی اوپرهیزګاری لارونیوله هغه خپل رسوم چه په دده قوم کول ده به ورته وعظ اونصیحت کاوه او ورته ویل به‌یی‌چه دازمونږ پخوانی رسوم په اسلام کښ نه دی روا تاسی یی پریږدی مګردوی‌دده خبره نه منله‌حتی‌چه دده خپل پلار اوښځی یی هم دده نه مخالفت کاوه اخردی ناعلاج شه خومودی تری دپښتنو کلوته

(c) ketabton.com: The Digital Library



رسم آقای عبد الرب خان متعلم مکتب صنائع نقبه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هجرت وکه - یاچه دی مړکیده لا - ناجوړو دنودی کلوپښتا نه علما اوخپل اشنایان یی‌وغوښتل اوهغه ته یی وصیت وکړ چه زماجنازه اوتکفین تجهیز به تاسو په خپل لاس کوی- زما خپل قام څه چه لاپلار او وروړ به می هم ماته نه را پر یږدی- چه خپل رسوم را باند جاری کړی . یاهم داسی وشوه چه دی مړشه تکفین اوتجهیز یی پښتنو په ښه طور سره وکړل اودجمات یو څنګ کښی یی ښخ که .

داوریدوله قراره دکامدیش اودکانتوزو خلك عموماً داسلامی دین په طرف ډیر متوجه دی حتی چه طالبان یی هم په علم‌دین پسی پښاور اونورو داخلی ځایونو ته مسافر شوی‌دی . ځای په ځای یکښی اوس ملایان هم پیدا کیږی - مګرځنی نورچه دناپوهی په سبب یی لاپو ره په شرعی او امرو اونواهیو باند علم‌نه دی رسیدلی اوبل داچه دمسلمانیدلو موده یی هم‌ډیره نه ده شوی بعض کارونه ترمخالف دشریعته صادر یږی‌امیددی‌چه دغه نقایص به یی‌هم ورو ورو رفع شی .



(c) ketabton.com: The Digital Library

تربیهٔ روحیهٔ اطفال در فامیل



نگارندهٔ مقاله : محمد قدیر خان « تره کی » مدیر صحافت و مهتمم سالنامه

علمای روحیات روحیات بشری را در تحت سه عنوان عمده مطالعه میکنند از قبیل : حیات ذهنی ، حیات حسی و حیات عملی اما مادرین مقاله برحسب احتیاج محیط و اینکه تمام آنهارا دریك مقالهٔ مختصر گنجاندن امکان نداردیك فصل مهمترین آن را که عبارت از حیات ذهنی باشد مطالعه میکنیم زیرا به عقیدهٔ من یك جامعهٔ که تازه وارد حیات علمی وزندگانی معاصر شده احتیاج زیادی به فضائل روحی ومعنوی دارد و ازین جهته این صفحهٔ روحی را مهمتر از تمام صفحات دیگر میدانم واین است که بصورت اختصار اولا بحث مختصری درماهیت پسیکولوژی هرکدامی از عناوین این باب نموده سپس طریقهٔ تربیهٔ آن را تاحدیکه از دست ما پوره است و مواخذ و مدارك ما کفایت میکند خاطر نشان نموده واضح خواهیم کرد که چطور و بچه صورت میتوان فضائل روحی را در نهاد اطفال تنمیه و تقویه نمود ؟

حیات ذهنی :

وقتی نامی از ذهن برده میشود دفعتهً بفکرانسان خطور میکند ذهن چیست ؟

عالم روحیات فرانسوی (آرابو) ذهن را « قوهٔ فهمیدن وشناختن » میگوید زیرا درنظر او تمام حادثاتیکه روح مائل است آن را درك کند ، ادراکات صور وخیالات وافکار تماماً مستند به ذهن است . عالم تربیه ومتخصص روحیات اطفال تورك‌بای ابراهیم علاءالدین مینویسد:

مبداء حیات ذهنی وحتی منشاء تمام حیات روحیه احساسات است وهمان طوریکه روحیون میگویند اگرچه روح یك جوهر یست که میتواند بخارج ضیا نشر بدهد معهذا برای اینکه بتواند بخارج اختلاط بنماید ورابطهٔ باآن پیدا کند محتاج باحساسات است اما به عقیدهٔ احساسیون احساسات شرط یگانهٔ حیات روحی است زیرا بوسیلهٔ همین احساسات است که روح میتواند از خارج اطلاع بگیرد وبخارج اجرای تاثیر بنماید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

حواس وتقسیمات آن :

ازقدیم باین‌طرف حواس ظاهری راپنج چیز دانسته‌اندوعلمای معاصرهم درکتب روحیات‌همین پنج‌قسم راپذیرفته میباشند واین پنج حس ظاهری عبارت است از: حس شنوائی ، حس بینا ئی حس بوئیدن ، حس چشیدن ، حس‌لمس .

اینك مابذریعهٔ این پنج حواس ازاشیای خارجی اطلا ع میگیریم وبماهیت آن هاتا حدیکه حواس ماترجمانی کرده میتواند مطلع می‌شویم واین اطلاع ودرك هویت وماهیت اشیا را که بذریعهٔ حواس ممکن می‌شود علمای روحیات ادراك میگویند و ادراك نخستین مرحلهٔ عملیهٔ ذهن است که‌پس از احساس اشیای خارجی صورت میگیرد .

ادراك :

ابراهیم‌علاءالدین میگوید : « ادراكPerceptionعبارت ازامتزاج‌خیالات مابا احساسات میباشد » .

ادراك دراطفال نسبت به‌اشخاص مسن بسیار ناقص است واز همین جهة است‌که طفل‌هیچگاه نمی تواند مثل‌یك شخص‌مسن دربارهٔ یك چیزمحا کمه بنماید وعلت آن‌این است‌که‌اوسابقاً باهمان چیز بر نخورده ودراطراف آن تجربه ندارد شمامی بینید که‌اطفال اگر یك‌پارچه آتشی راهم به‌بینند فوراً میل میکنند آن‌را بدست خود بگیرند واحیاناً بدهن فروبرند واگر روزی دراثر این بی اطلاعی دست‌اوبسوزد روزدیگر بآن عمل خود اقدام نمی کند .

ادراك یکی ازمسائل مهمهٔ روحیات است وعلمای تربیه ومتخصصین اطفال دربارهٔ تر بیهٔ ادراك درطفل بسیار مشغول شده دساتیر ذیل رامیدهند :

باید در تربیهٔ ادراك به تربیهٔ حواس هم متوجه شد زیرا چون حواس منشأ ادرا ك است پس در صورتیکه حواس تربیه نگردد تربیهٔ ادراك هم امکان ندارد و تربیهٔ حواس این است که باید هر حاسه را تا درجهٔ تربیه کرده قوة داد که همان حا سه بتوا ند باندازهٔ که درفطرة اوامکان دارد اشیای خارجی رااحساس نماید وباید زیاده تربه حواسیکه جنبهٔ معنویت آن بیش میباشد اعتنا نمود وآن ها عبارت اند ازحواس سمعی ، بصری ، لمسی.

طفل را باید معتاد نمود تابسوی اشیا ئیکه نظر میکند متوجه باشد اشیارا به هیئت عمومیهٔ آن مو رد مطالعه قرار ندهد زیرا اگر بسوی چند چیزیکه بصورت پراگنده ومتفرق دریك جا افتاده باشد نظر کند وبهمهٔ آنها بخواهد یك بار علم بیاورد امکان ندارد واین را شعور خفی میگویند بعضی ها که ادراك بصری ایشان درست تربیه نشده وازین ناحیه ضعیف اند بسا دیده میشود که آنها اگر دربازاری میروند یا در با غی گردش کرده بر میگر دند اگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازاوشان سوال شود که فلان وفلان چیز را دیدید آن ها جواب نفی میدهند در حالیکه دیده اند پس این چیست؟ این یك نوع نقصان تربیهٔ ادراك بصری است که از طفولیت به تمرکز نظر یك یك چیز عادی نگردیده درسنین مابعد این نقیصه بدرجهٔ رسیده که شعور بصری ایشان را کاملاً خفی نموده است .

همچنان است ادراك سمعی چه کسا نیکه ازخوردی عادت نکرده اند همیشه گوش خودرا به شنیدن اصوات معینی وا دارند ودائماً گوش ایشان متوجه هر گونه اصوات در آن بسیط (یعنی دریك آن واحد) بوده است رفته رفته ازتمرکز دادن گوش یك امر محروم گردیده اند مثلاً بسیار دیده میشود که اگر درمجلسی اشخاص حرف بزنند شخصیکه باین نقصان حاسه مبتلا باشد نمیتواند فکر، مطالعه وحتی نماز بخواند زیرا چون گوش او عادی باستماع هرگونه آواز (بدون ارا ده) میباشد صدای دیگر ان اورا از کار میماند اما کسانیکه بر خلاف این اشخاص میباشند و گوش آنها مستعد تمرکز است اگر در یك از دحام زیادی باشندکه قیل وقال آن به مسافهٔ دوری هم برسد مقتدر به مطالعه وتفکر میباشندعلت آن واضح است چه وقتی این اشخاص فکرخودرامتوجه به کاری نمودند. گوش آن هاهم چون تابع ارادهٔ ایشان است دران مدت ازاستماع صداهای دیگرباز میماندمیگویند کانت فیلسوف آلمان و قتی مشغول تفکر میبود نه چشم اوچیزی را میدید ونه گوش اومی شنید وتمام موجودیت او درهمان یك نقطه متمرکز میبود .

بایدوالدین همان طوریکه اولادخودرا دوست دارند ایشانرا ازعجزوعدم اقتدار حواس کهدر آتیه سبب بسانا کامی شان میگردد نگه دارند وآن باین صورت ممکن است که اطفال رابه دیدن و شنیدن و . . . اشیای معین وواحدی معتاد نمود تادر آینده حواس شان زیرا را ده وادارهٔ آن ها باشدوباین سبب ادراك ارادی وصحیح بنمایند وبدرك حقیقت موفق گردند .

انسان مخلوقی است کهزیادهتر مستند بهتجارب قدیمهٔ خود بوده ازان تجارب خویش برای حیات آتیه استفاده ها مینماید وازینجا است کهیکی ازعلما میگوید : حیوانات یك بار وانسان دوبار متولد میشود کهتولد ثانوی آن ها همانا اخذتجربه ازمحیط وتغیر هویت اومیباشد که گویا بعد از اخذ تجربه یك بار دیگر بازبدنیا می آید.

چون تجربه مولود حافظه است ودر تجربهٔ رول حافظه بسیار بزرگ میباشد ازین جهته باید دربارهٔ حافظه وتربیهٔ آن بحث کرد .

حافظه :

حافظه درحیات ذهنیهٔ انسان خدمت مهمی مینماید چنانچه پاسکال میگوید : « حافظه برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

تمام عملیات نفس ناطقه الزام است» .

حافظه ملکه ایست که بذریعهٔ آن انسان میتواند ازادراکات قبل خود استفاده کند که اگر حافظه نمی بود طبیعی بود که تمام ادراکات ما در همان دقیقهٔ که واقع میشد محو میگردید وبعد ازان ما نمی توانستیم حتی راجع به یك دقیقه قبل خود هم خاطرهٔ داشته باشیم.

انواع حافظ ها:

از نقطهٔ نظر شکل میتوان حافظه را به اشکال مختلفی تصنیف کرد اولاً میتوان حافظه‌را به دونوع مثل حافظهٔ طوعی وحافظهٔ ارادی تقسیم‌نمود که حافظهٔ طوعی عبارت از حافظه‌ایست که حادثات قدیمهٔ روحی‌خود بخود بخاطربیاید واگر خواسته‌شود حوادث قدیمهٔ روحی بواسطهٔ صرف زحمت وتفکر بخاطر آورده شود آن را حافظهٔ ارادی میگویند.

طفل در هفته های اولیهٔ ولادت خود نمی تواند صورت های خارجیه را بحافظهٔ خود بسپارد زیرا هنوز تشکلات دماغیهٔ او مستعد اخذ وقبول آن نمیباشد ولی درماه های دوم وسوم ولادت چون میتواند مادریادایه وپرستاران دیگرخود را بشناسدلذا میتوان گفت که اودران مرحلهٔ حیات (دوماهه یا سه‌ماهه گی) مستعد حفظ خیالات وادراك خود گردیده است واینك ازهمین وقت باید درتربیهٔ حافظهٔ او اهتمام نمود .

حافظه‌وتربیهٔ آن :

هر قدر طفل سناً پیش میرود بهمان اندازه دماغ او برای حفظ مدرکات وانطباعات مقتدرتر میگردد وبرای اینکه دماغ او معتاد به یك نظام‌مخصوصی درحفظ محسوسات گرددباید تدابیر آتیه را که بای ابراهیم علاءالدین برای‌تربیهٔ حافظهٔ اطفال سفارش نموده درنظرگرفت:

۱:ـ بچیزی که میخواهید آن‌چیز رادر حافظهٔ اطفال جا گزین نمائید سعی‌کنید دقت‌اطفال دران باره جلب گردد زیرا بهر اندازهٔ که یك چیز جالب دقت انسان واقع گردد همان چیز بهمان اندازه درحافظه‌محکم تر جاگیر می شود .

۲:ـباید دربین معلومات قدیمه وجدیدهٔ اطفال مناسبت ها و اتصال هائیکه که یکی آن‌سبب جلب وتخطر دیگری شود پیدا کرد مثلاً اگر روزی اطفال درمقابل برف قرار گیرد وازان منظره متأثر گردد وروز دیگر هجوم وگردش ابرهای تندی را در فضا مشاهده نماید باید باوگفت که این ابر باآن برفیکه زمستان دیده بودی مناسبتی دارد وحتی در صورت لزوم وتناسب استعداداو ازمسائل‌جوی وتکون برف وصورت تبدل آن به‌باران ـ هم‌صحبت کرد.

عین همین عمل را درتمام ادراکات ومحسوسات او باید تکرار نمود تا مناسبت های بین اشیا

(c) ketabton.com: The Digital Library

را شناخته وباین وسیله ذهن معتادگردد که همیشه ازعلت به معلول و ازمعلول به علت منتقل شود .

۳ : ـ باید اطفال را مجبور کنید تا دربارهٔ مدرکات و محفوظات خود دائماً مشغول باشند وتجاربی دران باره نموده مسائلی را که مربوط بآن‌ها باشد مثل وظائف خانه گی اطفال که از مکتب بآن ها داده می‌شود حل کنند .

٤ : ـ همیشه باید در وقایهٔ محفوظات مهمهٔ اطفال برعلیه نسیان آن ها مجادله کنید تا از یك طرف محفوظات شان ازدست نرود وازطرف دیگر دماغ شان برای حفظ معتاد گردد .

این بود مواد اربعهٔ که اکثری از علمای روحیات و تربیه در زمنیهٔ تربیهٔ حافظهٔ اطفال سفارش میکنند .

قراریکه میگویند بهترین وسیلهٔ که اشیارا باشخاص ، یااطفال میتوان حفظ کرد این است که بایدحفظ کنند گان را باشیاء محفوظه علاقه‌مند سازید زیرا حافظه هم یك نوع عملیهٔ انتخاب دارد و بهر چیزیکه علاقه مند شود آن را حفظ وچیزی را که مطبوع نداند از دماغ خارج میکند پس باید بهرچیزیکه خوب باشد ومیخواهید آن را تاتمام ادوار حیات درحافظهٔ طفل خود بسپارید اورا بآن چیز علاقه مند نمائید .

تداعی افکار : (۱)

تداعی افکار یکی از قوانین اصلیهٔ روح است ومعنی آن تسلسل افکاریابه‌عبارهٔدیگرجلب ودعوت نمودن یك فکر از طرف فکر دیگری میباشد .

اگرمسئلهٔ تداعی افکار تحلیل کرده شود دیده می‌شود که دائماً حالات روحیه و افکار ومحفوظات حافظه یکی دیگر خود را دعوت کرده افکار را باهم دیگر ربط میدهد مثلاً بسادیده می‌شود که انسان از دیدن یاشنیدن یك‌چیز بفکر چیزدیگری میافتد از قبیل اینکه : اگر انسان در راه باشخصی متصادف شود که آن شخص شباهتی بایکی ازاشخاص دیگر داشته باشد فوراً ازدیدن آن شخص همان انسان دوم را بیاد میآرد ویااگر انسان از خانه بیرون می‌شود ومی‌بیند که آسمان ابر است فوراً بفکر چتری یاکلوش میافتد .

این ها وامثال این‌ها تماماً بزبان پسیکولوژی تداعی افکاراست ورویهمرفته تداعی افکار دائماً اثر را بامؤثر یابه عبارهٔ دیگر علت را بامعلول ربط میدهد .

---

(۱) تداعی افکار ترجمهٔ لغت Assosiation des idées فرنکی است این لغت رابعضی ازعلما ی تورك تداعی افکار وبرخی تسلسل حالات شعوریه ترجمه کرده اند وبعضی هاسرعت انتقال میگویند . « تره کی »

(c) ketabton.com: The Digital Library

تداعی در اطفال :

قدرت تداعی دراطفال بسیار متاخر است زیرا تداعی افکار رابطه بامراکز عالیهٔ دماغ داشته تازمانیکه مراکز مذکوره قدری تکامل نکنند تداعی افکار هم وجود ندارد ولی همینکه طفل دارای سن زیاده تر شد ، واسمای اشیا وطبیعت اشیارا تاحدی فهمیده بعد ازان مقتدر به تداعی افکار میگردد .

چون تداعی افکار مستند به حافظه وذهن میباشد لهذا دارای اهمیت زیادی بوده و باید به کمال اعتنا ودقت تربیه کرده شود :

تداعی وتربیهٔ آن :

درتربیهٔ تداعی باید به تدابیر ذیل دقت کرد :

باید به اطفال تلقین کرد تاآن ها بدانند که دربین افعال وحرکات آن ها ونتائج اخلاقیهٔ اعمال مذکوره مناسبتی هست تابا ین صورت اطفال وقتی مرتکب عمل خوبی میگردند منتظر نتیجهٔ خوب والا منتظر نتیجهٔ بد باشند اینك با ین صورت اطفال از اعمال بد وسوء اخلاق خود بخودمجتنب میگردند این تلقین باید ذریعهٔ امثله تائید کرده شود مثلاً باید به طفل گفت که ول گردی وبرآمدن بی موجب در سرك سبب پامال شدن ومبتلا گردیدن به صدمهٔ موترمیباشدوبرای تصدیق این یك یاچندی ازهمین گونه وقایع را مثال آورد ونیز اگرخواسته شود ذریعهٔ تداعی طفل از دروغ وقایه کرده شود این کافی نیست که دروغ گوذم وراست گومدح کرده شود بلکه باید حکایهٔ یك دروغگو رابا جزائی که بعدازان آن دروغگو باومبتلا میگردد به طفل نموده نتیجه را که جزاست باسبب که دروغ گفتن باشد ربط دادو باین صورت طفل را معتاد نمو دتاچنین تداعی ها بنماید .

دقت کنید که اطفال بوسیلهٔ یافتن مشابهت بین دوچیز تداعی بنماید وچون اطفال طبیعةً متمایل به تشبیه کردن اشیا باهم دیگر است ازین جهة امکان دارد ایشان تشبیهات غلط و خطا آلودی بنمایند پس درین صورت باید این تشبیهات ایشان زیر کنترول گرفته شود وازتشبیهات غلط باز داشته شوند .

ونیز سعی کنید اطفال بطریق تضاد تداعی بنمایند زیرا برای بحافظه سپردن یك چیز تخطر ضدآن بسیار مفید میباشد ویك چیزیکه ازروی ضدآن درحافظه جابگیرد در موقع تخطر تداعی واضح وروشنی به عمل آمده آن چیز به سرعت بسطح حافظه میبراید وبخاطر میاید .

سعی کنید تاحدیکه امکان دارد دراطفال تداعی منطقی را تولید نمائید زیرا هرعلم مرکب ازتداعی هائیست که دریك موضوع واحد به عمل میاید ومناسبات بین اشیا رابه طفل نشان میدهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

وطبیعی است وقتی که مناسبات بین اشیا فهمیده شد شناختن اشیاهم سهل میگردد وبرای درس‌های آیندهٔ آن‌ها که از صنف معقولات باشد مدد بزرگی میرساند .

از افسانه‌های مضرهٔ که سبب تولید تداعی‌های مضری در اطفال میباشد باید مجتنب شد زیرا وقتی والدین یا اقربای دیگر به طفل افسانه های دیوو پری ودهشت‌های دیگر آن‌هارا بصورت افسانه ایراد مینمایند وتصور میکنند برای طفل مفید است ویا ساعتی آن‌ها را از گریستن وبی قراری مانع میگردند درحقیقت برای طفل مضر بوده سبب می‌شود تا آن‌ها اگر شبح سیاهی را جای به بینند ویا صدائی را از دور استماع کنند بخیال همان دیو وپری میافتند واین خود تداعی بسیار مضری میباشد .

مخیله :

مخیله Imagination یکی ازمهمترین ومفید ترین و درعین حال (درصورت سوء تربیه) بدترین حالات روحیهٔ بشر است زیرا مخیله «ملکه ایست که بذریعهٔ آن در ذهن انسان خیال تشکیل میابد» مخیله مبدأ اختراعات علمی وفنی وکشفیات میباشد هرعالم وفیلسوف وقتی در اطراف موضوعی فکر میکنند یا به کشف چیزی موفق شوند اولین چیزیکه آنها به آن متوسل میگردند تخیل است وهمین خیال است که بعد ها فریضهٔ آنها بر روی آن بنا یافته رفته رفته منجر به تاسیس علم وکشف قوانین آن میگردد .

مخیله نه تنها برای علما بلکه برای ار باب صنعت مثل شاعر ، ادیب، رسام و .... هم مهم است وبه مسالك مختلفهٔ دیگری هم رول بزرگی ازان دیده شده است چه یك تاجریکه میخواهد همیشه از معاملات خود مستفید شود ویا قوماندانی که پلان ها ونقشه های حربی آن مفید واقع گردد باید قبل ازهمه دارای یك مخیلهٔ نیرومندی باشد وعواقب امور رابخوبی تخیل کرده بتواند پس معلوم است مخیله درحیات علمی، ادبی، صنعتی وسائر مسالك وتمام ادوار زندگانی دخالت زیادی دارد ازین جهة بایدبرای اینکه اشخاص دارای مخیله خوب وبانفوذی باشند درادوار طفولیت مخیلهٔ آنها را زیر تدابیر تربیه وی گرفت تاحسب مطلوب مخیلهٔ آنها تنمیه گردد .

مخیله در اطفال :

بعضی ازعلمای روحیات طفولیت را دورهٔ قبل التاریخ حیات فردی میشمارند ومیگویند : « انسان هائیکه در دورهٔ قبل التاریخ زیست مینمایند دائماً درعالم خیال زیست دارند همان طوراست اطفال زیرا اطفال هم مثل انسان های قبل التاریخی درعالم خیال زندگانی میکنند زیرا آنها اشیای اطراف و محیط خودرا نمی شناسند وبهر چیز به نگاه فهم نظرنکرده به

(c) ketabton.com: The Digital Library

نظر خیال می بینند وطبعاً این خیال آنها را به تداعی های غلط میکشاند پس باید سعی کرد تا در تربیه مخیلهٔ اطفال از ین گونه تداعی های غلط و افکار خطا آلود باز داشته شود و این است که تدابیر تربیه وی آن را ذیلاً خلاصه میکنیم .

تربیهٔ مخلیه :

بهترین تصنیفیکه در تربیهٔ مخلیه در کتب دیده می شود همانا موادیست که عالم تربیه (A.A.gasa) برای تربیهٔ مخلیه درکتاب روحیات طفل نوشته است که اینك همان مواد درین جا خلاصه کرده می شود : گوسا می نویسد که :

۱ : ـ اولاً باید چیزی راکه طفل میآموزد واضح بوده درحافظه بقوت جا بگیرد و مستند به شدت احساس حسیات باشد چه بهر اندازه که درذهن صورت (خیال Image) قوی باشد عنصر مخلیه هم بهمان اندازه زیاده تر ومتین تر میباشد .

۲ : ـ تمام تدابیری راکه درتربیهٔ حفظ درفوق نام بردیم وحساب نمودیم برای تربیهٔ مخلیه هم مفید میباشد چونکه مخلیه دائماً به حافظه استناد مینماید .

۳ : ـ چون بازی ها وبازیچه ها مخصوصاً بازی های مشترکه سبب بکار انداختن مخلیهٔ اطفال میباشد ازین جهته بایداطفال رادائماً به بازی تشویق کرده بازیچه ها ولوازم بازی را بآن ها تهیه وآماده نمود .

٤ : ـ رسم ها ومشغله های دستی بالای مخیلهٔ طفل بسیارمؤثراست پس بایدمواد ابتدائیه ولوازم چیزهای راکه اطفال ازگل وپارچه ها مثل گدی وغیره میسازند همیشه دردسترس اطفال گذاشت تاکم کم باین صورت فکرایجاد و اختراع وملکه صنعت دراطفال تولید گردد .

٥ : ـ افسانه ها وحکایه های عاری ازخوف ودهشت راباید همیشه به اطفال ایراد کرد زیرا این هامسبب توسیع مخلیه اند .

افسانه هائیکه حاکی از مسائل ماورای طبیعی باشد موجب علاقه مندی زیاد اطفال میگردد وباین صورت تصوراتی دران ها راجع به مسائل مجرده پیدا و ذهن ایشان رفته رفته دران زمینه تمرین مینماید و باین صورت خیال قوة میگیرد .

٦ :ـ باید باطفل درموضوعات تاریخ ، جغرافیه صحبت کرده راجع به آن موضوع عکس ها ورسم هارا به اطفال ارائه کرد تا آن ها مجبورشوندزماناً ومکاناً دراطراف چیز های بعیدی مشغول تفکر وتخیل وتصور باشند .

۷ :ـ درتربیهٔ مخیله باید اطفال را وادار کرد تابه جمال و کمال میل وانجذابی پیدا کنند

(c) ketabton.com: The Digital Library

وباین صورت مراحل اولیهٔ تربیهٔ بدیعی اطفال پیموده می شود .

۸ :ـ اطفال دائماً از والدین واولیای دیگر خود در اطراف هر چیزیکه بخاطر ایشان باید سوال میکنند ودر مقابل سوالات این اطفال نباید سکوت کرد بلکه باید جوابات آن هاراطوریکه مفاد تربیه وی آن درنظر باشد به زبان ساده بآن هاداد زیرا باین صورت اطفال آن چیزی را که نمیدانستند آموخته وحتماً دران زمینه ها مشغول تخیل وتصور میگردند .

این بود موادهشت گانهٔ تربیهٔ مخیله که به نهایت اختصار عرض شد .

دقت :

عالم روحیات فرانسه (A.rabo) میگوید« دقت عبارت است از تمرکز نفس ناطقه بالای یك چیز خصوصی » .

البته معلوم است که وقتی حواس خود را متوجه اشیا میکنیم بسا اشیا در شعور ما مرتسم می شود ولی همینکه شعور خود را در یك نقطه ویك چیز تمرکز میدهیم معنی آن این است که ما بآن چیز دقت میکنیم واین دقت تنها منحصر به عوامل روحی نمانده درجسم هم بعضی آثاری ازان دیده می شوداز قبیل تولید خطوط درپیشانی وتغیرات در دوران خون وتنفس وغیره.

دقت برای درك کردن غوامض ومعضلات امور بسیار مهم است و حتی چیز های سهل وآسانی را هم نمی توان بدون صرف دقت حل نمود ودقت مربوط به علاقه است یعنی بهر چیزیکه انسان زیاده ترعلاقه مند باشد دقت او بهمان چیز زود تر وشدید تر جلب می شود .

دقت در اطفال :

چون دقت مربوط به علاقه است وچون علاقه هم درهر سن اطفال تغیر میکند ازین سبب دقت اطفال هم متغیر میباشد چه درآوان اولیه تولد دقت اطفال طوعی بوده مستند به احساسات اومیباشد امادقت ارادی به بسیار آهسته گی تکامل میکند ودائماً دروقتی که طفل مواجهه بااضطراب می شود این سنخ دقت دراو پیدا می شودونیز طفل همینکه می بیند یك شخص دیگری استاده است باراه میرود اوهم میخواهد آن شخص راتقلیدکند پس سعی میکند اوهم به پا شود وراه برود واین است که این قبیل دقت را دقت ارادی میگویند .

تربیهٔ دقت :

تربیهٔ دقت اطفال ازخورد ترین دورهٔ زندگانی او یعنی از قنداق آغاز میگرددواین است که تدابیر تربیه وی مذکور را درذیل ذکر مینمائیم :

طفل درابتدا دقت طوعی دارد وبهرچیز یکه بچشم اوگوا راخورد ویابه سمع او خوش آیندآمد آن را مورد دقت خود قرار میدهد پس باید برای اینکه دقت طفل به چیزهای کریهه وبد منظر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وصداهایی سامعه‌خراش واذیت‌ده معطوف نگردیده‌ذوق آن‌ها خفه نگردد سعی‌نمودتا بحدیکه امکان دارد طفل‌را بااین گونه چیزها مواجهه ننمود اما درقسمت دقت ارادی طفل ؟ این دقت غالباً به‌سائقهٔ حس تقلید رومیدهد یعنی وقتی می بیند که برادر کلان راه میرود ویا استاده است او هم میل میکند قیام نماید وحرکت کند .

اگر دقت ارادی طفل‌مبنی برقیام وحرکت باشد باید اورا به‌معاونت دیگری استاده کرد وپا به پاحرکت داد والا چون استخوان های پاوستون فقرات طفل‌نرم است این قیام وحرکت قبل ازوقت بسیار خطرناك میباشد وبسا اطفال ازهمین وقت معیوب بار میایند .

اطفال درقسمت دقت ارادی به چیزهای دیگری هم‌مثل خندیدن وطور وحرکت ویاصدا برآوردن اشخاص دقیق شده میل‌میکنند آن‌هارا تقلید نمایند وازین‌جهته‌به‌والدین واولیای اطفال لازم‌است‌درمقابل اطفال مصدر حرکاتی نشوند که آن حرکات ازجانب عرف وآداب معاشرت درنظر عامه مقبوح باشد زیرا درین اثنا روح طفل به مثابهٔ ماشین عکاسی‌است که تمام اعمال ، حرکات، صداهاوغیره دران منعکس می شود .

محاکمه و تصدیق :

ذهن انسان همیشه میل دارد دراطراف چیزهائیکه درك میکند محاکمه نموده روابط وعدم روابط بین آنهارا تصدیق یانفی نماید وازین جهته است که محاکمه راعملیهٔ تمیز ذهنی ومحاکمهٔ مسلسل وتصدیق راعامل تصدیق یا انکار روابط بین افکار و تصورات میگویند .

هر قضیهٔ منطقی عبارت از دو تصور و یك رابطهٔ که مؤخرالذکر است وآن راحکمی هم می گویند میباشد وآن هارادر منطق موضوع ، محمول ورابطه نام میگذارند مثلاً نقره وفلز عبارت از دو تصوریست که پهلوی هم وضع شده اند ولی وقتی گفته میشود «نقره فلزاست» دران صورت تصدیق به عمل میاید که درین قضیه نقره موضوع ، فلزمحمول است رابطه میباشد و اگر این رابطه که «است» میباشد در بین آن دو یعنی نقره وفلزنباشد دران وقت نمیتوان فکری دران باره حاصل کرد .

همین تصدیقات منطقی ما دارای اشکال مختلفی میباشد مثلاً در اول مرحله میتوان آنهارا بدونوع جداکرد ایجابی یا سلبی که اگر مناسبت دو فکر تصدیق کرده شود دران صورت تصدیق یاحکم ما ایجابی و الا سلبی است مثلاً علم خوب است درین قضیه چون مناسبت علم و خوب تصدیق شده است تصدیق ایجابی است ولی اگر گفته شود یله گردی خوب نیست چون رابطه بین خوب و یله گردی نفی شده است لذا تصدیق سلبی میباشد .

درین ادوار اخیره علمای روحیات برعلاوهٔ تصدیقات ایجابی وسلبی که فوقاً ذکر شد و

(c) ketabton.com: The Digital Library

تصدیقات ضمنی وظاهری که از ذکر آن ها بنابر طوالت مضمون خود داری گردید دو نوع تصدیق دیگری راهم کشف نموده اند که آن دو نوع تصدیق را (تصدیق مبنی بر قیمت) و (تصدیق مبنی برحقیقت) نام میگذارند .

این کشف که اولاً ازطرف علمای روحیات به عمل آمد ازجانب دورکهایم عالم اجتماعی فرانسه مؤسس دبستان (سالنامهٔ اجتماعی) و طرفداران او مانند هالب واکس عالم اجتماعی انگلیس و بوگله عالم اجتماعی فرانسه وغیره زیاده تر وسعت داده شد و آن رادراجتماعیات تطبیق دادند ونتیجهٔ خوبی ازان گرفتند .

اجتماعیون وروحیون عقیده دارند که انسان غیرازتصدیقات واحکاماتیکه برقضایامینمایند و آن تصدیقات درنزد منطقیون قدیمه هم مکشوف بود دو نوع تصدیق دیگری هم وجود دارد که بشریت از ابتدای خلقت تاکنون بدان معتاد بوده است واین دونوع تصدیق عبارت است از : تصدیق مبنی برقیمت و تصدیق مبنی برحقیقت .

الف : تصدیق مبنی برقیمت : Gugement sealue

هر انسان مطابق سویهٔ مدنی و عرفانی و تربیهٔ اجتماعی و تلقیات محیطی وحتی وراثت فامیلی‌خود قضایارا ازعینك مخصوصی دیده و بسوی اشیا و اعمال وحرکات بشری وسائر مسائل اجتماعی بایك نگاه خاصی نظر میکند مثلاً در نظر یك نفر عالم دیدن ومنظرهٔ یك کتابخانه همان لذتی دارد که یك نفرمنصبدار عسکری ومارشال ازتوپ های بزرگ و تانك های ثقیله و سائر آلات حربی میبردارد .

میگویند ذوق هرملت درزمینهٔ شعر واستلذاذ از صنایع نفیسه فرق دارد ومفهوم جمال در هرجا وهردوره یك سان نیست مثلاً رومیهای قدیم همان حظی راکه امروزاهالی اروپا ازمناظر زیبا وبدیع سویس برمیدارند حاصل نمی کردند و یونانیها ازچیزیکه ذوق میبردند آن ذوق را رومیها اخذ نمی کردند مثلاً حکمت در نظر رومیها چیز حظ آوری تلقی نمی شد یك معشوق افریقائی درنظر اروپائی بد منظر است .

این‌هاوصدها امثلهٔ دیگری که درین جا از ذکر آنها صرف نظرشد همه وهمه نشان میدهد که هر انسان و هرملت درهر دوره و زمان راجع به اشیا و قضایا نظرمخصوصی دارند و چون آن ها به اختلاف اشخاص وملل وادوار قضایا را ازیك عینك مخصوصی دیده اند ازین جهة علما هم این تصدیق یا حکم آن ها را تصدیق مبنی برقیمت نام گذاشتند و به سهولت از تصدیقات دیگر تفریق کردند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ب : حکم مبنی بر حقیقت : Jugments de rêalite

این حکم که حقیقت اشیارا افاده میکند درهیچ جا فرق ندارد ودر نزد همه کس یك سان است وهیچ کس نمی‌تواند بگوید شیر سیاه وسنگ نرم یامائع است و۲در۲ =٤ نمی شود گویا همان طوریکه تصدیق مبنی برقیمت متحول ومتغیر بوده درنزد هرفرد وهر ملت درهر دو رهٔ ازتاریخ فرق میکند حکم‌مبنی برحقیقت ثابت وپایه دار ودرنزد همه یك‌سان می‌باشد .

محاکمه و تصدیق در اطفال :

بای ابراهیم علاؤالدین میگوید : «اولین تصدیقات ومحاکمات ذهنی‌اطفال بذریعهٔ حرکات آن ها ظهورمیکند وهمینکه دیده می‌شود طفل وقتی‌مادر یایکی از اقارب دیگر خودرا می‌بیند تبسم مینماید ویا به غذا وبازیچه ویارنگ های درخشان اظهار تمایل مینماید در حقیقت آن خندیدن واین تمایل عبارت ازیك نوع تصدیق ومحاکمه بسیطهٔ اوست »

تربیهٔ محاکمه و تصدیق :

عالم فوق‌الذکر درتربیهٔ محاکمه وتصدیق وصایای ذیل را مینماید :

۱ :ـ باید طفل را مطابق سن وسویهٔ ذهنی او راجع به موضوعات مختلفه به محاکمه سوق داد واز واداشتن آن‌ها به محاکمه دراطراف موضوعات مفصل باید اجتناب کرد زیرا این‌قبیل موضوعات که بلندتر ازقدرت ذهنیهٔ او باشد محاکمه اش را تخریب مینماید .

۲ :ـ باید برای اینکه طفل بخوبی ودرستی محاکمه نموده بتواند اسما وتاحدیکه درك کرده میتوانند ماهیت وطبیعت اشیارا باآن ها فهماند زیرا در هر ادراك تصدیقی وجود دارد واگرادراکات صحیح ودرست باشد تصدیق ومحاکمه هم‌بهمان اندازه درست وصحیح میباشد.

۳ :ـ باید به طفل اشیای ناقص مخصوصا رسم های ناقص را ارائه کرده ازان ها سوال نمود که کجای این اشیا یارسم ها نقص دارد ؟

٤ :ـ باید دقت کرد که اطفال هرچیز را یاد میگیرند وتعبیراتی را که بزبان میآرند بدون آنکه آن را پوره ندانند بالای شان تکرار ننمود زیرا باید درجهٔ شمول هر چیز را قبلاً درذهن کاملاً روشن نمود مثلاً اطفال مفاهیم مجرده ومفاهیم کلیه را غالباً غلط میفهمند ودر اطراف آن تجریدها وتعمیم های غلطی مینمایند که این خود سبب محاکمه وتصدیق غلط آن ها شده به نتیجهٔ عاری ازحقیقتی واصل میگردند .

وقتیکه باطفل حرف میزنید تاحدیکه امکان دارد سعی کنید کلمات وتعبیراتی را که استعمال مینمائید واضح وقطعی باشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵ : ـ تمرینات لسانی درتربیهٔ محاکمهٔ اطفال بسیار مهم است زیرهرکلمهٔ مقابل یك‌فکری است وبهمان اندازهٔ که کلمه بامدلول خود مطابق باشد همان قدراشیا وحادثات بخوبی شناخته می‌شود ومقایسه وتدقیق آن‌ها تنها به همین صورت امکان دارد پس‌باین صورت لازم می‌شود که به طفل زبان مادریش به خوبی آموختانده شود وحتی میتوان گفت که درسن خوردی آموختاندن چندین زبان به طفل تربیهٔ محاکمه اورا اخلال میکند زیرا ارباب تحقیق میگویند که اشخاص دارای لسان زیاد یعنی ابواللسان (Polyglotte)چون نمی‌توانند در یك لسان هم تدقیق وتعمق کنند لذا افکار ومحاکمه آن ها سطحی میباشد .

٦ : ـ باید ابوین سعی کنند تااطفال شان دربارهٔ اشیا وحادثاتی که محیط برطفل اند استدلال های بسیطی نموده کوشش نمایند تاحقیقت را دریابند .

غیراز تدابیر فوق علمای اجتماعی تدابیر دیگری را هم که مربوط به تربیهٔ تصدیق مبنی برقیمت وتصدیق مبنی برحقیقت است سفارش میکنند که اینك درذیل خلاصه کرده می‌شود :

برای اینکه اطفال بخوبی بتوانند تصدیق مبنی برقیمت را نموده ازان در حیات اجتماعی خود استفاده نمایند باید هرچیز وهر مفهوم را مطابق تلقیات عصری بآن‌ها تلقین کردو کوشید که‌آن‌ها در هر رشته وهرمورد افکاری پیدا کنند که افکار عامهٔ محیط بدان اتکاء دارد اینك وقتیکه راجع به‌اشیا وقضایا درطفل اینگونه افکار پیداشد طفل به‌تمام معنی آن یك‌عضو اجتماع‌خود شده برای مملکت یك‌فرد ملی بار میاید .

درصورتیکه فردملی شد وتصدیقات مبنی برقیمت او متکی به‌افکار وعقائد وآرزو و آمال تودهٔ منسوبهٔ او گردید این قبیل اشخاص ملت منسوبهٔ خود را مثل‌وجودخوددوست‌داشته سعادت وفلاکت جامعهٔ خـو درا سعادت وفلاکت خـویش پنداشته‌دراعمال‌وفعالیت‌های‌اجتماعی‌واقتصادی خود توام بامفاد خویش مفادملت خودرا برابر می پندارد .

وقتیکه‌این گونه تصدیقات درملتی جاگیر شد وافراد آن‌حساً و عملاً باهم‌مجانست پیدا کردند طبعاً درین اعضای آن ملت‌یعنی افرادیکه آن‌جامعه را بوجود میآرد یك تجانس ومماثلت فکری وعقیده وی کاملی موجود میگردد واین قبیل ملل به‌تمام آرزو وآمال های ملی خود واصل میگردد و بالعکس در صورتیکه در بین افراد یك ملت تجانس افکار ، احساسات ، معتقدات ، نصب العین ، وحدت منافع واشتراك مضار وجود نداشته عرف وعادات افرادمذکورازهم‌متفاوت باشد آن‌ملت محکوم به‌فنا است زیرا حلقه های واحدیکه افراد در اطراف آن ها جمع شده مشترکاً کار کنند موجود نمی‌باشد یکی‌از فلاسفه میگوید : « کافی نیست اینکه سویهٔ شعوری تمام افراد یك‌جامعه به‌قوانین علمی‌موانست داشته قوانین مذکور را مشترکاً درك کند درپیشبرد جامعه کفایت نمی‌کند بلکه لازم است قلوب مهمهٔ افراد دنبال یك‌آرزو درضربان وچشم های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایشان .به‌حدوث یك‌مصیبت اشك آلود شود . . »

این فیلسوف میخواهد بگوید که‌تنها علم نمی تواند دردهای نهفتهٔ ملی‌یك‌جامعه راتدا وی کند و باید در پهلوی علم وحدت فکر ، اتحاد اعتقاد و اعمال واشتراك نصب‌العین موجود باشد تابذریعهٔ آن یك فردسعادت خودرادرسعادت جامعه‌وفلاکت خویش رادرفلاکت آن‌جستجو کند.

گویا اطفال یك جامعه را که‌درحال طفولیت یك مخلوق عاری از فکر ملت وجامعه است اگرخواسته‌شوداافراد ملی واجتماعی گردند لازم است که‌سعی‌نمودتااطفال دربارهٔ اشیا واعمال وسائر وسائل وقضایای حیاتیه افکار وتلقیاتی پیدا کنند که‌آن افکار وتلقیات طرف‌قبول جامعهٔ منسوبهٔ اوباشد واین افکار وتلقیات همان چیزی است‌که آن را علمای اجتماع وتربیه (تصدیق مبنی برقیمت) نام میگذارند ؛ یابه عبارهٔ دیگر مجموع تصدیقات مبنی‌برقیمتی را که در وجدان افراد یك‌قوم‌وجود داردتمام آن‌هارا تهذیب (Culture) همان ملت نام میگذارند و معنی تهذیب عبارت است‌ازمجموع معتقدات دینی ، اخلاقی ، حقوقی،لسانی ، بدیعی ، اقتصادی و . . . واین است طفلیکه از ناحیهٔ(تصدیقات مبنی برقیمت) خوب تربیه شد تمام این معتقدات را اخذ وجامعهٔ خودرا دروجدان خود میبابد .

همان‌طوریکه تصدیقات مبنی برقیمت قابل ولازم‌تربیه‌است هم‌چنان تصدیقات مبنی‌بر حقیقت هم لازم تربیه میباشد چون تصدیقات مبنی برحقیقت زیاده‌تر با قوانین علمی رابطه‌دا رد ازین جهة باید سعی کرد درمقابل سوالات طفل که‌او فطرةً مائل به‌سوال است ودراطراف هر چیز ازشما سوالات مینمایند جوابات ساده ولی مقنع ومعقولیکه حقیقت اشیا وامووررا حاوی باشد بدون‌شبهه وتردد بآن‌هاداد تاازهمین آوان طفولیت‌متدرجاً اذهان ایشان باقوانین ثابته ولا یتغیر علمی مانوس‌گرددوازشك‌وریب که‌اخیراً سبب تولید ذهنیت‌شبیه به(لاادریت)میباشدآن هارانجات‌داد .

عقل :

وقتی که ذهن مابدون صرف قوه وزحمت خود بخود به‌مبادی کلی وضروری واصل شد میگویند این وصول بواسطهٔ عقل بوده عاملیکه اورا ایصال میدهد عقل میباشد .

فلاسفه از قدیم ترین دوره‌های فلسفه وحکمت باین‌طرف تا امروز عقل رایك‌ملکهٔ عالیهٔ مخصوص به‌انسان‌دانسته وانسان رابه‌صفت (عاقل) ازحیوانات دیگر تفریق نموده اند .

لایبنیز Leibniz فیلسوف‌آلمان میگوید : تمام مبادی‌عقلیه به‌دوقاعدهٔ اساسیه منتهی می شود (۱)مبداء عینیت Principe d, iddentit (۲) مبداء سببیت یاعلیت Principe de raison که‌مبداء عینیت اکثراً یکی‌ازین دساتیر افاده‌کرده می‌شود : «واقع‌واقع‌است» «یك‌چیزهرچه هست همان است» «A'A است» این‌ها عبارت ازمکررات عاری ازمفهوم ویاعبارت ازاشیای

(c) ketabton.com: The Digital Library

واهی نیستند بلکه این قضایا برای ذهن یك قانون یك لزوم اصلی است یعنی وجوب مطابقت خود بسرانه ذهن را افاده مینمایند . واینرا (حمل بالمواطاة) وهم بدیهی اولی میگویند .

این مبداء را اکثراً مبادی تحلیلی میگویند زیرا درین مبداء موضوع ومحمول تماماً دریك حکم میباشد .

مبداء علیت یا سببیت : مطابق این مبداء هر واقعه سببی دارد سبب یك چیز دال بر ماهیت وموجودیت آن شی بوده آن را در نظر انسان معقول نشان میدهد پس وقتی که گفته می شود هر چیز علتی دارد معنی آن این است که : « هر شی معقول است » واز جانب مفکره قابل تفهم میباشد .

تربیهٔ عقلیهٔ اطفال :

عالم روحیات فرانسه A. rabo درکتاب دروس روحیات خود در صفحه ۳۵۲ راجع به تربیهٔ عقل بحث مفصلی نموده با این عبارت به موضوع داخل می شود : آیا برای عقل هم تربیه هست ؟

عالم مذکور بعد از ایراد این سوال میگوید : در فرانسه کلمهٔ Raison در زبان عوام دارای معنی وسیعی میباشد که مرادف کلمات : عقل سلیم وقوهٔ حاکمه است زیرا این هردو عبارت از دو ملکهٔ فعال وخادم احتیاجات وامور حیاتیه بوده غیر از عقل چیز دیگری نیستند پس ازین نقطهٔ نظر بدیهی است که عقل قابل تربیه میباشد ویا به عبارهٔ دیگر تربیهٔ عقل عبارت از مقصد مهم تربیهٔ ذهنیه میباشد ولی عقل درکتب روحیات یك چیزی خصوصی تلقی شده وآن عبارت از خود نفس ناطقه است که بذریعهٔ قوانین مخصوصهٔ خود اجرای فعل مینماید پس ازروی این معنی ایا عقل را میتوان تحت تاثیر تربیه گرفت ؟

درین زمینه حکیم معروف یونانی سقراط طریقی را دریافته وآن را ما یوتیك (Maieutique) یعنی تولید نام گذاشته بود حکیم مذکور مدعی بود که میتواند عقل را تولید نماید وازین جهة میگفت چون مادرم قابلهٔ برای وضع حمل زنان بود پس منهم صنعت مادر خود را آموخته وفرق این است که او صنعت کار تولید طفل بود من صنعت کار تولید عقل .

فیلسوف مذکور عقیده داشت که میتوان بذریعهٔ سوالات ماهرانه حقائقی را که در اعماق روح افراد جا داشته ودر اثر عدم استعمال وبکار بردن بحال راکدما نده است در سطح شعور برآورد و آن را آمادهٔ کار واستفاده نمود .

در تربیهٔ عقل باید ساعی بود که به اطفال مبادی عقلیه مخصوصاً همان دو مبداء متذکرهٔ فوق یعنی مبداء علیت ومبدای حقیقت را بخوبی تلقین کرد تا ازیك طرف مبادی مذکور که قرار عقیدهٔ علما در ضمیر انسان بصورت شعور نائم است بیدار شود ودر سطح شعور وارد گردد وازطرف دیگر آن ها علل وحقائق اشیا وقضایا را بصورت قوانین غیر قابل تغیر منطقی درك کنند زیرا در نظر علمای نفس وفلاسفه اگر مبادی مذکور همان طوریکه هست خودسرانه ول کرده شود وبرای احضار آن در سطح شعور

(c) ketabton.com: The Digital Library

مساعی بکاربرده نشود رفته‌رفته خفه‌می‌شوند وازین‌میروند وازین‌جهة است کسانیکه بهمین صورت مبادی درضمیر شان ازطفولیت به‌بعد مختنق شده است به‌مبادی علت وایجابیه ابداً اعتقاد ندارند ودنیارا ازتصادفی پیش تصور نمی‌کنند .

مختصراً میتوان گفت که‌اگر بخواهید طفل‌تان ازملکهٔ عقلیه محروم نماند ودرآینده از ین قوهٔ خارقه‌نمابدرستی وخوبی کار بگیرد مبادی فوق‌الذکر رادراوتنمیه وتربیه کنید مثلاً باوبفهمانید وتلقین کنید که هیچ چیز غیر معقول نیست دردنیا هرامر مستند به‌سببی است که‌اگر آن‌سبب نبود آن‌امرهم واقع‌نمی‌شد ویاهرچیزهمان چیزیکه هست‌هست‌مثل (A) نمی‌تواند روز (A) وروزدیگر (B) باشداینك اگرتوانستید ازعهدهٔ تلقین این‌دومبداء به‌طفل به‌عبارت ولهجهٔ که‌اطفال پوره بدانند برآمدید شمایقین کنید که‌اطفال‌تان درآینده جل‌خودرا بخوبی ازآب میکشند ودرتمام اعمال خود موفق می‌شوند زیرا قوانین علمی که بعداً در مدارس بآن ها ارائه می شود اساس عمدهٔ آن ها همین جا است .

زبان:

معلوم‌است که زبان‌وسیلهٔ افهام وتفهیم‌است‌وبذریعهٔ زبان‌انسان‌میتواندتمام افکار وآرزو های خودرا بدیگری بفهماند گویابهراندازهٔ که زبان قوی ودارای لغات زیادی باشد و در حافظهٔ گوینده عدهٔ لغات واصطلاحات بیشتر اندوخته شده باشد بهمان اندازه درفهماندن مطالب خود بدیگری مقتدر ترودرآمال وآرزوهای خود موفق تراست .

زبان غیراز وسیلهٔ افهام وتفهیم سبب وسعت محوطهٔ ذهنیه وفکریهٔ اشخاص هم میباشد مثلا هرلغتی که انسان‌میآموزد یك‌اندازه فکری‌هم باآن لغت حاصل میکند چه‌وقتی که طفل برای اولین مرتبه کتاب‌رابدست میگیرد ونام‌آن را می‌شنود وحفظ میکند درحقیقت یك فکری راجع به قطع،حجم ، رنگ،ثقلت وبالاخره وجود مطلق کتاب در ذهن او تولید می شود وهمینکه خودش طوعاً یاارادة کتاب را تخطر میکند ویااز زبان دیگری نام‌کتاب را می شنود فوراً یك جسم شبیه به کتاب بخاطر اوخطور مینماید همین طوراست اشخاص سال‌خورده‌ومسن هم .

زبان و اطفال :

بای‌ابراهیم علاءالدین مینویسد : «کسانیکه ترقی وپیش رفت زبان را در اطفال مشاهده کرده‌اند درین خصوص سه دوره‌راقائل شده اند مثل : دورهٔ تشبث وتمرین ، دورهٔ کلمه ساختن دورهٔ جمله‌سازی» دورهٔ تشبث‌وتمرین که‌درسال اول طفل‌تصادف میکند طفل سعی میکند حرف بزند ولی نمی‌تواند اقارب او چیزیکه میگویند طفل می‌شنود وبه تقلیدآن‌ها اوهم زبان کشوده وصدابرمیآرد لیکن فهمیده نمی‌شود وتصور مینمایند این‌صداهای طفل عبارت ازصداهای مولود

(c) ketabton.com: The Digital Library

سوق الطبیعی است درحالیکه ـ طفل آن صداهارا از ادهٔ مینماید و این دوره را علما، اولین مرحلهٔ زبان اطفال نام میگذارند .

دردورهٔدوم یعنی‌دورهٔ که ماآن را دورهٔ کلمه Mat نام دادیم اطفال آرزوها واحتیاجات خودهارا بذریعهٔ یك‌یك کلمه افاده مینمایند مثلاً اگر میل آب راداشته باشند نمی‌توانند بگویند « بمن آب بدهید » بلکه صرف این قدر میگویند : «آب» گویا در ین دوره اطفال فقط نام اشیاراتلفظ کرده باقی‌مقصدخودرا به‌فهم‌شماحواله میکند ونیزدرین دوره‌طفل برعلاوهٔ تلفظ کلمه مطلب خودرابه‌حرکت دادن‌اعضا (Jaste) هم‌سعی‌میکند بفهمانندوحتی حرکت‌عضوی‌ایشان قبل‌از از تلفظ کلمه صادر میشود مثلاً اگرنان خواهش کنند اولاً بدست بسوی نان اشاره نموده بعدازان میگویند: « نان » وهرقدر که زبان ایشان قوی شود وعدهٔ کلمات ولغات واصطلاحات درذهن وحافظهٔ آن‌ها زیاده‌ترگردد بهمان‌اندازه از حرکات عضوی ایشان کاسته میشود .

سومین دورهٔ زبان دراطفال دورهٔ جمله سازی است که درین دوره کلمات متعدد را بدون صحت صرف ونحو ومنطق پهلو به پهلوی هم جمع کرده یك جملهٔ مرتعش ولرزان میسازند زیرا درین جملات فعل را نمیتوانند استعمال کنند بعد ازان رفته طفل اشکال ماضی واستفهامی وصیغه های امرو ماضی وغیره را بالنوبه میآموزد ومقتدر به تکلم می شود وچون هرسه این دوره ازجنبهٔ فصاحت وعدم فصاحت ولکنت وعدم لکنت وسائرمزایا ونواقص زبان دارای اهمیت زیادیست ازین جهة علمای تربیه سفارش میکنند که باید درین سه دوره طفل را تحت کنترول ونظارت گرفت واین است که بصورت مختصر کنترول مذکور که درعین حال تربیهٔ این موضوع است مورد مطالعه قرار داده میشود :

تربیهٔ زبان در اطفال :

کسانیکه به تربیه واستبصار طفل میپردازند عموماً این مسئله را درك کرده اند که طفل برای فهماندن مقصد خود بذریعهٔ صدا یا کلمات یاجملات غلط عموماً عجله وشتاب نشان میدهد و باید درین وقت طفل را مدد کرد وبدهن آنها کلمات وحروف راداد تا ایشان اگر بتوانند بذریعهٔ همان مدد تکلم کنند والا تکرار این کلمات متدرجاً ایشان را به تلفظ آنها عادی ومقتدر میسازد .

چون اطفال در ابتدای مکالمه حتی در دورهٔ سوم که دورهٔ جمله سازی است کلمات را غلط تکلم وجمل را ناقص ترتیب میکنند پس باید متوجه بود تا ازیك طرف کلمات غلط خودرا تصحیح کنند واز طرف دیگر در جملات آن‌ها نظم وترتیب پیدا شود واین هارا جز

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو ته یوه کتنه



لیکونکی ددی مقالی آقای
گل پا چا خان « الفت »

په تیرو سالنامو کښې د پښتنو خصوصیات اوملی دودونه د پښتو نوالی تر عنوان لاندی دلوستونکوله نظره تیر شوه اوس غواړو چه دپښتو خصوصیات او استعداد لږ څه څرګند او ښکاره کړو .

دا منل شوی خبره ده چه عمومی توجه اواعتناد هرشی په اکمال کښې لوی لاس لری او بالعکس بی اعتنائی لکه خزان د هر باغ او بن د پاره سخت او مهلك مرض دی ، هرشی چه د خلقوله نظر ولویږی هغه هیڅکله خپل موجودیت نشی ساتلی او ورو ، ورو یی لمن غوڅه کیږی ، تر څو چه یخی ورك اوفناشی ، نوپښتو هم چه ډیره موده له ښار ونو وتلی وه دغروپه سرو او کلو کښې یی دلوبو خلقو له نظره لری ځای نیولی و، اروم رو به یی هغه خپله پخوانی پنګه له لاسه وتلی وی اولږځه به ورته پاتی وی ، دا هم د پښتو ډیرقوت اولوی طاقت دی چه په غرو اورغو کښې یی لاتر اوسه پوری لکه دخپری- و نه یی باغوانه خپل ځان ټینګ کړی او په خزان کښې یی هم خپلی پانې شنی ساتلی دی .

اوس چه پدی روښانه عصر کښې داخبره یخی ښکاره شوه چه دملی ژبی ژوندون دملت په ژوندون کښې ترهر څه زیات تاثیر لری ، اوتر څوچه علوم او معارف دیوه قام پخپله ژبه نشی دهغه قام په ذهنیت کښې ځای نشی نیولی ، او اجتماعیونو هم دانظریه پوره ومنله چه لکه څنګه چه یو اقلیم پخپل پیدا وار اودخلقو په رنګ اوخوی کښې ښکاره تاثیر لری همدارنګه په ژبه ، لهجه اولغت کښې هم اثرکوی او اورمرو دیوی علاقی لهجه له بلی څخه اودیوه مملکت ژبه له بل مملکت څخه جلیږی ، نو لکه څنګه چه دیوه ځای مخصوص بوټی په بل ځای کښې نه شنه کیږی دیوه ځای ژبه هم په بل ځای کښې وده نه کوی اوعمومیت نه پیداکوی .

وګوری ! دتودوملکومخصوصی ونی په سړو ملکو کښې په ګلخانو او دښښو په کوټو کښې هم ښې نه ساتل کیږی ، نوباید په هروطن کښې خپله ملی ژبه وروزل شی او هرقام پخپله ژبه وغګیږی ، دهمدی لامله زمونږ ملت پالو نکی اویدار حکومت دملی ژبی خواته زیاته توجه وکړه او دد ی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ژبې روزلواورسمي کولو ته یې ټینګه ملا وتړله ، نو ډیر ژر به انشاء الله داژ به چه دی هوا او دی خاوری سره پوره موافقت لری اوددی ځای اصلی ژبه ده افغانستان په هره خوا کښ خپلې نیلې ولغلوی اوزمونږ کورنی روابط به لاسره ټینګ کړی .

نو داژبه که څه هم فی الحاله دو مره علمی اوادبی ذخایر نلری چه دد نیاله ژو ندیو ژبو سره سیالی وکړی شی مګر داستعداد له لامله په بعضی ژبو څرګند او ښکاره فوقیت لری اوپه همدغه ابتدائی حال کښ هم له لویو اومترقی ژبو څخه پیرته نه پاتی کیږی .

نودغه دی چه مونږ ددی ژبې په وسعت او استعداد باندی بحث کو وخو دابحث په حقیقت کښ یو اساس دی چه د آینده تحقیقاتو دپاره مبادی ګڼل کیږی ، ځکه چه مونږ پدی وخت کښ ددی ژبې ټول خصوصیات اومزایاد حصر په ډول نشولیکلی ، تراوسه لاپدی ژبه کښ ادبی کتابونه اومکمل ګرامرونه ندی لیکل شوی ددی ژبې بیان اوبدیع ، استعارات اوکنایات لاهماغسی دیخبری په تیاره اوتورتم کښ پراته دی ، نودایوه نوی دروازه ده چه د آینده تتبعاتو دپاره پیرته کیږی اوفی الحاله یوازی همماغه خصوصیات چه مونږ ته په محاوره کښ څرګندلی دیاداشتو اونوټو په طور لیکل کیږی چه دپښتو زده کوونکی ورته ملتفت وی اوپه غلطی کښ ونه وڅیږی .

دابحث دلغاتو ، قواعدو ، محاوری په لحاظ په دری بر خو ویشل کیږی ځکه چه دا دری شیه دهری ژبې اساسی ستنی اومهم ارکان دی .

لغات :

داژر ګنده خبره ده چه لغات دضرورت اواحتیاج په اثر کښ پیدا کیږي اواحتیاج دهر ځای بیل وی نومونږ پدی لحاظ لغات په دوه برخو وېشو .

اول : ـ اسماء اواعلام چه دیوه محسوس اومعین شی دپاره ټاکل شوی وی .

لکه : ـ توره ، غشی ، لیندی ، غر ، بن اونور . . . داډول لغات په بعضی ځایو کښ لږاوپه بعضو کښ ډیروی ځکه چه داشیان لکه حیوانات اونباتات په ټولو ځایوکښ یوشان نه مو ندل کیږی آب وهوا اونور طبیعی عوامل ددی شیانو په پیدایښت کښ ډیر دخل لری ، داسی شیان چه په یوه اقلیم کښ وی په بل کښ یا یخی نه وی اویا په بل رنګ لیدل کیږی نومونږ ددی رازلغاتو په اعتبار یوه ژبه له بلی سره نشو مقایسه کولی اونه ددا سی لغاتو زیاتوالی دیوی ژبې داستعداد اووسعت دلیل ګڼلی شو .

دوهم : ـ فعلی او صفتی لغات چه مصادر ، مشتقات ، اسمای معنی ټول یکښ داخل دی ، داراز لغاتو ته البته په هر ځای کښ ضرورت وی اودمحیط مقتضیات یکښ ډیرلږ اثر کوی ، نوددغسی لغاتو زیادت دیوی ژبې استعداد اووسعت ښه ښو دلیلونو څخه دی اوخلق هم قانع کوی ځکه چه همدغه لغات دافهام اوتفهیم ارابه چلوی اودهرراز مطلب په اظهار کښ لویه برخه لری .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مصادر :

مصدر رو نه په پښتو کښې لکه نـو ری ژ بی بعضی لاز می او بعضی متعد ی وی مگر دبعضی افعالو دپاره دری قسمه مصدر هم شته چه یوه ته متعدی اودوه نورو ته بایدلازمی اختیاری اوغیر اختیا ری وویل شی .

لکه : ـ لمبول ، لمبل ، لمبیدل ـ لمنډول ، لمنډکول ، لمنډبدل ـ لمنګول ، لمنګل لمنګبدل غپول ، غپل ، غپیدل ـ داراز مفهومات چه مونږ په فارسی کښ هر یوه ته کلمات نلرو بایدپه هره ژبه کښ الفاظ ولری ، همدارنګه په پښتو کښ بعضی نور مصادرهم شته چه فارسی یی نلری . لکه : (ویشتل) په معنی د (رمی) او (ختل) په معنی د (طلوع) چه دضرورت له لاملـه ترینه په عربی تعبیر کوو . همدغه شان (وهل) او (ییول) یا (راوهل) او (راوستل) چه په فارسی کښ دخلور واړو په لمای (بردن) او (اوردن) استعمالیږی اودپښتو امتیاز پکښ ورکیږی دامصدرونه اودغه شان بعضی نور مصادر ددی ژبی دوسعت ښی ښی نمونی دی چه په بعضی ژبوکښ نشته نوویلی شوچه پښتو دمصادرو اومشتقاتو له لاوری کافی اومکمله ذخیره لری اوهرراز مفهوم اداکولی شی .

په پښتو کښ غیرله مصادرو نورهم داسی دپرلغات شته چه په فارسی یابعضی نورو ژبو کښ یی عوض نه مومو . لکه (لور) او (جلی) چه په فارسی کښ ددواړو په لمای (دختر) ویل کیږی اوپه پښتو کښ یو له بله دپر فرق سره لری اوهریو پخپل لمای کښ استعمالیږی .

مثلاً ویل کیږی : داجلی دفلانی لورده ـ چه جلی ته په عربی (صبیه) اولورته (بنت) ویل کیږ ی ، یا — لکه (لمیږ) او (لواړ) چه هر یو لمانته یله معنی لر ی ، لکه لو اړ او ږه اولمیږه تیږه ـ چه دلواړ جانب مقابل میده او دلمیږ شوی رالمی ؛ همدغه شان (پوست) او (خولږین) چه په یل یل لمای کښ استعمالیږی ، لکه : پسته دوډی ـ اوخولږینه اوګره یاغوښه ـ چه هرپښتون یی په فرق باندی له ورا پوهیږی اوپه فارسی کښ دغه فرق ورك شوی دلمړیو دواړو لفظوپه لمای (درشت) اودو روستنیو دوه وپه عوض (نرم) ویل کیږی .

همدغه شان (کشر اوکوچنی) یا (مشراولوی) په پښتوکښ ښکاره فرق لری چه کشر اومشر په اصل کښ دعمراوسن دکمیت په اعتبار اوکوچنی یالوی دجسامت اوسن دواړو په لحاظ استعمالیږی ، مثلاً ویل کیږی ، داسړی مشردی ، داغږ لوی دی چه غږه ته مشر نه ویل کیږی یعنی لوی دمشر په لمای کښ استعمالیدی شی اومشر دلوی په لمای نه ویل کیږی . داخصوصیت دفارسی پدی دوه ټکو (خورد ، کلان) کښ ورك شویدی همدغه دول (لمونی ، لملمیتوب) دمعنی په اعتبار څرګند توپیر لری لمکه چه لموانی پخپل مفهوم کښ عمومیت لری ، یوازی په انسانانو پوری خاص ندی په حیواناتو کښ هم استعمالیږی اولملمیتوب په انسانانو پوری اختصاص موندلی آس یاغویی ته هیڅکله لملمی نه ویل کیږی .

دافرق هم په فارسی کښ د (جوانی) په کلمه کښ پته شو یدی . لنده داچه دپښتوله یلو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لاندی داسی ډیر محاسن پټ دی چه پښتانه هم‌لاتراوسه پوری ورته ندی ملتفت شوی اولکه خنگه چه ددی خاوری نور قیمتی شیان پټ پاتی دی همدغه شان یی ژبه هم یوه پته خزانه اوسربسته کتابخانه ده چه ورو،ورو، ورته خلق‌ملتفت کیږی ، که‌مونږ ددی ژبی لغات له ژوری کتنی لاندی ونیسو اوزیات تحقیق پکښی وکړو ارو مرو به مو مضمون له هغی تا کمل شوی اندازی اوزد شی نودنمونی په ډول څولغتو نه چه سمد لاسه مخی ته رائی اوپه فارسی کښی ورته الفاظ یخی نلرو اوپه عوض یی عربی استعمالو ویادځو لغتونو په عوض یولغت لرو د مثال په طور لاندی لیکو .

لغات	ترجمه	لغات	ترجمه
اغیزه	تاثیر	تا کل	تعین
لوښی	ظرف	بوب ، نگه	خالص
مینه	عشق ، محبت	کټ مټ	عیناً
بډی	رشوت	وډانگی ، پلوشی	شعاع
کرکه	نفرت	ویسا	اعتماد
وده	نشوونما	ویاړ	عیب
واک	اختیار	ونه	قد
تور	تهمت	جواری	قمار
تیری	تجاوز	کلک	محکم
څیر ، ډول ، راز	طور ، قسم	ترکان	نجار
گالل	. . .	برمته	. . .
غولی	صحن	شیبه	ساعت
مبتلی	مستعمل	سیال	کفو
بسپنه	. . .	سیمه	. . .
پردیس	مسافر	گروهیدل	اعتقاد
لوری، خوا،		هسك،جگ ،لوړ	
پلو، لودن	سو	اوچت ، دنگ ،	بلند
تیاره، تروزمی ،		پرېکول، غوڅول	بریدن
تورتم	تاریکی	څملاستل ، ویدیدل	
		بیدیدل ،	خواب شدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

لغات	ترجمه
لړل ، خوزول ، ښورول .	شوردادن
نری ، مئین	باریك
ولیدل ، پرېوتل ، پرزېدل ، غورزېدل ،	افتادن
پورته ، پاس ،	بالا
واښه ، پروړه ، بوس	کاه
وریځ ، ادوره ،	ابر
پالنه ، روزنه ،	پرورش
لیدل ، کتل ،	دیدن
نړول ، ړنګول ،	لمباندن

قواعد :

دلته زمونږ غرض دانه دی چه د دی ژبی په ګرامر باندی څه علمی بحث وکړو ، پدی برخه کښ مونږ یوازی د پښتو بعضی ګرامری خصوصیات چه نسبت فارسی یا کومی بلی ژبی ته یی لری د اختصار په ډول لیکو .

پښتو لکه څنګه چه د تذکیر او تانیث له کبله لکه عربی خو راپراخه ژبه ده او د تانیث د پاره ډیری زیاتی علامی لری همدارنګه د جمع د پاره هم زښت ډیر اوزان لری چه له فارسی سره هیڅ نه مقایسه کیږی ځکه چه فارسی د جمع د پاره یوازی همد غو مړه کوی چه د مفرد په آخر کښ (ها) زیاتوی او بس ، په ادبی کتابونو کښ لا بعضی جمع په الف اونون او بعضی په (ګان) سره لیدل کیږی چه په محاوره کښ نه اوریدل کیږی ، په پښتو کښ حروف مغیره چه په عربی اصطلاح ورته عوامل وایی هم شته چه بعضی په وروستنیو او بعضی په ځکښنیو کلمو کښ تغیر پیښوی ، داحرفونه یو د اضافت دال او بل دنداحرف دی چه کله حذ فیږی هم او نور دالاندینی حرفونه دی : ـ د ، تر ، په (پر) بی ، ته ، سره ، پکښ ـ دا حرفونه په هره کلمه کښ عمل نه کوی او نه تل یوشان تغیر پیښوی ، داحروف یی له دری وروستنیو نورټول په وروستی کلمه کښ تغیر پیښوی او (ته) یا (سره) په ځکښنی کلمه کښ عمل کوی ، آخرنی حرف تجزیه کیږی (په) له کلمی نه ځکښ او (کښ) وروسته راځی .

داحروف که له هغه مفرد مؤنث اسم سره راشی چه په آخر کښ یی معروفه (ی) وی په ثقیله یی بدلوی ، لکه : ـ د ځوانی په وخت کښ ـ یا ـ په خوشحالی ییل شوه ـ او که له مصدر یا اسم جنس یا اسم عدد سره راشی نو په آخر کښ یی مجهول واو زیاتوی ، لکه : په ویلو

(c) ketabton.com: The Digital Library

هیڅ نه کیږی ـ ستاتر راتلو په زه دلته نا ست یم ـ فلا نی په څلورو ځی ـ غنمو سره یی جوار گډ کړی ـ لیکن په محاوره کښ اسم عدد کله پخپل حال هم پاتی کیږی .

داحرفونه په دغه جمع کښ چه آ خر حرف یی صحیح یا معروفه یا مجهو له (ی) و ی هم همد غه شان عمل کوی یعنی په آ خر کښ یی مجهول واو زیاتوی خومجهوله (ی) ارو مرو او معروفه په بعضی لهجوکښ حذ فیږی ، لکه : ـ د میږو پیر راوړه ، سړ یو یاسړوته ووایه ، له ځوانانو پوښتنه وکړه ـ داحرفونه هغه مفرد اسم چه په آ خر کښ یی ملینه (ی) یا خفی (ه) و ی د جمع په صورت گر ز و ی ، لکه : د سړی په لستو نی کښ څه شی د ی ؟ د ښځی په ټیکری کښ غله ده ـ بی مالگی دودی ښه نه ده ـ ماضی متعدی هم پخپل فاعل کښ عمل کوی که فاعل یی اسم جنس یا اسم عدد یاهغه جمع وی چه آخر حرف یی صحیح یا معروفه یا مجهوله (ی) وی نوپه آخرکښ یی مجهول واوزیاتوی اوکه مفرد اسم وی او په آخرکښ یی ملینه (ی) یاخفی(ه) وی نوملینه په معروفه او (ه) په مجهوله یی بدلوی ، لکه : فلانی اوبوویوړ یاخلوروکسو ووا هه ، سړی ویلی ، ښځی وویل ـ

همدا رنگه ،چا، ما ، تا، ده، دی ـ چه په معنی د څوك، زه، ته، دی، دا ـ دی او د مفهوم په اعتبار هیڅ فرق نلری په استعمال کښ همدغه توپیر لری چه لمړی ـ دلهله مغیره حروفوسره رائی اودماضی متعدی فاعل هم واقع کیږی لکه : ـ چاسره ځی. ماته څه وایی، بی ما دشل نکړه. په تاړه نلرم، تردې یاله ده احمد ښه دی، ده ویلی،په ما کښ دروغ نشته ـ او ور ستی دله غیر له دغوځایونه نورو مواقعوکښ استعمالیږی مگرهغه مصادر چه په سر کښ یی یوو او زیاتیږی اوماضی تری جوړیږی دهغو مصادرو ماضی که لازمی وی هم فاعل یی ـ ما، تا، ده ، دی، چا ـ رائی لکه : ـ ماولمبل ، مالمبلی و ـ ده و ځنگل ، ده ځنگلی و ـ چاو د نگل ، چادنگلی و ـ پدی پنځو کلمو کښ ، ماتاو تایو بل خصو صیت هم لری چه د فعل حال مفعول هم واقع کیږی لکه : ـ زه تالیږم، ته مالیږی ـ په پښتو کښ یو بل خصو صیت دادی چه ماضی متعدی دخپل مفعول په اعتبار تغیر مومی اوپه فارسی یاعربی کښ متعدی فعل ما ضی وی اوکه فعل حال لکه لازمی فعل دفاعل تابع وی ، لکه : ـ ما احمدو و ا هه ، مونږ احمد وواهه ـ چه په دواړو جملو کښ فعل دمفعول په اعتبار یوشان رائی ، ماتاو مونږ پکښ هیڅ تغیر نه پیښوی اوکه مونږ دامفهوم په فارسی ادا کوو نو ـ من احمدرا زدم، ما احمدر از دیم ـ به وایو اودفاعل رعایت به کو وهمدغه شان په عربی ـ ضربت زیداً ، ضربنازیداً ـ ویل کیږی اوفعل له فاعل سره مطابقت کوی ، لیکن پښتو اوفارسی بیاپدی کښ سره نژ دی دی چه په دوا ړو ژبوکښ فاعل اومفعول په خلاف دعربی له فعل څخه دمخه رائی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پښتو کښ په همدغه عربی حرکاتو باندی بسوالی هم نه دی شوی ، دزورکی په نامه یوبل حرکت هم په پښتو کښ شته چه له زورنه لږ خفیف اداکیږی، دا حرکت که له« ی »څخنی مخکښ راشی هغی یی ته ثقیله ویل کیږی چه دا ډول یی به هم په فارسی اوعربی کښ نه وی نوپه حقیقت کښ دایو مستقل حرف دی چه له نورو یا گانو سره قافیه کیږی هم نه په پښتو کښ په خلاف دفارسی اوعربی ابتدا په ساکن باندی هم کیږی چه پښتو ته آسانه اونورو ته یی تلفظ ډیر گران دی په پښتو کښ بالعکس دفارسی اوعربی صفت له موصوف اومضاف الیه دمضاف نه مخکښ راځی نو پښتو دگرامر په اعتبار له فارسی اوعربی دواړو څخه ځان بیلوی مگر خپل نږ دی والی هم ورسره ساتی .

دایوه لنډه تبصره وه چه دپښتو په گرامری برخه وشوه زیات تفصیل زمونږ لدی لنډی مقالی سره موافقت نه کوی دهمدی لامله مودحروف مغیره وتفصیل اوبعضی تغیرو نه پر یښوده اوله هغو نظریاتو څخه موهم صرف نظرو کړ چه اوس یی لاداظهار وخت ندی اوډیر او زده بحثونه غواړی .

محاوره :

په هره ژبه کښ لغات اوقواعد دمحاوری تابع اولاس لاندی وی ډیر محله داسی کیږی چه محاوره دیوه لغت اصلی اووضعی معنی په بله معنی بدلوی اولغت پخپله خوښه په مختلفو ځایو کښ استعمالوی نوویلی شو چه دژبی ټول خصوصیات دمحاوری په نالیکل شوی کتاب کښ درج او ثبت دی، که یوسړی دیوی ژبی کافی لغات زده کړی اوپه گرامر باندی یی هم پوره علم را ولی سړه لدی که له محاوری سره اشنانه وی خپل مطلب په یوه صحیح عبارت نشی ادا کولی .

که یوپښتون دفارسی په لغاتو پوهیږی اوله محاوری څخه نه وی خبر ضرور باید دسین غاړی ته گردن دریاووایی ځکه چه په فارسی کښ دغاړی ترجمه په گردن سره کیږی اوده ته دانه ده معلومه چه دفارسی محاوره پدی ځای کښ له پښتو نه مخالفه ده اودگردن په ځای (لب) استعمالیږی نو معلو مه شوه چه یو از ی لغات او گر امر سړ ی له د غسی غلطیو څخه نشی خلا صولی ، همدغه سبب دی چه نن د ژبو د زده کړی د پاره د محاوری (پرلیټس) اصول غوره شوی اوداخبره ومنل شوه چه په گرامری اصولو د یوی ژبی زده کول ډیر گران دی .

وگوری ! زمونږ علماء د عربی ژبی گرامر او ټول ادبی کتابونه په ډیر غور او دقت سره لولی او د لغاتو هم کافی ذخیره لری سره لدی په عربی نشی غگیدی ، نو هر کله چه هره ژبه ځانته محاوره اوخصوصیات لری باید د پښتو زده کوونکی لاځه چه لیکونکی هم

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو اصلي محاوري ته ښه ملتفت شي او پخپل لیك کښې د پښتو رنګ وساتي .

زمونږ بعضي لیکونکي چه تر پرونه پوري یې هرڅه په فارسي لیکلي او لوستلي دي د لیکلو په وخت کښې د پښتو خصوصیات هیروي اوخپل مطالب چه په فارسي پیرایه کښې ددوي په ذهن کښې پراته دي په پښتو د ترجمې په ډول لیکي ، مونږ ډیر ځله په جرایدو کښې پښتو عنوا نونه وینوچه د محاوري مراعات پکښې نوي شوي مثلاً ددي په ځای چه (نیالګي ایښو دل) و لیکي نیالګي کښینول چه د نهال شانۍ ترجمه ده لیکي اوخپلي سهوي ته هیڅ نه ملتفت کیږي .

زه دانشم ویلي چه سړي به لدي تاثیره ځان سمدلاسه بیخي خلاص کړي شي ځکه چه په یوه ځای کښې ددوه ژبو اختلاط اوګډوالي ضرور داتاثیرلري چه یوه ژبه په بلي اثرو کړي او خصوصیات یې سره ورك یاپټ شي لکه چه اوس په پښتو اوفارسي دواړو کښې د پټکي په نسبت دادوه محاوري اوریدل کیږي چه یو وهل او بل تړل دي مګر په اصل کښې شاید د اسي نه وي یوه د پښتو او بله د فارسي وي چه وروسته یې د اختلاط په اثرکښې په دواړو ژبو کښې داسي عمو میت مو ند لي و ي چه اوس یې څوك فر ق ونشي کړي ، ز مونږ غرض في الحاله همدغومره دي چه هرڅوك دي خواته ملتفت شي او د پښتو اصلي اوعارضي محاوري حتي الامکان یوله بله بیلي کړ ي .

اوس سړي له بعضي پښتنو داهم اوري چه (غلو لوڅ کړم ، سترګي یې خلاصي کړ ي) مګر که څوك غورو کړ ي ، هغه پو هیږي چه د پښتو اصلي محا وره دانه ده بلکه دا د فارسي اثردي چه په پښتو ولیدلي دي ، څوك چه لدي تاثیرڅخه خلاص دي هغه وایي ـ غلو وشکولم سترګي یې وغړولي ـ نولیکونکي باید ډیر غوروکړي او د غه ډول محاوري له لاسه و نه باسي او ز یار و کاږي چه د پښتو هغه اصلي محاوري چه نن هیر ید وته نږ دي د ي بیرته د خلقو غوږ و ته ور سو ي .

سره لدي چه نن عام پښتانه وایي چه : فلا ني ډوډۍ خوري او د جملي ته هیڅوك غلط هم نشي ویلي مګر که لیکونکي ددي په عوض (ناري کوي) هم استعمال کړي اودامحاوره ترك نکړي ډیر به ښه وي ځکه چه دامحاوره که له لاسه واوزي یو لغت (ناري) چه دپښتو خاص لغت دي او په فارسي کښې نشته هم له ځانه سره وړي ، نوباید چه محاورات ښه و ساتل شي ځکه چه دژبي مخصوص لغات دمحاوري په لمن کښې پراته وي . که مونږ دمحاوري خواته زیا ته توجه وکړو پردیو لغاتو ته هم دومره نه اړیږو ، مثلا ددي په ځای چه داسړي له ماځني منع کړه ویلي شو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چه داسې له مانځنې واړوه ، همدارنګه دتابع کیدلو په ځای ، غاړه اینبودل ، او د اقتدار په ځای لاس بریدل ویلی شو .

ډیر خلق داوایـی چه : فلا نی دیده ودانسته دغسی وکړه او ددی دپاره په پښتو کښ (په لوی لاس) محاوره موجوده ده چه همدغه مفهوم ادا کوی .

غرض داچه دپښتو لمن له هری خوا پراخه او اوزده ده چه دهر مفهوم دپاره ډیرلغات اومختلفی محاوری لری ، اوداڅ به په همدغه حال کښ هم چه ډیره موده لکه شاړه مځکه له سترګو غړانده اوبی روزنی پاتی‌وه اوله بلی‌خوا پری باندی دیوی‌بلی ژبی زورورطوفان هم راغلی چه باید ددی ژبی هرڅه‌یی په مخ وړی وای اوهیڅ ورته نه وای پاتی سره لدی دی لاڅپل موجودیت تراوسه پوری ساتلی دی چه‌اوس هم په‌بعضی لویوڅبو څرګند اوښکاره فوقیت لری اوپه همدغه حال کښ هم پښتا نه په خا لصه پښتو نثر ا و نظم ښه ښه مضمو نو نه لیکلی شی .



(c) ketabton.com: The Digital Library

نوی کابل

بقلم آقای محمد ابراهیم خان «عفیفی»

اهمیت شهرها در زندگانی انسان - شهرها در افغانستان - اصلاحات شهری - اصولنامه و پلان هفت سالهٔ نوی کابل .

انسان درزندگانی خود پس‌ازغذا ولباس محتاج مسکن ومنزل است . برروی این احتیاج مبرم نوع انسان به‌تعمیر منازل وعمران بلاد وشهرها پرداخته ودرآغوش‌آن خودرا ازآسیب عوارض اقلیم ومحیط مأمون ساخته است . شروع شهر نشینی در حیات انسان فصل جدیدی باز نموده است . تاآنوقت که کتله های انسانی به قطعات معدود ومتفرق زیست می نمود همیشه محکوم ومنقاد بوده از آزادی وحریت نصیبی نمی‌برد . اما پس ازانکه بشر داخل حیات شهر نشینی شد گوئی دربین افراد وجماعات مختلف که سابقاً عناصر غیرقابل الترکیبی محسوب میشدند در نتیجهٔ تماس وتبادل منافع وتداول افراد فعل وانفعالی بوجود آمده وازآن افکار وآرامی جدیده وعقائد تازهٔ بوجود آمد که به کلی چهرهٔ زندگانی انسان را تغیر بخشید .

اجتماعیون به حیات شهری که نقطهٔ تکاثف توده های انسانی است اهمیت خاصی قائلند وبرای بساحادثات اجتماعیه ازهمین‌جا دلائل میبابند . مثلاً بین‌تولید ونموی افکار دموکراسی وتبدلات بنیهٔ اجتماعیه یك‌رابطهٔ قوی دیده می‌شود وواقعاً تزائد جوامع از حیث کمیت باعث انکشاف مساوات افکار گردیده است .

موسیو بوگله بین انکشاف حقوق روم ووسعت قلم رو آن رابطهٔ مهمی‌در یافته وچنانچه معلوم است واقعاً در روزگار اخیر حاکمیت روم سدهای حقوقی که توده هارا از اختلاط باز میداشت مرتفع شده وباینوسیله دامنهٔ حاکمیت روم میخواست وسیعتر بشود .

اجتماعیون برای دورهٔ فسود البته (ملوك الطوائفی) در اروپا وعدم مساوات آن هم ازین ناحیه دلیل آورده‌وآنرا مولود تنزل جوامع ازحیث کمیت میدانند . مؤرخین نیز درتائید این نظریهٔ اجتماعیون میگویند که درین دوره حیات انسان خیلی محدود ومساعد برای اصول ملوك‌الطوائف بوده است . اما ازطرف دیگر اجتماعیون تزائد مبنی برکمیت را تنها باعث مساوات افکار نمیدانند چنانچه در دورهٔ مدنیت آشور وکلده ومدنیت های پیش از مدنیت

(c) ketabton.com: The Digital Library

یونان باآنکه تزاید مبنی برکمیت وجود داشته ولی ازمساوات افکار اثری دیده نشده‌است . پس برای تولید مساوات افکار علاوه ازتزائد جمعیت ازنقطهٔ نظر کمیت یك اصل دیگری هم ضرور است که آن عبارت از تزائد کیفی میباشد . امروز دیده می‌شود که درچین وهند تزائد کمی جمعیت بحداعلای خود رسیده مگرافکار دموکراسی زمینهٔمساعد برای نشوونما نیافته‌است . چه‌اصول کاست(طبقه)ودیگر موانع حقوقی وعادات ایشانرا ازهم جدانگاهداشته است . وتکاثف معنوی وجود ندارد . چون حیات‌اجتماعی درشهرهای بزرگ خیلی کثیف وتماس‌افراد متمادی وغیر قابل اجتناب وافکار واحساسات در تبادل است بنابرین برای مساوات افکار مساعد بوده واز همین‌جا است که افکار دموکراسی درشهرهای بزرگ منظم نشو و نما میابد .

پس از لحاظ اجتماعی شهر نشینی محل فعل و انفعال افکار واخلاق ومنبع بروز تجددات وخانه پرورش فکروذوق انسان است .

اگر شهرها منظم وبارونق وعمارات وخیابان ها مستقیم واصولی بناشود مردمیکه در ان زندگانی می نمایند از جمال وزیبائی آن چه ازحیث پرورش حس بدیعی وذوق وچه تامین صحت وتندرستی بهره مندی کامل حاصل می نمایند . مردمیکه در آغوش چنین یك محیط درخشان زندگانی میکنند ازتظاهر زیبای آن‌الهام «خوبی ونیکی» میگیرند وتربیت میابند. پس دیده میشود که شهر ها نه تنها از حیث اجتماعی بلکه از لحاظ صحت وراحت و اقتصاد وحتی اخلاق وتربیت توده نیز اثراتی دارد که نمیشود ازان صرف نظر کرد .

برروی همین اساسات ونظریات است که امروز در عالم توجه کامل بطرف اصلاح شهرها و منازل معطوف میشود ومیخواهند که درشهرها ازهر حیث وسائل راحت وپرورش روحی وجسمی افراد را فراهم سازند . سابقاً چنین گفته میشد که معیار حفظ صحت انسان دردهات بلندتر ازشهر هاست مگر از احصائیه های که در امریکا ترتیب شده چنین برمی‌آید که فعلاً (در امریکا) معیار حفظ صحت در شهرها بلند تر از دهات رفته است ودلیل اقرا هم چنین ذکر می نمایند که دراوقات اخیره شهرها چه ازحیث ساختمان عمارات وچه رعایت شرائط حفظ الصحه خیلی ترقی کرده و ازین حیث از دهات پیش افتاده وبنا برین در تعداد وفیات کسر بعمل آمده است .

از نقطهٔ نظر دیگر معماری که وسیلهٔ ساختمان ابنیه وعمارات است درجملهٔ صنائع ظریفه حساب میشود ومعلوم میگردد که غیر ازرفع یك احتیاج مبرم که تعمیر منازل است این صنعت به ذوق بدیعی وحس جمال ما نیز خدمت میکند . و اقعاً معمار مانند شاعر ونقاش ومجسمه سازو صنعتگر بحساب میرود چه طوریکه شاعر ونقاش و مجسمه ساز با تألیف کلمات والفاظ وبهم آمیختن خطوط والوان وترکیب وتشکیل مواد شعر وتصویر ومجسمهٔ زیبا بوجود آورده حس

(c) ketabton.com: The Digital Library

بدیعی مارا تحریك نموده جلب تحسین می نماید معمار نیز باموادجامد تر (که تصرف او در ان محدود است) یك بنای زیبا بوجود آورده وهمانطور که قرائت یك شعر استادانه احساسات مارا بشور آورده متلذذ میگرداند یك بنای زیبا نیز نظر توجه مارا جلب نموده ومتأثر می سازد. پس میتوان گفت که یك بنای باحشمت وقشنگ نیز (منحیث تاثیر) شعر است اگر در ساختمان آن دقائق فنی رعایت شده. واحساسات مارا بشور آرد.

تجدد در اسلوب بنا وتنظیم شهرها از مهمترین مسائل حیاتی عصر حاضر بوده و طوریکه می بینیم درتمام ممالك عالم درین قسمت جدوجهد بابلغ نموده وانتظارات مهمه در حسن احوال زندگانی عامه ازان دارند.

شهر ها در افغانستان :

در اینکه : اسلوب بنا در افغانستان چطور بوده ؟ وشهر ها چطور تعمیر می شده ؟ سخن به قطعیت نمیتوان گفت و اگر مطالعهٔ درین قسمت مطلوب باشد باید بدوره های قبل الاسلام ودوره های اسلامی رجوع کرد. از آثار وخرابهای قدیمی که در نقاط مختلف در دسترس مشاهدهٔ ماست بخوبی پیداست که این سر زمین اسلوب های مختلفی را در طرز ساختمان عمارات در طول قرون طی کرده است. مشاهدهٔ آثار باقیه وخرابهای قدیمه در بلخ وبامیان وهرات وغیره نمونه های کوچکی از ادوار قبل وبعد از اسلام درین زمینه بدست میدهد.

در افغانستان که بین دو دریای مهم اندس (سند ه) اکسیس (آمو) وقوع داشته ومعبر مهم برای دو وادی بزرگ واقعه در اطراف این دو دریا میباشد شهر های بزرگی چون بلخ وکابل وغزنی وهرات وقندهار بوجود آمده وهرکدام در دورهٔ خود جلال وعظمتی داشته اند. اما متأسفانه تجاوز وحملات طوایف بیگانه درین کشور و مقاومت های اقوام و قبائل در برابر آن ونیز اغتشاشات وانقلابات داخله در قرن های اخیر فرصتی برای تجدید عمران وآبادانی بلاد وشهرها (که طبعاً محتاج امنیت وراحت است) بدست نداده وبنابرین است که تا قبل از شروع دورهٔ استقلال افغانستان تعداد این قسم آبادانی های بزرگ انگشت شمار است وجز شهر قندهار که ازطرف اعلیحضرت احمدشاه درانی اساس آن به بهترین صورتی گذاشته شد، دیگر اقدامات متفرقهٔ شهرسازی ازقبیل عمران وتوسیع کابل درعهد تیمور شاهی شایستهٔ این اسم گفته نخواهد شد.

اصلاحات شهری:

درین پانزده سال اخیر وخصوصاً بعداز نجات وطن وعصر درخشان مصلح بزرگ افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی که جامعه نفسی براحت کشید وزمینه برای احیای این آرزو وبسا آمال بزرگ دیگر مهیا گردید ، حکومت مصلح ایشان درین باره مطالعات دقیقی را که متناسب بااوضاع معاشرتی وحوائج مختلفهٔ جامعه باشد شروع کرد چنانچه در مدت کوتاهی مشاهده کردیم که دوش بدوش اصلاحات مهمهٔ دیگر درعمران بلاد وآبادی شهرها مطابق یك پروگرام تدریجی قدم های استواری برداشته شد اینك امروز درعصر در خشان زمامدار جوان ومحبوب خود المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهرشاه به کمال مسرت می بینیم که علاوه از اصلاحات مهمهٔ شهری وتعمیرات فراوانی که درکابل بعمل آمده درتمام ولایات دیگر مانند قندهار و هرات ومزار وبلخ وخان آباد وجلال آباد ومیمنه وگردیز وغیره نقاط مهمه اساس شهر های جدید وتعمیرات مهمه گذاشته شده وهر ساله برعدهٔ آن افزوده شده میرود .

مشاهدهٔ این اوضاع حکایت از اقدامات بزرگ ومهمه می نماید که در افغانستان برای اصلاحات شهری بعمل آمده واینهمه دلیل بر استحکام امنیت وتامین اسباب رفاه وراحت مردم است که چنین فرصت مسعودی بدست داده است وامید است نتائج بزرگتر ودر خشانتری ازان برای آبادی کشور بدست آید .

نوی کابل :

یك پایتخت جدید برای افغانستان که درهر چیز نمونه برای اصلاحات مهمه در تمام کشور باشد کمال لزوم را داشته ـ حکومت مصلح ما ازاول مرحله متحسس این اصل بوده اما ازجهات اقتصادی که صدمهٔ شدیدی به بنیهٔ اقتصاد کشور در اثنای انقلاب گذشته وارد آمده بود موقع مساعد برای اینکار لازم ومهم بوجود نیامده ـ تا اینکه درظرف سالهای اخیر باثر توجه واقدامات حکومت مصلح ماوراحت وآرامی کشور زمینه اقتصادی مملکت تقویه یافته واینك خوشبختانه برای عملی ساختن این منظور بزرگ حاضر گردیده است .

پایتخت جدید که کانون فعالیت اصلاحی تمام کشور میباشد باید برای این همه اصلاحات بزرگ نمونهٔ مجسمی بحساب رود . کسانیکه درین شهر زندگانی میکنند کسانیکه از اطراف وولایات کشور دراینجا وارد میشوند . کسانیکه ازخارج مملکت برای سیاحت افغانستان وارد میگردند باید این کانون رامنبع نور وفروغی دریابند که در پرتو آن بتوانند برای عظمت وبزرگواری آیندهٔ کشورما الهامی بگیرند ـ خوشبختانه بهترین مقامی برای ایجاد یك چنین کانونی درمجاورت کابل واقع میباشد واین مقام چنانکه خوانندگان محترم میدانند خطهٔ سرسبز وفرح بخش چهاردهی است .

برای ساختمان « نوی کابل » همانطور که انتظار میرفت یك اصولنامهٔ جامع از طرف

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکومت مطبوعهٔ ما تدوین وبعد هابرای عملی ساختن نقشه های عمرانی «نوی کابل» ریاست عمرانی مخصوصی بنام «ریاست امورات نوی کابل» تشکیل گردید.

برای تطبیق امور عمرانی «نوی کابل» یك پلان هفت ساله ترتیب شده که مطابق آن امور مطلوب عملی شده میرود. تاکنون قسمت کلی عمارات محلهٔ نمبر ٤ که تحت تعمیر بود پیشرفت خوبی نموده بقیه امور ساختمانی نیز متدرجاً مطابق نقشه وپلان مرتبه عملی شده میرود. درخاتمه: مراتب شکر گذاری وامتنان خود را بمناسبت این اقدام مهم بحضور هیئت محترم دولت تقدیم داشته امید واریم حکومت مصلح ما که جداً خواهان آبادی وعمران مملکت است درانجام این عمل بزرگ (که باعث آبرومندی کشور است) کاملاً موفق وکامگار شود.

درپایان مناسباً سواد اصولنامهٔ «نوی کابل» وپلان هفت سالهٔ تعمیرات انرا برای اطلاع علاقه‌مندان درج می نمائیم.

سواد اصولنامهٔ ابنیهٔ (نوی کابل)

۱ ـ یك هیئت ادارهٔ کننده عمارات (نوی کابل) که از اشخاص متخصص فن تعمیر وباتجربه هستند تحت ریاست یکنفر مدیرعمومی در ریاست بلدیهٔ کابل تشکیل میشود وظیفهٔ این هیئت این است که ترتیبات وتنظیمات تعمیرات وشکل حصه های زمینی که فروخته میشود ومنظوری نقشه های ابنیه رانموده اجازهٔ ساختن تعمیرات راموافق به نقشه‌ها میدهند ومواظبت می نمایند که نقشهٔ ابنیه به اصول بسیار صحیحی ودرست ساخته شود.

۲ ـ هیئت ادارهٔ زمینی راکه برای شهر محدود شده به تدریج هرقطعه راکه ریاست بلدیه تعین نماید به ترتیب تسطیح فنی تشکیل خیابانها ومحله ها وزمین هائیکه اجازه برای ساختن داده میشود ومجرای آب های کثیف مزبله هارا بخارج شهر مینماید وهرشخصیکه بخواهد نظر به ثروت ومکنت خود درآن قطعه زمینی را انتخاب واز بلدیه خریداری میتواند.

۳ ـ هرشخصیکه خیال ساختن ابنیه راداشته باشد قبل ازشروع بکار تعمیر نقشهٔ عمارت خود را به هیئت اداره نشان داده هیئت مذکور اگر آنرا قبول وپسند نمایند اجازه میدهد وباید شخص مذکور نقشهٔ منتخب شدهٔ خودرا سه نسخه ترتیب وبه هیئت تقدیم دارد تاپس از تصویب واجازهٔ ریاست بلدیه بکار تعمیر شروع نماید.

اولا: نقشهٔ گل وجامع زمین وعمارات.

دویم: نقشه های افتاده واستاده وبریده هریك ازابنیه وهمچنین اندازهٔ ومحوطهٔ دروازه های دخولیه بکوچه این نقشه‌ها باید بمقیاس ذیل باشد.

نقشهٔ حدود زمین وخانه یك دریك هزار.

نقشهٔ افتاده واستادهٔ هرسمت وتراشخانه وکتاره یك دریکصد واگر نقشه‌های ضروری تعمیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

خودرا ازادارهٔ تعمیرات (نوی کابل) خواهش کنند ازنقشه‌هائیکه به‌ادارهٔ مذکور موجود است هرکدام راپسند کنند نیز مجانا برای شان داده میشود .

هیئت اداره مؤظف است که نقشه هارا بدقت وارسی کرده و دریکی ازنقشه های مذکور بامضای هیئت اجازهٔتعمیر بدهد درصورتیکه نقشهٔ معرفی شده‌ازمالك زمین قبول‌هیئت نشودجهات ودلائل قبول نکردن نقشه‌را کتباًبه شخص مذکور شرح داده ونصائح لازمه برای تصحیح کردن نقشه میکند تابعد از تصحیح نقشهٔ جدید حاضر ومرتب نماید که قبول هیئت بشود واگر مالك زمین بروفق نقشهٔ که‌بامضاء وتصویب بلدیه دردست دارد مشغول‌تعمیر باشد ودرحین تعمیر ملاحظه نماید وبخواهد که‌تعمیرات جدید یاتوسعه درتعمیرات خود بدهد این‌تغیرات وتوسعه رانیزباید که‌سه نقشه باداره حاضرکرده ومجدداً ازاداره اجازهٔتحریری گرفته مشغول به تعمیرات شود .

اگرشخص مالك زمین نقشهٔ هیئت‌را بپسند ومایل باشد که بعضی تغییرات جزئی وکلی به‌نقشه داده‌شود اظهارات خودرا به‌هیئت پیشنهاد کرده واگرمخالف نظامنامهٔ هذانباشد وقبول‌هیئت بشود آن تغیرات را اجازه گرفته مشغول تعمیر آن بشوند .

مدیریت تعمیرات (نوی‌کابل) ومامورین‌فنی که‌درادارهٔ اومیباشند مواظبت نمایند تغیراتیکه میشود کاملا موافق اجازهٔ بلدیه باشد وبرخلاف‌اصول‌ونقشه کارنشود درصورتیکه دراجرا آت آن ازقرار نقشه که‌اجازه داده‌شده مخالفتی رخ‌دهد شخص‌معمار وتیکه‌دار ومالك زمین مجبوراند که‌مخارج ومصارف خرابی وازنوساختن برحسب‌نقشه رابرعهده بگیرند ودرتعین‌اندازهٔ مسئولیت دربلدیه محاکمه نموده ازقرار نتیجهٔ محاکمه هریك به اندازهٔ مسئولیت بتأدیهٔ مصارفات مذکور خواهند پرداخت .

٤ ـ همه عمارات ازسرك‌ها وگلدان به‌فاصله‌های متعینهٔ ذیل ساخته میشوند وهمچنین فاصلهٔ یك عمارت ازدیگر عمارات اقلا بیست متر میباشد .

بقرار نقشهٔ اساسی :

از سرك نمبر (١) ٢٠ متره .

از سرك نمبر (٢) ١٥ متره .

از سرك نمبر (٣) ١٠ متره .

از سرك نمبر (٤) ٥متره .

درین منطقه ها هیچ‌نوع تعمیر نمیشود مخصوص‌باغ وگلکاری بوده همه‌را باغچه های منظم و خوش ترکیب خواهد ساخت .

٥ ـ عمارات (نوی کابل) اقلایك طرف آن بجانب سرك ساخته میشود وهرکدام ابنیهٔ خودرا بقرار خواهش خود یك پوششه یازیاد آباد نموده میتوانند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

علاوه برآن به ساختن پیاده‌خانه وتحویلخانه یاطویله وگادیخانه بقراراحتیاج مجاز هستند اما این‌بنا هارا حتی‌المقدور دریك‌گوشهٔ زمین‌خود که ازکوچه دیده نشود بسازند .

شکل و ترتیب عمارات عموما قرار نقشهٔ منظمهٔ این اصولنامه اجرا خواهد شد .

٦ ـ هرشخص مجاز است برای ابنیهٔ خود معمار تعین کند ویابه شرکتهای تعمیریه منفرداته تیکه‌بدهد امامعمار هائیکه به عمارت شان کار میکنند خواه ازطرف شرکتهای تعمیر وتیکه دار های‌منفرد ویاازطرف خودشان‌باشد بایداشخاصی باشندکه شهادتنامه واعتمادخط هیئت متخصصین (نوی کابل) رادارا باشند بناهای زیر دست این معمارها اگر شهاد تنامه هم نداشته باشند ممکن است .

٧ ـ تجارب ثابت کرده است : یك تعمیر که از خشت خام وگل باشد هرساله متصل باعث خرابی بوده همیشه به‌تعمیرات مبلغ‌ها صرف میشود وبالاخره این‌نوع عمارات که کم قیمت به‌نظر می آید گرانتر ازمواد پخته کاری تمام خواهد شد لهذا باید درتعمیرات ازخشت خام وگل کار گرفته نشود .

حصهٔ که برای غربا تعیین میشود ترتیب علیحده دارد وازین امر مستثنی است .

٨ ـ دوشخص همجوار مالك‌زمین میتوانند کهمابین خود موافقت نموده یك راهی میان‌زمین های‌خودباز نمایندوتنها یکشخص‌بطرف‌زمین‌خودنیزاین راه‌را کشیده‌میتواندولی‌لازم است‌درافتتاح این‌راه ازهیئت اداره اجازه حاصل کنند وباید این‌راه پخته کاری وهمیشه پاك‌وصفا بوده آبرو درست ویك دروازه که بسته شود بسرك داشته باشد .

٩ ـ دیوار های محوطهٔ مابین زمین دوهمسایه باید متعلق بهردو باشد واین‌دیوار بطوری ساخته میشود که‌سر خط زمین دوهمسایه بنیاد شود مصارف این دیوار بذمهٔ جانبین است .

درصورتیکه یك حصهٔ زمین خریداری شده وهمسایهٔ آن هنوز معین نشده باشد مالك معین زمین دیوار را ساخته میتواند ودرهر وقتیکه همسایه پیدا کند چون که‌این دیوارتعلق بهردو نفر میباشد به اساس برآورد نصف قیمت آن‌را ازهمسایه میگیرد .

ارتفاع دیواریکه متعلق‌بدوهمسایه است‌سه‌متر وپهنائی آن‌پنجاه‌سانتی مترمساوی‌نیم مترمیباشد اگریك‌مالك زمین‌مائل‌باشد که‌ارتفاع‌وعرض این‌دیوار رازیاده‌نماید میتواند ولی بشرطیکه مخارج ومصارف آن‌رابعهدهٔ خودگرفته پهنای اضافهٔ آن‌رادر زمین طرف خود بسازد وبرعلاوه شرایط ذیل‌را منظور دارد :

١ : دیوارهای متصل‌سرك‌ها بایدکاملاپخته وازسرك‌هابانداز‌هٔ مجوزه‌فاصله داشته باشد .

٢ : هریك‌ازدو همسایه‌میتواند درین‌دیواری که‌متعلق آنهاست سوراخهائیکه ازساختن ابنیهٔ شان لازم است ازقبیل سوراخ برای گذرانیدن یك‌تیر چوبی یا آهنی بکشند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳ : دوهمسایه بدون موافقت واجازهٔ همدیگر نمیتوانند کلکین ویادروازه بدیو ار مشترك خود شان باز نمایند .

٤ : هردو همسایه درصورت لزوم میتوانند که دود رو های خانهٔ خودرا ازین دیوار ها باز نمایند .

٥ ـ مخارج ومصارف تعمیرات بعضی خرابیها وتجدید ساختن این‌دیوارها رابابد هردونفر همسایه مساویانه بعهده بگیرند .

٦ : ممکن است برای تعمیراین دیوار ازجهات عدیده یااینکه‌یکی از دوهمسایه ار تفاع سه‌متر را کافی نداند مخارجات ضرورت پیدا کند .

درصورتیکه دونفر همسایه بنابروجه راجع به‌مرمت کاری ها وتعمیرات ومخارج این دیوار باهم مساعدت وموافقت نداشته باشند ودرین آنها مخالفتی پیش آید بلدیه نا موافقتی آن را قضاوت کرده حکم بحق خواهد داد .

۷ : اگرمرمت وتعمیرات لازمه برای این دیوار پیش آیدوسبب وباعث این‌مرمت‌کاری‌ها ومخارجات غلط کاری یکی ازین دوهمسایه باشد البته آن مخارجات بعهدهٔ همسایهٔ‌متعدی خواهد بود .

۸ ـ اگریك دیوارمحوطه‌را که درحالت‌طبیعی خودیعنی‌سه‌متر ارتفاع ونیم متر پهنابرای‌دوهمسایه کافی‌است‌یکی ازین دوهمسایه مائل است که‌ارتفاع آن‌بیشترازسه‌متر الی‌چهارمتر یا پهنائی‌آن اضافه ازنیم متر میباشد البته دیوار مرتفع تر ازسه متر وپهن تر ازنیم‌متر مصارف زیادخواهد داشت وهم لازم میشود که دیوار خراب ومجدداً محکم تر ساخته شود پس مخارج خراب کردن دیوار وتجدید ساختن آن کلیتاً بعهدهٔ همسایهٔ است که مائل باین امرشده است وهمچنین اگر همسایهٔ دیگر مائل باشد دیواری را که همسایه اش بلندساخته ودرمخارج باوشرکت نکرده از آن ارتفاع زیاده ترازسه متراستفاده نماید درینصورت لازم است که‌در تمام مخارجات ومصار فاتیکه برای این دیوار شده است باهمسایهٔ خود شرکت کند .

بعضی تزئینات واستر کاری که به‌سلیقهٔ شخصی تعلق‌دارد هرکدام همسایه که بدیوارجانب خود کند مخارج آن تعلق بخود او ست .

۹ ـ دیوارهای‌بین دوهمسایه هرگاه‌بمیل ورضائیت جانبین‌تا کرسی سنگ کاری‌وچونه وبعد از آن خام‌کاری وسفید کرده شود نیز بعداز غورلازمه اجازه داده‌شده میتواند اما بشرطیکه این قسم دیوارها عموما ازسه متر ارتفاع تجاوز نکند ومتصل راه و سرك عام نباشد .

۱۰ ـ ارتفاع سنگ کاری دیوارهای محوطهٔ پیش‌روی عمارات و طرف سرك که نشیمن مردانه است اضافه ازیك مترساخته نمیشود فقط پایه‌های کناره وپایه‌های دروازهای روبکوچه را بلند تر ازیك متر ساخته میتوانند ولی اندازهٔ بلندی کتارها باید یك اندازه مساوی باشد

(c) ketabton.com: The Digital Library

درهرحال بلندی کتاره وپایه‌هاخواه ازسمنت یاچوب وآهن باشد یکنیم مترخواهد بود .

۱۱ - بروی این‌دیوارهای‌پیش‌روی‌عمارات ونصف‌دیوارهای متعلق به‌دوهمسایه که درمادهٔ (۹) ذکرشده مالکین عمارت کارهای آهنی یاچوبی موافق به‌سلیقه بطرزمقبول‌بسازند امانقشه وطرح آنرا به‌هیئت اداره ارائه دادن شرط است هرگاه بالای دیوار مشترك بین دوهمسایه که کتاره ساخته میشود باندازهٔ مجوزه بجای کتاره دیوار خشتی بناشود نیزاجازه داد ه‌خواهد شد امابالای دیوار های روبروی عمارت طرح کتارهٔ آهنی‌یاچوبی یاسمنتی حتمی است .

۱۲ - همه مالکین عمارات رالازم است مجرای خارج نمودن آب‌های‌کثیف وکثافات خانهٔ خودرا تادیوار کوچه بسازند بلدیه این آبهای کثیف وکثافات را بعداز دیوار کوچه به مجرای عمومی خواهد رسانید .

۱۳ - زمین هرمحله که‌تقسیم میشود یك تکه ازآن حصه‌ها باغ تفریح خواهدشد این‌باغ هارا بلدیه اداره خواهدنمود .

۱٤ - نجار وگلکاری که مشغول کار تعمیرات‌وابنیهٔ رعیتی (نوی‌کابل) هستند آزا دانه مشغول کار خودباشند تاآخرکار تعمیر بدیگر کار تعمیرات سرکاری استخدام نمیشوند .

۱۵ - قیمت زمین به‌نسبت مرغوبی آن به‌تفاوت مطابق به‌لائحهٔ علیحده معین شده وبر ای اهالی به‌قسط فروخته میشود مبلغ‌قیمت آن درچهارسال بهرسال باقساط دوماه دردوما گرفته‌میشود.

۱٦ - سفرای خارجه بعداز اجازهٔ وزارت خارجه نسبت‌باندازهٔ‌وسعت وترتیبی که‌ازوزارت موصوف تعین شود بحصه هایکه از طرف بلدیه معین میشود تعمیر نمو ده میتوانند .

بهر حال ازپانزده جریب زمین اضافه داده شده نمیتواند .

۱۷ - قیمت اراضی‌منطقهٔ (نوی‌کابل) بترتیب ذیل تعیین وگرفته میشوند:

برای تجاری که اپارتمان‌های کرائی‌هوتل مؤسسه‌های اقتصادی‌ودکا نهاوغیره‌میسازندقیمت فی جریب نسبت بسرخرید ربع قیمت اضافه ترگرفته خواهدشد باقی بقیمت سرخرید با شخاص درموعد چهارسال قسط فروخته خواهدشد وبرای محلهٔ (٤) نسبت به‌سرخرید ربع قیمت تخفیف خواهد بود .

حداقل فروش به‌استثنای مؤسسات حکومت یك جریب وحد اکثر آن‌هشت جریب است .

به‌سرکهای نمبر (۳)و(٤) حداقل نیم جریب فروخته شده میتواند .

درمحلهٔ نمبر (٤) مطابق اصول وترتیب علیحده اجراآت میشود .

تبصره:قیمت درخت ازروی خرید بلدیه علیحده تعیین وگرفته خواهد شد.

۱۸ - عمارات محلهٔ (٤) ومامورین جزئی بقرارنمونه تاکرسی پخته وبعد از آن بالای دیوار میتوانند خام کاری نمایند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۹ ـ تسهیلاتی که برای اهالی درموقع ساختمان عمارات شان ازطرف بلدیه اجرا میشود قرار لائحه ومقرراتی خواهد بود که بضمیمهٔ این اصول نامه درثانی شائع میشود.

تبصره: طبقهٔ (٤) و (٥) و (٦) باستفاده ازمواد فوق ازنیم الی یکجریب زمین در محلهٔ (٤) خریده میتوانند وبیشترازیك جریب درمحلهٔ مذکور خریداری نمیتوانند کسی که یك جریب زمین خریداری میکند باومساعدت لازمه به عمل نخواهد آمد یعنی ازتقاوی استفاده نخواهد کرد.

۲۰ـ کسانیکه زمین برای تعمیر بگیرند وتایکسال شروع به تعمیر نکنند بعد از یکسال زمین مذکورازنزد آنها واپس به تصرف بلدیه گردیده ومناصفهٔ مبلغ قسط یکسالهٔ قیمت زمین را که تأدیه کرده اند برای شان داده نمیشود.

پلان هفت سالهٔ تعمیرات نوی کابل

الف : مقررات ساختمان موضع محلهٔ نمبر ٤ :

اول : پنجاه خانهٔ که فعلا بقرار نقشهٔ مصوبه درمحلهٔ نمبر (٤) تحت تعمیر است بشرایط ذیل برای مأمورین واشخاصی داده میشود که رتبهٔ شان بلند تر ازمدیر وغندمشر نباشد!

شرایط الف : کسانیکه تمام قیمت را نقد بدهد حق تقدم را بدرجهٔ اول دارند.

ب : « نصف قیمت را نقد بدهند « « « « دوم « .

ج : « ثلث « « بدهند « « « « سوم « .

(تبصره) درصورت تساوی درخواست کنندگان حق اولیت با کسی است که مستحق تر بوده اسناد لازمهٔ عدم استطاعت واستحقاق را تقدیم کند.

باقیما ندهٔ پول از جنبهٔ دوم وسوم الی ده سال بامفاد بانکی دو فیصد در سال تحصیل وتاپرداختن تمام اقساط خانه درتحت مراقبت ریاست بلدیه خواهد بود.

برای طبقات فوق تااندازهٔ پنجاه جریب زمین هم درحصه هائیکه تحت نقشه آمده است به قیمت معینه داده شود تاخود شان بقرار نقشه ونمونهٔ ریاست « نوی کابل » تعمیر نمایند قیمت زمین البته نقد است.

دوم : یکصد خانه بااندازهٔ دوازده هزار ویکصدوپنجاه خانه بااندازهٔ هشت هزار افغانی توسط شرکت عمران تعمیر وبرای اشخاصیکه مستحق بوده وبه لایحهٔ تعمیرات محلهٔ نمبر (٤) طبقات ایشان معین شده است بقسط ده سال بفروش رسانیده شود بامفاد بانکی دو فیصد درسال.

سوم : درمحله نمبر (٤) عماراتیکه بقرار توضیح فوق ساخته می شود درسال اقلا پنجاه خانه خواهد بود.

چهارم : علاوه برمحلهٔ نمبر (٤) باید ریاست نوی کابل در حدود بلند تر از موضع

(c) ketabton.com: The Digital Library

پل‌محمد غوث خان یك محلهٔ دیگررا درتحت نقشهٔ عمومی تعین نماید تا تعمیرات آن محله بقرار اصولنامهٔ ابنیهٔ (نوی کابل) بطور پخته صورت گرفته مصارف تعمیر آن تخمیناً ٤٥ـ الی ٥٥ هزار افغانی شود واین بناها درصورتیکه ریاست(نوی کابل)تعمیرنماید باشخاصیکه رتبهٔشان ازمعین ها وفرقه مشرها وحکام کلان بلندتر نباشد بشرایط ذیل داده شود :

الف : کسانیکه تمام قیمت را اداکنند حق تقدم بدرجهٔ اول دارند .

ب : « « نصف « « « « « « « دوم دارند .

ج : « « ثلث « « « « « « « سوم دارند .

باقیماندهٔ پول طبقهٔ دوم وسوم به قسط پانزده سال باساس لایحهٔ بانك حکومتی تحصیل میشود تازمان تحصیل اقساط خانه تحت مراقبت ریاست بلدیه خواهد بود هرگاه خود ایشان بخواهند تعمیر نمایند بقرار اصولنامهٔ ابنیهٔ (نوی کابل) برای شان زمین داده شود تا بقرار نقشهٔ مصوبه تعمیر نمایند .

پنجم : به علاوهٔ فوق درمحلهٔ که ازطرف ریاست (نوی کابل) معین خواهد شد کسانیکه بخواهند ازپنجاه هزار الی یك لك افغانی ساختمان نمایند بقرار نقشه وتصویب ریاست میتوانند تعمیر نمایند البته بقرار لایحهٔ (نوی کابل) زمین لازمه بانها داده خواهد شد .

هرگاه کسی بلندتر ازپول فوق بناء وتعمیر نماید ریاست(نوی‌کابل) بقرار نقشهٔ عمومی باو اجازهٔ تعمیر داده ونقشهٔ ساختمان او را پس‌از غور منظور خواهد کرد طبقات فوق که غیر ازمحلهٔ نمبر (٤) به محله های دیگر پخته ساختمان مینمایند هرگاه برای مصرف تعمیر وتأدیهٔ پولهای پیشکی عمارات خود شان بقرض ضرورت داشته باشند بانك حکومتی بقرار لایحهٔ مجوزهٔ خود درتحت کنترول دایرهٔ مهندسی (نوی کابل) بایشان قرض خواهد داد .

ب : تعین قیمت تخمینی اراضیئیکه بقرارلایحهٔ مرتبه خریداری می‌شود قرار ذیل است .

اول : ناحیهٔ پل‌محمد غوث خان بطرف کابل حداقل ۱۲۰۰ حداکثر ٤۰۰۰

دوم : بالاتر ازپل محمدغوثخان « دارالفنون « ۱۲۰۰ « ۲۰۰۰

سوم : بالای‌جوی‌درسن الی‌موسسهٔ تربیهٔ‌حیوانات « ۸۰۰ « ۱۸۰۰

تبصره : قیمت های معینهٔ فوق ازسنه ۱۳۱۸ ـ الی ۱۳۲۱ مرعی الاجراء ودرختم ۱۳۲۱ در قیمت های مذکور تجدید نظر نموده خواهد شد .

ج : پلان هفت سالهٔ عمران نوی کابل .

۱ ـ ترتیب واصلاح جاده ها ازحد پل (هارتن) بطرف پل‌محمد غوثخان باصول صحیح وعصری بادیگر حصص لازمه .

۲ ـ شاندن اشجاروبته‌هاوترتیب گلدانها وانتظام تپهٔمنار موجوده بامواظبت ومحافظت آنها .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳ ـ تعمیر دیوار دریا ازحدیکه کار باقیمانده الی پل محمد غوث خان .
٤ ـ ترتیب وساختن یك باغ عمومی عصری ازحد منار روبروی تانك الی پل محمد غوث خان بدوطرف دریا وساختن دوسه‌پل بسیار مقبول بالای دریا بین باغ عمومی وانداختن یك بند برای ایستادن آب درجای مناسب اخیر باغ .
٥ ـ ساختمان یك چای خانهٔ عصری بین باغ عمومی .
٦ ـ ساختمان حوض‌های شناوری درکناردریای کابل‌ومیدان اسپورت‌دربین باغ‌وآخرباغ .
۷ ـ تأسیس نمایش خانهٔ تفریح وبازی اطفال وسینمای تابستانی وغیره .
۸ ـ تعمیر عمارات محلهٔ نمبر (٤) .
نهال شانی عمومی .
ساختمان یك‌چای‌خانهٔ عصری درصفه‌بالای باغ بابرشاه وانتظام‌سرك آن‌درموقع لزوم .
احداث سرك ها وجاده های جدید .
انتظام وساختمان مجرای آب های کثیف .

شروع تعمیر ریاست بلدیه .
فروش زمین وپیشرفت امورات تعمیریه اهالی .
نهال شانی .
تمدید ساختمان ریاست بلدیه و مجرای آب .
تمدید ساختمان های کار های باقیمانده .

نهال شانی .
احداث میدانهای وسیع وجاده‌های اسپورت قرار نقشهٔ عمومی بجا های لازمه . تعمیریك پارك درمحلهٔ نمبر (٤) .
ادامهٔ کار های باقیمانده .

تعمیر یك معائنه خانهٔ صحی متصل آبادی های جدید .
میدان استقلال استادیوم سپورت بامداد حکومت .
تعمیر دکاکین عصری درجاهای مناسب .

احداث پارکهای اسپورت .
نهال شانی .
توجه به‌پیشرفت آبادی های شخصی اهالی .
شروع‌نل‌دوانی آب خوراکه به‌جاهای عمومی درصورتیکه انتظام آب‌ازطرف‌بلدیه بعمل‌آید

(c) ketabton.com: The Digital Library



ازمناظر نوی کابل : یك قسمت از عمارت های جدید التعمیر

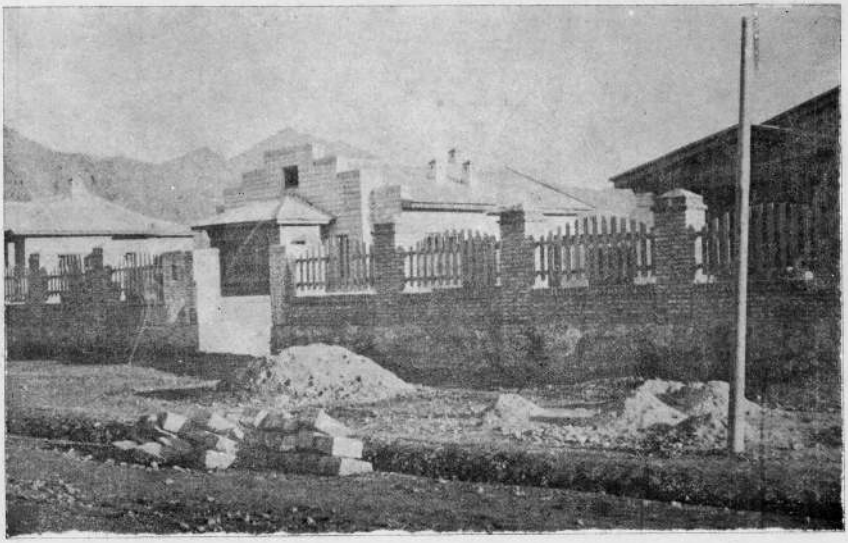

ازمناظر نوی کابل : یك قسمت از آپارتمان هائی که جدید ساخته شده

(c) ketabton.com: The Digital Library



از تعمیرات ۱۳۱۸ عمارت وزارت اقتصاد ملی

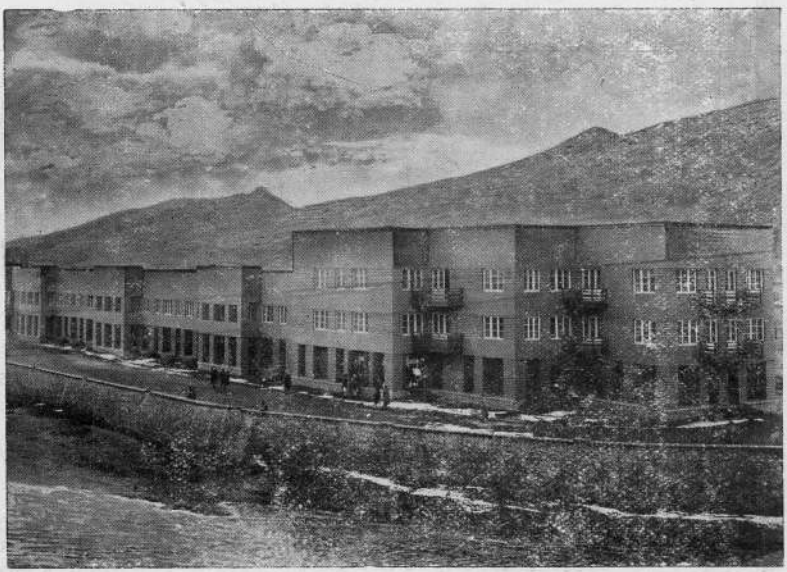

منظرهٔ عمومی اپارتمان های جدید که در لب دریای کابل در ۱۳۱۸ ساخته شده

(c) ketabton.com: The Digital Library



از مناظر نوی کابل : قسمتی از آپارتمان های جدید التعمیر

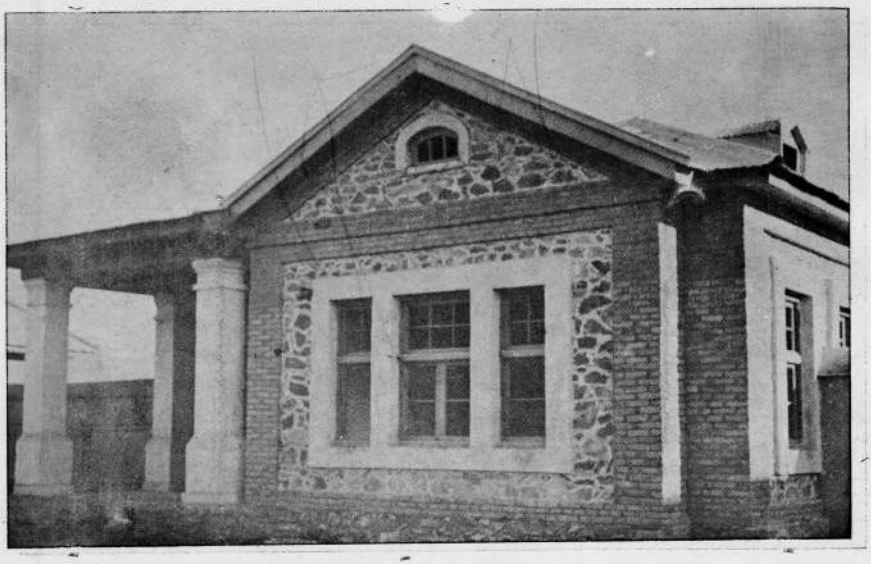

از مناظر نوی کابل: یك قسمت از عمارات جدید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

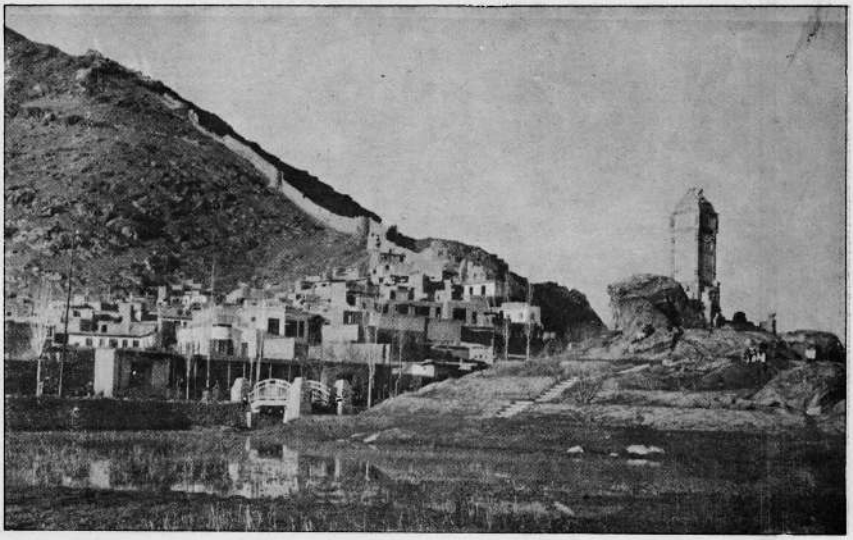

قسمت فوقانی ده مزنک : جادهٔ که بسوی نوی کابل میرود



ازمناظر نوی کابل : یك قسمت ازعماراتی که جدیداً تعمیر شده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

شروع لین دوانی برق بجاده‌های عمومی‌درصورتیکه قوهٔ برق‌موجودباشد بصورت‌مکمل .
نهال‌شانی .
ادامهٔ کارهای باقیمانده .
شروع یك سینمای عصری درموضع لازمه .
شروع تعمیر یك هوتل عصری بمعاونت حکومت .
احداث پارك ها .
~~ادامهٔ کارهای باقیمانده .~~
تکمیل آبادی محلهٔ نمبر (٤) .
تعمیر خانه های تنظیفاتی .
ترتیب یکباغ ذخیرهٔ اشجار وگل .
تکمیل کارهای باقیمانده .
نهال شانی .
توجه به تعمیرات شخصی اهالی .
ترمیمات جاده وپیشرفت تعمیرات .
تمدید وتأسیس خطآهن کوچك ازپل‌هارتن الی قصر و یاترتیب موتر بس .



(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو پرادبياتو يوه کتنه

(۳)



دوهم کال او پروسږ کال په سالنا مو کښ مې د پښتو د ژبې د فيلو لوجې پر برخه او د پښتو د ادبياتو پر پخوا نيتوب او داچه څنګه تحول يې کړيدی او د پښتو د نظم اوثر پرويش او د پښتو پرشعراوشاعرۍ باندی څه وليکل سږ کال غواړم چه محترمو لوستونکوته د پښتو مطبوع اوغير مطبوع آثار او کتابونه چه په مختلفوعلومو کښ ليکل سوی دی اوماته معلوم دی وښيم اودامقاله به مې دتيرو دوو کلو د مقالو دريمه برخه وی که خدای کول و من الله التوفيق .

❀ ❀ ❀

هغه وخت چه په فرانسه کښ د رنسانس دوره شروع سوه اود ملیت غوښتونکو خپلی ژبی ته پام سوا وو غوښتل چه خپله ملی ژبه تعميم او رسمی کی او « ريشليو » د فرانسی نومه ور ی صدر اعظم لمړی پلا د فرانسی د ژبی لمړی اکادمی تاسيس او پرا نيټله (۱۶۳۵ ع) نـودفرانسې د ژبی لوی ليکوال نکی (ولتير) ور وسته له هغه (۱۸ قرن ع) وويل : « د اکچنی هيئت چه ټولنه يی بولی د نوع بشر د ګټی غوښتی ده نحکه ډيرلوی اوښاغلی سړی ددی ټولنی وګټی ته زيار باسی او خدمت ورته کوی او د فرانسی بل پياوړی ليکوال نکی(مورليه ر ۱۶۲۲_۱۶۷۳ع) وليکل چه : «انسان د هغه شی چه په لاس را وستل يی ډير غواړی بايد د پاد شاه د حضور د مجلس مينه وی نحکه : په هيڅ ځای کښ لکه دا مجلس صحيح او ر ښتيا تصويب نه مينده کيږی » .

ددی دوونومه وړوليکو نکو د ويلو څخه موږ ته دانتيجی ولاس ته راځی چه :

(۱) د يوی ژبی وروزلوته د هغه ملت د ټولو وګړو چه ژبه يی روزله کيږی مر سته ضروری اولازمی ده نحکه ژبه په يوه يا دوواولسوکسو باپه يوه کلی او يوه ښارا ده نه لری

(c) ketabton.com: The Digital Library

ژبه د ټول ملت مال دی او په گر د ملت اوټبراړه لری نوټول ملت اوټبر که لوی دی که وړوکه عالم دی که امی ټول ودی ته اړاومکلف دی چه خپله ژبه چه د دوی طبیعی اومشروع مال دی وروزی او دابه وړهم نه وی چه دونه د روند پیټی د یوه سړی پراوږو کښیښودسی او یادونه لو یه دنده د یوی ټولگی په هیله پر یښو وه سی .

(۲) بله د پاد شاه پالنه او د یوه کار د سر رسولو اراده ده هوکی ! د پاد شاه کتنه د کیمیا اثرلری هرشی ته چه ورسیږی هغه شی زرسی اوڅنگه چه د یوه ملت داړو او ماندواو د ټو لو ضروریاتو اومشکلا تو د حل اوفصل وروستنی او د پای ځای د پادشاه در بار اومجلس دی او پاد شاه د خپل ملك اوملت ټولواك اواختیار یی پرهرشی را گر زیدلی دی او د ملت د ښه مرغی اوسعادت سیندله د غه حضوره اومجلسه منبع اخلی نو د دغه مجلس ټول تصو یبو نه اوافکار هم رښتیا اوصحیح او د سعادته ډك وی اوڅنگه چه طبعاً د پاد شاه دنده و خپل ملت اومملکت ته لوړوالی غواړی نو پرهره کرونده یی چه د کتنی پلو شی و ځلیږی او وړانگی یی ولو یږی ژرترژره شین کوړم او د گلا نو ډك باغ سی اوسبب یی هم دادی چه برسیره پردی چه د پاد شاه یاد اولس د مشر حکم او فرمان د سیاست د قانون په ضابطه سره اغیزه کوی وگړی هم د طبیعت په قانون سره پخپله خوښی او رضا د خپلو مشرانو پر پله باندی ځی او د دوی پیښی کوی ځکه دایو طبیعی قانون دی چه هر ه ډ له د سوق الطبیعی تر عواملو لا ندی تل د هغه چاپیښی کو ی چه ځنی پورته او غښتلی وی اودا د طبیعت سو ایق کله د میخانیکی په ډول خپله ښه ښکاره کوی او هر حرکت چه یوله سا کښو څخه کو ی کچنی یی بی ارادی هغه عمل تکرار وی .

وائی هرکله چه د فرانسی ملت دوست لیکو نکی «ژوول» لمړی پلا د فرانسه په ژبه یوه «تراژدی» ولیکله نو د هغه وخت خپل پاد شاه (دو هم هانری) ته یی ور ښکاره کړه پاد شاه هم دده احساسات تقدیرکړه اودده تراژدی یی ومنله اوددی عامل له کبله د فرانسی د ملی ژبی لیکونکو پله پسی ډیرښت وکی اوددی کسانو د مینی په اغیزه او د دوهم ها نری په پالنه د فرانسی ژبی خپل رسمی مقام اوځای ونیواوتاریخ موږته په مختلفواجتماعی امورو کښ د پاد شاه دامر او ارادی او پام لرنی ډیر داډول اغیزی راښوولی سی .

ښه دی اوس به موږ د پښتو د ژبی پخوانی حال هم وگورو او پلټنه به پکښ وکوچه خپل ملت څه ورسره کړی دی اوپخوانیوشاهانواومشرانو په کمه سترگه ورته کتلی اوددی څه حال و .

دا جوته ده چه دژبی په پالنه او تعمیم اوپر مخ تگ کښ دوه شیه خورا غوره او مهم دی اوکه داووایو چه دژبی بنسټ پردغو دووشیانو ولاړ اوټینگ دی هم بیځایه به مو نه وی ویلی اوبی وړه خبره به نه وی اول دژبی رسمیت په دربار او اداری کار وکښ دوهم دژبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسمیت په مذهبی اودینی ارکانو کښی اودغه دوه عامله دی چه دیوه ملت ټول وګړی ور ته اړ او هېڅوك ځان ځنی ژغورلای نه سی ځکه :

(۱) سم له پورته قانون سره ملت دخپل پاد شاه اومشر پرپله باندی خپل پل زدی او پېښی‌یی کوی نوپه هره ژبه چه پادشاه اومشران ګړیزی طبیعی په ملت کښی هم هغه ژبه منلی وی اوتعمیم لری اوبل څه رنګه چه دحکومت اوملت په مینځ کښی دغه اداری کارونه دی چه دنقل اوانتقال واسطه دی اوحکومت اوملت سره جارباسی‌نوهرسړی یله دی چه لوی‌وی که کچنی، بهای وی که خوار، عالم وی که جاهل ودی ته اړدی چه داد ارتباط رسی، ټینګه ونسی اوپه هغه ژبه وګړیزی اوزده یی‌کی چه په دغه پاچهی اورسمی ادواروکښی‌ویله کیږی

(۲) هغه ډول چه هر ملت ته خپل دین مقدس او سپېڅلی دی اوهرسړی هاند کوی چه ورنژدی سی طبعاً هغی ژبی ته هم چه ددین اومذهب ارکان پکښی لیکل سوی وی په در نه سترګه ګوری اوزده کړه اوتعمیم یی پر ځان پورګڼی لکه چه یووخت په اروپا کښی رسمی اودینی ژبه لاتین وه اووګړو دونه په درنه سترګه ورته کتل چه خپله ملی ژبه یی هم ترهغی پوری په هیڅ نه ګڼله اوهمدغه سبب وچه دایطالیا دنومه وړی شاعر (دانته) پرکمیدی باندی چه په ملی ژبه لیکلی سوی وه دملت خواصو تنقید کاوه .

په اسلام کښی هم څه رنګه چه عربی دټولو مسلمانانو دینی‌اومذهبی ژبه وه اوده نبه‌مثال کېدای‌سی اودغه دتقدیس اومذهبی جنبه یی ده چه په هره ژبه کښی یی منګولی نجتی دی او سره له دی چه دیارلس قرنه یی تېراوپه خورلسم‌قرن‌کښی‌یی پښه ایښی‌ده بیاهم هغه سی ځوا نه اودنورو اسلامی ژبو دسرخول‌ده لکه چه داسلام په لمړی سرکښی وه .

نبه ! اوس به‌نو پښتو هم وګوروچه په دی دوولویو اومهمو عاملو کښی یی کم وخت برخه درلوده که یه ؟

که تر اسلام وړاندی پردی خبره څېړنه وکو هم به مقاله ترخپل معین حد واوړی او هم به‌تکرار وی نو نبه به داوی چه پس له اسلامه دامطلب وبرانیټل سی .

داسلام له لمړیه سره یا ترخلرمه قرنه پوری که څه هم طبیعی افغا نستان کله د اسلام دلښکر اوبر یالیو په شخړواخته او کله به یی د خلفا ؤ تریږغ‌لاندی ژوندون کاوه مګر په عمومی حیثیت‌سره طوایف‌الملوکی ټینګه اوهربنار به دخپل مشرترحکم لاندی اداره کیدی‌یوی اداری اوپاچهی وجودنه درلود اوموږ دافغانستان ودی وخت ته‌اداری بحران ویلای سوپس له خلرمه قرنه هجری دیوی خواه دغزنویانو دسرسلسلی اساسی حکومت ټینګ‌ت اوافغانستان دیوی اداری خاوند سوله بلی خوا پارسو چه دطاهریانو، صفاریانو او سامانیانو په زمانه کښی دعربی ومخ ته دربده اوروزله کېده درسمی مقام خاونده سوه اوخپل برم یی دسلطان‌محمود په

(c) ketabton.com: The Digital Library

پام لرنه سره په ټول افغانستان کښ خپور کی اودی اندازی ته ورسېده چه د پاډسو دشعراو اوويونکو خولی به د مرغلرو ډکېدې اودسرو زرو سره به تلل کېده .

وائی عنصری په عوض د يوی رباعی چه سم له لا سه يی د سلطان محمود په حضور کښ جوړه اوويله د سلطان له خوا يی دری واره خوله د مرغلرو ډکه سوه اودغه عنصری خلور سوه مريان درلود چه د سرو زرو ملا وستنی يی تر ملا وواو خلورو سوو اوښانو به د ده د سرو اوسپينوزرو اسباب وړ اوخاقانی پخپله يوه قصيده کښ وائی چه عنصری د سپينو زرو نغری (ديګدان) جوړ کړی واوټول لوښی يی د سرو زرو وو .

اوهمدارنګه عضائری رازی ته يی زر دينار « سره زر » صله ورکوله او داسی نور . . . . . وروسته له سلطان محمود اودده له اولادی څخه يا تر اوسه که څه هم د سلطنت اوپاچهی وارپښتنو ته ورسېده او په افغانستان او هند و ستان کښ يی امير ا طوری ا و شاهنشاهيت جو ړ کی او خصوصی يی خپلی ژبی (پښتو) ته پام در لود او پخپلو کورو کښ يی و يله مګر په عمومی ډول سره او ادارو کښ يی هغه پاډسو ټينګه کړه او هغه ورپاته سوی سو غات يی پاله اوله دی لا مله ډيرو پښتنو چه په ښارو کښ استيدل پاپه نوکريو او ادارو کښ بخت ووبر سيره پردی چه د پاډسو وزده کړی ته اډووا وپاډسو يی زده کوله خپله مورنۍ ژبه يی هم هيره کړه اوخپل ملیت يی ورک کی په پاډسو کښ ورک سول اونن دخپلی ژبی لور او لودن څخه ورک دی اوپښتنو ته نه يوازی درسميت موقع په لاس ورنغله بلکه د ښاروځخه يی هم خپل ځان ترځه حده ټول کی اوپه شا اوخوا اولويو غروکښ يی خپل طبيعی ژوندون کاوه .

د پښتو مذهبی حيثيت خوهر چاته ښکاره دی د ر لود ځکه په لمړی سر کښ چه د اسلام سپيڅلی اومقدس دين خپور اودخدای پاک کلام په عربی ژبه نازل سو اوهر چاته ورسېده اوهر چاهاند کاوه چه د دی دينی ژبی په زده کړه کښ پرمخ تګ وکی نو افغانستان اوپښتنو هم نبه برخه پکښ واخيسته اوداسی په مينه ورنزدی سول چه نه د عربی ژبی زده کړونکی بلکه عربی ژبه يی ډيره پرمخ بوتله اوتر عربو دوی ډيرخدمتونه ورته وکړل اولاتر اوسه يی ورته کوی اودايی عقيده ده چه بايد دينی ارکان اوشرايط هرومرو سړی بايد په عربی ووائی اوپه عربی يی و ليکی که په بله ژبه د اسلام ولاری ته نژدی سی ياد مسلمانی شرايط او ارکان په بله ژبه و ليکی لويه ګناه ده اودپښتنو دپی سوادی اوبی علمی لوی سبب هم دادی چه خپله ژبه يی د علم سره نه ده جارايستلی اوعلم اوداسلام دارکانو پوهيدل يوازی په يوه خاصه ډله کښ پورته کښته ګرزی عام والی يی نه دی مينداڼی اونه چاپه دی باب کښ خپلی ژبی ته څه پام کړی دی .

داودپښتو حال په رسمی ادارو اومذهبی شعبوکښ چه ډير ساده اولنډ بيان يی وسواو اوس يوه خبره بله هم ده چه بايد څخی تير نه سو او وی کو اوهغه خبره ديوه ملت مدنيت دی چه زموږ

(c) ketabton.com: The Digital Library

په مطلب کښ ډیره اغیزه لري دهرملت فطري غریزه ، دودوعادت، صنعت وحرفت ، حرکات اوسکنات خوهغه ملت ته مدنیت دی یاپه بلهژبه هرملت دمدنیت خاوندی مگرپه بیل رنگ او جلا اصول سره اوداجلا والی خوپه زمان اومکان پوری اړه لری مثلاً:-

دتاریخ په پانوکښ گوروچه یونان هم مدنیت درلود اوروم هم مدنیت درلوددیونان مدنیت جلااودروم مدنیت بیل ودیونان مدنیت علمی او ادبی مدنیت واودروم مدنیت عسکری او سیاسی مدنیت ویونان په علم اوحکمت دنیا رنما ګړه اوروم په خپلوتینګوسیاسی اوعسکری تشکیلاتو نیمه دنیاو نیوله اودامسئله یوطبیعی امر دی اوپه ټولو پخوانیو اواوسنیو تاریخوکښ داسی ډیرشواهد مینده کیږی اوجوتیږی چه هرملت دیوه ځانته تمدن خاوند واود ژوند ون دلارو څخه یی یوه لارښه پیژندله اوپه هغه لارکښ یی خپلی نخښی پریښی دی چه نن یی دهغه ملت دترقی اوښپو والی لحری په هغه لارکښ ګڼلی سو.

پښتنو هم چه له ډیری پخوانی زمانی په دی غرنی ملك کښ میشت دی ځانته مدنیت درلوداو دخاص تمدن خاوندان وو که څه هم دامدنیت پرټولو مدنی شئوناتو را ګرزیدلی ومګردزمان اومکان له کبله یی دعسکری خوا غوره وه ځکه دملك دجغرافیائی موقعیت دوی ودی ته اړکړی وو چه دعسکری مدنیت پر نورو مدنی برخو غوره کی .

له پاره ددی چه داخبره ښه جوته سی باید دافغانستان پرجغرافیائی موقعیت باندی چه دپښتنو وطن دی څه رنما واچوو اوهغه دادی چه:-

افغانستان یو غرنی ملك اوټول جغرافیون یی دغرنی ملك په صفت سره پیژنی او بر سیره پردی چه یوغرنی ملك دی دایشیازړه اوترهغه وخته چه دهند بحری لار پرتګالی سیاح (واسکو دوګاما ۱۴۹۸ع) نه وه میندلی دایشیاد ټولو ملکو دتجارت دنقل او انتقال ذریعه ودهر ملك لوی لوی کاروانونه به دلته راتله اوبیا به هرملك ته ددی لاری تله برسیره پرتجارت دهندوستان دزرخیز ملك لارهم پرافغانستان سپره وه اوټول فاتحان اوهغه کسان چه دهندوستان نیول یی مطلب ولکه اشوری ملکه (سمیرامیس) اودهخامنشی دسلسلی مشران (سیروس) او (داریوش) یونانی سکندر او (سلوکوییس) او د باختر یونانیان (دیمتریوس ، یوکراتیدس) یوئیچیان ، کوشانیان ، کانشکانیان ، هیاطله ، اعراب اومغل له دغه لاری به تله او راتله اویږی بې کولی نوله دی لامله د یوی خوا د غرنی ملك د طبیعت په غوښتنی سره او د بلی خوا د ملك او د خپل استقلال د ساتنی له پاره طبیعی و چه پښتون یو عسکری مدنیت ځانته غوره کی بلکه محیط اودی پینو قهراً دامدنیت پردوی ومانه که چیری په دوی کښ داغریزه نه وای او دا عسکری مدنیت دوی ځانته نه وای غوره کړی دا ملك به هم نه و او د دوی ملیت به لا د وخته د نیستی په سیند کښ ډوب سوی و ..

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښه ! اوس نو ددی ټول پورته بیان څخه موږځه نتیجې واخیستی او پښتوکه برخه درلوده اوځه وخت دی ته د پرمخ تګ او تعمیم موقع پیداسوی ده ؟

ددی ټولو پوښتنو ځواب خو په یوه یه او هیڅ سره ورکولای سو ځکه :

رسمی او در باری مقام یی نه درلود - په دینی شعبه کښ یی برخه نه لر له هیڅوا له خپلو او پردو ددی سره مرسته نه ده کړې - هیڅ و خت پښتنو داوخت نه دی مینډ ل چه د د ی روزنه او پالنه و کی .

اوس به پارسوهم وګورو چه څنګه وه او څه ورسره کیده :

د رسمی مقام او ځای خاونده و ه - برسیره پردی چه پخپله پاد شاهانوبه و یله دملیو نو سرواوسپینو زرو اومرغلرو په ورکړه سره ددی روزنه کیده او دتعمیم لار یی پا کیده - په دینی ارکانو کښ شر یکه وه - خپلو او پردو ددی پالنه کوله اومرستی یی وو - ددی ټول عمر د ګل او بلبل سر ه په شنو او د ګلا نو ډ کو چمنو کښ د سر و طناز د خواسره د مغ بچه په تماشو تیر سو .

د میړ نو خـو ند ی تل ژ ا ړ ی د سپوموزیوخوندی سترګی تورویږه

اوس که مو ږ دا دواړه ژ بی سر ه پرتله کو ماد تا ً پـه هیڅ نسبت هم و رته پیدا نه کو اوله مادی لامله خو ددی ژبو مثال داسی د ی لکه د یوه شاهنشاه نسبت له یوه فقیر د سره او که د دی دواړو ژ بو معنوی حال ته وګورو نو داخبره به د پارسو په باب کښ یی وړه نه وی چه ووایو : (آ غا پښه یی مه ګوره ایمان یی وګوره) ځـکه یله خو د یوانو او مبالغه امیز د درواغو رومانونه او د مسخروقصی لـکه (موش او پشك) ا و خو تصوفی او اخلاقی کـتابو چه د ټولو خول بلل کیږی او پارسو په نازیږی بلـشی نه سو مینډ لی او که د عر بی اوترکیاونورو ژ بولغات اوکلمات ځنی و باسو ډ یرساده اومعمولی مطلب هم نه په ادا کیږی او نه یومخ په بو به پارسو څوك لیکلی سی .

پښتو سره له دی بی بختیو اوظلمو چه ددی په برخه سوی دی بیاهم ګورو چه خپل غوره والی یی ساتلی او ډ یری ژ بی یی لکه تیرائی،دردی ، پساچا ، بلوری ، پشه ئی ، سا کـا ، پراچی ، سکزی اوزابلی و خوږی او حل یی کړی هوکی :

د کـا ملی عقید ی لـه بر کـته ددوهی په غاړه ناست شاه جهان یم

اوکه یولیکونـکی وغواړی چه بوبه پښتوولیکی کولای سی چه لس نخه یومضمون چه یوه کلمه اویولغت هم پردی پکښ نه وی په بوبه پښتولیکلای سی(ودی کتل سی طلوع افغان او دکابل مجلی) اوآثار اوکتابو نه یې هم په هرباب کښ تر پارسو په کمه نه دی بلـکه په شعرا وکښ تر پارسو ډیر تیری کوی اوځه چه زموږ ملی ممنوات او تاریخی سرلو یی دی ټوله پښتو سا تـلی دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

اوپه پښتو کښې یې میندلی سو نه په پاړسو کښې .

اوس دې هغه منکران چه پښتو صرف دافهام اوتفهیم ژبه بولی اودې ته یو علمی حیثیت نه‌منی پخپله انصاف وکی اودعدالت په تله‌دی وتلی چه کمه ژبه دافهام اوتفهیم ژبه ده‌اود کمی ژبی علمی استعداد ډیر دی اوکه دمضمون داوږد والی څخه نه بیر یدی ما به ددی ژبو نور کیفیات هم چه دژبی په علم پوری اړه لری ویلی وای مگر اوس به داخبره دالته پر یږدم بل وخت بې اټکلوم یوازی به دهغو کتابوفهرست‌چه ماته معلوم دی او دامقاله په دغه مطلب کښې ده ولیکم اوهغه دادی :

دینی ، مذهبی او تصوفی

(۱) کنزالد قایق : چه داسلام قانون بیانوی تصنیف دعبدالله ابن احمد (حافظ الدین) النسفی په پښتو ترجمه سوی دی ترجمان یې معلوم نه دی طبع ددهلی ۱۸۸٤ ع = ۱۳۰۱ هجری (دلندن موزیم)

(۲) دقایق الاخبار : عبدالرحیم امان کوټی په پښتو ترجمه کړیدی اوپه دهلی کښې چاپ سویدی ۱۲۹۸ه = ۱۸۸۱ع (دلندن موزیم)

(۳) سیرالسالکین : قاضی عبدالرحمن دحج په سفر کښې دیوه ملگری په مرسته سره ترجمه کړیدی (دلندن موزیم)

(٤) کنزالمصلی : عبدالرحمن دتنگی ترجمه کړیدی (دلندن موزیم)

(٥) انیس الواعظین : تصنیف دابوبکر ابن محمد علی القریشی احمد نامی آخوند خیل دپښتو په نظم په نامه دکنزالحسنات ترجمه کړیدی (دلندن موزیم)

(٦) قیامت نامه : چه‌دقیامت دروځی احوال بیانوی احمد نامی اخوند خیل نظم کړیدی (دلندن موزیم)

(۷)مشکلات الفقه : تالیف دمحمدامین‌نامی چه‌دفقهی ځنی سخت‌سوالونه یی حل‌کړیدی احمد دحمیدزوی دفارسی څخه‌دحیرت الفقه په‌نامه ترجمه کړیدی طبع ددهلی ۱۲۹٤ ه =۱۸۷۷ع (دلندن موزیم)

(۸) قدوری ، المختصر : تصنیف داحمد ابن محمود (محمد) لاندی دپښتو ترجمه هم لری طبع ددهلی ۱۳۰۲ ه =۱۸۸٥ع (دلندن‌موزیم)

(۹)په دینی مسائلو کښې اخوندعلی‌خان‌یوه‌مثنوی په‌پښتو لیکلی ده ۱۸۸۰ (دلندن‌موزیم)

(۱۰) فوائدالشریعت : محمدقاسم احمد دسوات په پښتو لیکلی دی تاریخ دلیکلو ۱٥٦۰ع = ۹٦۷ ه تاریخ دطبعی دهلی ۱۸۸۰ ع (دلندن موزیم) یوه برخه یې په گلشن روه کښې هم سته .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۱۱) مخزن الاسلام : تصنيف داخوند درويزه طبع ددهلي ۱۸۸۵ ع (د لندن موزيم)

(۱۲) شرايط واحکام ايمان . خالق داد داخوند درويزه زوی په نظم تاليف کړيدی (د لندن موزيم)

(۱۳) داخوند درويزه دمخزن الاسلام منتخبات طبع ددهلی ۱۸٤۷ع (د لندن موزيم) .

(۱٤) عقدالحيات والنجات وميثاق : ديوه انګريزی کتاب څخه په پښتو ترجمه او په پيښور کښ چاپ سوی دی ۱۸۷۲ع .

(۱۵) رساله دوهابيانو په ردکښ سره له يوی رسالی دروضة النعيم په نامه محمد رفيق نامی په پښتو ليکلی ده (د لندن موزيم) .

(۱٦) منهاج العابدين : قندهاری حبيب الله اخندزاده مشهور په (حبو اخندزاده) د پښتو په نظم ترجمه کړيدی . (د لندن موزيم) .

(۱۷) جنت الفردوس : چه د اسلام ددين دفرائضو بحث کوی په پښتو تاليف سوی دی .

(۱۸) تحفة الخانی : کريم داد داخوند درويزه زوی ترجمه کړيدی او پرحاشيه يی اخوند درويزه هم څه زياتوب کړيدی طبع د دهلی ۱۳۰۲ه (د لندن موزيم) .

(۱۹) کيمای سعادت : قطب شاه په پښتو ترجمه کړيدی . (د لندن موزيم) .

(۲۰) خلاصة کيدانی : په پښتو ئثر ترجمه سوی دی . (د لندن موزيم) .

(۲۱) اسرار العارفين : تصنيف دامام محمد غزالی دعربی څخه دپښتو په نظم مولانا شيرمحمد اخندزاده هوتک دقندهار ترجمه کړيدی .

(۲۲) نصيحت البيان : يوه رساله ده چه مذهبی ارکان په نظم پکښ غټه سويدی مؤلف يی عبدالرحمن دتنګی او پرحاشيه يې نورمذهبی غزليات هم ليکل سويدی طبع ددهلی ۱۲۹۵ ه .

(۲۳) ارشاد العباد الی سبيل الرشاد شرح دتطهير الاعتقاد عن ادران الالحاد : چه د وهابيانو په رد کښ دی په پښتو ترجمه سويدی دهلی ۱۸۸۳ع (د لندن موزيم) .

(۲٤) روضة النعيم افغانی : يوه رساله ده چه څلور برخی لری او محمد رفيق نامی په پښتو تاليف کړيده او خوغزلی نوری هم پرحاشيه لری او څلور برخی يی دادی :

(۱) تحفة الاخبار (۲) دتمباکو منع او ضرونه يی (۳) منع دسر ود اوساز (٤) رد د وهابيانو . طبع دلاهور ۱۸۸۸ ع = ۱۳۰۵ه

(۲۵) دمستخلص ديتو شرح : په پښتو نظم ترجمه سوی او پرحاشيه فارسی شرح هم لری طبع دپيښور ۱۲۹۲ه (د لندن موزيم) .

(۲٦) منية المصلی : په پښتو ترجمه سويدی دهلی ۱۳۰۲ه = ۱۸۸۵ع

(۲۷) خلاصة کيدانی : په پښتو نظم ترجمه سويدی (د لندن موزيم)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۲۸) یوسلودیرش مسئلی : په‌پښتو نظم ۱۸۷۶ع

(۲۹) کتاب دبابو جان : مذهبی چه بابو جان نامی لیکلی دی اویوه برخه یی‌په گلشن روه کښ هم اقتباس سویده .

(۳۰) مخزن الاسرار : تصنیف داخوند درویزه پښتو

(۳۱) ظابطهٔ میرات : پښتو نثر (دوزارت معارف کتابخانه)

(۳۲) ارشاد الطالبین : اخوند درویزه په‌پښتولیکلی دی .

(۳۳) خورپان اوخیر البیان : تصنیف دبازید (مشهور په‌پیر روشان چه)دخیرالبیان یوه قلمی نسخه اوس دسردینی سن راس مستشرق خخه سته

(۳٤)الف‌نامه :په‌دینی ارکانو کښ‌دحروف‌تهجی‌په‌ترتیب‌په‌منثوی نظم پښتولیکلی سویدی (دلندن‌موزیم)

تفاسیر ، احادیث او تجوید

(۱)هزار مسایل (زرمسئلی) : زر پوښتنی دی چه‌عبدالله‌نامی صحابی(رض) درسول الله صلی الله علیه وسلم خخه کړید ی او هغه حضرت لحواب ورکړیدی په‌پښتو نظم ترجمه سویدی او یوه لویه نور نامه او یوسل ودیرش مسایل نور پر حاشیه لری طبع ددهلی ۱۲۹۹ ه = ۱۸۸۲ع (دلندن موزیم)

(۲) قواعد تجوید : دقرآن کریم‌دلوستلو قانون چه‌په‌ذخیرة‌القراء مشهوردی عبد الحفیظ نامی په‌پښتو تالیف کړیدی (دلندن‌موزیم)

(۳) خلویښت حدیثونه عبدالحلیم نامی په‌پښتوشرح اوترجمه کړیدی (دلندن موزیم)

(٤) والضحی : دوالضحی سورت گل‌محمدشاعرپه‌پښتو شعر تفسیر کړیدی(دلندن موزیم)

(٥) مقدس کتابونه : چه‌په‌پښتو ترجمه سویدی اوخوخووارى چاپ سویدی :-

ا-انجیل

ب زبور

ج تورات

٦ :- تفسیر یسیر : قول قران په دوه جلده کښ مرادعلی نامی دننگرهار ترجمه کړیدی (دلندن موزیم) .

۷ :- تفسیر بی نظیر: دمولانا یعقوب چرخی دتفسیر خخه دخو سورو تفسیرپه پښتو سویدی (دلندن موزیم) .

۸ :- والضحی: دوالضحی د سورت تفسیر غلام محمد دشیر خان زوی کړیدی ۱۸۸۰ ع (دلندن موزیم) .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۹ :ـ تفسير تيسير: چه درسول الله صلی الله عليه وسلم نسب نامه او دبيت الله شريفی تاريخ اودحضرت ابراهيم (ع) قصه اودلقمان حکيم قصه‌هم لری په پښتو (دلندن موزيم) .

۱۰ :ـ رموز القرآن : دقران کريم په رموزاتو کښ عبدالحفيظ نامی تاليف کړيدی (دلندن موزيم) .

۱۱ :ـ تفسير يسير: ترجمه دمولوی محمد علی .

۱۲ :ـ تفسير يسير: ترجمه دملا مراد علی کاموی .

۱۳ :ـ تجويد: تاليف دملامحمد عمر صاحب اسحق زائی دلغمان ددندی (چاپ سوی نه‌دی) .

۱٤ :ـ يسين : ديسين دسورت تفسير په پښتو (دمعارف دوزارت کتابخانه) .

۱۵ :ـ خلوينت حديثونه: مشهور په وثيقه آخرملا عبدالحليم نامی ترجمه کړيدی (دلندن موزيم)

۱٦ :ـ دجزری مقدمه : عبدالرحيم دامان کوت په پښتو ترجمه کړيده (دلندن موزيم) .

تاريخ

۱ :ـ دسوات دفتح او دويش تاريخ : مؤلف شيخ مالی يوسف زی چه دقوم مشراوسوات ده فتح کړيدی (۱٤۱۳-۱٤۲٤م) (دلندن موزيم) .

۲ :ـ تذکرة الابرار : تصنيف داخوند درويزه (افضل خان خټک په تاريخ مرصع کښ ددی کتاب ياد کړيدی) .

۳ :ـ مخزن : تصنيف داخوند درويزه (دمعارف دوزارت کتابخانه) .

(٤) تاريخ مرصع . تصنيف دافضل خان خټک د لندن موزيم ، او يوه برخه يی راورتی په گلشن روه کښ هم نقل کړيده :

(۵) تذکرة الملوک : دا کتاب د سدوزودکورنی بيان کوی اود راورتی ولاس‌ته ورغلی و

(٦) دافغانستان تاريخ :منشی احمد جان خخه دميلسيون دتاريخ ليکلی‌دی اوچاپ سوی دی (زماسره سته)

(۷) تاريخ د سلطان محمود : د فرشتی د تاريخ خخه ترجمه اوزماخخه سته .

(۸) د سلطان محمود قصه : د انگريزی خخه خالد نامی ترجمه کړيده (دلندن موزيم)

(۹) قصص الانبيا : ملا گل احمد نامی په نامه د جواهرالانبيا په شبه اسلوب ترجمه کړيدی (دلندن موزيم) .

طبی

(۱) مجربات افغانی : په طب کښ يوه مجربه رساله ده چه حاجی عبدالله زائی د پښتو په نظم ليکلی ده (دلندن موزيم) .

(۲) فوائد بوعلی سينا : په طب کښ فقيرالله نامی په پښتو نظم ليکلی دی (دلندن موزيم)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۳) طب شهابی : په پښتو، چه پرحاشیه یی مجربات افغانی د عبدالله زائی اوفوائد بوعلی سینا د فقرالله او معالجات بهیمیه یا شهوت انگیز لیکلی سوید ی طبع د دهلی ۱۲۹۹-۱۳۰۰ه = ۱۸۸۳ع (د لندن موزیم) .

(٤) مجربات اکسیر : محمد رضوان الله د هوتی مردان پښتو کړید ی او په مجربات بشیر یادیزی طبع د دهلی ۱۳۰۳ه = ۱۸۸۷ع :

قصی او جنگنامی

(۱) د امیر حمزه قصه) لیکونکی عبد العظیم
(۲) دجلاداومحبوبه قصه)

(۳) د شهزاده رت و پدمن قصه ملا گل احمد په ۷۲ مخه کښ لیکلی ده (دلندن موزیم)

(٤) د شاه گدای قصه په نظم په دهلی کښ طبع سویده . (د لندن موزیم)

(٥) نیر نگ عشق : چه د عزیز او شاهد قصه د ه محمد کریم نامی په پښتو نظم کړید ی دهلی ۱۲۹۹ه = ۱۸۸۲ع (د لندن موزیم)

(٦) در مجالس : حافظ عبدالخبیر (عبد الکبیر) نامی په پښتو نظم کړید ی .

(۷) دفع الفقر مع قصهٔ پیره زن : یوه رساله ده چه گل محمد نامی د تنگدستی اومفلسی په زحمت کښ لیکلی ده طبع د دهلی ۱۲۹۸ه = ۱۸۸۱ع (د لندن موزیم)

(۸) دلقمان حکیم قصه : د قران شریف څخه حافظ عبد الکبیر په شعر لیکلی ده .

(۹) یوسف زلیخا : عبدالقادرخان ختك دمثنوی په طرز په پښتو لیکلی دی (دلندن موزیم)

(۱۰) لیلی او مجنون : سید ابوعلی شاه په پښتو نظم کړیدی دهلی (۱۲۹۹ه ۱۸۸۱ع)

(۱۱) بختیار د ایران د پاچازوی : داقصه هم سید ابو علی شاه نظم کړید ه .

(۱۲) داسیپ حکیم قصه : جیمزاوراورتی په پښتو ترجمه کړیده طبع د لندن (۱۸۷۱ع)

(۱۳) دامیر حمزه قصه : سره د سلیمان پیغمبر د شځی بلقیس نامی چه د صبا د ملك په ملکی سره مشهوره ده احمد نامی لیکلی ده د دهلی ۱۲۹۹ه (د لندن موزیم)

(۱٤) غل اوقاضی : په پښتو نظم سویدی .

(۱٥) د گنبد ی قصه : د سو ریی د شهزا د ه نقل د ی چه په پښتو نظم سو ید ی (د لندن موزیم) .

(۱٦) د منصور اوسلطان محمود قصه : په پښتو نظم سو یده . (دلندن موزیم)

(۱۷) د حضرت ابراهیم قصه : په پښتو نظم سو یده . (د لندن موزیم)

(۱۸) آدم خان ودرخانی : مولوی احمد دتنگی په پښتو لیکلی دی . لاهور (۱۸۷۲ع)

(۱۹) سیف الملوك او بد ر ی جماله : د چین د شهزا د ه گا نو څخه و و په پښتو نظم

(c) ketabton.com: The Digital Library

سويدی د هلی ۱۲۹۹ه (۱۸۸۲ع)

(۲۰) طوطی نامه : دانقل ډيروشعرلو په نظم ليکلی دی د هلی ۱۳۰۰ه (۱۸۸۳ع)

(۲۱) د حضرت عيسی قصه : مولوی احمد د تنگی په پښتونظم ليکلی‌ده (دلندن موزيم)

(۲۲) شهزاده بی‌نظير او بدر منير : مولوی احمد تيرائی په پښتو ليکلی‌دی .

(۲۳) شهزاده بهرام وگل اندام : ملا احمد په پښتو نظم کړيدی .

(۲۴) گل بکاولی : پښتومنظوم اومصوردهلی ۱۲۹۸ه = (۱۸۸۱ع) - بمبئی ۱۸۹۰ع

(۲۵) جمجمه : يونقل دی په پښتو چه د شام پاچا په دوزخ کښ د معجزی په قوت بيرته ژوندی اواو يا کاله يی ژوندوکی د هلی ۱۳۹۳ه = ۱۸۸۷ع

(۲۶) کوتوال : دا قصه احمد گل نامی دهډی په پښتو ليکلی ده او نور غزليات هم لری لاهور ۱۳۰۴ه = ۱۸۸۸ع

(۲۷) دآدم خان اودرخانی قصه : اکبرشاه نظم کړيده .

(۲۸) حملهٔ حيدری : مظفر حاجی دپښور په دې نامه يو کتاب په پښتو تاليف کړيدی چه دحضرت علی کرم‌الله وجهه جنگونه اوکار نامی يې پکښ ستايلی دی (دلندن موزيم)

(۲۹) جنگ نامه : امير نامی دزقوم ايالد جنگ نامه تصنيف کړيده دهلی (۱۸۸۰ع)

(۳۰) ملا بهادر نامی دتميم انصاری نقل چه دپير ياقو او ديواتو سره يی په وچه کښ ليدل کړيدی په پښتو لبکلی دی دهلی (۱۲۹۸) ه ۱۸۸۱ع

(۳۱) شهزاده بهرام وگل‌اندام : داقصه ډير وشعر اوپخپل خيال جوړه کړيده چه دهغو جملوخخه خالد نامی اوفياض نامی هم دی . دهلی ۱۲۹۸ = (۱۸۸۱ع)

(۳۲) جنگ نامهٔ مبرحاتم : فقيرمحمد نامی په پښتو بيان کړيدی (دلندن موزيم)

(۳۳) فتح خان پريمخ قندهاری : دانقل خوشاعر انو په پښتو نظم ليکلی دی .

(۳۴) دخلورو يارانو قصه : گل‌احمد نامی په پښتو ليکلی ده (دلندن موزيم)

(۳۵) داودونکو قصه : داقصه محمدنامی په پښتو ليکلی ده (دلندن موزيم)

(۳۶) طوطی اومينا : ملا گل احمد تيرائی دطوطی اومينا نقل په پښتو نظم کړيدی (دلندن موزيم)

(۳۷) شاه روم : دشاه روم نقل په پښتو ليکل سويدی (دلندن موزيم)

(۳۸) جنگ نامه : دامامينو جنگ نامه سيد حسين نامی په پښتو نظم ليکلی ده .

(۳۹) گل‌محمد نيازی دزوی شيخی قصه چه دخپلی لورسره گفتگوی کوی په‌پښتو ليکلی‌ده (دلندن موزيم)

(۴۰) حاتم‌طائی : داقصه حيدرخان،خانخيل نظم کړيده‌اوپه پښتو رکښ‌چاپ‌سويده(۱۲۹۰ه)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(٤١) نیم بولا : یوه قصه ده چه نعمت‌الله پښتو کړیده .
(٤٢) گل او صنوبر : داقصه رشید ندوي نظم کړیده : (دلندن موزیم)
(٤٣) هوسی : داقصه‌چه‌هوسی آنحضرت ته‌ورغلی‌وه محمداسمعیل‌خان نامی په پښتولیکلی‌ده .
(٤٤) قصهٔ شاه جهان شهزاده ملتان وماه جبین گلفام : داقصه په پښتو کښ نظم سویده (دلندن موزیم)
(٤٥) فرهادوشیرین : داقصه دپښتو په نظم لیکلې سویده .
(٤٦) قصهٔ شهزاده بهرام گور وحسن بانو پری : دانقل دپښتو په نظم لیکلی سویده .
(٤٧) مکرزنان : پښتو (دمعارف کتابخانه)
(٤٨) مقدمهٔ عاشق افغانی : پښتو (دمعارف کتابخانه)
(٤٩) دچنی قصه : پښتو «
(٥٠) قصه اختر منیر : پښتو «
(٥١) قصه جهاندار شاه : پښتو «
(٥٢) قصه شهزاده ممتاز : پښتو «
(٥٣) قصه ترابان : پښتو «
(٥٤) قصه جان عالم : پښتو «
(٥٥) قصه‌موسی‌جان‌وگل‌مکی : پښتو «
(٥٦) قصه‌آدم خان ودرخانی : پښتو «
(٥٧) قصه اصحاب کهف : پښتو «
(٥٨) قصه‌شمشاد ودختر قاضی : پښتو «
(٥٩) قصه شهزاده دل‌افروز : پښتو «
(٦٠) قصه چهار درویش : پښتو «
(٦١) قصه سوهنی ومهینوال : پښتو «
(٦٢) شهزاده دل خرم : پښتو «
(٦٣) جنگنامه زیتون : پښتو «
(٦٤) جنگنامه میرقاسم : پښتو «

دیوانونه اونور ادبی آثار

(١) دعبدالحمید مهمند دیوان : چه په درو صرجان مشهور او چاپ سویدی .
(٢) دعبدالحمید مهمند مثنوی : یوه مثنوي ده چه عبدالحمید لیکلی ده اوپه انگریزی ترجمه سویده (دلندن موزیم)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۳) د عبدالقادر خان خټك ديوان : چه پرو سږ کال فاضل عبدالحی خان حبيبی په قندهار کښ چاپ کړ يدی .

(٤) دجامی يوسف زليخا : عبدالقادر خان خټك ترجمه کړيدی اوچاپ سويدی .

(٥) دسعدی گلستان : عبدالقادر خان خټك ترجمه کړيدی اوچاپ سويدی .

(٦) درحمن ديوان : دادیوان خوشوواری چاپ سويدی .

(۷) رشيد بيان : دا کتاب عبدالرشيد نامی دفارسی پنج کتاب په مقابل کښ په نظم ليکلی دی اوچاپ سويدی .

(۸) عيار دانش فارسی : ترجمه دابوالفضل ابن مبارك افضل خان خټك په پښتو ترجمه کړيدی (دلندن موزيم)

(۹) دخوشحال خان ديوان : خووارى چاپ سويدی او وړم کال په قندهار کښ فاضل عبدالحی خان حبيبی هم چاپ کی .

(۱۰) ادب النسا : يوادبی کتاب دی چه ملا نعمت الله نامی ليکلی دی (دلندن موزيم)

(۱۱) اکتساب النسا: داهم يوادبی کتاب دی چه ملا نعمت الله نامی ليکلی دی. (دلندن موزيم)

(۱۲) دخوشحال د ديوان منتخبات: خووارى په رازرازطرز وانگريزانو اوپښتو چاپ کړيدی.

(۱۳) دپير محمد کاکړ ديوان : چاپ سويدی اويوه نسخه يی دمعارف په کتا بخانه کښ هم سته (دلندن موزيم) .

(۱٤) داحمدشاه بابا ديوان: يوه قلمی نسخه يی دکابل په پښتو ټولنه کښ وه چه عبدالحی خان حبيبی ته يی وليږله :

(۱٥) داشرف خان خټك ديوان: دادیوان پخواه چاپ سوی مگر اوس چندان نه پيدا کيږی (دلندن موزيم) .

(۱٦) دکاظم خان خټك ديوان : دادیوان هم پخواه چاپ سوی واوس نه پيدا کيږی (دلندن موزيم) .

(۱۷) دميرزاخان انصاری ديوان: قلمی نسخه يی په پښتو ټولنه کښ سته .

(۱۸) دخواجه محمد بنگش: ديوان چاپ سويدی .

(۱۹) دعبدالعظيم ديوان: چاپ سويدی :

(۲۰) دحاجی جمعه بارکزائی ديوان: چاپ سوی نه دی قلمی نسخه يی په پښتو ټولنه کښ سته

(۲۱) دحنان ديوان : چاپ سوی نه دی قلمی نسخه يی په پښتو ټولنه کښ سته .

(۲۲) دشمس الدين کاکړ ديوان: چاپ سوی نه دی قلمی نسخه يی په پښتو ټولنه کښ سته .

(۲۳) بهارجانان: دمختلفو شاعرانو منتخبات دی چه چاپ سويدی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۲٤) بهار نوروزی: دمختلفو شاعرانو منتخبات دی چه چاپ سوید ی .
(۲۵) بهار گلشن: دمختلفو شاعرانو منتخبات چاپ سویدی .
(۲٦) دقلندرجان دیوان: چاپ سوی نه‌دی دعبدالواحدخان وردك دحربی دمکتب دمعلم څخه سته .
(۲۷) دعبدالنبی دیوان: داحمدشاه بابا په زمانه‌کښ عبدالنبی نامی‌هوتك دقندهارد ذاکر لیکلی‌دی چاپ سوی نه دی اصلی نسخه یی‌په پښتو ټولنه کښ ده .
(۲۸) دشیرمحمددیوان: چاپ سوی‌نه دی اصلی نسخه یی‌په پښتو ټولنه کښ ده شیرمحمد په قو م پښتنی اودقندهارددامان دی .
(۲۹) دیارمحمددیوان: دوه جلده اوچاپ سوی‌نه دی‌اصلی نسخې یی په‌پښتو ټولنه‌کښ‌دی
(۳۰) دعبدالعزیز دیوان: چاپ سوی‌نه دی اصلی نسخه یی‌په پښتوټولنه کښ‌ده عبدالعزیز دقندهار دموسی کلا دقرقد انی دی .
(۳۱) دعبدالله دیوان : چاپ سوی نه دی‌یوه نسخه یی‌په پښتو ټولنه کښ ده عبدالله په‌څټه پوپلزی اودقند هار دی .
(۳۲) انجمن عشاق : دمحمد عیسی دیوان دی چه چاپ سویدی .
(۳۳) دمیران‌دیوان: میران په څټه فوفلزی اودقندهار دی دیوان یی‌چاپ سوی‌نه دی
(۳٤) دملاحسن‌دیوان: چاپ سوی‌نه دی قلمی نسخه یی‌دشیر محمد کاکړ څخه دملاحسن دقندهار دتلو کان دی .
(۳۵) دمیر یحی دیوان: چاپ سوی نه دی اصل دیو ان یی دعبد النبی شاعر څخه دی ملامیریحی په څټه پوپلزی اودقندهار دخاکریز دی .
(۳٦) دمحمد نعیم دیوان: چاپ سوی‌نه دی دطلو ع افغان دمدیر حبیبی صا حب څخه دی محمدنعیم هوتك دقندهار دکلات دی .
(۳۷) دمطیع الله دیوان: پخوا چاپ سویدی‌اویوه قلمی‌نسخه یی په پښتوټولنه کښ‌سته .

لغات

(۱) خیراللغات : قاضی خیر الله دپښتو زاردواو پښتو .
(۲) را ورتی: پښتو په انګریزی دوه جلده را ، ورتی‌لیکلی دی .
(۳) بیلو: انګریزی په پښتو، بیلو لیکلی دي .
(٤) پښتو سیند: فاضل محمدګل خان مهمند لیکلی دی په کابل کښ چاپ سویدی .
(۵) سپیځلی پښتو: فارسی په پښتو فاضل لعل‌محمدخان کاکړ په کمك دعبدالحی خان حبیبی لیکلی دی په قندهار کښ چاپ سو یدی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(٦) لغات پښتو: پښتو په فارسی اثردمرکه پښتومګرلهبدهمرغه د معارف د کتابخانی څخه کم خائن غلا کړ یدی .

(٧) لغات: فارسیپه پښتو دمعارف کتابخانه . چاپ سوی نه د ی

(٨) لغات: انګریزی په پښتو میرزا سیدمحمد نامی لیکلی دی اوپه راول پنډی کښ چاپ سویدیچه یوه نسخه یېزماڅخه سته.

هر راز کتابونه

ترجمه اوتالیف

(١) توبة النصوح (٢) عنوان النصایح (٣) ظفر النسا : مرحوم سیدنعمان الدین احمد کاکاخیل .

(٤) جمال افغانی تذکره دسید جمال الدین افغان : مولانا عبدا لمجید اتما نخیل مهمند

(٥) ترجمه دمسدس حالی غلامحمدخان پوپلزائی (٦) وافیهصرف اونحو دپښتو قاضیمیراحمد شاه خان صاحب رضوانی (٧) اخوان الصفا: ترجمه د حافظ رحمت الله (٨) کلیلة او دمنه : ترجمه دملا ابو الحسن هراتی .

(٩) راحت القلوب منظوم مولوی حمیدالله (١٠) خزینهٔ افغانی : مولوی محمداسمعیلخان طبع دلاهور ١٨٨٩ع (١١) بهارستان اوشکرستان دپښتو : قاضی میر احمد شاه رضوانی طبع دلاهور (١٢) مهملات صدیقی منظوم : محمدصدیق اخندزاده سلیما نخیل دقندهار چاپ سوی نه دی (١٣) عینالعلم : عبدالحکیم اخندزاده کاکړ دقندهار (چاپ سوی نهدی) (١٤) تهذیب الواجبات : منظوم عبدالباقیصاحب کاکړدقندهار(١٥) فوائدفقیر: فقیرالله صاحبکاموی :

(١٦) ګنج پښتو : مولوی احمد دهشت نګر : (١٧) چمن بینظیر (١٨) هغه دغه :

(١٩) مزارات : سید محسن قند هاری (دمعارف کتابخانه) (٢٠) ګلدسته حیدری (دمعارف کتابخانه) .

(٢١) ګنج پښتو (٢٢) کلید افغانی (٢٣) شفاعت نامه (دمعارف کتابخانه) (٢٤) ربقة الاسلام : (دمعارف کتابخانه) (٢٥) حقیقة الاسلام افغانی (دمعارف کتابخانه) (٢٦) ترانهٔ محفل : (دمعارف کتابخانه) (٢٧) روضة المجاهدین : تالیف دملا فیض محمد اخندزاده دکابل په لاس لیك دملا سعد الدین دجلال آباد چکنوری (٢٨) خدای د میاشتی ١٢٩٤ ه (دمعارف کتابخانه) (٢٩) مصور یوسف زلیخا دکابل پهچاپ خانهکښ پهاهتمام دګل محمد خان محمدزائی په مرد اعلیحضرت امیرعبد الرحمن خان ١٤ دبرات ١٣١٥ه (٣٠) تجوید : په نظم

(c) ketabton.com: The Digital Library

بازنامی کاکړ دقندهار لیکلی‌دی چاپ‌سوی‌نه دی اصلی نسخه‌یې په‌پښتو ټولنه کښ‌ده .

قصائد ، مناجات ، تذکره اولور .

(۱) مشهو ره قصیده (انا لموجود فاطلبنی تجدنی) بابوجان په پښتو نظم ترجمه کړیده (دلندن موزیم) .

(۲) معجزات : دحضرت رسول صلی‌الله علیه‌وسلم معجزات‌عبدالکبیر نامی‌په‌پښتو لیکلی‌دی چه‌درې‌واره‌چاپ سویدی‌دهلی۱۲۹۳ه= ۱۸۷٦ع‌دوهم‌چاپ ۱۸۸۰ع دریم‌چاپ‌دهلی ۱۸۸۰ع

(۳) مناجات دحافظ عبد الکبیر او بی‌بی گلې : پقسم دمثنوی په نظم لیکلی سویدی (دلندن موزیم) .

(٤) مناجات : عبدالکریم نامی‌دمثنوی پرډول ویلی دی (دلندن موزیم) .

(٥) عبد الرحیم نامی‌دهفت هیکل ترجمه اویوه مثنوی دنصیحت البیان په نامه لیکلې ده (دلندن موزیم) .

(٦) خواب نامه و فالنامه : دوې رسا لې دی چه په نجوم کښ په پښتو لیکلی سویدی (دلندن موزیم) .

(۷) نور نامه : دحضرت رسول په‌ولادت کښ اکرم نامی په پښتو نظم لیکلې ده دهلی ۱۳۰۹ه ۱۸۹۱ع .

(۸) وصیت نامه : د حضرت علی کرم الله‌وجهه وصایا دی چه په پښتو لیکلی سو یدی (دلندن موزیم) .

(۹) الف‌نامه : یومذهبی قصیده ده چه‌دالف څخه شروع کیږی اوپریا تمامیږی ۱۸۹۱ع (دلندن موزیم) .

(۱۰) منا جات : مناجات دی چه د مثنوی په څیر آخند علی نامی لیکلی دی ۱۸۸۰ع (دلندن موزیم) .

(۱۱) مناجات : مناجات دی‌چه عبدالغفور صاحب (مشهور دسوات په صاحب) دمثنوی په څیر ویلی دی (دلندن موزیم) .

(۱۲) ناصرا لمحسنین فی‌وفات سید المر سلین : چه‌په وفات نامه‌هم شهرت لری دمثنوی پرډول ویلی سویدی (دلندن موزیم)

(۱۳) مثنوی : دحضرت پیران پیر صاحب په‌منقبت کښ ویلی سویده .

(۱٤) حملهٔ حیدری یدی نامه مظفر حا جی پښتوری یوه‌مثنوی لیکلی‌ده (دلندن موزیم)

(۱٥) پنج‌گوهر : یوه مثنوی ده چه امیر شاه نظم کړیده لمړی برخه دآنحضرت شمائل دی اودو همه‌برخه یی په‌عقائدوکښ ده . (دلندن موزیم)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۱۶) اسماءالحسنی ؛ دالله تعالی د۹۹ نوموشرح په پښتو نظم لیکلی سویده (دلندن موزیم)
(۱۷) وفات نامه ؛ یوه مثنوی ده چه دآنحضرت په وفات کښ لیکلی سویده (دلندن موزیم)
(۱۸) مناجات اخند گدا : یوه مثنوی ده چه اخوند گدا لیکلی ده : (دلندن موزیم)
(۱۹) مناجات :یوه مثنوی ده چه دسوات علیه الرحمه په صفت کښ شیر احمد متخلص په شیدا لیکلی ده (دلندن موزیم)
(۲۰) لویه معراج نامه : دحضرت رسول د معراج کیفیت په پښتو نظم سویدی (دلندن موزیم)
(۲۱) کچنی معراج نامه : بله معراج نامه ده چه غلام محمد دشیرخان زوی په نظم لیکلی ده (دلندن موزیم)
(۲۲) جنت النعیم :یواثر دی چه دهندوستانی څخه مظفر حاجی پیښوری په پښتو ترجمه کړیدی (دلندن موزیم)
(۲۳) جندهٔ افغانی : یو اثر دی چه له میزان الحق (هندی) څخه په پښتو ترجمه سویدی (دلندن موزیم)
(۲۴) دجامی دعربی ابیات : په پښتو نظم ترجمه سویدی (دلندن موزیم)
(۲۵) لویه معجزات نامه : دآنحضرت په معجزاتو کښ په پښتو لیکل سویدی . (دلندن موزیم)
(۲۶) دمیان محمد عمر صاحب مناقب: مسعود گل په پښتو نظم لیکلی دی . (دلندن موزیم)
(۲۷) دبردی شریفی قصیده : میان شریف نامی په پښتو ترجمه کړیده .(دلندن موزیم)
(۲۸) دابوحنیفه مناجات : په پښتو ترجمه سویدی (دلندن موزیم)
(۲۹) یوه مثنوی دسوات صاحب ، مانکی ملاصاحب اواخوندزاده صاحب دهلی په صفت کښ غازی الدین لیکلې ده . (دلندن موزیم)
(۳۰) فراق نامه : یوه مثنوی ده چه ددین په باب کښ په پښتو ویلې سویده .

درسی کتابونه

۱) افغانی کی پهلی کتاب : تالیف دنیا زعلیخان ، محمد عبدالرحمن دهشت نگر
(۲) درس افغانی :مولوی سیداحمد دکوهاټ .
(۳) گنج پښتو : مولوی احمد دتنگی
(٤) گفتگوی پښتو :محمداسمعیل خان ابت اباد.
(٥) گلزار افغانی . . . . . .
(٦) انشاء پښتو : مکتوب نویسی ۱۸۷۲ع
(۷) کلید افغانی :. . . . . .
(۸) پهلی افغانی جدید : مولوی سیداحمد دکوهاټ .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۹) پښتومینول : راورتی

(۱۰) پښتو بات چیت :جمعیت الر ای

(۱۱) سوال وجواب افغانی : محمداسمعیل ابت اباد

Some

Pushtu Books

لغات :

Dictioneries :-

(۱) لغات دپښتو مؤلف (دورن) طبع دپترسپورك ۱۸٤٥ ع .

1. A Dictionary of Pushtu Language, by Dorn, st. Petersburg 1845

(۲) لغات دپښتو مؤلف (راورتی) طبع دلندن ۱۸٦۰ ع .

2. A Dictionary of Pushtu Language, by Raverty, London. 1860.

(۳) لغات دپښتو مؤلف (بیلو) طبع دلاهور ۱۸٦۷ ع .

3. A Dictionary of Pushtu Language, by Bellew, Lahore. 1867.

(٤) (روسی) گرامر او فرهنگ دپښتو مؤلف (تومانووچ) طبع دتاشکند ۱۹۰۸ ع .

4. (Russian)Grammar and Vocabulary of Pushtu, by Tumanovitch , Tashkent. 1908.

(٥) دپښتو داشتقاق لغات مؤلف (مارکن سترن) طبع داسلو ۱۹۲۷ ع .

5. Etymological Dictionary of Pushtu Morgensterne, Oslo. 1927.

(٦) دمحاورئی پښتو لغات مؤلف(گلبرسن) طبع دهرت فورد ۱۹۲۹ ع .

6. An English-Pushtu Colloquial Dictionary, Gilbertson, Hertford 1929.

(۷)(جرمنی)اشتقاق دپښتو مؤلف (گرایگر)

7. (German) Etymologie and Lautlehre des Afghanischen. by Grieger.

گرامر (صرف ونحو) :

Grammars:-

(۱) دپښتو گرامر مؤلف(واهن)طبع دلندن.

1. A Grammar of Pushtu, by Vaughan. London.

(۲) « « « (راورتی) « « ۱۸٦۰ ع .

2. A Grammar of Pushtu, by Raverty. 1860

(۳) دپښتو گرامر مؤلف (بیلو) طبع دلاهور ۱۸٦۸ ع .

3. A Grammar of Pushtu, by Bellew, Lahore 1868.

(٤) دپښتو گرامر مؤلف (کاکس)طبع دلاهور .

4. Notes on Pushtu Grammar by , A. Cox Lahore.

(c) ketabton.com: The Digital Library

Dictioneries:-

5. A Grammar of Pushtu, by Ernest Trump, London 1873.

6. A Grammar of Waziri Pushtu, by Lorimer, London. 1902.

7. Syntax of Colloquial Pushtu by Lorimer, Oxford. 1915.

Manuals:-

1. Pushtu Manual, by Raverty. London.

2. A Manual of Pushtu, by Roose, Kepple, London 1901

3. AGuide to Pushtu, by Mohammed Ismail Khan, Lahore.

4. How to Speak Pushtu, by Qazi Ahmad Jan, Peshawar.

5. Pushtu Colloquial. by Feroze - ud -Din Ludhiana.

6. The Pushtu Language, by Gilbertson, Hertford. 1929

Text Books:-

1. Gulshan - i - Roh, by Raverty ' London.

2. Kalid - i - AfGhani. by Hughes, Lahore.

3. A Furst Book of Pushtu, by Gilbertson, Benaras.

Poetry:-

1. Afghan Poetry of the 17 th Century by Biddulph, Woking.

لغات :-

(۵) د پښتو گرامر مؤلف (ارنست ترومپ) طبع دلندن ۱۸۷۳ ع .

(٦) دوزيرو د پښتو گرامر مؤلف (لاريمر) طبع دلندن ۱۹۰۲ ع .

(۷) د محاورئی پښتو نحو مؤلف (لاريمر) طبع د اکسفورد ۱۹۱۵ ع.

منول ، قواعد ، محاوره او ترجمه :-

(۱) د پښتو منول مؤلف (راورتی) طبع د لندن .

(۲) د پښتو منول مؤلف (روس کيپل) طبع دلندن .

(۳) د پښتو راهنما مؤلف (محمد اسمعيل خان) طبع دلندن .

(٤) پښتو څه رنگه وائی مؤلف (قاضی احمدجان) طبع دپشاور .

(۵) روزمره پښتو مؤلف (فيروزالدين) طبع دلود هيانې .

(٦) د پښتو ژبه مؤلف (گلبرسن) طبع دهرت فورد ۱۹۲۹ ع .

منتخب ادبی او کلاسيکی کتابونه :-

(۱) گلشن روه مؤلف (راورتی) طبع د لندن

(۲) کليد افغانی مؤلف (هيوز) طبع د لاهور

(۳) اول کتاب د پښتو مؤلف (گلبرسن) طبع دبنارس .

اشعار :-

(۱) د (۱۷) قرن اشعار مؤلف (بيدولف) طبع دوکنگ .

(c) ketabton.com: The Digital Library

2. (French) Chantes Populaires des Afghanes, by Darmester, Paris

(۲) (فرانسوی) ملی ترانی دپښتو (دار مستتر) طبع د پیرس .

Prose:-

نثر :-

1. Some Current Pushtu Folk Stories, by Malyon. Calcutta.

(۱) ملی قصی د پښتو مؤلف (مالیون) طبع د کلکتی .

❀ ❀ ❀

داو د پښتو د څنو کتابو فهرست چه ماته معلوم یایی فهرست لاس ته راغلی واوداهغه کتابونه دی چه له دری سووکلورایه دی خوا بیاترشلوکلو د مخه لیکلی سویدی ددی زمانی یاپه بل عبارت د شلوکلو رایه د ې خواه کتابونه مانه دی لیکلی سبب یې دادی چه یوخو یې تعداد په زرووا و په دې مقاله گې کښ دټولوفهرست اونومونه نه څائیدل دوهم داچه د ټولو فهرست ماته معلوم نه و .

دالیکلی فهرست هم ناقص او بلکل یونامکمل شی دی ځکه په زروکتابونه د پښتو نورهم سته چه ماته معلوم نه دی او په شا اوخوا د وطن کښ موجود دی او بل داچه دد ې لیکلو سو و کتابو بیلوگرافی هم په ښه ډول زما دلاسه پوره نسوه ځکه چه معلومات مې نه و اوماچه سنز کال ودی نامکمل کارته اراده وکړه دوه سببه وویو داچه د برومنکرانو داویل چه پښتو علمی ژبه نه ده او هیڅ کتاب پکښ لیکلی سوی نه دی اوداویل خویا ددوی د ناپوهی سبب و او یا د تعصب او کم بختی جنبه یی لرله او ما وغوښتل چه ددوی خولې وتړلی سی او پوه سی چه پښتو علمی ژبه ده او د هرارزعلمی لیکلواستعداد لری اودوهم سبب یی داوچه پښتنوتراوسه دخپلو آ ثارو د غنه ولو یا د فهرست د ترتیبو لو هیڅ فکر نه دی کړی او آ ثاریی هرځای نامعلومه پراته دی نوگوندی دازمانا مکمله او نیمگری فهرست ددوی په مغزوکښ دافکر پیدا کی چه د خپلو آ ثاروفهرست ټول کی اوموزیووخت د خپلو آ ثارو په مکمل فهرست باندی بریالی سو اومنکرانوته وسله په لاس ولرو اوخپل وگړی باندی خبرکو چه د خپلو کتابو او آ ثارو څخه استفاده وکی او ددې کتابو په فهرست کښ ما دلندن د بر ټش مو ز یم د فهرست څخه چه په ۱۸۹۲ع کښ ترتیب سوی و ډیره استفاده وکړه والسلام :

(c) ketabton.com: The Digital Library

تعاملات حقوقیه وجزائیهٔ ملی

به عقیدهٔ من بهترین و مثمرترین مشغولیت در تحقیقات وتتبعات وضعیت اجتماعی یك ملت تحقیق عرف ، عادات وعنعنات اوست زیرا نتیجهٔ که از ین گونه تحقیقات بدست میاید میتوانند رهنمای مقنین ، علمای اجتماع و مورخین و .... گردد مقالهٔ ذیل که بقلم جناب عبدالرحمن خان پژواك نگارش یافته نمونهٔ مختصری از ین تحقیقات است و بدون مبالغه وریا کاری میتوانیم ادعا کنیم که بانوشتن این مقاله و زحمتی که درین راه کشیده اند خدمت بزرگی رادر زمینهٔ خدمات‌ملی انجام داده اند باین دلیل :

قوانین و نظامات و بالاخره دساتیر همیشه متکی بهمین عرف و عادات میباشد و هیچ قانونی دردنیا وضع نمی‌گردد که استناد به تعاملات ملت ننماید و اگر احیاناً قانونی متکی به عرف وعادات ملی نباشد آن قانون دوام هم ندارد وزود از پا در میاید واز ین جهت است که وضع قوانین بعهدهٔ نمایندگان ملت گذاشته شده‌است. ممالك اروپا پس‌ازچندین قرن تجربه اخیراً باین امر اعتراف نموده متیقن شدند که باید قوانین را برروی بنای قدیمهٔ حقوقی و قضائی ملت که آن را تعاملات نام میگذارند بگذارند .

اگرچه مونتسکیو در قرن ۱۸ در کتاب روح القوانین خود گفته بود : « قوانین مولود ماهیت اشیامیباشد وهرملت ازخود روح علیحده دارد و باید قوانین موضوعهٔ اومناسبتی باروح آن ملت داشته باشد . » ولی دران روز برو خندیدند ومتعصبین انقلاب فرانسه اورا مرتجع گفتند اما امروز ثابت شد که آن گفتهٔ او راست و معقول بود و گوستاو لوبون درقرن ۲۰ گفتهٔ او رابه لباس دیگری در آورده ورو گردان کرده در کتاب نوامیس روحیهٔ ملل خود چنین افاده کرد : « قوانین ونظامات یك ملت مولود روح همان ملت است »

اینك وقتی دیده شد مسئله چنین است ونظامات ملت‌متکی به‌روح آن ملت‌میباشدپس تعاملات که یگانه مظهرروحی ملت است میتواندمأخذ قوانین‌موضوعه گردد لذا اهمیت‌این‌مقاله درعین اینکه مختصر ومنحصر به قوانین تعاملی یك قوم و آنهم یك شق آن میباشد خود بخود ظاهر میگردد .

مسئلهٔ تعامل امروز در دنیا اهمیت زیادی دارد وحتی در مترقی ترین ملل دنیا بآن اهمیت میدهند مثلاً درانگلستان درمسائل تجاریه تاکنون قانون‌مدون وموضوع وجود نداردودعاوی تجارتی بذریعهٔ تعاملات که آن را کامن لا (Camman La) میگویند حل وفصل میگردد .

کوتاه سخن باید جوانان مخصوصاً فضلای پښتو باین‌امرمتوجه شوند وسعی‌کنند تارفته رفته این تعاملات ازتمام اقوام وقبائل جمع گردد زیرا بوسیلهٔ این ها مقنن میتواند ماهیت قانونی را که وضع میکنند دریابد و محققین دیگر مثل علمای تاریخ ، اجتماعیات ، قومیات ، بشریات هرکدام ازین وثائق مالزمه‌های مفیدی برای مشاغل خود میتوانند تهیه‌کنند راه تحقیقات درزمینهٔ ملیت همین است ونباید آن را از دست داد .

« م : قدیر تره کی »

(c) ketabton.com: The Digital Library



نگارندهٔ مقاله جناب عبدالرحمن خان « پژواك »

بنده دوسال قبل بفکر افتادم که در اثر انتظام دوایر مملکتی حاکمیت حکومت، واستقرار امن وسلام در دوردست ترین نقاط افغانستان وتقرر قضات شرعی قوانین جزائی ملی روز بروز ازبین میروند وهم اکنون اند کی بیش ازان باقی نمانده است و روزی خواهد رسید که دیگر یك تعداد اشخاص معمری که تا کنون موادقوانین مذکور رادرخاطره های خویش نگاه داشته اند ازبین رفته ویك حصهٔ مهم تاریخ مملکت را باخود ببرند . همین بود که ازکوچکترین موقع صحبت با خوانین وریش سفیدان قومی استفاده کرده ویك تعداد یاد داشتها گرد آوردم . درین اواخر قرار خواهش رفقای محترم انجمن ادبی که از اقدام بنده باین کار خبر داشتند پارهٔ ازان یاد داشت ها راترتیب وبصورت مقالهٔ مختصری بسالنامهٔ کابل تقدیم کردم . لذا بعدازتشکر از کسانیکه درین راه بمن معاونت فرموده اند از تمام نویسند گان افغانی که بتوانند درین راه خدمت کنند خواهشمندم باین جنبهٔ مهم وقابل افتخار که تا کنون هیچکس از نویسند گان خارج وداخل بدان اقدام نکرده اند عطف توجه فرمایند .

قبل ازآنکه داخل موضوع شده وبشرح قوانین ملی به پردازیم لازم است بعضی لغات اصطلاحی پښتو را که ممکن است بعدها درمتن موضوع ذکر شده وبقارئینی که بازبان پښتو وخصوصاً بااصطلاحات جزائی آن آشنائی ندارند اسباب زحمت شود شرح بدهیم . بعضی ازین کلمات قراریکه درسطور آینده روشن خواهدشد خیلیها ازمعنی لغوی خود دورافتاده اند وحتی به کسانیکه زبان پښتو لسان مادری آنها است ویا باپښتو زبانها خیلی سروکار هم داشته باشند مجهول است :

۱ـ گتلکه (پیغله) پیغله در افغانی کلمه ایست که هر پښتوزبان بامعنی آن آشناست وحتی اکثر فارسی زبانهای افغانستان نیز دراثر اینکه خیلی رایج است شاید ازان بیخبر نبوده وبدانند که دختران جوان را پیغله می گویند ولی کلمهٔ دیگری نیز درین پښتونها معمول است که هرچند بایست آنرا یك کلمهٔ جداگانه ومستقل بدانیم ولی بازهم این کلمه درحقیقت حدمرحلهٔ پیغله شدن راتعین می کند. این کلمه « گتلکه » است . گتلکه کلمهٔ ترکیبی است که از (گته) بمعنی انگشت و « لکول » بمعنی لغوی استاده کردن ویا لکیدل » به معنی « ایستاده شدن » ترکیب یافته است ولی باید دانست که وقتی کلمهٔ « ایستاده شدن » یا « ایستاده کردن » فارسی را در مقابل « لکول »

(c) ketabton.com: The Digital Library

یا « لکیدل » زبان پښتو استعمال میکنیم برحسب ضرورت احتیاج است وکلمهٔ دیگری در زبان فارسی بنظر نگارنده نخورده است که بطورکلی بتواند درمورد استعمال خویش با کلمهٔ پښتو تطبیق شود ـ مثلاً نه میتوانیم این جملهٔ فارسی را که « احمد برخواست (ایستاد) » در زبان پښتو « احمد لك شو » ترجمه کنیم . بهرکیف اگردر زبان فارسی کلمهٔ وجود ندارد که معنی « لکیدل » یا « لکول » را بطور کامل افاده کند دیگری وجود دارد که بکلی معادل کلمهٔ ترکیبی « گتلکه » است لذا مقصودما حاصل ومطلب ما ازکلمهٔ ترکیبی فارسی « انگشت نما » واضح میگردد . ـ بیائیم برسراصل موضوع : طبعاً هنگامیکه دخترجوان میشود و برمرحلهٔ « بیغله » (دوشیزه) پامیگذارد « انگشت نما » گردیده وچشم امید جوانان به همسری اوباز گردیده توجه این وآن را جلب میکند . لذا افغانها اورا گتلکه میگویند .

ولی فرقیکه دربین کلمهٔ « گتلکه » پښتو وکلمه « انگشت نمای » فارسی موجوداست همینقدراست که درزبان فارسی « انگشت نما » بطورخاص مفهوم دوشیزه را اداء نمیکندولی کلمهٔ « گتلکه » درزبان پښتوعیناً مرادف « بیغله » بوده وقراریکه قبلاً نیز اشاره رفت حدمرحلهٔ دوشیزگی رانیز تعین میکند . ـ

۲ ـ رونی : ـ دختر شیر خواره را میگویند .

۳ ـ پور : ـ کلمهٔ « پور » اگراز نقطهٔ نظر لغت ومعنی لغوی ترجمه شود چیزی است که بطور عاریت وبه مقصد اعاده گرفته میشود ومیتوان آنرا به کلمات قرض ، دین ، ووام درفارسی ترجمه نمود ولی معنی اصطلاحی آن دربین پښتونها فرق میکند وقتی درمسایل قانونی وجزائی ملی این لغت استعمال میشود بصورت تقریبی (۱) مفهوم « تاوان » را افاده میکند وتاوان خودچیزی است که اعاده نمیشود . و دربعضی موارد دیگر میتوان آنرا نیز دیك « دیت » آورده و یا اینکه معادل اصطلاحی کلمهٔ « خون » در فارسی قرار بدهیم .

٤ ـ سپین : به معنی سفید است ولی از نقطهٔ نظر اصطلاح معنی آن فرق میکندوعموماً درموارد زخم وجراحت استعمال میگردد طوریکه آن حصه های بدن را همواره بیرون لباس بوده ودروقت مواجهه نظرانسان بآنها می افتد ازقبیل چشم ، بینی ، گوش ، زبان ، لب ها ، دست تا آرنج وپا تاحد بجلك ودندانهای نمایان وغیره را « سپین » میگویند علاوتاً در بعضی موارد وقتی لغت سپین در مورد شخص استعمال شود به معنی « پاکدامن » است یعنی کسی راکه بذاته درجرم شرکت ندارد « سپین » می شناسند .

۵ ـ تور : به معنی سیاه ومفهوم اصطلاحی آن نیزماننده معنی لغوی آن ضدسپین است یعنی درموضوع جرح وزخم حصه های ازبدن که درلباس مستور است تور گفته میشود ودرمورد اشخاص همان کسانیکه داخل جرم هستند « تور » شناخته میشوند . ـ زن ها ئیکه لکهٔ بدنامی بدامن خویش

(۱) زیرا دربسیارکم جای ها امکان دارد که دوکلمه دردوزبان بکلی یکسان تعبیرشده باشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

برمی دارند تور هستند .

٦ ـ کرښنده: «کرښه» درزبان پښتو «خط» رامیگویندواین لغت نیزازان بیرون آمده است . این کلمه دارای مفهوم کره وجبر است مثلاً شخصی کسی راکه راضی نیست با اوبرود به کره واجبار و استعمال قوه عقب خود میکشاند پښتونها میگویند اورا «به کرښنده» باخود برد وچون طبعاً وقتی کسی، کسی را بقوه وزور عقب خود کشان کشان میبرد بروی زمین خط کشیده میشود ازهمین جااست که کلمه «کرښنده» «از کرښنه» یاخط اشتقاق می یابد .

٧ ـ ولور : کلمه ایست که دربین فارسی زبانها نیزمعمول است کلمهٔ فارسی آن «کابین» است .

٨ ـ ننوات : این کلمه را ع ، ج ، ا ، ا نشان محمد گل خان مهمند وزیر صاحب داخله رئیس تنظیمهٔ قطغن وبدخشان درکتاب جامع خویش پښتو سیند بصورت خیلی درست شرح کرده اند طور یکه لازم نیست ازآن صرف نظر شود لذا عیناً آنرا نقل وبقارئین گرام عرضه میداریم :

« ننواتی » معذرت مخصوص وفوق العادهٔ افغانی است که برای عفو جرایم بزرگ اجرا میشود . درین قسم معذرت عذر کننده به مقصد عذر بخانهٔ کسیکه میخواهد عذرش رابکند میرود واظهار عجزوانکسار کرده عفومیخواهد واین رفتن بصورت تنهائی ویا بایك جمعیت بصورت وترتیب مخصوص بهردونوع اجراشده میتواندولی اگر بصورت تنهائی هم اجراشود باید ازاجرای ننوات انکار نکند هرگاه نزدمردم انکار کند آن ننوات مقبول ومنظور نیست بلکه این وضع اگر احیاناً واقع شود مخالفت ومخاصمت راتشدید می نماید : اگر ننوات کننده برای اجرای ننوات تنهابخانهٔ کسی برود بصورت معمول تنهاقصور اوعفو میشود واگر باجمعیت وباترتیب مخصوص رود علاوه ازبخشش عفو بلحاظ جرگه (احترام جرگه درپښتوشرح مخصوص دارد) بااو مهربانی شده محبت هم بعد ازان ابراز میگردد حتی بعضی ها علو جنابی کرده بمقصد اعزاز واحترام جرگه را دستار (یابااین اسم تحفهٔ دیگری) هم میدهند .

درین قسم عذر هرگونه جرم مجرم عفوه میگردد حتی اگر پدر وفرزند وبرادر کسی راهم کشته باشد صاحب خانه ازخون مقتولین گذشته قلباً اوراعفو میکند ودوباره پیرامون انتقام در ظاهروباطن نمیگردد ، بلکه حمایهٔ اورا وظیفهٔ خودمیشناسد ، مخالف که ننوات کرد وتسلیم نمود . درصورت تسلیم بااو مخالفت ودشمنی کردن مخالف شئونات افغانیت ومغایر اصول افغانی است مخالف چون ننوات کرد گویاانتقام گرفته شد ننوات کننده بجملهٔ مرده محسوب میشود ،مرده رابه شمشیر زدن کارمردان وافغان نیست مثال ننوات کننده بشخصی میماند که درمحکمه ملامت شود وحکم قصاص برو صادر گرددودرمیدان قصاص اورابرده بزیر تیغ خوا بانیده وتیغ در گلویش گذاشته بعد عفو گردد . لهذا ننوات کردن هم کار اسان نیست ، یك افغان تا خیلی مجبورنشود ننوات نمیکند حتی اکثریه مرگ رابهتر ازننوات میدانند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اظهار عجز افغان در امر مخاصمت ودشمنی خیلی دشوار است . . . . .

خلاصه تنوات رانپذیرفتن مخالف شان افغانی وخلاف اصول افغانیست شخصیکه این قسم عذر رانپذیرد تقریباً از دائرهٔ افغانیت خارج میشود ودر نظر عموم خوار میگردد لذا این قسم عذر درنزد افغانها واجب القبول است خصوص اگر زنی چنین وضع را اجرا کند وبی جرگه وباجرگه بخانهٔ کسی درآید وآن امکان ندارد. وکسیکه این قسم عذر راقبول نکند رذیل وذلیل میشود وحقوق افغانیتش ازطرف قوم سلب میگردد ولی کسیکه ازوآن طریق عذر میشود ازحق خود وحق آنکسانیکه عفو آن به اقتدار اوباشد میگذرد واگردر اقتدار اونباشد معذوراست ولی اقربا یادوستان اوهرگاه حق خودرا باو که ذمه وارعفوحق آنهاهم شده بحرف این کس عفو نکند قطع مناسبات درین واقع میشود اگر کسیکه بخانهٔ اوتنوات میرود حق اقربا یادوستان یاهمراهان خودراعفو نتواند ودران صلاحیت نداشته باشد یا اعتماد نکند امابهر حال ذمه وارهمراهی عذرکننده است. واگرحق ازدیگری باشد باین شخص تعلق نداشته باشدوتنوات بخانهٔ اومیرود آن شخص مجبور است که قوهٔ انتهائی خودرا در عفو خواستن این شخص صرف کندواگراقدام وسعی اوموثر واقع نشود هرگاه از گند (۱) مخالف تنوات کننده وموافق مدعی علیه او باشددرهمین معامله بااو همرائی نمیکندویا از «گندی» آن شخص خارج میشود وحتی بموافقت تنوات کننده ومخالف آن ایستاده میشود. این شیوه مستلزم است که کسیکه بخانهٔ اوتنوات میرود وحتی الامکان سعی بشری رادر کاراین شخص دریغ ندارد وحتی باندازهٔ وسیع صرف مال هم کرده میشود. خلاصه این طریق معذرت درافاغنه خیلی اهمیت دارد درکاریکه بحکومت متعلق باشدمحض سعی وهمراهی شرط وکافیست حاکم ومامور درمعاملات جامعه ازقبول تنوات معذوراندولی درداخل اصول وشرع طرفداری هم وظیفهٔ افغانی ووجدانی است بیانات جناب محمد گل خان مهمند درهمین جا خاتمه یافته وهمه چیزرا در برمیگیرد ولی اگراینقدر علاوه شود که این کلمه از «تنوتل» که بمعنی «درآمدن» است گرفته شده است چندان بیمورد نخواهد بود فعلاً به همین قدرقناعت کرده یك تشریح تنوات را درصفحات آینده حواله میدهیم.

۹ـ جرگه: این کلمه که بیش وکم هر کسی به آن اشناست عبارت ازاجتماع چند نفراست که برای بحث وفیصلهٔ مسئلهٔ با هم گرد آمده باشند وقتی مادر متن موضوع کلمهٔ جرگه رااستعمال میکنیم مقصد ازآن «جرگهٔ افغانی» یاپښتو جرگه است که قرارقوانین ملی افغانی منعقد گردیده مسئله رادائر وحکم فیصلهٔ آن را طوریکه معمول ومروج است صادر میکنند.

۱۰ـ گوند: این کلمه رامیتوان «پارتی» انگلیسی و یا حزب عربی یاد کرده ولی «گوندی» درافغانی صورت دیگری داشته و باید اندکی تفصیل داده شود: حس رقابت و

(۱) کلمه «گند» جداگانه شرح داده میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

همچشمی در بین افغانها اززمانه های بسیار قدیمی بوده و اگر ازنقطهٔ نظرحقیقت سنجیده شود هیچ قومی در دنیا از بین حس بقدر افغانها حصه نبرده است گویا «گوندی» یارقابت و همچشمی یك حصهٔ بزرگ احساسات این قوم غیوررا میسازد . یك افغان دراثرحس «سوپر یارتیی» که دارد هیچگاه نمیخواهد دیگری را از خود بلند تر به بیند خصوصاً اگر این بلندی در سجایای باشد که از نیاکان غیور شان باین قوم بارث رسیده است از قبیل مهمان نوازی ، شجاعت ، نان دهی ، وسرکردگی قوم وغیره ـ لذاوقتی یك نفرشجاعت بخرج میدهد و یا ادارهٔ قومی را بدست میگیرد و یامهمانان را بخوبی مینوازد درافراد دیگرقوم نیز حس رقابت و همچشمی زنده شده و آنچه ازو دیده اند کوشش میکنند دوچندان از طرف خود نشان بدهند با این ترتیب « گوندی » بمیان آمده دوحزب یادو « گوند » بوجود میآید . هر « گوند » از خود قایدی داشته و دیگران که در « گوند » اوشامل هستند بتمام موجودیت ودارائی خویش بطرفداری او ایستادگی و مقاومت میکنند .

۱۱ـ کونده : زنی را میگویند که عروسی کرده و شوهر او فوت کرده باشد و یا اینکه بکسی نامزد شده و نامزد او مرده باشد .

۱۲ـ نه گونه : بمعنی نه چند است وعموماً در مورد «تاوان» دزدی حیوانات و مواشی استعمال میشود که بعد ها واضح خواهد شد .

۱۳ـ تیزه : بمعنی سنگ است ولی اصطلاحاً عبارت است از :

الف : میعاد صلح ـ مثلاً وقتی دو قبیله با هم میجنگند . چند نفر ازخوانین وروساویا به اصطلاح بهترافغانی «سپین ږیری» یعنی ریش سفیدان قوم جرگه کرده وجنگ رابرای سه ماه معطل میسازند و وقتی در بارهٔ این متارکهٔ مو قتی که میتوان آنرا میعاد صلح نیز گفت حرف زده میشود افغانها میگویند برای مدت سه ماه سنگ مانده اند ولی باید دانست که علاوه بر مسائل جنگ و متارکه وصلح در بعضی موارد دیگر نیز که کیفیت آن شبیهٔ مسئلهٔ فوق الذکر باشد میتوان این اصطلاح را استعمال نمود .

ب ـ این کلمه از نقطهٔ نظر اصطلاح در مسائل قضائی ملی به معنی « نرخ » یا بار نیز درملی استعمال میشود چه هر قبیلهٔ بزرگ از قوم پښتون مثلاً احمد زائی ، آفریدی، مهمند و غیره ازخود سنگ مخصوص دارند . بعضی ازین سنگ ها گران و برخی سبك هستند یعنی بعضی را « درنه تیزه» و برخی را سپکه تیزه میگویند یا آنکه واضح تر گفته باشیم چون هر قوم قوانین مخصوصی ازخود دارد بار های جزائی هر یك از آنها در برابر جرم فرق میکند مثلاً «پور» یا «تاوان» یك زخم قرارقوانین مهمند طوری وازروی قوانین احمد زائی طور دیگری تعین میشود وهمین مطلب است که یك سنگ را گران و دیگری راسبك معرفی میکند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مهمترین سنگ های که در بین قبایل شناخته می شود عبارت است از سنگ مهمند ، آفریدی ، احمدزائی، منگل ، جدران که در درجهٔ اول اهمیت قرار میگیرند . سنگ های توخی ، تره کی ، هوتك ، درانی دردرجه دوم واقع هستند .

ناگفته نماند که بعضی اوقات کلمهٔ « جرگه » و « تیزه » یك مفهوم را افاده کرده ودربرخی موارد ویامحاورات بجای یك دیگر قرارمیگیرند مثلاً بجای اینکه بگویند سنگ احمدزائی چنین است یا فلان مسئله قرار سنگ احمد زائی فیصله گردید بجای « سنگ احمدزائی » « جرگهٔ احمد زائی » میگویند .

۱٤ ـ مرکه : مرکه عبارت ازمجلسی است که برای حل قضایا منعقد میگردد . این کلمه یا « جرگه »فرق اندکی دارد که در بعضی موارد بکلی محسوس نمیشود که آن این است که « جرگه »عموماً بزرگتر از « مرکه »میباشد . کسانیکه داخل مجلس میباشند « مرکه جی »ویابطورجمع « مرکچیان » گفته میشوند .

۱۵ ـ روغه : این کلمه از کلمهٔ « روغتیا » برآمده است که بمعنی صحت وسلامت است ومعنی « صلح» را بخود گرفته است . وقتی دونفر ویادو خاندان ویادوقوم برسر مسئلهٔ باهمدگر مخالف شده ویامی جنگند وبعدازان دراثر دایرشدن « جرگه »ویا « مرکه » بشرایطی مخصوص باهم صلح نموده ومسئله را برضای جانبین فیصله میکنند . « روغه » کرده اند . پس بهترین کلمهٔ که درزبان فارسی میتواندمفهوم « روغه »را از نقطهٔ نظر لغت ادابکند عبارت از جور آمدن است که ازراه قریب تری به کلمهٔ پښتو مطابقت دارد .

۱٦ ـ سورلاسی : ـ اگرچند نفر بهم متفق شده و شخص را بکشند البته واضح است که دروقت تعین جزا اشخاص بعنوان قاتل ومعاون ازهم تفریق میشوند .

سورلاسی قاتل را میگویند . این کلمه مرکب است از « سور »و« لاس » که اولی به معنی « سرخ» ودومی به معنی « دست » است .

۱۷ ـ « بدرگه » : این کلمه ازنقطهٔ نظر لغت قراریکه درپښتو سیند مرتبهٔ جناب فاضل دانشمند محمد گل خان مهمند نیز دیده شده دارای دومعنی است که اینك عیناً نقل میشود .

اول ـ بدرگه ، کسانیکه برای حفاظت قافله یاجمعیت یاشخص مقررگردند تاآن قافله یاشخص را باعتبار ورسوخ خود یابا قوهٔ خود سالماً بمنزل مقصود برسانند یاازحدود معین بگذرانند.

دوم ـ خیراتیکه متصل دفن مرده کرده میشد وحالا کمتر مروج است .

ولی چون ما دربحث قوانین ملی کلمهٔ « بدرگه »را استعمال کنیم شاید قارئین گرام بکلی از روی شرح فوق به اصل موضوع پی نه برند لذا اگرمثالی داده شود بدنخواهد بود :

فرضاً دو فامیل باهم مخاصمت دارند وازیك جانب یکنفرزیادتر کشته شده است . درینصورت

(c) ketabton.com: The Digital Library

جانب مقابل یك خون مقروض است وجانب دیگر حق دارد که همینکه دست یابد یکنفر را درمقابل نفر خود بکشد . فرض میکنیم سه‌قلعه یکی برسرراه دیگری واقع شده اند که یکی متعلق به یك جانب ودیگری مائل جانب مقابل است که قلعهٔ وسطی به شخص ثالثی تعلق دارد طبعاً اگرکسی یك‌خون مقروض است بدون توسط صاحب قلعهٔ وسطی ازقلعهٔ دشمن عبورکند کشته میشود واز عبور هم ناگزیر است . اگرکسی ازقلعهٔ وسطی با او همراه باشد ، دشمنش بعنوان «بدرگه» باومزاحم نمی‌شود زیرا اگرباوجود اینکه اگر شخص ثالثی بادشمنش همراه است بمدعی خود ضرر برساند گویا این ضرر را بشخص ثالث نیز رسانیده وهمراهی او را احترام نکرده است واین مسئله خود به شئون افغانی فامیل لاغرض برخورده وخلاف‌افغانیت شمرده می‌شود .

۱۸ ـ پگره : عملی است خیلی مدهش که تقریباً بکلی متروك شده است . پگره مخصوص قوم منگل است ولی در داخل افغانستان دراثر انقیاد حکومت ونشرتعلیم ومعارف بکلی‌ازبین رفته است وگاه گاهی درعلاقهٔ سرحدات آزاد سمت‌جنوبی افغانستان واقع می‌شود . این‌کار درنزد افغانهای دیگر ازقبیل احمدزائی ودیگر اقوام خیلی بد است وچون تنها خون ریزی است که دران زنها نیز بقتل میرسند ازنقطهٔ نظر افغانیت خوب تلقی نمی‌شود واقوام دیگر افغانستان آنرا مایهٔ عار میدانند :

۱۹ ـ سپین پایخی : زنیکه بدون مراسم عروسی ، سازو سرود تویانه وولور بداماد سپرده شود «سپین پایخی» گفته میشود که معنی تحت‌اللفظ آن «سفید پاچه» است .

۲۰ ـ کودی (کوډه) چیزی‌است که مالداران (کسانیکه مالك بزوگوسفند ومواشی هستند) افغان برپشته های کوه ساخته دران میخوابند ومواشی را مراقبت مینمایند .

۲۱ ـ کیزدی (غوډی) چادری است بصورت خیمه که افغان کوچی دران بسر میبرند .

اینك ازشرح لغات واصطلاحات مخصوص خلاص‌شدیم برسر اصل‌موضوع آمده وتاحدیکه گنجایش دارد بطور مختصر قوانین ملی افغانی راشرح میدهیم : قراریکه درصفحات ماقبل نیز درموقع شرح اصطلاح «تیزه» بطور اجمال عرض شد قوانین تعاملی ملی افغانی دربین تمام اقوام یك رنگ نبوده وهرقوم ازخود قوانین تعاملی مخصوص دارند. ولی‌این طور هم نیست که تمام اقوام دارای اینچنین قوانین باشند. البته هرقوم دارای عادات مختلفی هستند وهر یك ازخود خصوصیاتی دارند ولی قوانین جزائی ملی چیز دیگری‌است که بایست آنرا ازجملهٔ رسم ورواج وعادات واخلاق ندانسته بکلی تمیز وتفریق کرد. اقوام بزرگی که قوانین‌آنها در بین افغانها شهرت داشته وشناخته میشود عبارت اند ازمهمند ،افریدی، احمدزائی، منگل وجدران که درجهٔ اول قرار میگیرند وتوخی، ترکی، هوتك، درانی‌که دردرجهٔ دوم واقع هستند. این

(c) ketabton.com: The Digital Library

قوانین همه دارای مواد معین وثابت بوده وکسی حق ندارد دران تصرفی بکند و نیز هر گسی از افغانها از قوانین هرقوم چند ریش سفیدواشخاص مخصوص هستند که موادمعینه را یاد داشت وهرجا مسئله روی کار شود برای حل آن خواسته شده بعدازجرگه ومرکه به تصفیهٔ آن میپردازند.

یکی ازمشهور ترین ومهم ترین قوانین ملی افغانی قوانین احمدزائی است . اکثراً اقوام دیگری نیز هرچند دارای قوانین مخصوص خود باشند بعضی مسائل را قرار جرگهٔ احمدزائی فیصله میکنند. ازین جهة درین مقاله چون نمیتوانیم همه قوانین را شرح بدهیم بصورت مختصر ماده های برجسته وعام قانون جرگه احمد زائی را ترتیب وبقارئین گرام عرضه میداریم . امیدواریم که در آینده بعون الله قوانین مذکور بالتفصیل با قوانین وصورت جرگه های دیگر اقوام نیز ترتیب وتدوین کنیم .

جرگهٔ احمدزائی

قراریکه ازریش سفیدان احمدزئی شنیده ام واکثر افغانها ازین چندین روایت مختلف همین یك را تائید وتصدیق میکنند «احمدبابا» جدقوم بزرگ احمدزائی چندین پسرداشت. که از بین آنها عیسی وموسی مشهوراند. عیسی درین برادران موقعیت پستی داشته واورا راندند . ومال پدری را بین خود تقسیم کردند. وقتی احمد بابا ازمسئله اطلاع یافت اورا پس خواسته نوازش کرد وامر نمود تاهریکی ازمال گرفتگی حصهٔ اورا جدا کنند (چون این فولکلورشرح وبسط طویلی میخواهد ویك موضوع علیحده شمرده میشود انشاءالله آنرادریك مقالهٔ جداگانه بادیگر روایاتیکه راجع به تقسیمات قومی جمع آورده ام ترتیب خواهم داد) باین ترتیب عیسی صاحب «بخره» (قراریکه احمدزئی ها کلمه «برخه» یعنی حصه را تلفظ میکنند) گردید. و سنگ او بیشتر دارای اهمیت شد. اگر ازخود افغانها پرسیده شود وجه تسمیهٔ عیسی را نیز از فولکلور فوق استخراج کرده ومیگویند که عیسی دراصل «حصه» است ولی این مسئله خیلی از حقیقت دور است. زیرا «موسی» برادرش باعیسی نزدیك است وعلاوتاً «حصه» خود نیز کلمهٔ عربی بوده وپښتو نیست .

احمد زائی هامیگویند که «احمدبابا» اصلاً از «ختاوه» که نام جائی است درحوالی قندهار بوده است. چنانچه تا کنون نیز دامنهٔ سکونت احمد زائی ها تا حصه های قریب قندهار ممتد است. وعلاوتاً وقتی قوم جبارخیل ومعروف خیل با احمدزائی ها داخل کدام مشاجره میشوند میگویند (د ختیاویی پوریی را وډنگوه !) یعنی ازختاوه گرفته همه راخبرکنید یعنی باتمام قوم وقوهٔ خود حاضر شوید ، موسی نیز دارای سنگ است . یعنی در قوم احمد زائی «دوه تیزه» یادو «نرخ» وجود دارد که مهتر آن «نرخ» عیسی است که ماهم از نقطهٔ نظر همین نرخ بحث میکنیم تا گفته نماند که مفهوم مهمتر این نیست که نرخ موسی کمتر مروج و معمول است

(c) ketabton.com: The Digital Library

بلکه معنی آن این است که وقتی مسئله بقرار « نرخ » عیسی فیصله شد دیگر کسی نمیتواند آنرا تغیر بدهد .

قوانین ملی احمد زائی

گمان میکنم که اگر قوانین ملی را به مواد تقسیم کنیم کارما مشکل شود زیرا تمام این چیزها که دربسی جای ها شرح لازم دارد زیرمواد آوردن مشکل است لهذا از نقطهٔ نظر جرم آنرا بقسمت های کوچك تقسیم میکنیم :

خون - قتل نفس :

خون بهای یکنفر بحساب قوانین احمدزائی سه ونیم هزار کابلی ولی درین رورها که قیمت پول نسبت به کثرت آن نزول کرده است خونبها یك مبلغ معینهٔ زیادی بالا رفته است .

اگر دختر به ورثهٔ مقتول داده شود ولور دختر ازاصل خونبها کشیده ودرحساب مجرا داده میشود .

دربرابر گتلگه دوحصه ودرمقابل رونی ثلث خونبها کشیده شده وباقی آن نقد پرداخته میشود عموماً درمسائل قتل برای ادامهٔ صلح خویشی میشود زیرا پول هرقدر زیا دباشد نمیتواند یك نفر افغان را ازانتقام منصرف بسازد :

فرضاً اگرکسی پور گرفت وبعد ازان کسی را ازجانب مقابل درمقابل همان مردهٔ خود که درمسئلهٔ مرگ اوصلح کرده وخونبها گرفته است بقتل رسانید یك خونبها ومبلغ گزافی اضافه تر میپردازد . زیرا قرار قوانین موضوعه اگر کسی میخواهد درمقابل قتل دشمن خود را بکشد اصلاً بااوجرگه نمیکند ولی اگر جرگه کرد بازحق ندارد بقتل اواقدام کند . طبعاً بازاگر خویشی دربین صورت بگیرد ازقرار یست که تذکار شد .

اگر فرضاً اقدام به قتل تکرار شود باز دیگر جرگه شدنی نیست و مسئله باید بقتل وقتال فیصله گردد .

اگربعد ازقتل مقتول بیحجاب شود ویااینکه یکی از اعضای اوراقطع کنند در ینصورت دوچند خونبها بایست داده شود . این ماده درحق زن ومرد هیچ فرق ندارد وحتی قوانین افغانی درهیچ موقعی درین افغانها زن ومرد را فرق نمیکنند و یك قانون کلی وجود دارد که این مسئله را خاطرنشان میکند : « تیکری اوپگړی ساری دی » یعنی چادر و دستار باهم سیال (کفو) هستند صغیروکبیر نیزدرمسئله قتل فرق ندارد تنهافرقیکه دیده میشود اینست که پورقتل اشخاص ریش سفید قوم روشناس وجوان مرد ، شجاع وتوریالی (شمشیری) به نسبت اشخاص معمولی زیاده تراست در ینصورت اعضای جرگه بلحاظ شخصیت مقتول اضافه گی پور را تعین میکنند . ـ

(c) ketabton.com: The Digital Library

اگربعد ازقتل قاتل تفنگ یادیگر اسلحهٔ مقتول راباخود بەبرند درموقع جرگه بایست علاوه برمسترد کردن اسلحهٔ مذکور (هرچه باشد) یك‌مبلغ گزاف بعنوان «شرم» بورثهٔ مقتول بدهند. فرضاً درموقع جنگ طرفین ازیك‌طرف یك‌یاچند نفر برسند وازطرف دیگر یك‌یا چند نفرزخم یعنی «پرهار» بردارند مقتول پور دارد امازخمی پورندارد ولوکه مقتول یکنفر وزخمی چندین نفر باشند ولی اگر زخمی دراثرهمان زخم‌میرد آنگاه خونبهادارد. مگراگرازیك‌طرف هم مقتول وهم‌زخمی باشدطبعاً هردوپور دارند (پورزخم رامفصلاً درسطور آینده شرح خواهم داد) ناگفته نماند که‌قطع اعضا ومعیوب شدن یکی ازاعضای مهمه ازقبیل چشم وبینی «تور» باشدیا «سپین» درتحت مادهٔ «پور» پرهار نیامده وپور مخصوص آن قرا ریکه بعدها خواهیم دید گرفته میشود

قطع اعضا وپرهار(زخم)

۱ — سپین :

چشم : یك‌چشم نیم‌خون دوچشم پوره خون

بینی : نیم خون

گوش : یك‌گوش نیم‌خون دو گوش پوره خون.

زبان پوره خون.

لب ها : یك یاهردو لب یك خون.

دندانها : پور یك‌دندان نمایان قریباً ده‌یك خون است. شانزده دندان درحد «سپین» داخل است وهریکی ازان همان پور فوق الذکر را دارد که ازقرار تعداد حساب میشود.

پای : اگر «بند» قطع‌شود نیم‌خون پوردارد. دوپای یك‌خون پوره پور میخواهد.

دست : اگریك دست از «بند» قطع‌شود نیم‌خون واگرهردودست ازبندبریده گردد پوره خون پرداخته میشود.

انگشتان : انگشتان دست وپا وعضو راست وچپ فرق ندارد

دست : چهار انگشت خورد اگر همه قطع شوند یك مقدار ویك انگشت کلان به تنها ئی یك‌مقدارپور دارد وپور های‌یك یك انگشت بقرار هرکدام علیحده میباشد.

ونیم انگشت‌نیم پور دارد.

یك دست اگر ازحدشانه قطع شود یك‌خون ودودست دوخون پور دارد. درحد آرنج ویاهرحصهٔ که از حدبند بالاتر باشد یك یك خون پوره «پور» دارد. درینصورت نیزدست وپا با هم‌فرق ندارندواگر اعضای مذکوربه‌ترتیب پورهای‌فوق‌الذکر بریده شوند یعنی دو دست ودوپا جداجدا بریده شوند چهارخون باید پرداخته شود. ودراثر قطع اعضای مذکورهٔ مرد یك‌خون می‌پردازند اگر اعضا پیش ازمرگ خراب‌وناقص گردند پورآن افزوده می‌شودواگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعد ازمرگ باشد این‌هم پور معین دارد اگر قضیب مقتول بعد ازمرگ بریده شود یك خون افزوده می شود یعنی علاوه برخون یاپور قتل بایست یك خونبهای دیگر نیز داده شود. واگر پیش ازمرگ آلهٔ تناسل راقطع کنند دوخون «پور» دارد واگر بعد ازآن کشته هم شود سه خون باید پرداخته شود .

البته بعضی چیزها درفوق نوشته است که موردسوال واقع میشود ازقبیل اینکه چهار انگشت خورد آنقدر پوردارد که یك انگشت کلان این البته واضح است که سر انگشت ابهام نباشد چهار انگشت دیگر بیکار وعاطل هستند . در مسئله قضیب اگر پورزیاد است واینکه پور اعضا وحصص اعضای نمایان یاسپین زیاده تر است دراثر این است که شرم وننگ وهر وقت دیده شدن آن یك افغان بسیار گران تمام میشود ـ پرهار یازخم اکثراً بمناسبت نوع آلهٔ جرح فرق میکند که بقرار ذیل بشرح آن می پردازیم .

پیش قبض : اگر کسی باپیش‌قبض بکسی حمله کند ، اگر زخم زیاده باشد یاکم ، از لباس بگذرد ویابه‌آن لمس کند درحصص «تور» بدن باشد «یاسپین» پور معینی دارد ولی از نقطهٔ نظر نرخ موسی در تور کم ودرسپین زیاداست واگر زخم شود ودرتورباشدپورعلیحده واگر زخم نشود پور دیگری دارد .

کارد : اگر کسی باکارد بدشمن‌حمله کند واو نیز به مقابل او بشتابد واز طرف جلوزخم بردارد یك‌مقدار معین پوردارددزیرا زخمی بیغیرتی نکرده است واگر بگریزد وازعقب زخمی شود چون بیغیرتی کرده است پور کمتر از ان میگیرد . اگر زخم در حصهٔ «تور» باشد پور آن مثل پور شخص فوق‌الذکراست. ناگفته نماند که کمی‌وزیادی زخم نیزدرپورموثر است یعنی اگر زخم چهار انگشت ویا باصطلاح یك چانیه باشد پورآن یك مقدار معین است واگر ازین کمتر باشد بحساب انگشت پورآن کم‌شده‌میرود وهمچنین اگر زیاده‌باشد بحساب مذکور افزون میشود تاهراندازهٔ که برسد .حدمعین وپورمعین همان اندازهٔ چهار انگشت است .

سنگ :

اگر زخم کند درسپین پورآن نصف‌پور فوق است واگر زخم نکند کمتر ازو استولی تور درصورت زیاده تر درعدم زخم یك گوسفند و رفتن چند نفر برای معذرت است که آن رانتوات می‌گویند .

یك چیزمهم که بایست ازهمه اولتر گفته می شد اینست که هرجائیکه پورالزام شود نتوات نیزالزام میشود. درموضوع نتوات آنچه علاوه برشرح کلمهٔ نتوات درصفحات اول باید گفته شود همین قدر است که در موضوع نتوات کسانیکه برای معذرت میروند یك گوسفند باخود میبرند . اگر مسئله ازقبیل قتل ویازخم زیاد ومسائل بزرگ باشد دو نفر زن سرسفید باقرآن

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجید نیز ضرور است که بروند . واگر مسائل جزئی باشد یك گوسفند ویکنفر ملا (سپین پتکی) یعنی دستار سفید کفایت میکند .

تبر ـ عیناً مانند کارد است .

تفنگ : اگر کسی باتفنگ زخمی‌شود درتورو سپین ودر هرحصهٔ بدن که‌باشد درصورتیکه استخوان نشکند یك مقدار معین «پور» ازجانب مقابل باو داده میشود واگر استخوان بشکند نیم خون «پور» دارد .

چوب : زدن باچوب درصورتیکه‌زخم واقع‌نشودبیست‌یك مقدارکمی‌پوردارد ویااینکه‌مضروب ضارب رایك چوب درهمان حصهٔ بدن که خودش رازده است می زند اکنون بایست پیش ازآنکه مبحث پرهار وقطع اعضا را ختم کنیم اگر درهمین جابحث ابرو ، ریش وبروت رانیز ذکر کنیم بد نخواهد بود .

ابرو : اگر زخمی شود یك مقدار معین « پور » دارد .

بروت : اگر درجنگ کشیده شود واین کارسهواً صورت گرفته باشد پورآن زیاده تر از پورفوق است‌واگرعمداً باشد پنج چندآن زیادپور دارد .

ریش : نیز مانند ومساوی بروت است .

مسائل زن

اگر ازنقطهٔ نظر حقیقت دیده شود یك حصهٔ بزرگ جنگ ها وزدو خوردی که در بین افغانهاواقع میشود مدارآن مسائل راجع به زن است . افغانها بزن که‌آن را بالا ترین ناموس خویش میدانند اندك چیز پرا روا دار نمیشوند و برای تحفظ اندك چیز بر علیهٔ این ناموس ازحیات خود میگذرند . لذا یك یك حصهٔ بزرگ جرمیات درهمین‌مبحث ذکرخواهد شد . ولی برای آسانکه کار ما آسان ترشود این مبحث را به سه حصه تقسیم میکنیم .

۱ـ میرونبه (زن شوهر دار)

۲ـ کونده (زن بیوه)

۳ـ پیغله (دوشیزه)

۱ـ میرونبه : اگر زن شوهردار راکسی بگریزاند هفت معادل یك خون پوررا بایست بدهد و این هم البته در صورتیست که‌کشته نشوند و در حقیقت زندگی خود را میخرند . اگر یك زن و یك مرد باهم بد نام شوند و بر سر وقت جرم گیر بیایند قرار قانون افغانی هر دو کشته میشوند و پوری هم بر قاتل تحمیل نمی شود ولی اگر فرضاً گریختند در ین حال دو صورت است :

(c) ketabton.com: The Digital Library

الف - بلکه (نشانهٔ) از آ نها برجای میماند (ازقبیل دستار، چادروغیره) درین صورت درهرجا وهرموقعی که بدست بیایند علناً کشته میشوند .

ب - بلکه باقی نمیماند درین صورت کسی حق کشتن آ نهارا علناً ندارد .

ولی اگر درصورت ماندن بلکه یکی ازاقربای زن یامرد ؛زن ومرد یایکی از آ نهارا پناه بدهند و برای مدافعه از آ نها کمر بسته کنند درعوض تورقتل سیین هم قرارقانون مجازاست یعنی اگر شخص ثالثی از پنا د هند گان بقتل بر سد حق بطرف قاتل است و اجازه دارد . از ین نقطهٔ نظر افغانها پنا دهنده وطرفدارمجرم را عین مجرم میشمارند .

اگر مرد یازن یکی از آ نها کشته شود بایست دیگری هم درظرف یك سال بهرنوعیکه باشد بقتل برسد و اگر قاتل یکی از آ نها درمدت مذکور بقتل دیگری کامیاب نشود بایست به ورثهٔ یك نفر مقتول یك خون پور بد هد .

ولی اینقدر دارد که در صورت زنده ماندن مرد و کشته شد ن ز ن میعاد فوق الذ کر دوسال است زیرا مرد درفرار آ زاد تر و گیر آمدن او مشکل تر است .

اگر تور بخانهٔ سیین (ازاقارب خود) برود و اگر به بیگانه پناه ببرد تادوسال اورا میتواندنگاه دارد بعدازان بایست پناه دهنده اورا ازخانهٔ خودبراند . درین جانیزدوصورت است :

الف - که خانهٔ پناه دهنده مدنظرخانهٔ مدعی تور باشد درینصورت قرارفوق است .

ب - که خانهٔ او دور و از نظر مد عی تور دور باشد در ینصورت تمام قو م گردآمده خانه اش را (درصورت نراندن فوری تور) سوختانده ومال اورا بتاراج میبرند .

اگر زنی بخانهٔ مرد برود و بخانهٔ او درایند ومرد او را از خانهٔ خود نراند عیناً چنان تلقی میشود که اورا گریخانده باشد .

اگر مردی بالای زنی د ست اندازد وزن چیزی نگوید چو ن رضایت چنین ازان مفهوم میشود هر دو بایست بقتل برسند . و اگر زن رضا نبوده و فریاد کرده استمداد نماید در ینصورت یا گوش مرد را می برند و یا اینکه او را بی حجاب میسازند لیکن اگر بیحجابی او طوری باشد که در اثر آ ن بمیرد قا تل باندازهٔ قطع یك عضو که نیم خو ن پور دارد مجرائی گرفته باقی یك خون بقسم پور به ورثهٔ مقتول می پردازد . واگر در اثر بریدن گوش یابینی هم بمیرد همان حساب در معر ض اجرا و مجرا گذاشته میشو د - واگربدون قطع اعضا وبیحجابی او را بکشد یك خون پرداخته ودیگر مجرائی باوداده نمیشود .

نامزد هم حکم زن شوهر دار را بخود میگیرد .

اگرکسی نامزد خودرا بر « کربنده » ازخانهٔ پدر به برد باید « ولور » وعلاوتاً یك « رونی » بخسر خیل خود بدهد واگر برضاء او را بخانهٔ خویش ببرد یك نتوات وو لور لازم میشود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اگر خسر داماد را بخانهٔ خویش راه واجازهٔ داخل شدن داده باشد ویا باواجازه داد که درخانهٔ او بود وباش کند ومسایل فوق بوقوع پیوست چیزیکه قبل ازان ازفرد او گرفته باشد مالی اوست علاوه برآن حقی برداماد ندارد وحتی اگر ولور را نیز قبلاً نگرفته باشد نیز نمیتواند مطالبه کند .

۲ـ کونهوه (زن بیوه) : بیوه قرار قوانین ملی اولاً حق برادر بعدازان پسرکاکاست واگر اینچنین کسی از اقارب در بین نباشد تمام قوم درننگ او شریك است افغانها میگویند (کونهوه دکام ده) یعنی زن بیوه ، بیوهٔ تمام قوم است واحدی ازقوم دیگر حق گرفتن ونکاح کردن اورا ندارد . واگر بیگانهٔ بگرفتن او اقدام کرده و اورا بگیرد بایست پور یك زن شوهر دار را به اقارب ویا قوم او بپردازد .

۳ ـ پیغله (دوشیزه) :ـ اگرکسی چادرپیغله رابدست بگیرد وازسرش دورکند ویا اینکه قراریکه درین افغانها رواج وعادت است که وقتی گرفتن ونامزدساختن دختری را اعلان میکنند تفنگ فیر مینمایند دختر مذکور بآن شخص داده نمیشود زیرا اگراینطور شود هرکسی کار اسانی یافته وبردختری دعوی میکند . هم چنین اگر مرد باصطلاح بر دختری صدا کند درینصورت نیز ازگرفتن او بطور قطعی محروم است . البته واضح است که این مسئله وقتی چنان میشود که پدر ، مادر وبرادر دختر راضی نبوده وبااو قبلاً مصلحت نکرده باشند .

اگرکسی پیغله را گریختانده وبزور بخانهٔ خویش ببرد بایست یك خون برای حفاظت جان خود ونیم خون هم به عنوان شرم زن پور بدهد . اگردختر خودش برفتن راضی شده باشد جرگه دائر گردیده وولور دوچند تعین میگردد (اینکه میگوئیم ولور دوچند تعین میشود ازین سبب است که ولور درهرحصه وهرقوم درین افغانها تقریباً چیزثابت ومعین است) ولی بعداز ازدواج باشخص مذکور دختر دیگر حق ندارد که بخانهٔ پدر خویش پا بگذارد ولی اگرتنوات فرستاده شده وپذیرفته شد بعدازآن میتواند بخانهٔ پدر خویش رفت وآمد بکند .

اگرزن بالای مرد صدا کند وبخانه او درآید مرد بایست بقرار مقررات افغانی یك مرتبه اورا براند (درافاغنه دیگر چنین نیست) وخانهٔ پدر او را ازمسئله خبر بدهد . اگربارديگر آمد باز بایست او را براند ودونفر شاهد برای اثبات مطلب خود وآمدن زن بدون خواهش خویش بگیرد . اگررفتن زن مرتبهٔ سوم تکرار شد باز بایست او را براند وچار نفر شاهد بگیرد مرتبهٔ چارم مفت ازوست که پدر واقربای دختر هیچ حقی براو ندارند .

زن بعد ازرانده شدن بصورت فوق الذکر ازخانهٔ کسی که براوصدا کرده است دراختیار پدر است خواه او را میکشد وخواه بکسی دیگر بشوهر میدهد ولی عموماً بقتل میرسند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناگفته نماند که مکرراً آمدن زن یك احتیاط درتعین حد قانون بیش نیست ورنه هرگز بزن اینقدر مهلت داده نمیشود .

اگر کسی بخانهٔ کسی مهمان شود قراریکه معلوم است در افغانها چون ستر نیست وعموماً دختر های جوان برای مهمان آب دست می‌اندازند وغذامیچینند اگرمهمان هنگام‌آب دادن ویا نان دادن دست دخترارا لمس کند ویا باو اشاره برساند بایست یك دختر درمقابل جرم خویش پور بدهد .

اینك درینجا نسبت بعدم گنجایش این مقاله ازقارئین گرام عفو خواسته وبعد ازمختصری شرح مسایل ومواد برجسته قرار فوق فراغت یافته ایم علی‌الا جمال بعضی مواد ضروری دیگر را نیز تقدیم وبه مقالهٔ مختصر خویش خاتمه میدهیم .

زن وقتی بخانهٔ شوهر خود رفت دیگر ناموس او ودر اختیار اوست ولی بعضاً پدر حق مداخله‌را داردمثلا اگر کسی زن‌خود را بزند تاآنکه او را نکشته ویا استخوان او را نشکستانده است ویایکی از اعضای اورا ضایع نکرده است پدرحق مدافعه ویاباصطلاح افغانها حق (گتل) یعنی کمائی کردن او را ندارد ولی اگراورا کشت ویااستخوان او را شکستانده ویا اینکه کدام عضو او را ناقص ساخت دران صورت بقرار مقررات باندازهٔ ضرریکه باو رسانده شده است پور گرفته میتواند واگر به پور راضی نشود همچنان که بلا استثنا درتمام مسایل قانون است عین قصاص را کار فرما میشود .

اگرزنی بکسی نامزد باشد ولی پیش از عروسی حامله شود بایست داماد ولور او را بطور کامل وعلاوتاً یك‌زن سپین پایخی (پاچه سفید) بخسر خیل خود بدهد .

خانه سوختاندن :

اگرکسی‌خانهٔ کسی‌را بسوزاند بایست تاوان مال محرر وقبه ، تعمیر و علاوتاً یك مبلغ معین بعنوان‌شرم کوته بپردازد . در وازه را شکستاندن وسوراخ کردن دیوار نیز یك‌مبلغ‌معین پوردارد . ولی‌اگر غوزی‌را بسوزاند چون‌سوختاندن غوزی آسانتر وبیشتر ازخانه واقع شده میتواند تاوان مال ویك مبلغ معین وعلاوتاً یك ننوات هم باید کرده شود ونیزهمین پورهم‌گرفته میشود . اگرکودی (چپر) سوختانده شود ویا دزدی کرده شود تاوان مال ویك مبلغ معین پور ویك ننوات باید پرداخته شود زیرا چپر آسان تر مورد دزدی وحریق واقع میشود .

اگرکسی فصل کسی را بقوه ، عمداً وعناداً بخوراند بایست چهار چند تاوان بدهد . اگر کسی سگ دیگری را سهواً بقتل برساند بایست یك گو سفند ویك‌مبلغ معینه بصاحب آن بپردازد .

اگرقتل سگ عمداً باشد بایست یك خون بدهد ویا قاتل درعوض کشته شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اگر کسی بز یامیش یا گاو وغیرهٔ کسی را دزدی کند بایست درعوض یك راس نه راس بپردازد یعنی پور آن «نه گونه» است .

اگرکسی مرغ دیگری رابا تفنگ بکشد «نه گونه» اگر دزدی کند نه گونه واگر باسنگ بکشد دوچند تاوان بدهد .

اگرکسی دم گاو دیگری راقصداً ببرد یك مبلغ معین پور دارد . اگردم خر بریده شود چون بیشتر ازگاو دیده میشود زیاد تر یك مبلغ معینهٔ پور دارد .

اگرآب کسی را خلاف نوبت پنهان یاعلانیه بکشت خود جاری سازد اگر جنگ واقع نشود یك مبلغ معین تاوان اگر جنگ شود وزخم نشودبازهم یك مبلغ معین اگرزخم واقع شودپور زخم دادهٔ میشود . اگر زخم ازطرف غاصب آب باشد صرف ننوات برده میشود درپور زخم هشتادو پنجروپیه برای صاحب آب مجرا داده میشود .

معلومات عمومی راجع بمقرارت ننوات جرگه ومرکه حقوق مرکچیان مهمانی وغیره

ننوات : خون وزن شوهر دار ویا دیگر مسایل : لهجه : چهارزن چهارقرآن ویك گوسفند استیك گوسفند یا ٤٥ روپیه معادل است : پنجاچهارروپیه مرکچیان حق دارند واین پول درپورمجرا گرفته میشود : گوسفند در هرصورت یکجا است : کشتن گوسفند ننوات حرام است زیرا افغانها آن را امیددانسته وازین سبب مخالف مردی وشئون افغانی خویش میدانند : دردیگر مسایل زن ها نمیروند وقرآن نیزبرده نمیشود وصرف رفتن یك عده مرکچیان ویك گوسفند کفایت میکند . اگر کسی که نزد اوننوات رفته است بلحاظ مرکچیان پنجاوچهار روپیه راواپس بدهدخوب ورنه کسی براوحق ندارد ولی عموماً واپس داده میشود .

اگر جرگه دایر ومرکچیان گرداورده شوند وکسی برخلاف اوامرجرگه ومرکه کار کند یعنی باصطلاح جرگه ومرکه را بشکناند بایدبه مرکه والاوریش سفیدان ننوات داده وپنجاوهشت روپیه نیز بپردازد .

اگردریك جرگه ومرکه هرقدر نفرشامل باشدحق گرفتن حق الزحمه راکه پنجاه روپیه است ازکسیکه پور میگیرد دارند بیش ازان حق ندارند. این پول دربین مرکچیان واعضای جرگه تقسیم میگردد .

اگرکسی درمقابل نفرخود با کسی مرکه وروغه نکرد ومتر صدقتل قاتل بودودرعین زمان قاتل دراثر مرگ یکی ازاعضای فامیل اوآمده پای چارپائی جنازه راشخصاً بگیرد ویا اینکه پیش ازدفن درقبری که برای مرده کنده شده است بخوابد ازمرگ وخون خلاص میشود ولی پور خون را باید به پردازد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اگر چند نفر یکجا شده ویك نفر را بقتل برسانند پوررا همه یکجا می پردازند ولی حصهٔ « سوولاسی » پنجصد روپیه زیاده تر ازدیگران است .

اگر یکی از ریش سفیدان درعین مرکه بی آب شود ۱۸۰۰ روپیه پوردارد . واگر کسی باودشنام بدهد هشتاد روپیه پور براوتحمیل میگردد اگر کسی اورا بزند وزخم واقع نشود نودروپیه پوزدارد قانون بدرگه : قرا ریکه درصفحات اول در شرح کلمهٔ بدرگه هم تا اندازهٔ ذکر یافته است ازاثر مخالفت قوانین مذکور بدرگه اگردردفعهٔ اول شکستانده شود بایست یك گوسفند وسه صد روپیه به بدرگه والا پرداخته شود دردفعهٔ دوم وسوم نیزهمین طوراست واگرازسه دفعه زیادشد دیگر حقی براو ندارد .

پورفیر تفنگ درصورتیکه زخم واقع نشود یك مقدار معین است ولی اگر کسی بردیگری زخم قرض داشته باشد هرقدر فیرکند تازخم خودرا قصورنه گرفته است پورفیر برونیست وهمچنین اگر قرض خون باشد تاوقت کشتن ازپورفیر معاف است .

اگر کسی تفنگ کسی را در جنگ ازوبیرد ویا کاردو تفنگ را بزور ازدست او بستاند برعلاوهٔ مسترد داشتن اسلحه چنانچه درصفحات قبل نیز اشاره کرده ایم یکصدودهروپیه ویك نوات وگوسفند بایست پرداخته شود .

اگر شخصی بخانهٔ کسی مهمان باشد ودشمن صاحب خانه مال اورا بدزدد دو چندتاوان ازو گرفته میشود واگرمال را دادعلاوتاً قیمت مال رابایست بپردازد وعلاوتاً هشتادوپنجروپیه بعنوان شرم خانه بایست بصاحب خانه نیزداده شود اگر کسی برمهمان کسی فیر تفنگ کند واین کار عمداً باشد اگرزخم واقع نشودپوردوچند واگرسهواً باشدیکصدوپنجاه روپیه پوردارد اگر کشته شود خون اودوچند ستانده شده وعلاوتاً یك مبلغ معین شرم خانه پرداخته میشود .

اگردراثر غلط فهمی ازدست دشمن صاحب خانه که براویك خون حق دارد بقتل برسد صاحب خانه ازقرض خون اوخلاص شده وخون مهمان را خودش میدهد وعلاوتاً پنجصد روپیه نیزبورثهٔ اومی پردازد .

اگر شخصی کسی را دعوت کندکه شب مهمان اوست وشخص مذکور بعد ازقبول کردن دعوت بخانهٔ کسی دیگری برود ویااینکه خودش بگوید که من مهمان توهستم وبازنرود یکصد وپنجاه روپیه ویك نوات بایست بپردازد .

اگر کسی رادیگری مهمان کرده ودربدل پول دشمنش اورابدوستی بکشدوکدام خونی بگردن اونباشد حق مرگ راهم براو دارد ویك خون هم ازو میگیرد .

جرگه عیسی خیل احمدزائی بطور مختصر درهمین جا تمام شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

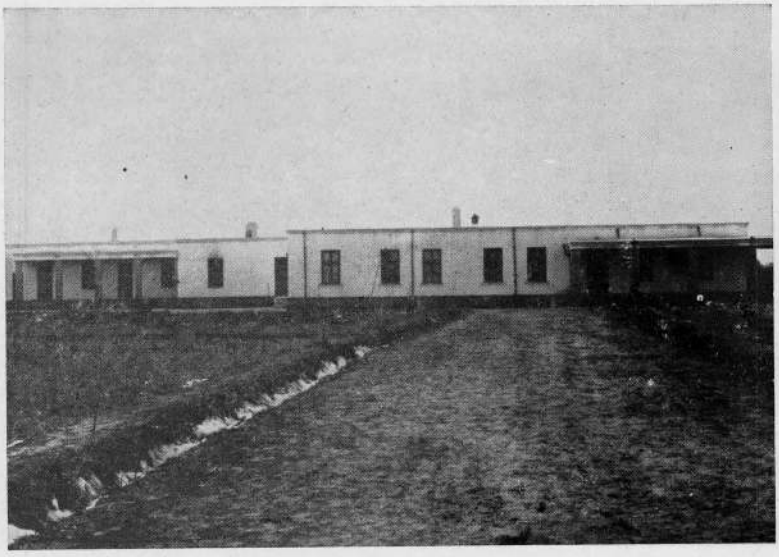

شفاخانهٔ حکومت کلان شبرغان که درسال جاری تکمیل گردیده

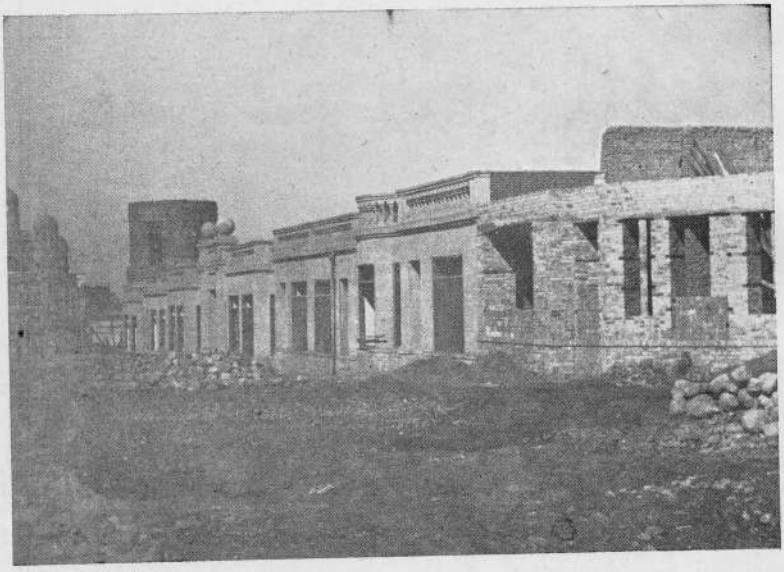

جادهٔ حضرت بهاء الدین علیه الرحمه که ساختمان تعمیر دکانها را قدری زیاد تر
ودروازهٔ روضهٔ شریف را مناصفه نشان‌مد هد

(c) ketabton.com: The Digital Library



عمارت باغ حضور مزار شریف که در سال ۱۳۱۸
جدیداً تعمیر و تکمیل گردید

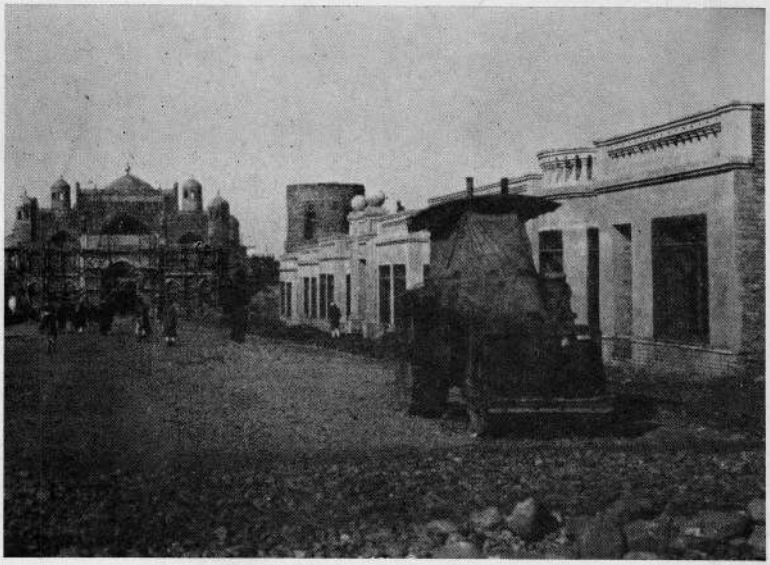

جادهٔ جدیدالاحداث حضرت بهاؤ الدین علیه الرحمه با دکاکین جدید التعمیر آن
که کار عمرانی و کاشی کاری مدخل بزرگ روضهٔ شریف را نیز نشان میدهد



جادهٔ جدیدالاحداث غربی روضهٔ شریف که (جادهٔ بلخ) نامیده میشود
با یك قسمت از دکانهای جدیدالتعمیر آن

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library



عمارت مدیریت مخابرات مزار شریف که تا ایندرجه کارشده ، و سنگ فرش
وپخته کاری سرك مقابل آن که ازطرف بلدیه اجراشده آنرا نیز نشان میدهد

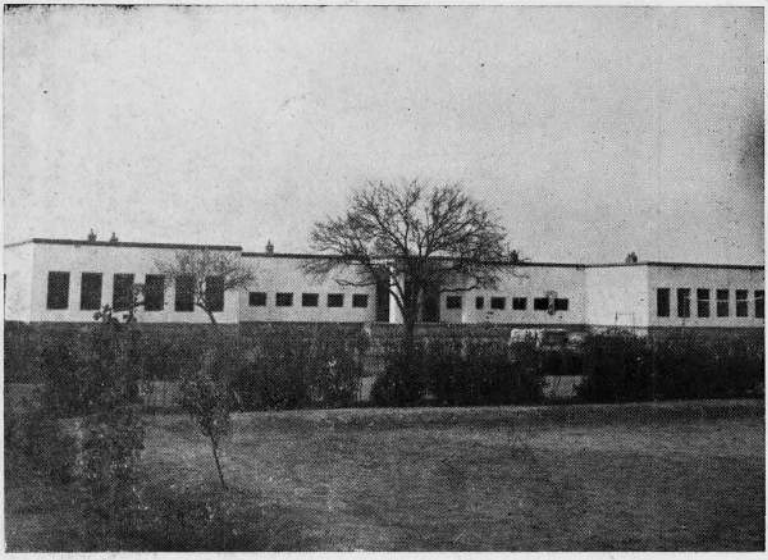

مکتب ابتدائیهٔ تاشقرغان که در سال ۱۳۱۸ تکمیل و بر طبق همین
فوتو (۱۷) عمارت تعمیر گردیده

(c) ketabton.com: The Digital Library

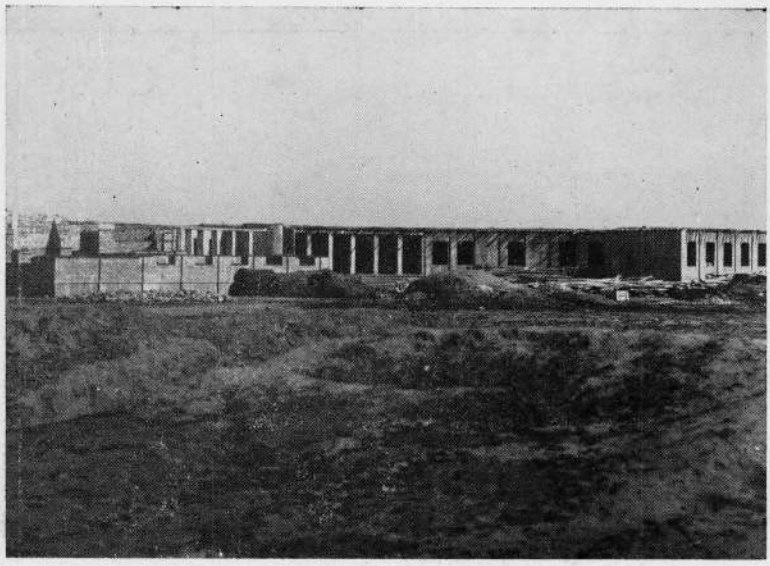

مکتب متوسط مزار شریف که در سال ۱۳۱۸ تا اینجا رسیده

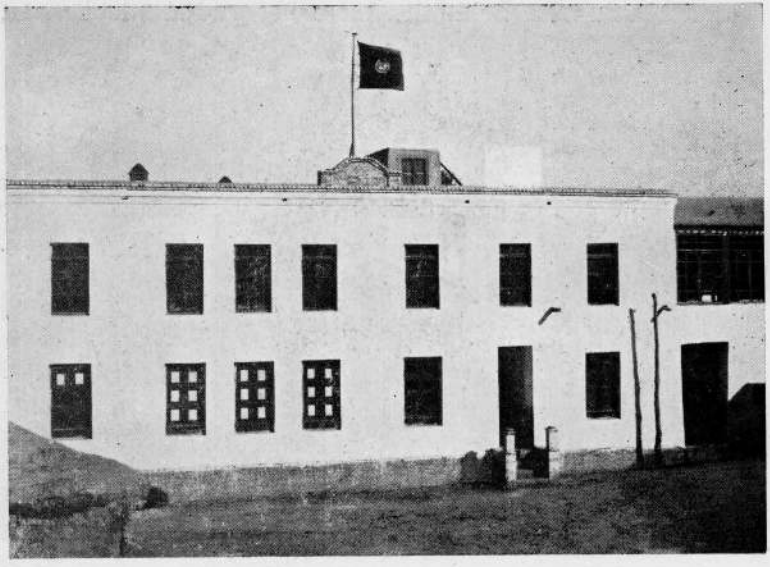

عمارت قوماندانی کوتوالی مزار ودوایر مربوطهٔ آن که در سال ۱۳۱۸ تکمیل گردیده

(c) ketabton.com: The Digital Library



جادهٔ شرقی وجنوب شرقی روضهٔ شریف با دکانهای جدید التعمیر آن

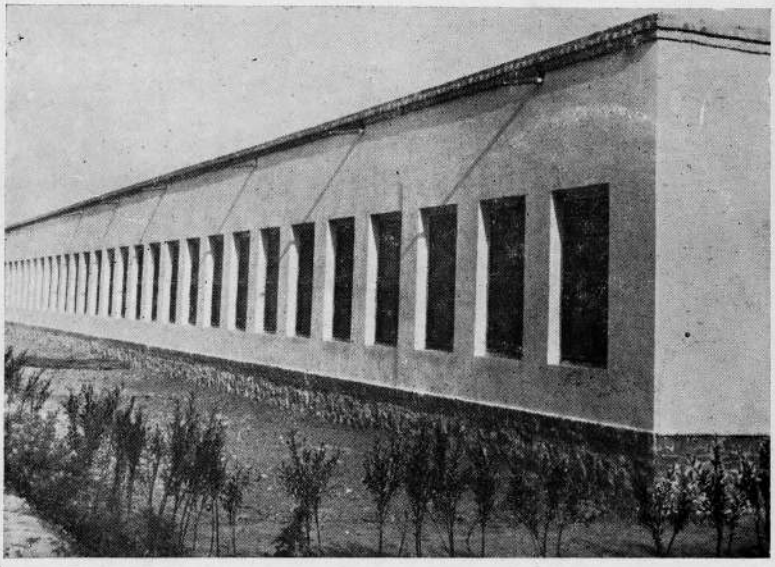

مکتب ابتدائیهٔ تاشقرغان ازعقب عمارت

(c) ketabton.com: The Digital Library

حفظ الصحهٔ مواسم چارگانه

بهار - بهار ویتامین - ویتامین . G-E-D.C-F-B-A بهار واشعهٔ افتاب - بهار وسپورت-بهاروالبسه - تابستان: - تابستان و حرارت - تابستان و حفاظت چشم - تابستان و خوراك - تابستان و حشرات مضره - تابستان والبسه - خزان :- خزان وامراض - خزان والبسه- خزان وخوراك - خزان وسپورت - زمستان :- زمستان والبسه- زمستان وتسخین - زمستان و خوراك زمستان و تجدید هوا - زمستان و سپورت .



نگارندهٔ مقاله آقای دکتور نصرالله خان « یوسفی »

بهار :

بهار از قشنگ ترین و زیباترین مواسم چهارگانهٔ سال است . بهار بعداز زمستان می آید به آن اشخاصیکه درموسم زمستان ازاخذ سبزیجات ومیوه ها محروم مانده حقا که بهار غنیمت بزرگی بشمار می رود .

از ویتامین یا آن جوهر حیات مشهور هر شخصی کم وبیش معلوماتی دارد وراجع به فوائد ضیاء افتاب هم اطلاعاتی را گرد آورده اند . در بهار انواع سبزیجات مفید به مقصد استفاده وتقدیم ویتامین برای بشر سر از خاك بلند میکنند وافتاب باشعاعات گرم خویش بروی همه موجودات می تابد .

بهار وویتامین :

وجود بشر به مقصد تامین حیات و فعالیت در محیط و حفظ ماتقدم از افات به گرفتن انواع و یتامین مجبور ومکلف است . دربهار توسط سبزیجات وغیره اخذ ویتامین برای هرشخص ممکن وسهل میباشد .

پس باید از این وقت استفاده گرفته رفع خساره هائیکه در ماهای زمستان که دران ایام اکثراً ازاخذ ویتامین محروم بودند کرده شود . چه اگر وجود مدت زیادی ویتامین نگیرد دچار امراض گردیده در نتیجه رنجور شده بالاخره بدرود حیات میگوید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اینك آن ویتامین های که وجود دائماً به آن احتیاج دارد بااسامی اشیای که در آنها ویتامن یافت می‌شود واینکه در اثر عدم کدام ویتامین چه مرض بظهور میرسد ذیلاً شرح داده می‌شود :

ویتامین A :-از سرما خوردگی جلو گیری کرده به نموی اطفال کمك میکند در شیر ، گوشت ، پالك ، گندنه ، وزردك یافت می‌شود .

ویتامین Bو F :-اعصاب را محافظه نموده ازمرض عصبی موسوم به Potyncutris جلو گیری میکند اشتهارا زیاد وبه‌نموی اطفال کمك‌می‌نماید درگندم وحبوبات‌سایره ، جگر ، خمیره موجود میباشد .

ویتامین C :-صفائی خون را محافظه کرده واز مرض (اسکربوط)جلو گیری می‌نماید در لیمون ، پرتقال،انگور، کلم،نخود، کاهو،بادنجان،تراتیزك،سبزی‌پالك،شلغم وفلفل‌وجود دارد.

ویتامین D :- به‌نموی‌استخوان‌ها کمك کرده‌وازمرض تشویهٔ اعضاء مخصوصاً نزداطفال‌صیانت مینمایدوازفساد ونقص دندانهاجلو گیری‌میکند . درجگر، روغن سفیدی‌تخم، اشعهٔ ماورای‌بنفش، به مشاهده میرسد .

ویتامین E :-به‌حیات جنین ونموی‌آن‌قبل‌ازولادت کمك می‌نماید در روغن ؛ گندم ، گوشت ، روغن‌ماهی وکاهو موجود می‌باشد .

ویتامین G : مرض جلدی موسوم به (پلاگرا)وامراض جلدی دگر را جلوگیری می‌نماید در شیر تازه ، کیله ، سنتره ، وغیره می‌باشد .

بهار واشعهٔ آفتاب :

دربهارجهت‌استفاده ازآفتاب‌روزنه را باید کشودشعاعات شمس فیوضات خود را به عالم وعالمیان نثار میکند ازنورآفتاب برای علاج آلام بشریت استفاده می‌شود . ابن‌سینا می‌فرماید . «اشخا صیکه به آفتاب مواجهه میگردند مریض نمی‌شوند » .

درموسم بهار که موقع استفاده ازاشعهٔ آفتاب است حتی‌المقدور باید جسم رامعروض آن نمود تابدن ازان عوارضی‌که دراثرعدم شعاع شمسی متصور است محفوظ بماند . شعاع آفتاب تاثیر بس مهمه درنموی بدن مخصوصاً استخوانها دارد . ضرر منع اشعهٔ آفتاب تنهابه احداث مرض Richtisme (رشتیزم) در اطفال تمام نشده بلکه به بزرگان نیز تاثیر سوئی می بخشد و استخوانهای شانرا نرم وکج ومعوج می‌سازد . پس‌هرشخصی که به صحت وسلامتی بدن خویش علاقه‌مند است ازاثرات مفیدهٔ اشعهٔ آفتاب استفاده‌کرده به استشارهٔ طبیب دائماً وجود خودرا تحت شعاعات این عطای خداوندی قرار خواهد داد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بهار و سپورت :

اثرات ونتایج مفیدهٔ سپو رت اظهر من الشمس است بهار بهترین مو قع أجرای سپورت شناخته شده چه دراین موسم هوا لطیف ودرجهٔ حرارت موافق بوده هرشخص به عملی نمود ن سپورت وقت خوبی داشته می باشد پس لازم است که جوانان ازاین مو سم سال استفاده گرفته به انواع سپورت های معلومه مبادرت ورزند .

بهار و البسه :

این هم گفته شود که حفظ الصحهٔ پو شاك در بهار اهمیت به سزائی دارد چه بها ر ختم سردی هوا و شروع گر می را گویند پس در این و قت کمال احتیاط را مرعی داشته البسه و پوشاك خود را دفعتاً تغیرنباید داد بلکه بتدریج درکم کردن البسه شروع کرده شود. تاوجود از ابتلا به امر اض سرما خورد گی محفوظ ماند .

تابستان

برای اینکه به صداع و آ فتاب زده گی د چار نشویم باید درموقع تردد از تابش آ فتاب بالای سر ذریعهٔ چتری یا کلاه های آ فتاب گیر خود رامحافظه نمائیم برای اینکه عرق زیاد از وجود افراز نشود از تمر ینات عضلیهٔ شدیده و گردش در آ فتاب خود داری کرده شود در حرارت شدید بهتراست مقدارغذائی را که عادتاً درسائر مواسم خورده می شود کم کرده شود از اغذیهٔ شحمیه مثل مسکه وروغنیات علاوتاً ازقند و مواد شکریه حتی المقدور خود داری شود چه این قبیل اغذیه درتزئید حرارت بدن تاثیر دارد .

تابستان وحفاظت چشم :

انعکاس حرارت آ فتاب و روشنائی زیاد درتابستان موجب خستهگی چشم گردیده و اگر چشم به ضیاء منتشر دیری مواجهه میگردد مبتلای مرض می شود پس دراین صورت قاعدهٔ صحی برای حفاظت چشم آ نست که عینك های رنگه از قبیل سبز و یا مایل به سیاهی استعمال گردد تاضیاء شمس بطو ر مستقیم و بکثر ت داخل چشم نشود این احتیاط را بالخاصه آ ن اشخاصیکه قوهٔ باصرهٔ شان خفیف است مرعی بدارند .

تابستان و خوراك :

باید در تابستان از پر خوری اجتناب گردد چه غذا اگر از حد اعتدال زیاد خورده شود موجب تشوش جهاز هاضمه گردیده و چنانچه قبلاً عر ض شد درجهٔ حرارت بدن بلند می رود

(c) ketabton.com: The Digital Library

مخصوصاً میوه های خام و نارسیده اگر زیاد صرف میگردد قطعاً باعث سوء هضم گردیده شخص مریض میگردد علی‌العموم همین اسهالهای معمولی که درتابستان بمشاهده می رسد دراثر عدم دقت در خوراك است خاصتاً در مواقع ظهور مرض کولیرا ، دقت نمودن در خوراك شرط است زیرا اگرمعده اندکی‌هم ازدرك پرخوری فشار می بیند وخسته می شود گذشتن (ویبریون) کولیرا از معده به روده ها آسان شده مرض بزودی سرایت میکند .

درتابستان سبزیجات ومیوه ها که خورده می‌شود تماماً رسیده باشد وقبل ازصرف نمودن به آب پاك وصاف شسته وتمیز کرده شوند چه اگر سبزیجات بدون شسته شدن خورده میشود باعث تولید بسا امراض میگردند خصوصاً در هنگام ظهور امراض ساری شستن میوه ها و سبزیجات رابه آب (یك برپنج هزار) Pérmenganat de patas. « پرمنگناذ دوپو تاس » فراموش نکنید خوردن یخ و برف در تابستان موافق به قواعد حفظ الصحه نیست چه علاوه براینکه یخ ها و برف های بازاری دارای کثافات زیادی میباشد بالای عضلات معده وغیره هم اجرای تاثیر کرده تشویشات هضمیه را فراهم می آورد. آبیکه درتابستان نوشیده میشود باید معتدل بوده نه گرم ونه سرد باشد از انداختن برف ویخ دربین آب آشامیدنی جداً خودداری کرده شود بلکه درقسمت خارج یعنی دراطراف صراحی وبوتل برف را گذاشته وآب داخل آن سرد ساخته شود تابه آب آشامیدنی میکروبها وکثافات ضم نگردد .

تابستان و حشرات مضره :

حفاظت نمودن بدن از گودم ، زنبور ، مگس ، پشه وغیره درتابستان اهمیت زیادی‌دارد وحتی‌المقدورمراقبت شودکه این حشرات موذی بی سبب به بدن اذیت نرسانند خصوصاً پشه‌ها ومگس‌ها ناقل‌امراض خطرناکی شناخته شده اند مگس‌ها ذریعهٔ پاهای شان مواد پلید وکثیف را گرفته وبالای خورا که رسانده بدین وسیله به سهولت مرض های مهلك را ازقبیل کولیرا پیچش محرقه وغیره بظهور می رساند پشه ها هم مخصوصاً پشهٔ (انوفل) مرض خانمانسوزی را که عبارت از ملاریا باشد نقل می‌دهند پس بهرصورت که باشدباید بدن ازایزاء حشرات مضره حفاظت کرده شود .

تابستان و البسه :

پوشیدن البسهٔ سفید درتابستان موافق حفظ الصحه شناخته شده چه رنگ سفید از نفوذ اشعهٔ آفتاب بداخل بدن جلوگیری کرده وجود ازصدمهٔ گرمی محفوظ می‌ماند به مقصدجلوگیری

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازاثابت شعاعات مستقیم آفتاب به سرنمودن کلاهای آفتاب گیرو یاچتری هم قابل توصیه‌است . پاپوش ها هر رقم که باشد اهمیت ندارد معهذا این قدر گفته شود که کف پاپوش نباید نازك باشد تاصدمهٔ حرارت به پا ها نرسد پوشیدن البسهٔ تنگ خلاف حفظ الصحه است باید لباس طوری پوشیده شود که دربین قسمت های لباس ووجود هوا داخل شده بتواند .

خزان

خزان فصلی است بین تابستان وزمستان ، انقلابات جوی این فصل را ازنقطهٔ نظرحفظ الصحه اهمیت داده درخور آنست تانظری دراطراف این فصل انداخته شود .

خزان وامراض :

ازانجا که درجهٔ حرارت دراین فصل بین شب وروز تفاوت زیادی داشته می‌باشد ظهور بسا امراض خصوصاً مرض های سرما رسیدگی بمشاهده میرسد منجمله امراض خزان زکام است در اثر تفاوت درجهٔ حرارت شب وروز ، نظام صحی مختل شده و جود خفیف گردیده وسایط ظهور مرض زکام مهیا میگردد رما تیزم نیز در فصل خزان به نسبت رطوبت هوا وتفاوت درجهٔ حرارت بکثرت دیده میشود علاوتاً تغیرات پی درپی درجهٔ حرارت وسردی ، به جهاز ها ضمه هم اثر انداخته تشوشات هضمیه و اسهال را تولید میکند به مقصد وقایهٔ جسم ازعوارض فوق قوای طبیعی بدن را پیش ازهر موسم تقویه باید کرد تامقاومت ووقایهٔ جسمی بطورکافی بعمل آید. از هرگونه کاروفعالیت بدنی که وجودرا خسته مینمایداجتناب کرده شود .

خزان والبسه :

درخزان مثل بهار صورت حفظ الصحهٔ پوشاك در نظر گرفته شود درشب وساعات شام که هوا سرد میشود لباس قدری گرم در روز و زیر آفتاب سبکتر پوشیده شود تا از ان عوارضیکه کهدراثر تغیر درجهٔ حرارت بظهور می‌آید جلوگیری بعمل آید .

خزان وخوراك :

درخزان مثل تابستان ازپرخوری اجتناب گردد مخصوصاً به‌نسبت که روزها گرم می باشد درخوردن گوشت وروغن زیاد که‌باعث فسادمعده می‌شود احتیاط کرده شود ، آب‌هم درموسم خزان ازحد اعتدال زیاد آشامیده نشود چه مثلیکه درصفحات قبل عرض شد موجب تشوشات معده میگردد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

خزان وسپورت :

درخزان ازطرف عصرهوا لطیف ومعتدل بوده موقع مناسبی برای اجرای سپورت شمرده می‌شود لذا جوانان دراین موسم مثل بهار ازسپورت خودداری ننمایند چه‌سپورت یگانه وسیلهٔ تقویهٔ اعصاب عضلات وروح بوده فوائدی شماری را حایز است .

زمستان

تغیرات هوائیه وشدت برودت درزمستان مستلزم آنست که‌قواعد حفظ‌الصحهٔ این فصل بدقت مدنظر گرفته شود چه‌حدت آب وهوا به وجود چنان اثراتی راوارد میکندکه اگرقبلاً ترتیبات محافظه بدرستی اتخاذ نگردد عواقب بس وخیمی‌را برای صحت وسلامتی انسان پیش می‌آورد .

زمستان و البسه :

مسلماً درزمستان لباس گرم‌پوشیده می‌شود امانکتهٔ قابل ملاحظه درلباس زمستانی این‌است که‌لباس‌خانه وخارج‌خانه ازهم‌فرق داشته‌باشد یعنی لباسیکه دربین منزل‌پوشیده می‌شود نازکتر و البسهٔ خارج خانه گرمتر باشد تاوجود از صدمات سردی هوائیه محفوظ بماند هم چنان البسه وکالای گرمی که‌درخارج خانه پوشیده می‌شود نبایددرداخل‌خانه استعمال‌گردد چه‌هنگام خارج شدن ازمنزل هوای سرد به‌سطح لباس‌گرم شده وزیده آن راطوری سرد می‌سازد که با گرمی سطح جسم تفاوت زیاد داشته انسان رامبتلا به‌سرما خوردگی می‌گرداند رنگ لباس باید سپاه ویااز رنگ‌های تیره‌باشدتا اشعهٔ افتاب رابدرستی‌جذب کره بتواند .

زمستان و تسخین :

اطاق نشیمن رازیادگرم نمودن خلاف قاعدهٔ حفظ‌الصحه است‌چه وجود طبعاً به‌گرمی زیاد مایل‌نیست علاوتاً زیادگرم نمودن‌خانه درسیستم وجود هم‌اثر انداخته باعث‌خرابی صحت میگردد بهترین درجهٔ حرارت یك‌اطاق بین ۱۸ — ۲۰ درجه سانتی گرید است .

زمستان وخوراك :

درزمستان بسبب سردی هوا اشتها ونشاط جسمی زیادشده ومیتوان اغذیهٔ مقوی تری را صرف کرد خوردن موادیکه احتراق بین العضلاتی رازیاد می‌سازد ازقبیل قند ، روغن وغیره مفید وازنقطهٔ نظراستفادهٔ جسم ممکن است چه‌این قبیل اغذیه به قوت بدن مخصوصاً قوهٔ عضلات می‌افزاید نوشیدن‌چای وغیره مشروبات‌گرم به‌مقصد وقایهٔ جسم‌به مقابل سرما خوردگی مفیدواقع می‌شود . خوردن سبزیجات ومیوه‌ها درزمستان اهمیت زیادی دارد چه دراین فصل سبزیجات

(c) ketabton.com: The Digital Library

تازه عموماً میسر نمی‌شود ووجودهم دائماً بگرفتن سبزیجات‌واخذویتامین ازان‌هاضرورت دارد پس لازم است که‌درفصل زمستان حتی‌المقدور کوشیده شود تاسبزیجات ومیوه‌های تازه ولوبه فاصلهٔ چند روزهم باشد پیدا کرده و خورده شود .

زمستان و تجدید هوای اطاق :

عموماً بنسبت خنك وسردی زیاد پنجیره های اطاق‌را دائماً مسدود می‌نمایند و بداخل شدن هوای تازه به اطاق اهمیت نمی‌دهند این اصول خلاف قاعدهٔ حفظ‌الصحه است باید اقلاً روزی۲مراتبه هوای‌اطاق بهرصورتیکه باشدتبدیل کرده‌شود مخصوصاً دروقت صبح (بعد ازترك نمودن بستر) و عصر.

زمستان و سپورت :

درموسم زمستان زیادورزش کنید زیرا ورزش علاوه ازاینکه عضلات وجهازات جسمی‌را قوی‌می‌سازد برای گرم‌کردن جسم‌نیز تاثیرفوری دارد ومخصوصاً دراوقاتیکه بسیارخنك خورده باشید به حرکات ورزش ساده از قبیل دویدن وخم وپیچ دادن جسم و کشتی گیری و غیره اقدام نمائید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعضی از اختراعات جدیده



نگارندهٔ مقالهٔ هذا آقای علی احمد خان «نعیمی»

ازجاهل تابعالم هیچ کسی نیست که ازشنیدن وخواندن کلمهٔ زیبا وخوش آیند «ایجاد واختراع تکانی نخورده باذوق ودلچسپی بان دل ندهد . چرا استماع این کلمه در طبیعت بشر تأثیرات عمیقی دارد ؟ سوالیست که نمی توان از آن درینجا بحث نمود زیرا جواب آن در خور یك رسالهٔ جداگانه می‌باشد . تنهابهمین جمله اکتفا نموده میگوئیم : زیرا اسباب و مایحتاج زندگانی‌بشروموجبات پیشرفت ها وترقیات او برروی همین‌کلمه‌کوتاه و مختصرقرارگرفته است کلیهٔ لوازم سعادتانسان که ازروز نخست تا امروز قدم بعرصهٔ وجود گذاشته و در آینده هم پدید خواهند آمد ، از جزئیات تا بکلیات ، بوسیلهٔ قوهٔ ابتکار و ایجاد بوده .

وقتا برتاریخ بشریت ازابتدای پیدایش او تاعصر حاضر نظر دقیق و عمیق انداخته میشود می بینیم که انسان دراول غیرمدنی بود و بمرور زمان حالت بدویت وشبانی را پیش گرفت . درشهرها داخل شد وکم‌کم زندگانی‌مدنی‌را اختیارکرد . زراعت راآموخته به تجارت وکشف ثروت های طبیعی یعنی فلزات و معدنیات پرداخت . صنعت را یادگرفت و با اختراع آلات وادوات لازمه شروع کرد . هر قدر به تمدن نزدیك شد بهمان قدر احتیاجات مادی و معنوی او زیادی گرفت . علم وصنعت ترقی کرده درهر شعبهٔ ازعلوم وفنون و صنایع کشفیات وتتبعات واختراعات بعمل آمد ومحیط دانش وفرهنگ انبساط یافته رفت .

اگرچه بشرازهمان روزنخست که قدم دردنیای وجود گذاشت ، رول اختراع وایجاد را درصحنهٔ حیات بازی‌نمود . یعنی اززمانه های خیلی‌قدیم تا امروز ذوق وقریحهٔ فطری برای احداث نمودن چیزهای جدید داشت و دارد وهم خواهد داشت . مگر هر اختراع او در ابتدا ناقص ومعیوب بود و بعد ها درطی زمان صورت تکامل را اتخاذ نمود . لهذا رویهمرفته کلیه پیشرفت های بشر درهرامری از امورحیاتی تدریجی بوده است .

مثلاً صد سال قبل (۱۸۳۹) آن دستگاه عکاسی که بتوسط یکنفر دانشمند فرانسوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

موسوم به «واگنر» کشف واختراع گردید از دستگاه امروزی آن تفاوت فاحشی دارد. بعد ها یکنفر سویسی موسوم به «ایزن رنیك» مقیم «مونیخ» بفکر استفاده و تکمیل آلهٔ مذکور افتاده درسال ۱۸٤۱ یك دستگاه نسبتاً مکمل تر ساخت. در همین وقت یکنفر دیگری هم از اهالی هایلند بفکر استفاده ازاختراع «واگنر» برآمده به تعمیم وتکمیل آن تصمیم و مبادرت کرد وآن کاسپار روتن وی «پدر» ماکس دوتن وی بود. دانشمند موصوف در مدت کمی بفکرخود پیشرفت نموده دستگاه مذکوررا ازشکل ابتدائی بصورت نسبتاً حقیقی وعلمی درآورد چون با این دستگاه اوتهیه نمودن عکس های زیاد نیزخیلی طولانی وخسته کننده بود، مستر «تالبوت» عکاس معروف انگلیسی در سنه ۱۸٤۲ طریقهٔ جدیدی را برای آن کشف کرد. این طریقهٔ اوهم خیلی زحمت آور بود زیرا اشخاص برای عکس گرفتن مجبور بودند که یکساعت در زیرنور آفتاب بنشینند و برای اینکه جزئی حرکتی نتوانند سرایشانرا با دستگاه مخصوص نگاه میداشتند. رفته رفته همان دستگاه «واگنر» مبدل به کوداك های ظریف و مقبول کوچك و بزرگ اتوماتیکی امروزی گشت. وحتی به این هم اکتفانه نموده سینماهای متحرك رنگه، و گویا اختراع کردند. وهمچنان درسنه ٦۰۰ ق. م یکنفر ازعلمای یونانی موسوم به طالس بوسیلهٔ تجربهٔ کهربا وجود برق و الکتریسته را قائل گردید ولی بعد ها درسال ۱۸۲۷ «ولتا» وجود تولید برق را ثابت کرد. مگرعملاً دراوایل این قرن یعنی قرن بیستم اهمیت و حقیقت برق را «آدیسن» امریکائی معروف کشف و برندگانی بشر خدمات شایان قدرو فراموش نشدنی نمود.

تخنیك بعد از ایجاد برق یعنی درهمین عصر ما بصورت فنی بوجود آمده ترقی کرد. از وقت ایجاد برق تابه امروز اغلب اختراعاتی که بعمل آمده مولود برق است. از همین سبب است که الکتریسته وآدیسن را پدر اختراعات ومخترعین میگویند.

خلاصه درتمام ادوارحیات اختراعی بشر برجسته ترین ومنورترین آن همین دوروعصرامروزیست که میتوان گفت درآن علم به پایه اوج وتعالی رسیده. چه اختراعات محیرالعقول که نکردند !!! چه توپ ها، طیاره ها، تلیفون ها، تلگرافها، رادیوها، تلویزیون، ماشین ها، تانکها، نقب های بری وبحری، تانکها، تحت البحریها، جهازهای بزرگ وعظیم الشان جنگی وتجارتی دریائی، وعمارات وشوسه ها وریل ها بوجود آمده که عقل در شگفت مانده است.

امروز حتی در امور جزئی از برق کار گرفته جاروب، ماشین ریش تراشی و. و. وغیره سامان تجملی می سازند. درین قرن به هیچ یك سالی نیست که چندصد اختراع تازه وبکر احداث نمی شود. درین اواخر نیز خدام بشر وانسا نهای فوق العاده یعنی دانشمندان ومخترعین درسعی وجدیت خود در راه خدمت به بشریت وجامعهٔ انسانی اهمال نه نموده چیزهای

(c) ketabton.com: The Digital Library

بسیاری کشف واختراع کرده اند که ما چند نمونهٔ از آنها را از روی جراید خارجی وداخلی نقل نموده درین صفحات بغرض استفادهٔ هم وطنان وخوانندگان عزیز این سالنامهٔ ، تذکار میکنیم والبته غاری از دلچسپی نخواهد بود .

❀ ❀ ❀

طیارهٔ کوچك جدید :

مهندس «موار» از اهالی «هامبورگ» چندی قبل ، طیارهٔ معروف به « شتورمر » را که از سیستم « دولیتری » بود ودر مسابقه ۱۰۰و۱۰۰۰ کیلو متری اول شده بود ساخت . اکنون طیارهٔ جدیدی ایجاد نموده است که وزنش۲۸۰ کیلوگرام است یعنی از کلیه طیارات که تاکنون ساخته شده سبك تر است . ودر آن دونفر پهلوی یکدیگر می توانند به نشینند ، ووزن آن بامسافرین وبارهایش بر ۲۸۰ کیلو گرام میرسد . این طیارهٔ جدید دارای سه چرخ است موتوری دارد که قوهٔ آن ۵۰ اسپ بوده بسرعت ۱۷۰ الی ۱۷۵ کیلومتر در ساعت طی مسافت میکنند ومصرف سوخت پطرول آن هم در هرصد کیلومتری ۷ لیتر است .

طیارهٔ جدید بحری مرکب .

تقریباً از دوسال بدینطرف بود که روز نامه های اروپا دراطراف فکر اختراع یك طیارهٔ بحری جدیدی که یکنفر انجنیر انگلیسی موسوم به «مایو »Mayo بفکر آن افتاده بود بحث های زیادی می نمودند .

اکنون درین تازه گیها اختراع مذکور در کارخانهٔ طیاره سازی « شارت » انگلیسی بتوسط عالم مذکور صورت حقیقت وعملی را بخود گرفته وساخته شده است .

این طیارهٔ بحری جدید به بزرگی ۱۶۳ متر مربع مساحه بوده دارای چهار ماشین که هریك آن قوهٔ ۹۰۰ اسپ را دارد می باشد وبرروی بال های خود یك طیارهٔ بحری نسبتاً کوچك تری را که چهار ماشین ۳۲۰ اسپه دارد حمل میکند . این طیارهٔ بحری « مایو » که بمنزلهٔ یك منجنیق پرواز کننده است طیارهٔ کوچك تر از خودرا که هرچهار ماشین آن در هنگام شروع پرواز بکار میافتد تا به اندازهٔ لزوم در طبقات هوا بلند نموده رهنمائی میکند .

در اثر قوت هشت ماشین موتر طیارهٔ کوچك بحری قبل از جدا شدن از طیارهٔ بزرگ موفق میگردد که برای حمل نمودن حاملین وبارهایش قوهٔ کافی بدست آورد . طیارهٔ کوچك بعداز آنکه در ظهر طیارهٔ بزرگ حمل شده تا به طبقات بلند فضا پرواز میکند بعد از بدست آوردن قوهٔ کافی بخودی خود شروع به طیران نموده می توانند که یك مقدار مال زیادی بسرعت ٦ الی ۱۰ هزار کیلومتر فی ساعت حمل نماید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

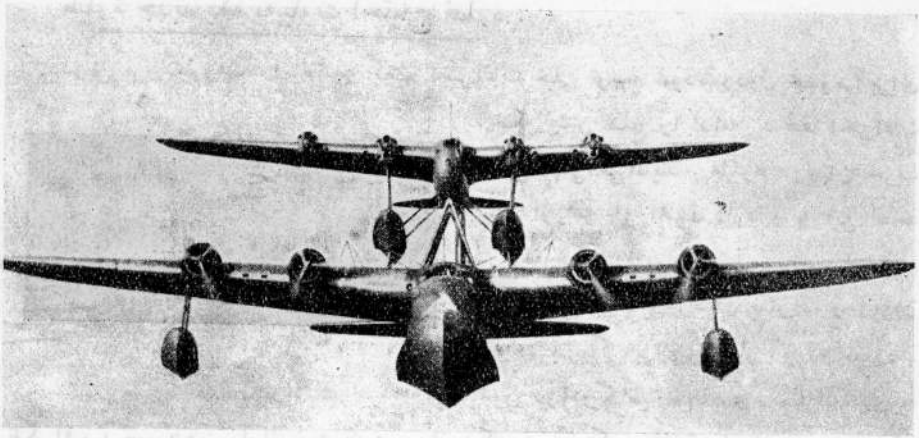

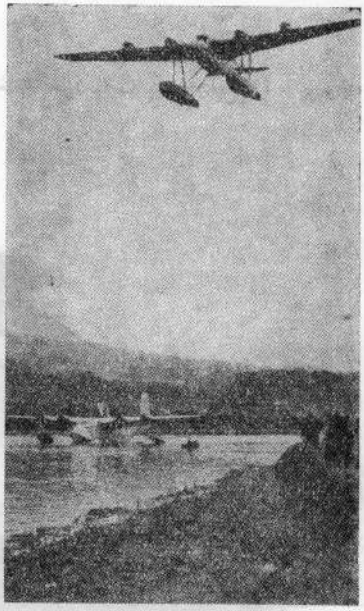

(عکس فوق) طیارهٔ جدید بحری «مایو» که صورت طیارهٔ مرکب را دارد، طیارهٔ کوچك را درظهر خود حمل و پرواز کرده و آنرا بیك ارتفاع بلندی که لازم است باخود میبرد تا طیاره کوچك خود قوه گرفته به تنهائی پرواز کند اینك در حال بردن است.

(عکس سمت راست) طیاره کوچك بعد از آنکه به ارتفاع لازم بذریعه طیاره «مایو» رسیده و بخودی خود پرواز را انجام داده است فرود آمده بروی آب نشسته است و خود طیارهٔ «مایو» که تنها مانده نیز در شرف فرود آمدن برروی دریا است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

طیارهٔ جدید یکه به‌پیلوت احتیاج ندارد :

درین قرن طوریکه در مقدمه گفتیم اختراعات خیلی توسعه نموده ودول مخصوصاً برای آنکه بیشتر صلح را ادامه دهند اختراعات حربی مهمی می‌نمایند . طیاره درجهان حرب بیش از همه چیز اهمیت دارد و به این لحاظ در راه تکمیل آن و تسهیل ذرایع استفاده از آن دروضعیت وساختمان طیارات روزبروز تغیرات بزرگی برروی کار آورده میشود . کنون درامریکا طیارهٔ جدیدی ساخته‌اند که بذریعهٔ

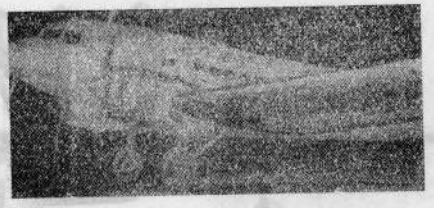

طیارهٔ جدید اتوماتیک

تلگراف بی‌سیم بدون پیلوت خود بخود پرواز میکند درین عکس طیارهٔ را مشاهده می نمائید که در ساحل کلیفورنیا پرواز مطولی بدون پیلوت نموده است .

طیارهٔ ساخت خانه برای مسابقه :

«ونسن انبرگ» جدیداً یک طیارهٔ بسیارخوردی درخانهٔ خودساخته ودراولین دفعه پرواز

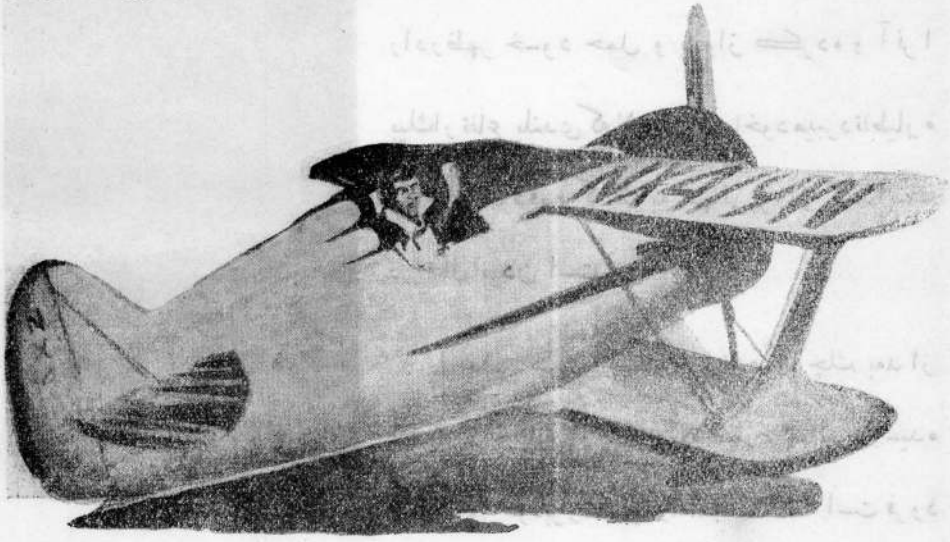

طیاره جدید که از ۱۷۰ الی ۲۲۰ میل فی ساعت پرواز میکند

طیاره فی‌ساعت ۱۷۰ میل پرواز کرده توانست طول این طیاره کوچك دوباله از حدود پروانه تادم ۱۲ فت بوده وطول بالهای آن ۱۳ فت ودارای موتری که صاحب ۱۲۵ قوای اسپ

(c) ketabton.com: The Digital Library

است می‌باشد بعد از تکمیل پرواز های ابتدائی گفته می شود که طیارهٔ موصوف فی‌ساعت ۲۲۰ میل هم پرواز کرده می‌تواند .

ماشین جدید برای ضبط افکار شبانه :

تابحال همه صدای یك خواننده ویاموسیقی یك نوا زنده را در صفحات گرامافون شنیده بودیم و لی جدیداً یکی از مخترعین بواسطهٔ ماشین جدید خود توانسته است صحبت های شبانهٔ انسان را که درموقع خواب از دهانش خارج میشود در صفحه شبیه به صفحه گراموفون ضبط کند .

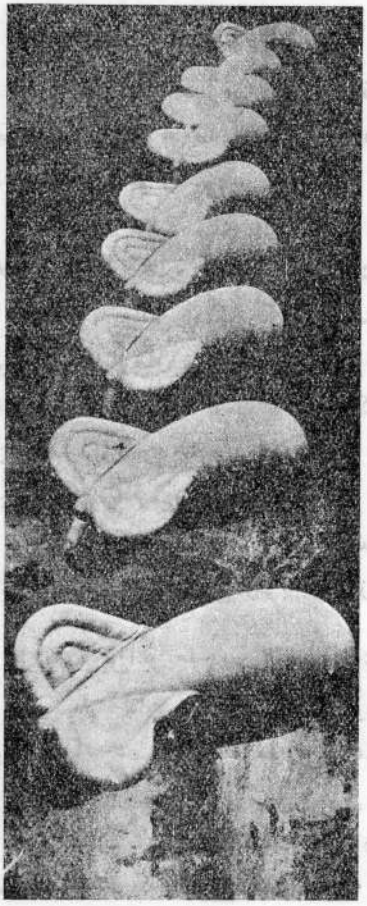

این ماشین درموقعیکه انسان بیدار است ابداً کار نمیکند ولی بمجرد اینکه شخص به خواب رفت شروع بکار نموده وکوچکترین نفس انسانرا نیز در صفحهٔ خود ضبط مینماید صبح انسان میتواند با کمال خوبی حرفهائی راکه در خواب زده است گوش کرده وبداند که درموقع خواب چه گفته است .

دفاع هوائی شهر برلین باوسائل جدید:

آلمانها برای دفاع ازحملات هوائی در شهر برلین دستگاه های جدیدی درست کرده اند که در موقع حملهٔ هوائی در اطراف شهرمه زیادی تولید میکنند وآنرا از نظرپیلوت ها و طیاره ران هامخفی می سازند : (این‌وسیله دردسته های پیاده نظام هم برای مخفی‌شدن از نظردشمن بکارمیرود) . -

بالونهای مدافعهٔ حملات هوائی :

این بالون ها بتازه‌گی در انگلستان اختراع شده و بتعداد ملیون ها از آن ها بالای شهر ها

بالونهای مدافعه که بطور تجربه بلند شده اند

در فضای خیلی مرتفع بلند کرده می‌شوند هر یك بواسطهٔ سیم های باریك بزمین وبین خودها وصل می‌باشند که گویا باینصورت درتمام فضا یك‌سیم دوانی خیلی پر پیچ ولی نازك وغیر مرئی

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیل داده شده ، طیاراتیکه از بیرون آمده بخواهند شهرهارا بمباردکنند چون خود بالون ها بسیار بلند بوده و طیاره درزیر آن پرواز میکند ، لذا دفعتاً درمیان سیمها گیر آمده می افتد .

این اختراع جدید خیلی طرف توجه حکومت انگلستان قرارگرفته وانتظار دارند درآینده لندن را بذریعهٔ آن ازخطرهٔ حملات هوائی حفظ کنند البته درآن صورت ملیونها ازاین بالونها باتجهیزات لازمه آن ها بکار خواهد بود . ـ

چتر جدید برای فرود آمدن :

ازجمله چیزها ئیکه طیاره رانان باید بدانندروش فرود آمدن باچترنجات است تاچنانچه احیاناً مواجهه باخطری شوند طیاره رابحال خود گذاشته وبسلامت بزمین بیایند ولی دراینجا نکته ئی است که نباید فراموش شود .

استعمال چترنجات برای فرودآمدن احتیاج بمهارت وچابکی وزرنگی وسرعت عمل وخیلی چیزهای دیگردارد که چنانچه اندك غفلتی بشود ممکن است زندگانی طیاره ران ها دچارخطرشود .

خوشبختانه دراین اواخر یکی ازدانشمندان بزرگ اختراع تازهٔ کرده وموفق شده است که این اشکال را ازمیان بردارد تاپیلوت بتواند با کمال آسوده گی بزمین فرود آید . این اختراع عبارت ازیك چترخودکار « اتوماتیك » است که طیاره زانان آنرا برپشت خود می بندند ودرموقع برون پریدن ازطیاره بخودی خود بدون اینکه احتیاج به چیزی داشته باشد بازمی شود و طیاره ران را بسلامت به زمین میرساند . ـ

این اختراع به حال طیاره رانان بی اندازه سودمند است وامیدمیرود که درآینده از شمارهٔ تلفات که درین راه داده می شود به مقدار زیادی بکاهد . ـ

سریع ترین اتو موریس های دنیا :

اخیراً در آلمان بزرگ ترین اتوموریس های دنیارا ساخته اند وباآن در خط برلین ـ هامبورگ باسرعت ۳۱۵ کیلومتر فی ساعت طی مسافت کرده اند .

این اتو موریس باجدید ترین وسایل فنی عصر حاضر مجهزاست ودارای ۱۲ موتر دیزل بقوهٔ ۶۰۰ اسپ است در قسمت پیش روو عقب اتو مو توریس منابع مخصوصی برای سوخت ساخته اند که در آنها مجموعاً ۱۰۰۰ لیتر سوخت جای میگیرد .

این اتو موریس جای ۱۰۰ تن مسافر دارد و وسایل استراحت آنها از هرحیث در آن آماده شده است ودارای آشپز خانه است که غذای تمام آنها را فراهم میکند وانبارخانهٔ بار آن گنجایش ۱۵۰۰ کیلو گرام باررا دارد. خلاصه این اتو موریس سریعترین وسایل راه آهن های دنیا است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

موتر یکه خود بخود بار می شود :

درین تازگی‌ها داکتر جی ای ،اوون ، آلهٔ جدیدی اختراع نموده که در موتر گذاشته می‌شود وبذریعهٔ قوای انجن موتر آلهٔ مو صوفه بکار افتاده و بار موتر را دربین آن می‌گذارد ویك صند وقچه مخصوصه درحصهٔ پیش روی موتر بذریعهٔ یك چوکاتی که در موتر تعبیه گردیده است آویزان می باشد در موقعیکه بخواهند از آن استفاده نمایند بذریعهٔ قوای داخلی ماشین ریگ ،خاك ، سنگ ریزه وامثال آن چیز هائیکه برای بردن در موترمعین گردیده در آن‌صندوقچه که در پیش روی موتر آویزان‌است داخل گردیده و بعدآن صند وقچه بلند شده و در موتر بارخود را می افگند کاربار نمودن موتر بذریعه این آلهٔ جدیده با کمال عجله وسرعت صورت میگیرد .



موتریکه بخودی خود بارمیشود

عرادهٔ مسافرتی ییلاقی :

استعمال موتر های که عراده های جداگانه را باخود میکشند در فرانسه خیلی ها مروج است . درین تازه گی ها نمونه های جدیدی که ازنقطهٔ نظر فنی واحتیاجات مکمل بوده ووزن این عراده ها که موتر های آنها را میکشند متجاوز از ۴۲۵ کیلو گرام نیست ماشینیکه این عراده های جدید را باخود میکشد فقط دارای قوت هفت اسپ می باشد .

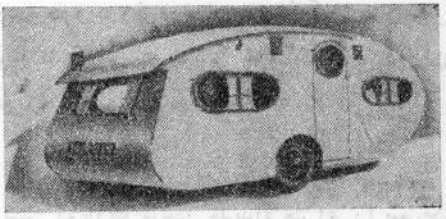

عراده جدید ییلاقی

تنویر عراده های مذکور بتوسط « بتری » های موتر کشنده بعمل می آید و یا اینکه یك «اکومولاتور» جداگانه برای تهیه نمودن برق تنویر آن بکار انداخته می‌شود این‌عراده دارای سه‌اطاق می‌باشد . اطاق نانخوری ، اطاق خواب ومطبخ ، تسخین نمودن اطاق های مذکور ، واجاق‌ها وبخاری کوچك ، وآشپز خانه وآب آن بتوسط گاز بعمل می‌آید .

اطاق های مذکور بتوسط درب های کوچك یك دیگر راه دارند . میز فاتکی اطاق نانخوری در خود جدار اطاق بطور غیرمرئی جمع وبرداشته می‌شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

در اطاق خواب دوچوکی وجوددارد که در موقع خواب واستراحت فوراً بشکل یک بستر دونفری ۲ در ۲۰ ، ۱ متر را با یك دوشك فنر فلزی تشکیل میدهند . وهمچنان یك « بوفی » مکمل (میزنان وظروف) موجود است . البته جای گفتن نیست که این عرادهٔ جدید برای سیاحت وتفریح‌های دوردست تاچه‌اندازه وسیلهٔ استراحت مسافرین خودرا سهل ومهیا نموده است .

آلهٔ جدید برای اطفای حریق موتر ها :

اغلباً مشاهده شده که حریق در موتر ها به نسبت تصادم آن باچیزی بوقوع رسیده واز همین جهت است که مخاطرات آن متناوباً زیاده شده میرود .

این حریق ها بسیار کم اتفاق میافتد که به علت جریان یافتن مادهٔ احتراقیه برروی نل خروج باشد زیرا ماده مشتعل نمی شود مگر در مقابل کدام جرقهٔ برقی یازبانهٔ آتش .

لهذا بعد از تصادم ، برای حریق نمودن موتر دوعلت موجود است . یکی رسیدن وبازگشت شعله های آتش در « کار بورا تور » ودیگر کدام دوران کوتاه وکم دوام شعله در مقابل ماده یاغازماده . لهذا جدیداً برای دفع نمودن آن دوعلل اساسی و ممانعت از حریق موتر آلهٔ وضع و اختراع نموده اند که در موتر نصب گردیده ودر صورت وقوع تصادم یاواژگون شدن موتر بطور « اتوماتیك » یعنی به خودی خودکلیه محیط دوران های ماشین‌را ازهم قطع می نماید .

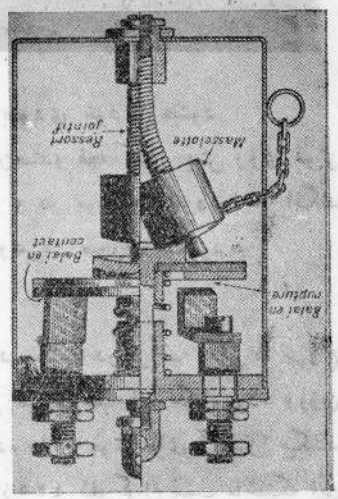

نقشهٔ افتاده خاموش کنندهٔ حریق موتر

اختراع جدید امریکائی ها :

اخیراً در (هویت پلین) واقع دراطراف شهر نیویارك ماشین جدیدالاختراعی را بمعرض نمایش گذارده اند که بوسیلهٔ آن می توان مدت توقف هرموتررا درکوچه وسرك تعین وبازرسی نمود.

هنگامیکه صاحب موتری بخواهد موتر خود را در میدانها ومحل های پررفت وآمد نگاهدارد بایست قبلاً یك مقدار پولیکه تقریباً معادل به یك افغانی می شود در آن دستگاه بیندازد وآنوقت حق خواهد داشت که اتوموبیل خود را تامدت یکساعت در آنجا توقف دهد .

پس‌از یکساعت چراغ کوچکی روشن می‌شود باین علامت بایستی یا یك مقدار پول دیگر درآن دستگاه بیاندازد ویا آن محل ایستگاه را ترك کند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تصور میرود که در تمام میدانها وایستگاه های موتر این دستگاه عجیب نصب شود زیرا درآمد این توقف گاه ها اجازه خواهد داد که تعداد زیادی ازآن بساز ند .

هم چراغ هم رادیو :

جدیداً ماشینی اختراع شده که کار رادیو را داده ازنقاط مختلف دنیا احوالات میگیرد. وهم بحیث یك چراغ قشنگی محل استفاده واقع شده در اطاق معمولی ، خانهٔ خواب وهر کجا



دستگاهیکه هم چراغ وهم رادیو است

که بخوا هند آن را گذارده می توانند . ساختمان این اختراع طوری است که اگر بخوا هند چراغرا بدون استماع رادیو روشن کنند هم می توانند زیرا خانه‌های آنها ازهمدیگر جدا میباشد.

آلهٔ جدید برای برق دادن رادیو :

برای برق‌دادن دستگاه اخاذ کوچك را دیوی‌مسافرتی طریقه های‌زیادی بظهوررسیده که هریك بنوبت خود دارای نواقص جزوی ویابزرگ می‌باشند .

« پیل » هاو« اکومولاتور » ها اغلباً چندان کفایت مکفی برای رادیو های « برقی - دینا میتی » ندارند . وبرعلاوه« پیل‌ها » خیلی پر خرج بوده بزودی وحتی در حال استراحت هم ازبرق‌خالی می شوند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

« کوموتا تریس» که بتوسط یك «بتری» بکار می افتد برق زیاد مصرف میکند . طوریکه بایك «بتری» ٦ ولت، برای برق دادن یك دستگاه عادی ٥ چراغهٔ رادیو، یك قوت ۲۰ A لازم است.

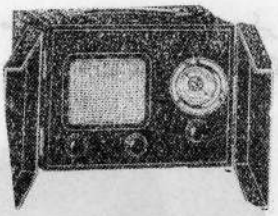

دستگاه اخاذ مخصوصه آله « آکومو لاتور» حاصل میشود بدون آنکه جریان مذکور تمام گردیده و آنرا بمصرف برساند مانند یك « ترانسفورماتور » عادی کار میکند. این آله قابل حمل ونقل بوده بوسیلهٔ یك صندوقچه که آنرا از صدمات خارجی محافظه میکند ، نقل داده میشود .

لهذا این دو وسیلهٔ مذکور عملاً مورد استعمال پیدا نخواهند کرد مگر برای برق دادن رادیوهای اتوموبیل . ولی اخیراً یکی از مخترعین یك آله ایجاد نموده که میتواند بوسیلهٔ قطاعهای متناوب یا بواسطهٔ « بتری » ۱۲۰٦، یا ۱٤ ولته پر شود .

آلهٔ مذکور آن جریان الکتریکی را که از

نمونهٔ دستگاه رادیوکه درتصویر فوق نشان داده شده دارای پنج چراغ بوده وباسه دانه گوشك مخصوص می‌تواند تمام امواج را از ۱۹ الی ۲۰۰۰ متر اخذ نماید .

مکبرالصوت جدید :

درفرانسه مکبرالصوت جدیدی اختراع شده است که صدا را تا به ۲۵ میل مسافت میبرد ووقتیکه دکمهٔ آن فشار داده میشود چنان صدای مهیبی میکند که مردم درمسافت چند میل باید گوشهای خودرا محکم بگیرند. در عین حال ممکن است صدای آن را باندازهٔ آرام نمایند که شباهت به نجوی وسرگوشی داشته باشد. این قبیل بلندگوها رادرموقع جنگ بکار میبرند. زیرا با حمل کردن آنها درطیارات مردم را بطرف نظریاتی که دارند تبلیغ میکنند.

سابقاً دولت شوروی پرصدا ترین مکبرالصوت های دنیارا داشته وآنرادرطیارهٔ «ماکسیم گورکی» کهدرسال ۱۹۳۵ شکست نصب نموده بود، ولی فعلاً دولت فرانسه درین قسمت سبقت جسته.

بزرگترین کشتیها :

اخیراً یکی ازکار خانه های کشتی سازی آلمان مشغول ساختن کشتی بزرگیست که تاحال به بزرگی وعظمت آن ساخته نشده است. این کشتی قادر به ۹۲۵۰۰ تن بار گیری خواهد بود. طول این بحر پیمای عظیم ۳۷۵ متر وعرضش ٤۸ متر می باشد. دارای دو دود کش بزرگ بوده وبه ۱۲ طبقه تقسیم شده است. درداخل کشتی ۲٤ جرثقیل برای حمل ونقل مسافرین کار میکند. سرعت این کشتی بسیارزیاد بوده وبزرگترین وسریعترین بحرپیمایها محسوب میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

استعانت طیاره از موتر ها در اثنای رفتار :

درصورتیکه موادلازمه واشیای ضروری پیلوتها روبخلاصی بخذارد وبه‌تکلیف باشند اینك بذریعهٔ طیاره را نان « اوهیو » اقدام جدید وحیرت آوری برروی کار آمده ورایکارد مهم

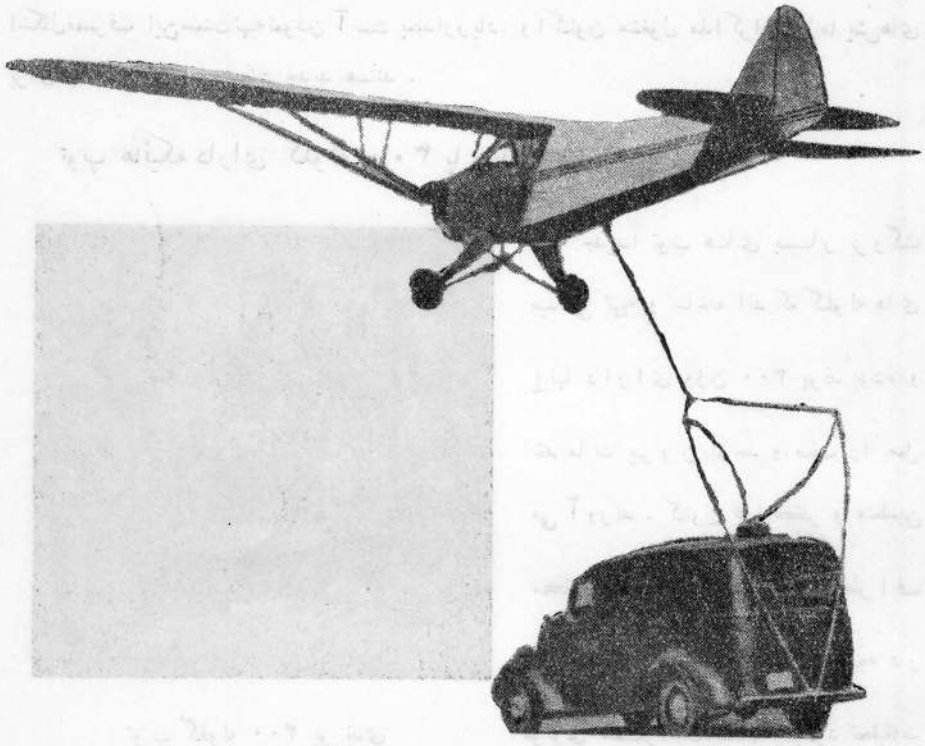

طیارهٔ که ازموتر استعانت میکند

بین المللی قائم گردیده است اصول‌عمل آن چنین است : طیاره ران ها طیارات خود را خیلی فرود آورده بروی سرك بفاصلهٔ کمی برفراز موتری که درحال سرعت است پایان مینمایند . سپس یك سیخ چنگك دار را ازطیاره پایان کرده وبذریعهٔ آن ازموتربیپ های‌تیل ، بکسهای خوراك وغیره ضرو ریات خودرا بدست می آورند .

اختراع سمنت جدید :

مهمترین اشکالاتیکه برای موتر رانی درانگلستان پیش می‌آید همانامهٔ تیره و زیاد است درانگلستان دراغلب فصل‌ها یکمرتبه مهٔ غلیظی خیابانها را گرفته وبکلی عبور و مرور را مشکل

(c) ketabton.com: The Digital Library

میکند وحتی چراغهای مخصوص مه ونور زیاد هم در این موقع دیگر سودمند واقع نمی شوند ولی اخیراً مستر «پترهاله» انگلیس موفق شده است سمنت جدیدی اختراع کند که هرقدر مهٔ تیره ترگردد آن سمنت رو شن ترودرخشان ترشود ویك سرك راهم ازان گرفته است ولی اشکال مصرف این سمنت تهیه نمودن آنست بمقدارزیاد. واکنون مشغول مذاکرات وآزمایش های برای بکار بردن این سمنت جدید هستند .

توپ هائیکه دارای گلولهٔ ۳۰۰ پاوندی می باشند :

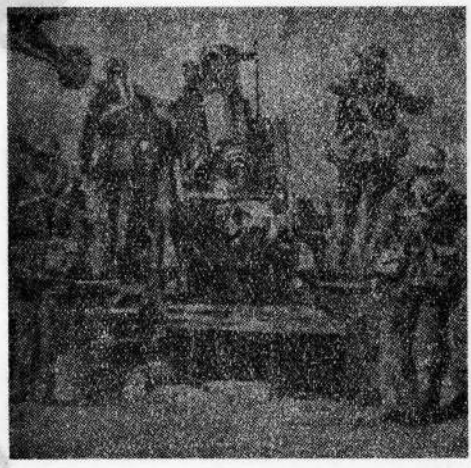

توپ گلوله ۳۰۰ پوندی

جدیداً توپ های بسیار بزرگ میدانی تهیه و ساخته اند که گلوله های انها دارای وزن ۳۰۰ پوند بوده و خدمات بیرون ازحد وصف را بعمل می آورند . کنون عساکر و متعلمین مکتب حربیهٔ انگلستان در اطراف اجراآت وکار های آن چنانچه در فوتوی سمت راست مشاهده میشود تحقیقات نموده اصول عملیات توپ موصوف را محل تحقیق قرار داده اند :

کوچکترین دستگاه عکاسی برای عکس برداری :

علمای علم طبابت سالها بفکر بدست آوردن وسائلی برای مشاهده معدهٔ انسان واعمال آن بودند تا آنکه در سال ۱۸۸۱ علمای آلمانی موفق به اختراع لولهٔ فلزی گردیدندکه در داخل آن آئینه ها وعدسی هائی قرار داده ازراه دهن و مری وارد معدهٔ بیمار می کردند وبدین ترتیب تا اندازهٔ موفق بمشاهدهٔ داخل معدهٔ آنهامیگردیدند ولی این وسیله کامل نبوده وبرای بیماران هم فروبردن آلهٔ مذکورخالی ازمشکلات زیاد نبود :

(c) ketabton.com: The Digital Library

اگر چه بعد از آن تاریخ در خصوص اختراع مذکور تحقیقات زیاد نموده آنرا تکمیل کردند ولی اخیراً آلمانها موفقیت زیاد تری درین قسمت حاصل کرده ودستگاه مذکور راخیلی کامل نموده اند بدین ترتیب که دورین عکاسی خیلی کوچکی را که اخیراً موفق باختراع آن شده اند درسر یك لولهٔ نازك بطول ۶۰ سانتی و قطر هفت تا یازده ملیمتری ، قرار داده واز راه دهن داخل معدهٔ بیمار میکنند . ودرحالیکه بدین وسیله داخل معدهٔ بیمار را خوب مشاهده میکنند عکس هائی هم از آن برمیدارند .

این عکس ها مخصوصاً در شناسائی و تشخیص سرطان های معده وی کمك زیادی را میکنند .

وسیلهٔ جدید برای انطفای آتش :

اخیراً در شرکت رنگ سازی «ای.ك» مادهٔ جدیدی ساخته اند که آتش راخاموش کرده وبرای خاموش نمودن حریق مؤسسات صنعتی وزراعتی بکار میرود . این ماده در آب حل می شود وخاصیت آتش نشانی آب را زیاد میکند بطوریکه باآب کمی می توان آتش زیاد یك منطقه را خاموش کرد . وازین جهت از زیادت خسارهٔ آنجا جلوگیری می شود . این ماده که بنام «اکسپر یول» معروف شده از وبوجود آمدن دوبارهٔ آتش هم جلوگیری میکند وازین جهت مورد استعمال زیاد در خاموش کردن آتش وانطفای آن پیدا خواهد کرد . -

مادهٔ که آتش در آن سرایت نمیکند :

هیئت که در انگلستان مأمور دفاع ومبارزه باحملات هوائی هستند اخیراً متوجه شده اند ازمادهٔ «اسلیستوس» که آتش درآن تأثیر نمیکند برای جلوگیری ازنتائج گلوله های آتش فشان که باعث حریق می شود استفاده کنند .

اکنون ازین مادهٔ سومند کلاهی درست میکنند که درموقع مشتعل شدن گلوله فوراً کلاه را روی آن گذاشته وباین ترتیب از سرایت آتش باطراف جلوگیری میکند .

این کلاه یك دستهٔ چوبی هم دارد که متصدی این کار آنرا بدست گرفته وبه خاموش کردن آتش میپردازد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

آلهٔ جدید جهت خاموش کردن آتش :



آلهٔ جدید خاموش کردن آتش

در ین تازه گی ها آلهٔ جدید دستی که در بین آن مادهٔ آتش خاموش کن گذارده شده است اختراع شده ودرهنگام ظهور آتش درکدام موضعی یك حصهٔ آن را «پنکچر» نموده وبعد بقوهٔ فشار که ذریعهٔ پمپ از سر دیگر آن بعمل می آید آتش را خاموش میگرداند .

از ین آله فوائد زیادی بدست آورده اند . مزیت دیگر آن اینست که چندان سنگینی و بزرگی نداشته بدون تکلیف انسان ازآن استفاده کرده می تواند

گوش جدید مصنوعی :

یکی از دانشمندان بلژیکی اخیراً برای اشخاصیکه ثقل سامعه داشته گوش شان خوب نمی‌شنود یکنوع گوش از «پارافین» ساخته است که بهتربتواند صدارا گرفته وبشنود، درنتیجه عمل این اختراع اوخیلی مفید واقع شده است . -

کوچك ترین ماشین برق :

تاکنون دردنیا هرماشینیکه درست می‌شد کوچك آنرانیز فوراً درست نموده برای نمونه بمعرض نمایش میگذاردند . -

اما اخیراً یکی از صنعتگران ومهندسین معروف سویس ماشین برقی درست کرده که انسان ازدیدن آن به تعجب افتاده بی‌اختیار به‌مخترع وسازندهٔ آن تبریك میگوید .

این‌ماشین بکوچکی یك‌جوز بسیار خوردبوده وسنگینی آن یکصد ونود هزارم گرام بوده وقوهٔ تحریکش یك‌پنج هزارم «وات» می‌باشد وباپیل کوچکی شروع به‌کارمینماید : این‌ماشین کوچك از ٤٨ پارچه ساخته شده است .

حال باید دید که‌این ٤٨ پارچه بایدهرکدام چقدربوده وچطور شخص سازندهٔ آن‌پارچه های متعددرا نصب کرده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوچك ترین دستگاه تلگراف :

جدیداً ماشین بسیار کوچك تلگرافی اختراع نموده‌اند که‌می‌توانند آنرا برروی کف دست

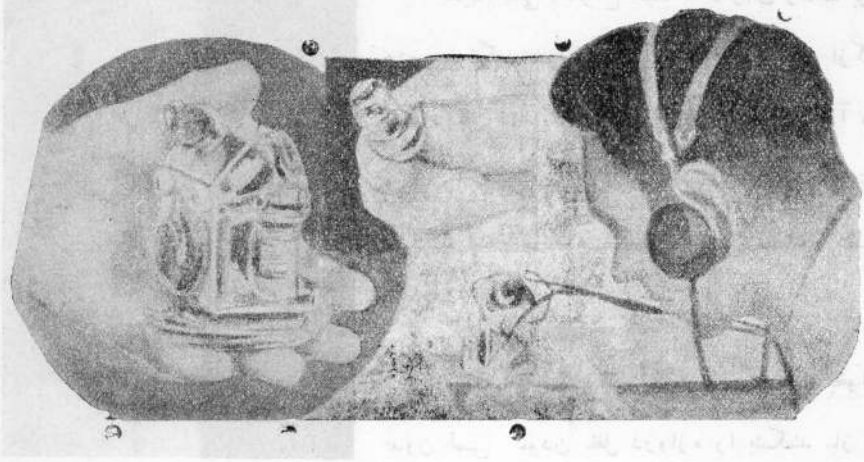

کوچکترین دستگاه تلگراف

خود گذارده وازآن کار بگیرند . این ماشین جدید دارای «پیتری» ها بوده وگوشك آن خیلی بخوبی کارمیکند ازحیث کاراین ماشین باماشین های‌خیلی بزرگ چندان اختلاف فاحش ندارد .

صندوق آهنی جدید :

باوجودیکه بانکهای بزرگ دنیابرای محافظت پولها ونوتهای قیمتی خودبوسایل زیادی متشبث شده اند وصندوق های آهنی بزرگ و محکم باهمه وسایل خبرده ازقبیل زنگ وغیره ساخته‌اند بازهم دزدان این‌صندوقهارا باز کرده وپول محتوی آنهارا دزدیده اندکه تاحال کسی موفق بدست گیری آنها نشده ولی جدیداً اختراع تازهٔ کرده اند که‌تا باندازهٔ بآنها اطمینان داده است . صندوق آهنی جدیدی اختراع شده است که درزیر دراول آن آلهٔ شیشه ئی که محتوی مایع‌خطرناك‌است قراردارد وبمحض اینکه درب صندوق بازشود مایع‌مذکور بخار شده ودرروی اعصاب چشم وسایر نقاط بدن دزدتاثیر زیادوطولانی میکند بطوریکه ازکار بازمانده ومأمورین می توانند بسهولت او را دستگیر نمایند ولی‌درموقع بازکردن صندوق اگر صندوقدار یك‌رمزمخصوصی راکه فقط خودش میداند بکاربرد شیشهٔ مذبور بازنمی‌شود . -

(c) ketabton.com: The Digital Library

قفل جدید زنگ دار :

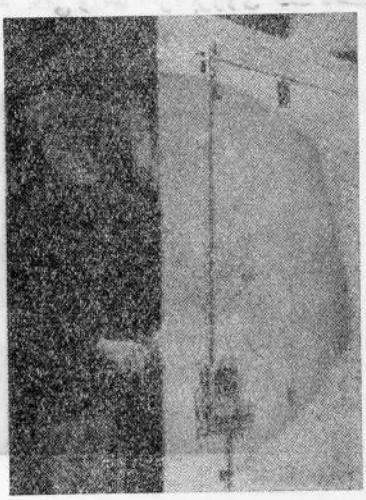

جدیداً قفلی اختراع شده که دارای زنگ بوده ودر صورتیکه شخص بخواهد کلید دیگری غیر ازکلید اصلی درقفل داخل نماید فوراً قفل موصوف بصدا آ مده و همه را باخبر میگرداند . در عقب قفل زنگی تعبیه گردیده است که به کمترین لمس صدای عظیمی میکشد .

مزیت دیگر این قفل آنست که اگر دزد بخواهد بدون لمس نمودن بقفل دروازه را بشکند باز هم

قفل جدید زنگ دار

زنگ آن به فریاد آمده و ازوقوع خطر و دزد همه ساکنین منزل را باخبر میگرداند اختراع این قفل جهت تخفیف سرقت‌ها خدمت مهمی نموده و مخصوصاً برای مؤسسه های تجارتی بسیار ضروری دانسته می شود .

میزان الحرارتی که هوای فردارا معلوم میکند :

پروفیسور « چارلس ایم . هیك » که در دارالفنون « کار ویلنا » مشغول خدمت است جدیداً میزان الحرارتی اختراع کرده که وضعیت آب وهوای فردا را معلوم کرده می‌تواند . پروفسور مذکور میگوید حرارتیکه ازسطح زمین بیرون میشود بذریعهٔ رطوبت درهوا جذب شده وبار دیگر تشعشع می نماید .این آلهٔ جدید که‌دارای میزان الحرارت بوده ودرین نورا فگن های الومینم گذارده شده است در معرض هوا گذارده شده وبذریعهٔ آن مقدار حرارت تشعشعی راکه‌بار دیگر بطرف زمین انعکاس مینماید اندازه میکنند .باین واسطه میتوانند که بصورت صحیح بعداز غروب آفتاب حد اکثر واقل حرارت روز آینده رامعلوم کنند .

آلهٔ جدید برای عملهٔ تحت البحر یها :

درپای تخت ایطالیا جدیداً یك اختراعی شده که‌انظار تمام دنیا را بطرف خود معطوف نموده است .وآن عبارت ازیك آله جدیدی برای نجات ومحافظه عمله تحت البحریها می باشد

(c) ketabton.com: The Digital Library

آله مذکور تاحال توانسته است که بصورت تجربه تابه‌عمق ۷۰ متردر بحر فرو برود. این اختراع بمقام خود اهمیت حربی بسزائی‌دارد.

اختراع جدید.

اخیراً یکی‌از اهالی مملکت یوگو سلاویه اطلاع داده است که موفق به کشف اختراعی جهت خارج نمودن تحت البحر یهای غرق شده گردیده‌است.

این‌اختراع به‌ثبوت نیزرسیده است ووزارت بحری انگلیس مستر « دوران کوسمانویچ » صاحب اختراع را بلندن دعوت کرده که اختراع خودرا بمعرض عمل در آورد.

دا نشمند یوگو سلاوی موصوف معتقد است که بتوسط اختراع خود می تواند تحت البحری. سبکوا لوس. راکه اخیراً غرق شده است از آب خارج کند همچنین تحت البحر یهائی راکه درجا های عمیق غرق شده است می توان ازآب خارج نمود. این اختراع او در بحر آدریاتیك. تجارب خودرا انجام داده است.

مین‌ها یانقب های مقناطیسی:

همه از مطالعهٔ روز نامه‌ها از اجرا آت مین های آلمانی در ابحار درین جنگ این سال باخبر اند حاجت به‌تذکار مانیست مین‌ها یانقب های مقنا طیسی که جدیداً آلمانها آنهارا برای ممانعت از قوای بحری انگلستان وحمل ونقل آذوقه در آب‌ها انداخته اند، بر میگنت. برقی مخصوص وصل بوده قوهٔ جذب وانجذاب را دارا می باشد و یکی از اختراعات حربی جدید المانها می باشد. وقتیکه به‌نقطهٔ افتاد هرچه اسباب فلزی در آن حوالی واطراف باشد بی‌اختیار بسوی آن جذب ویا اگر وزنش زیاد تربود خود نقب بسوی آن بشدت جذب میگردد. اگراین نقب‌ها توسط طیاره در حوالی بنادر وسواحل انداخته شود جها زاتیکه از نزدیك آن عبورمیکنند نقب‌بسوی آنهابشدت خیلی‌زیاد جذب شده دراثرتصادم نقب ازهم‌میکفد وجهازراغرق‌می‌سازد.

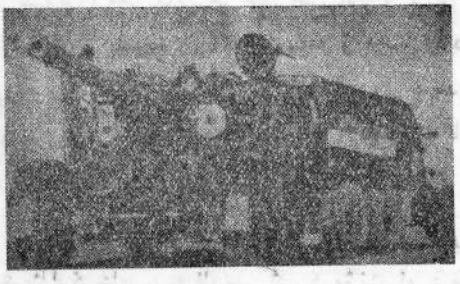

توپ جدیدضد فضائی

توپ های جدید ضد فضائی:

برای مدافعهٔ شهر لندن از حملات هوائی جدیداً توپ های بسیار مهم و فوق‌العاده ۳،۷ انچی ساخته شده اند این توپ‌ها تا بحال نظیر و مانندی نداشته دواز ده قطار را می تواند که به یك دقیقه فیرنماید توپ های موصوف تابه ارتفاع (۳۰۰۰۰) فت راهم می تواندکه هدف خودقرار داده وحملاتش را مانع‌گردد امروز انجنیرها می خواهندکه تعداد توپ‌های مذکور را زیاده‌گردانیده وباستفادهٔ عموم برسانند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پشتو ادبیات



پدی کښ هیڅ شك نشته چه پښتو په پوره اندازه سره یوه وسیعه او فراخه ژبه ده اوادب له حیثه متموله ژبه شمیر لی کیږی. د پښتو طبعی وسعت او د ادبی نکاتو قابلیت هم دادی چه ډیره زمانه یی دنورو ژبو دحاکمیت لاندی خپل لحان ټینګ اوکلك رساتلو اوهغه خپل وجود اوخپله هستی یی په هیڅ شان له لاسه ور نکړه. اگر که پښتو د ډیرو سختو انقلاباتو سره مخامخ شوی ده اوهمیشه یی دزمانې سیلابونه لیدلی دی مگر بیاییهم خپل موجودیت نه دی بائیللی اوپه پوره صورت سره ئی خپل طبعی مزیت او فطرتی حسن دلوړو لوړو غرونوپه غیږ کښ ساتلی دی پښتودغرونوژبه ده اوپه غرونوکښ ساتلی شوېده نوځکه پنظر سخته اوزیږه معلومیږی ؛ مگر داسخت والی اوزیږ والی یی دبقاباعث دی. ولی چه دزمانې سیلاب ته ځوپوری چه لکه لیکونکی ددی مقالی آقای صدیق الله « رشتین »

د غره ډیره ونه لږولی شی نو په بل صورت سره نه گرځی پښتوسره ددې چه ډیره مده دنورو ژبو د سیاسی اواقتداری اثر لاندې راغلی وه ، او د یوضعیف او کمزوری عنصر په حیث یی عمر تیرولو ؛ مگر بیاییهم خپل لحان اداره کړی دی ، او خپل اهمیت او اقتدار یی نه دی ورك کړی . پښتوهغه فراخه اووسیعه ژبه ده چه د مشرق په ژبوکښ ورسره بله ژبه همسری نشی کولی . د مشرق ډیرې ژبی د عربی د مذهبی او سیاسی اثرلاندې راغلې دی ، مگر پښتو هغومره خپل موجودیت نه دی بائیللی . په فارسی کښ د عربی لویه حصه رانغوتې ده مگر په پښتو کښ دومره اندازه نلری .

دپښتو په ټولوجز ئیاتو باندې بحث کول ډیروخت غواړی ، مگرزه دلته د پښتو دوسعت یوځومثالونه ښایم . په فارسی کښ د مؤنث او د مذکر فرق هیڅ نشته دی ، او په پښتو کښ د مذکراومؤنث فرق باقاعده د عربی پشانته کیږی ، دارنګ د فارسی په جملوکښ د ذیروح اود غیر ذیروح هیڅ فرق نکیږی ، او په پښتو کښ دافرق ډیر واضح اوښکاره دی . لکه « احمد زاوله . ډوډی راوړه . » حال دادی چه په فارسی کښ ددې دواړو جملو دپاره

(c) ketabton.com: The Digital Library

يو لفظ مستعملیږی ، لکه « احمد رابیار ، ونان را بیار . » د لغت له حیثه هم د پښتو وسعت څه کم نه دی ، لکه چه په فارسی کښ د شقیقی د پاره لغت نشته دی ، او په پښتو کښ ورته « لویګنده » او «قوتی» او ټیك وائی . دارنګ د « بنصري» ګوتی د پاره په فارسی کښ مروج لغت نشته دی ، حال دادی چه په پښتوکښ «سرمه ، کرمه ، خمچه ، دري نمونه لری یا مثلاً په پارسی کښ «تندی» یونوم لری ؛ چه پشانی ورته وائی او په پښتو کښ دری نمونه « تندی ، وچولی ، ټنډه . » ورته وئیلی شی . یا لکه ډوډی ته په فارسی کښ یو « نان » وائی او د جوارو او د ار بشو او د غنمو د ډوډی فرق په « نان ګندم ، او نان جو ، او نان جواری » سره کیږی ؛ حال دادی چه په پښتوکښ داهر یو ځانله ځانله نوم لری . بلکه لا څوڅو نومونه لری ، یوالحی د غنمو ډوډی ته « ټکله ، غلمینه ، ډوډی ، » وائی . او د جوارو هغې ته «سکړك ، سړسك ، پیاسه ، جواری » وائی . او د و ر بشو هغی ته «روټه و ر بشینه » وائی ! پدې ډول ډیر مثالونه موجود دی چه د هغی ټولواوږل دله سخت او مشکل دی . د شعر اودادب له حیثه هم پښتو ډیر وسعت لری ، د شعراوادب په وسعت کښ پښتو د عربی نه هم زیاته ده ، د عربی شعر یوڅه مخصوص انواع او مخصوص اوزان لری ؛ چه د عربی ټول اشعار د هغه څومخصوصواوزانوڅخه بهرنه دی ؛ مګر د پښتو اوزان اوانواع په احاطه کښ نه رائی . د پښتو یو قسم شعر چه هغی ته لنډی وائی ؛ په یو ه ژبه کښ هم نشی موندی ، اونه پداسی وزن اوداسی بحر په بله ژبه کښ شعر شته دی . حال دادی چه دا د پښتو د اشعارو یوه مهمه او بهتره نوعه ده . پدی ډول د پښتو چار بیتی هم پدی وزن او بحر په بله ژبه کښ نشته دی ، اونه په بله ژبه کښ چار بیتی دومره متعدد اقسام او اوزان لری ؛ لکه چه په پښتو کښ دی د پښتو په چار بیتو کښ یو عالم شعر او ادب پروت د ی . داخو د پښتو هغه خصوصی اوملی اشعار دی ، او په نورو انواعو اواقسامو کښ هم د عربی او فارسی نه و ر سته نه ده پاتې . هر وزن او هره نوعه پکښ پیدا کیږی ، امید دی چه په راتلونکی بحث کښ به داخبری اثبات ته ورسیږی . مګر خبره د اوه چه دو مره ز مانه په خاورو کښ پرته وه او چا په بل مخ هم نه اړوله . اوس د ډیر شکر ځای دی چه څمو نږ مهربان او د پښتنو غمخو ر حکو مت دا پیښ قیمته مر غلر ه له خاورو را اوچته کړه ، اووئی غوښتل چه دا ګرانبها متاع دنیاته ښکاره او دا عزیز لعل په جهان کښ و ځلیږی . او پښتانه هم د حکومت په توجه سره راویښ شول ، او هغه د خپلو پلرو اونیکونو امانت او دو ترئی میدان ته راوښکلو ، اوددې آرزو دعملی کولو د پاره شپه اوورځ مصروف دی ، اوغواړی چه د حکومت د آرزو سره سم د خپلی ملی او مورنی ژبی قلمی اوا دبی خدمت وکړی . او داژبه چه ډیره زمانه بی تربیته پاتی وه ؛ په ښه صورت سره وروزی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو اگر که قدرمنه ژبه وه مگردومره زمانه ئی قدردان نه‌وپیدا شوی ، اونه ئی پښتانه په قدر پوی شوی‌و ، اوس‌چه ئی دظاهرشاه غوندې قدردان پیداشوی دی اودپښتو دخدمت دپاره ئی کلکه ملا ټرلې ده ، نوددوی دارادې سره سم پښتنو هم دخپلې مورنۍ ژبې قدر وپیژندلو ، او دخپلی ژبی دخدمت دپاره په ټینګ اوکلك عزم‌سره ودریدل. نن‌دهر یوپښتون داملی اووجدانی وظیفه ده چه دخپلې ژبې دپاره هرقسم خدمت ته تیار اوتکړه‌شی، که‌دپیسو له لارې دژبې خدمت کولی شی ؛ نوباید چه پدې لارکښ څه سستی اوغفلت ونکړی ، او که دقلم له لارې څه خدمت کولی شی ؛ نوباید چه داقلمی خدمت‌دعمل میدان‌ته را اوباسی ، هرپوپښتون چه پدې لاره کښ قدم وانخلی ، نوخامخا به خپل وجدان اوملیت ته مسئول وی . نوځکه ځه‌هم غواړم چه دقلم دلارې دپښتو دپاره یوناچیزه خدمت وکړم او پدې لارکښ داخپل مات اوبسی سرمائی قلم وچلوم ، که څه هم ځمادومره طاقت نلرم چه لدې عهدې نه به‌په پوره طور سره ووځم . مگرهرسړی په‌خپل طاقت باندې پړدی ، ځمابه هم دومره طاقت‌وی. شاید دزیات طاقت والا پښتانه نورهم پیداشی چه‌پدې میدان‌کښ راگډشی اوداوجدانی اوملی‌وظیفه ترسره کړی . په کمه موضوع کښ چه زه اوس قلم پورته کوم ، اگرکه ددې مو ضوع اول فخر ځما پنوم تمام نه‌دی ؛ بلکه ددې موضوع‌فخر دپښتوټولنی دژبی دشعبی دفاضل مدیرصاحب امین‌الله خان زمریالی په نوم تامیزې ولی چه دوی دپښتو په نوی نهضت‌کښ ډیر خدمتونه کړی‌دی، اودا موضوع ئی هم دشپارسم کال په سالنامه کښ دیوې اوږدې مقالی په ضمن‌کښ لیکلې ده مگر سره دهغې هم هرکله چه ددوی دمقالې زور دپښتو په قدامت اودپښتو په فیلو لوژی حصه ډیرو ، اودا موضوع ئی پکښ ضمناً بیان کړې وه ، اوبرخیره پدې دخپلې مقالې په‌آخر کښ ئی دنورو پښتنو نه هم خواهش کړی‌و چه دپښتو دادیاتو موضوع پوره اوکامله کړی . نوځکه مایدې موضوع‌کښ اقدام وکړو ! ځما مقصد پدې مقاله کښ صرف دادی چه زه دپښتو اشعار اوادبیات دجلاجلا قسمونو او دیلو بیلو انواعو په لحاظ مختر مو لوستو نکو ته وښایم ، اودپښتو داشعارو دهرې نوعې اسما سره دیوې نمونې بیان کړم . ولی چه‌دلوستونکو دنظرنه پدې وخت‌کښ دپښتو قسم قسم اوپه بیل بیل ډول اووزن شعرونه تیریږی ؛ نوخامخا داضرورت پیښیږی چه دپښتو داشعارو په انواعو اواقسامو اونومو نو بحث وکړی شی ښائی چه لدې نه ورسته لوستونکی دپښتو داشعارو په صحیح مزیت اوخوند باندې پوی شی !

❀ ❀ ❀

دامقاله په‌څلورو عنوانونو باندې تقسیمیږی . ۱ ـ : دشعرمفهوم اومعنی ، ۲ ـ : په اشعارو کښ عامیانه اصطلاح ، ۳ ـ : خاصه اصطلاح ، ٤ ـ ورستنۍ خبری .

(c) ketabton.com: The Digital Library

دشعر مفهوم اومعنی :

دشعر په تعریف کښې یوه قدیمه اصطلاح ده اویوه جدیده ، چه دلته دواړوته اشاره کیږی قدیمه اصطلاح : په قدیمه اصطلاح کښې شعرڅه ته وائی ؟ او دشعر مفهوم څه شی دی ؟ شعرهغه قافیه دار او موزون کلام ته ویئلی شی چه دمعنی لرونکی وی او دوزن قصد ئی هم شوی وی . ددې تعریف نه معلومیږی چه کم یوقافیه لرونکی موزون کلام چه معنی نلری ؛ هغه ته شعر نشی ویئلی . ددې ډول بی معنی موزون کلام مثال څرنګ چه په عربی کښې پیدا کیږی ؛ دارنګ په پښتو کښې هم پیدا کیږی لکه

« پته کوټه ده پکښې غوټه ده لکه ترټه ده ښه په وټه ده » « اکوبکوسین سینده کو غوامی لاړه په ترپکو » اړنګ دوړنګ سیپاری ټنګ، وچنابچنا شوری شړنګ . »اوکم کلام چه موزون اومعنی داروی مګر قافیه نلری ؛ هغه ته هم شعرنشی ویئلی . لکه « ای کږه وږه پیغله نجل دې لاندې کړه، ای خشتې پشتې ته چالبدلې وې » دایو موزون کلام دی چه واړه هلکان ئی وائی او دروښ او دقپسی سوال او جواب دی . او معنی هم لری مګر شعرور ته نشی ویئلی ځکه چه قافیه نه لری . بل هغه کلام چه بامعنی اوقافیه داروی ، مګر مقصود بالوزن نه وی ؛ هغه ته هم شعر نشی وئیلی یعنی داسی کلام چه موزون هم وی اوقافیه اومعنی هم لری مګر داوی چه دوزن قصد ئی نه وی شوی بلکه اتفاقی په وزن برابر راغلی وی ، نو په هغه باندې هم دشعر اطلاق نشی کیدی. لکه« ای هندوکند وراشه مسمان شه ، ځمونږپدین راون شه جنت له به دې بوځم لکه چرګه په چقړو ، ځان مه سیزه په دړو » دایوه موزو نه ټوټه همیشه واړه هلکان چه په کوڅو کښې ګرځی او لوبی کوی ، وائی ، او دوزن او دقافی هیڅ اراده په زړه کښې نه لری ، ځکه چه دوی دشعر په مفهوم نه پوهیږی ، نو قصد اواراده به ئی له کمه شی .عرب هم دشعر دغسی تعریف کوی اوپدی لحاظ قرآن شریف ته شعر نشی وئلی ، که څه هم قرآن شریف ټول موزون اوپه اکثرو ځایونو کښې قافیه داردی مګر دومره خبره ده چه دوزن اوقافیې قصد پکښې ندی شوی اونه مونږ قرآن شریف ته مقصود بالوزن ویلی شو . دعربو شاعرانو ړومبی نظریه دوزن اوقافیی پورې حصره وه اودوزن اودقافیی مراعات به قصداً کیدی شو هم دا وجه وه چه دعلم عروض اوقافیې اساس کیښودی شو اوعربو به خپل اشعار دعلم عروض په محدود و بحر و نو اندازه کول او دشعر صحت او فساد به ئی په دې وسیله سره معلومولو که کم یو شعر به دپنځلسو بحرونو نه په یو بحر هم برابر نه ؤ هغه ته به ئی شعر نه وئیلو لدینه معلومه شوه چه په قدیمه اصطلاح کښې دشعر په تعریف کښې دوزن قصد اواراده داخله ده که بی قصده اوبی ارادې څه ووئیلی شی ؛ هغه ته به شعر نشی وئلی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

جدیده اصطلاح :

څرنګ چه‌دنیا همیشه خپل زوړ رنګ بدلوی اوپه‌شور اوزور سره پکښ دهرشی انقلاب جاری‌دی پخوابه‌په هرځانګښ طبعی اشیاروی کاروو اوداس ، ټټو ، قچر، نه‌به‌خلقو دحمل‌ونقل کار اخسته مګر اوس دهغې اهمیت په‌یوه پیسه شوی دی . اوس دموټرو ، جهازونو ، ریلونو ، دوردی ، طبعی اشیا اوطبعی اسباب ټول‌له کاره وغورځیدل فقط اوس مصنوعی اوترکیبی اسباب دعالم دنظام دپاره استعمالیږی گویادنیا دیوطبعی اوذاتی‌عالم نه یوترکیبی اومصنوعی عالم‌ته را کوزیږی . پدې‌دول دپرتطورات اوتغیرات دځمکی په‌مخکښ جاری‌دی اوورځ ته‌ورځه دنیانوی رنګ قبلوی محترم لوستونکی پدې عوارضاتو مسبوق دی اوپه خپلو سترګودا انقلابات مشاهده کوی ؛ نوشاید چه‌په مطلب به نه‌پوی شی .

دارنګ دکایناتو دانقلاب‌سره دادب انقلاب هم‌سم په‌سم‌شروع‌دی اوپه‌یوه‌جغ‌کښ ورسره اوزه‌په‌اوزه‌سم روان دی . پخوادشعر مفهوم هم‌دغه‌شی‌ؤ چه څخکښ بیان‌شه اولدینه زیات څه‌نور تحول‌پکښ نه‌ؤ ، پخوانی شعر دمعنی په‌لحاظ دپرمحدودؤ ، اوفقط دعشق‌اومحبت اودعاشق اومعشوق اودزلفو اوخټرو په‌خواؤشا کښ‌به‌ګرځیده ، اوټول قصائید به‌لدې‌موضوع نه‌خالی‌نه‌وو ، البته په‌هغه وخت‌کښ به‌دغسې اشعارو یوعلیحده شوق اولذت اوپه‌زړونوکښ یوځانله اثرلرلو ، چه‌هغه‌اثر به اوس‌دهوا اودفضا داختلاف په‌سبب‌له‌مینځه ورک‌شوی‌وی مګرپه اوسنۍ اصطلاح‌کښ شعرهغسی یومحدود شی‌نه‌دی اونه‌شعر دیوخوعشقیانه غزلوڅخه عبارت دی. دشعر دائره اوس‌دپره فراخه شویده ، اوشعر اوس‌یوداسی‌عام مفهوم ګرځیدلی‌دی ، چه‌حکمت‌اوفلسفه‌ئی‌هم په‌مفهوم‌کښ‌راتلی‌شی اوسنۍ شعرهغه‌خیالی اومحض‌اختراعی شیونه نه‌دی ؛ چه‌دحقیقت اوواقعیت نه‌په‌فرسخونو لری‌وی اومحض یوه دخیال دنیاوی چه‌شاعر پکښ پرواز کوی .

په اوسنی شعرکښ‌دحقیقت اوواقعیت رنګ غالب‌دی ، اونن ورځ شعرهغه‌دی، چه دحکمت اودفلسفې هومره کارورکړی‌اویوداسی حکیمانه اوواقعی کلام‌وی ، چه‌هغه په‌زړونوکښ پیداره احساسات اوژوندی‌خیالات پیداکړی اوهغه‌دجامعې دهرفرد دپاره دټولو امورو رهبر ، اودژوند اودحیات دستورالعمل وګرځی . په‌موجوده اصطلاح‌کښ شعردزافو اودکاکل‌پورې محدودنه‌دی بلکه شعر دحقیقی معانیو اوواقعی مفهوم څخه عبارت دی ؛ چه‌د یوسوزناکو الفاظو په قالب کښ راوړلی‌شی. داکتراقبال‌وائی « حق‌اګرسوزی‌نداردحکمت‌است. شعرمیګردد چو سوزازدل‌گرفت »

شعرهغه‌دی چه‌په جامعه اوتوده کښ نوی هیجان پیدا کړی ، دارادې قوت ، داقدام روح کلک اوټینګ عزم ، بیداری او ناریتوب ، بالاخره عام خلق هرقسم فدا کاری او جانفشانی‌ته تیار اوتکړه کړی اودملت اودقوم دترقیاتو اوړوانده والی‌دپاره یوه مکمله نقشه‌وی اودمحیط

(c) ketabton.com: The Digital Library

داصلاح دپاره يوزبردست مصلح اومبلغ وی ، غرض داچه په تو او معنوسره يوعام اوشامل مفهوم وی ، اوهيڅ قسم محدوديت پکښ نه وی ، نوپدې لحاظ سره هغه نثريا منثور شعرته ، چه دغه مزايا ولری ، هم شعر وئيلی شی .

عاميانه اصطلاح :

ددې عنوان لاندې هغه ډول اشعار اوهغه انواع ذکر کيږی ؛ چه دغه دملی اشعارو نمونه وی، اوپه هغې باندې ديو طبيعی اوملی شعر اطلاق کيدی شی .دااشعار دپښتنو دملی اوپخو انو ادبياتو نمونه ده،مصنوعی ادبيات چه دنوروژبونه پښتو ته راګډشوی دی؛ هغه به « خاصې اصطلاح » دعنوان لاندې راوړلی شی. اوداډول اشعار اکثره دناخوانه شاعرانو په مينځ کښ جاری دی.

۱ـ: لنډی ، ټپه،مصره ، ټکی ، بدله .

دپښتو په اشعاروکښ لنډی يوخاص وزن او يو عليحده طريقه لری ؛ چه تقريباً په يوه ژبه کښ به هم پدې خاص طور شعر نه وی . دلنډی اوله مصره نهه سيلابه ، اودويمه مصره ئی دريالس سيلابه وی ، اوپه آخر کښ ئی خامخا يا ميم اوهی، اويانون اوهی دآواز داوزدوالی دپاره رامخی. دلنډيونه حقيقتاً دپښتو مزيت معلوميږی ،ولی چه کم شعر چه دعليحده عليحده وزنونو اوجداجدا تقطيع لرونکی وی ؛ نوداطبيعی ده چه دهغه په آهنګ اونغمه سرائی کښ به يولوی فرق وی، اودهر محل سره موافق به په ټيل ټيل وزن دحنجر ی نه آواز راوځی ، کله به آواز ټيټ شی اوکله به اوچت ، کله به يورا ګ وی کله ټل غرض داچه دحنجری اختلاف دموسيقي اوموزيک مهم عامل دی اودآواز ټيټوالی او جګوالی . نری والی اوغټ والی په موسيقی کښ لويه موقع اشغال کوی ، نودغسی شعر چه په ټيل ټيل آهنګ سره وئيلی شی ،اودحنجرې اختلاف ،دآواز ټيټوالی اوجګ والی پکښ شکاره معلوم وی ؛ هغه دلنډيونه پغير ټل نشته .اوداميزه دلنډيونه پغير ټل يوشعر نه لری .

پښتانه هلکان يا پښتنی پينځې ياشپانه چه په لويو لويو غرونوکښ ګرځی اوديوه کمر نه ټل کمر ته خيژی، اودغه ملی لنډی په خوږوخوږو آوازو نواوپه هغه طبيعی شوق اوذوق سره چه دپښتنو په خپه کښ پروت دی ؛ وائی ؛ نوهغه وخت اوريدونکی ته معلوميږی چه دانوع دشعر خومره مزيت لری اوپه عالم دشعر کښ ئی خومره قدردی . دانمونه پښتانه په مختلفو نومونو سره يادوی اوپه هر محيط کښ په بيلوبيلو نو مو نو استعما ليږی البته چه په هرمحيط کښ به ئی ديل ټيل جهت لحاظ شوی وی ،او هريوواضع به ديوخاص صفت په لحاظ تسميه ايښی وی ،نولدغه کبله ئی به نو مونو کښ اختلاف معلو ميږی. اګر چه مصداق اومسمی ئی په هره اصطلاح کښ يوشی دی مګر اختلاف ئی په نومونوکښ موجود دی.لکه چه دقندهار اودجنوب پښتانه ورته لنډی، وائی دااصطلاح دکثرت په ډول پدوی کښ موجوده ده اودهرطرف باسواده خلق ئی پيژنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دلنډۍ اوله مصره ددویمی مصرې نه لنډه وی نوځکه ورته لنډۍ وائی ، اودایوه ظاهره او ښکاره تسمیه ده . دیو سف زواوپېښور اوځینی نور پښتانه ورته مصره ،اوټپه وائی دا اصطلاح پدوی کښ مروجه ده مگر باسواده اوتعلیم یافته خلق دهرځای ورباندې پوهیږی . مصره ورته ځکه وائی چه مصره دیو مکمل او پوره بیت نیمی ته وئیلی شی او دپښتو لنډی هم لکه دیوې مصرې پشان دی ، ځکه چه لنډی دیو مکمل بیت قانون نه لری چه دواړه مصرې ئې برابرې وی، بلکه یوه مصره ئی لنډه ده او بله اوږده ، اوټوله لنډۍ د سرنه تر آخره پوری یوداسی رنگ لری لکه دیوی مصرې ، نوپدې لحاظ ورته مصره وئیلی شی . اوټپه ورته ځکه وائی چه آواز ورباندې ټپیږی . ځکه چه دلنډیوداقاعده ده چه خلق ئی په ډېر اوچت آواز سره وائی نوکم وخت چه سړی په اوچت آواز سره یو څولنډۍ ووائی . نو آواز ئی دستی ټپ شی او بیا نورنه پورته کیږی . مگر دلته یوسوال شته دی هغه دادی چه نوراشعار خوهم که په اوچت آواز سره ووئیلی شی نوآواز پری ټپیږی ؛نوهغو ته ولی ټپی نه وائی ؟ نوزه وایم چه اول خوپه نومونوکښ اطرادشرط نه دی یعنی دالازمه نه ده چه لنډۍ ته ټپه وائی نونوروته دې هم ووئیلی شی . اوبله داچه په نورو اشعارو کښ داوچت آواز قاعده نشته یواځی لنډۍ دی چه په جگ آواز سره وئیلی شی او دسړی آواز پرې ټپیږی. او دمشرقی اودکابل دخواؤ شا پښتانه ورته ټکی وائی. ځکه چه لنډۍ هره یوه عموماً دغرض ټکی دی، اوهره یوه دیوې مستقلې معنی لرونکې ده. داقاعده ده چه څوك خط یا یو مکتوب لولی نومخاطب ورته وائی چه دغرض ټکی پکښ ووایه! نور پرې څله سر خوږه وې، نوهغه ورته دمقصد ټکی ووائی او دی ور باندې پوی کړی. غرض دادی چه په کلام کښ یو څو دمقصد ټکی وی؛ چه هغې ته په گوته اشاره کیږی نودا رنگ لنډۍ هم هره یوه ځانله ځانله د غرض ټکی دی اوپه هره یوه کښ پوره پوره معنی پرته وی نوحق لری چه هرې یوې ته په گوته اشاره وکړی شی اوهرې یوې ته دغرض ټکی وویلی شی .

ځینی پښتانه لنډۍ ته بدله هم وائی مگر دا تسمیه کمه ده اوډیر خلق ئی نه وائی . دپښتو دادبیاتو زیاته حصه لنډۍ دی. اودلنډ یونه زیات پکښ بل شی وجود نه لری، مگر دو مره خبره ده چه دپښتو لنډ یو یو کتابی شکل نه دی غوره کړی او دغسی خورې ورې د خلقو په زړ نوکښ پرتې دی. دپښتو لنډۍ یومخصوص جوړو نکی نه لری بلکه هر یو پښتو ن لنډۍ ویلې دی، اودغسی دیو بل دخولې نه تراوسه پورې دخلقوپه زړنوکښ پاتې شوې دی . دپښتو لنډۍ په هرمحیط کښ په زیاته اندازه موجودې دی اودیوطرف هغه دبل طرف دهغی نه په بیل ډول اوبیل رنگ وی داسی هم پیښیږی چه دیوه محیط خلقودبل محیط لنډۍ اوریدلې هم نه وی .

دایقین دی چه که دپښتو لنډۍ دکتاب په شکل غونډې کړی شی نو دومره یو ضخیم او

(c) ketabton.com: The Digital Library

غټ کتاب به ترینه جوړشي؛ چه دیوې ژبې په ادبیاتو کښې به هم نه وي. دلنډیو نمونه داده:

❀ ❀ ❀

که تو ر پیکی می میرا تیزی — ددین غزا ده جانان نه منی کومه
جا نا ن می سر په و طن کیښود — په تار دزلفو به کفن ورله گنډ مه
چر ته لندن چرته چترال دی — بی ننگی زورشوه پیر نگیان چترال له ځینه
زړه می باد رنگ هجران چاقودی — په لوړه ناست یم ترازې تری بیلومه
په زړه می لیك د آ شنا نوم دی — دا بو غړپ کولی نشم ړنگ به شینه
غم دې لتا نه و فا دا ر دی — ته کله کله غم دې تل را سره وینه
ز ما د زړه صدف دې ما ت کړو — زه به د ستر گو مر غلرې تو یو مه
بیلتون ښامار په لار کښې پروت دی — دپاړو گر آشنا می هېر شو منتر ونه
په مخ ئی پشم د خو لو دی — خلق گمان د مرغلرو پرې کو ینه

❀ ❀ ❀

۲ رباعی :

رباعی په عامو پښتنو کښې یوه اصطلاح ده چه پدې معنی باندې درباعی اصطلاح په خاصه طبقه کښې نشته، رباعی هغه شعر ته وائی : چه داول بیت ددواړو مصرو په قافیه باندی یوه پټی (بند) ووئیلی شی. رباعی اکثره په پند او نصیحت شامله وی، رباعی اوغزل دقافیې له حیثه څه فرق نه لری، مگر دوزن له حیثه پکښې فرق موجود دی. غزل په چست وزن سره لو ستلی شی اورباعی په قلا روزن اوآرامه لهجه سره ویلی شی په غزل کښې چستی او تندی وی او په رباعی کښې قلاری اوآرامی. دعامو پښتنو په نزد درباعی اطلاق په یو صنو فیا نه اوواعظانه کلام ډیر کیږی لکه درحمان بابا دیوان، درحمان بابا په دیوانکښې رباعی ډیرې دی او غزل هم پکښې پیدا کیږی. مگر یوه خبره شته دی، هغه داده چه کمې پټی ته چه بی سواده شاعران رباعی وائی؛ باسواده شاعران اوخاصه طبقه ورته غزل وائی، دانویو دا سی فرق دی چه په اصطلاح سره کیږی، ورنه داسی یو ښکاره فرق بل نه لری. رباعی په مجلسو نوکښې دغزلو او چار بیتونه مخکښې ویلی شی په رباعی مجلس شروع کیږی اوپه غزلو او چار بیتو مجلس گرمیږی. داقاعده ده چه کم وخت چه مجلسیان مجلس شروع کوی نویوتن پکښې یو بل تن ته ووائی چه هلکه! یوه رباعی خوراواخله، رباعی چه و وائی نو بیاورته وائی : چه اوس پرې نو یوخوږ غزل اویایوه خوږه چار بیته سوره کړه چه هر څوك ووائی : چه شاباس. سازوالا (مجلسیان) رباعی په اول کښې ددی دپاره وائی؛ چه خلق ځانته متوجه کړی اوټول پدې خبرکړی

(c) ketabton.com: The Digital Library

چه اوس مجلس شروع کیږی رباعی د پښتنو وپه اصطلاح کښ د مجلس د شروع کیدو یوزنګ دی ، چه پدې واسطه سره د مجلس د شروع کیدو نه خلق خبر یږی ! درباعی نمونه داده رحمان باباوائی :

❀ ❀ ❀

خدا یه خه شو هغه ښکلی ښکلی خلق — په ظا هر په با طن سپین سپیخلی خلق
هیڅ خند ا می لد ې خلقو سره نشی — ژ ړ و ی مـی هغه تلـلی تللـی خلق
خبر نه یم چه و کم و خو ا ته لاړ ل — لید ی نشـی هغه مـا لبـد لی خلـق
لکه زګ چه دابو په مخکښ درومی — هسی د ر و می په د نیا را غلی خلق
دریغ یو ځلی خو بیا په دنیا ر ا غلی — له جهـا نه په ا ر مـا ن و تلی خلق
« رحمن » هسی گوښه خوند له خلقو بیاموند — چه هرگز ندی داخوند موندلی خلق

❀ ❀ ❀

۳ ـ غزل :

غزل د پښتو د اشعارو یوه هیجان آمیزه نوعه ده ، چه په چستی اوتندی سره وئیلی شی په غزل کښ د آواز سستی او د آهنګ اوږ دوالی نقص پیدا کوی . د غزل موضوع غالباً عشق اومحبت وی . او غزل خامخا یو عشقیانه کلام و ی یاپه بل عبارت داسی کلام وی چه انسان په وجد اونشاط کښ راولی او په وجود کښ هیجان او یونوی شوق پیدا کوی . په غزلو کښ هم فرق شته دی یو کتابی غز لې د ی ، او بل هغه غز لې د ی ؛ چه په عامو شاعرانو کښ رواج وی . د کتابی غز لو فرق د ر باعی سره ډیر کم دی . دارقم غز ل د قا فی په لحاظ د ر باعی سره هیڅ فرق نه لری ، ر باعی هم د اول بیت په قافیه بنا کیږی اودا غزل هم داول بیت په قافیه بنا کیږی ؛ چه هغه ته مطلع وائی . صرف فرق یی د موضوع او آهنګ په لحاظ کیدی شی ، په بعض ځاینو کښ ئی فر ق هم مشکل د ی ، او د یو صحیح ذوق نه په غیر ګی فرق کول سخت معلومیږی . او بل داچه د غزل موضوع مینه اومحبت ، عاشق اومعشوق اوداسی نوروی ، اودرباعی موضوع پند اونصیحت اوداسی نوروی دارنګ غزل په چستی اوچالاکی سره وئیلی شی او ر باعی په آ رامه او او زده لهجه سره وئیلی شی . داډول غزل د پښتو بیتو نو نه تر پنځلسو بیتو نو پو ر ې را تلی شی ، د پښتو د دیوانونو ا کثره حصه هم د غسی غز لیات دی ، د غز ل نـه ماسوا نـور اقسام پکښ دو مره نه پیدا کیږی ! او کله کله پکښ د نمونی د پاره نور اقسام هم پیښیږی لکه چه د خوشحال خان په د یوانـکښ د ډ یرواقسامو نمو نې شته د ی .

دکـتابی غزل نمونه داده خوشحال خان وائی:

(c) ketabton.com: The Digital Library

❀ ❀ ❀

دجهان په مخ به نه وي هسی تاغوندی دلبر — پریرویه عنبر بویه سنبل بویه سمن بر
گلعزاره زلف ماره شهسواره خوش رفتاره — باده نوشه میفروشه قصب پوشه موکمر
دلنوازه سرفرازه عشوه سازه لعبت بازه — خود پسنده سربلنده شکرخنده لب شکر
طربناکه گریوان چاکه تل بی باکه تش پتاکه — خود آرایه خود نمایه خود ستایه خوش هنر
غزلخوانه خوش الحانه دردندانه لب خندانه — عنبرخاله پرخیاله تل خوشحاله دزړه غوره

❀ ❀ ❀

بل غزل د نوروز :

رب دی خلاص کړه له زندانه بندیوانه جانانه — داسی ژاړم له ارمانه بند یوانه جانانه
په ژړا په سترگو سرویم همیشه گډ په نارویم — سود می نشته بی له زیانه بند یوانه جانانه
چارچاپیر له مانه غم شو ټول جهان په ماتورتم شو — ای ځما ماه تابانه بند یوانه جانانه
زه په طمع دوصال یم څه خبر له داسی حال یم — بیلتون لري کړم لتانه بندیوانه جانانه
چه کم وخت لتا جدایم زه « نوروز » په واویلایم — گلبدن غنچه دهانه بند یوانه جانانه

کتابی غزل دوه دوه مصري وی یعنی هر یو بیت ئی ددوه مصرونه زیات نه وی مگر دومره ده چه دځینی غزلو مصري اوږدی وي او دځینو لنډي . او عامیانه غزلی ددوه مصرونه زیاتی وی ، دري مصري هم راځی او څلور مصري هم ؟ بیا دڅلورو مصرو والا غزل په دوه قسمه دی ، یو داچه دهر بند څلور واړه مصري ئی داول بیت په رنگ اوږدی وی او بل داچه په هر بند کښ دری مصری متحدالقافیه وړی وی او څلورمه مصره ئی دمطلع سره هم په اوږد والی کښ برابره وی او هم په قافیه کښ هر یو غزل یوه مطلع لري چه دهر بند په دریمه یا څلورمه مصره کښ ددي مطلع قافیه اوردیف تکراریږي د دری مصرو والا غزل دادی. لغمانی احمدجان وائی :

❀ ❀ ❀

یابابا صاحبه ډك له فیضه ستا د لبار دی — نوردرباندي اوری نورانی دستا مزاردی
شپه چه دجمعی شی ډیر مخلوق درته ټولیږینه — ستا په لوی دلبار کښ دهرچا حاجت قبلیږینه
ته ئی پیغمبر ډیر مهربان پتاستار دی
شاه دی که گدادی په سلام دی روز و شب تاله — واړه تاج داران دجهان وینم په ادب تاله
داسی لوی دلبار لری هرڅوك دی خد متگاردی
یو ځل که حساب شم ستاد درپه خاد مانو کښ — یا بابا صاحبه زه دستا په غلا مانو کښ
هلته به زه وایمه چه بخت زما بیدار دی
لور ترلور پراته داظالمان اوغمازان دی — تل کوی ظلمونه پما واړه ظالمان دی
ټینگ کړه احمدجان غریب ډیر غم پده انبار دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

❀ ❀ ❀

ددې غزل هریوبند درې مصرې دی چه پدې دریو کښې دوه لمړی مصری ځانته قافیه لری اودریمه مصره ئی دمطلع یعنی داول بیت سره موافقت کوی ! بل دهغه خلور مصرو والا غزل دادې چه په هر بند کښ ئی درې مصرې ودې وې او خلورمه مصره ئی په اوزدوالی کښ دمطلع سره برابره وې لغمانی احمد جان وائی

❀ ❀ ❀

ای دبغداد پیره بی نظیره په ولیا نوکښ سلطان
جاردې شم امیره باتأثیره لږ پماشه مهربان
شاه غوث الاعظم ته ئی رب ته مقدم ته ئی د ز خمو ملهم ته ئی
زه دې دامن گیریم تل په ویریم غمازانو کړم پریشان
ایښی دی پتا قدم حضرت خیرالا مم هر ولی شو تا ته خم
یودم کښ تابع دې خاص وعام شولو بغیر دشیخ صنعان

❀ ❀ ❀

ددې غزل هریوبند خلور مصرې دی چه پدې خلورو کښ درې لمړی مصری ځانته قافیه لری او خلورمه مصره ئی دمطلع سره موافقه ده !او دخلورو اوزدو مصرو والا غزل دادی حمید گل شاعر وائی :

❀ ❀ ❀

یاتیك دې په جبین دی یاستر گه دصباده یاجام دچین ماچین دی یاسینه خوله زیباده
یاعطر دگلابو یا ستا دمخ خو لې دی یا توري دفو لادو یا ستر گه دلیلې دی
یاکیف دی دشرابو یابنگ دبنگالې دی یا هجر سختړین دی یا تبه یاو باده
یاستاد خو لی خبرې یاقنددسمر قنددی یاستا شونډې نادرې یاد مصرو خونددی
یادفو لاد زغرې یاستاد او ربل بند دی یاستا قمیص گلگین دی یاد وزیر قباده
یاباغ دزیړو گلو یاستا دمخ کاکل دی یاآواز دی دبلبلو یازړه دحمید گل دی
یاتیغ دغوخولو یاستا خونی چار گل دی یا دا مار غه زرین دی یاهغه محبو باده

❀ ❀ ❀

ددې غزل هر یو بند خلور مصر ی لری . پدې خلورو کښ درې لمړی مصری ځانته قافیه لری اوخلورمه مصره ئی دمطلع سره موافقت کوی یعنی خلورمه مصره ئی هم په قافیه کښ دمطلع سره برابره ده اوهم په اوزدوالی کښ ! ددې څواقسامونه په غیر دپنځه مصرو والا غزل چه خلور مصرې ئی ودې وی اوپنځمه ئی اوزده وی ؛ هم راتلی شی . مگر داقسم غزل دیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

کم پیښیږی ، دارنګ په غزل کښ نورې ډیری نوعی‌هم متصورې دی چه په هغه طریقو سره هم غزل ویلی شی . دقافیې په لحاظ دعامیانه غزلو قاعده دمربع اومخمس په شان ده ،ځکه چه دهر بند اولی دوه‌یادرې یاڅلور مصرې ئی په ځانته قافیه سره وی اوڅلورمه یاپنځمه یادریمه مصره ئی دمطلع سره موافقه وی . اوپه مربع اومخمس کښ هم داقاعده ده . دغزل اول بیت ته «مطلع» یا«دغزل سر» یا«پیرو» وائی اودویلو په‌وخت کښ دهر بند په آخر کښ دغزل «پیرو» تکرار یږی . دعامیانه غزلو او چاربیتو فرق دادی چه‌په‌غزل کښ د هریو بند مصرې په‌یوه ساه سره ویلی شی اوآخرې مصرع ته‌په‌یوه ساه رار سیږی . اوپه چاربیته کښ آخری مصرې ته چه‌هغه دمطلع سره موافقه وی ؛ په‌یوه ساه‌نشی را رسیدلی . بله داچه دځینوچار بیتو یو بند اته‌مصری هم‌راځی اودغزل یو بنددپنځو مصروڅخه نه‌زیاتیږی، دبعض غزلواو چار بیتو په مینځ کښ فرق هم مشکل دی !

٤ ــ چار بیته :

چار بیته د پښتو د اشعارو یوه بهتره او غوره نوعه ده . په چار بیتو کښ اوږده اوږده مضامین . حتی چه لوئې لوئې قصی هم اداکیدی شی . د پښتو په ملی ادبیاتو کښ چار بیته د مثنوی او د قصیدی مرتبه لری ، یعنی څرنګ چه په قصیده او مثنوی کښ اوږده اوږده مضامین او لوئې لوئې قصی ویلی شی ؛ دارنګ په چار بیتو کښ هم دغسی مسلسل مضامین ویلی‌شی . په غزلو یا لنډیو یاپه نوروملی‌اشعارو کښ اوږدې قصی او مسلسل مضامین نشته دی یو په چار بیتوکښ دغسی مضامین پیدا کیږی . چار بیته هم لکه د غزل په تندۍ او چالاکۍ سره ویلی‌شی . مګردومره ده چه د چار بیتو وزن سلیس اوروان وی او بله داچه دچار بیتو مصرې په اوږد سیلاب کښ ویلی شی ، په لنډ سیلاب مسرې په چار بیته کښ نه راځی . یو د مستزادپه صورت هم چار بیته راتلی شی مګر په هغه کښ هم اوږدی مصرې موجودې وی په هرصورت د چار بیتو ټولې مسرې په لنډ سیلاب کښ نشی راتلی ، اوهرڅه چه غزلی دی نوهغه په لنډ سیلاب کښ هم راتلی شی او په اوږد سیلاب کښ هم . د قافیې په لحاظ چار بیته دا قاعده لری ؛ چه د هر بند آخر بیت یی د مطلع سره په قافیه کښ برابریږی او په مینځ کښ نور بیتونه یی په خپل کور کښ متحدالقافیه وی . چار بیتی هم لکه دځینو غزلو یو بیت مطلع لری ، یعنی په یوه بیت شروع کیږی ؛ چه هغه ته د چار بیتی سر یا «پیرو» یا «کسر» وائی . چار بیتی عموماً پدوه ډوله دی یو هغه چار بیتی دی ؛ چه هر بندئی دوه بیته ، یعنی څلور مسرې وی ، او بل هغه چار بیتی دی چه هر بندئی څلور بیته ، یعنی اته مسرې وی . په اول صورت کښ ورته مجازاً چار بیته ویلی‌شی ځکه چه حقیقتاً خوڅلور مکمل بیتونه نه لری او پدې بل صورت کښ ورته حقیقتاً چار بیته ویلی شی . چار بیته په عام طور سره دغه دوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډوله ده ، او پدې ضمن کښې نور هم ډیر اقسام لري . د څلورو مسرو والا چار بیتي ته تقریباً کتابي چار بیته هم ویلی شي ، ځکه چه ملي شاعران یا بې سواده شاعران داتو مسروته کمي ته چار بیته نه وائي . د څلورومسرووالا چار بیتي نمونه داده ، محمد دین شاعر وائي :

❀ ❀ ❀

څوك به پیدانشي د فرهاد او شیرینۍ پشان یو ځای به څوك نشي د آدم اودرخانۍ پشان

« ۱ »

یو ځای به څوك نشي لکه وو عاشق فرهاد بل به ئي کو لو په آشنا پسي فریاد
ؤئي کړه خواري ځکه حاصل ئي شه مراد کړې به ئي خبرې د طوطا د ښارونې پشان

« ۲ »

کړې به ئي خبرې دمجنون دا مشغولا وه نه بل څه به ئي نه ووخو په خوله به ئي لیلي وه نه
وچ شه لکه دړه دخاوند پدې رضا وه نه بیا به گر ځیده پدې پسي د لیونۍ پشان

« ۳ »

راغي قطب خان چه را روان درا نړیږونه شه سر په ټیك وده وځکه پاتي له مزونه شه
پروت و لکه مړي سروکار ئې له نیازونه شه غوڅ ئي په ځگر که لکه تورې ایرانې پشان

« ٤ »

غوڅ ئي په ځکر که چه « رانجا » مین په « هیر » شه تل ئي سرتندي وهه همیش دځان په ویر شه
مړملا با در نیمبو لا ځکه دستگیر شه هلته ظلم نشته دي شاگرده دفانۍ پشان

❀ ❀ ❀

دڅلورو مصرو والا بله چاربیته داده نورشالي شاعر وائي :

مازیگر را شه په تلوارې ځما یارې گو در له ځمه چه ملگرې شو په لارې

« ۱ »

مازیگر راشه په تلوارزه یم بلبله له جینکو نه پاتي شوم ستا له کبله
تا چه خبره دکوکۍ راته کوله راځه چه درکړم سپینه خوله زلفي تارتارې

« ۲ »

زلفي تار تار مي غوړو لې راته گوره مړو نه مي نسه مه شرمیږه له پیغوره
چه مي دا دا کله راو وو ځي له کوره را څخه کینه پدې سره پالنگ قلارې

« ۳ »

را څخه کینه پدې سره پالنگ دپاڅه سر کي لبان به درکوم دزړه له خلاصه
سینه مي بند په بند ماتیږي ستا له لاسه حسن مي باغ ته ئي طوطا گډ په گلزارې

« ٤ »

حسن مي باغ دي پکښې شته دي زیړگلونه درله درتلي نشم ستا دزلفو دي شپلونه

(c) ketabton.com: The Digital Library

باینکه تکلم اطفال زیر مراقبت گرفته شده وغلطی های ایشان وقتاً فوقتاً اصلاح شود نمیتوان انجام داد .

بالاخره باید ملتفت بود که آیا طفل معنی ومفهوم لغاتی راکه یادگرفته پوره میداندوبآن لغت ها معنی را که ما میدهیم میدهند ؟ وآن ها را درجای اصلی وموارد حقیقیهٔ شان میتوانند استعمال کنند ؟ اینك وقتی برای این سوالات درین موضوع جواب مثبت پیدا کردیم میتوانیم یقین کنیم که طفل حسب مطلوب تکلم را آموخته ومد لول کلمات و لغات را فهمیده واز تکلم کلمهٔ (فیل) حیوان عجیب الخلقه وبزرگی را در ذهن خود خطور داده میتواند وباین صورت دربارهٔ مفاهیم کلمات دارای فکری شده است .

برای اینکه طفل درآینده که جوان ومرد فردامی شود دارای کلام فصیح وشیرین برده به اصطلاح صاحب فصاحت وبلاغت باشد باید از آوان طفولیت وابتدای تلفظ کلمه وساختن جمله اورا به تلفظ صحیح لغات مانوس نمود تادر آوان دوام به مدرسه وفراگرفتن علوم مقدماتی وعالیه بتواند مبتداء را از خبر فرق نماید ودرین کلمات قریب المخرج تمیزی قائل شود .

این بود مختصر ترین مطالعاتیکه میتوان درتربیهٔ عوامل مهمهٔ ذهنیهٔ اطفال نمود وامیداست مورد توجه پدران ومادرانیکه برای خدمت آیندهٔ این خاك اولاد تربیه مینمایند واقع شده ازین سطور ناقص استفاده فرمایند .

مدارك :

۱ـ درس های روحیات مؤلفهٔ آ . رابو
۲ـ روحیات « ریبو
۳ـ روحیات « پروفیسور بای مصطفی شکیب
٤ـ روح طفل « « « ابراهیم علاء الدین
٥ـ پداکوژی « « صدرالدین جلال
٦ـ آنسیکلو پیدی حیات بحث روحیات .
۷ـ محصولاتی که ازروحیات گرفته شده پروفیسور بای مصطفی شکیب .
۸ـ تاریخ فلسفه مؤلفهٔ امیل فاکه .
۹ـ اجتماعیات « مسیو بونافوس و بای نجم الدین صادق .
۱۰ـ تاریخ فلسفه « آبه بارب مترجمهٔ نجور اسرائیل
۱۱ـ فلسفهٔ سیاست « بای صدری ارتم .
۱۲ـ فلسفهٔ بدایع « پروفیسور دکتور بای ضیاء الدین فخری .
۱۳ـ انسان درمحیط « ماکس ژورژ شیمیت .

و بعضی یاد داشت ها و محفوظات دیگر نگارنده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۱)

شا گرده په‌جهانکښ جبرئیل نومی ملك‌دی — استاذه‌خاص‌مقام‌دده‌په‌اوم آسمان فلك‌دی
شا گرده‌قبول‌وجودئی‌دحجر حدیده کلك‌دی — استاذه سرترپایه په‌وزرو باندی چك‌دی
شا گرده‌درحمت‌په‌ډنه‌کښ‌ډوب‌لکه‌سمك‌دې — استاذه ماپدې خبره هم ویستلی شك‌دی
بیحده ښائسته دنور پشان شعله انگا ر دی — دبادپشان‌ته گرځی‌په‌هوا باندې اوچت‌دی

(۲)

شا گرده زه ئی نوم ویلی نشم یرول کا — استاذه داهغه دی چه در وحو قبضول‌کا
شا گرده قبضول دگنهگا روپه زلزل کا — استاذه بختو روته په پوزه بوی دگل‌کا
شا گرده‌غټ‌عذاب‌دی‌چه‌زورونه‌په‌گوگل‌کا — استاذه‌په سختی‌سره‌ددې‌روحو اوښکل‌کا
کمبختو گنهگا روته پدغه شان له‌قار دی — چه‌سم‌په شریعت ځی مقرر ور له‌جنت دی

(۳)

شا گرده‌زه ډوب‌شوی دغمونوپه دریاب‌یم — استاذه زه‌دغره‌لاندې حصاردکوه قاف‌یم
شا گرده‌په‌تهمت باندی‌تك‌تور لکه غراب‌یم — استاذه‌لاس‌می‌مروړم‌په‌ارمان لکه ذباب‌یم
شا گرده زه غریب بنده دپاك و هاب یم — استاذه شکر وایه‌چه مسلمو کښ حساب‌یم
مرگ‌می‌رانیزدی شه‌نن‌سباله‌می رفتاردی — میا گل‌دگټکی‌ژاړی‌چه‌په‌مخکښ‌می‌قیامت‌دې

ددې چار بیتی اول بیت چه‌په‌خپل‌مینځ‌کښ‌قافیه‌نه‌لری؛ دچاربیتی(پیرو)دی، اونورورپسی دچاربیتی بندونه دی، او د هر بند د در ې او لو بیتونو شپږ وا ړه مصرې په قافیه کښ دیو بل سر ه برابرې دی، اوخلورم بیت ئی دمطلع سره موافق دی، اوله مصره ئی دمطلع داولی مصرې سره موافقه کوی، اودویمه مصره‌ئی‌دمطلع‌ددویمی‌مصرې سره موافقه‌کوی! ددویم قسم چاربیتی نمونه داده، محمددین شاعر وائی :

دښائست‌آوازدې‌لاړه په عالم کښ‌لور په لور ـ زه دې سوی‌یم په اورتیك‌دې کوزکه‌له‌جینه

« ۱ »

دښائست‌آواز دې‌لاړه‌په کابل‌په هندوستان — ځکه ناست یمه حیر ان ، رار سیږې یا نصیبه
عاشقی ده ډیره گرانه ځی‌داوښومی‌باران — پر ې‌می لوندشولوگریبان. پوی‌نشوم په ترتیب
پهر چا باندې تیریږی دفا نی‌دور دوران — خوك رائځی‌خوك‌ترې روان،کاندې‌یاروته‌قریبه
باړې‌خپل‌دی‌که‌پردی‌دی‌را کوی‌راته‌پیغور — سترگی نشمه نیولی‌گوره ډوب یم ستا په‌مینه

« ۲ »

باړې‌خپل‌دی‌که پردی‌دی‌را کوی‌راته‌تهمت — کتی نشم او چت په یاری‌ـ کښ د بی ننگه
چرې تا کتلی نه دی لکه‌سپی‌ته چه‌کړې ست — تاؤ هم‌راغی په صورت: ته لمانه کوې څنگه

(c) ketabton.com: The Digital Library

جاروتی نشم په بیرته رب دي نکه خوك عادت دسروشوندوپه شربت، کیف ئی زیات وینم له بنگه
په ونړي زنې دپاسه دي خالونه درې څلور ماپرې نن کړی دی زور، خوندئی زیات دی له گینه

«۳»

دنری زنې دپاسه دې خالو نه دی قطار تورې زلفی دې تارتار، دې پرتې لکه وریځې
په سینه کښ دې پخ شوی دی دمینی دوه انار در ته پروت یمه بیمار ، دارو می دمرضی
رب دي نکه څوك په رنځ دمینی گرفتار نن دې ځان کړ لوسنگار، بیگامی په اورسوزې
کله زیر شې کله بم شی سره گنگرودې کوی شور قدم اخلې په تکور ، خاپیری راغلې له چینه

❀ ❀ ❀

د دې چاربیتی سر (مطلع) هم یو بیت دی، اونور ورپسی د چار بیتې بندو نه دی اودهر بند د دري اولو بیتونو پرومبی مصرې په خپل کور کښ په یوه قافیه دی، اودرې ور ستی مصرې ئی په بله قافیه دی، اوځلورم بیت ئی د مطلع سره په قافیه کښ موافق دی! د دریم قسم چار بیتی یعنی د «زنخیری» چاربیتی نمونه داده، محمددین شاعر وائی ؛

کله به راشې په پوښتنه د ملنگ کړې څنگ لرې کړه زنگ شوم رنگ ستا په تهمت کښ

«۱»

کله به راشی چه دې و کړمه دیدار سحار زړه می پر هار دیار دلاسه ډیر دی
شومه په غم کښ ستا د مینی گرفتار په جار ؤ سوم په نار انگار را نه چا پار دی
اخیر به تیرشی دنیمگړې دنیا وار په خوار ما خله آزار بیمار په زلفو گیر دی
مخ دې چراغ دی پرې راځم لکه پتنگ په شر نگ لرې کړه زنگ شوم رنگ ستا په تهمت کښ

«۲»

زه درنه غواړمه د سر و لبوانعام مدام کوم سلام غلام یمه د یار
په مخ دې اینی دی د تورو زلفو دام مقام ستا په ظلام ما نبام شو مه حصار
چرې دې وانه ستوه ما لره پیغام د لبو جام گلفام په بیما ر
راځه چه څلو پدې سره پالنگ یو درنگ لرې کړه زنگ شوم رنگ ستا په تهمت کښ

«۳»

دازه تیلی کوم صفت دشیخ کبیر فقیر لوی تأثیر نظیر لری هر چا ته
مادی نیولی دکاکا صاحب جاگیر کبیر شو هوا گیر ضمیر می دده خوا ته
زه محمد دین یمه مرید دد ستگیر امیر کامل می پیر قجیر تښته کم ذا ته
په زړه می وخوړ تیره غشی دخدنگ دورنگ لرې کړه زنگ شوم رنگ ستا په تهمت کښ

❀ ❀ ❀

ددې چاربیتی مطلع هم یو بیت دی ، اونورورپسی دچاربیتی بندونه دی ، دقافیې په لحاظ

(c) ketabton.com: The Digital Library

ددویم قسم پشان ده ،ځکه چه ددرې اولو بیتو نواولی مصرې ئی په خپل کورکښې په یوه قافیه دی، اوآخرې مصرې ئی په بله قافیه دي .او دهر بند څلورم بیت ئی دمطلع سره موافق دي، پدې چاربیته کښې دڅلورم بیت دویمه مصره هوبه هودمطلع دویمه مصره تکرار شوېده. ،داچار بیته ټوله لکه دزنځیردکړو پشان مقفی ده ، اودیوبل سره تړلې شوېده ، اوپدی لحاظ ورته زنځیری چاربیته هم وائی . ددې قسمونو څخه سوا نور قسمونه هم شته دی . پدې مخکښې قسمونوکښې خو مطلع یوبیت یعنی دوه مصرې وې ،اوداسی چاربیته هم شته دي ، چه مطلع ئی درې مصرې وی ، اودرې واړه په بیله بیله قافیه وي .پدې ډول چاربیتو کښې بیاداقاعده ده،چه دهر بند په آخر کښې دمطلع دیوې مصرې قافیه تکراریږی ،یعنی په اول بند کښې دمطلع داولې مصرې قافیه تکرایږی اوپه دویم بند کښې ددویمی مصرې ، اوپه دریم بند کښې ددریمی مصرې ، اوپدې صورت سره تر آخره پورې دمطلع قافیې تکراریږی . ددې قسم چاربیتی نمونې که څه هم په پښتوکښې ډېرې دی مگر حالاً ځماپلاس یوه هم رانغله نوځکه ئی نمونه رانه وړی شوه .دټولو چاربیتو دوئیلو داقاعده ده ، چه کم وخت چه دمطلع قافیه تکراره شی ،نومطلع هم ور سره تکرار ولی شی څرنگ چه په غزل کښې دهر بند په آخر کښې اول بیت یعنی مطلع تکرایږی ؛دارنگ په چاربیته کښې هم مطلع چه هغې ته دچاربیتی «پیرو» یا «کسر» وائی ؛تکراریږی. دچار بیتو اودغزلو بندونه یوسړی وائی، او «پیرو» ئی ورسره نور مجلسیان وائی.چرته چه مجلس شروع کیږی ، نویوغزلی نورو ملگروته وائی چه هلکو ! «کسر» یا «پیرو» خوبه را سره وائیء ؟ نودوی ورته وائی چه هو ! مونږه خودې کسرچیان یو .دچاربیتی اودغزل ټول جوش او شوق هم پدې وخت کښې وي ؛ چه ټول مجلسیان دچاربیتی سرپه یووار راواخلی . څوپورې چه غزلی دچاربیتی بندوائی ؛ نونور کسرچیان ورته چپ ناست وی ، اوکم وخت چه یوبند خلاص شی اودمطلع قافیه تکراره شی نودوی ټول په «کسر» شروع وکړی ، اوپه یوداسی شوق اوشور او زور سره ئی وائی ؛ چه څه اندازه ئی نه وی .اوپه مجلس کښې انسان ته زیات شوق او لذت پدې وخت کښې پیداکیږی ، ځکه چه دائی دجوش اودخروش وخت وی .

۵ ــ ناری یا غږونه :

نارې هم د پښتو د ملی اشعارو څخه یو نوعه شعردی . نارې عموماً د بیت په ډول دوه مصرې وی ؛ چه په آخر کښې یوقسم قافیه هم لری . دادواړه مصرې نوکله د یو بل سره برابرې وي ، اوکله نه وی ، ځینی نارې دلنډی پشان هم وی چه اوله مصره یی لنډه وی او دویمه ئی اوږده وي . په ناروکښې د قافیې لحاظ دومره نه کیږی ، کله دنارې دواړه مصرې په قافیه کښې د یو بلې سره موافقی وی ، اوکله د یو بلې نه مخالفې وی . غرض داچه نارې لکه د یورپ دنن ورځی آزاد شعرونو په شان یوه آزاده نوعه ده ؛ چه دقافیې او

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ردیف د قانون پابندي نه لري ، اونه د عروضي اوزانو لاندې راتلی شي . ناري اکثره په لویو لویو قصو او نقلو نو کښې ویلي شي . ناري د پښتو په اشعارو کښې یوه قدیمه نوعه شمیرلی شي ، ولی چه دا په ډیرو پخوانو نقلو نو کښې پیدا کیږي . لکه چه د فتح خان په قصه کښې او یا د مومن خان او شیرینو په قصه کښې په زیاته اندازه سره موجودې دی . د نارو اطلاق په لنډیو هم کیدی شي ؛ مگر په هغه لنډیو چه د لویو لویو قصو په مینځ کښې راغلې وی . ځکه چه دې ډول شعرته خوناره ځکه وائی ؛ چه یو عاشق یا یو معشوق په خپل مین باندې ناره وکړی ، نوکه دلنډۍ په واسطه سره څوك په خپل محبوب باندې ناره وکړی بائیده دی چه دې ته دې هم ناره وویلی شي . لکه کمې ناري چه د مومن خان په قصه کښې راغلې دي ؛ هغه ټولې د لنډیو په شکل دی ؛ بلکه عیناً لنډۍ دی .

دې نوعی شعرته دقندهار او دفراه پښتانه ناره وائی ، او نور پښتانه ورته غزوائی . که څه هم په نارو اولنډو دواړوکښې دقافیې پابندی نشته دی ، مگر بیاهم دلنډیو اونارو په مینځ کښې څه فرق شته دی ، هغه دادی : چه دلنډۍ آخره مصره خویومعین قانون لری ، چه په آخر کښې دې خامخا یامیم اوهې وی اویا نون اوهې وی ، اودنارو آخره مصره دغه قانون هم نه لری ، بلکه څرنگه چه راغله هغسی راغله . دناري نمونه داده :

که دوی دکلابست دروازې دوی دی

په یوه فتح خان وځی پردابله ئی دمور ، دمور سوې ناري دی

(۱) داناره دفتح خان په قصه کښې راغلې ده ، کم وخت چه دی دخپل پلار اسلم خان نه خپه شه اودقندهار نه ئی دوتلو بندوبست وکړو ، نومورئی خبره شوه اود« کلابست »په دروازه کښې ورته کیناسته ، چه خپل زوی را ایسار کړی ، هغه چه فتح خان خبر شه چه مور دې درته د« کلابست »په دروازه کښې ناسته ده ، نودی د« کلابست »په بله دروازه وووت . مورچه ئی خبره شوه چه فتح خان په بله دروازه وووت ، نوداپاس ناره ئی پرې وکړه ! د دې ناري اوله مصره ددویمې نه لنډه ده او« دوی »او« ناري » په خپل مینځ کښې قافیه هم نشی کیدی .

بله دناري نمونه داده :

سرد سره پالنگه هسك کړه فتح خانه رابیا گلي پونده ورته کړه سوریږی

دډې ناری مصری دیوبل سره برابرې دی . مگر قافیه نه لری ، یعنی متحد القافیه نه دی .

یادا ناري شوې : لویه خدایه اوس به څنگه ځم تر کوره ـ

دغه ژیړ ولیجان پروت دي — دغه تور موسی جان گرځی لور ترلوره

موسی جانه چه په سردې لونگی توره ـ موسی پښه اخله سوریږه اوس دگوردمړو پریږده مجلسونه

(۱) ملی هنداره دې وکتلی شي .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۱) دادواړه ناري دموسی خان اودگل مکۍ په‌قصه کښ راغلې دی ددې دواړو نارو اولی مصرې لنډې‌دی اودویمې یې‌اوږدی ، اوداولی ناري مصرې په‌قافیه کښ برابرې‌دی اوددویمې ناري هغه‌په‌قافیه کښ برابرې‌نه‌دی . اوهغه ناري چه‌دلنډ یوپه‌وزن دی ، هغه دادی :

تادسفر موزې په پښو کړې دزیړو گلو باغ پر چا سپا رې مینه

داناره دمومن‌خان اوشرینو په‌قصه‌کښ راغلې‌ده ، کم‌وخت چه مومن خان دهندو ستان په سفر روانیده ، نوشرینوچه‌په‌ده مینه‌وه ، خبره شوه اوپه مومن خان‌ئی دغه مخکښ ناره وکړه مومن خان بیاپه جواب کښ داناره پرې وکړه .

ما دسفر موزې په پښو کړی دزیړو گلو باغ په خدای سپا رم مینه

دادواړه ناری دلنډۍ په‌ډول‌دی اولی مصرې‌ئی لنډې‌دی اودویمې مصرې‌ئی اوږدې اودویمه مصره ئی دلنډیو په‌قاعده هم برابره ده پدې قصه کښ دغسی نورې هم ډیرې ناري دی، چه ټولې پدې صورت اودې قاعده دی!

٦ ـ بگتۍ : ـ

بگتۍ هم دپښتو دا شعا رو څخه یوه زبر دسته نو عه د ه ، او لکه دچا ر بیتو او لنډیو اونارو پشان داهم یو ملی شعر شمیرلی کیږی . په پښتو کښ دلنډ یو او بگتیو دواړو وزنونه مرغوب دی. اودپښتنو خالص‌شاعران چه ددنیادنورو آ لایشاتونه خبر نه وی ؛ اومحض دخپل شاعرانه خیال په پیروی کښ شعر وائی، نو خامخائی طبیعت بگتیو اولنډ یوته میل کوی اوهر څومره اشعار چه وائی؛ نوپدی طرز سره ئی وائی. بگتۍ یوداسی زبر دسته او چسته نوعه ده چه ټول وجود په حرکت اوار تعاش کښ راولی. دبگتۍ په ویلو سره ټول وجو دپه هیجان اوشوق کښ راځی. بگتۍ په مجلس کښ درباعی اوغزلو اوچار بیتونه ورسته ، بلکه دغزلو اودچار بیتو په مینځ کښ ویلی شی. دمجلس دنشاط اودگرمۍ دباقی پاتی کیدو دپاره بگتۍ یو مهم شی دی. داقاعده ده چه غزلې خلق په اوچت آواز سره وائی، نو چه ټول یو اوچت آوازرا واخلی؛ پدی مینځ کښ‌ورنه دمجلس‌اداره له‌لاسه ووځی، اودمجلس‌دشوق اوذوق روح نه پاتی کیږی، پدې موقع کښ یونفر بگتۍ را واخلی اوپدی واسطه سره دوباره مجلس نو ی اوتازه کړی، اویو نوی روح پکښ پیدا کړی. بگتۍ دمجلس د خونداو د ذوق دپا تی کیدو یوه آ له ده، چه پدی وا سطه سره مجلس په خپل خوندباندې باقی پاتی کیږی . بگتۍ په ورو او جلت آ واز سره و یلی شی . په چستۍ کښ د چا ر بیتی پشا ن ده‌مگر آ هنگ ئی نرم او آ وار د ی . په بگتۍ کښ آ وا ز نه ا و چتیږی بلکه په تیز ا و ټیټ آ واز سره ویلې‌شی . بگتۍ هم دچار بیتی پشان سرلری دیگتی سر (مطلع) غا لباً یوبیت یعنی دوه مصرې وی‌او په قافیه کښ‌هم دوا ړه برابرې وی . او ورسته ور پسی

(۱) ملی هنداره دې وکتلی شی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر بندئی څلور مصرې وی چه دهربند درې اولې مصرې ئی په خپل کورکښ بیله قافیه لری او څلور مه مصره ئی دمطلع سره موافقه کوی . مگر دهر بند په آخر کښ دبگتۍ سر ورسره را آخستلی شي ټولې بگتۍ په یووزن نه رائحی ، بلکه وزنونه ئی مختلف مختلف دی دغزلو او دبگتیو فرق په ویلو کښ معلو میږی ، دا رنگ دچار بیتواو بگتوفرق هم دویلو په وخت کښ ښه معلو میږی ، غزلیان چه بگتۍ یاغزلې یاچاربیتی وائی، نوسړی په پوره صورت سره معلومولی شی چه دا چار بیته ده ، دابگتۍ ده ، داغزل دی . ځکه چه دادرې واړه بیل بیل او زان اوبیل بیل طرز لری او په یوو زن او پریو ډول باندې نه رائحی . اوبله داخبره هم ده چه دچار بیتو دمطلع مصرې په قافیه کښ موافقې نه وی بلکه مختلفی وی ، اود بگتۍ دسر مصری په یوه قافیه باندې وی .

بگتۍ یوداسی هیجان آور نظم دی چه آووریدونکی اوو یونکی دواړه په مستۍ کښ راولی اودافراد وپه رگونو کښ لکه دوینی جریان کوی . په ملی اشعارو کښ چه څو مره تأثیر بگتۍ لری؛ داسی ئی بله نوعه نه لری، او څو مره شوق هیجان چه بگتۍ پیدا کوی داسی ئی بله نوعه نه پیدا کوی غرض داچه بگتۍ په پوره منعی سره یوملی شعردی او دی ډول اشعاروته یقیناً ملی اشعار ویلی شی . ځکه چه ملی اشعار هغه دی چه په ټولو افرادو کښ یوشا نته تأثیر کوی ، او ټول خلق ئی داثر لاندې راتلی شی . دبگتۍ نمونه داده :

❀ ❀ ❀

داتورې سترگې را نه تیر یږی — د حا له ځما، کله خبر یږی
داتو رې سترگی، سره ئی لا سونه — په بام ولا ړه ، کوی سیلو نه
وربل کښ یښی ، تا زه گلو نه — موزی دله خان ، به ترې جاریږی
دا تورې سترگې رانه تر یږی — دحا له ځما، کله خبر یږی

موزی دله ته ، وکو ئی پام — د کو ره وځی سر ی ما ښام
چه بیر ته را شی ، کوی سلام — تهمت د جینۍ ، پما ور یږی
داتورې سترگې ، رانه تیریږی — دحا له ځما ، کله خبر یږی

تهمت دجینۍ کړ مه بیمار — دخیا له کوی ، ډو لو سنگار
څوك ور پسی ، گر ځی د پلا ر — ور ځی طالب جان ، نه حصار یږی
داتورې سترگی ، رانه تریږی — د حا له ځما، کله خبر یږی

یوه بله بگتۍ داده :

لیونۍ گجرې ، منگی دې کم گدر ته وړې — په لا لی مینې ، چه بر ا بره یا ر ته ځې

« ۱ »

لیونۍ گجرې سور دې شا له پسرکوې — عاشقا نو زړو نه ، نا مردې و لی زور وې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په نظر دسترگو ، دعاشق زړه پائیما نوې — دهمزولو سره ، منگی په څه نخرو راوړې
لیونې گجرې منگی دې کم گدرته وړې — په لالی مینی چه برابره یار ته ځې

« ۲ »

لیونۍ گجرې ، دزنی سر دې پتاسه — دواړه سترگی توری ، شونډې سرې په دنداسه
نن دډېره خیاله ، تاپسر کړېده خاصه — عاشقان درپسې ، وهی دوینو غړغړې
لیونۍ گجرې؛ منگی دې کم گدرته وړې — په لالی مینې ، چه برابره یار ته ځې

« ۳ »

عاشقان درپسې ، وهی وړې وړې سلگۍ — ملنگ نوخیرغواړی، نامردې سپینه دې کوگۍ
شنهار دې خیژی ، په نری غاړه دې اوگۍ — مازیگردیدن به ، ماله په هم دې کوڅه راوړې
لیونۍ گجرې، منگی دې کم گدرته وړی — په لالی مینې ، چه برابره یار ته ځې

« ٤ »

مازیگر دکوره ، مادله خان کله پرېدی — ما لا بل ونه لید ، دستا پشانته لباسی
هیڅ وس ونه شو ، طالب جانه دخلاصی — درسره نه زه مه که می اسمارته په شاوړې
لیونۍ گجرې، منگی دې کم گدرته وړې — په لالی مینې ، چه برابره یار ته ځې

❀ ❀ ❀

دادواړه بگتۍ یویوبیت سرلری ، او ورسته ورپسی دبگتۍ بندونه دی . دهربند درې اولی مصرې په خپل کورکښ یوه قافیه لری ، اوڅلورمه مصره ئی دمطلع سره موافقت کوی . اودهربند په آخرکښ دبگتۍ سرورسره بیرته را اخستلی شی . دوزن اودآهنگ بیان ئی په قلم سره نه کیږی ، داتر اورېدو پورې اړه لری . بی له اورېدونه ئی په بل صورت سره دوزن اوآهنگ معلومول ډېرسخت اومشکل دی !

۷ـ نیمکۍ ـ یا سر

نیمکۍ هم دپښتو داشعارو یوقسم ته مرکب شعردی ؛ چه له دوه جزؤ نه مرکب شوی دی . یوهغه جزء دی چه بیا بیا مکرر کیږی ، او دې جز ته « سر » وائی . او بل هغه جزءدی چه په مینځ کښ ورلویږی ، اودې جزته ټکی وائی . دنمیکۍ داقانون دی چه اول ئی یوسر وویلی شی ، دغه سر عموماً یوبیت ، یعنی دوه مصری متحدالقافیه وی ، مگر دا دواړه مصرې لکه دبگتۍ دسرپشان یوبرابر نه وی ، بلکه دمستزاد په شکل اوله مصره ئی او زده اودویمه ئی لنډه وی . اوبیا یوه یوه ټیکۍ ویلی شی ، اودغه سرپکښ بیا بیا تکراریږی . دویلو صورت ئی دادی : چه دټکی او له مصره ئی وویلی شی . نو بیا دسر هغه لنډه مصره

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسره تکرار یږی . بیاچه دټیکی دویمه او زده مصره وویلی شی ، نو دسر دواړه مصرې ورسره بیا تکرار ولی شی . پدې ډول سره هرقسم ټکی په نمیکیو کښ ویلی شی . دا تقریباً یوه آسانه نوعه ده ولی چه جوړول ئی څه تکلیف نه غواړی ، بلکه چه یوسرئی موجود وی ، اوبیا پکښ تیارې ټکی را وړی شی ؛ نوتیاره لوبه ده . دبگتو او دچاربیتو او دنمیکو مهم فرق دادی ، چه دچاربیتو اودبگتو په ویلوکښ ټول مجلسیان حق نه لری ، بلکه ټول بندونه ئی یوتن وائی ، صرف سرئی ورسره نورکسرچیان را اخلی . اوپه نیمکو کښ هریوتن حق لری ؛ چه یویوبند وار په وار وائی . ځکه چه سرخوئی هم هغه یوسروی صرف دومره وی چه هریوتن پکښ له ځانه یوه یوه ټکی ر اواچوی اودغه سرورسره بیاتکرار کړی. نیمکی اکثره دمسابقی اودنوبت په ډول ویلی شی یووار یوسړی یوبند ووائی ، بل وارئی بل سړی ووائی . دغسی وار په وار ټول یو یو بند ووائی . تریوه تنه پوری تخصیص نه لری ، بلکه ډېر خلق پکښ ځان شریکولی شی دنمیکی نمونه داده :

❀ ❀ ❀

سورکی پیزوان دې په کنډو ختلی نمردی چاویل چه مازیگر دی

« ۱ »

منگی دې کیده خو له دې را که « چاویل چه مازیگر دی »

مورته دې وایه چه په پوله ولو یدمه

« چاویل چه مازیگر دی ، سورکی پیزوان دې په کنډو ختلی نمردی » .

مور به داسی راته وائی « ماویل چه مازیگر دی »

منگی دې روغ په خوله دې راوړه پرها ورنه

« چاویل چه مازیگر دی ، سور کې پیزوان دې په کنډو ختلی نمردی . »

مو رته دستی جواب و وایه « ماویل چه ماز یگر دی »

منگی په ختې زه په گټه ولویدمه

« ماویل چه مازیگر دی » سورکی پیزوان دې په کنډ وختلی نمردی ، ماویل چه مازیگردی

❀ ❀ ❀

پدی پورته نیمکی کښ سرفقط هم دومره دی : « سورکی پیزوان دی په کنډ وختلی نمردی چاویل چه مازیگردی » . اوباقی ورسره په مینځ کښ ټکی لویږی لکه چه په پورته مثال کښ ټکی داده

« منگی دی کیده خوله دې راکه مورته دې وایه چه په پوله ولویدمه »

دنیمکو سرددې وزن نه په غیرپه نورووز نونوهم راځی ، مگردجوړولوقاعده ئی هم داوه !

۸ بدله :

داتسمیه یادا نوم هم په پښتنو کښ مشهور دی ، او ټول پښتا نه ئی استعما لوی . مگر په

(c) ketabton.com: The Digital Library

استعمال کښئی څه نه څه فرق شته دی بدلې لکه دلنډیو یادغزلو پشان یوه خاصه نوعه نه لری . بلکه یوعام لفظ دی چه په ټولو اقسامو اودپښتو په ټولو اشعارو ئی اطلاق کیږی دقندهار په اصطلاح کښ بدلی خاص دښځو آوازونوته ویلی شی یعنی په کم ځای کښ چه ښځی لوبی وائی ، نوخلق وائی چه په فلانی ځائکښ ښځی بدلی وائی . که څه هم دوی هرقسم اشعار لنډی- یاغزلی- یاداسی نور وائی ، مگر ددوی په آوازونو اواشعار وویلو دبدلو اطلاق کیږی دقندهار په اصطلاح کښ دنارینه و آوازونوته بدلی نشی ویلی ، یعنی داسی څوك نه وائی :

چه په فلانی ځائکښ سړی بدلی وائی . اودجنوبی اودمشرقی اودځینو نورو پښتنو په اصطلاح کښ دبدلو اطلاق عام دی . هم دښځو آوازونوته بدلی ویلی شی اوهم دنارینه ؤ ! ددوی په اصطلاح کښ داد واړه محاوری موجودی دی .

داسی هم وائی چه سړی بدلی وائی ، اوداسی هم وائی چه ښځی بدلی وائی . بدلوته پدې نسبت بدلی وائی ، چه دبدلو مصداق عام دی ، اودشعر په ټولو انواعوئی اطلاق کیدی شی نوهرکله چه مصداق اومسمی ئی عامه اوپیل پیل اقسام شول ، نوباید چه اسم ئی هم یودغسی اسم وی چه دمصداق اومسمی سره موافق وی .

۹ لوبی :

په لوبه کښ دیری اصطلاح ګانی موجودی دی . په ځینو اصطلاح ګانو کښ لوبه لکه دبدلو یوعام نوم دی ، اوداسی یو وه خاصه نوعه نه لری . بلکه په ټولو اشعارو ئی اطلاق کیږی . مثلاً وائی چه په فلانی ځائکښ لوبی ویلی شی ، یا په فلانی ځائکښ ښځی لوبی وائی . دا اصطلاح په قندهار اوجنوبی کښ نشته دی . بلکه دادکوزې خواد پښتنو اصطلاح ده اوپه ځینو اصطلاح ګانو کښ لوبه هم لکه دبګتو اودغزلو یوخاص نوم دی اودشعر په یوه خاصه نوعه ئی اطلاق کیږی .

یاپدې کښ هم دوه اصطلاح ګانی دی په یوه اصطلاح کښ دلوبی اودنیکی- هیڅ فرق نشته دی بلکه دواړه یوشی دی . اوهغه نیکی- چه مخکښ تیره شوه ؛ دغې ته بعینه لوبه هم وائی لکه چه د ګرافون په بعضی رکاټونوکښ دنیکی- په دول رکاټونه شته دی چه لو به ئی ورباندی لیکلې وی .

اوپه بله اصطلاح کښ دنیکی- اودلوبی په مینځ کښ هم فرق شته دی . هغه دادی چه دنیکو په مینځ کښ ټکی- را لویږی ، اودلوبی په مینځ کښ ټکی نه رالویږی بلکه علیحده دلنډو لنډو مصرو بندونه لری . سرئی دنیکی- پشان وی ، اوپه مینځ کښ ئی دټکیو نه په غیر نور بد و نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

راوړلی شی . اودهربند آخره مصرهئی دمطلع سره په قافیه کښ موافقه وی ، اودمطلع هغه لنډه مصره هم ورسره تکراریزی دلوبی نمونه داده :

(۱) دحکم جانی خلق ډیر، ډیر صفت کوی تـو ری سـتـر گـی خمـا ری

حکمه ئی سیند ته کړه گذاره ، یائی پرې تیزی کړې انبار ، چه راؤ نه وځی دوباره ،
تقدیر له گوره چه اوبو ، ابوکړ سرسری ، تورې سترگی خماری ،

❀ ❀ ❀

هغه اولئی سردی اودادویمئی بنددی په لوبه کښ دسر دویمه مصره یعنی هغه لنډه مصره ډیره تکراریزی ، اوپه بگتیو کښ دسراوله مصره زیاته تکراریزی .

۱۰ سندری :

داتسمیه یادانوم هم په پښتنو کښ مشهور دی اوا کثره پښتانه ئی استعمالوی سندری هم لکه ډبدلو یوعام نوم دی ، اوکمه یوه خاصه نوعه نه لری . دسندرو او ډبدلو فرق صرف دومره دی ، چه ډبدلو اطلاق په یواعتبار سره دسندرونه هم عام دی ځکه چه سندری یوا ځی ډښځو آوازونو اولوبو ته وائی ، او بدلی دنارینه وآوازونو ته هم وائی ، اودښځو هغې ته هم ! دسندرو اصطلاح یوا ځی په مهمندو اوبا جوړ کښ وجود لری اوپه بل محیط کښ دا اصطلاح دومره مروجه نه ده ، او بالفرض که په نورو ځایو نو کښ هم دا اصطلاح مروجه وی؛ وی به؛ مگر پدې خاصه معنی باندې می یقین نه راځی. چه په بل محیط کښ پیداشی. څرنگه چه د قندهار خلق ډښځو آوازونوته بدلې وائی؛ اودنارینهؤ آوازونوته غزلی وائی، دارنگ داخلق ډښځو آوازونوته سندرې وائی اودنارینه ؤ هغی ته یا بدلې وائی اویا لوبی! دمهمندوپه محاوره کښ داسی ویلی شی؛ چه ښځی سندرې وائی، اوداسی نه شی ویلی چه فلانی ځائ کښ سړی سندرې وائی، دسندرې اود بدلې په فرق هغه سړی پوهیږی؛ چه د اهل زبانو څخه وی، اوتقریباً دهر محیط داصطلاح نه خبروی. ځینی خلق ملی ترانې ته «ملی سندره» وائی مگر پدې تسمیه باندی بعضی خلق دا اعتراض کوی، چه سندره خودښځو آوازو نوته ویلی شی؛ نودملی ترانې سره دسندرې څه مناسبت دی؟ مگر ځما په خیال دا تسمیه به ډیره غلطه نه وی ځکه چه ډښځو آواز ونوته سندره دیو نزاکت اولطافت په لحاظ ویلی شی، نوکه یوه داسی ملی ترانه وی؛ چه په هغی کښ یو قسم نزاکت اومعنوی حسن او لطافت پروت وی اوهغې ته ملی سندره وویلی شی؛ نوبده خوبه نه وی. ځکه چه دسندرې نوم، دهغه خاص اطلاق په واسطه سره یوقسم لطافت لری ؛ چه هغه لطافت دبدلو او دلوبو په لفظ کښ نشته دی. نو پدې لحاظ ملی ترانې ته ملی سندره ویل ځما په خیال دملی لوبی اوملی بدلې نهښه معلومیږی دشعر دیاره دملی

(۱) دجناب امین الله خان زمریالی مقاله دشپاړسم کال په سالنامه کښ .

(c) ketabton.com: The Digital Library

سندري نوم اینبودل، یاشعرته ملی‌سندره ویل‌څه بداومستهجن امرنه دی. هو! دسړو آوازونو او غزلوته سندري ویل، لږ دمحاوری نه خلاف معلومیږي !

خاصه اصطلاح :

دلته‌یوه خبره کول‌ضروري، هغه داده چه دخاصی اصطلاح څه معنی‌ده اودعامي‌اصطلاح څه معنی ده؟ دخاصی‌اصطلاح معنی‌داده چه دشاعرانو او ادیبانو په با سواده طبقه کښ جاری وی. اوعامه اصطلاح هغه ده چه دشاعرانو په ناخوانه اوبي سواده طبقه کښ مروجه وی،دا طبقه دهغه ملی اصطلاح ګانو څخه په غیرچه محکښ ذکر کړی شوي؛ دنورواصطلاح ګانوسره بلدیت نلري. بالعکس خاصه طبقه هم یعامو اصطلاح ګانوخبردی اوهم په‌خاصواصطلاح ګانو! دعامی اصطلاح علم ئی‌دپښتنو دمحیط نه اخستی وی اودخاصی اصطلاح علم ئی د خپل سواد په کومك سره لحانه حاصل کړی وی. مګر داورستنی اصطلاح ګانې چه دپښتو په ادیاتوکښ‌را ننوتې‌دی، اودپښتنو شاعرانو باسواده طبقی پکښ ډیر اشعار ویلی دی ؛ اکثره د عربی او دفارسی دادیاتو څخه اخستلې شوي‌دی، اودعربی اود فارسی رنګ پرې پروت دی ، لکه مخمس، مسدس، مستزاد، یاداسی نورچه په پښتوکښ ویلی شوی‌دی؛ دانو ع اشعار یا داتسمیه په عامو پښتنو کښ نشته اوبه مخمس ، اومسدس پیژنی، بلکه دانومونه دپښتو لخینی ادیانو دبلی‌ژبی نه پښتو ته راګډ کړی دی. په هرصورت اوس خولازمه ده چه څه نه څه بیان ئی وکړی شی او دپښتو داشعاروپه خاصو اصطلاح ګانو هم رنا واچولی شی.

۱ - مربع :- مربع یوداسی شعر دی چه دوزن او آهنګ په لحاظ دغزل یاد رباعی په رنګ‌وی، مګر فرق‌ئی دقافیی اودیوڅصوص اسلوب پواسطه سره کیدی شی هغه دادی : چه مربع داول نه ترآخره پوري څلورڅلور مصرع، یعنی دوه دوه بیته ویلی شی اودومبی‌څلور واړه مصرې په یوه قافیه بنا کیږی، او ورسته به بیا دري مصري‌متحدالقافیه، اوڅلورمه مصره په ئی داول بند په قافیه سره ویلی شی داسلسله به پدې ډول تر آخره پوري جاری‌وی، مګر دمربع دویلو طریقه داده : چه کم وخت چه څلورمې مصري ته راورسیږی نوهغه اول بیت‌هم ورسره تکرار ولی‌شی ځکه چه داڅلورمه مصره په قافیه کښ ورسره ربط لری نوباید چه‌په ویلو کښ هم ورسره ربط ولری. دمربع نمونه داده : خوشحالخان خټك وائی :

« ۱ »

دریغه‌یامی دوه په دوه ویلی‌رازوی لا یو راز ویلی نه ، دبل آ غاز وی
ستاله لوری واړه ناز لما نیاز وی په مزه مزه خوا زه ویل باز باز وی

« ۲ »

همیشه په هغه خوی کښ چه دي خپل ؤ هغه خیال چه دي دزلفو داور بل ؤ

(c) ketabton.com: The Digital Library

داخسته خاطر می هسی لکه تل ؤ　　فراغت یغمه تاسره د م سازوی

« ۳ »

چه به تا پیاله د میو راکوله　　ستا دشونډو د بوسی سره می خښله
زه مست وی ته هم مسته لا یعقله　　می خوری دې په سر تورګرایوانی وازوی

« ٤ »

له همه وا یه عالمه ور تر لی　　ستا له لاسه دما دم باده خوړلی
صراحی راته خندا کړی شمع ژړلی　　په جهان کښ خودادوه توکه انبازوی

« ٥ »

ښه آواز که دبربط دموسیقار دی　　یاد چنګ دمغنی یاد مزمار دی
درباب دچاری تاریادبل تاردی　　مه وی داستا دچراوو ښوآواز وی

« ٦ »

دوصال په کامرانی می دسترس وی　　لکه وه تر هغه مینه یوپه لس وی
په نیکخوا باندې ښادی هواهوس وی　　په دیرغم کښ چهره زرده دغمازوی

« ۷ »

چه ګی ولیدې دیار په خط وخال کښ　　په هزار رنګه خوشی ګی په وصال کښ
هومره غم یلتانه کینبود په خوشحال کښ　　مه یلتون وی مه ګی داسوزوګدازوی

❀ ❀ ❀

۲ مخمس :- مخمس دوزن اودآهنګ په حیث دمربع سره هیڅ فرق نلری بلکه یوشی دی . کم وزن اولهجه چه مربع لری هغه مخمس هم لری ، مګر صرف فرق دومره دی چه مخمس دپنځو مصرو یعنی ددوه نیمو بیتو نو څخه شروع کیږی اومربع دخلورو مصرونه شروع کیږی څرنګ چه دمربع خلور اولی مصرې په یوه قافیه ویلی شی ؛ دارنګ دمخمس پنځه اولی مصرې هم په یوه قافیه سره ویلی شی ، او ورسته به یاد هر بند خلور مصرې په خپل مینځ کښ په یوه قافیه سره رالحی اوپنځمه مصره به ګی داول بند په قافیه سره ویلی شی . داسلسله به تر آخره پوری جاری وی . اوخرنګ چه په مربع کښ دخلورمی مصرې سره اول بیت تکرار ولی شی . دارنګ په مخمس کښ هم دپنځمی مصرې سره اول بیت تکرارولی شی . دمخمس نمونه داده خوشحال خان خټك وائی - :

وعاشق ته دوه قدمه بحرو بر دی　　نه ګی گردپه لمن پروت نه دامن تر دی
په فریاد ناړې وهی په نارو سردی　　چه دعشق په ګرانه لار کښ دیرخطردی

هر قدم چه پکښ اخلی دارد سردی

(c) ketabton.com: The Digital Library

عاشقان دستاد خولې په جامې سپینې　　قلندر دی نه لباس جا مې رنګینې
اندرون می واړه پرشه درست په مینې　　که سینه می سره چاك کړې وبه وینې
چه می ستاله غمه وینی درست جگر دی

نتیجه ئی سوړ سوړ آه سپینی اوبه وی　　آ بلـه دنته زړه لیمه ئی سر ه وی
مشقت ئی هم په ځان هم ئی په زړه وی　　زه خبر نه یم له عشقه چه عشق څه وی
هومره اورم چه له حسنه ئی اثر دی

دبلبلو خوشحالی وی په گلزار کښ　　دعاشق دزړه خوشی وی په دیدار کښ
څوبه عمر تیروم په انتظـار کښ　　صبر مه غواړه لما دعشق په کار کښ
جودانه صبر پماباندې لوی غردی

اول مینه دیوسف دزلیخا وه　　بیا د پسه دمجنـو ن او دلیلی وه
له هغه پسه د وامق او دعذ را وه　　عا شقی لا ز ه ته نه وو چه پید ا وه
نه چه ماوتا گډ کړی داهنر دی

که پلو له څـه لرې محبو بـا کا　　ید لا ن به پرو انه په خپل لقـا کا
تل لما سره فتنی جنگ و غو غا کا　　خو څما طا لع شه نه دی یار جفاکا
گنړه کوم یوپه وفاتر مابهتر دی

یوزمان می خالی مه اوسه لـه خیا لـه　　په خوله گونگ اوسه دعشق له قیل وقاله
په نا له دې که بتر شی تن تـر نـا له　　د عشق غم له خلقوپټ لر ه خو شحا له
څه ئی پټ کړم چه عالم څینی خبر دی

❀ ❀ ❀

۳ ــ رباعی :

دانوم اگر که په عامه اصطلاح کښ یووار راغلی دی ، مگر هلته په بله معنی و او دلته په بله معنی دی ، درباعی اطلاق په خاصه اصطلاح کښ په دوو بیتو نو باندې کیږي ، رباعی خانخا څلور مصرې یعنی دوه بیته وی اوله دوه بیتو نو څخه زیاته نه راځی . درباعی داول بیت مصرې په قافیه کښ دیوبل سره برابرې وی رباعی دقافیی په لحاظ دغزل په رنګ د ه ، یعنی چه اول بیت ئی په یوه قافیه بنا کیږی او ددویم بیت دویمه مصره ئی یاد اول بیت سره په قافیه کښ شریکه وی ، په رباعی کښ اوږ دمضمون نه شی اداکیدی ، بلکه رباعی لکه دلنډیو هره یوه څانله څانله دیلو یلو معانیوقالب وی اوپه هره یوه کښ یوه لنډه اوکوتاه معنی اداکیږی. درباعی نمونه داده ، خوشحال خان خټك وائی ـ:

زه دې کباب کړم ، خدای دې کباب کړه　　غلیم خو نه ئی څه خو حسا ب کړ ه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نه دې وفا شته ، نه دې جفا شته — نا کسه درومه خدای دی خراب کړه

❀ ❀ ❀

یوچه ډیر خوری سو گندو نه — بل چه ډیر کاندې پور ونه
آشنائی ور سره مکړه — دبې پت دی دا خویو نه

❀ ❀ ❀

ښکلې دلبره ، دڅور لس کالو — خوله ئی خوشرنگه ، حقه دلالو
راغله زرولاړه ، ځمازړگی ئی — یوووړ په دواړو ، سترگو ملالو

❀ ❀ ❀

٤ قطعه ـ:

قطعه په وزن اوپه آهنگ کښ درباعی په شان راځی . مگر فرق دومره دی چه رباعی ددوو بیتو نوڅخه زیاته نه راځی او قطعه دوه بیته هم وی او ددوو بیتو نوڅخه زیاته هم وی اوبل فرق دا دی : چه دقطعې داول بیت اوله مصره ددویمې مصرې سره په قافیه کښ برابره نه وی . اودرباعی داول بیت اوله مصره ددویمی مصری سره په قافیه کښ برابره وی دقطع ددواړ وبیتو نودو یمې مصرې په قافیه کښ سره موافقی راځی ، قطعه غالباً درباعی په ډول دوه بیته وی اوکله ددوو بیتو نوڅخه زیاته درې یاڅلور بیته هم راځی مگر دقافیی په لحاظ ئی هم دغه مخکښ قاعده ده . قطع ته قطعه ځکه وائی چه دا دغزل یا دقصیدې یوه ټوټه ده . دقطع نمونه داده خوشحال خان خټك وائی :

❀ ❀ ❀

چا په وخت دځنکدن ووې مجنون ته — وخت آخر دی په زړه یادو لره خدای
ده وې زړه می دلیلی په یادو پور دی — پکښ نشته دی دنو رویادو ځای

❀ ❀ ❀

اند یښنه که په غره کیږ دې — غر به هم لکه ویښته کا
خو ار سړی ملامت نه دی — که په غم کښ ځان اوبه کا

❀ ❀ ❀

چه هاتیان ساتی پیدا که لویه خونه — چه هاتیان پرې ننو ځی هسی ور
گیدړ هرچرته خپل وخت ساعت بدل کا — لوی ځنگل بو یه زمری لره یاغر
لوی نهنگ لره عمان وقلزم بو یه — په بیله کښ ئی تمام شی اوبه خور

(c) ketabton.com: The Digital Library

❀ ❀ ❀

۵ مسدس:-

مسدس هغه شعر ته وائی چه هر بند ئی شپږ شپږ مصرې وی او داول بند ټولی مصری ئی په یوه قافیه ویلی شوی وی او بیاد هربند شپږ مه مصره داول بند دقافیی سره موافقه وی دمربع اومخمس‌او مسدس په مینځ کښ فرق صرف دومره‌دی چه دمربع هربند خلور مصرې وی اود مخمس پنځه مصرې وی او دمسدس شپږ مصری وی. نور دقافیی اودوزن اوآهنګ په‌لحاظ هیڅ فرق نلری، مګر کله دمسدس اطلاق په هغه نظم هم کیدی شی‌چه خلور مصرې ئی‌په یوه قافیه وی اودوه مصرې ئی‌په بیله قافیه ویلې شوې وی یعنی په هر صورت دشپږ ومصر ولحاظ پکښ پکاردی. دمسدس نمونه داده خوشحال خان خټك وائی:

❀ ❀ ❀

مکړه رخدې ندې دغمزې په‌تیغ خونه — خون دعاشقانو خون بهالری لکونه
ته‌چه راښکاره شی په‌ور بل ایښی ګلونه — نرنا حقه‌لافی دښائست کانورې جونه
ته‌چه په‌ګلرنګه جامو درسته شی ګلګونه — سرې لنمبی کړې بلی‌دحیران‌عاشق په‌خونه

(۲)

خوله دې غنچه ګل‌ده تیار یږی شګفتن ته — تور بانړ و نیزې لرې د زړو نو وسفتن ته
مه پر یږ د ه ز لفبن په مذ ا رو آ شفتن ته — ورځ د عا شقانو نڅ د ې کیږ ی و خفتن ته
ته چه پلو و ا خلې د جمال و نهفتن ته — ولی هسی‌کار کړی چه‌بی‌اوره سیزې زړونه

(۳)

ورځی‌د ې‌محراب دی دعاشق‌ورته‌سجوددی — مخ‌دې‌سپین‌کاغذدی‌داخط‌ښکلی‌پرې‌ودوددی
خال دې‌چه دورځو په پیوند باندې نموددی — واړه د آ هو نو په لو ګیو تور کبو د د ی
درست دې سرتر پایه‌نلداره سره وجود دی — و نه د جا ئفلو واړه ګنج و ږ ی و یخو نه

(٤)

نازدې عاشق‌کش‌واوس‌دې‌خال‌باندې‌زیاتی‌شه — رنګ‌دې ودانی‌کاخوی‌دې خیرپه ویرانی‌شه
تا ګیسو پریشان‌کړه درست‌جهان په پریشانی‌شه — تاچه مخ ښکاره‌کړودرست جهان په حیرانی‌شه
خلق ځان ځانی شه د خپل ځان په آسانی‌شه — څوك دی چه به اخلی د خوشحال خټك غمونه

❀ ❀ ❀

٦ ــ مثنوی:

مثنوی هم د شعر د انواعو یوه نوعه ده. او د شعر په انواعو کښ دا نوعه ډیره عامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

او آ سانه د ه ؛ مثنو ی هغه نظم ته وائی : چه هر بیت یی په جدا جدا قافیه و یلی شو ی وی اوهر یو بیت یی مقفی و ی . د مثنوی بیتونه د قافې په لحاظ د یو بل سره هیڅ ر بط نلر ی بلکه هر یو متفاوت او په بیله بیله قافیه و ی د مثنو ی تعداد څه معلو مه اندا زه نلر ی ، په هره اندازه لږه وی که ډیره ؛ د مثنوی اطلا ق کیږ ی . د پښتو ځینی قصی او حکا یتو نه ، رومانونه ، اکثره په مثنوی کښ لیکلې شوې د ی ، ځکه چه دانوعه د هرقسم او زداو وسیع مضمون د پاره مستعده ده . او په نوروانواعو کښ دلوی اواوږ د مضمون راوستل مشکل دی د مثنوی یو بیت ته «فرد» یابیت وائی . د مثنوی نمو نه داده خوشحال خان خټك وائی :

❀ ❀ ❀

د هر چا سر ه چه یو نفس قر ین شو م — د هغو له خو یه بو یه په ز ړه شین شو م
زړه می خو ښ په هیچا نشو په عا لم کښ — له عا لمه سره ز یست کړ م په ډ یر غم کښ
خو د سو د له مخه خوك راسره یار شو — چه ئی خپل مقصود پوره شو نو و یز ارشو
هر چه تا سر ه یاری کا نه یا ران د ی — همګی واړه لړ م د ی یا مار ان د ی
زامن واړه د زړه رنځ د خپل با با د ی — لو نه کل د زړه ژ و ر ې د ما ما د ی
که دې یار دی که دې خویښ دی که دی ورور دی — دخپل ځان دی ، دخپل سود دی دخپل کور دی
تش د خو لې لباس مباس د ی سره کیږ ی — د هر چا خاطر خپل سو د و ته پر کیږ ی
د راحت په و خت سل لا فی د یار ی کا — د محنت ساعت چه را شی و یزاری کا

۷ ــ قصید ه :

قصیده هم د شعر یوه فراخه نوعه ده ، په قصیده کښ اوږ ده اوږ ده مضامین و یلی شی له قصیدې نه د شاعر د طبیعت زورمعلومیږی ، د وزن اودآهنګ په حیث قصیده د غزل مرتبه لری اودتولی قصیدې قافیه داول بیت په مصرو بنا کیږی ، قصیده په هره ژبه کښ علیحده اندازلری ، په عربی کښ دلسو بیتو څخه په پورته تولو ته قصیده ویلی شی ، اوپه فارسی کښ قصیده دپنځه ویشت بیتونو څخه کمه اودیوسلو اویاونه زیاته نه وی ، اوپه پښتو کښ دشپاړس اولس بیتونو څخه کمه او د یوسلو اویاونه زیاته نه وی . په عربی کښ نسبتً نورو ژبوته قصیدې ډیرې دی او د عربی اکثر اشعار دقصیدو په رنګ ویلی شوی دی . په پښتوکښ قصیدې یوائی خوشحال خان ویلی دی ، او دنورو شاعرانو په دیوانونو کښ قصیدې نه معلو میږی . خوشحال خان په خپل دیوان کښ قصیدوته لویه حصه ورکړې ده اوپه پښتوکښ ئی دانوعه ډیره فراخه کړې ده ، دقصیدې نمو نه داده خوشحال خان خټك وائی :

❀ ❀ ❀

په پښتو شعر چه ما علم بلند کړ — د خبر و ملك می فتح په سمند کړ

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدعی دتورې شپې او را ور کی و — دسهیل غوندې می ځان باندې څر گند کړ
راز دزړه ننه ساته نشی په زړه کښ — په ساته کښ ئی استا ذو ماته پند کړ
یو په حال او په ماضی کښ هسی نه و — چه ښکاره ئی دخبرو راته خوند کړ
د مرزا دیوان می وما نډه په گوړی — مسخره می ارزانی خویشکی زمند کړ
که «دولت» و که «واصل» و که دانوروو — په خبرو می د هر یوه ریشخند کړ
قتلمې می ورته سازې کړې دقندو — داوربشو په ډوډی چه چابه شخوند کړ
لعل و در می ورته و پیل د نظم — د مشکنو بنجاره می مستمند کړ
هرکلام می واردات او یاالهام دی — چه موزون می په تقطیع د بحربند کړ
په تشبیه او په تمثیل په نزاکت کښ — عذوبت می دخبرو چند در چند کړ
په تازه تازه مضمون د پښتو شعر — په معنی می دشیراز او د خجند کړ
دبوستان ونی می واړه پیوندی دی — حقیقت می دمجاز سره پیوند کړ
نه اندوه دمدح وذم نه هغه کس یم — چه دزړه په زور می شعر چاپسند کړ
په پارسی ژبه می هم ژبه گویا ده — په پښتو ژبه می خلق بهره مند کړ
دجاهل په برخه تل سر ښورل وی — آفرین می په خبرو دانشمند کړ
یابه درست په حسد ډك یابه جاهل وی — چاچه زړه پدا خبرو ناخورسند کړ
جاهلان لکه کارگه گندگی خواردی — شنو طوطیانو به دزړه مهر په قند کړ
نه‌می سود نه‌می مقصود شته‌پدا کارکښ — محبت ځما په غاړه دا کمند کړ
که نور سودله شعره نلرم دابس دی — چه حاسد می دحسد په اور سپند کړ
چا ځما مړوند ټینگ نکړ پداکار کښ — مادهر سړی نه‌خلاص په زور مړوندکړ
هم‌دې زاردی هم‌دې سخ‌که فهم‌وکړې — زړه چه تادشاعر ئی په کار پسند کړ
سخ دې داچه سخندان دزمانی شوې — زار دې داچه دې په‌فکرزړه نژند کړ
ترقیامته به یادیږی په جهان کښ — هرسړی چه خدای په فضل ارجمند کړ
عشقه ته‌تر اورنگ‌زیب پادشاه بهترئی — چه‌خوشحال‌دې په‌عالم کښ سربلند کړ

❀ ❀ ❀

۸ ترجیع بند :

ترجیع بند داسی اشعارو ته‌وائی چه‌دغزل په‌طور پنځه یااوه یانهه بیته وویلی‌شی اورسته بیا شپږم یااتم یالسم بیت‌په‌بله قافیه راوړلی‌شی ، چه‌داولو بیتونونه په معنی‌کښ هم‌مختلف‌وی اوپه‌قافیه کښ‌هم . اوبیاپدې ډول‌دهرو پنځو یااوویا نهو بیتونو څخه ورسته هم دغه‌بیت تکرار ولی شی ـ په‌ترجیع بندکښ هریوبند اکثره طاق راځی . یعنی یاپنځه ، اویا اوه ، یانهه ، بیته‌وی ، اوپه‌هغه

(c) ketabton.com: The Digital Library

بل بیت سره چه ددی بندونو په میځ کښې راوړلی شی ؛ جفت کیږی . مگر سره ددې هم د دې پوری تخصیص نشته دی ، کله د ترجیع بند بندونه جفت هم وی لکه چه پدې روستنی مثال کښې معلومیږی . د ترجیع بند بندونه غالباً د پنځو اولسو بیتونو په مینځ کښې وی ، اگرچه د خوشحال خان په دیوان کښې ترنولسو بیتونو پورې هم یو یو بند راغلی دی . دا نوعه شعر د پښتو په دیوانونو کښې کم دی ، یو د خوشحال خان په دیوان کښې ئی نمونه راغلی ده . لکه چه وائی ،

❀ ❀ ❀

ستا له لوری که هزار جور وجفا وی — له عاشقه به په سل رنگ وفا وی
په عاشق باندې معشوقه عنایت کا — ستا مدام په خپل عاشق باندې عناوی
ښه ما و منل چه ته بیحد زیبائی — په جهان به کم څوك تاغوندې زیباوی
ولی خدای چه ښه جمال وچاته ورکا — نه په داچه دی بی مهره کبریا وی
که قضا پما زړه سوی کا هم به ؤمرم — که یو څو ورځی دې جنگ اوفتنی داوی
که تل ماسره غوغا جنگ وجدل کړې — خدای دې نکا چه لتا به تله ځما وی

ستاد در په خاورو پروت بیقدره ښه یم
په بل لوری که په تخت کینم ښه نه یم

(۲)

زه چه تل ژړا زاری کوم وتا ته — ته هم کله کله غټ و گوره وما ته
دا همه واړه ځما دبخت اثر دی — گڼه تا کله ترخه ویل وچا ته
چه په حسن په جمال ترنورو زیات وی — په هغه باندې دزړه مینه وی زیا ته
که جفا کړې که ستم کړې که عتاب کړې — هر څه ستا پرما خوازه دی ترنبا ته
زه چه ؤمرم څه به بل سره جفا کړې — جگی جگی لا ژو ندی یم ستا جفا ته
ستا په کوې کښې لکه پروت یم پروت به اوسم — عهد قول ځما هم دا دی تر مما نه

ستاد در په خاورو پروت بیقدره ښه یم
په بل لوری که په تخت کینم ښه نه یم

(۳)

در قیب په ویل مه وژنه ما یاره — د یاری حق پتا گڼم بیشماره
که می وژنې بل گناه پما ثابت کړه — چه را ښه در قیب زړه نشی یکباره
که زه ستا له لاسه ؤ مرم بختو ریم — خو وینا ده در قیب پما دشوا ره
ستا دمخ محبت هسی پما ډیر دی — لکه مینه د بلبل په گل بسیا ره
تل جفا دښا ئسته ؤ سره مل وی — په جهان کښې هیڅ گل نه وی بې له خاره

(۱) دا ترجیع بند اوه بنده ؤ مگر دلته درې بنده نقل کړی شو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

که ته هرځو جفا کار اودل آزار ئی زه خوشحال به دې لاړ نشم له دلباره
ستاد در په خاورو پروت بیقدره ښه یم
په بل لوری که په تخت کینم ښه نه یم

۹ ــ ترکیب بند :

ترکیب بند هم دترجیع بند غوندې قاعده لری، چه پس دهریوبند نه یویویت دفصل‌په‌طور را ودلی‌شی. مگر فرق صرف دومره دی چه په ترجیع بند کښ هم هغه یو بیت فاصل واقع کیږی چه دمعنی اودقافیی په لحاظ پکښ څه تغیر نوی. اوپه ترکیب بندکښ بیل‌بیل بیت فاصل واقع کیږی، چه هم په معنی‌کښ دیوبل نه جداوی اوهم په قافیه‌کښ، ددې نه په غیرپه ترکیب بند اوترجیع بند کښ نور څه فرق نشته دی، هلته هم دپنځو یا اوویاد نهو بیتو نوخځه ورسته یویویبت فاصل واقع کیږی اودلته هم. ددې دواړوفرق دمثال نه ښه معلومیږی. دترکیب بند نمونه داده خوشحال خان خټك وائی :

« ۱ »

د ل آرامه که ځما د درد دوا کا سکه اول دې هم د مهرد وا را کا
د دلدارو هوا دا رله درد او دو که د ما دم له آ ه سرد سره وا وا کا
د وصال سودا سودا د سرو مال ده هر گدا کله دا سود او دا سو دا کا
د آدم د آ ل او لاد سره کل مکر که د دوررسم هم داؤاوس هم دا کا
د رومه د رومه گله مکوه له در ده کله کله دور هم مړا دا دا کا
د ملو کو مهرو گوره له اصله
کله دوی دمړد مړادورکړه له وصله

« ۲ »

تا چه کړی له هر چا سره یاری د ه ښکاره کړې دې له یاره طراری د ه
ته چه ځان‌گنړې دلداره ای دلدار ه کله چا لتا لید لې دلدا ره د ه
ستا دقهر طا قت هیڅ را سره نشته راشه قهرله زړه لرې که زاری د ه
داچه کله عاشق خاندی کله ژاړی دا ئی تلـلې له خا طره قراری د ه
که دسر ښنده نه گرانه تر هرخه د ه چه له یاره سر ساته شی اغیاری د ه
ته چه سرساتې له یاره اغیاری کړې
شیرین‌ځان ترآشنازارکړه که‌یاری کړې

دا ترکیب بند پنځه بنده (پتی) ؤ مگر دلته درې بنده نقل کړی شو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

«۳»

زه زائریم ځانه ستانه تل تر تله — تر تا ځارشم ځانه ډیر ښه ئی تر بله
چه ده غم په گزه دې زه زهیر شهید یم — تل تل خانده تل تل خانده ته قاتله
چه تل تل په قهقه خاندې زهیر یږم — چه بی نرخه تو یوې د خوږو تله
یو په شله ښائسته تر جو نو خانه — تا به ستایم تا به ستایم یو په شله
ته جانا ترو تازه تر نسترن ئی — زه زهیر خسته جلیایم تر بلبله

تر بلبلی جلیا زه زهیر خسته یم
چه بلبله په غوغا زه فم بسته یم

۱۰ ـ مستزاد :ـ

مستزاد هم داشعارو یوه نوعه ده ، مستزاد هغه شعر ته وائی؛ چه یوه مصره ئی او زده وی اوبله ئی لنډه وی ، اودادواړه دیوبیت پمنزله حسابیږی ،دمستزاداندازه یوپوره بیت ته رسیږی مگر خبره دومره ده چه په مستزاد کښ اوله مصره اوږده اوبله ئی ډیره لنډه وی اوپه نورو اشعاروکښ دواړه مصرې په یو برابروی .دمستزاد اوږده اولنډه مصره دیوبل سره په قافیه او ردیف کښ برابره وی ،ځکه چه دمستزاد دامستزاده برخه هم لکه دیوې کاملې مصرې ده نو بائیده دی چه په قافیه کښ داولې مصرې سره موافقه وی . دمستزاد هر یوبیت دغه لنډه مصره په آخرکښ لری ، لکه چه داورباندې زیاته کړې شوې وی اومستزاد هم ورته پدې نسبت وائی.

دمستزاد اول بیت چه په هره قافیه وویلی شو؛ هغه نوداسی دی لکه دغزل یادچاربیتی سر؛ چه دهر بیت نه ورسته دویم بیت به هم بدغه قافیه سره تکرار یږی .

دمستزاد په مطلع کښ شاعرمختار دی چه په یوه بیت باندې قافیه بناکوی اوکه نه دوه بیته اول په یوه قافیه باندې وائی ،په مستزادکښ غزل اوچاربیتی دواړه راتلی شی مگردومره به وی چه دغزل دبندو نو مصرې به لږې وی اودچاربیتی هغه به ډیرې وی .په عامه اصطلاح کښ مستزاد ډول شعرته غزل یاچاربیته وائی ، ولی چه دوی مستزاد نه پیژنی اونه په عامه اصطلاح کښ دمستزادنوم شته دی .

په اوسنی اشعاروکښ دمستزاد نمونې ډیرې دی ، اوډیر اشعار دمستزادپه ډول ویلی شوی دی ، مگر په پخوانو دیوانونو کښ ماکه هرڅومره کوشش وکړوخو دمستزاد نمونه می پیدا نکړی شوه . دمستزاد نمونه داده ، قیام الدین «خادم» وائی :

❀ ❀ ❀

دزړه وینی پټې زړه کښ خورم لکه لالا — سود نکه وا ویلا
په زرسترگو بینا فلك می نه وینی ژړا — لوند مخ می هر صبا

(c) ketabton.com: The Digital Library

❀ ❀ ❀

بلبل لحما له حا له خبر نشو نـه قمری — نـه هغه کبك دری
بیا نه موند غم شریك می په گلشن نه په صحرا — سو د نکه و ا و یلا
دزړه غوټی می پرانسته شمال ته صبائی — په شا ن د سو دا ئی
په نازرا باندې تپر شوهیخ ئی ونکړه پروا — سو د نکه و ا و یلا
کتاب دزړه می پانې نه دی لکه دگل — داغونه دی پرې سل
راتول بی کله کاندی یې رته هغه مسیحا — سو د نکه و او یلا
گلشن می ولی بولی لیونی که سودائی یم — یا خوښ په تنها ئی یم
په خپله زه علا ج یمه مرض ته دسو دا — سو د نکه و ا و یلا
په زړه کښ لکه شمعه هسی سوزمه له اوره — «خاد مه» راته گوره
دستر گو دعبر ت دپاره زه یمه رنړا — سودنکه واویلا

❀ ❀ ❀

۱۱ — مسبع :

مسبع یوداسی شعر دی چه هر یو بندئی اوه مصرې وی ، د مسبع اول بند یعنی اوه واړه مصرې په یوه قافیه سره ویلی شی ، او ټولې مصرې به په قافیه کښ یو تر بله برابرې وی . د مسبع قافیه په اول بند شروع کیږی ، اول بند چه په کمه قافیه شروع شه ؛ نو د مسبع قافیه به هم هاغه وی ، او د هر بند په آخر ، یعنی په اومه مصره کښ به هم دغه قافیه تکرار یږی . د مسبع اول بند لکه د غزل د اول بیت پشان دی ، د غزل مطلع اول بیت وی ، او د مسبع مطلع اول بند دی . اولکه چه د غزل دهر بیت آخره مصره دمطلع دقافیې سره موافقه کوی ؛ دارنګ د مسبع د هر بند آخره مصره هم د اول بند د مطلع سره موافقه کوی . په مسبع کښ داقاعده ده ، چه د هر بند درې بیته یعنی شپږ واړه مصرې په خپل مینځ کښ په یوه قافیه وی اواومه مصره ئی د اول بند د قافې سره موافقه کوی ، دارنګ تر آخره پورې هم دا قاعده ده ، مسبع د مسدس اومخمس سره نورځه فرق نه لری ، صرف دومره فرق دی ، چه د مخمس د هر بند مصرې پنځه وی او د مسدس د هر بند مصرې شپږ وی ، او د مسبع د هر بند هغه اوه وی ، د قافې او د وزن او آهنګ په لحاظ هیڅ فرق نه لری . مسبع لکه د مخمس یوه قیاسی نوعه ده ، څرنګ چه مخمس شعر ویلی شی دارنګ مسبع هم ویلی شی . مګر یوه خبره ده چه په پخوانو دیوانونو کښ د مسبع نمونه دومره نشته دی ، ځکه چه مسبع د مخمس اومسدس نه څه قدر سخت هم دی ، دلته د ډیرو قافیو پیدا کول ضرورت دی ، اوهلته د لږو ، لحما په خیال چه پدې سبب د مسبع نمونې ډېرې نه پیدا کیږی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۲ ـ مثمن :

مثمن هم د مسبع په طرز یو شعر دی چه په قافیه او لهجه اووزن کښی د مخمس خیلوسره مابه الا فتراق نه لری . په کم وزن او آهنګ چه مسبع اومسدس اومخمس راتلی شی ، په هغه وزن او آهنګ مثمن هم راتلی شی . صرف فرق دو مره دی چه د مسبع بندونه اوه اوه مصرې وی ، اودمثمن بندونه اته اته مصرې وی . د مثمن اول بند هم لکه د مسبع د اول بند مطلع شمیرلی کیږی ، اول بند چه په هره یوه قافیه سره و ؛ هغه به د مثمن قافیه وی ، او د هر بند په آخره مصره کښی به د غه قافیه تکرار یږی ، په مسبع کښی په اوومصروقافیه بنا کیږی ، او په مثمن کښی په اتو ! د مثمن نمو نه هم لکه د مسبع د پره کمه ده . او په پخوانو دیوانونو کښی تقریباً نه پیدا کیږی مګر سره ددې هم مثمن لکه د مسبع اوددی نورو یوه قیاسی نوعه ده ، نونوم راوړل اوتعریف کولئی ضرورمعلومیږی ، ممکنه ده چه پدې دول او پدې طرز ، یاپدې خاص شکل اشعار پس لدینه خلق ووائی ، او د پښتو د اشعارو په انواعو کښی یوه نوعه بله هم زیاته ، او معروفه کړی !

۱۳ معشر :

دانوعه هم د مثمن او د مسبع پشان یوه نوعه ده ، د وزن او د آهنګ په لحاظ د دې دواړو سره څه فرق نه لری ، په کم وزن چه مثمن او مسبع رائحی ؛ په هغه وزن معشر هم راتلی شی ، او د قافیې په لحاظ هم د مثمن او مسبع سره موافق دی . کمه قاعده چه په مثمن کښی وه ؛ هغه قاعده په معشرکښی هم ده . لکه چه د مثمن د هر بند په آخر کښی د مطلع قافیه تکرار یږی ؛ دارنګ د معشردهر بند په آخر کښی هم د مطلع قافیه تکرار یږی . مګر فرق صرف دومره دی چه د معشر هر بند لس لس مصرې وی او د مثمن هغه اته مصرې وی . د معشرقافیه په لسو مصرو بنا کیږی ، او د مثمن هغه په اتو مصرو !

او لکه چه په مثمن کښی د هر بند او لې مصرې په خپل کورکښی په یوه قافیه وی دارنګ د معشر د هر بند اولی مصرې به هم په یوه قافیه وی . دمعشر او د ترکیب بند او د ترجیع بند په مینځ کښی فرق دادی : چه د معشر د هر بند آخرنی بیت مستقل بالقافیه نه دی بلکه اوله مصرهٔ ئی د بند د نورو مصرو سره موافقه ده ، او دویمه یی د مطلع د قافې سره برابره ده .او په ترجیع بند اوترکیب بند کښی د هر بند آخر بیت ، یومستقل بالقافیه بیت دی لکه چه نه دبند د بیتونوسره موافقه کوی ، اونه د مطلع سره ! بلکه لا دسره مطلع نه لری . دمعشر نمونه یودخوشحال خان په دیوا نکښی پیدا شوه هغه داده :

❀ ❀ ❀

ته خپل خوب کوه بتا که زه درسته شپه بې تا

(c) ketabton.com: The Digital Library

سترګی سرې کړم په ژړا — نا ري وهم په وا ویلا
چه ترکانې سخت دی لا — هغه هسی زړه دی ستا
خولا پا یم په دنیا — که زړه سوی دې شی پما
نور څه نه غواړم لتا
مګړه دا هو مړه جفا

ستا دمخ ارمان لر مه — کوك په کوك ناري وهمه
دا آرزو په زړه لر مه — که تر ځایه دې در شمه
چرته دروم خوك پوښتمه — چه و هر لو ری ته ځمه
په سر و نو قدم ږ د مه — په لار ستړی ور درو مه
تل په دا طلب کښ خورمه
د زړه و ینې یـك تنها

که هجران وی که وصال وی — دواړه ده وته یو حال وی
که هزار غږونه جبال وی — ډیر سیند ونه ډیر اطلال وی
تر دا میـنځ پر ده محال وی — ور ښکاره دیار جمال وی
جلوګر ئې خط و خال وی — خوښ خرم دیار په خیال وی
هم په دالیده خوشحال وی
نه کا بلـه تمنا

ورستنۍ خبرې :

ددې مقالې په ضمن کښ یو خو خبرې زما زړه ته راولویدې ، چه دهغې کول هم ضرور معلومیږی نو غواړم چه دمحترمو لوستونکو په خدمت کښ دهغه خبرو هم عرض وکړم . پدې مقاله کښ چه دپښتو داشعارو کمې نمونې بیان شوې دی ، ځمایه موجوده تتبع کښ هغه (۱۹) ته رسیږی، اګرچه مسلسله نمرهٔ (۲۳) ته رسیدلی ده ، مګر دخلورو قسمونو نمونې پکښ نشته دی . چه یوه بدله اوسندره ده اوبل مسبع اومثمن دی بدله اوسندره خومالا هلته ویلی ؤ ؛ چه یوعام نوم دی اویوداسی خاصه نوعه نه لری ، اوهر څه چه مسبع اومثمن دی نودا دواړه اګرکه قیاساً یوه خاصه نمونه لری ، اوپه یوه خاصه نوعه ئی اطلاق کیږی مګر نمونه ئی نه ده پیدا شوې . اودنمونې دنه موندو دخاطره بی نمونې پاتی شوی دی دپښتو دادبیاتو دا اولس یادریشت نمونې چه پدې مقاله کښ ذکر شوې دی ، داهم دحصر په ډول نه دی اونه دپښتو ادبیات هم پدې یوځو نمونو کښ حصر دی . بلکه ممکنه ده چه لدې نمونو څخه پغیر نورې هم ډیرې نمونې اوډیر اقسام پیداشی . ځکه چه دا (۱۹) نوعې پیدا کول اوتردې انواعو پورې حصر کول ، دانما دتتبع اود استقرا نتیجه ده ، اودا حصر چه کم دی ؛ دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

«حصر استقرائی» دی. ماچه څومره کوشش کړی دی، اودپښتو داشعارو ډیرجزئیات می کتلی راکتلی دی، ډیر دیوا نونه می مطالعه کړی دی، دناخوا نه اوبې سواده شاعرانو څخه می نوټونه اخستی دی، اود ډیرو اشعارو تتبع اوپلټنه می کړی ده؛ نوهم دومره انواع می پیدا کړي دی، اولدې نه زیات می وس نه دی رسیدلی. اوپه «حصر استقرائی» کښې دا دعوه څوك نشی کولی چه هرخومره نوعې چه دی هم دادې. اولدې نه ماسوا نورې نشته دی، لحکه چه استقرا دحصر دلیل نشی کیدی، ممکنه ده چه یوسړی تتبع او استقرا وکړی؛ اوعلم ئی په ټولو جزئیاتو ونه رسیږی. هو! په «حصر عقلی» کښ سړی دادعوه کولی شی چه هرخومره انواع چه دی هم دادی. اولدې نه ماسوا نوراقسام اوانواع نشته دی. لحکه چه په «حصراستقرائی» کښ عقل دبل قسم جواز ورکوی، اوپه «حصر عقلی» کښ عقل دبل قسم جواز نه ورکوی. په «حصر عقلی» کښ دنفی اواثبات په صورت سره یوشی حصره ولی شی، اودنیا کښ خویا نفی ده یااثبات یابه یوشی منفی وی اویابه مثبت، نوکم وخت چه یوشی دنفی اوداثبات په مینځ کښ دائرشی نوضرور بالضرور به ددې دواړونه بهرنه وی، یابه منفی وی یابه مثبت، ولی چه منفی اودمثبت نه په غیر داشیأ دپاره داسی یوه بله مرتبه نشته دی؛ چه دې حصرته خلل ورسوی اوعقل له پکښې دیوبل قسم دپیدا کولو جواز ورکړی، بلکه داقسم حصر یوداسی حصردی چه په هیڅ صورت سره پکښې دبل قسم دپیدا کیدو احتمال هم نشته دی. لکه چه اشیا په واجب اوممتنع اوممکن کښې منحصر دی. دې حصرته حصر عقلی وائی ډې لحائکښې عقل دبل قسم جواز نه ورکوی، لحکه چه اشیا ډې درې قسمونوکښې دائردی یابه واجب وی یابه ممتنع وی، یابه ممکن وی. اوکم وخت چه دنفی اوثبات په صورت ډې درې قسمونوکښې منحصرشو، نوددې درې قسمونونه زیات عقل دبل قسم مجوزنه دی. که داشی مثبت وی خوهغه واجب اوممکن شو، اوکه منفی وی نوممتنع شو لکه شریك الباری. باقی بل تردید پاتی نه شو نو ضرور بالضرور اشیا په «حصر عقلی» سره ډې دریو کښې منحصر ده پاتی شو «حصراستقرائی» په «حصراستقرائی» کښې داسی نه ده چه عقل مجوز دبل قسم نه وی، بلکه عقل دبل قسم جواز هم ورکوی، مگر ده په خپله تتبع اوپلټنه کښې هم دومره اقسام پیدا کړی وی، اوکه نور اقسام وی، هم وی به؛ مگر دده علم به ورباندې نه وی رسیدلی. او دعدم دعلم نه عدم د وجود نه لازمیږی. په یوشی باندې چه دیوه سړی علم ونه رسیږی نودالازمه نه ده چه هغه شی دی په دنیا کښې موجود نه وی. بلکه هغه به موجود وی خودده علم به نه ور رسیږی. راغلوموجوده بحثته چه دارنګ دپښتوداشعارو داموجوده حصراستقرائی حصردی. اوممکنه ده چه نور اقسام هم پیداشی لحکه چه عقل دنورو اقسامو جواز هم ورکوی، مگر لحما به دپیدا کولو هم دومره طاقت و، داعذر خومالا لحکښې کړی و چه هر سړی په خپل طاقت پردی، که نور دزیات طاقت والا خلق پیداشی نو شاید چه هغوی لدې نه زیات نور

(c) ketabton.com: The Digital Library

اقسام هم پیدا کړی . او بله خبره داده چه داشعا رو دپاره چه کم قواعد یا اصول یا بحور عربـوایښی دی ؛ دانومحض اصطلاح ده ، ورنه په اشعاروکښ اصلاً دومره پابندی نشته دی، څرنګ چه دشاعر طبیعت او زړه وی هاغسی ئی ویلی شی ، هو ! شاعر به دبحر او دوزن پابندی وکړی مګردیوخاص طرز اودشعر دیوخاص شکل پابندی خونشی کولی . دشعر په هره نوعه کښ شاعر آزاد دی چه په اوږ دسیلابئی وائی‌اوکه‌پلته سیلابئی وائی. هرڅنګه چه ئی دطبیعت مرضاوی . هاغسی اختیار لری . اوداآزادی یوائی په پښتو کښ نه ده بلکه په‌هره ژبه کښ دشاعر دپاره آزادی شته دی .

کم‌شی چه دشاعر دپاره روادی ؛ هغه دبل چا دپاره روانه دی ، اوڅرنګ چه شاعر په فکرکښ آزاد دی ، دارنګ په الفاظو ، اودشعر په طرز اوطریقه کښ هم آزاد دی . دعلم عروض په« محیط الدائره » کښ چه« کرنیلیوس فان دیك » امریکائی جوړ کړی دی ؛ وائی چه « وللشعراء فنون کثیرة لاتتعلق بعلم العروض » یعنی شاعران دومره فنون او دومره طرزونه اوطریقی لری ، چه دعلم عروض سره هیڅ تعلق هم‌نه‌لری . داکمې خاصې نوعې یایوڅومعدود اقسام چه په هره ژبه کښ موجود دی ؛ ددې نه په غیرهم شاعر کولی شی چه نور انواع ، اوپه بیل ډول اوطرز شعر پیدا کړی . ددې ټولو خبرونه معلومه شوه چه دپښتو ادبیات پدې ذکرشوو اقسامو کښ حصرنه‌دی ، اونه پدې یوڅو معدود وانواعو کښ حصر کیدی شی . په موجوده وخت کښ یاموجوده شاعرانو له لازمه ده چه په خپلو زړو ادبیاتو ، اوپخوانی طرز اواسلوب باندې تجدید دنظر وکړی . اودادبیاتو دنیا تـه هم نوی رنګ ورکړی ، څرنګ چه دنیا په هره شعبه کښ زوړ رنګ بدل کړی دی ؛ دارنګ باید چه دادب په شعبه کښ هم زوړ اوپخوانی رنګ بدل کړی . دیورپ خلقو دادب دنیا له هم نوی رنګ ورکړی‌دی اودا دائره ئی ډیره فراخه کړې ده ، اوس خلق دیورپ اشعاروته دآزاد شعرلقب ورکوی.

یعنی دیورپ شعر دهره پلوه آزاد دی . پدې صورت مونږله هم پکاردی ، چه محض په‌پخوانو ادبیاتو اوزوړ طرز باندې قناعت ونکړو بلکه په‌خپلو ادبیاتو کښ تجدد ، نوی‌رنګ پیداکړو، اودزمانی اودوخت سره موافقه جامه ورواغوندوو . اشعار خوخه میراثی‌شی نه‌دی چه څرنګ دسړی پلارنیکه ویلی وی ؛ نوهاغسی دې سړی وائی . شعردشاعر خپل مال ، او دخپل طبیعت زاده شی دی ، او په خپل مال کښ هرسړی آزاد دی ، باید چه زمونـږ موجوده ادیبان اوشاعران دپښتو دادب دپاره نوی طرز ، نوی اقسام اونوې نمونې پیدا کړی ، او څرنګ چه پخوا نودوی ته څه سوغات پرایښی‌دی ؛ دارنګ باید دوی هم آینده‌نسل‌ته یوڅه‌سوغات پریږدی . ځما په خیال په شعر کښ محدودیت وصف نه دی بلکه شعر چه هرڅومره آزاد اوبلا قیده وی ؛ نوبهتره ده . دشعرمطلب په الفاظو کښ نه دی بلکه‌دشعرمطلب په معنی کښ

(c) ketabton.com: The Digital Library

دی . اودمعنی لحاظ حتی‌الامکان پکار دی . دغه معنی نوچه په‌هررنګ قالب کښ‌وی، لوی وی که وړوکی ، پروانکوی . دپښتو دادب دوسعت دپاره خوشحال خان ډېر خدمت کړی دی . اوددە دزمانې نه رایدې خوا دپښتو ادب ډېروسیع شوی دی . ځکه چه‌دخوشحال خان ددورې نه په خوا دپښتو ادب په یوشو نوعو ، یعنی په لنډی، اوغزل او نارە او چاربیتو کښ محصورو . مګرددە دزمانې نه ورسته دادائره فراخه شوه ، اودپښتو په ادب کښ نورې نوعی هم زیاتی شوی . داخود خوشحال خان برکت دی چه نن ورځ دپښتو دادبیاتو په‌موضوع کښ یوسړی دومره څه لیکلی شی ، اوافلاً دپښتو داشعارو یو (۲۳) نمونې هم ښودلی شی . خوشحال خان دکلاسیکی ادب مشر اواستاذ دی ، او ددە نه ورسته ددە دسبك پیروی نورو پښتنو هم‌وکړه اودپښتو دادب زیاته چاپ شوې برخه هم نن ورځ پدې سبك‌کښ پیدا کیږی . دخو شحال خان دزمانی نه رایدې خواخو دپښتودادب سرمایه‌دومره زیاته‌شوه ، اوس مونږله هم‌پکار دی‌چه‌پدې‌یوشو معدودواوځصوصو انواعو قناعت ونکړو اودامیدان خورافراخ او ارت کړو ، شاید چه‌آینده نسل بیاځمونږ دخدمتونو تقدیر وکړی . ځمونږ دپښتو نننی لیکوال یاننني ادیبان په‌پښتوکښ هغه مرتبه‌لری ؛ کمه چه « سیبویه » او « اخفش » او « شیخ‌رضی » په عربی کښ لرله ،نن ورځ دوی دپښتو امامان‌شمیرلی کیږی ، بایده‌دی‌چه‌دپښتو دپاره‌ډېر خدمتونه وکړی اودپښتو نه‌یوه ادبی اوعلمی ژبه جوړه‌کړی ، له‌هره پلوه دپښتو دپاره کوشش وکړی ،ځکه چه پښتونن ورځ‌دداسی خلقو خدمت ته‌ډېره محتاجه‌ده .دیوې ژبی‌دخدمت لاري‌څه‌ځدووې نه‌دې ، بلکه دومره‌لاري دی چه‌خلق‌پکښ‌سترې کیږی .یوائی پدې‌باندې ژبه نه‌پوره کیږی چه‌دهغې دپاره‌صرف اونحوه ولیکلی‌شی اوبس!له‌هرې‌ژبې نه‌چه‌ادبی ژبه‌جوړیږی نوهغه ډېر وشیو نوته ضرورت لری .څومره علوم‌چه‌دژبی‌خدمت کوی ؛هغه ټولوته‌ضرورت ځسوسیږی . مثلاً دیوې ژبی‌دپاره دصرف اونحوه‌ضرورت دی، دعلم معانی‌ضرورت‌دی، د« بیان »« اود« بدیع » ضرورت دی‌د علم عروض ، علم‌قافیه علم قرض‌الشعر ضرورت دی. ځکه اول چه‌کمه ژبه صرف اونحوه نه‌لری ؛ هغه‌ژبه یوه اصولی اوقانونی ژبه نه‌شمیرلی کیږی .اوبل‌دژبی فصاحت اوبلاغت ،معنوی ځاسن، لفظی ځاسن ؛ استعارات ،تشبیهات‌اوغیره ، ټول‌په« معانی، اوبدیع‌اوبیان » سره‌معلومیږی دارنګ دیولسان مهمه برخه چه‌نظم دی؛ عروض اوقافیه‌اوقرض‌الشعرته ډېر احتیاج‌اوضرورت لری . هرکله چه یوه ژبه دومره علمونوته ضرورت لری ؛ نوپکاردی‌چه‌پدې ټولو کښ حصه واخستلی شی ، اوله هر طرف نه داژبه مکمله اوپوره کړی شی . ځینی خلق که‌څه هم صاحب قلمه‌وی مګردې میدان ته زړه ورنشی را ګډیدی .ولی چه‌ددوی داخیال دی چه‌که‌مونږ پدې ابتدائی حالت کښ څه ولیکو ،اوپه هغې کښ څه نقصان اوکمی زیاتی وی ؛ نو د نورو خلقو داعتراض اوتنقید ځل به واقع شو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

هو! بیشکه دتنقیددروازه پهدنیاکښ خلاصه ده اوله تنقیدهیڅوك نشی خلاصیدی ،مگرداهم لازمه نهده چه سړی محض لدې ویری دخیل کارنه لاس واخلی،اوپه یوموهومی اوخیالی امر سره لهخپله کاره وکاږی .دومره لوی اومهم خدمت ته چه سړی ملاتړی ، نوباید چه دپرو سختو ، تنقیدو نـواو اعتر اضونو ته هم غاړه کیدی . پښتو کښ یو منل دی چه «درانه بارونه وړی خوارك ئی زوزدی» یعنی اوښ چهدومره درانه بارونهوړی . اوداسی مهمو کارونو ته غاړه زدی، نوتکالیف اوسختی به پرې هم ترینږی .ازغی به ئی هم خوراك وی،داوښ خوراك ټول عمرازغی دی،مگرهغه دخپلودرنو بارونونه لاس نه اخلی،موجوده ادیبان اونویسندگانو له هم پاڼه دی،چه دپښتو درانه درانه پیټي اودرانه بارونه پـه خپلو اوږواوچت کړی. اودتنقید او اعتراض ویره په زړه کښ ونه ساتی. یاهم که دوی په پوره طور سره یوشی سرته نشی رسولی، نودومره خو ورله پکاردی چه یواساس اوتا دوخوئی کیدی. که چرته ناقص پاتی شه اوسرته ئی ونه رسولو، خیردی آینده نسل به ئی تکمیل کړی. داخو ممکنه نه ده چه په ابتدا کښ به یوسړی داسی شاهکار را وکاږی چهغه به دټولو نواقصاتو څخه خلاص وی؛ بلکه دغه دنیا دترقی طبعی قانون دی اول یوشی ناقص وی، اوورسته په تدریج سره تکمیلیږی. «سیبویه» او « اخفش» او« شیخ رضی» خـو دنحو امامان وو، مگرنحوه ئی پهخپل وخت کښ نه ده تکمیل کـړی، دوی پـه خپل طاقت یواساس ورته اینبی دی، اوورستنو خلقو بیادې اندازې ته رارسولې ده دوی ئی اساس کښود. او «ابن حاجب» او «ابن یوسف» اوداسی نورو تکمیل کړه. دغه رنګ هره ژبـه دا قاعـده لری اساس ئی یوکیدی، پوره ئی بل کړی. اوس مونږله هم دومره ضرورت دی،چه اساس اوتا دو ئی کیدو، یوه لار معلومه کړو، سرته به ئی یا نورخلق رسوی. ددې مقا لې نوم کـه څه هم د «پښتو ادبیات» دی، مگر دانوم په یوه مقاله اودوه مقالونه زړینږی، اونه ئی په یوه مقا له یا دوه مقالو حق ادا کیږی باید چه نور پښتانه هم پدې موضوع کښ تتبع او استقراء وکړی ، او دپښتو په ادب باندې له هرپلوه بحث وکړی، دا عنوان که څه هم یو عنوان دی مگر، دیر جهتونه اومتعدد حیثیتونه لری ،پدې موضوع کښ بحث ګول دجهت په لحاظ دیـوبل نـه مغائر ینږی مثلاد دې عنوان لا نـدې دپښتو دادب تأثیر ، معنوی محـاسن ، لفظی محـاسن ، تشبیهات استعا رات ، کنایات ، مجاز اوحقیقت ، بلاغت او فصاحت خلاصـه دعلم معانی اوبیان او بدیع ټول موضوعات بیانیدی شی . اودارنګ هم ددې عنوان لاندې دپښتو عروض ، قافیـه ، اشعار داشعار وانواع داسی نور بیانیدی شی . نوکه یوسړی ئی دیـوه جهته بحث وکړی بل سړی ئی باید له بل جهته بحث وکړی .

خلا صه که هر څومره خلق پدې موضوع کښ لګیاوی . خودا موضوع نه خلا صیږی ،

(c) ketabton.com: The Digital Library

اونه تکرار یږی ، ځکه چه هرشی که څه‌هم اصلا یو شی وی مګر د جها تو په حیث متغا یر کیږی مثلا یوه کلمه‌ده چه‌علم صرف ئی له‌یوه جهته بحث کوی ، اوعلم نحوه ئی دبل جهته ، یایو دانسان بدن دی چه‌علم تشریح ئی له‌یوه حیثه بیان کوی اوعلم طب ئی له‌بل حیثه ، یایو افلاك دی چه فلکیات ئی له‌یوه رهګذره بحث‌کوی او علم هیئت ئی له بل رهګذره . او دهر یوه‌موضوع ددغه جهت په‌لحاظ دیوبل نه مغائریږی . د پښتو ادبیات هم بل‌بیل جهتونه او متعدد حیثیتونه لری ، نودپښتو دادب دعنوان لاندې که‌هر څومره خلق بحث وکړی ، خو د جهت دتغیر دحیثه نه‌ورته څوك تکرار نشی وئیلی . پدې مقاله‌کښ یو دعامی اصطلاح نومو نه دی ، چه‌هغه ټول اصلا پښتو دی . اوهغه نمونه دپښتونه په غیر په نورو ژبوکښ نشته دی ، صرف یو دچا ریښتی او د غزل او د رباعی نمونه په فارسی کښ‌هم راغلی دی ، مګر هغه هم هر کله چه په هغه معنی نه دی ، کم چه په فارسی کښ دی نو ځکه هغه هم د پښتو په حکم کښ دی . او بل دخاصی اصطلاح نومونه دی . دانومونه اصلا پښتو نه دی بلکه دعربی او فارسی نه پښتوته راګډ شوی دی . اوپدې مقاله کښ ځکه هاغسی دعربی او فارسی پشانی راوړلی شو ، چه‌یو خوپه پښتو کښ نورنومونه نه لری اونه ورله چاایښی دی. اوبل داچه ددې نومو نوسره‌غوږونه آشناشوی دی ، اوهرچاپه فارسی اوعربی کښ اوریدلی دی . اوکه دچا پښتو نومونه‌خوښ وی ، اوماسره پدې باره‌کښ موافقه‌کوی نو داوړستنی نومونه‌ورله ماپیدا کړی دی . هرکله چه‌ددې ډول‌اشعارونمونې‌په پښتوکښ شته‌دی ، نو باید چه‌نومونه‌ئی هم په پښتو کښ وی !

مربع (څلور بیتز) مخمس (پنځه بیتز)مسدس (شپږبیتز) مسبع (اوه‌بیتز) مثمن (اته‌بیتز) معشر (لس بیتز) رباعی (جوړه) قطعه (ټوټه) مثنوی (دوه‌بیتز)

ددې مقالې دعامی اصطلاح برخه څه لږه ډېره ناقصه پاتی شوې ده ، ځکه چه دا مقاله ماپه ډېر لږوخت اوپه ډېره تندی سره لیکلی ده . امید دی که ژوند باقی‌و ، نوددې نقصان قصور به ویښکلی شی ! بس نور مو په خدای سپارم . (۳۰ حوت۱۳۲۸)

---

(۱) دامقاله داسی یومأخذ نه لری، ولی چه‌دپښتو دپاره پدې باره کښ څه ذخیره نشته دی بلکه دامقاله مادخپل فکراوکوشش پەزورسره لیکلی‌ده ، دالحما دتتبع اوداستقرا نتیجه ده . دپښتو ددیوانونو دمطالعی اودبعضی شاعرانو دنوټونودملاحظی نه می‌استنباط کړی دی اوبس اوکه له‌کم ځای نه دمثال اخذ شوی وی ، نوهغه حواله می هم په هغه صفحه کښ ورکړې ده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

وقائع مهمهٔ داخلی



نگارندهٔ وقائع داخلی یار محمد خان « نظامی »

سال ۱۳۱۸ الحمد الله که بسلامتی ذات ستوده صفات المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و اعمام شریف خیر اندیش و دودمان نجیب شان سپری گردید ، بنابرین این سال را میتوان درردیف سالهای نیك از برای ملت ووطن عزیز خویش محسوب کرد . گرچه درمرور سال مذکور بعضی حوادث و وقائع سوء از قبیل شرارت محمد افضل علیزائی ، و حرکت احمقانه و بالاخره فرار کردن غلام محمد پسر مرحوم والی علی احمد خان ودر اثر آن حملهٔ بعضی از افراد ناعاقبت اندیش افریدی برحدود شنوار وظهور کوله‌را در علاقهٔ گرشك وغیره نواحی قندهار پیش گردید . مگر از فضل خداوند جل علی شانه و استحکام مبانی مملکت داری وحسن همکاری ملت باحکومت نتیجهٔ آن خوب و به‌بهترین صورتی دفع پذیرفت وضمناً ثابت و واضح گردید که بنیان اتحاد ملی واساس تشکیلات حکومت امروز الحمدالله بچنان پایه های متین محکم واستواراست که اینگونه پیش‌آمدهای سوء اثری برآن کرده نمیتواند .

اینك در ذیل این سطور مختصر گذارشات و وقائع عمده وقابل ذکر سال ۱۳۱۸ را به ترتیب تاریخ که در ضمن اجراآت دوائر مملکتی آمده نمیتواند ازمطالعهٔ قارئین محترم این سالنامه گذارش میدهیم :

❀ ❀ ❀

نهال شانی

این امر پوشیده نیست که حکومت المتوکل علی الله اعلیحضرت پادشاه محبوب افغانستان محمد ظاهر شاه یك حکومت خیرخواه وترقی پسند وخواهان هرگونه پیشرفت سعادت ونیکبختی ملت است و در راه تأمین منافع ملی و تهیهٔ وسائل راحت عمومی از بذل هیچگونه عمل مفید خودداری نمیفرماید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

واین حاجت به تذکار نیست ، زیرا مثل آفتاب روشن است که ذات شوکتسمات همایونی ووالا حضرتین اعمام بزرگوار شان و سائر رجال مملکت بتأسی نیات خیر اندیشانهٔ دود مان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید (رح) بجز از فراهم آوری اسباب رفاه و آسایش ملت واعتلاء وترقی مملکت وسرسبزی وشادابی اینخاك منظوری ندارند .

چنانچه در اثر همین نیات پاك و بی آلایش خیر خواهانه است که ذات اشرف همایونی از بدو جلوس میمنت مانوس خویش همه ساله دراوائل بهار که موسم نهال شانی وغرس اشجار است عموم رعایای صداقت شعارخویش را بعمل نهال‌شانی وفلاحت و باغبانی دعوت میفرمایند . زیرا ذات اقدس ملوکانه بفکر رزین خود دانسته اند که یکی از منابع ثروتی مملکت کثرت اثمار بوده ومنشأ تولید اثمار وجود اشجار است و مجاهدت درین راه بهترین عامل اقتصادیات هرملت میباشد . واین نیز مبرهن است که تکثیر اشجار در تصفیهٔ هوا وسرسبزی محیط ذیدخل بوده ، رفاهیت اجتماعی محصول آنست .

بنابرین جهات ذات اشرف همایونی درماه حمل ۱۳۱۸ مثل دیگر سالهای زمامداری خویش اهالی افغانستان را بعمل نهال شانی دعوت و بذریعهٔ اعلان پاد شاهی عموم مامورین وطبقات ملت را توصیه فرمودند . واز روی معلوماتیکه داریم نسبت به سالهای ماضی در سال ۱۳۱۸ طبقات زارع و زمینداران ملت بغرس اشجار توجه مزیدی نموده اند .

❀ ❀ ❀

منظوری فروش کارخانهای صنعتی

دراوائل سال ۱۳۱۸ حکومت رعیت نواز و غمخوار ملت افغانستان درضمن توجهات قابل قدرشاهانهٔ خویش تقویه ونهضت اقتصادی مملکت را نیزطرف توجه قرارداده ، فابریکه های صنعتی که در مرور چند سال در اثر مساعیات او لیای امور چه در مرکز وچه درسائرنقاط مملکت تاسیس و بعضاً بکارانداخته شده ونتائج بس مفید وقیمتداری ازآن گرفته شده است . محض بلحاظ احیاء وترقی صنائع ملی حکومت خیراندیش و بهی خواه افغانستان ازعوائد سالانهٔ آن که یك مبلغ خطیری می شد منصرف گردیده کارخانهای صنعتی مذکوررا جهت استفادهٔ عموم ملت بمعرض فروش گذاشتند تاهریکی‌ازسرمایه داران مملکت بطور آزادانه اخذ منفعت نموده و با بکار افتادن سرمایهٔ ملی اوضاع اقتصادی کشور رونق خوبی بخود گرفته بتواند .

❀ ❀ ❀

تسلیم شدن محمد افضل خان شنواری

ازتمرد محمد افضل خان شنواری وفرار کردن او قارئین محترم درسال ۱۳۱۷ ازنشرات جرائد وطن واقفیت داشته خواهند بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

دراوائل ثور ۱۳۱۸ محمد افضل خان مذکور از کردار ناشایستهٔ خویش نادم گشته عرض اطاعت و تسلیم شدن خود و وابستگان خویش را بحکومت متبوعه بحضور ع ، ش ، سردار محمد داؤد خان قوماندان مکاتب فنون حربیه و قوای مرکزی که در آنوقت رئیس تنظیمیهٔ سمت مشرقی بودند نموده بود .

رئیس صاحب موصوف معروضهٔ نامبرده راپذیرفته ومعذرتش را شخصاً به پیشگاه حکومت متبوع مارسانده و محمد افضل خان مزبور را باسائر وابستگانش بمرکز امر احضار فرمودند چنانچه فعلاً نامبرده بمرکز حاضر است .

❀ ❀ ❀

انعقاد مجلس میلادالنبی (ص)

در سلامخانه

روز سه‌شنبه ۱۲ ماه ربیع الاول۱۳۱۸ که‌مصادف باروز مبارك میلاد حضرت‌خاتم‌النبیین سیدالانبیاء والمرسلین پیغمبر عظیم‌الشان‌ما حضرت‌سرور کائنات(محمدمصطفی صلی‌الله علیه‌وسلم) بود ، حسب دستور همه ساله بمناسبت حلول این روز بزرگ درعمارت سلامخانهٔ شاهی ترتیبات عالی گرفته شده ومجلس بزرگی در آن منعقد وج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت سردار محمدهاشم خان صدر اعظم وع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرتین سردار شاه ولیخان (که درآن ایام بکابل تشریف داشتند) وسردار شاه‌محمود خان وزیر حربیه وباقی وزراء ورؤساء وعلماء وفضلاء ومعززین مرکز شمولیت ورزیده بودند . درین مجلس ختم های قرآن کریم بعمل آمده ودرود ها ی بی‌پایان برروحانیت مبارك سردار انبیاء اهدا گردید . بالاخره مجلس بدعای سلامتی وجود مسعود مبارك ذات همایونی وترقی واعتلاء مملکت وسعادت ملت افغانستان وعموم عالم اسلام خاتمه پذیرفت .

❀ ❀ ❀

شمولیت وزیر صاحب دربار

درمحافل عروسی ولیعهد ایران

قارئین محترم از شائعات جرائد راجع بعروسی والاحضرت ولیعهد ایران باشهزاده خانم مصری که عقد نکاح شان در قاهره درضمن تشریفات مجللی بعمل آمد وسپس عروس وداماد همراه هیئت سلطنتی از مصر بایران آمدند ودر آنجا از تاریخ اول ثور تا ٤ ماه مذکور مراسم حقیقی عروسی بصورت خیلی باشکوهی انجام گرفت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

درین مراسم از طرف دول دوست نمایندگانی تعیین وتوسط ایشان مراتب خوشنودی خویش‌را نسبت باینتقریب فرخنده‌اظهارفرمودند .

منجمله اعلیحضرت المتوکل علی‌الله پادشاه محبوب افغانستان محمدظاهر شاه به نسبت این مواصلت خانوادگی وتحکیم‌روابط حسنهٔ دوملت‌اسلامی هیئت‌بزرگی تحت‌قیادت ع،ج والاحضرت سردار احمدشاه خان وزیر دربار شاهانهٔ شان مقرر وبموقع معینه بطهران اعزام فرمودند .

والاحضرت موصوف بمعیت ع ، ج علی‌محمدخان وزیر خارجه که درهمان ایام جهت‌شرکت در مجلس سالانهٔ دول امضاء کنندهٔ میثاق سعد آباد عازم آنصوب بودند ، بتاریخ ۲۵ حمل باسائر اشخاص معیتی شان وارد طهران گردیدند . وپس از ختم مراسم عروسی واخذ نشان «تاج» و«همایون» وپذیرائی های مجللی که از طرف اولیای امور مملکت دوست وبرادر ما ایرانیها در بارهٔ این مهمانان افغان شان بعمل آمد ، به سمت وطن عزیز خود افغانستان مراجعت وبتاریخ ۱۹ ثور معالخیر وارد کابل گردیدند .

❀ ❀ ❀

تشرف اعزه ومعاریف قندهار

بحضور ذات شاهانه

در ذیل عنوان وقائع مهمهٔ داخلی مختصراً از شرارت محمد افضل علیزائی اشاره رفت . از شرارت وجهالت محمدافضل وبعضی نادانان دیگر قوم مذکور سرکردگان قوم علیزائی خیلی متأثر شده باتفاق تمام افراد قومی خود نزد حکومت محلی حاضر شده و عرض اخلاص وصداقت خودهارا بحکومت متبوع خویش اظهار وبرعلیه محمدافضل وپیروان نادان اواقدامات ودر نتیجه نامبرده وهمقطارانش را دستگیر وبحکومت تسلیم نمودند .

پس‌ازانجام وایفای خدمات صادقانه وختم واقعهٔ مذکور توسط ع ، ع ، ش ، محمدانورخان نایب سالار از مرکز استدعا نمودند تااجازهٔ شرفیابی حضور ذات همایونی برایشان داده شود تابالذات مراتب اخلاص وعقیدت شانرا شفاهاً بعرض حضور مبارك شاهانه برسانند وعذر این‌کردار ناعاقبت اندیشانه را که‌از بعضی‌افراد نادان‌شان صادرشده بالمشافعه استرحام‌نمایند. چنانچه بعد از حصول اجازه اشخاص مذکور بمعیت نایب سالار موصوف بمرکز حاضروبحیث مهمان حکومت معززانه پذیرفته شدند . واخیراً بحضور مراحم ظهوراعلیحضرت همایونی‌مشرف ومراتب اخلاص ووفاداری خود ها را بسمع شاهانه رسانیده و بالمقابل مورد الطاف ذات ملوکانه واقع وپس ازان بکمال خور سندی عازم جایهای خویش گردیدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست‌و یکمین سال استقلال افغانستان

ملت شجیع افغانستان که شیفتهٔ آزادی وحیات استقلالی خویش اند ، از عرصهٔ بیست‌ویك سال است که مجدداً بتحصیل زندگی باشرفانهٔ خویش نائل گردیده اند .

این ملت قدر شناس همچه روز های بزرگ تاریخی را که در اثر مجاهدات ونیروی توانای محصل استقلال ومنجی وطن اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه شهید(رح)ودیگر سربازان وفدائیان راه حریت وآزادی وطن تصاحب نموده اند فوق‌العاده احترام می‌کنند ودر ایام حلول آن مراتب علاقه مندی خود ها را ابراز نموده و در احترامات وتجلیل آن زیاده برزیاده میپرداز ند .

واین ششمین بار است که جشن پرافتخار استقلال وطن بدورهٔ زمامداری المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تصادف نموده وپذیرائی شایان قدری میگردد .

چنانچه درسال ۱۳۱۸ حسب سالهای گذشته از طرف وزارت جلیلهٔ در بارذات شاهانه بعنوان عموم وزراء ورؤسا ، معین‌ها وهیئت کورد پلوماتیك وسائرا عزه ومعاریف مرکز کار تهای دعوت توزیع شده بود که بروز اول جشن بسلا مخانه شاهی جهت استماع نطق افتتاحیهٔ ذات شاهانه حاضر گردند ، مدعوین مذکور بساعت معینه درسلا مخانه حاضر وپس از استحضار مدعوین ذات اشرف همایونی تشریف فرما گردیده ، بیست ویکمین جشن استقلال وطن را بنطق ذات شاهانهٔ خویش افتتاح فرمودند .

واز طرف عموم حضار خصوصاً هیئت شورای ملی بعرایض تبریکیه ونطق جوابیه ج ، ع ، ج ، ا ، انشان والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب وهیئت کورد پلوماتیك وسائر حاضرین بکمال احترام استقبال گردید .

وهمچنین قرار اطلاعیکه داریم این عید ملی درتمام ولایات ومحالات افغانستان بکمال گرمجوشی ومسرت ازطرف مامورین وطبقات ملت پذیرائی شایان قدری گردید .

خلاصه حلول این روزهای پر افتخار که شئونات ملی مامربوط به آنست به انواع ساعت تبریکها پس از مرور یکهفته خاتمه پذیرفت .

❀ ❀ ❀

عزیمت والا حضرت اشرف فاتح کابل

به اروپا

ع ، ج ، ا ، انشان والا حضرت سردار شاولیخان فاتح کابل که در اواخر ۱۳۱۷ از پاریس طور رخصتی جهت شرفیابی حضور ذات اشرف ملوکانه وبازدید خاندان وا قارب

(c) ketabton.com: The Digital Library

نجیب خویش بکابل تشریف آورده بودند . پس از توقف چند ماهه درمرکز در اواخر ماه جوزا ۱۳۱۸ مع الخیر بطرف پاریس عزیمت فرمودند .

❀ ❀ ❀

بروز مرض کوله را واقدامات

وزارت صحیه

قارئین محترم مطلع خواهند بود که در ماه جوزای ۱۳۱۸ درمرکز گرشك و مربوطات آن یك قسم مرض اسهالی دربین مردم رخداده که مورد شبهه واقع گردید ، چون از طرف مدیریت صحیه قندهار ومرکز وزارت صحیه جهت تحقیق آن یك هیئت مقرر ودرنتیجهٔ تحقیقات هیئت اعزامی وتجزیهٔ موادیکه ازمصابین آن گرفته شد وجود مکروب مرض مذکور ثابت گردید.

وزارت جلیلهٔ صحیه بصورت فوری عملیات قرانطین را درحدود گرشك ونواحی آن اجراء وضمناً برای حفظ ماتقدم و جلو گیری ازین مرض مدهش ترتیبات صحی اتخاذ نمود . چنانچه بعموم معاینه خانهای شهری وشفاخانهای ملکی واکسین آن‌را تقسیم وطور مجانی دکتور هائیکه ازطرف وزارت موصوف مقرربودند، عموم مردم‌را انجکسیون مینمودند وعلاوه ازمرکز درتمام ولایات ومحالات بطور کافی واکسین ضد کوله را را بادکتور های لائق فرستاده که عموم اهالی را بلا استثنا انجکسیون نمایند .

❀ ❀ ❀

عزیمت ومعاودت ذات اشرف همایونی

در اواسط ماه سرطان ذات اشرف ملوکانه جهت باز پرسی احوال رعایای بامیان ومعاینهٔ مجاری امور واستطلاع از آثار آبدهٔ تاریخی آن علاقه وتفریح برای چند روز رونق افزای بامیان گردیدند .

قراریکه از شائعات جرائد اطلاع داریم مراسم پذیرائی ذات اشرف همایونی در عرض راه ازطرف عموم رعایای صادق ووفا شعار شان به نهایت گرمجوشی بعمل آمده و در موقع وصول موکب ملوکانه دربامیان از طرف قطعهٔ عسکری و مامورین ملکی و اعزه و معاریف بامیان نیز احترامات خیلی مجللی بعمل آمد واهالی بامیان مراتب ارادات واخلاص مندی خود ها را به پیشگاه پادشاه محبوب مراحم گسترخویش تقدیم نمودند و بالمقابل ازحضور قرین الشرف ذات همایونی اهالی مذکور مورد الطاف شاهانه واقع شدند و هر صنف و هر طبقه را علیحده علیحده طرف نوازش شاهانهٔ خویش قرار دادند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پس از گذشتاندن یکهفته وباز پرسی از احوال رعایای بامیان و ملاحظهٔ بند امیر و درهٔ اشرف ودوآب میخ زرین وآثار تاریخی ، بتاریخ ۲۰ سرطان باعموم ذواتیکه بشرف همرکابی ذات شاهانه نائل بودند از راه غوربند رونق افزای مرکز کابل گردیدند .

❀ ❀ ❀

بتاریخ ۲۳ سرطان به مناسبت شدت گرمی هوای کابل حسب عادت سنوات گذشته ذات اشرف ملوکانه با حواشی شهر یاری بصیفهٔ یغمان تشریف فرما گردیدند . و در اوائل ماه سنبله که هوای کابل طبیعی کسب اعتدال مینماید ذات شاهانهٔ شان از صیفهٔ یغمان به کابل معاودت فرمودند .

❀ ❀ ❀

سیلاب مدهش درچخانسور

دراثر کثرت آب دریای هیرمند وخاشرود وهامون درماه سرطان سال ۱۳۱۸ سیلاب مدهش دربعض مناطق حکومت چخانسور سرازیر گردید . که متاسفانه درعلاقهٔ ناد علی وعلاقهٔ ابراهیم آباد چندین قریه وبه‌تعداد زیاد خانهای اهالی راویران وزمین‌های زراعتی را کاملاً استیلا کرد ، مگر ازتفضلات کاملهٔ حضرت الهی خسارهٔ جانی برای مسکونین قریه های مذکور نرسید .

❀ ❀ ❀

اعلان بیطرفی حکومت شاهی افغانستان

ازمحاربهٔ موجودهٔ اروپائیان

اعلانیکه مجلس عالی وزراء به‌محضر مجلس عالی شورای ملی پیشنهاد وتقدیم‌کرده بود ،ازطرف شورای ملی منظور وتصویب شد، واصولاً جهت تصدیق به‌مجلس عالی اعیان تقدیم گردید .

بعد ازانکه این اعلان بیطرفی حکومت شاهی افغانستان تمام مراتب اصولی وتقنینیهٔ خویش را پیمود وبحضور مبارك یگانه مربی صلح وسلم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تقدیم ومعروض‌شد ازطرف قرین‌الشرف ذات شاهانه نیز منظور گردید . که اینك ما بانتشار عین سواد آن ذیلاً میپردازیم .

❀ ❀ ❀

دولت شاهی ما که همواره طرفدار صلح بوده درهمه مواقع بنظریهٔ امن پسندی همفکر وآرامی جهانرا همیشه آرزومند بوده است درین ایام که متاسفانه آتش جنگ درقطعهٔ اروپا

(c) ketabton.com: The Digital Library

اشتعال نموده اراده فرمودیم تادولت شاهی ما همچنان به صلح خواهی وامن پسندی مداومت نموده وضعیت بیطرفانه اختیار نماید .

بنابران بیطرفی دولت شاهی افغانستان را درجنگ موجوده اعلان وازخدای توانا اطفای نائرهٔ حرب را که مخرب مدنیت ومخل آرامی بشر است تمنی نموده قیام دوبارهٔ صلح وامن را آرزو مینمائیم . » «محل امضای اعلیحضرت همایونی »

❀ ❀ ❀

دفع حادثهٔ هجوم بعضی افراد ناعاقبت اندیش افریدی از (تبی کنډو) و (اوغز) شنواری

در اوائل ماه سنبله ۱۳۱۸ غلام محمد پسر مرحوم علی احمد خان والی در اثر نادانی وخفت عقل وحماقت درمیان اقوام افریدی داخل ودرآنجا جمعی ازاراذل و اوباش باطراف او گردآمده وبتاریخ ۱۷ سنبله برتبی کنډ وسرحد ده بالا (اوغز) شنوار حمله نمودند .

قبل ازمداخلهٔ قوهٔ عسکری ازطرف قوم باوفا وشجاع شنوار حملهٔ آنها دفع شده واز اشرار چندنفر مقتول ومجروح واسیر گردیده ومابقی آنها فرار کردند و ازطرف علمای شان بالای آنها حکم بغاوت داده شد . وعلاوتاً عموم اقوام افریدی ازطرز عمل وکردار ناشائستهٔ اشخاص نادان مذکور اظهار تنفر و بنای مجادله ومخالفت را با اوشان گذاشتند .

❀ ❀ ❀

تسلیم شدن غلام محمد به پولتیکل ایجنت پاره چنار

غلام محمد مذکور بعد ازاینکه ازطرف اقوام وفادار شنوار گوشمالی دیده واز طرف اشخاص فهمیدهٔ افریدی هم تحت فشار گرفته شد ودر چمکنی وتیرا نیز عرصهٔ حیات را بر خود تنگ دید دراواسط ماه عقرب خودرا بادیگر رفقای شرارت پیشهٔ خود تسلیم پولتیکل افسرپاره چنار کردندکه حالا برطبق قوانین بین المللی تحت نظارت حکومت هند گرفته شده اند .

❀ ❀ ❀

شمول شهزاده محمد اکبر خان بمکتب

فرزند ارشدذات اشرف اعلیحضرت همایونی والاحضرت شهزاده محمداکبرخان که درسال ۱۳۱۸ سن شان بمرحلهٔ شش سالگی میرسد ، حسب ارادهٔ ذات ملوکانه بتاریخ ۱۸ میزان درحالیکه ع ، ج والاحضرت سردار محمدنعیم خان وزیر صاحب معارف (معاون صدارت عظمی)

(c) ketabton.com: The Digital Library

به معیت شان بودند وارد بعد رسمهٔ استقلال شده ازطرف مامو رین عالی رتبهٔ وزارت معارف وهیئت اداری مکتب وعموم شاگردان باگرمجوشی زیادی پذیرائی گردیدند ودرزمرهٔ طلاب مدرسهٔمذکوره منسلك شدند که بعدازان والاحضرت شان یومیه به مکتب تشریف فرما ومشغول فراگرفتن تعلیم اند .

❀ ❀ ❀

بیست وششمین سال میلاد المتوکل علی الله

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

روز۲۲ میزان ۱۳۱۸ که روز میلاد اعلیحضرت پادشاه محبوب افغانستان بوده حسب معمول همه‌ساله عموم وزراء ورؤسا وصاحبمنصبان عسکری وهیئت کورد پلوماتیك ومامورین ملکی الی مدیر واعضای مجلس عالی شورای ملی واعضای مجلس عالی اعیان دروقت معینه درقصر دلکشا حضور بهمرسانده به مقام بزرگ شاهی عرض تبریك نمودند .

❀ ❀ ❀

جشن نجات وطن

روز۲۳ میزان یك‌روز سعادت اندوز تاریخی‌ودرجملهٔ اعیادملی برای عموم ملت افغانستان بشمار میرود . زیرا درین روزافق تاریك وروزسیاه این ملت بانوار خوشبختی وسعادت مبدل میگردد ، وحشت وبربریت ، نفاق وشقاق ، برادر کشی وانقلاب به نیروی توانای فرزندان نجیب وطن اعنی اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید وبرادران رشید شان ازین محیط رخت بربسته دوباره روابط اخوت وصمیمیت بین افراد وطبقات ملت این کشور حکمفرما گردید .

بنا بران این ملت قدر شناس همه ساله حلول این روز سعد ومیمون را انتظار کشیده ، درروز مذکور چه‌درمرکز وچه‌در ولایات جشن میگیرند ، وبروح‌پرفتوح محصل استقلال ونجات بخشای افغانستان بانهایت صمیمیت‌واحترام ادعیهٔ خالصانهٔ خودهارا تقدیم‌داشته‌سعادت دائمی‌وطن وموفقیت‌ونیکنامی‌وطول‌عمر ذات‌اشرف‌ملوکانه‌واعمام شریف شان‌رادرراه پیشبرد ترقی افغانستان ازدرگاه حضرت احدیت مسئلت میدارند .

روز ۲۳ میزان ۱۳۱۸ که‌یازدهمین سال جشن‌نجات وطن‌ومصادف باایام مبارك ماه‌رمضان بودمراسم تشریفاتی آن حسب ارادهٔ حضور مبارك ذات شاهانه معوق وملتوی گردید .

❀ ❀ ❀

ختمهای قرآن در ماه مبارك رمضان

یکی از اعمال حسنه وروبهٔ مقدس اسلامیت کارانه که از بد وسلطنت اعلیحضرت غازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد نادر شاه شهید رحمةالله علیه که افکاردیانت‌پرورانهٔ‌ذات شریف وخاندان نجیبش بر همگان ظاهر وآشکار است ، ختمهای قرآن کریم است که همه ساله بتوجه ومساعد تهای این دو دمان دیانت پرور درماه‌مبارك رمضان بعمل میآید .

درسال ۱۳۱۸ نیز مانند سالهای گذشته‌ختمهای‌قرآن عظیم‌در عموم‌مساجد جامع باترتیبات وتجلیلات باشکوهی آمدوعلاوه‌ذات اشرف همایونی‌درقصر گلخانه بمعیت عدهٔ از وزراء ورؤسا وخاندان جلیلهٔ شاهی حسب معمول همه ساله‌امسال هم درماه مبارك رمضان ختم نمودند .

❀ ❀ ❀

گل نهادن طلاب معارف

بر مقبرهٔ اعلیحضرت شهید

ذواتیکه‌در دورهٔ حیات‌قیمتدار خویش‌ازمنافع شخصی گذشته ونصب‌العین خود رضای‌خالق وخدمت مخلوق را قرار داده اند ، بدیهیست که همچه ذوات مقام مهم ومحبوبیتی بزرگی را در قلوب عامه برای احترام وجود نادرالوجود خویش حاصل مینمایند .

اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید رحمةالله علیه از جملهٔ همان ذوات بزرگی بودند که درتمام دورهٔ‌حیات خودجز برای رفاه‌وسعادت ملت‌واعتلای‌مملکت منظوری نداشتند .بنابرهمین جهات است که همه ساله درایام شهادت آن مربی‌فقید ومصلح بزرگ افغانستان از طرف طبقات ملت مخصوصاً اهل معارف که‌بیشتروجود اینگونه رجال‌راقدرواحترام مینمایند ، درسال ۱۳۱۸ نیز حسب معمول سنوات ماضی بتاریخ ۱۶ عقرب که روز شهادت آن نابغهٔ فقید است ، طلاب معارف‌جهت‌ادای ختم‌های قرآن کریم وگل گذاری برمزار آن شاه شهید حاضر وبروحانیت بزرگوار شان اد عیات خالصانه وتحیات صمیمانهٔ خود هارا تقدیم نمودند .

❀ ❀ ❀

انعقاد مجلس صدمین سالگرهٔ

ولادت سید جمال الدین افغان

انجمن ادبی که یکی‌از موسسات‌مصلح بزرگ‌افغانستان اعلیحضرت غازی‌محمد نادرشاه شهید (رح) است ، علاوه بر خدمات ادبی وعرفانی که از بدو تاسیس خود به مملکت عزیز خویش نموده است از برای احیاء وزنده کردن نامهای رجال برجسته ونوابغ این کشور باستانی نیز خدمات شایان قدری ازخود بوجود آورده است ،چنانچه درسال۱۳۱۷ مجلس یاد وبودی

(c) ketabton.com: The Digital Library

نسبت به نهصدمین سالگرهٔ حضرت علامه‌فیلسوف بزرگ شرق شیخ بوعلی سینای بلخی منعقد ودر سال۱۳۱۸ به‌تجلیل یکصدمین سالگرهٔ ولادت نابغه‌وسیاس معروف حضرت سیدجمال‌الدین افغان احتفالی گرفته وحسب تکت های دعوتیکه ازطرف‌انجمن‌موصوف توزیع شده‌بود بتاریخ روزشنبه ۱۶ قوس بساعت معینه ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت صدرعظم صاحب و ع ، ج ا ، ا نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه وعدهٔ از وزراء ورؤسا ونمایندگان دول شرقی وعلماء وفضلاء درکلوب استور حضوربهمرسانیده وازطرف‌اعضای انجمن ادبی «پښتو ټولنه» مدعوین محترم پذیرائی می‌شدند .

درین مجلس بزرگ نطقهای پرحرارت وجامعی دراطراف‌محاسن وعلو مقام حضرت سید از طرف بعضی اعضاء مؤقر انجمن قرائت گردید که تفصیل آنرا قارئین کرام در جرائد وطن عزیز ملاحظه ومطالعه فرموده خواهند بود .

❀ ❀ ❀

الطاف ومراحم شاهانه دربارهٔ مساکین

پادشاه محبوب القلوب افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی‌الله محمدظاهر شاه حسب عادت‌همه ساله درسال ۱۳۱۸ نیزدر ایام حلول زمستان یك‌مبلغ کافی برای دستگیری ازفقراء بریاست بلدیه کابل عنایت فرمودند ، تامطابق سنوات ماضی درین فقراء ومساکین توزیع کرده شود .

❀ ❀ ❀

استقبال ازعیدین

اعیاد مذهبی دین‌مقدس اسلام که عبارت ازعید رمضان وعید سعیداضحی باشد ، از طرف ملت وحکومت دیانت دوست افغانستان بکمال مسرت ونهایت گرمجوشی پذیرائی گردید .

درهردو عید ذات شوکتسمات همایونی درسلا مخانه برای شنیدن عرض تبریك طبقات ملت شاهانه واجرای مراسم عید مبارکی بالذات حضور آورده ، درضمن نطق های موثری ازعیدین استقبال میفرمودند ونیز حسب معمول همه‌ساله فرامین تبریکیه‌عید ازحضور شاهانه بنام عموم نایب الحکومه‌ها وحکام اعلی و صاحبمنصبان عسکری و غیره اعاظم ملت شرف اصدار یافته که سواد آنها را قارئین محترم درموقعش درجراید وطن عزیز خوانده خواهند بود .

❀ ❀ ❀

زلزلهٔ ترکیه وغم شریکی افغانستان

دراوائل ماه‌جدی ۱۳۱۸ ذریعهٔ رادیو وجرائد خبرهای ناگواری ازحادثهٔ فجیع والمناك

(c) ketabton.com: The Digital Library

زلزله وبه تعقیب آن ازبرفباری وبرودت هواوسیلابها وطوفان بـاد وبندش راها ومشکلات مواصلات اناطولیه درکابل نشر گردید .

ملت وحکومت افغانستان که علائق قلبی و روابط صمیمانهٔ باملت وحکومت برادر اسلامی خود ترکیه دارند ،ازوقوع این حادثات نهایت محزون ومتألم گردیدند وازخبر های مابعد که حاکی ازاقدامات ومساعی وطن خواهانه وملت پرورانهٔ حکومت بیدار وفعال ترکیه که در راه تلافی وترمیم خسارات وارده ورساندن هرگونه امداد به مصیبت رسیدگان آن سامان بود وبگوش های این‌ملت دوست وخیر خواه مملکت ترکیه وسائر عالم اسلام رسیده ، قابل تقدیر وتمجید واقع گردید . وبتاریخ روز جمعه ١٤ جدی درتمام مساجد جامع ازطرف عموم اهالی مرکز نسبت بواقعات مؤلمهٔ ترکیه ادعیات پرسوزی برای دفع این مصائب وتامین سعادت ورفاهیت آیندهٔ ملت دوست وبرادر ماترکیه بعمل آمد .

ماهم بنوبهٔ خوداحساسات همدردانهٔ خودرا بـه ملت نجیب وحکومت معظم ترکیه تقدیم داشته ازدرگاه حضرت‌خداوند جل‌علی شانه اجر جمیل درمقابل ضائعات مذکور برایشان مسئلت مینمائیم ، وبرای آن برادران تلف شدهٔ اسلامی خود مغفرت میطلبیم .

❀ ❀ ❀

آغاز انتخابات چهارمین دوره تقنینیهٔ

شورای ملی

چون‌دورهٔ سوم تقنینیهٔ دارالشورای ملی درماه جدی ١٣١٨ منحل گردید وبرای دورهٔ چهارم تقنینیه که دربرج ثور ١٣١٩ افتتاح میگردد ،لازم است که قرار اصل (٢٩) لائحه انتخابات شورای ملی مصوبهٔ (٢٨) سنبله ١٣٠٩ وکلای جدید ازطرف ملت انتخاب وبه شورای ملی معرفی کرده شود .

بنابرین واسطه به‌تمام ولایات بغرض انتخاب وکلای دورهٔ چهارم اعلانات پادشاهی توزیع واصدار یافت که مطابق به شرائط مشروحهٔ لائحهٔ مذکوره درحوزهٔ انتخابیهٔ خود ها بانتخاب وکلای خویش مبادرت ورزند وبموعد معینهٔ آن آنهارا بمرکز بفرستند تابوقت موعود تمام وکلای ملت بمرکز حاضر بوده وبعد مراسم افتتاحیه (دارالشورای) ملی بدورهٔ چهارم تقنینیه آغاز نمایند .

❀ ❀ ❀

وفیات

بروز دوشنبه ٢٨ جوزا محمد توابخان پیلوت و عبدالواحد خان کشاف دراثر سقوط طیاره

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازجهان فانی بعالم جاودانی شتافتند. « انا لله وانا الیه راجعون » جنازهٔ آن دوسرباز افغانی که درراه انجام وظیفه بدرجهٔ شهادت نائل گشته بودند ، با احترامات زیاد و به بهترین صورتی بعمل آمد و باز ماندگان آن مرحومین مورد دلجوئی ونوازش حکومت متبوع معظم خویش قرار گرفتند .

و برعلاوه بتاریخ ۳۱ جوزا ازساعت ۹ الی ۱۲ مجلس ترحیم آن دومغفرردروزارت حربیه بحضور ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت وزیر صاحب حربیه دروزارت موصوفه منعقد وجم غفیری ازمامورین ملکی وصاحبمنصبان عسکری واعزه ومعاریف کابل درآن شمولیت ورزیدند .

واز حضور مبارك اعلیحضرت همایونی ع ، ج ، والاحضرت سرداراحمد شاه خان وزیر دربارشاهانه و ع ، ج ، وکیل سرمنشی حضور ملوکانه و ع ، ش ، سر یاورحربی حضورهمایونی درمنازل شخصی شان جهت فاتحه خوانی تشریف برده و یکمقدار پول هم بورثهٔ اوشان اعطا گردید .

❀ ❀ ❀

فضائل همراه جناب پاینده محمد خان مشهور به استاذ صاحب هده که از خلفای معروف و جانشین حضرت نجم المشائخ صاحب مشهور به آخند زاده صاحب هده بودند ، در ایام تابستان ۱۳۱۸ جهت گذشتاندن روز های گرمی ازمشرقی بکابل تشریف آورده بودند دراثر علالتی که بوجود شان عارض بود داعی اجل رالبیك گفته ، از ین جهان فانی رهسپار عالم جاودانی گردیدند . « انا لله وانا الیه راجعون » در مراسم جنازهٔ آن مرحوم والاحضرت صدراعظم صاحب ووزراء ومامورین وجم غفیری ازمشائخ وعلماء واعزه ومعاریف مرکزشمولیت ورزیده مصارف تجهیز وتکفین آن مرحوم از طرف حکومت متبوعهٔ ما اعطا و علاوتاً برای نقل جنازهٔ شان الی مشرقی موتر تیزرفتار عنایت گردید .

❀ ❀ ❀

جناب سید محمد خان متولی باشی مسجد جامع هرات که یك شخص فاضل و عالم بود ند ، بتاریخ ۱۶ اسد بمرض سینه بغل وفات نمودند « انا لله وانا الیه راجعون » قرارنشریات جرائد که درمراسم جنازهٔ آن مرحوم و ، ج محمدقاسم خان وکیل نایب الحکومه وصاحبمنصبان عسکری ومامورین ملکی وعلما ومشائخ وجم غفیری از اهالی هرات حضور بهمرسانده بودند .

ماهم بنوبهٔ خود برای ذوات فقید مذکور از درگاه حضرت احدیت مغفرت واز برای بازماندگان شان صبر وتسلیت مسئلت مینمائیم .

این بود واقعات مهمهٔ سنه ۱۳۱۸ که در خارج اجراآت وزارت ها و دوائر مانده و هرساله موضوع مقالهٔ مستقلی درسالنامه میباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

گذارشات دنیا

در سال ۱۳۱۸



آقای سید قاسم خان « رشتیا »
نگارندهٔ مقاله

همانطور یکه در ظرف ٤ سال اخیر دنیای بشریت در یك حالت تردد پر اضطرابی انتظار در گرفتن آتش جنگ جهان را می کشید و هرماه و هرهفته بلکه هرروزرا بایکعالم هیجان بسر می برد ، بالاخره سال ۱۳۱۸ این حالت شك ورجارابطورقطع به بحران عالمگیری مبدل وساحهٔ پرامن دنیارا صحنهٔ واقعات خونین وفجیعی گردانید.

بعبارت دیگر مخالفت دول بزرگ طوری شراره کرد که دیگر حدی برای خود قائل شده نتوانسته لاجرم درسرتقسیم میدانهای نفوذ وتملك بگردن هم افتادند ومثل دو گلولهٔ پرازمواد منفلقه دراثرتصادم خود انفجار جهان لرز وعالم سوزی را روی کار آوردند .

دسته بندی های دول ومسابقهٔ تسلیحات و مخالفت های فکری و مبارزات اقتصادی و نهضت های ملل جوان که در ظرف هشت سال اخیر رونما شده و هر روز عوامل تازهٔ را برای برهم‌زدن تعادل قوای بین‌المللی بوجود می آورد ، کار را بجائی رسانید که دیگر فکر سیاسیون و خودداری های زمامداران ممالك نمیتوانست چارهٔ برای حل مسائل پیدا کند بلکه فقط راه حل وفصل قضایای پیچیده بنوك شمشیر جنرال های عسکری منوط گردید .

بهرحال درین سال گرچه جنگ عمومی که ازچهار سال پیش انتظار آن میرفت دراروپا آغاز یافت ولی درخود سال مذکور کدام عامل اساسی تازهٔ درسیاست بین‌المللی رخ نداده که‌بذات خود سبب جنگ بشود بلکه دامنهٔ همان سیاست توسعه‌جوئی المان وعکس العمل متحدین وسعت یافت که در سال گذشته منجر بسقوط آستریا وتجزیهٔ چکوسلواکی گردیده بود ـ تنها در طرز تاکتیك المان یك تحول کاملی رخ داد که آن عبارت از نزدیك شدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

بااتحاد جماهیر شوروی بود که سیاسیون دنیا آنرا بیك «ولت فس» یا «کین شاگرز» کامل تعبیر می کنند یعنی دولت المان که از بدو نهضت نازیها همواره اتحاد شوروی را یگانه دشمن وهدف سیاست توسعه جوئی خود بطرف مشرق معرفی کرده وبا لمقابل پولیند را یگانه وسیلهٔ پیشرفت این سیاست خویش میدانست ، دفعتاً وضعیت خود را در برابر این دو دولت بر عکس گردانید .

این است اساس مناقشهٔ موجوده که در سال گذشته در ظرف چند روزی قیافهٔ سیاسی وجغرافیائی دنیا را تغیر بخشید واکنون در طلیعهٔ سال نوهر قسم پیش آمدهای مهم دیگری را در نظر تجسم میدهد .

گرچه سوانح این جنگ خیلی طولانی وجنبه های پوشیده وپیچیده اجازه نمیدهد بدرستی از روی اطمینان در بارهٔ آن سخن برانیم ولی باآن هم درسطور آتی سعی میورزیم تاروش واقعات مهمهٔ این سال را بصورت خلص واو بـز کتیف برای معلومات خوانندگان عزیز ترسیم نمائیم ومن‌الله التوفیق « رشتیا »

آغاز بحران پولیند ومطالبات المان :

درسال ۱۹۳۸ حینیکه چکوسلواکیه تجزیه می‌شد علاقهٔ «چشن» که سابقاً به پولیند تعلق داشت از طرف المان به پولیند واگذار(ماه‌سنبله) ولی‌متعاقب آن درماه دسمبر وزیرامور خارجهٔ المان به بك‌وزیر امورخارجهٔ پولیند گوشتزد کرد که‌المان میخواهد روابط هردومملکت هم تصفیه شود خصوصاً معاملهٔ اقلیت های طرفین وقضیهٔ شهر آزاد دانزیگ وراه روبایستی بصورت دوستانه حل وفصل گردد . حکومت پولیند بمقابل این پیشنهاد باوسواس زیادی اظهار آماده گی نمود والمان وعده داد که‌پیشنهادات خود را تقدیم خواهد کرد ـ همان بود که‌المان پس‌از صورت دادن الحاق مملمتن مطالبات خود را در وسط ماه مارچ ۱۹۳۹ بحکومت وارسا داده دران تقاضا شده بود که شهر دانزیگ یك‌شهر المانی تسلیم کرده شود وهم یك جادهٔ موتر رو از بین رهرو پولیند بین المانی وپروشای شرقی تمدید یابد واقلیت های طرفین مبادله شوند . این پیشنهاد که مقارن الحاق مملکت بالمان صورت گرفته بود اسباب اضطراب حکومت وارسا را فراهم وآن را غیر قابل قبول دانسته در ۲۶ مارچ پیشنهادات جوابیه تقدیم نمودند . در اثر این وضعیت عکس‌العمل شدیدی ازطرف المان نشان داده شده روابط مملکتین کسب تیره گی نمود . از طرف دیگر در همین وقت انگلستان وفرانسه که در صدد تشکیل یك‌سد در شرق اروپا بمقابل المان بودند دراخیر مارچ به‌پولیند ورومانیه پیشنهاد یك معاهدهٔ امداد متقابل را کردند . حکومت وارسا پس‌از اندك تردد به مذاکرات مقدماتی آغاز نمود .

(c) ketabton.com: The Digital Library



آدولف هتلر قائد المان

مطالبات ایطالیا از فرانسه :

دفعتاً بتاریخ (۹ حمل) درجرائد ایطالیا مطالبات شدیدی ازفرانسه نسبت بجزیرهٔ کورس وتونس وشهرنیس بلند شد ومتعاقب آن طلاب مکاتب مظاهراتی را اجراء کردند .

در نتیجه چون حکومت ایطالیا از ین مظاهرات جلو گیری نمیکرد ، یك کشیدگی شدید بین مملکتین رخ داده فرانسویها بشدت همچه مطالبات‌رارد نمودند . وبرای جلوگیری ازتاثیرات آن درمستعمرات فرانسوی ، دلادیه رئیس‌الوزرای آن مملکت مسافرتی به کورس و تونس و غیره مستعمرات شمال افریقائی بعمل آورد . رفته رفته پس از یکماه زمزمه های

نطق رایشتاگ :

درین بین هتلر در۸ثور در نطق خود در رایشتاگ معاهدهٔ عدم تعرض بین‌المان وپولند منعقدهٔ سال ۱۹۳٤را ملغی دانسته مطالبات خود را از پولند بمقابل یك معاهدهٔ عدم‌تعرض ۲۵ سالهٔ تازه تجدید کرد . این پیش نهاد نیز ازطرف‌پولندیها تردید وبلا فاصله تجهیزات عسکری وسوقیات مهمه از هردو طرف بجانب سرحدات آغاز یافت .



ادوورددلادیه رئیس‌الوزراوزیرمدافعهٔسابق ووزیر خارجهٔ حالیهٔ فرانسه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مذکور دربرابر وقائع بین المللی خصوصاً فتح البانیا از طرف ایطالیا خاموش گشت ولی در روابط مملکتین کشیدگی باقی ماند .

معاهدهٔ تعاون باهمی انگلیس وپولیند :

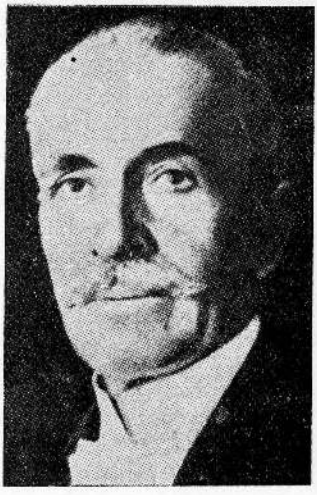

بك وزیر خارجهٔ پولیند بتاریخ (۲۰ ثور) وارد لندن شده معاهدهٔ تعاون باهمی را باانگلستان وسپس درپاریس همان قسم یك معاهده را بافرانسه امضاء کرد .

وضعیت روسیه :

دولت شوروی بعدازعقد شدن معاهدهٔ امداد متقابل بین پولیند ودیموکراسی های غربی داخل یك دورهٔ فعالیت مهمی شده پو تمکین معاون کمیسر امور خارجه برای کسب اطلاعات به ترکیه ، بلغاریه ، رومانیه ، پولیند مسافرت نمود ، از طرف دیگر در (۸ ثور) حکومت انگلستان بمسکو پیش نهاد کرد که در سلسلهٔ معاهدات اتحاد باهمی اروپای شرقی شامل شود .

دولت شوروی آماده گی خود را نظر به بعضی شرایط که مهمترین آن نسبت برضائیت دول شمالی اروپا بالخاصه فنلیند ودراروپای شرقی پولیند باشد ، اظهار نمود ومذاکرات مقدماتی شروع شد .

موسسکی رئیس جمهور سابق پولیند

آغاز زد وخوردها بین پولیند یها واقلیت های المانی :

ازشروع ماه جوزا زدوخوردهای مجهول العلتی بین پولندیهاوالمانهای مقیم خاك پولنددرعلاقهٔ سلیشیاوراهرو آغاز یافته المانها این واقعات رادرجرائد خودخیلی اهمیت میدادندویك فضای خطرناکی دربین مملکتین تشکیل می شد ـ عساکر المانی برسرحدات تمرکز می یافت ، حکومت پولیند بتاریخ (۷ سنبله) امراحضار بحربرا صادرکرد وبه تجهیزات عمومی پرداخت .

ماموریت سترانگ ومذاکرات انگلیس وروس :

در (ماه جوزا) چون مذاکرات انگلیس وروسیه برای عقدیك معاهدهٔ اتحاد باهمی بامشکلاتی مواجه بود ، حکومت لندن رابرت سترانگ مدیر وزارت امور خارجه رابمسکو اعزام داشت مشکلات معاهدهٔ ازطرف روسیه نسبت به وضعیت غیرمساعد دول بالتیك وپارهٔ مسائل حربی بوده است که برای مقصد اخیر الذکر یك دسته نمایندگان حربی نیز از پاریس و لندن بمسکو اعزام ومذاکرات بصورت تأنی درضمن پیش نهادات وپیشنهادات جوابیه ازطرفین جاری گردید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بحران دانزیگ :

درشروع اخیر جوزا المانها دردانزیگ بمظاهرات بزرگ پرداخته بجمع آوری اسلحه ومهمات شروع کردند ـ نمایش های از طرف حزب نازی بعمل آمده عزل کمیسر جامعهٔ ملل والحاق دانزیگ رابه (رائش) تقاضا می نمودند ـ مامورین گمرکی پولیند را ازگمرکات عزل میکردند وبحران شدیدی درعلاقهٔ شهرآزاد جاری شده بود ـ جرائد المان تهدیدات خویش را دوام میدادند ـ فورستری رئیس نازیهای دانزیگ بتاریخ (۷سنبله) باهتلر ملاقات کرد .

معاهدهٔ عدم تعرض المان و شوروی :

گرچه ستالین در نطق ماه مارچ خود درکنگرهٔ کل اتحاد شوروی از تمایل روسه باصلاح روابط تجارتی با المان اشاره کرد و هم هتلر در نطق را یشتاگ نسبت با تحاد شوروی لهجهٔ ملایمی را استعمال نموده بود ، ولی تا اوائل ماه اسد سر و صدائی در بین این دو مملکت نبوده تا آنکه دفعتاً بتاریخ۲۸ اسد درمسکو وبرلین یکجا عقد یك معاهدهٔ تجارتی و شروع مذاکرات معاهدهٔ عدم تعرض بین مملکتین اعلان وبتاریخ اول سنبله‌ربین تروپ وزیر خارجهٔ المان بمسکو رسیده معاهدهٔ عدم تعرض ده ساله را امضاء کرد ـ و باین قسم مذاکرات سیاسی و حربی نماینده گان متحدین در مسکو عملاً باطل شده نماینده گان موصوف باوطان خود مراجعت کردند .

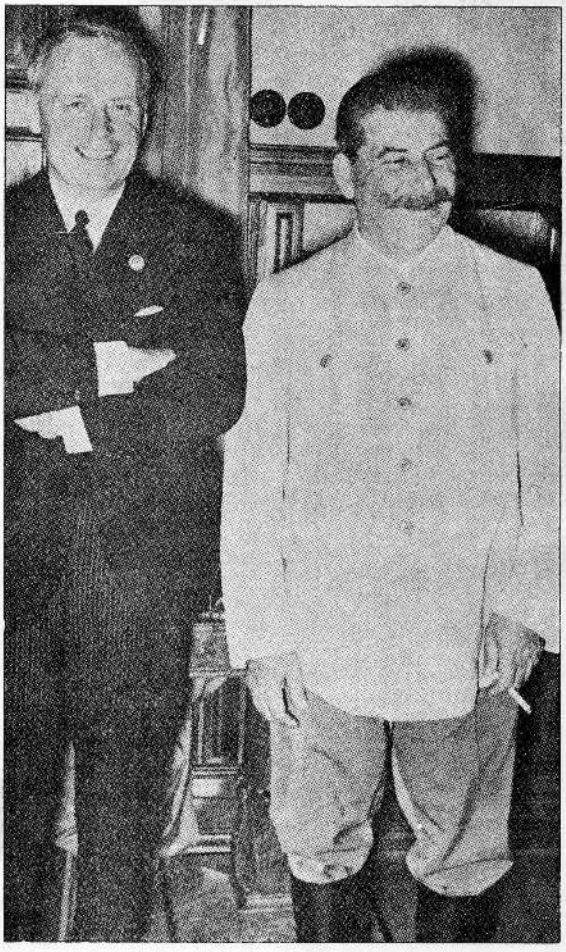

ژوزف ستالین قائد اتحاد شوروی (طرف راست) وفون ریبن تروپ وزیر خارجهٔ المان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وخامت اوضاع اروپا واقدامات چمبرلین ودلادیه :

باثر معاهدهٔ عدم تعرض المان وشوروی در اوضاع اروپای شرق وخامت شدیدی عارض شده خصوصاً کشیدگی بین المان وپولیند خیلی زیاد گشت . انگلیس وفرانسه بتاریخ اول سنبله اعلامیهٔ جدیدی نسبت بدادن امداد کامل به پولیند درصورت حملهٔ کدام دولت صادر کردند . ازطرف دیگر چمبرلین نظر بوخامت وضعیت اروپای شرقی بواسطهٔ سفیر کبیر بریطانیا در (۲سنبله) مکتوب شخصی به هتلر ارسال ودران پیش نهاد کرده بود که یکبار دیگر بصورت مستقیم بین برلین و وارسا مفاهمه بعمل بیاید وازقرارمعلوم یك سلسله پیشنهادات هم ازطرف انگلستان جهت حل قضیهٔ دانزیك بعمل آمده بود همچنین دلادیه در (۳سنبله) بسفیر کبیر فرانسه در برلین هدایت داد تاباهتلر ملاقات واورا از تصمیم فرانسه برای ایفای تعهداتش بمقابل پولیند آگاه ومطمئن سازد . هتلر درجواب مکتوب چمبرلین وپیغام دلادیه اظهار داشت که المان از خواهشات خود درمقابل پولیند عقب نشینی نخواهد کرد و خصوصاً اگر پولیندیها بد رفتاری های خود را بهنسبت اقلیت های المانی ترك نکنند المان تحمل کرده نخواهد توانست . در ۶ سنبله مکتوب جدیدی از چمبرلین توسط سفیر کبیر انگلیس بهتلر رسید هتلر جواب آنرا فردا داده قبول کرد که اگر یك نمایندهٔ مختار ازطرف پولیند به برلین بیاید باو مذاکرات مینماید .

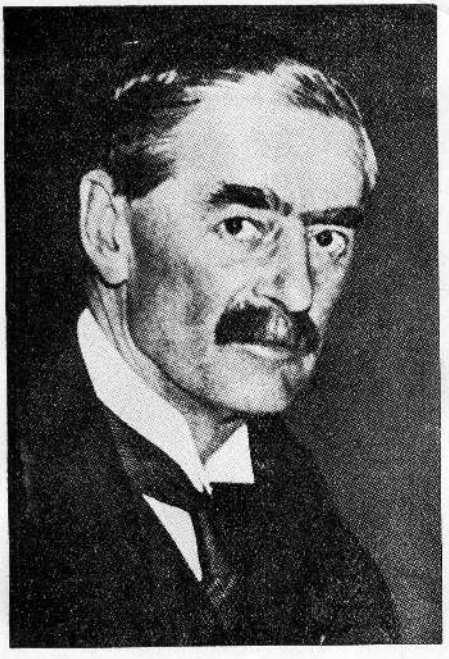

چمبرلین صدراعظم (سابق) انگلستان
حال رئیس کابینهٔ خصوصی

اقدام زمامداران دول :

در ۵ سنبله شاه بلژیك وملکه هالیند و روزولت رئیس جمهور امریکا بنام شاه ایطالیا وخود دول المان وپولیند پیغام های صلح فرستادند ـ در ۷ سنبله موسولینی پیشنهاد تشکیل یك مجلس بین المللی را برای ۱۲ سنبله در روما ازفرانسه وانگلستان والمان بغرض تجدید نظر درمعاهدهٔ ورسای تقدیم کرد ـ در ۹ سنبله حکومت فرانسه آماده گی خود را اعلان نمود اما

(c) ketabton.com: The Digital Library

بصبح ۱۰ سنبله المان برپولیند حمله نموده ودرهمان وقت انگلستان جواب ایطالیا را صادر وضمناً انعقاد قرار داد را به معطل شدن عملیات عسکری المان مشروط گذاشت موسیو لینی این خواهش را ذریعهٔ تلفون از هتلر نموده ولی او جوابداد که این کار مخالف شئون واعتبار المان است زیرا که نوته‌های انگلیس وفرانسه که باالمان داده شده شکل اولتیماتوم رادارد .

حملهٔ المان برپولیند واولتیماتوم فرانسه وانگلیس :

در ۸ سنبله لیسپکی سفیر کبیرپولیند نظر باشارهٔ حکومت انگلیس وفرانسه بوزارت خارجهٔ المان حاضروخواهش ملاقات وزیر خارجه رانمود .ریبن تروپ ازاوسوال کرد که آیابحیث نمایندهٔ مختار حاضر شده است یا بحیث سفیر کبیر - سفیر پولیند در جواب گفت بحیث سفیر کبیر برای گرفتن پیشنهادات المان - ریبن تروپ از دادن پیشنهادات باو انکار ورزید و گفت که او جز با نمایندهٔ مختار گفتگو نخواهد کرد . فردای آن ۹ سنبله سفیر کبیر انگلیس باز وزیر خارجهٔ المان راملاقات نموده وزیر موصوف متن پیش نهادات المان راکه عبارت از ۱۸ نکته بود - برای اوقرائت نمود . وشام همین روز رادیوی المان هرهجده نکات مذکورا شایع وضمناً اعلام داشت که این پیش نهادات ازطرف حکومت پولیند ردشده است . چنانچه بصبح روز ۱۰ سنبله بقوای المان امرتعرض برخاك پولیند داده شد . وهتلر (رایشتاگ)رابصورت فوق العاده جمع نموده درنطق خود اعلان نمود که بسبب وضعیت شدیدیکه حکومت وارسا بنسبت حکومت المان درپیش گرفته وبدرفتاری که دربرابر المان‌های مقیم پولیند ازطرف پولیند بها بعمل می‌آمد ، المان خودرا مجبور دید تاعساکر خودرا امرمارش بطرف پولیند بدهد . درهمین روز بوقت عصر سفرای انگلستان وفرانسه نوته‌های اولتیماتوم رابحکومت المان تسلیم نمودند که دران مطالبهٔ تخلیهٔ فوری خاك اشغال شدهٔ پولیند وشروع مذاکرات پیشنهاد شده ودرغیر اینصورت اجراء شدن تعهدات دولتین درمقابل پولیند خاطر نشان گردیده بود .

پیغام روز ولت مطالبهٔ امداد از طرف پولیند و اعلان جنگ ازطرف انگلیس و فرانسه بمقابل آلمان :

در ۱۰ سنبله روزولت پیغامی بنام المان وپولیند برای خود داری از بمبار دمان نفوس وآبادی های ملکی صادرکرد که طرفین آنرا قبول نمودند . درهمین روز حکومت پولیند به وجب معاهدات باهمی خود ازمتحدین امداد خواست . سفرای انگلیس وفرانسه دربرلین مطالبهٔ جواب اولتیماتوم خودرا نموده وچون جوابی نگرفتند اولتیماتوم دوم که ده ساعت مهلت داشت تقدیم

(c) ketabton.com: The Digital Library

کردند درختم آن چون هنوز المان جواب مکفی نداد ، پاسپورت های خویش را مطالبه نمودند ـ حکومات انگلستان وفرانسه بفاصلهٔ ۵ ساعت ازهمدیگر برحسب پوره شدن مهلت اولتیما توم خودها اعلان جنگ راصادر نمودند(۱۱ سنبله)دیگردول عالم عموماً منجمله افغانستان اعلان بیطرفی نمودند .

عملیات حربی درپولیند :

عساکر المان ازسه طرف برخاك پولیند تعرض کردند ازسمت راه‌رو وسلیشیای علیا ازراه سلواکیا واز پروشیای شرقی ـ بسبب نبودن سنگرهای مستحکم ووسعت سرحدات عساکر پولیند ازاول عقب نشینی کردند . نقشهٔ پولندیها این بود تادرحصهٔ دریاها درسنگر های جدیدالاحداث خود ، اخذ موقع ومدافعه نمایند ـ درحال رجعت ، چون قشون المان بسرعت فوق العاده (درروز ۶۰ کیلومتر) پیش میرفتند ، بعلت نبودن انضباط صحیح در قشون پولیند ، یك اشتباه بزرگ بین یکدستهٔ بزرگ فوج پولیند درحال رجعت قهقرائی رخ داده ، روابط بین یکی از بزرگترین حصص عسکر پولیند وقسمت های دیگر آن که بایستی یکوقت به موضع معینه برسند قطع وقشون پولیند بدوحصه تجزیه یافت ازراه بحرهم قشون المان بردانزیگ وگدنیا بزودی تصرف کرده در روز هشتم درحدود وارسا رسیدند . پایتخت به لوبلین بطرف سرحد شوروی نقل یافت روز ۱۳ وارسا بحالت محاصره درآمد ـ قشون پولیند درحصص در یا ها مقاومت میکردند ـ بمبار دمان های هوائی شدید بود .

مداخلهٔ روسیه وسقوط پولیند :

در۲۳ سنبله حکومت شوروی یاد داشتی بسفیر پولیند تقدیم ودران از شناختن حکومت سیار پولیند انکار وازمداخلهٔ عساکر سرخ بغرض حفظ جان ومنافع روسهای سفید ویوکرائنی های پولیندی اعلان داد ودرعین زمان یادداشت متحد المالی بسفرای خارجه هم‌داده دلائل سیاست جدید خودرا تذکار ولی بیطرف ماندن خویش رادر جنگ اروپائی تائید نمود متعاقب آن بصبح روز ۲۴سنبله قشون سرخ هم سرحدات پولیندرا عبورودرحالیکه مقاومت بزرگی در مقابل شان وجود نداشت حصص شرقی پولیندرا اشغال نمودند ـ حکومت پولیند که روابط آن بایگانه مملکتی که راه آزاد بخارج داشت یعنی رومانیه مورد تهدید واقع شده بود ، چاره را برخود حصردیده بخاك رومانیه پناه برد درحالیکه مقدارکلی طلای بانك ودفاتر حکومتی راقبل از خود خارج کرده بود به بخارست رفت . قشون المان وشوروی بتاریخ (اول میزان) بمقام برست لتوسك یعنی همانجائیکه در جنگ عمومی گذشته روسها با المان معاهدهٔ صلح جداگانه عقد کرده بودند ملاقی شدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

روابط جاپان وشوروی :

بعد ازعقد معاهدهٔ عدم تجاوز بین المان وشوروی آوازهٔ اصلاح روابط جاپان وشوروی نیز بلند شده وحتی سخن ازعقد معاهدهٔ عدم تجاوز زده می‌شد - ولی دراخیر سنبله مذاکرات دولتین به عقد موافقهٔ مقدماتی‌راجع بخاتمه دادن تصادمات شرحدی درحدود مغولستان ومنچوکو منجرشده عساکر طرفین از حدود سرحدی بفاصلهٔ معینی دوررفتند وهیئت مختلط برای تحدید حدود سرحدی تعین‌شد . هیئت چندین‌مدت مجلس‌کرده لیکن در ماه حوت بدون آنکه بموافقهٔ واصل شود منحل گردید وازان پس تاکنون روابط مملکتین در عین اینکه کشیدگی واضحی ندارد ولی به تصفیهٔ قطعی هم واصل نشده - خصوصاً تشکیل حکومت وانگ چنگ وی درنانکن ازطرف شوروی بخوشی استقبال نشده است .

جنگ در محاذ غربی - در بحر وهوا :

پس ازاعلان جنگ بین متحدین والمان عساکر فرانسه درخطوط ماژینو اخذ موقع کرده برای کم کردن ثقل قوای المان از پولیند ، در حصهٔ واقعه بین سنگرهای زیگفرید وماژینو بنای حمله راگذاشتند و بزودی در اثرعدم مقابلهٔ شدید قشون المان تاحدود سار بروکن هم پیش رفتند ولی خاتمهٔ جنگ پولیند عساکرفرانسه راواپس بخطوط ماژینو رجعت داد . دربحر بمجرد اعلان‌شدن حرب ، کشتی‌مسافرتی‌اتهینیاتعلق انگلستان که با ۱۴۰۰ نفرمسافرین امریکائی وغیره عازم امریکا بود بصورت مرموزی غرق شد ، دولتین مسئولیت آنرا بر سر همدیگر بار کردند - ازین پس جنگ تحت البحری از طرف المان در بحر شمال و بالتیك با انداختن نقب های بحری مختلف الشکل بشدت آغاز یافت و بساجهازات انگلیسی و بیطرف راغرق‌کرد و هم حملات هوائی بواسطهٔ تعرض طیارات انگلیسی بر مراکز بحری و هوائی المان مثل ویلهلمسافن وجزیرهٔ هیلیگولیند وجزیرهٔ سلت‌وحملات طیارات المانی برفرت آف فورت وجزائر شتلیند وسکاپا فلوشروع شد . درضمن ۷ ماه اول جنگ در بحرانگلیس ها دوجهاز بزرگ جنگی یکی کریجس ودیگر رایل آك باتعداد زیادی زرهپوش وازطرف المان گراف سپی و بساتحت البحری هابه تلف رسیدند حالانکه ازممالك بیطرف صدهاجهاز تجارتی‌هدف تحت البحری ونقب وطیارات شده میرود . (تلفات بحری جنگ جدید ناروی که فوق‌العاده زیاداست مستثنی‌است) .

محاصرهٔ وارسا - تقسیم پولیند وسقوط وارسا :

در اول میزان وارسا از سه طرف بواسطهٔ المانها محاصره شده اما شهر ازتسلیم انکار ورزید . یکدسته عساکر پولیندی در حصص دریاها نیز مقاومت داشتند آنهادر (۲۵) سنبله تسلیم شدند - اما محاصرهٔ وارسا طول کشید . در (۳ میزان) ریبن تروپ باز بمسکو

(c) ketabton.com: The Digital Library

رفته معاهدهٔ تقسیم پولیند را که بموجب آن خط سرحدی مملکتین از وسط سرحد پروشیای شرقی از قریب برست لیتوسك تا ملتقای سرحد رومانیه و مجارستان میگذرد ، بایك قرار داد مؤدت وحسن همجواری و یك موافقهٔ تجارتی امضاء کرد . در (۱۱ میزان) یزار سا هم پس از (۷) روز مقاومت شجیعانه تسلیم شد .

پیش نهاد صلح هتلر :

بتاریخ (۱۲ میزان) بعد از تسلیم شدن وارسا ، هتلر نطقی ایراد ودران مطالبهٔ صلح رانمود و پیش‌نهاد کرد که صرف دانزیگ و راهرو بالمان الحاق و باقی پولیند بصورت یك مملکت مستقل تحت رسوخ المان وشوروی تشکیل داده شود ـ بالمان مستعمرات بدهند ـ خلع سلاح تدریجی وتقسیم مواد خام و بازارهای تجارتی بصورت منصفانه بعمل بیاید . این پیشنهاد از طرف انگلیس و فرانسه رد شد ، چندی بعد دراواخر قوس شاه بلژیك وملکه هالیند هم عرضهٔ میانجیگری نمودند ولی آنهم ازهردوطرف رد شد .

شوروی و بالتیك :

بمجرد تمام شدن تقسیم پولیند دولت شوروی به مملکت استونیاپیش‌نهاد نمود که درسواحل خود یك عده مراکز بحری رابه دولت شوروی واگذارشود . دراواسط میزان نمایندگان استونیا بمسکورسیده ودر (۲۷ میزان) معاهده رامبنی برقبول پیش نهاد شوروی امضا کردند متعاقب‌آن نمایندگان لیتویاهم‌بمسکودعوت شده وهمان‌قسم یك معاهدهٔ آنهاهم‌منعقدنمودند درهمین بین حکومت لیتوانیانیز بادولت شوروی‌داخل‌مذاکرات‌گردیده دولت اخیرالذکرالحاق علاقهٔ ویلنارا که در سال ۱۹۲۳ پولیند ازان مملکت جدا وبخود ملحق کرده بود ، ازدولت شوروی بعوض امتیازات ساحلی حاصل کرد ومعاهدهٔ مربوط بتاریخ (۲۳ میزان) بامضاء رسید . مقارن همین وقتیکه هنوز نماینده گان لیتوانیا در مسکو بودند ، نمایندگان فنلیند نیز بمسکو خواسته شدند ، وروسیه پیشنهادات خود را مبنی برواگذاری دوحصه از خاکنای کاریلیا و جزیرهٔ هانگو وجزائر آلاند وغیره دربدل چندبرابر اراضی متصل سرحدات شرقی فنلیند پیش‌کرد . نماینده گان فنلیند بسرکرده گی پاسی کی وی عدم صلاحیت خود را برای امضای معاهده وانمود وپیش نهادات روسیه را به هلسنکی بردند وبتاریخ (۲۲ حوت) دوباره بمسکو آمده مذاکرات از سرنو شروع شد .

اتحاد شوروی و بالقان :

در عین همین وقتیکه اتحاد شوروی بامالك بالتیك مشغول مذاکرات بود ، بطرف بالقان هم توجه خود را معطوف ونماینده گان ممالك مذکور را هم بمسکو دعوت نمود چنانچه وزیر خارجهٔ بلغاریه ویك هیئت یوگوسلاوی وسراج اوغلو وزیرخارجهٔ ترکیه بمسکو عزیمت

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمودند . مذاکرات با بلغاریا بعدها منجر بیك معاهدهٔ دریا نوردی شد که درماه میزان بامضاء رسید. مذاکرات با یوگوسلاویا بمقصد انعقاد معاهدهٔ تجارتی ودریانوردی بین مملکتین شروع گردید. ولی مذاکرات ترکیه وشوروی باوجود اینکه مدت یکماه طول کشید ولی بموافقهٔ واصل نشد . سراج اوغلو بتاریخ (۲۴میزان) بطرف انقره عزیمت نمود . اما ضمناً هردو مملکت درموقع ختم مذاکرات از روابط دوستانهٔ خود ها واینکه در آینده باز امکان دارد مذاکرات شان تجدید شود وهم ازآرزوی بیطرفی مملکتین اعلام نمودند .

جلب اقلیت های المان از اروپای شمالی وجنوبی :

درهمین وقتیکه روسیه در بالتیك وبالقان مشغول تأمین مفاد خود بود ، دولت المان اعلان کرد که تمام المانهای مقیم ممالك بالتیك واروپای مرکزی وبالقانی بصورت فوری با لمان مراجعت ودر حصص الحاق شدهٔ پولیند وچکوسلواکیه اقامت اختیار کنند . علت این اقدام را مراکز سیاسی سه چیز دانستند ، یکی جلب اعتماد ممالك همسایه نسبت بخاتمه یافتن مطالبات المان باساس مسائل نژادی - ودیگر تقویهٔ ساکنین المانی علاقه جات متصرفه بغرض تأمین امنیت واستناد آینده بعد از جنگ وسوم فشار روسیه که دول معاند المان همین دلیل اخیررا یگانه علت این اقدام المان میدانند .

معاهدهٔ ترکیه ومتحدین غربی :

سراج اوغلو هنوز بانقره نرسیده بود که قرارداد تعاون باهمی بین انگلیس وفرانسه از یکطرف وترکیه از طرف دیگر در انقره امضاء شد اگرچه بموجب یك مادهٔ این معاهده در وقتیکه طرف مقابل روسیه شوروی باشد ، ترکیه از اجرای تعهدات خود معاف خواهد بود . ولی باز هم مراکز سیاسی متحدین این معاهده را بمنزلهٔ ناکامی فون پاپن سفیر کبیر المان که می خواست ترکیه بطرف المان برای تشکیل یك اتحاد مربع (المان - ایطالیا - ترکیه - شوروی) داخل شود تلقی کردند .



سراج اوغلو وزیر امور خارجهٔ ترکیه

قانون بیطرفی امریکا :

دول متحدهٔ امریکا که پیش از جنگ قانون بیطرفی خود را دروقت جنگ حبشه مسوده

(c) ketabton.com: The Digital Library

کرده ودر شروع جنگ اروپائی آن را اعلان نموده بودند ، پس از جاری شدن جنگ نظر بمفاد خود در قانون مذکور تعدیلاتی را وارد ودر اواخر قوس آن را اعلان نمودند - روح این قانون را دونکته تمثیل میکند : اول فروش اموال امریکائی بپول نقد دوم حمل ونقل بذریعهٔ جهازات خود ممالک که طبیعی هردو شرط مذکور به نفع متحدین غربی تمام والمان ازیکی آن استفاده کرده نمتواند - باثر اعلان شدن این قرار داد انگلیس و فرانسه فرمایشات بزرگ اسلحه وطیاره را بامریکا صادر کردند .



جنرال ویگان قوماندان عمومی عساکر متحدین در شرق قریب که اخیراً به سپه سالاری کل قوای متحدین در فرانسه تعین شده (انتیلیجنس سروس) و انگلیسها بخود المانی و دائرهٔ خفیهٔ آن مملکت (گستاپو) نسبت داده ضمناً دونفر انگلیس و یکنفر المانی هم متهم وتحت مجازات آمدند .

سوء قصد میونیخ :

بتاریخ ۱۶ عقرب حینیکه هتلر از نطق خود درمجلس سالگرهٔ حزب نازی درمیونیخ خارج می شد یك نقب درسقف عمارت مذکور انفلاق کرده چندنفررا مقتول ومجروح گردانید . المانها این نقب را بدائرهٔ خفیهٔ انگلستان نسبت دادند

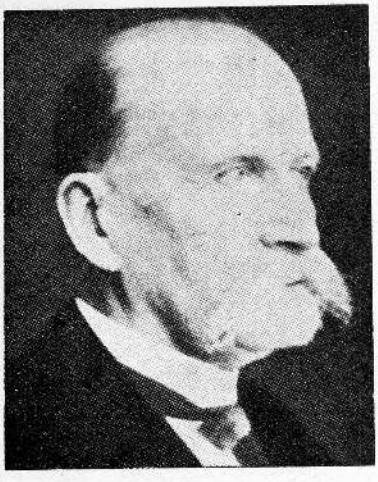

کالیو رئیس جمهور فنلند

ناکامی مذاکرات روس و فنلند :

مذاکرات روس و فنلند پس ازانکه دومرتبه نمایندگان فنلند به هلسنکی برای طلب هدایت مراجعت وپیشنهادات جوابیه باخود آوردند ، بالاخره بتاریخ (اول قوس) مذاکرات بطور قطع ناکام ونمایندگان فنلندی به مرکز خود بازگشتند درهمین بین روسیه معاهدهٔ عدم تجاوز خودرا که بافنلند داشت لغو کرد . درین وقت واقعات سرحدی در بین مملکتین کثرت پیدا کرده ، بتاریخ (۳ قوس) روسها اعتراض شدیدی نسبت به گلوله باری یك دسته عساکر فنلندی

(c) ketabton.com: The Digital Library

بر پهره داران روسی نمودند ـ حکومت هلسنکی واقعه را تصدیق نکرده ولی پیش نهاد نمود که عساکر طرفین بفاصلهٔ ۲۰ کیلومتر از خط سرحدی عقب نشینی کنند ـ درین بین روسها یك واقعهٔ دیگر را از طرف عساکر فنلندی اعلان نموده متعاقب آن بتاریخ (۵ قوس) عساکر روسیه بخاك فنلند حمله کردند مقارن همین وقت کوزینین نام شخصی از کمونست های فنلند حکومت علیحده بمقام ترجوکی شهر سرحدی فنلند بنام حکومت ملی دیموکراسی فنلند تشکیل و از طرف جماهیر شوروی شناخته شده و نامبرده بتاریخ (٤ قوس) بمسکو رفته معاهدهٔ که دران پیش نهادات روسیه را کاملاً قبول کرده بود امضاء نمود وروسها بنام کمك حکومت کوزینین وایتکه اراضی واگذار شده رابموجب این قرارداد اشغال میکنند برخاك فنلند تعرض کردند ـ حمله باستعانت طیارات که به شهرهای بزرگ فنلند حمله میکرد شروع شده بزودی عساکر روسیه بمقابل خطوط استحکامی مینرهیم که خیلی متین ودر سرتاسر خاکنای کارلیا تا شمال غدیر لادوگا تعمیر یافته متوقف شدند جنگ فنلند روز بروز بسبب سرمای زمستان واستحکامات محکمه فنلند یها ومقاومت شدید ودلاورانهٔ ایشان برای روسیه مشکل تر شده مدت سه ماه طول کشید بدون آنکه عساکر روسی بجز شهر پتسامو در شمال دیگر کدام نقطهٔ مهمی را بدست بیاورند .

بیطرفی ممالك شمالی وامداد ممالك با فنلند :

بمجرد جاری شدن جنگ دول شمالی (سویدن ، ناروی ودنمارك) با آنکه بافنلند معاهدات داشتند بیطرفی خودرا اعلان کردند اما ممالك مختلفه بعضی نظر به مقاصد سیاسی و برخی ازاثر علایق دوستی و بسیاری هم خاص نظر به دلچسپی خودها بافنلند وسیاست انتی کمنترن کمك های مالی واسلحه ومهمات حتی امداد نفر نمودند ، پس از سه ماه جنگ فنلند شکل خانه جنگی اسپانیه را بخود گرفته دسته جات داوطلبان خارجی وامداد های مختلفه مثل سیل بطرف فنلند جاری شد . درامداد کنندگان سویدن وناروی بدرجهٔ اول وبعد ازان انگلیس وفرانسه وایطالیا واتازونی بودند .

پیشرفت روسیه ووخامت اوضاع سیاسی صلح فنلند وروس :

در (۲ حوت) فروری عساکر روسیه باثر تعرضات فوق العاده موفق به شکستاندن یك حصه از خط مینرهیم شده متعاقب آن جزیرهٔ کوویستو را اشغال وبطرف شهر (ویپوری) متوجه شدند بتاریخ (۱۳ حوت) دفعتاً حکومت شوروی بواسطهٔ حکومت سویدن مذاکرات صلح را با فنلند آغاز ومتعاقب آن در (۱۷ حوت) نمایندگان فنلند بطرف مسکو حرکت کردند ولی درین بین

(c) ketabton.com: The Digital Library

بتاریخ (۱۸ حوت) چمبرلین ودلادیه آماده گی خودرا بامداد کامل واعزام عسکری بطرف فنلند اعلان نمودند بشرطیکه حکومت فنلند از آنها مطالبه بنماید . وسویدن ونارویراه بدهند .

باوجوداین مذاکرات درمسکو پیشرفت کرده ـ معاهدهٔ صلح در (۲۲ حوت) امضاء شد. بموجب این معاهده روسها خاکنای کاریلیا وشمال غدیر لادوگا را بلاعوض و نصف مرکز بحری هانگو رابصورت اجاره از فنلند حاصل کردند وضمناً معلوم شد که دول سویدن وناروی بفرانسه وانگلیس اجازهٔ عبور عساکرشان را ازخاک خودبطرف فنلند نداده بودند.

کشمکش های سیاسی واقتصادی در بالقان :

پس از شروع جنگ المان برای بدست آوردن مواد خام از راه خشکه در بالقان فعالیت بزرگی را شروع نموده ودر ماه میزان هیئت تجارتی آن بسر کرده گی (کلو دیوس) به رومانیه ، بلغاریه ، مجارستان ، یونان ویوگوسلاویه شروع بمسافرت نمود . اماهدف بزرگ عبارت ازرومانیه بود زیرا نفت و حبوبات آن برای المان خیلی ارزش دارد . اما درین میدان هم مبارزهٔ اقتصادی آغاز یافته انگلیس نیزازهمانوقت داخل اقدامات گردیده بواسطهٔ عرضه کردن قیمت های بلندتر بمذاکرات المان مزاحمت را شروع نموده است. باثر این کشمکش های سیاسی و اقتصادی در ماه جدی کنفرانس دول بالقان در بلگراد افتتاح شده از طرف ترکیه ویونان دو قسم کوشش بعمل آمد . اول برای تشکیل یك اتحاد تدافعی در بالقان ـ دوم برای آشتی دادن بلغاریا ومجارستان بادول بالقانی ـ ولی این مساعی کاملاً نتیجه نداد ـ صرف دول بالقان حفظ بیطرفی خود ها را بصورت منفردانه تائید و معطل گذاشتن خواهشات

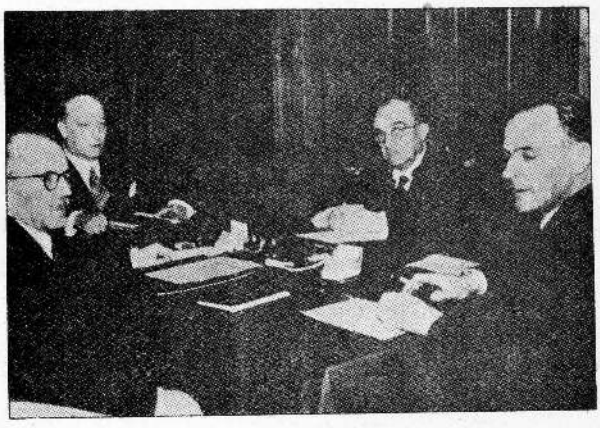

کنفرانس دول بالقان دربلگراد : ازچپ براست سراج اوغلو (ترکیه) مارکویچ (یوگوسلاویا) جنرال متکساس (یونان) گافنکو (رومانیه)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود هارا ازیکدیگر وعده نمودند . ایطالیا بامور بالقان اظهار علاقه مندی نموده خواست از نفوذ سویت دران جلوگیری بعمل بیاید .

مسافرت سمر ویلز باروپا وملاقات او باموسولینی و هتلر :

در اخیر دلو حکومت امریکا برای اعزام یکنفر نماینده جهت سیاحت در ممالك غربی اروپا تصمیم گرفته سمرویلزمعین وزارت خارجه دراوائل حوت ، بطرف اروپا حرکت وابتداء برو ما وبعد بهبرلین وپاریس ولندن مسافرت ودرهر جا بازمامداران واشخاص صاحب رسوخ ملاقاتها نموده ودرحین مراجعت باز از راه پاریس وروما در ۱۹ مارچ عازم امریکا شد . درین دومسافرت سمرویلز بروما - ریبن تروپ وزیر خارجهٔ المان بتاریخ (۱۹ حوت) بروما وارد ودو روز بازمامداران ایطالوی وپاپ ملاقات نمود ومتعاقب آن یکروز قبل از حرکت سمرویلز بطرف امریکا موسولینی باهتلر درمعبر برینر ملاقات کرد .مراکز سیاسی این ملاقاتها را مربوط بماموریت سمرویلز از یکطرف وبمقصد آشتی دادن روسیه و ایطالیا از طرف دیگر دانستند وبعضی هم این ملاقات را از طرف ایطالیا محض مظاهره برای تخویف انگلستان که درآنوقت باایطالیا در سر ضبط صادرات ذغال المان کشیده گی داشت ، تلقی کردند ولی چون در اثر آن کدام واقعهٔ تازه درمسائل اروپائی رخ نداد ، مبصرین سیاسی نتیجهٔ این ملاقات رامنفی انگاشتند .

نطق مولوتوف و تشدید محاصرهٔ اقتصادی از طرف متحدین :

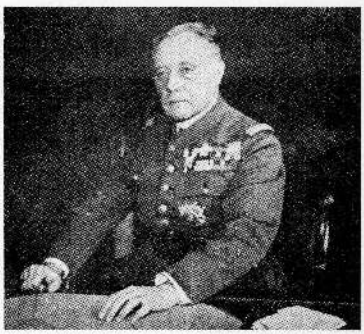

جنرال گاملن قوماندان کل قوای متحدین درفرانسه که اخیراً بعدازپیشرفت المان در خاك فرانسه معزول شد

بعد از صلح فنلند و شوروی که حالت اروپا در حالت ابهام مانده و خصوصاً ملاقات برینر و آوازه های پیشنهادات صلح از طرف المان توسط سمرویلز ، هر قسم امکانات را در نظر جلوه میداد، نطق مولوتوف وزیرخارجهٔ شوروی از یکطرف و تصمیمات مجلس حربی متحدین از طرف دیگر تا اندازهٔ وضعیت را روشن ساخت . وزیر خارجهٔ شوروی در نطق خود که بتاریخ (۱۳ حمل) درششمین اجلاس عمومی سویت ایراد کرد از بیطرف ماندن روسیه در جنگ اروپائی ونداشتن مقاصد تجاوزی بمقابل دول همسایهٔ خود اعلان نمود . مجلس عالی حربی متحدین

(c) ketabton.com: The Digital Library

که بتاریخ (۲۲ حمل) درلندن انعقاد یافت در ان تشدید محاصرهٔ اقتصادی از راه بحر و خشکه تصمیم گرفته شده بلافاصله دولتین فرانسه و انگلستان در دومیدان بعملیات پردا ختند: یکی در بحر بالتیك برای قطع تجارت المان باممالك حوزهٔ بالتیك توسط شاندن نقب‌ها ومقرر کردن گزمه های بحری - ودیگر دربالقان و حوزهٔ دانیوب بواسطهٔ مزائدهٔ قیمت مواد خام وحتی تصورمیرود در آبهای شرق اقصی واوقیانوس ساکن نیز برای منع تجارت المان اقدا ماتی را شروع نمایند .



چرچل رئیس الوزرای انگلستان که بعوض چمبرلین مقرر گردیده

جنگ جدیداروپای شمالی :

ازروی این اقدامات همانطوریکه امکانات خفیف صلح ازبین‌رفت وبواسطهٔ نشر کتاب سفید جدید المان دائر برشرکت حکومت امریکا درتدارك جنگ حاضره ، ناکامی سفر سمرویلز ثابت گشت ، همین قسم واضح شدکه انگلیس وفرانسه اراده ندارند درمحاذ غرب بعملیات شدید حربی بپردازند ویادربحر وهوا کدام اقدامات مهمرا شروع کنندبلکه میخواهند هنوز ازراه تضیق اقتصادی المان را تحت فشار بگیرند بهر حال بتاریخ سه‌شنبه ۲۰ حمل فردای روز نقب گذاری انگلیس وفرانسه درآبهای ناروی ،المانها بردنمارك وناروی حمله کردند ودنمارك فوری تسلیم شد ، اما ناروی تصمیم گرفت که‌از خود مدافعه کند - متحدین بنا روی وعدهٔ امداد دادند وجنگ بحری وهوائی بین المان ومتحدین ونار وی بروز ۲۱ حمل آغاز یافته سویدن بیطرفی خودرا اعلان وباقی ممالك همسایهٔ المان به تیاری های حربی پرداختند . اینست وضعیت جنگ دربهار ۱۳۱۹ تامعلوم شود که‌کار بکجا خواهد کشید ؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

واقعات متفرقه :

بسبب ضیق صفحات سالنامه واهمیت فوق العاده وارتباط قضایا ازتذکار جداگانهٔ هرمملکت صرف نظر نموده ذیلاً صرف بواقعات مهمهٔ دیگر یکه ربط مستقیم بمعاملات اروپا ندارد اشاره میکنیم: -

در (۱٤ حمل) امیر غازی شاه جوان عراق باثر حادثهٔموتر متأسفانه هلاك و امیر فیصل پسر چهار سالهٔ



مرحوم ملك غازی شاه متوفی عراق

اوبسلطنت اعلان وامیر عبدالله مامنی شاه کوچك به نیابت سلطنت مقرر شد .

دراوائل جدی زلزلهٔ مدهشی درولایت اناطولیهٔ ترکیه بظهور رسیده متعاقب آن برفباری وطوفان باد وآب خیزی درآن حصه رخداد ومتأسفانه در حدود ٤٠٠٠٠ نفررا مقتول وهزاران نفررا بی خانمان گردانید - چنانچه ممالك عالم ومنجمله افغانستان نظربعلایق دوستی بادولت ترکیه درین مصیبت بواسطهٔ پیغام های تأسف وامداد های مالی باملت حکومت ترکیه اظهار همدردی کردند .

دراخیر سال در نانکن یك حکومت جدید ازطرف جاپان تحت اثر وانگ چنگ وی وزیر خارجهٔ سابق جاپان تشکیل وتمام اراضی متصرفهٔ جاپان درچین بآن واگذارشد ، ولی انگلستان واتازونی ازشناختن آن انکار کردند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بـــانك مـــلی

۱:ـ تشکیل :

الف شعبات مربوطه ریاست :

معاون ریاست تفتیش	:	ع ، میر شمس الدین خان
مدیر ریاست تفتیش	:	ص ، محمد موسی کاظم خان

ب : شعبات بانکی و تجارتی :

معاون بانکی	:	ع ، ص غلام حیدر خان مختار زاده
معاون تجارتی	:	ع . ص خیر محمد خان
مدیر عمومی صناعتی	:	ع ، محمد عتیق خان
معاون	:	ص ، عبدالرؤف خان
مدیر عمومی محاسبه	:	ع ، محمد عمر خان
« نماینده گی	:	ص ، محمد یعقوب خان
معاون «	:	« ، عبدالحی خان
مدیر قندهار	:	ع ، حاجی عبدالخالق خان رئیس شرکت وطن
کفیل مدیر مزار شریف	:	ص ، احمد علی خان
کفیل مدیر اندخوی	:	« ، عبداللطیف خان
مامور میمنه	:	« ، سیداحمد خان
کفیل نماینده گی پشاور	:	« ، محمد علی خان
« « کراچی	:	« ، محمد رفیق خان
نمایندهٔ لندن	:	« ، حکم چند
« برلین	:	« ، عبدالرؤف خان
« امریکاء	:	ع ، محمد عمر خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

اجرا آت بانك ملی

بحران اقتصادی که در سنه ۱۳۱۶ در اثر تنزیل قیمت مواد خام در بازار بین‌المللی روآورده وباعث قلت اسعار وضعف صادرات وپارهٔ مشکلات عمدهٔ دیگر گردیده بود در سنه ۱۳۱۸ بکلی رفع شد وبانك ملی که وظیفهٔ مهم انحصار ونظارت اسعار را بردوش داشت توانست بدون آ نکه ضعف وفتوری بر پیکر اقتصادی مملکت وارد شود این دورهٔ مشکل را بامتانت وآرامی طی نموده ودر حالیکه تقریباً فیصد هفتاد اموال صادراتی شرکتها به نسبت مساعد نبودن بازار خارجه در گدامها معطل بود پلان تکوین صنایع وزراعت طوریکه در سنوات ماقبل طرح گردیده بود صدفی صد عملی شد وکساد باز ار صادرات تأثیری برآن وارد نکرد شرکتها وتجار صادر کننده هم توانستند بکمك واعانت‌مالی بانك بدون مواجهه با کدام خسارت عمده انتظار ایام بهتری را ببرند .

در سال ۱۳۱۸ اوضاع تجارت روباصلاح گذا شته نرخ مواد خام در بازار بین المللی ارتقاء یافت بانك نیز از یکطرف محصو لات افغانی را بدون عجله وشتاب بقدری اقتضای بازار عرضه نموده بقیمت های مناسبی بفروش رسانید واز طرف دیگر برای جلوگیری از تنزیل پول افغانی اقدام کرد واز حمل ۱۳۱۸ الی حمل ۱۳۱۹ قیمت کلدار را نسبت با فغانی پا نزده فیصد تنزل داد . حرب اروپا که در تابستان سال ۱۳۱۸ وقوع یافت تأثیر تازهٔ براوضاع اقتصادی عالم و ضمناً مملکت افغانستان وارد نمود . باین تفصیل که قیمت مواد خام به پیمانهٔ بزرگی تر قی کرد وزمینه برای صدور ا کثر ازمواد پیداوار مملکت مساعد شد . اما از طرف دیگر مشکلا ت ومصارف تجارت نیز بهمان پیمانه وسعت یافته مخصوصاً د ر قیمت اموال ساختهٔ اروپا ومواد نیم خام (ازقبیل پطرول وقند وشکر) تفاوت فاحشی به نسبت ایام قبل از حرب مشاهده گردید ه برای جلوگیری از استفادهٔ ناجائز محتکرین کمیسیون کنترول نرخ تشکیل گردید ه ضمناً چندین شرکت (شرکت عزیز وصابر وغیره) بامداد بانك تاسیس شده که اموال ضروریه را از خارج وارد بایك مفاد معین ومعقول بفروش بر سا نند واین اقدام تأثیر مفیدی برنرخ اجناس در داخل وارد نمود .

اجرا آت مهمهٔ بانك ملی وشرکت های سهامی مربوط آنرا درین‌سال بمانندسال گذ شته تحت سه عنوان ذیل خلاصه میکنیم :

۱ : ـ استقرار پول ومعاملات بانکی

۲ : ـ تجارت

۳ : ـ ایجاد زراعت وصنایع

(c) ketabton.com: The Digital Library

اول : ـ استقرار پول ومعاملات بانکی ـ برای جلوگیری از تنزل دایمی سکهٔ افغانی که در سال ۱۳۱۶ شروع گردیده بود بانك ملی باجازهٔ حکومت متبوعه یك شعبهٔ خرید وفروش جواز وارداتی‌را مفتوح نموده‌نرخ اسعار را درین‌شعبه باساس نرخ روز بازار واندکی‌نازلتر ازان تعین کرد وبعد متدرجاً این نرخ را تنزیل نموده کنترول نرخ بازار را بدست آورد واز تنزل سکه وسوء استفاده ها جلوگیری نمود . باین ترتیب طوریکه در مقدمه شرح دادیم نرخ‌اسعارخارجه‌بمعیار ۱۵ در صد نسبت بافغانی‌تنزل کردومقدار اسعارکافی در دسترس تجار گذاشته شد از قلت اموال وارداتی جلوگیری بعمل آمد .

جدول نمبر ۱ ـ گرافیك تنزیل نرخ کلدار در کسهٔ آزاد بانك وبازار پشاور

« « ۲ ـ فروش در کسهٔ آزاد بانك

علاوه برآن بانك ملی‌درایام‌این‌بحران که قیمت موادخام‌در بازار های بین المللی برای صادرات مساعد نبود تجار وشرکتها را ازحیث اعطای‌قرضه‌واعتبارمعاونت‌مالی نموده‌نگذاشت که مجبور بفروش اموال خود بشرایط نامساعد بشوند وهم اعتماد تجار روز بروز نسبت ببانك افزود گردیده میزان‌حسابات جاری‌وامانت که بهترین علامهٔ اعتبار اینگونه موسسات است توسعهٔ زیاد یافت .

جدول نمبر ۳ ـ میزان حساب جاری ، امانت وقرضهٔ بانك ملی

« « ٤ ـ سیر میزان حساب جاری ۱۳۱۷ و۱۳۱۸

« « ٥ ـ « « « امانت « «

« « ٦ ـ « « « قرضه « «

دوم : ـ در قسمت تجارت : ـ

قراریکه‌درفوق‌شرح داده‌ایم اوضاع تجارتی شرکتهای‌سهامی‌درین سال‌بهبودی‌و پیشرفت زیادی حاصل نموده میزان تجارت آن ها به نسبت سنه ۱۳۱۷ ترقی شایانی حاصل کرده‌که هنوزارقام آنرابطورقطع نمیتوان‌معین کرداما ملاحظهٔ‌ارقام‌ذیل که‌صادرات بی‌سابقهٔ پوست امسال رانشان میدهد برای توضیح این مدعا کافی خواهد بود .

صورت جدول نمبر ۷ ـ فروش پوست در سنه ۱۳۱۸ (جدول وگرافیك)

« « نمبر ۸ ـ نرخ اوسط پوست در سنه ۱۳۱۷ و۱۳۱۸

جدول نمبر ۹ ـ احصائیه صادرات‌شرکتهای سهامی ۱۳۱۶و۱۳۱۷ بحساب نقد

« نمبر ۱۰ ـ « « « « « « « جنس

« نمبر ۱۱ ـ « واردات « « « « « نقد

« نمبر ۱۲ ـ « « « « « « « جنس

(c) ketabton.com: The Digital Library

جدول نمبر ۱۳ ـ گرافیك واردات وصادرات شرکتهای سهامی نمبر ۱٤ قند و شکر ، نمبر ۱۵ پطرول نمبر ۱٦ موتر.

سوم : ـ درقسمت ترویج زراعت وصنایع : ـ

ترویج زراعت پنبه در قندهار ومزار مخصوصاً درولایت قطغن که در سال ۱۳۱۵ شروع گردیده بودبکلی کامیاب گردیده وبرای ثبوت این مطلب ملاحظهٔ ارقام ذیل کفایت خواهد نمود

جدول نمبر ۱۷ ـ احصائیهٔ زراعت پنبه : ـ

مهمترین عامل این کامیابی اقدامات وتشویقاتی است که از طرف حکومت برای توسعهٔ زراعت پنبه بعمل آمده نرمه ومکتب زراعتی قندوز تاسیس وشعبات زراعتی در تمام نواحی ولایت قطغن برای معاینهٔ کشت وامداد دهاقین وترتیب احصائیه تشکیل گردیده و محافل مخصوصی برای تقسیم جوایز بدهاقین وتشویق ایشان ترتیب شده است .

علاوه برآن در موضوع خرید پنبه هم اصلاحات مهمی ازطرف شرکت معمول و مخصوصاً عملیات ذیل انجام یافته است : ـ

۱ :ـ تعداد نماینده گی های خرید پنبه وسعت یافته واصول خرید غیرمستقیم (ذریعهٔ کمیسهٔ کار) بکلی لغو شده.

۲ :ـ نرخ خرید درسنوات اخیر بمعیار ذیل ترقی نموده

۱۳۱٦	یك سیر پنبه ناملوج	۳ افغانی
۱۳۱۷	« «	۳ / ۵۰ «
۱۳۱۸	« « ۱ـپین اول الی اخیر برج عقرب	۳ / ۷۵ «
	« « ۲ « دوم « « « قوس	۳ / ۲۵ «
	« « ۳ « سوم بعد از اول جدی	۲ / ۷۵ «

چون قسمت اعظم محصول پنبه یعنی تقریباً ۷۵ فیصد الی اخیر عقرب جمع می شود باین ترتیب هم دهاقین استفاده میکنند وهم از اختلاط اجناس (که باعث تنزیل نرخ و شهرت خراب پنبهٔ پیداوار افغانی دربازار خارجه میگردد) جلو گیری بعمل میآید .

۳ :ـ برای اینکه درموقع خرید مخالفتی بین دهاقین ونمایند گان شرکت هانسبت به جنسیت مال وقیمت آن رو نداده باشد در هریك از نماینده گی های قطغن هیئتی مرکب ازیکنفر نمایندهٔ بانك ویکنفر وکیل اهالی برای جلو گیری از حقوق طرفین منصوب شده است .

٤ :ـ چندین پایه ماشین جین وتر در حضرت امام وتالقان بکار افتاده پرش های هیدرولیك نقاط مذکور نصب شده است دراصول هاف پرش که مطابق آن ـ ۱۳۰ کیلو پنبه درعدلهای ۱/۵۰ متر بر ۱/۵۰ متر بسته می شد متروك ودر عوض ذریعهٔ پرش های هیدرولیك ۱۷۰ الا

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۸۵ کیلو پنبه درعدلهای ۱/۲۵ متر بر ۰/۴۵ بر ۰/۴۵ متر بسته می‌شود و صرفه وسهولت زیادی در ترانسپورت عاید می‌سازد .

یك اقدام دیگری که شرکت پنبه باکامیابی تمام درین سال انجام داده تهیهٔ صابون است بشرح ذیل :

همه کس میداند که استفادهٔ حقیقی از تجارت مربوط باستعمال واستفاده ازمواد فاضله و بی مصرفی است که به کمك وسایل فنی وانتظام تخنیکی الادرجهٔ اخیربکار افتاده صرف تولید مواد مختلفهٔ جدید می‌گردد وهر مؤسسهٔ صنعتی که فاقد این وسایل باشد گاهی استفادهٔ ممکنه را ازعملیات خود حاصل نخواهد کرد این حقیقت مخصوصاً درمو ضوع پنبه اهمیت بسزا دارد زیرا ازهر واحد وزن پنبهٔ نامحلوج پس از عملیات حلاجی فقط ۳۰ الا ۳۵ فیصد پنبهٔ محلوج بدست آمده تقریباً ۶۰ فیصد گلبت (یعنی تخم پنبه)وبقیه خاشاك ومواد متفرقه حاصل می شود شرکت پنبه برای استفاده ازگلبت ترتیبات ذیل‌را اتخاذ نموده است :

مرحلهٔ اول : یك قسمت از گلبت اعلا برای تخم سال آینده تخصیص ومجانی بین دهاقین تقسیم میشود

« دوم : بقیه بماشین تیل کشی رفته تقریباً فیصد(۱۶) تیل پنبه دانه (وبقیه کنجاره)ازآن حاصل میشود

« سوم : کنجاره بمصرف کود (پارو) خوراك حیوانات وسوخت میرسد تیل پنبه دانه بفابریکهٔ صابون پزی میرود وباین ترتیب ازیك تن گلبت تقریباً (۱۶۰) کیلو تیل و پس ازمعامله بادیگر اجزا تقریباً دوصد کیلو صابون حاصل می‌شود این اقدام شرکت پنبه امید است تأثیر خوبی برمواد زنهٔ تجارت مملکت داشته باشد . چون‌مو ضوع نصب یك فابریکهٔ را ئینری (تنظیف تیل)هنوز تحت پروژه میباشد اقدامات فوق برای استفاده از گلبت وتیل پنبه دانه بعمل آمده پس از نصب فابریك مذکور امید است استفاده های مهمتری‌ازتیل مذکور حاصل شود

زراعت لبلبو :

وسایل ومقدمات زراعت لبلبو هم عیناً مطابق پلان اجرا گردیده مخصوصاً عملیات ذیل انجام یافته است :

الف :ـ اسکان یك‌عده ازمهاجرین وناقلین دراراضی بغلان وغوری

ب :ـ تعمیر خانهٔ نشیمن برای مهاجرین مذکور

ج :ـ تقاوی برای تهیهٔ لوازم زراعت بمهاجرین

د :ـ ۱۶۰۰ هکتار مساوی (۸۰۰۰)جریب زمین تحت زراعت لبلبو آمده امید است ازقرار فی‌هکتار ـ ۲۰ تن مجموعاً (۳۲۰۰۰) تن لبلبو حاصل شود واین مقدار فابریکهٔ قند سازی رامدت (۶۴) روزدرسال دائر خواهد نمود.(۱)

---

(۱) چون حد اکثر جریان فابریکات قندسازی لبلبو صدروز در سال است‌رقم فوق برای شروع کار کامیابی مهمی محسوب می‌شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

در قسمت صنائع :

پلان صنایع بدون وقفه وتعطیل جریان داشته امید میرود علاوه بر نصب ماشین های جدید در فابریکه های پنبه درین سال بسته کاری ماشین های نساجی وقند سازی انجام یـا بد علاوه برآن تـو سیع پلان فابریکات مذکور بمعیار ذیل درعرصهٔ ۵ سال درنظراست :

	پلان گذشته		پلان جدید	
	سرمایه	ماشین	سرمایه	ماشین
نساجی:	۵۵ملیون	بافت ۵۵۰دستگاه	۲۰۰ملیون	بافت ۳۰۰۰ دستگاه
		دوك ۱۵۰۰۰		دوك ۱۰۵۰۰۰

قندسازی: ۳۰ملیون قوهٔ تولید قند ۴۵۰۰ تن ۵۰ملیون ۱۸۰۰۰ تن

تکمیل این پلان امید است که (بمعیار مصرف امروز) ۸۰ مصارف فیصد قند شکر و پنجاه فیصد مایحتاج پارچه افغانستان را تکمیل نماید :

جدول نمبر ۲۰ واردات بانتهای نساجی وقندسازی جدول نمبر ۲۱ احصائیهٔ تعمیرات شرکت نساجی پلخمری

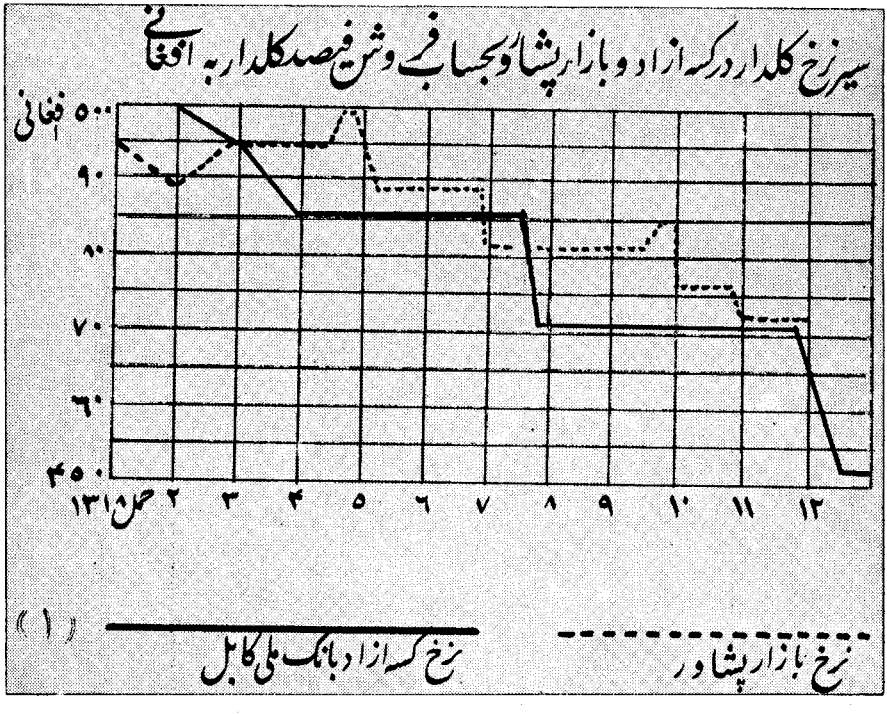

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمر ۲)

تاریخ	میزان خرید و فروش جوار وارداتی در نمایندگی کابل ۱۳۱۸	
	خرید به کلدار	فروش به کلدار
حمل	۸۰۰۰	٤٦٥١١
ثور	٥٧٤٥٠	٣٧٣٢٣٢
جوزا	٢٤٨٢٥	٢٧٧٣٧٢
سرطان	٢٢٢٠٠	٤٢٩٤٦٦
اسد	٦٩٠٠	٥٠٤٥٧٩
سنبله	٨٣٠٠	٣٩٦١٣
میزان	٩٧٩٠	٢١٢١٣٩
عقرب	٥٠٥٠	٣٥٩٦١٣
قوس	٠٠	٤٧٢٨٢٤
جدی	٠٠	٤٨٠٤١٢
دلو	٦٢٥	٤٨٧٩٥١
حوت	٤٣١٧٢٢	٣٦٢١٩١
جمع کل	٥٧٤٨٦٢	٤٠٤٥٩٠٣

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمر۳) میزان حساب جاری، امانت وقرضهٔ بانك ملی

تاریخ	حساب جاری	حساب امانت بدو نمقاد	حساب امانت بامقاد	حساب قرضه
سنه ۱۳۱۷				
حمل	۱۲۳۳۸۵٤۰	۱٦۸۱۹۷۳	۱۹۲٦۸۹۰	۸۲۸٦٦۰۱
ثور	۱۹٤٦۹۷۷۸	۲۲٦۳۰۳٦	۰۷۹۳۹۰٤	۸۲٤۰۱۷۷
جوزا	۳۱۳۵۷۱۱٦	۲۳۲٤٦۷۹	۰۵۵٤۷۹٦	۷٤٦٦٤۷۲
سرطان	۳۰٦۵۱۰۹۲	۲۵۰۰۵۱۵	۰۳۵۹۲۱۳	۷۱۲۲۵۳۲
اسد	٤۱۰۰۷٤۵٦	۲٤٦۱۷٤۹	۱۵۵۹۲۱۳	۸۱۳۲۱٦۱
سنبله	۳۹۵٦۳۲۷۲	۲۷۹۵۲۳۲	۱۷۲۱۰٦۷	۸۲۲۰۳۰۲
میزان	٤۱۹٤۸۱۰۷	۳۸۵۲۷۵۷	۲۷۰٦۳۰۵	۸۳٦۲٦۲۷
عقرب	۳٦۰۷۸۰۷۰	۳۹۲۳۱۲۵	۲۷۵۱۱۳۳	۸۳۷۹۱۳۹
قوس	۳۸۰۰۷۳۲۷	۳۲۳۹۸۷۲	۲۸۲٤۸٤۳	۸۳۵۷۳۳٤
جدی	۳۵٤۰۸۰۷۵	۳۰۳٤۷٤۰	۲۸۳۲٦۳۵	۹۲۸۷۵۵۵
دلو	۲۰۸٤۰٤۹۵	۳۵۹٦۳۱۰	۲۸۵۳۱۹۸	۱۰۱۰٤۹۸٤
حوت	۲٤۸٦٤٤۲۸	۳۸۲۰۵۳۹	۱٦٦۸۷۷۰	۱۱۳٤۸۱۳۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمر۳) میزان حساب جاری ، امانت و قرضهٔ ، بانک ملی

تاریخ	حساب جاری	حساب امانت بدو نمفاد	حساب امانت بامفاد	حساب قرضه
سنه ۱۳۱۸				
حمل	٤٨٣١٤١٥٩	٥٥٤١١٤١	١٧٨٨٤٩٦	١٠٢٨١٣٩٨
ثور	٥٣٢٦٥٤٦٥	٤٨٥٥٥١٦	١٩٠١٩٥٣	١٣٧٣٥٤٧٩
جوزا	٥٥٠٩٦٦١٨	٤٧٥٩٩٥٣	١٨٤٣١٤٨	١٨١٣٨٦٢٧
سرطان	٥٧١٤٦١٩٩	٤٤٩٣٢٧٨	٢٣٣٠٤٢٩	١٥٠٨٩٩٥٣
اسد	٥٧٠٦٩٨٠٧	٧٠١٢٩٤٨	٢٠٢٩٠٨٨	١٤٦١٦٣٩١
سنبله	٥٣١٩٨٩٧٣	٤٣٦٢٩٤٧	١٩٦٨٩١٩	١٥٥٠٣٠٦٦
میزان	٥٥١٣٢٠٢٠	٥٣٢٨٣٢١	١٩٩٤٩٣٠	١٩٠٢٢٤٠٤
عقرب			١٩٧٠١٦١	٢٢٤٧٤٢٨٢
قوس			١٩٥٣٠٦٨	
جدی			٠٢٢٢٧٢٠	
دلو			٠٢٠٦٠٥٠	
حوت				

(c) ketabton.com: The Digital Library

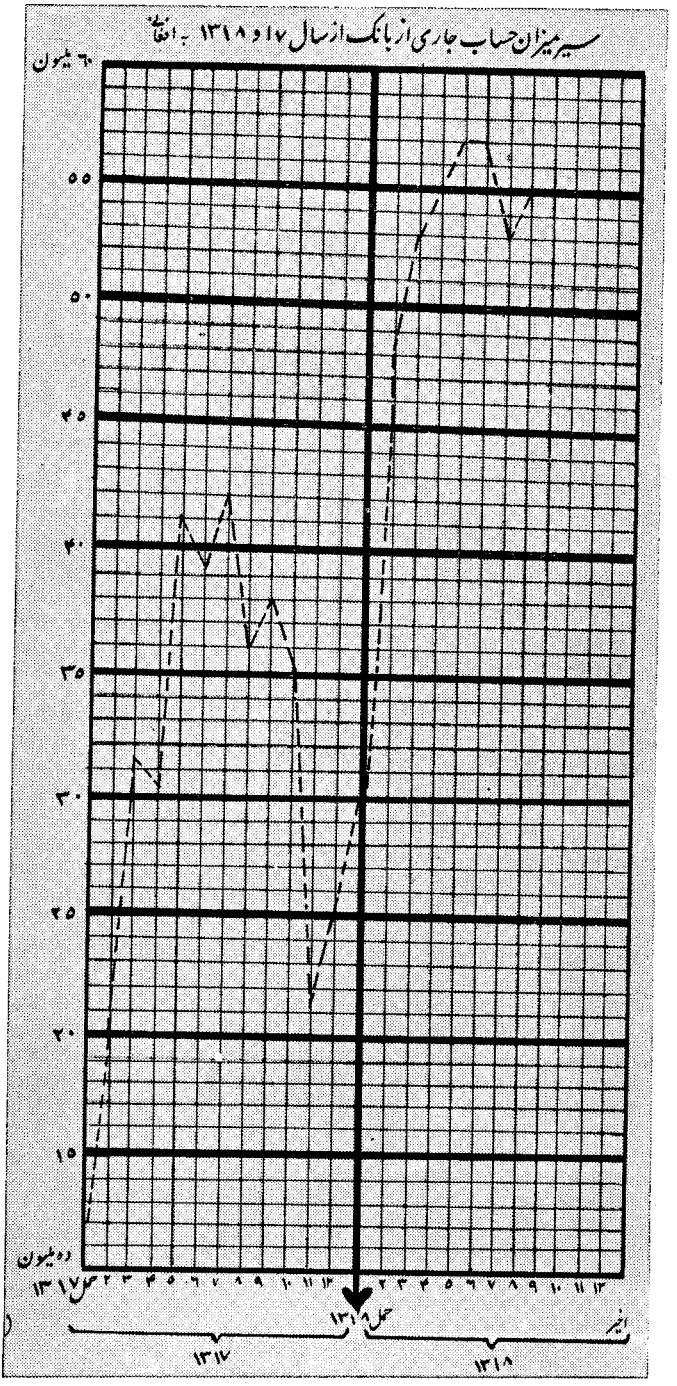

(c) ketabton.com: The Digital Library

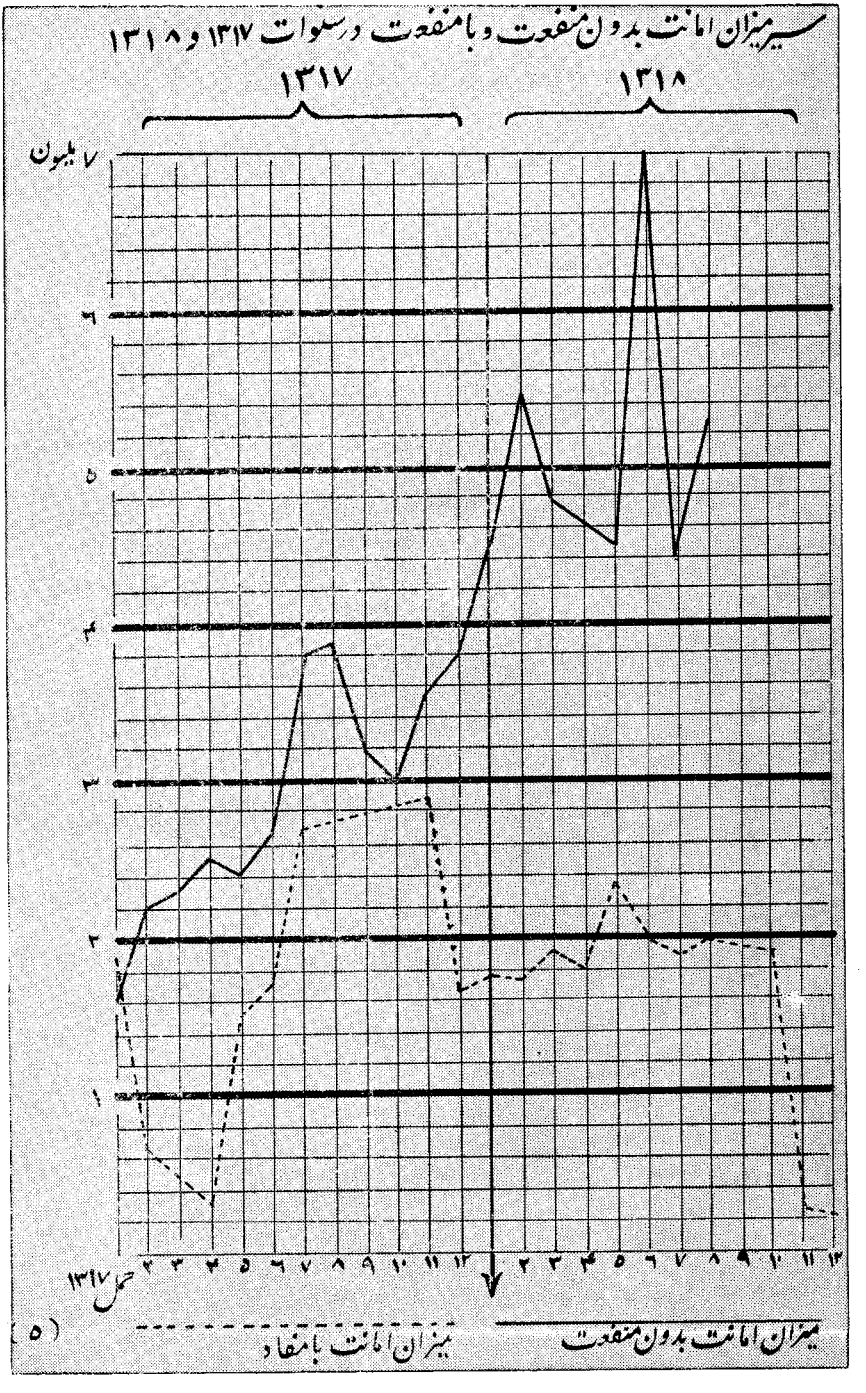

(۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

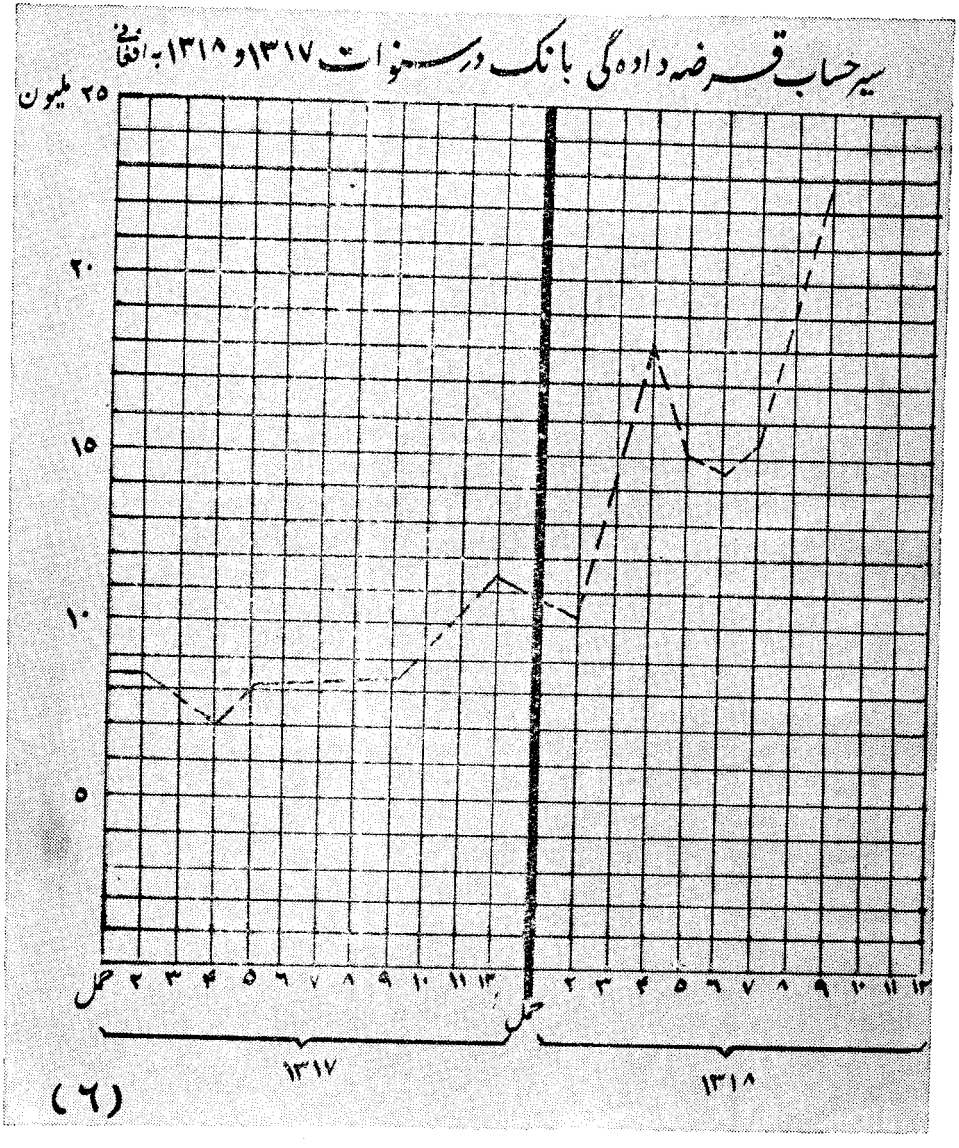

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاریخ و محل فروش	قروقل		دوبر		بنفشه		جمع کل	
	تعداد	قیمت	تعداد	قیمت	تعداد	قیمت	تعداد	قیمت
(۱)								
لندن								
ربع اول سال	۳۴۱۵۹۶	۵۹۱۴۱۷ پوند	۵۴۵۴۴	۳۹۰۴۵ پوند	۷۹۷۱	۲۹۲۳ پوند	۵۰۴۱۱۱	۶۳۳۳۸۵ پوند
» دوم »	۲۰۰۶۲۷	» ۲۶۸۰۳۸	۲۶۱۳۰	» ۱۵۰۵۳	۴۷۰۱	» ۲۰۶۲	۲۳۱۲۵۸	» ۲۸۵۱۵۱
» سوم »	۴۹۸۰۵	» ۷۱۰۹۸	۵۴۷۲	» ۳۱۷۵	۱۸	» ۸	۵۵۲۶۵	» ۷۴۳۸۳
» چهارم »	۱۱۰۱۰۲	» ۱۷۹۳۰۲	۱۲۳۶۵	» ۸۱۳۸	۴۱۰۹۸	» ۱۱۳۸۷	۱۶۳۵۶۵	» ۱۹۸۸۲۷
میزان	۸۰۲۱۳۰	» ۱۱۰۹۸۵۵	۹۸۴۸۱	» ۶۵۴۱۰	۵۳۷۸۸	» ۱۶۳۸۰	۹۵۴۳۹۹	» ۱۲۹۱۶۴۵
(۲)								
نیویارک								
ربع اول سال	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —
» دوم »	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —
» سوم »	۲۹۱۷۶	۲۳۴۹۳۶۰ دالر	۳۷۵۴۲	۲۶۴۸۱ دالر	— —	— —	۶۶۷۱۸	۴۵۵۸۴۲ دالر
» چهارم »	۱۸۶۵۶۳	» ۱۴۹۵۲۹۹	۶۰۱۹۲	» ۳۳۳۹۴۲	— —	— —	۲۴۶۶۲۷	» ۱۸۲۹۲۳۱
میزان	۲۱۵۷۳۹	» ۱۷۴۴۶۶۰	۹۷۷۰۶	» ۵۴۰۴۱۳	— —	— —	۳۱۳۴۴۵	» ۲۲۸۵۰۷۳
(۳)								
کابل								
ربع اول سال	۱۹۴۶۳	۲۶۰۶۴۲ کلدار	۱۴۵۰۸	۱۱۹۲۵۰ کلدار	۸۸۲۳	۲۶۷۶۹ کلدار	۴۲۷۹۳	۴۰۶۶۶۱ کلدار
» دوم »	۳۰۹۹۸	» ۷۲۸۱۸۵	۱۶۰۰	» ۱۸۳۸۷	۴۰۰	» ۲۵۰۸	۳۳۹۹۸	» ۷۴۹۰۸۰
» سوم »	۲۴۷۷۸	» ۴۲۴۷۹۱۸	۷۵۳۸۳	» ۶۲۵۷۵۵	۱۲۱۱۷۴	» ۳۲۱۷۱۴	۴۳۹۳۳۵	» ۵۲۱۵۳۸۷
» چهارم »	۵۱۲۴۸	» ۷۸۶۰۷۴	۱۴۲۰۳۱	» ۲۱۹۶۶۴۱	۲۴۱۰۵	» ۶۷۶۶۲	۲۱۷۳۸۴	» ۳۰۵۰۳۷۷
میزان	۳۴۴۴۸۷	» ۶۰۲۲۸۱۹	۳۳۳۵۴۲	» ۲۹۶۰۰۳۳	۱۵۴۵۰۱	» ۴۳۸۶۵۲	۷۳۲۵۱۰	» ۹۴۷۱۵۰۵
کل فروش	۱۳۶۲۳۵۶		۴۲۹۷۰۹	» ۴	۲۰۸۲۸۹		۲۰۰۰۳۵۴	

(۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

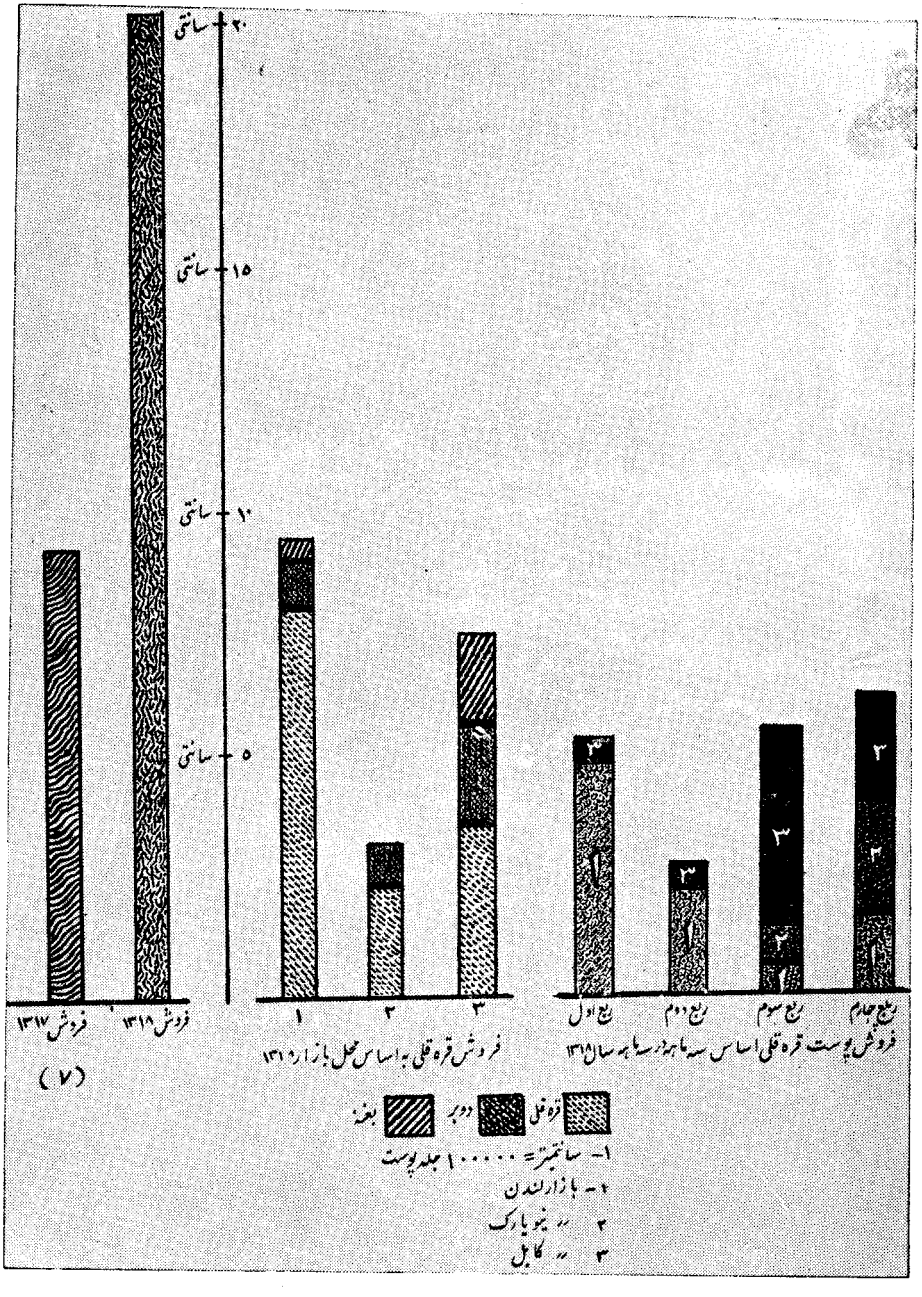

(c) ketabton.com: The Digital Library

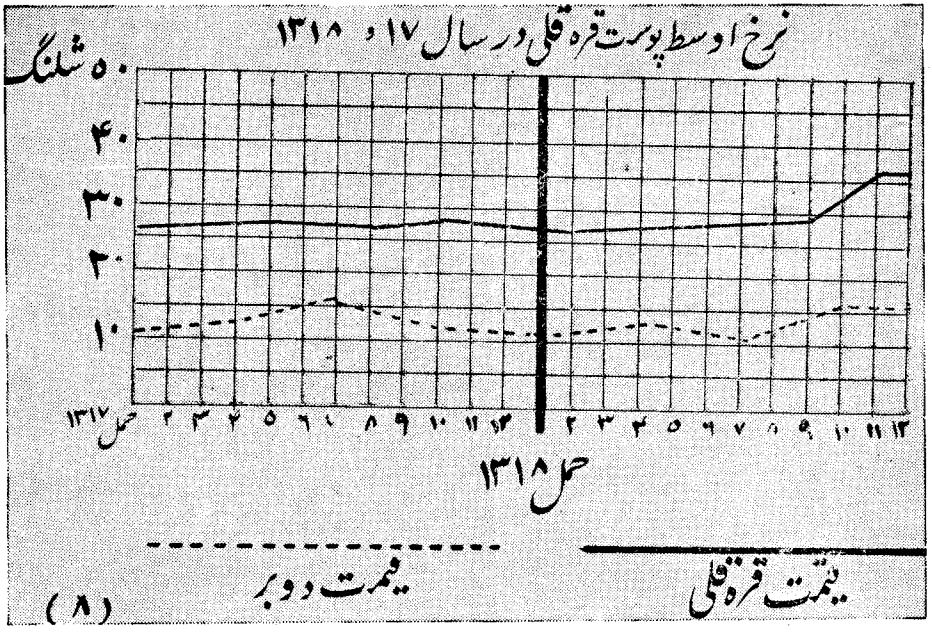

(c) ketabton.com: The Digital Library

احصائیه صادرات شرکتهای سهامی

تاریخ و نوع جنس		بحساب قیمت						
		اتحادیه هرات	اتحادیه هرات و شرکت پخته	شرکت سهامی	شرکت تریاک	شرکت وطن	شرکت سهامی و عمومی	میزان
۱۳۱۶	پشم	۶۹۹۵۱۱۲	۴۶۰۵۸۵۶	۸۲۱۸۳۰		۸۰۱۶۱۳۱		۲۰۳۳۸۹۲۹
	پخته	۳۰۵۱	۷۱۶۱۹۶۸	۱۷۲۷۵۶۶				۸۸۹۲۵۸۵
	قره قلی دو بر بغنه	۸۰۶۲۲۰۵		۳۲۰۹۲۰۴			۶۵۶۶۷۶۵۹	۷۶۹۳۹۰۶۸
	کنجد		۲۳۸۸۸۶					۲۳۸۸۸۶
	تریاک				۲۰۶۹۸۹۸			۲۰۶۹۸۹۸
	قالین			۵۰۱۰۴۹				۵۰۱۰۴۹
	پوست بزی گوسفندی	۳۴۶۴۲۲	۶۰۳۷۹					۴۰۶۸۱۱
	پسته	۷۳۵۷۵		۸۸۹۸۷				۱۶۲۵۶۲
	جمع کل	۱۵۴۸۰۳۷۵	۱۲۰۶۷۰۸۹	۶۲۴۸۶۳۶	۲۰۶۹۸۹۸	۸۰۱۶۱۳۱	۶۵۶۶۷۶۵۹	۱۰۹۵۴۹۷۸۸ افغانی
۱۳۱۷	پشم اشتری	۲۱۲۲۹۴						۲۱۲۲۹۴
	پشم گوسفندی	۶۵۰۱۱۰۴	۲۰۵۰۲۱۱			۳۲۷۵۸۹۴		۱۳۹۰۷۲۷۹
	پخته	۴۹۴۵۶۱	۴۲۰۲۱۰۵					۴۶۹۶۶۶۶
	تریاک				۱۶۲۱۵۲۰			۱۶۲۱۵۲۰
	پوست گوسفندی بزی	۱۴۳۰۷۸	۱۲۵۶۷۳					۲۶۸۷۵۱
	" قره قلی و بغنه	۲۲۹۴۲۸					۸۷۰۷۹۶۳۴	۸۷۳۰۹۰۶۲
	پسته	۱۱۶۰۱۶						۱۱۶۰۱۶
	بادام		۴۵۹۰۰					۴۵۹۰۰
	جمع کل	۷۷۷۶۵۵۱	۸۴۲۳۸۸۹	.....	۱۶۲۱۵۲۰	۳۲۷۵۸۹۴	۸۷۰۷۹۶۳۴	۱۰۸۱۷۷۴۸۸ افغانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمبر ۱۰) احصائیهٔ صادرات شرکت های سهامی

تاریخ نوع جنس	بحساب مقدار						
	اتحادیهٔ هرات	اتحادیهٔ شمالی وشرکت پخته	شرکت سهامی	تریاك	شرکت وطن	شرکت سه گانه وشرکت عمومی	میزان
۱۳۱۶							
پشم گوسفندی	۲۲۰۹	۱۶۰۳	۱۰۰		۱۲۵۷		۵۱۶۹ تن
پخته	۲	۳۳۰۶	۴۹۵				۳۷۰۳ »
قره قلی دوبر	۳۷۴۳۵۱		۴۵۰۱۴			۹۴۱۲۰۷	۱۳۷۰۵۷۲
بغنه							جلد
کنجد		۲۱۷					۲۱۷ تن
تریاك				۲۳/۸۰			۲۳/۸۰ »
قالین			۲۲۹۱ تخته				۲۲۹۱ تخته
پوست	۱۳۳۴۶۲	۲۰۱۶۷					۱۵۳۶۲۹
گرسفندی							جلد
پسته	۴۶		۴۴				۹۰ تن
۱۳۱۷							
پشم اشتری	۳۰						۳۰ »
پشم گوسفندی	۲۰۱۶	۱۲۰۷			۶۱۹		۳۸۴۲ »
پخته	۱۴۴	۱۸۸۴					۲۰۲۸ »
تریاك				۲۲/۴۷			۲۲/۴۷ »
پوست	۴۹۰۰۸	۵۲۶۹۲					۱۰۱۷۰۰
گوسفندی بزی							جلد
پوست قره قلی	۲۴۲۸۱					۱۳۱۶۴۴۶	۱۳۴۰۷۲۷
دوبر بغنه							جلد
پسته	۲۳						۲۳ تن
بادام		۱۱					۱۱ »

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمبر ۱۱) احصائیه واردات شرکتهای سهامی

نوع جنس	بحساب قیمت				
	اتحادیهٔ شمالی و شرکت پخته	اتحادیهٔ هرات	شرکت سهامی و قندسازی وموتر	شرکت پنبتون	میزان
۱۳۱۶					
رخت	۸۶۲۹۴۴۸	۶۳۲۹۶۸۰			۱۴۹۵۹۱۲۸
کلوش	۴۱۹۷۹۲	۱۵۷۶۴۱			۵۷۷۴۳۳
قند	۱۱۲۹۹۷۶	۱۱۱۴۸۱۴	۳۵۰۲۳۳	۱۷۰۰۰	۲۶۱۲۰۲۳
شکر	۸۲۵۶۸۸	۱۰۴۹۲۵۵	۵۲۷۷۱۴۱	۱۲۷۰۹۲۶	۸۴۲۳۰۱۰
تیل خاك	۳۴۳۸۷۲	۹۴۲۱۴			۴۳۸۰۸۶
پطرول	۴۵۸۱۰	۳۵۹۲۵۸	۲۵۶۱۸۷۲	۷۲۴۷۲۸	۴۰۵۱۶۶۸
روغنیات موتر			۵۸۲۳۱۵	۵۰۰۰۰	۶۳۲۳۱۵
موتر			۷۴۲۲۰۶۲		۷۴۲۲۰۶۲
میزان	۱۱۷۵۴۵۸۶	۹۱۰۴۸۶۲	۱۶۱۹۲۶۲۳	۲۰۶۲۶۵۴	۳۹۱۱۵۷۲۵ افغانی
۱۳۱۷					
رخت	۹۲۱۱۸۶۴۷	۲۸۲۷۱۶۸			۱۲۰۴۵۸۱۵
کلوش	۲۹۵۳۷۹	۱۵۷۹۳۵			۴۵۳۳۱۴
قند خشتی			۲۴۸۶۱۷۵		۲۴۸۶۱۷۵
شکر			۵۳۹۸۱۱۲		۵۳۹۸۱۱۲
تیل خاك	۵۸۸۳۴۰	۱۶۸۲۶۱			۷۵۶۶۰۱
پطرول			۵۷۷۳۵۲۱		۵۷۷۳۵۲۱
روغنیات موتر			۶۱۷۴۹۴		۶۱۷۴۹۴
موتر			۴۲۶۹۵۱۸		۴۲۶۹۵۱۸
سمنت	۲۷۲۹۸۷	۵۲۲۹۲			۳۲۵۲۷۹
متفرقه	۶۶۱۱۹۶	۲۱۹۰۴۹			۸۸۰۲۴۵
جمع کل	۱۱۰۳۶۵۴۹	۳۴۲۴۷۰۵	۱۸۵۴۴۸۲۰		۳۳۰۰۶۰۷۴

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمبر ۱۲) احصائیهٔ واردات شرکت های سهامی

نوع جنس و تاریخ	بحساب مقدار				
	اتحادیهٔ شمالی	اتحادیهٔ هرات	شرکت سهامی و قندسازی وموتر	شرکت پنبتون	میزان
۱۳۱۶					
رخت	۱۶۷۷۸	۱۳۴۸۳			۳۰۲۶۱ عدل
کلوش	۱۰۳۰۹۷	۳۹۴۳۰			۱۴۲۴۲۷ جوره
قند	۱۶۸۶	۱۶۶۲	۴۷۰	۳۰	۳۸۴۸ تن
شکر	۱۵۸۷	۲۰۱۷	۹۹۰۷	۲۳۸۶	۱۵۸۹۷ «
تیل خاك	۱۱۷۱	۳۰۱			۱۴۷۲ «
پطرول	۳۵۱۷۱۴	۱۸۶۵۷۱	۳۱۶۶۵	۲۳۰۱۶۰	۱۷۰۵۲۱۰ گیلن
روغنیات			۸۰۰۰۰	۷۰۳۶	۸۷۰۳۶ «
موتر			۸۰۴		۸۰۴ عراده
۱۳۱۷					
رخت	۱۸۵۶۹	۶۰۶۵			۲۴۶۳۴ عدل
کلوش	۷۱۵۰۰۰	۴۰۰۰۰			۱۱۱۵۰۰۰ جوره
قند خشتی			۳۶۳۱		۳۶۳۱ تن
شکر			۹۳۴۳		۹۳۴۳ «
تیل خاك	۱۸۱۸	۶۰۴			۳۴۲۲ «
پطرول			۲۱۰۸۹۱۲		۲۱۰۸۹۱۲ گیلن
روغنیات			۸۴۹۹۵		۸۴۹۹۵ «
موتر			۴۲۹		۴۲۹ عراده
سمنت	۲۴۳۷	۳۹۷			۲۷۳۴ تن
متفرقه	۶۶۱۱۹۶	۲۱۹۹۴۹			۸۸۰۲۴۵ افغانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

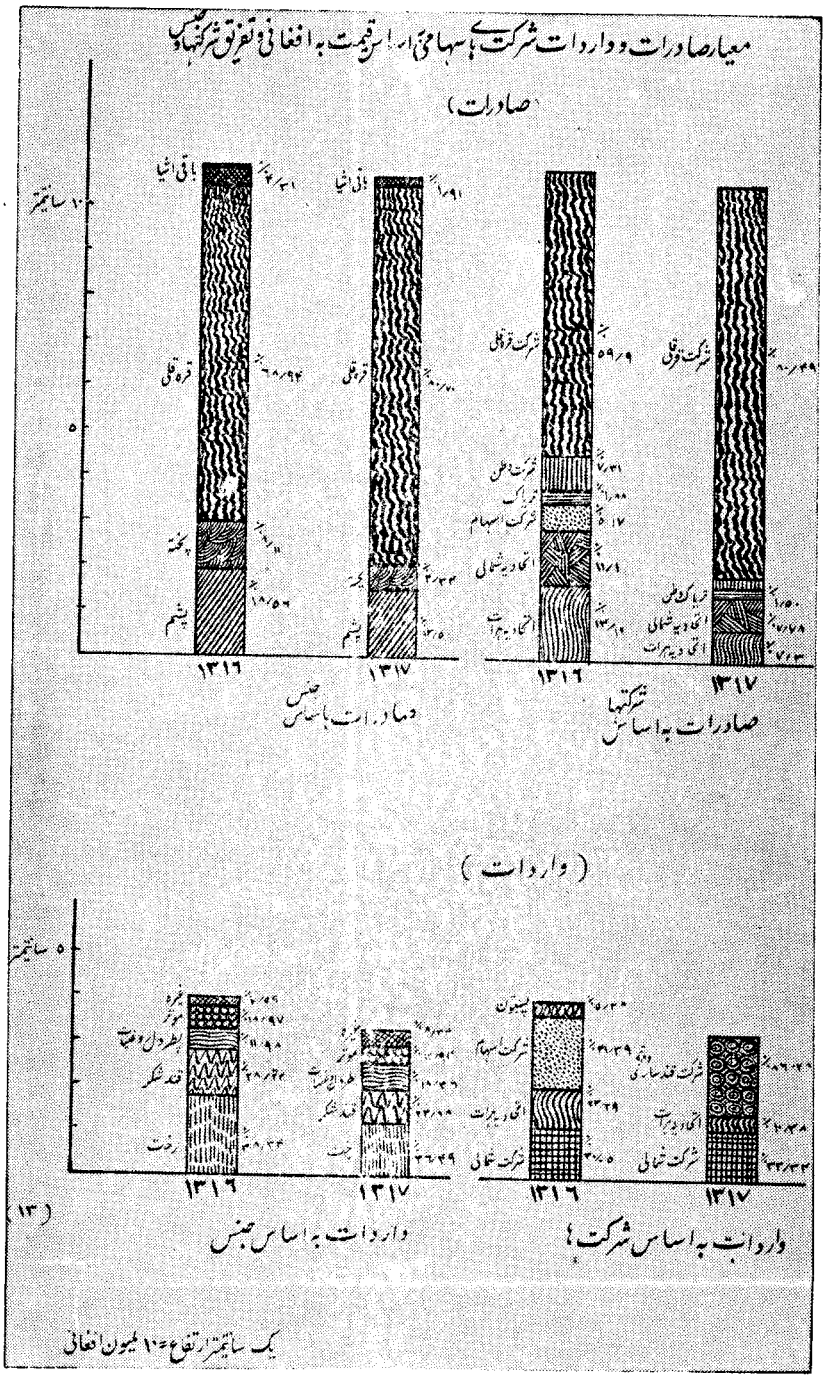

(c) ketabton.com: The Digital Library

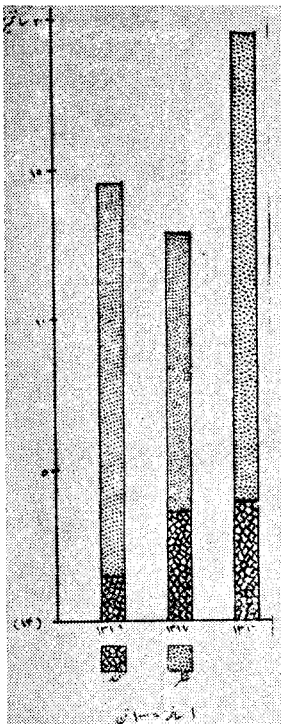

احصائیه واردات قند و شکر بحساب تن

	تاریخ	شکر	قند	جمع
۱۳۱۶	اتحادیهٔ شمالی	۱۵۸۷	۱۶۸۶	۳۲۷۳
	« هرات	۲۰۱۷	۱۶۶۲	۳۶۷۹
	شرکت پشتون	۲۳۸۶	۳۰	۲۴۱۶
	« اسهامی	۹۹۰۷	۴۱۰	۱۰۳۷۷
	میزان	۱۵۸۹۷	۳۸۴۸	۱۹۷۴۵
۱۳۱۷	ربع اول سال	۲۰۶۹	۹۱۷	۲۹۸۶
	« دوم «	۳۰۰۹	۹۵۳	۳۹۶۲
	« سوم «	۲۱۴۳	۱۱۳۵	۳۲۷۸
	« چهارم «	۲۱۲۲	۶۲۶	۲۶۴۸
	میزان	۹۳۴۳	۳۶۳۱	۱۲۸۷۴
۱۳۱۸	ربع اول سال	۴۰۷۰	۲۶۲	۴۴۳۳
	« دوم «	۴۳۸۶	۱۸۸	۴۵۷۳
	« سوم «	۴۹۱۱	۸۰۵	۵۲۱۶
	میزان	۱۳۳۶۷	۱۳۵۶	۱۳۷۲۳

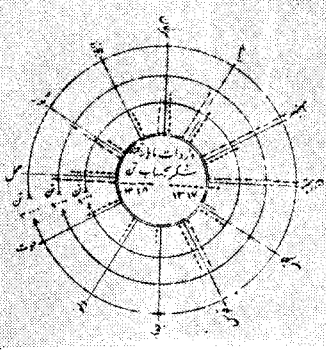

(c) ketabton.com: The Digital Library

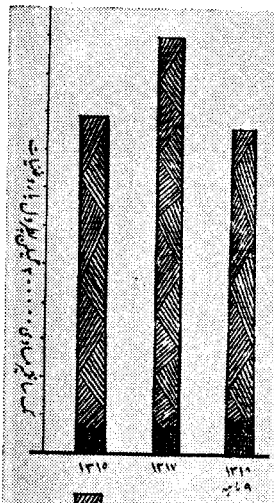

احصائیہ واردات پطرول و روغنیات تر در سنوات ذیل

تاریخ		پطرول	روغنیات تر	مجموع کل
۱۳۱۶	اتحاد شمالی	۳۵۱۷۱۳ گیلن		
	" برات	" ۱۰۹۵۷۱		
	شرکت پشتون	" ۲۳۰۲۹۶۰	۸۷۰۳۶ گیلن	
	" اسیای	" ۹۳۶۶۶۵		
	میزان	" ۷۰۵۲۹۰	" ۸۷۰۳۶	۱۷۹۲۲۶ گیلن
۱۳۱۷	بیع اول سال	۵۲۱۸۹۸ گیلن	۱۲۰۵۸۶ گیلن	۵۳۹۴۸۴ گیلن
	" دوم "	" ۶۰۹۵۷۷	" ۲۰۹۴۹	" ۶۳۰۵۲۶
	" سوم "	" ۳۵۵۲۱۳	" ۲۳۷۴۰	" ۳۷۶۱۵۳
	" چهارم "	" ۵۱۲۰۲۵	" ۲۲۷۲۰	" ۵۳۴۷۴۵
	" میزان "	" ۲۱۰۸۹۱۳	" ۸۴۹۹۵	" ۲۱۹۳۹۰۸
۱۳۱۸ تا ۹ ماہ	بیع اول سال	۳۹۹۴۲۰ گیلن	۲۴۴۰۱ گیلن	۴۲۳۸۲۱ گیلن
	" دوم "	" ۶۱۵۵۷۲	" ۳۰۳۵۰	" ۶۴۵۸۲۲
	" سوم "	" ۶۰۹۵۶۷	" ۳۲۰۳۵	" ۶۵۱۶۰۲
	میزان ۹ ماہ	" ۱۶۲۴۵۵۹	" ۹۶۶۸۶	۱۷۲۱۲۴۵

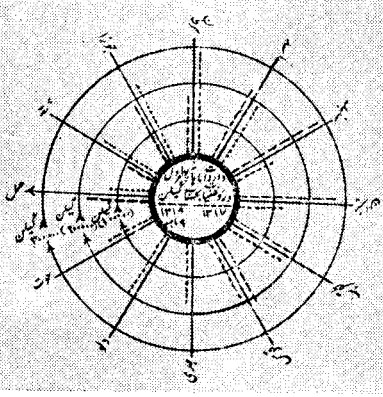

(c) ketabton.com: The Digital Library

میزان انواع واردات موتر در سنوات ذیل باساس تعداد

انواع موتر		۱۳۱۶	۱۳۱۷	۱۳۱۸ ۹ ماهه
تیزرفتار	شورلیت	۵۵	۴۵	۵۹
	بیوک	۱۵	۷	۴
	فورد	۷	۱۸	۵۰
	فیات	۴	۰	۳۱
	باقی	۵	۶	۶
	میزان	۸۶	۷۶	۱۵۰
کندرفتار	شورلیت	۴۶۳	۱۷۶	۴۴۸
	بیدفورد	۳۴۰	۱۷۰	۲۰
	فورد	۱۰۸	۷	۲۴
	باقی	۸	۰	۶
	میزان	۱۱۹	۳۵۳	۴۹۸
جمع موترلاری		۵۰۳	۴۲۹	۶۴۸

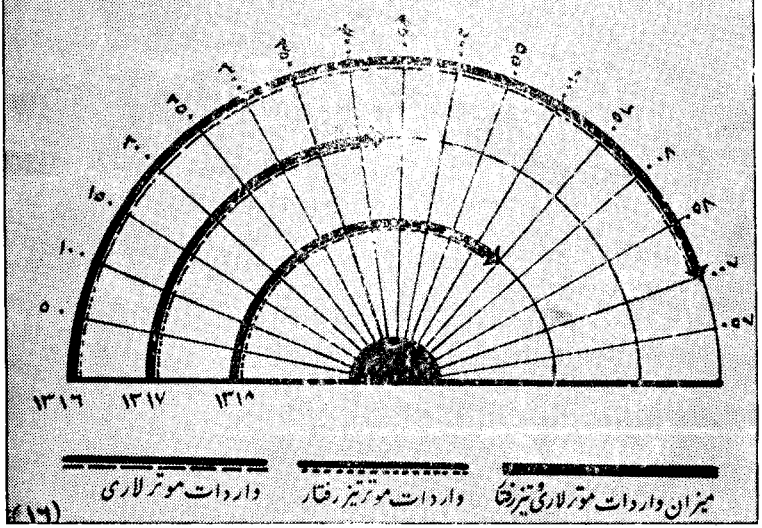

(c) ketabton.com: The Digital Library

احصائیه بذر و حاصلات پنبه بحساب فی جریب به سیر کابل

تاریخ	وسعت زمین مزروعه	بذر تخم در فی جریب	حاصل فی جریب
۱۳۱۵	۳۴۰۰۰ جریب	۱ سیر	۳۵ سیر
۱۳۱۶	۲۵۰۰۰۰ "	۱ "	۸ "
۱۳۱۷	۱۷۰۰۰۰ "	۲ "	۱۲ "
۱۳۱۸	۱۱۸۴۹۳ "	۲ "	۲۳ "

معیار بذر و حاصل پخته فی جریب به سیر کابل

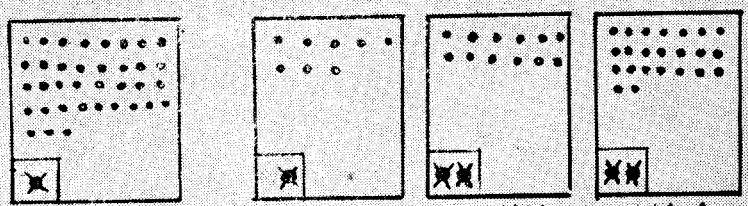

• هر نقطه مساوی ۱ سیر کابل حاصل فی جریب

✕ " " " " بذر " "

(c) ketabton.com: The Digital Library

احصائیه پیداوار و خریداری پنبه مقدار بحساب تن وقیمت به افغانی

محل خرید	۱۳۱۵		۱۳۱۶		۱۳۱۷		۱۳۱۸	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
قندز	۱۲۷۰	۷۵۶۲۷۳	۵۱۵۲	۲۵۵۲۳۹۲	۶۱۴۶	۲۸۱۸۶۹۵	۵۵۴۱	۱۸۵۳۹۲۹
تالقان	۱۴۶۱	۹۰۸۸۶۰	۴۳۵۳	۲۲۲۹۸۶۵	۴۶۸۶	۶۶۲۵۵۶	۱۹۲۲	۱۰۱۳۸۷۳
حضرت امام	۲۱۱۷	۱۲۵۱۱۱۶	۴۲۲۰	۲۰۵۲۱۱۱	۴۴۴۶	۱۴۰۸۶۹۲	۵۶۶۶	۲۸۷۱۳۸۷
مزار شریف	۳۴۶۲	۲۰۶۱۰۶۷	۲۹۰۲	۱۴۸۶۶۰۱	۲۱۸۵	۱۴۹۹۰۰۰	۳۷۱۶	۱۹۵۱۵۷۵
بغلان					۵۵۸	۳۰۲۵۶۳	۷۸۰	۳۹۳۸۹۲
خواجه غار					۴۳۹۰	۷۲۲۴۲۸	۱۵۱۵	۷۷۸۸۴۵
قلعه ذال							۷۰۲	۳۶۰۳۴۳
بیگ قلعه							۷۷۳	۴۰۴۳۷۸
غوری							۱۸۱	۹۲۸۴۴
خان آباد							۱۲۰۱	۵۲۷۵۲۹
میزان	۸۳۱۰	۴۹۷۷۳۱۶	۱۶۷۲۷	۸۳۵۰۸۸۸	۱۷۳۹۱	۷۴۳۶۹۳۶	۲۸۱۸۹	۱۴۴۹۶۱۸

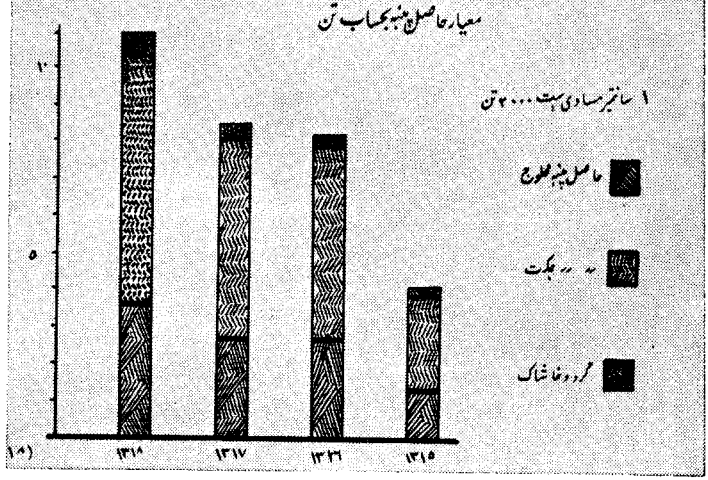

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمبر ۱۹) احصائیه تعمیرات شرکت پخه

محل تعمیر	مصارف		
	۱۳۱۵ و ۱۳۱۶	۱۳۱۷	میزان
قندوز	۷۵۸۱۶۴	۴۱۵۹۲۵	۱۱۷۴۰۸۹
امام صاحب	۲۰۳۳۹۴	۳۷۵۰۵۳	۵۷۸۴۴۷
تالقان	۱۸۷۹۱۷	۱۷۸۷۹۷	۳۶۶۷۱۴
بغلان	۲۵۰۹۸	۱۰۲۰۴۶	۱۲۷۱۴۴
خواجه غار	۱۰۱۲۴	۱۴۱۹۰۱	۱۵۲۰۲۵
مزار شریف	۱۲۰۴۷۸		۱۲۰۴۷۸
تاشقرغان	۸۶۳۰۹		۸۶۳۰۹
آقچه	۱۰۸۰۶۳		۱۰۸۰۶۳
دولت آباد	۷۵۴۲۹		۷۵۴۲۹
میزان	۱۵۷۴۹۸۶	۱۲۱۳۷۲۲	۲۷۸۸۷۰۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

(نمبر ۲۰) احصائیه واردات ماشین های شرکت نساجی و شرکت قندسازی

شرکت نساجی

تاریخ	۱۳۱۷	۱۳۱۸ (یازده ماهه)
حمل		۲۴۱
ثور		۵۲۶
جوزا		۲۴۶
سرطان	۲۰۹	۱۹۸
اسد	۱۸۳	۱۰۹
سنبله	۶	۱۶۸
میزان	۴۷۰	۱۷۲
عقرب	۴۲۲	
قوس	۲۷۶	۱۳
جدی	۳۰	
دلو	۱۲۳	۱۸
حوت	۳۸۶	
جمع کل	۲۱۰۵	۱۶۸۳

شرکت قند سازی بغلان

تاریخ	۱۳۱۷	۱۳۱۸ (یازده ماهه)
حمل		۶
ثور		۱۱۵
جوزا		۷۹
سرطان	۱۴۳	۵۱
اسد	۲۸۱	۱۳۱
سنبله	۳۲	۲۳۲
میزان	۲۱۸	۲۹۷
عقرب	۹۶	۸
قوس	۶۹	۶
جدی	۴۰۲	
دلو	۵۹	۴
حوت	۶	
جمع کل	۱۳۰۷	۹۲۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

احصائیه مصرف نه ماهه تعمیرات شرکت نساجی (پلخمری) در سال ۱۳۱۸ بحساب افغانی

تشریحات	فابریکه		بندبرق		عمارات		جمع کل	
	نفرکار و مقدار جنس	مبلغ	نفرکار و مقدار جنس	مبلغ	نفرکار و مقدار جنس	مبلغ	نفرکار و مقدار جنس	مبلغ
نقدی								
نجار	۳۰۲۱ نفر	۱۴۷۰۱	۵۷۷۲ نفر	۲۷۳۳۹	۳۵۰۹ نفر	۱۹۰۳۵	۱۲۳۲۲ نفر	۶۱۰۷۵
بناء	۷۱۴۳ "	۳۶۰۶۳	۱۲۳۱ "	۷۱۶۶	۷۵۲۴ "	۳۸۲۸۵	۱۵۸۹۸۹ "	۸۱۵۱۴
عمله و اجوره کار	۷۱۵۳۲ "	۱۲۹۱۹۶	۱۳۷۸۰۸ "	۲۴۶۸۰۴	۳۵۰۸۵ "	۵۳۴۳۴	۲۴۴۴۲۶ "	۴۲۹۴۳۴
بسته کار			۳۰ "	۳۶۰			۳۰ "	۳۶۰
انجنیر و متخصص فنی	۱۳۲۰ "	۱۳۵۵۱۷	۸۶۴ "	۱۰۳۷۱۵			۲۱۸۴ "	۲۳۹۲۳۲
جنسی								
خشت پخته	۵۹۴۸۰ قالب	۴۹۱۹۳	۲۰۰۰۰۰ قالب	۹۴۰۰	۲۵۷۴۵۰ قالب	۱۲۰۹۹	۱۵۱۶۹۳۰	۷۰۶۹۲
چونه	۴۵۶ تن	۲۴۲۱۳	۷۳ تن	۲۷۹۵	۳۶۷ تن	۲۱۹۸۸	۸۹۶ تن	۵۰۰۰۶
صندله					۱۲ "	۲۱۲	۱۲ "	۲۱۲
ریگ دریائی	۲۱۲۸ متر مکعب	۹۵۷۶	۷۹۳ متر مکعب	۳۵۶۹	۱۰۰۷ متر مکعب	۴۵۳۰	۳۹۲۸ متر مکعب	۱۷۶۷۵
سنگ جغله پارچه	۲۹۴ "	۱۳۲۳	۸۰۰ "	۳۶۰۰	۱۷۲۱ "	۷۷۷۹	۲۸۲۳ "	۱۲۷۰۲
خشت خام					۷۰۰۰ قالب	۴۵۵	۷۰۰ قالب	۴۵۵
چوب چهار تراش	۳۷ دانه	۲۰۶۹	۶۳۰ دانه	۲۲۶۲۸	۴۳ دانه	۲۴۱۹	۷۱۰ دانه	۲۸۱۱۶
چوب ستک			۱۸۹	۶۹۷	۲۲۸	۱۶۶۴	۶۱۷ "	۲۳۶۱
روغنیات تیل سوخت ماشین	۲۰۰ گیلن	۱۲۹۴	۲۲۰۱ گیلن	۱۲۱۰۴			۲۴۰۱ گیلن	۱۲۳۹۸
سمت	۱۷ تن	۷۶۳۵	۸۷۲ تن	۳۷۵۷۷۹			۸۸۶ تن	۳۸۳۴۱۴
متفرقه		۲۸۱۳		۱۳۷۹۹		۴۶۸۹		۲۱۳۰۲
جمع کل		۴۱۳۵۸۳		۸۳۱۷۵۵		۱۶۶۵۸۹		۱۴۱۱۹۳۸ افغانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

حفریات بگرام در ۱۹۳۹

مطابق

۱۳۱۸

نگارش پر و فیسر ها کن
مدیر هیئت حفریات فرانسه

ترجمهٔ : ع احمدعلی خان کهزاد
مدیر موزه کابل و شعبه تاریخ

تجسس و کاوش های که هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان بتاریخ ۱۹ ماه می ۱۹۳۸ در بگرام (شهرشاهی جدید) (۱) شروع کرده ودامنهٔ آن تا ۱۲ ماه اوت سال مذکور دوام یافت منتج به کشفیات مهمی شد که حفریات ۱۹۳۷ باوجود اهمیت بزرگ خود که درطی آن «مدام ها کن» آثاروشواهد برجسته ئی کشف کرد به آن رسیده نمیتواند . چون تجسسات امسال در حقیقت دامنهٔ حفریات ۱۹۳۷ بود نقطهٔ کاوش به شمال و شمال شرق اطاق هائی انتخاب شد که دوسال پیش حفرشده بود برای اینکه دقیق تراین نقطه معلوم دارشود باید گفت که حفریات امسال دراطاقی شروع شدکه به اطاق نمره ۱۰ حفرگاه پارسال مجاوروچسپیده میباشد .

علاوه برشواهد واشیای فراوان غربی وهندی امسال چیز نوی که بمشاهده رسیده است پارچه های کاسه های بزرگی است که از «لاك» یکنوع صمغ در خت ساخته شده واصل مبداء ظهورآن سرزمین چین است . اشیائی که مبداء آن مغرب زمین است عبارت از یکعده مدال های گچی میباشد که بعضی های آن بصورت خیلی موثر وجذاب کمال صفائی صنعت یونانی را وانمود . میکند چنانچه یکی آن که دران یك «گونیمد Gonymed » (۲) در یك ظرفی که روی زانوها گذاشته وعقاب « ژوپی تر » (مشتری) را آب میدهد مخصوصاً مظهر نظریهٔ ما شده میتواند (تصویر ۱) عین این موضوع درموزه «ارمیتاژ لینین گراد» هم موجود است عقابی که درعین زمان رب النوع ژوپی تر را تجسم میدهد یکی از پاهایش رابلند گرفته و یکی از ناخن های پنجال خود را کنار طرف آب گذاشته مدال مکشوفهٔ بگرام که این موضوع دران نمایش یافته چیز نوی هم ازخود دارد که درموزهٔ «ارمیتاژ» دیده نمیشود وآن عبارت از رب النوع کوچك عشق است که انتهای بال چپ عقاب را محکم گرفته است .

ملتفت باید بود که در روی مدال های گچی مذکور تمام موضوع ها مانند آنچه که فوقاً ذکر رفت نمایش نیافته بلکه بصورت هیکل تراشیده و آن قسمی که یك حصهٔ بدن خارج دایرهٔ

---

(۱) موسیو فوشه : یاد داشت ها راجع به خط سیر « هیوان تسنگ » در افغانستان (نقشه) پاریس ۱۹۲۵ (۲) Altmann grabaltare صفحه ۱۶۹ نمره ۱۷ Salomon Reinach تذکرهٔ مجموعهٔ نمایش آثار برجستهٔ یونانی ورومن III صفحه ۴۸۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدال باشد هم بکمال مهارت ترتیب شده است چنانچه این رویه در یکی از مدال های بزرگ که شخص جوانی را بوضعیت تفکر نشان میدهد بکارافتاده است (تصویر ۲) در مقابل این سبك که کمی و ضعیت تخیلی بخود گرفته است رویهٔ طرز رئالیست (حقیقت بینی) هم مراعات شده ونمونهٔ این سبك سراسر زنده و مهیج معلوم میشود (تصویر ۳) .

علاوه برچیزهای فوق مجسمه گك های مفرغی که میتوان مبدء آنهارا به «گریك ورومن» رسانید هم بدست آمده است . آنچه از ین بین مهم و قابل تذکر است مجسمهٔ تازه ظهور «سراپلیس هرکول» (تصویر ٤) یعنی مجسمه ایست که به تنهائی دو رب النوع سراپیس و «هرکول» راتوأم مجسمه میکند (هرکول معروفترین پهلوان داستانی یونانی است که بابدن قوی وقوهٔ فوق العادهٔ خود یك سلسله کارهای مهمی انجام داده قراراساطیر یونانی به آورن سیب طلائی از باغ آسمانی « هسپرید Hespérides » موفق شده است . اسلحهٔ این پهلوان تیاقی بود که همیشه با خود داشت) (۱) . نشانی های هرکول باتیاق وسیب که در دست چپ اوست معلوم میشود « سر اپیس » که در عین زمان رب النوع حیات ومرگ بود از روی کلاه عجیبی که عبارت از تکری اسرار باشد وقسمت خارجی آن باشاخه های زیتون تزئین شده است معرفی میشود واز روی علائم اختصاصیه معلوم میشود که دو رب النوع یکی (هرکول) پهلوان داستانی ودیگر « سراپیس» رب النوع زندگی ومرگ در مجسمهٔ مذکور جمع شده است علاوه برمجسمهٔ نوظهور فوق هیکل « هاربوکرات Harpocrate » (تصویر ٥) پسر سراپیس وایزیس هم کشف شده ونمونه ئی را یاد دهانی میکند که « سرجان مارشل » از حفریات تاکزیلا بدست آورده است . (۲) در میان مجسمه های کوچك مفرغ هیکل مرد بروتی (تصویر٦) مخصوصا باید تذکار یابد زیرا مراعات تناسب اعضا دران بکمال مهارت انجام یافته است . اگر بعضی آثار مفرغ مکشوفهٔ بگرام بانمونه هائی که درخارج موجود است مقایسه شود درنتیجه ازنقطهٔ نظر تاریخی نقاط اساسی بدست می آید مثلاً پایهٔ اتش دانی که قسمت فوقانی آن بشکل سینهٔ قطان وحصهٔ پایان آن بشکل پنجهٔ شیر ساخته شده (تصویر ۷) وبلا شبهه پایهٔ کدام ظرف آب گرمی میباشد درین راه خوب به درد میخورد زیرا یك ظرف مکملی که این جزئیات را وانمود میکند از حفریات شهر پومپئی که آتش فشانی کوه «وزیو» در سال ۷۹ عهد مسیح خراب نموده بدست آمده وفعلاً در موزهٔ ملی نابل میباشد (۳) هکذا یك پایه مفرغ طویل که گلدستهٔ آن ازاشکال افسانه ئی ساخته شده واز بگرام بدست آمده بایك نمونهٔ همشکل خود که حصه ازیك چراغ مفرغی است وآنهم از خرابه های شهر پومپه ئی کشف شده است (٤) قابل مقایسه میباشد

(۱) قسمتی که مابین قوسین گذاشته شده ازطرف مترجم تزئید شده است .
(۲) سرجان مارشال » : رهنمای تاکزیلا طبع سوم دهلی ۱۹۳٦ لوحه ۱٥
(۳) موزهٔ ملی نابل کولکسیون باستان شناسی صفحه ۳۸ وشکل ۱٤۲ به کتاب آثار باستانی رومن تالیف Cagnat وChapot جلد دوم صفحه ٦۲۲ هم مراجعه شود
(٤) موزهٔ ملی نابل : کولکسیون باستان شناسی شکل ۱٤۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

چون اشیای متذکرهٔ مکشوفهٔ شهر پومپه ئی آثار رومائی ودارای تاریخ معین میباشد ثابت میکند که در اوائل عصر امپرا طوری رومن تباد لهٔ اموال بصورت تجارت زیاد بین غرب وشرق وسطی بعمل می‌آید از طرف دیگر چون در ماه اکتوبر ۱۹۳۸ پارچهٔ عاج هندی از شهر پومپه ئی کشف شده است بثبوت میرسد که درمقابل امواج رومائی ازشرق وسطی هم اجناسی بطرف غرب میرفت پس‌از روی کشف آثار رومائی در بگرام وظهور عاج هندی در شهر پومپه ئی بصورت یقین وبابراهین عملی گفته میتوانیم که در اوائل دورهٔ امپرا طوری رومن تبادلهٔ اجناس بین غرب وشرق وسطی وشرق وغرب بعمل می‌آمد (۳) .

نا گفته نماند که اکتشاف یك دولچهٔ گلی که بشکل نیم بدن زن و یك پرنده (تصویر ۸) ساخته شده هم از نقطهٔ‌نظر تاریخ کمك میکند . برای اینکه دولچهٔ مذکور دوام کند قرار عادت کاریگران وقت روی آن ورقه درخشانی ازگرد مس یاروی کار کرده‌اند واین رویه یکی ازاکتشافات عصر یونانی بود که آثار آن ازقرن اول ق م باینطرف دوام نموده است (٤) این قبیل اشیا در قرن اول ودوم عهد مسیح اهمیت زیاد داشته واحر از آن را خیلی تقدیر میکردند .

درمیان ظروف شیشه ئی یك عده گیلاس های خیلی قشنگ ملون وجود دارد . بالای یکی ازآنها که دارای شکل خیلی لطیفی است (تصویر ۹) بامنتهای مهارت وزرنگی صحنهٔ جنگی نمایش یافته وجنگجویان طرفین درمیان عراده‌های جنگی دوسپه قرار گرفته‌اند حرکت عراده‌ها وشطارت پهلوانان وشدت جنگ طوری ترسیم شده که ازمشاهدهٔ آن دهشت میدان نبرد حس میشود .

در جداریک قدح بلند شراب نوشی که متاسفانه در اثر مرور زمان صدمه هم دیده است صحنه‌ئی‌رسم شده که‌یك عده اشخاص را درحال اجرای اتن ودانس منظم نشان میدهد ناگفته نماند که درین قدح اشخاص صحنهٔ مذکور باورق باریك طلا روی متن شیشه ترسیم شده اند درحقیقت این صحنه یکی ازرقص های محفل شراب نوشی راوانمود میکند دررأس اشخاص که به اجرای اتن مصروف اند سر «دیونیزوس» Dionysos رب النوع تاك ، انگور چینی وشراب وانگور چینان مشاهده میشود رب‌النوع به قیافه وشکل جوان بی ریش یعنی به نمونه نمایش یافته که‌درکارخانه های نقاشی‌وهیکل تراشی شرق‌یونان اوراترسیم میکردند (تصویر ۱۰) بالاخره درزمرهٔ ظروف واشیای شیشه‌ئی که بدست آمده باید ازیك قدح خیلی زیبائی صحبت کرد که از انتهای شفافیت مانند بلورصاف مینماید ، تزئینات آن عبارت از شاخه های کج و پیچ

(۳) در شمارهٔ مجله « صنعت » تاریخی ۲۸ جنوری ۱۹۳۹ به‌مقاله Amedeo Maiuri راجع به مجسمه کك های صنعت هندی از « پومپه ئی» مراجعه شود

(٤) اثر فوق‌الذکر Cagnat وChapot جلد دوم صفحه ٤٥٩ ملاحظه شود

(c) ketabton.com: The Digital Library

وبر گ تاك است که کمی برجسته کار شده وروی آن ازورق طلا پرشده است (تصویر ۱۱)

❀ ❀ ❀

برویم به آثارعاج . آثارعاج هندی مکشوفهٔ امسال از نقطهٔ نظر فشنگی و نفاست بهیچ صورت ازاشیای غربی پس نمی ماند مدام ژ ، ر ، هاکن وموسیو کرل زحمت و صرف وقت زیادرا قبول دارشده وبه منتهای کوشش پارچه های نازك ولطیف عاجی راکه قرن ها درزیر توده های خاك مدفون بود به بهترین صورتی بیرون آوردند ، دراثر تماس مدیدی که پارچه های عاج مذکور باخاك مرطوب داشت دربعضی پارچه خسارات مدهشی بعمل آمده که جبران پذیر نیست بلی دراثر رطوبت زمین وتماس متمادی قطعات عاج مذکور بعضی ها بکلی به گرد تبدیل شده وما نند گردازهم میپاشید وبعضی های دیگر چنان به ورق گل چسپیده بود که هروقت بنای عملیات برداشتن آن شروع میشد قسمت های برجسته سرخود ازهم جدا میشد پس این مسئله واین اشکالات چنین ایجاب میکرد که برای بدست آوردن قطعات مذکور اصول مخصوصی بکار افتد واحتیاط های فوق العاده بکار برده شود .

به این اساس هروقت که یك گوشهٔ کوچك اززیر خاك براورده میشد به رویهٔ مخصوصی آن راحکم میکردند این اصول عبارت ازین بود که هروقت قسمتی از صفحهٔ عاج ازگردوخاك پاك میشد روی آن ژلاتین مایع منتشر میشد وچهار وپنج دفعه این عملیات تکرار میگردید وبه این ترتیب کار ادامه میافت تاتمام سطح قطعهٔ عاج ظاهر ومحکم میشد وآخرراجع به برداشتن آن اقدام بعمل می آمد (تصویر ۱۲) این رفتار درباب قطعاتی که بمراتب ازپارچهٔ فوق الذکر نظیف تر بود هنوز طویل ترمیشد یعنی بادستگاه مخصوص ذرات ژلاتین مایع روی آن چندین مرتبه پاشانیده میشد چنانچه این اصول درباب برداشتن پارچه های بزرگ تکیه گاه صندلی کلانی که وسط اطاق را اشغال کرده بود وصفحات آن دوطرفه ترئینات داشت استعمال شده وچندین هفته دربرداشتن قطعات عاج آن صرف شد بطرف دیوار غربی اطاق یك حصه زیاد قطعات عاج تجزیه شده وچندین ورقه روی همدیگر پهن وملتصق شده بود (تصویر ۱۳) درین قسمت عملیات برداشتن قطعات عاج به مراتب مشکل تر وحرارت تابش آفتاب زحمات دیگری فراهم میکرد زیرا درسایه وزیر خیمهٔ بزرگ میزان الحراره تا ٤٥ درجه نشان میداد .

خلاصهٔ حفریات امسال بگرام باچنان پارچه های بزرگی عاجی داده است که ارتفاع بعضی آنها تا ٤٥ سانتی میرسد واز نقطهٔ نظر اشکال وموضوع نمایشات بعضی ابدات هند قدیم ومخصوصاً دروازه های درآمد معابد سنگی راباد دهانی میکند چنانچه این تشابه را بطور اخص کمان ها وقطار فیل های بین آنها در قطعات بزرگ عاج وانمود میکند (تصویر ١٤) . بلی اگر از یك طرف ترئینات مخصوصهٔ فوق الذکر موضوع مقایسه را بامدخل سموچ لوماس ریشی Lomas Rishi درمگد های قدیم « در حوضه گنگای هندی » (حوالی قرن اول قبل از عهد مسیح) بمیان

(c) ketabton.com: The Digital Library

می آرد اختصاصات دیگری مارا بطرف «ماتورا» یعنی شهری میبرد که بطلیموس جغرافیه نگار آن را «ماتورای ارباب‌الانواع» (۱) یاد کرده است وعبارت از «موترا» فعلی (اضلاع متحده) میباشد . این شهریکی از اعاظم بلادهند بوده درعصر کوشانی های بزرگ مخصوصاً درزمان زمامداری سلطان مقتدر ایشان کنیشکا (او اخرقرن اول واوائل قرن دوم عهدمسیح) که‌هند به مراتب اعلای مدنیت رسیده وشاید در خشان ترین دورهٔ تعالی خود را دیده باشد (۲) شهر خیلی باشکوه‌وبزرگ هند بشمار میرفت . جزئیات کلدستهٔ پایه ها ، قربه هی وچاقی اعضای زن‌هائی که‌نمایش یافته اندچیزهائی است که‌عیناً دربعضی هیکل هائی که‌در نواحی ماتورا در گل سرخ رنگ تراشیده شده دیده میشود . چنانچه از ین قبیل مجسمه ها به تعداد زیاد در «کرزن موزیم باستان شناسی ماتورا وپروونشل موزیم لکنهو» محافظه شده است .

یك قطعه‌عاج دیگر بگرام که مربوط به‌همین‌دسته است (۳٤ ب ٥)(تصویر ۱٥) ویکنوع دروازه راکه (تورانا Torana میگویند نمایش‌میدهد شکلی‌دارد کاملاً کلاسیك که درعین زمان «سانشی» (هند مرکزی) و«ماتهورا» را یاد میدهد ولی فرقی که هست این است که لوحهٔ عاج مکشوفه بگرام‌بصورت حیرت آور جزئیات تزئیناتی را وانمودمینماید به‌این ترتیب باصدها قطعات کوچك وبزرگ عاج که از بگرام بدست آمده میتوان جنبهٔ مقایسه رادر زمینهٔ کلاسیك وسعت داد روی بعضی قطعات عاج که تزئینات آن برجسته‌تراشیده شده‌موضوعهائی‌نمایش یافته که‌منبع الهام آن را میتوان خارج خاك هنددر(جاوا) سراغ کرد (تصویر ۱٦)برعکس روی یك دستهٔ دیگر ذوق هندی که‌بیشتر خواهان نمایش حیوانات است باجنبهٔ ریالیست بخوبی‌اشکار است ومیتوان گفت که اشکال حیوانات مذکور بکمال مهارت ترسیم شده است (تصویر ۱۷) .

ناگفته نماند که آثارمکشوفه بگرام‌نه فقط موضوعهای کلاسیك‌بلکه دیگرچیزهای‌غیرمترقبه صنعت‌هندرانیزوانمودمیکندچنانچه‌ازان‌جمله یکی صحنهٔ‌شکاری است‌که شطارت پهلوانان وحرکات آنها بیننده را بحیرت می آورد . (تصویر ۱۸) درین صحنه چه تیپ وشکل اشخاص چه‌لباس واسلحه وچه مفکورهٔ عمومی که در تزئینات آن بکار رفته هر کدام بکمال مهارت ترسیم شده. وگفته میتوانیم که‌خطوط خارجی ، استعمال رنگ سرخ تیز که بعضی قسمت های مطلوب را برجسته میسازد ، وغرابت‌بعضی جزئیات‌دیگر موضوع یکجاشده صحنهٔ مذکور را اختصاص بخشیده است علاوه برین یکعده قطعات کوچك عاجی دیگری هم است که از روی بداعت وخواص از پارچهٔ فوق‌الذکر کمی ندارد وغرابت موضوع وترتیب نفیس عوامل‌موضوع صحنه‌های آن‌هارا خیلی ها قابل توجه ساخته است (تصویر ۱۹) . دراخیر باز باید تذکار داد که چون رطوبت دراثر مرور زمان دران ها کار کرده وعمیق رفته بیشتر پارچه های عاج نرم و خمیر شده وبدست آوردن آن عوایق زیاد دربر داشت . باتذکار مختصر فوق معلوم میشود که باکشفیات

(۱) هند «مدنیت بخش» صفحه ۱۳۰ تالیف سیلون لوی (۲) هند مدنیت بخش صفحه ۱۲۹ تالیف سیلون لوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

جدید بگرام تاریخ صنعت هند خیلی غنی شده آثاری که تاحال مجهول وبی سابقه بود با کتاب مخصوصی که‌درین موضوع نشر خواهد شد اهمیت فوق العاده ومفاد بزرگی آثار مذکور را واضح خواهد ساخت .

❀ ❀ ❀

در تمهید مقالهٔ هذا اشاره شد که حین حفریات ۱۹۳۹ در بگرام اشیائی از (لاك) یعنی «گندی» چین هم بدست آمد . این اشیا عبارت از کاسه های بزرگ و قطی های کوچك میباشد که فشار زمین ورطوبت آن بامرور زمان دران اثر بخشیده است . این ظروف اصلاً عبارت ازدوحصه بود یکی چوب ودیگری لاك که در روی اصل چوب نصب می شد چوب که درنم مقاومت نمیتواند بکلی از بین رفته است (۱) روی بعضی پارچه های لاك که بدست آمده تزئینات خیلی لطیفی باالوان سرخ کم رنگ وخوش آیند روی متن خاکی مایل به سیاهی رسم شده وچنین بنظر می‌آید که پارچه های لطیف ابر حلقه های بخار وباد با اشکال مار پیچ بهم ترکیب شده باشد . از نقطهٔ نظر تزئینات ظروف بگرام اشیای لاکی را یاد می آرد که باستان شناسان جاپانی حین حفریات خویش از « لو ـ لا نگ» شبه جزیره کور یایافته اند ومربوط به‌عصر «هان‌ها» حوالی قرن اول عهد مسیح میباشد .

ناگفته نماند که روی بعضی پارچه های کوچك لاك تزئیناتی دیده میشود که با انچه دربالا گذشت بکلی فرق دارد . سبك این تزئینات رااصطلاحاً «سه‌خرس» گویندکه انراهم میتوانیم بااشیای مکشوفه « لو ـ لانگ» مقایسه کرد . (۲) شکل یك سرکه بکلی ازوضعیت طبعی برآمده وصنعت خیالی بخودگرفته است وبه اطراف ان تزئینات لوزی پیوسته استعامل وسطی را احاطه کرده که از خطوط عمودی وافقی تشکیل شده است ماین سه‌عامل تزئیناتی را با نقطه های بزرگ سرخ پرکرده اند (شکل ۲۰) برای حفاظت کاسه‌های بزرگ به دورا دور حاشیه‌لب‌ان حلقه‌ئی‌از مس‌سرخ نصب نموده بودند این حلقه‌در شکل (۲۱) وبهتر در شکل (۲۲) معلوم میشود زیر ادرصورت اخیرالذکر کاسه لاك بالای دهن دولچه شیشه ئی چهٔ گذاشته شده بود .

---

(۱) بعضی اوقات مخصوصاً در تهظروف طبقات لاك‌را روی پارچه کتان منبسط میکردند واین پارچه قسمت چوبی ظرف رامحکم ترمیکرد (تخنیك کیاشو)

2 F. Lau-Beer, Zum Dekor der Han-Lacke, Wiener Beitrage Zur Kun st und Kulturgeschichte Asiens, Bd-xt (1937), Ab. 16, 18, 24, et pp69-37 Otto Manche - Helfen, zur Geschichte der Lackkunst in China, Wiener Beitrage Zur Kunst und Kulturgeschichte Asiens, Bd X1 (1937) P. 72

(c) ketabton.com: The Digital Library

❀ ❀ ❀

آثار مختلفی که در ۱۹۳۹ (۱۳۱۸) از بگرام کشف شد وروی هم رفته عبارت ازمدال های گچی یونانی ظروف مفرغ گریك ورومن یا اسکندریه مصری ، ظروف عصر رومن مخصوص استعمال احتیاجات خانگی ، قطعات عاج هندی وظروف لاك چینی میباشد از نقطه نظر مراتب تاریخی تطبیقات حیرت آوری عرضه میدارد ومیتوان گفت که تاریخ اشیای مذکور ازقرن اول تادوم عهد مسیح را در بر میگیرد . پوشیده نیست که این عصر برای انبساط روابط بین المللی وتبادلهٔ اجناس خیلی ها مساعد بود وکاپیسا بواسطهٔ موقعیت جغرافیائی ممتاز خود ازین دورهٔ مساعد استفادهٔ زیاد میکرد تذکار این مسئله بی مورد نخواهد بود که درقرن اول عهد مسیح صلح وارامشی که امپراطوری رومن پهن کرده بود تابه شام انبساط داشت ودسته های مقتدر نظمیه شهر هائی که مثل « پلمیر Palmyre »و « دورا Daura » در امتداد راههای کاروان افتاده بود درعین زمان هم ازنقطهٔ نظر امنیت راها را محافظه میکرد وهم آزادی تبادلهٔ اجناس را مراقبت می نمود (۱) درین وقت نفوذ روما تاملکت دوردست پارت ها انبساط داشت چنانچه امپراطور اگوست که بین سال های ۶۳ و ۱۴ ب م سلطنت داشت « اورودس Orodes » دوم پارتی راکه مخالف انتشار نفوذ دولت رومن بود خلع نموده وعوضش « ونونس Vanones » یکی از پسران « فرهاتس چهارم PhraatesIV » را برتخت پارتیا نشانید وپادشاه جدید نسبت به امپراطور رومن وضع تابعیت پیش گرفت وبه این ترتیب دورهٔ سلطنت اوفتح سیاست دولت رومن را درشرق وانمودمیکند (حوالی سال ۹ ب م) (۲)

معاصر به همین زمان که دولت پارت تحت نفوذ سیاسی امپراطوری رومن در آمده بود کوشانی ها شروع به تشکیل وتشئید ارکان امپراطوری بزرگی « درافغانستان وحصهٔ ازخاك هند » نموده چنان دولت مقتدری بمیان آوردند که مدت سه قرن عامل ارتباط بین غرب وهندو چین بشمار میرفت موسس سلالهٔ کوشان « کوجولا کدفیزس » Kujula Kadphises که مسکوکات اوهم سطح اشیای مکشوفه ازبگرام بدست آمده است عنوان شاه شاهان (شهنشاه) مهاراجا سارا جاراجاسارا بالقب نو (پسر آسمان) « دواپوترا » که تا آن زمان درتشریفات هندیبی سابقه بوداتخاذ کرد این لقب تازه عنوان قدیم وکلاسیك امپراطوران چین است که کوشانی ها حین سلطنت درهند آن راحافظه نمودند . رئیس قبایل « سیتی » که یك سلطنت یونانی را ازبین برداشته وعناوین ترکی وچینی را اتخاذ کرد دراواخر دوره زمامداری خویش به تقلید امپراطوران رومن همپرداخت چنانچه مسکوکات اخیر او ازروی سکه های « داریو » (سانسکریت دنارا) تقلید شده که امپراطور « اگوست » درسالهای اخیر سلطنت خود بین سال ٤ ق م و ۲ ب م سکه میزد (۳) این قرابت را

1 M. Roslovtzeff: Dura - Europas and its art, oxford 1938

(۲) تاریخ رومن جلد سوم ، امپراطوری علیا صفحهٔ ۱۰٤ (تاریخ قدیم حصه سوم پاریس) ۱۹۳۹ تالیف Léon Homo

(۳) هند مدنیت بخش : خلاصهٔ تاریخی تالیف « سیلون لوی » پاریس ۱۹۳۸ صفحهٔ ۱۲۷

(c) ketabton.com: The Digital Library

که بذات خود روشن وواضح است آثار مکشوفه جدید بگرام خیلی ها جنبهٔ حقیقت میدهد.

برویم به چین: ازطرف شرق چین هم‌درین زمان واجد وضعیتی بود که زمینه را برای جریان تباد لاتی که‌فوقاً اشاره نمودیم مساعد ساخته بود. چند سال بعداز وفات امپرا طور (تسن‌کی هوانگ‌تی) یکی از رؤسای رهزنان سلاله «هان» رابمیان آورد که قرار گفتهٔ «سیلون لوی» ازو ضعیت متحد چین استفاده نموده وازان دولت مقتدر جهانی تشکیل نمود. سپس امپراطور «ووWou» که مربوط همین سلاله بود وین ۱۴۰ و۸۷ ق م سلطنت داشت سیاح معروف «چانك كين Tchang-Kien» را بطرف غرب فرستاده وباب عهد جدیدی رابرای چین بازکرد. یك‌قرن بعد چین کم‌کم وآهسته آهسته دامنهٔ نفوذ خویش را تاسرحدات عالم هندی رسانید (۱) چنانچه بطور مثال باید متذکرشد که درسال دوم ق م چین نمایندگی بنام Po-che-ti-tseu-King به دربار امپرا طور کوشان فرستاد، بود (۲) این عهد که میتوان آنرا دورهٔ میمون اقتصادی وعصر استقرار سیاسی خواند رویهمرفته از اواسط قرن سوم عهد مسیح تجاوز ننموده است زیرا درین زمانی که ذکرشددولت روم‌درپنجهٔ مدهشترین کشمکش ها گرفتارشده بودوبحرانی‌راطی‌میکرد که‌مصادف برعصر «والرین Valerien» و «گالین Gallien» بود (از ۲۵۳ تا ۲۶۸ ب م) چنانچه از روی ذکر یك‌مثال که عبارت از اسیرشدن «والرین» بدست شاه پور اول ساسانی (۲۶۰ ب م) می باشد کماحقه معلوم می‌شود که امپرا طوری روم تابکدام حد واندازه دچار ضعف ومشکلات شده بود.

بطرف مشرق در مملکت چین هم دورهٔ انحطاط ازاواخر قرن دوم مسیحی شروع شده ویك انقلاب عوام که بنام جنبش «کلاه زردها» موسوم است در «چه — لی Tche-li» «هو نان Honan» در سال ۱۸۴ ب م شروع شد. اگرچه آتش این بغاوت خاموش شد ولی در اغتشاشاتی که به تعقیب آن بمیان آمد رؤسای انقلابی نظام ادارهٔ مملکت را بدست آوردند (۳) «تساوپی Tesao-Pei» سلاله «هان‌ها» را بکلی منقرض نموده خانوادهٔ سلطنتی جدیدی‌روی‌کار آمده که‌فقط از ۲۲۰ تا ۲۶۵ سلطنت کردواخیرچین دوباره متشتت‌وپراگنده گردید.

ملتفت باید بود که تایك درجه آبادی ورونق امپرا طوری کوشان مربوط به وضعیت تجارتی آن باشرق وغرب بود. ورود ناگهانی ذخایر طلا وتقلید سکه «ایوروس» رومن اهمیت رول «هندویست ها» یعنی شاهان کوشانی وروبهٔ استفادهٔ آنها را از ترانزیت اموال تجارتی بخوبی وانمود میکند. قرن سوم که باذکر مراتب فوق برای دولت روم و چین عصر شومی شده بود اوائل دورهٔ انحطاط کوشانی ها را هم تشکیل داد چنانچه از روی

(۱) اثر فوق الذکر (سیلون لوی) صفحهٔ ۱۵۰. هکذا آسیای علیا تالیف «پول پلیو» طبع پاریس‌سال ۱۹۳۱ صفحهٔ ۷ ملاحظه‌شود. (۲) هندمدنیت بخش تالیف سیون لوی صفحه ۱۲۸

(۳) تاریخ شرق اقصی تالیف «رونه گروسه» جلد اول صفحه ۲۲۱-۲۲۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

دلایل متعدد مثل عقد عروسی باهرمزد دوم وحضور گروماتس« Grumpates» کوشانی وفیل هایش درجنگ« ساپور» (۱) وشکست رومن ها (۳۵۹ بم) (۲) هر کدام بجای خود نشان میدهد که کوشانی در دورهٔ انحطاط خود مطیع ساسانی ها گردیدند .

درمیان مسکوکاتی که در دوران گذارشات حفریات در بگرام در روی زمین همسطح اشیای مکشوفه پیداشده هیچ کدام بعدتراز « واسودوا» Vasudeva (حوالی ۲۰۰ بم) نمی باشد . بلی در اواخر قرن سوم هیاطله اراضی ماورای اکسوس را اشغال نموده ودرقبال این پیش آمد تازه عظمت کوشانی ها به تحلیل میرسد ، ادامهٔ دامنهٔ کاوش در بگرام این مسئله را ارائه نموده است که عمراناتی که واضحاً بعد ازدوره اشغال کوشانی بشمار میرود روی خرابه های شهر جدید شاهی بناشده است . چنانچه دراثر کاوش های که موسیو ژاك مونیه در ۱۹۳۸ بعمل آورده است محل وموقعیت یك بنای مستحکم اشکار شده است ودیده میشود که تهداب های چهار برجی که در زاویه های عمارت قرار گرفته بود ازسطح تهداب اطاق های که در ۱۹۳۷و۱۹۳۹ ازان ها اشیای غربی وهندی بدست آمده است بلند تر می باشد مربوط به این مطلب باید متذکر شد که یك سکهٔ هیاطله که درآن تصویر یك« شارغرجستان » (۳) نقش می باشد به عمق ۰/۸۰ مترسه پیداشده حال آنکه مسکوکات « گندو فارنس » و « کجولا کدفیزس » و کنیشکا » در اطاق های بزرگ همسطح اشیای مکشوفه یعنی ازعمق بین ۲ متروچهل. ودو متر و ۶۰ سانتی . کشف شده است پس چنین بنظر می آید که شهر جدید شاهی « کاپیسی Kapisi »یعنی بگرام فعلی را که درقرن ۵ مسیحی خراب شده است متهاجمین هیاطله اشغال نموده باشند اما کوشانی ها قبل ازینکه ازین بروند چون حامی دیانت بودائی بشمار میرفتند باتشویقات وحوصله افزائی خویش صنعت جدیدی را بمیان آوردند که دران نفوذغرب وهند مشاهده میشوداین سبك جدید صنعتی چون خادم نمایش دادن مظاهرات افکار « بودیزم » گردید باتحولات خودبه مراتب درخشانی فایز شد. کشفیات جدید بگرام بانشانی ها ودلائل قاطعه ثابت می کند که کاپیسای قدیم یعنی یکی ازقطعات افغانستان کنونی (حوضهٔ کوهدامن وکوهستان) یکی ازسرچشمه های الهام صنعت « گریك وبودیك» بشمار می رود .

کابل مورخه ۱۹۴۰ ژوزف هاکن

ازطرف انجمن ادبی کابل ع ، احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تاریخ وازطرف وزارت جلیلهٔ معارف آقای محمد عزیز خان و محمد نبی خان و میر علم خان باهیئت حفریات فرانسه درکشفیات ۱۹۳۹ تشریك مساعی داشتند .

---

(۱) نام شاه شاهپور دوم بود (۳۷۹-۳۰۹ بم)

(۲) خانواده های شاهی وتاریخ هند از زمان کنیشکا تاتها جمات مسلمین تالیف لوی دولا واله پوسن پاریس ۱۹۳۵ صفحه ۹

(۳) رساله مسکوکات شرق حصه سوم صفحه ۴۵۳ شکل ۵۹۸ تالیف ژ، دو، مرگان



(٢) Diametre: 0m 223 (2)



(١) Diametre: 0m 128 (1)

(c) ketabton.com: The Digital Library

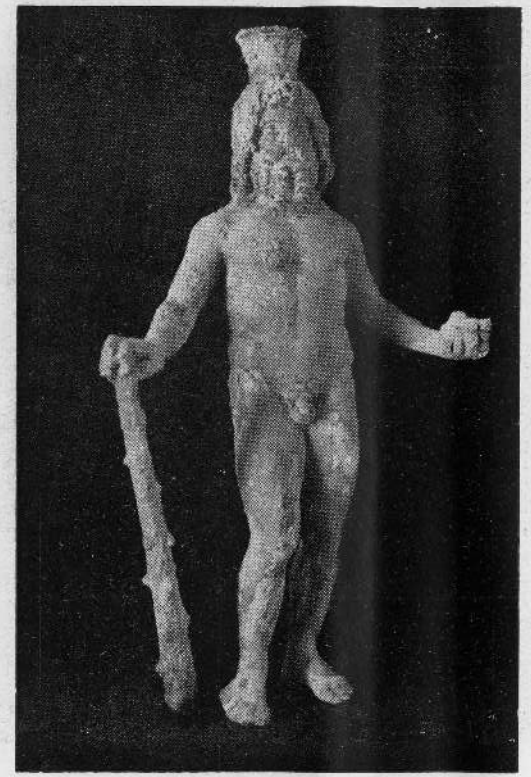

(٤) Hauteur: 0m 25 (4)



(٣) Diametre: 0m 191 (3)

(c) ketabton.com: The Digital Library

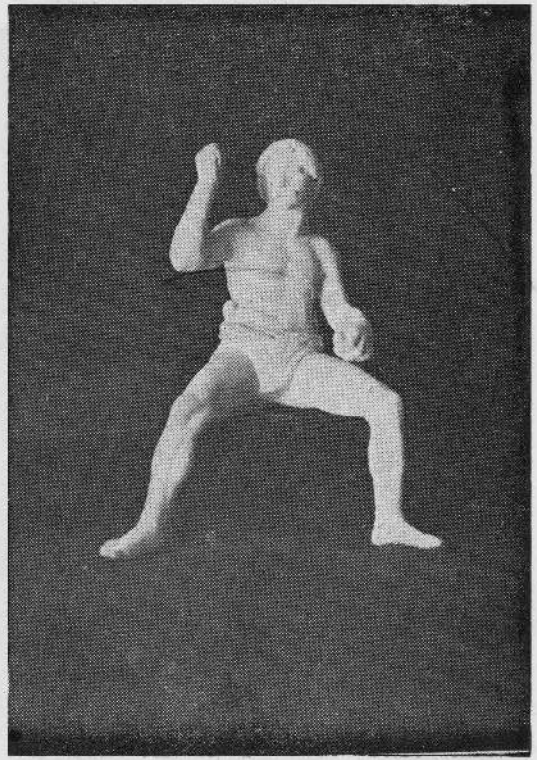

(٦) Hauteur: 0m 147 (6)



(٥) Hauteur: 0m 133 (5)

(c) ketabton.com: The Digital Library



(٨) Hauteur: 0m 202 (8)

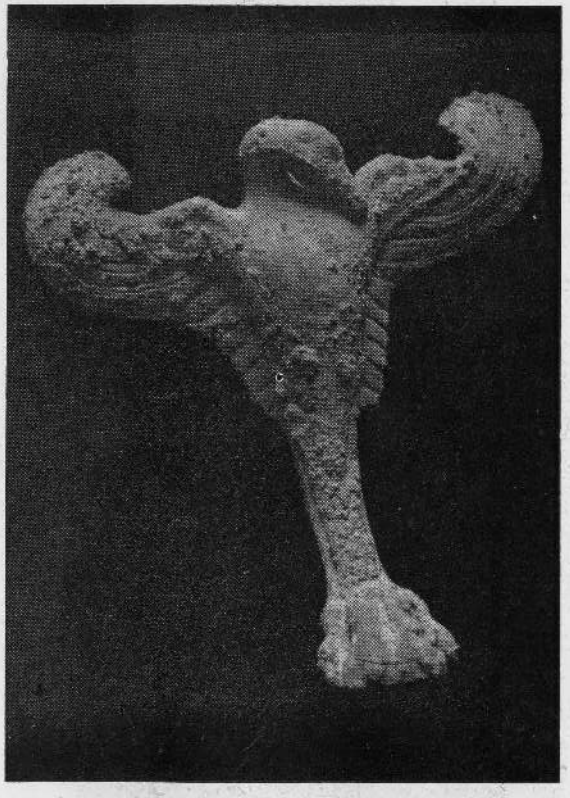

(٧) Hauteur: 0m 084 (7)

(c) ketabton.com: The Digital Library



(٩) Copie restitution par M. J. Carl (9)



(٨) (8)

(c) ketabton.com: The Digital Library



(١١) Diametre: 0m 145 (11)

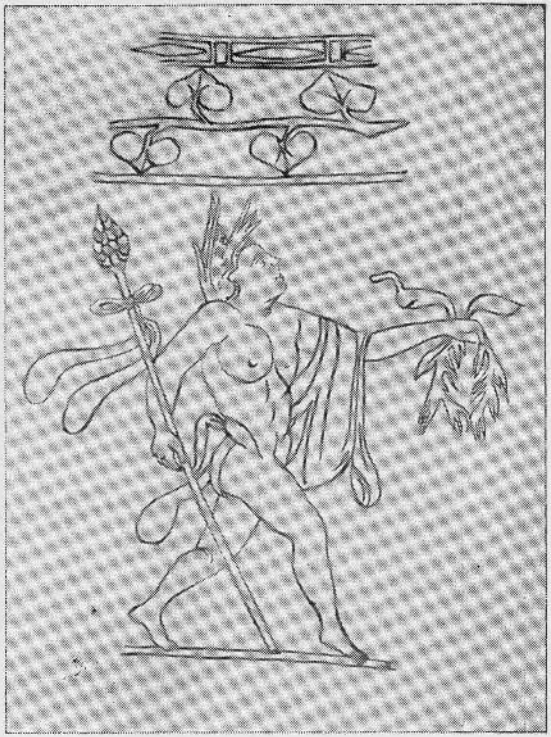

(١٠) Copie de M. J. Carl (10)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

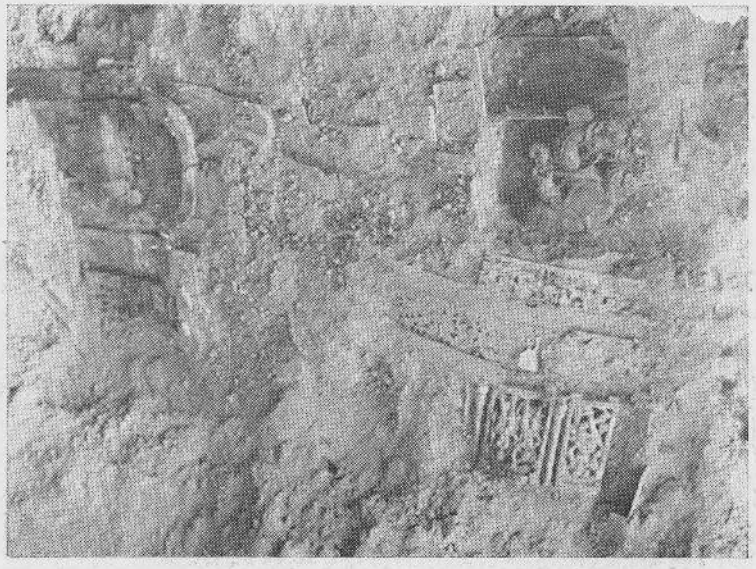

(١٢) (12)

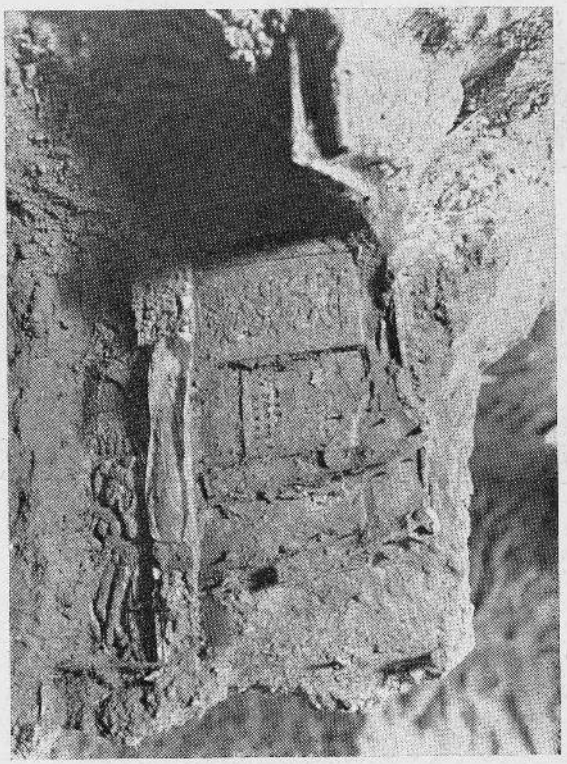

(١٣) (13)

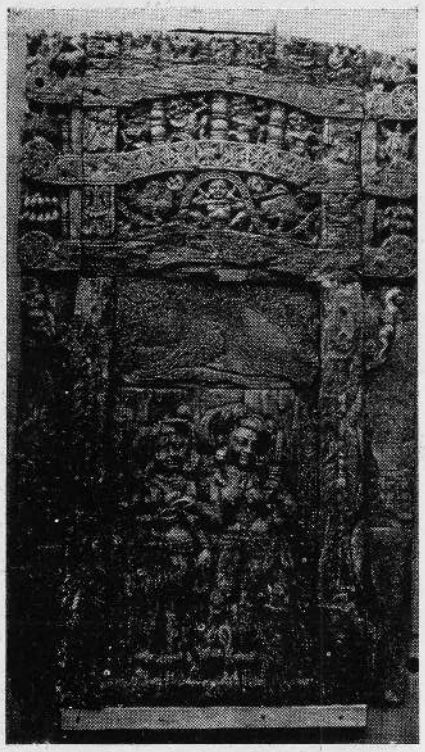

(١٥) Hauteur: 0m 427 (15)



(١٤) Hauteur: 0m 44 (14)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

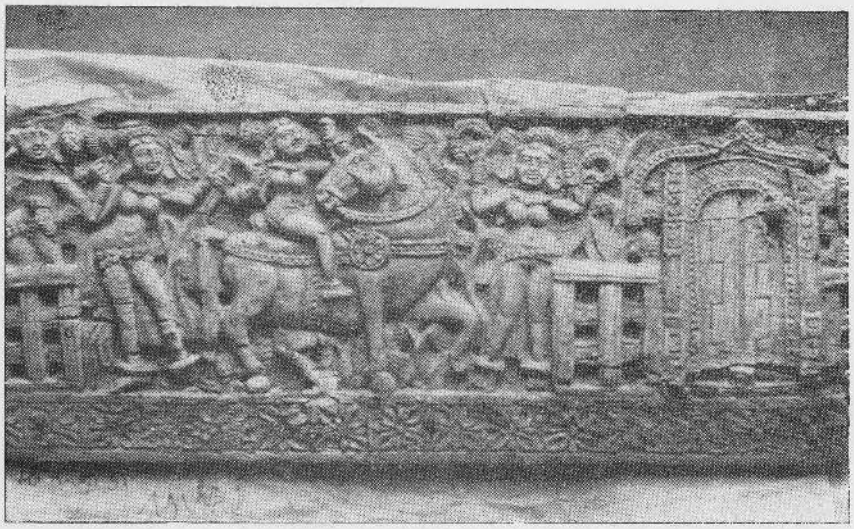

(١٦) 0m 084 × 0m 20 (16)

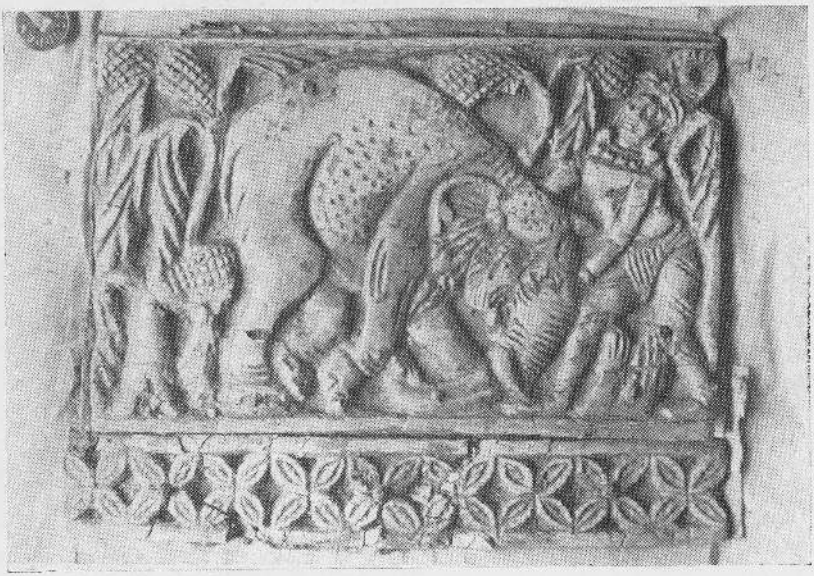

(١٧) 0m 014 × 0m 10 (17)

(c) ketabton.com: The Digital Library



(۱۸) 0, 078×0m 12 (18)

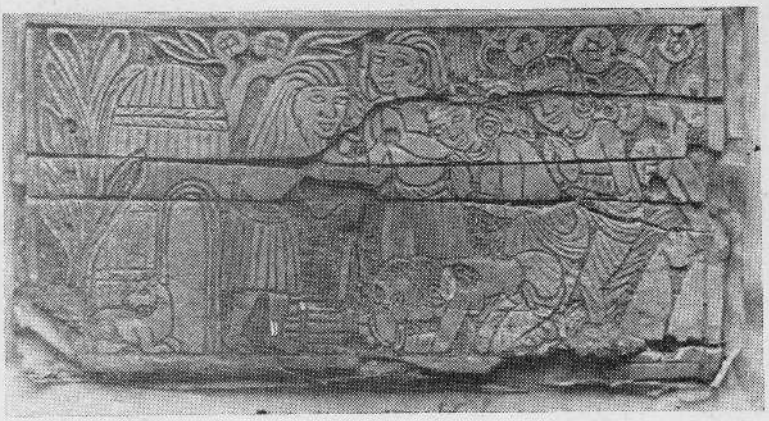

(۱۹) 0m 059 × 0m 113 (19)

(c) ketabton.com: The Digital Library

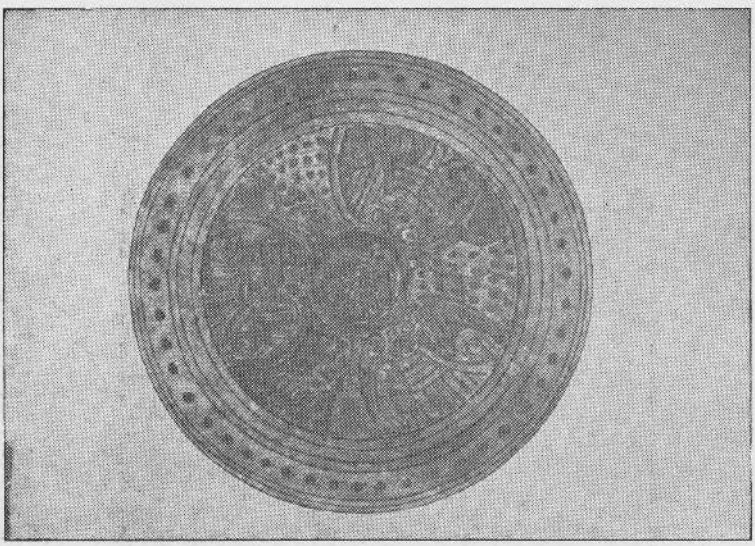

(٢٠) Reconstitution par . J. CarlM. (20)



(٢١) (21)

(c) ketabton.com: The Digital Library

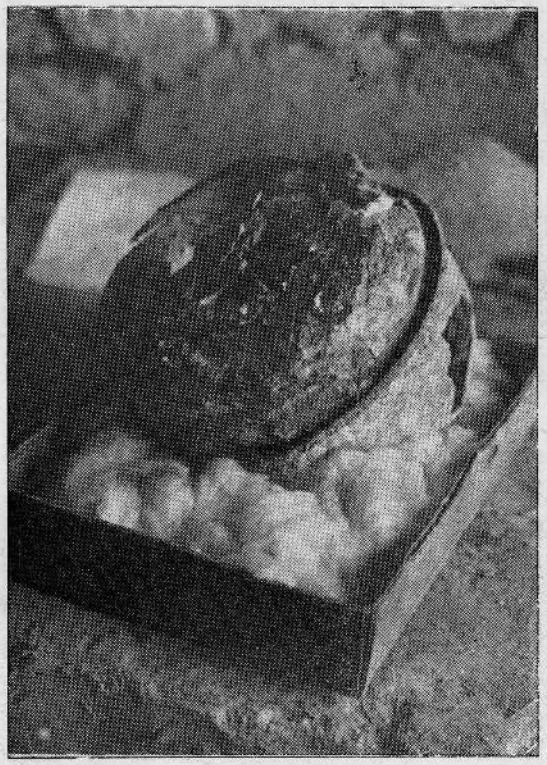

(٢٢) (22)

(c) ketabton.com: The Digital Library

Les recherches poursuivies à Begram ont permis d'établir le fait que des constructions, nettement postérieures à l'occupation Kushanas avaient été édifiées sur l'emplacement de laNouvelle Ville Royale. Les travaux de dégagement entrepris en 1938, par M. Jacques Meunié, ont permis de reconnaître l'emplacement d'un édifice fortifié. Les assises de quatre tours qui flanquent cette construction sont d'un niveau plus élévé que les fondations des chambres qui nous ont livré, en 1937 et en 1939, les objets de provenance occidentale et d' origine indienne. Il convient en outre de signaler qu'une monnaie heptalite, à l' effigie d'un Sar du Gardjstan (1), a été trouvée à Om. 80 de profondeur, alors que les monnaies de Gondophares, de Kujula Kadphises et de Kanishka mises au jour au cours du dégagement des grandes chambres étaient au même niveau que les objets c'est à dire à une profondeur variant entre 2m, 40 et 2m, 60. La nouvelle Ville Royale de Kapisi, l'actuelle Begram, ruinée au Ve. siecle de l'ere chrétienne, semble bien avoir été occupée par les envahisseurs Hephtalites.

Mais avant de disparaître les Kushanas, maîtres du Kapisa, patrons du Bouddhisme, avaient favorisé l'éclosion d'un art nouveau partagé entre les influences de l'occident et celles de l'Inde. Cette formule nouvelle allait connaître, mise au service du prosélytisme bouddhique, de brillantes destinées. Nous trouvailles apportent la preuve qu'on peut situer dans l'ancien Kapisa, c'est à dire dans l'un des districts du moderne Afghanistan (Kohdaman), l'une des sources d'inspiration de l'art gréco - bouddhique

Kabul, mai 1940 J. HACKIN

l'Academie Afghane avait délégué aupres de la Délégation M. Ahmed Ali Khan Kohzad, directeur de la Section Historique de l'Académie. Le Ministere de l'Instruction Publique avait délégué M. Mohammed Aziz Khan, Mohammed Nabi Khan et Mir Alam Khan.

(1) J. de Morgan, Manuel de numismatique orientale, fs.. III, p. 453, fig. 598

(c) ketabton.com: The Digital Library

difficultés; cette crise grave correspond aux regnes des empereurs Valérien et Gallien (253 - 268 apres J. C.) Il suffit pour donner une idée du degré d'extrême désorganisation auquel était parvenu le monde romain, de rappeller la défaite et la capture de l'Empereur Valérien par le Sassanide Shapour Ier (260 apr. J. C.). Ces troubles graves, la misere générale qu'ils entraînaient paralysaient l' activité économique.

Du côté de la Chine la décadence commenca des la fin du 2eme siecle; un soulevement populaire, celui des "bonnets jaunes" éclata au Tche - li et au Honan " (184 apr. J.- C.); il fût dompté, mais dans le trouble qui s'ensuivit les chefs militaires s'arrogerent le pouvoir (1). Tsao Pei, porta un coup mortel à la dynastie des Han et fonda une nouvelle dynastie qui ne se maintint au pouvoir que de 220 à 265; la Chine divisée allait se replier sur elle même.

La prospérité de l'empire Kushana dépendait en partie de l'état des relations commerciales avce l'Orient et avec l'Occident: le soudain afflux de l'or et l'imitation de l'aureus romain mettent en relief l'importance du rôle de transitaires assumé par les Indo - Scythes; le III siecle, fatal à Rome et à la Chine, marque pour les Kushanas le début d'une période de décadence; les preuves sont nombreusesqui établissent que les Kushanas "sont alors dans la clientele et le vassallage sassanide; alliance matrimoniale avec Hormazd II, présence du Koushan Grumpates et de ses éléphants à la bataille où Shapour (2) défit les romains (359 ap. J.- C.) (3)

Parmi les monnaies trouvées au cours des recherches à Begram, au niveau des objets mis au jour, aucune n'est postérieure à Vasudeva (environ 200 ap. J. C.). Des la fin de IV siecle, les Huns Hephtalites occupaient la Transoxiane; la puissance Kushana allait sombrer.

---

(1) R. Grousset: Histoire de l'Extrême- Orient, I,p p. 220 - 221

(2) il s'agit de Shapour II (309 - 379 ap. J. -C.)

(3) L. de la Vallée Poussin, Dynasties et histoire de l'Inde depuis Kanishka jusqu'aux invasions musulmanes, Paris 1935, p. 9

(c) ketabton.com: The Digital Library

dont nous retouvons les monnaies au contact même des objets mis au jour à Begram, prendra le titre de Roi des rois (Maharajasya raj arajasa) " accompagné d'un autre titre inconnu jusque là au protocole indien, fils du Ciel (Devaputra). "C'est là le titre classique des Empereurs de la Chine et qui reste dans l'Inde l'apanage des Kushana. Le chef de trilu scythique qui a renversé un royaume grec et qui s'affuble des titres turcs et chinois se met vers la fin de sa carriere à l'école des romains; ses dernieres monnaies copient les "denaru" (sanscrit "dinara") des dernieres années d'Auguste (entre 4 avant et 2 apres J.- C." (1). Eloquents rapprochements auxquels nos trouvailles donnent un singulier relief.

L'état politique de la Chine était également de nature à favoriser les larges courants d'échanges auxquels nous venons de faire allusion. Quelques années seulement apres la mort du grand novateur Ts'in Che Houang Ti, un obscur chef de bandes fondait la dynastie des Han, "qui de la Chine unifiée allait faire désormais une puissance mondiale " (Sylvain Lévi). C'est ensuite l'Empereur Wou (140 - 87 av. J.- C.) de la même dynastie, qui en envoyant le grand voyageur Tchang K'ien vers l'Occident ouvre une ere nouvelle. Un siecle plus trad "la Chine avait, de proche en proche , étendu son influence jusqu ' aux confins du monde indien (2)

Il suffit, à titre d'exemple, de rappeller qu'en l'an 2 av. J.- C. la Chine avait envoyé un fonntionnaire, le po - che - ti - tseu King en mission aupres de l'Empereur Kushana. (3) Cette période de prospérité économique et de stabilité politique ne devait pas se prolonger au delà de la seconde moitié du troisieme siecle de l'ere chrétienne. A cette époque, Rome était déja aux prises avec les pires

(1) Sylvain Lévi: L'Inde civilisatrice, apercu historique, Paris 1939 p. 127

(2) Sylvain Lévi: op. cit., p. 150: voir également: Paul Pelliot La Haute Asie, Paris s. d. (1931) p. 7

(3) Sylvain Lévi op. cit., p. 128

(c) ketabton.com: The Digital Library

schématisée, flanquée de deux ornements ovales, encadre un décor médian de lignes verticales et horizontales. Entre les trois motifs apparaît un remplissage interstitiel de gros points rouges (fig. 20). Les grands bols étaient protégés par une bordure en cuivre rouge parfaitement visible sur la figure 21 et mieux encore sur la figure 22, représentant un bol en laque coiffant une cruche en verre.

❀ ❀ ❀

Les objets mis au jour à Begram, platres hellénistiques, bronzes gréco-romains ou alexandrins, ustensiles romains d'usage domestique, ivoires indiens, laques de Chine, accusent du point de vue chronologique un synchronisme impressionant, portant en grandepartie, sur le premier et sur le deuxieme siecle de l'ere chrétienne. L'époque était singulierement propice au développement des échanges internationaux. Grace à sa situation géographique privilégiée, la capitale du Kapisa ne pouvait que bénéficier de cette conjoncture favorable. Faut-il rappeller qu'au Ier siecle de l'ere chrétienne, la paix romaine s'étendait à la Syrie; les cités caravanieres de Palmyre et de Doura étant fortement tenues par des garnisons qui assuraient, dans le même temps que la sécurité des routes, la liberté des échanges. (1). L'influence de Rome s'étendait alors jusqu'au lointain royaume parthe: l'Empereur Auguste (63 av. J - G;-14 ap. J-G) n'avait il pas réussi à faire remplacer sur le trône de Parthie Orodes II, hostile à l'influence romaine, par un des fils de Phraates IV, Vonones "qui prit vis - à - vis de l'Empereur l' attitude d'un véritable vassal et dont le regne représente à cet égard le triomphe de la politique romaine en Orient (vers 9 apr. J.-C. (2) C'est vers cette époque que les Kushanas ont créé, puis consolidé le grand Empire qui pendant pres de trois siecles représenta un élément de liaison entre l'Occident, l'Inde et la Chine. Le fondateur de la dynastie, Kujula Kadphises,

1) M. Rostovtzeff: Dura-Europos and its Art, Oxford 1938.

(2) Léon Homo: Histoire Romaine, tome III, Le Haut - Empire, page.109, Histoire ancienne, III, Paris 1933

(c) ketabton.com: The Digital Library

La trait cursif, l'emploi si judicieux de rehauts d'un rouge vif, l'étrangeté de certains détails font de ces compositions des oeuvres profondément et intensément originales. D'autres plaquettes ne le cedent en rien, dans l'ordre de l'originalité, à celles auxquelles nous venons de faire allusion; elles valent par leur caractere d'étrangeté et par l'arrangement subtil de la composition (fig. 19) Leur sauve - tage a représenté une opérat ion d'une extrême difficulté; l'humidité ayant profondement entamé et ramolli l'ivoire.

Le simple apercu que nous venons de donner montre que grace à ces trouvailles l'histoire de l'art de l'Inde enregistre des enrichissements d'un caractere inédit dont une prochaine publication mettra en relief la diversité et l'incomparable intérêt.

Nous avons fait allusion, au début de cet article, à des trouvailles d'objets en laque d'origine chinoise. Ces objets, grands bols et petites boîtes, ont particulierement souffert d'un séjour prolongé dans le sol humide. L'armature de bois représentant le support des couches de laque a completement disparu (1). Les fragments qui ont pu être dégagés, montrent un décor d'une extrême délicatesse; des touches tres légeres de couleur rouge se détachent sur un fond brun noir;légers nuages stylisés, spirales, crochets rappellent le décor des laques provenant des fouilles pratiquées, dans l'ancien district coréen de Lo-lang, par les archéologues, japonais, (époque Han, Ier et IIe siecles de l'ere chrétienne). Sur d'autres fragments, apparaissent des motifs tres différents (motif dit des trois ours) que nous pouvons également comparer aux trouvailles de Lo - lang (2): une tête tres

1) Parfois, et c'était surtout le cas pour le fond des récipients, les couches de laque étaient appliquées sur une étoffe de chanvre "armant " le bois (technique Kiachou)

2) F. Löw-Beer, Zum Dekor der Han-Lacke, Wiener Beitrage zur Kunst und Kulturgeschichte Asiens, Bd. XI (1937), Ab. 16, 18, 24, 27 et pp 69 - 73. Otto Manche - Helfen, Zur Geschichte der Lack - kunst in China, Wiener Beitrage zur Kunst und Kulturgeschichte Asiens, Bd. XI (1937) , p. 72.

(c) ketabton.com: The Digital Library

le géographe Ptolémée (1) , l'actuelle Muttra (United Provinces) l'une des grandes cités de l'Inde et un important centre d'art à l'époque des grands Empereurs Kushanas et tout particulierement sous le regne de Kanishka (fin Ier siecle de l'ere Chrétienne-début 2 eme siecle)" qui marque une des époques les plus brillantes de la civilisation indienne, la plus brillante peut- être" (2).

L'ornementation des chapiteaux, l'opulence un peu lourde des formes féminines représentées, rappellent les details correspondants de certains bas-reliefs taillés dans le gres rougeatre si abondant dans la région de Mathura. Des monuments de ce genre sont conservés , en tres grand nombre, dans les galeries du Curzon Museum of Ar - chaeology de Muttra et du Provincial Museum de Lucknow.

Une autre plaque d'ivoire de Begram, appartenant au même ensemble (34 b. 5) (fig. 15), et reproduisant une porte (torana), d'un type tout à fait classique, rappelle à la fois Sanchi (Inde Centrale) et Mathura; mais avec une grande abondance et une remarquable précision de détails d'ordre décoratif. Les comparaisons limitées à l'art indien classique pourraient être multipliées; des centaines de plaques, de plaquettes et de bandes ayant été mises au jour. Certaines plaques rectangulaires à décor sculpté en relief pourraient compter parmi les sources d' inspiration de monuments extra-indiens (Java), (fig. 16); ailleurs s'affirme, avec un savoureux réalisme, la prédilection de l'Inde pour les représentations zoomorphes, dont on peut dire qu'elles sont aussi remarquables par la perfection de la forme que par l'esprit qui les anime (fig. 17).

Les trouvailles de Begram ne révelent pas seulement des pieces classiques; il en est qui nous montrent des manifestations inattendues de l'art de l' Inde: cette remarque s' appliquant aux types représentés ,à leurs costumes (fig. 18) et aux conceptions mises en oeuvre dans l'ordre de la décoration.

---

(1) Sylvain Lévi: l'Inde civilisatrice page 130

(2) Sylvain Lévi: op. cit, page 129

(c) ketabton.com: The Digital Library

beauté aux trouvailles d'origine occidentale. Mme J. R. Hackin et M. Jean Carl n'ont ménagé ni leur peine ni leur temps pour assurer dans les meilleures conditions le dégagement de ces objets fragiles, ensevelis depuis des siecles. Le long contact avec une terre humide avait parfois causé d'irréparables dégats; tantôt l'ivoire était litté - ralement pulvérulent, tantôt il adhérait si fortement à la terre que les parties en relief se détachaient des que l'on procédait à l'enle- vement de la gangue terreuse qui emprisonnait les objets. Il fallut prendre d'infinies précautions pour enlever la couche terreuse; une consolidation in-situ précédait généralement l'enlevement et inter - venait des qu 'une petite surface était dégagée.

La consolidation se faisait par pulvérisation sur les plaques d'ivoi- re d'une solution tiede de gélatine; l'opération se répétant quatre et cinq fois avant l'encollage qui permettait la dépose par grandes surfaces (fig. 12). Le dégagement et l' enlevement des pieces encore susceptibles d'être traitées par pulvérisation de gélatine, en parti- culier des fragments importants d'un grand dossier sculpté sur les deux faces, placé au milieu de la salle, representerent un travail délicat auquel il fallut consacrer plusieurs semaines.

Vers le mur ouest, les ivoires, en grande partie décomposés, étaient enchevêtrés sur plusieurs épaisseurs (fig. 13); là, le travail fut encore plus délicat, et rendu tres pénible par la chaleur (jusqu'à 45. cent. sous la tente.) De grandes et belles plaques (hauteur- cm. 45) furent dégagées, puis soigneusement nettoyées; par des dé - tails de leur décor, elles rappellent certains monuments de l'Inde ancienne; en particulier les portes d'entrée de quelques sanctuaires rupestres.C'est spécialement le cas pour les cerces et les éléphants figurant dans la zone comprise entre ces cerces sur la grande plaque 34 a. 5 (fig. 14). Si ce détail tres spécial évoque des comparaisons avec l'entrée de la grotte dite de Lomas Rishi, dans l'ancien Magadha(Inde-Gangétique) (environ Ier siecle av. J .C.); d'autres particularités nous ramenent vers Mathura; "Mathura des Dieux" comme l'appelle

(c) ketabton.com: The Digital Library

Les trouvailles d'objets romains datés fournissent, en ce qui concerne l'étude du double courant d'échanges établi sous le Haut Empire Romain entre l'Occident et le Moyen Orient et entre le Moyen Orient et l'Occident, la suggestive contre-épreuve de la mise au jour, à Pompéi, d'un ivoire indien. (1)

La trouvaille à Begram d'une cruche en poterie vernissée en forme de femme-oiseau, (fig. 8) représente également un apport significatif; c'est là un exemple remarquable de poterie à glacure plombifere ou stannifere; cette technique si parfaite étant une découverte de l'époque hellénistique, découverte dont nous "suivons la trace depuis le dernier siecle avant l'ere chrétienne" (1). De tels objets représentaient des articles d'exportation particulierement appréciés au premier et au deuxieme siecle de l'ere chrétienne.

Parmi les verres mis au jour figurent de beaux spécimens de gobelets peints, sur l'un d'eux, de formes élégantes, (fig. 8)on apercoit, traitée avec une extrême virtuosité, une scene guerriere dont les principaux protagonistes ont pris place dans des biges; le mouvement et l'ardeur du combat sont rendus avec beaucoup de force. Sur une oenochoe, malheureusement en mauvais état, le décor est fait de minces feuilles d'or; des personnages surgissent en - traînés par le rythme d'une danse sacrée. En tête apparait Dionysos. dieu de la vigne, des vendanges, du vin et des vignerons; c'est le dieu juvénile et imberbe tel qu'il était représenté dans les ateliers de l'Orient hellénistique (fig . 10) . Il faut enfin mentionner une magnifique coupe en verre, d'une transparence évoquant la pureté d'un cristal. Le décor de rameaux, de vrilles et de feuilles de vigne en tres léger relief, était recouvert de feuilles d'or. (fig.11)

❀ ❀ ❀

L'apport d'ivoires indiens ne l'a pas cédé en intérêt et en

(1) Amedeo Maiuri; Satuetta eburnea di arte indiana a Pompei: Le Arti, dicembre '38 gennaio '39, XVII pp. III - 115 tav. 43 e 45.
(2) Cagnat et Chapot; op. cit., page 459 - II

(c) ketabton.com: The Digital Library

A ce type, quelque peu idéalisé, s'oppose parfois un traitement réaliste livrant de véritables portraits (fig.3) pleins de vie et caractere.

Des objets en bronze d'origine gréco - romaine ont été égale - ment mis au jour; parmi ceux ci il faut mentionner, une représentation, que je crois inédite, d'un Sérapis - Hercule (fig. 4); cette divinité, d' un type hybride, rappelle Hercule, le héros qui présidait au succes des armes, par la massue et les pommes des Héspérides tenues dans la main gauche et Sérapis, qui symbo - lisait à la fois la Vie et la Mort, par la coiffure singuliere, le modius ou corbeille sacrée des mysteres, orné extérieurement de branches d'olivier.

Il convient également de signaler une charmante représentation du dieu - enfant, Harpocrate (fig. 5), fils de Sérapis et d'Isis; rappellant l'exemplaire mis au jour à Taxila, lors des fouilles pratiquées par Sir John Marshall· (1). Il faut également accorder une mention spéciale au barbare moustachu de la fig. 6, remarquable par la beauté de ses proportions. Quelques objets en bronze consti - tuent, par les comparaisons qu'ils suggerent, d'intéressants reperes chronologiques, par exemple le support de chaudron, en forme d'avant - corps de cygne à patte de lion, (fig. 7) ayant vraisembla - blement fait partie d'un réchaud - reservoir. Une piece complete, montrant ce même détail, figure parmi les collections du Musée National de Naples et provient des fouilles pratiquées à Pompéi, ville détruite par l'éruption du Vésuve, en l'an 79 de l'ere chrétienne. Une colonnette de bronze, à fût allongé, couronnée d'un chapiteau à personnages, mise au jour à Begram, peut être rapprochée d'un objet identique faisant partie d'un lampadaire en bronze provenant également de Pompéi (2) (3).

---

(1) Sir John Marshall. A guide to Taxila, 3rd Edition, Delhi 1936, pl XV

(2) Musée National de Naples. Les collections archéologiques pag. 38 et fig.142; Cagnat et Chapot; Manuel d'archéologie Romaine, IIfig. 622

(3) Musée National de Naples: les collections archéologiques, fig. 140

(c) ketabton.com: The Digital Library

LES FOUILLES DE BEGRAM (1939)

Les fouilles pratiquées sur le site de Begram (emplacement de la Nouvelle Ville Royale) (I) par la Délégation Archéologique Francaise en Afghanistan, du 19 Mai au 12 Août 1939, ont donné des résultats sensiblement plus importants que ceux, cependant remarquables, que Mme J. R. Hackin avait obtenus au cours de la campagne de 1937. Les recherches ont porté sur un secteur situé au Nord et au Nord - Est des chambres dégagées en 1937, plus spécialement sur l'emplacement d'une grande salle contiguë à la chambre des trouvailles (chambre 10) de 1937; à un riche apport d'objets de provenance occidentale et de provenance indienne sont venus s'ajouter des fragments de grand bols en laque, d'origine chinoise.

Les objets d'origine occidentale comprennent de nombreux médaillons en platre dont quelques - uns refletent, de facon émouvante, la pureté de l'art grec; c'est le cas pour un Ganymede faisant boire dans une coupe placée sur ses genoux l'aigle de Jupiter. (2)(Fig. 1), comme sur le même motif au Musée de l'Hermitage à Leningrad, l'oiseau-dieu souleve l'une de ses pattes et a une serre posée sur les rebords du vase; mais, sur le médaillon de Begram apparaît, élément nouveau, un petit amour tenant l'extrémité de l'aile gauche de l'aigle.

Tous les sujets représentés ne sont pas traités en léger relief, comme c'est le cas pour le médaillon dont il vient d'être question. Le bas-relief et la ronde - bosse sont combinés avec infiniment de virtuosité dans un médaillon de grandes dimensions montrant, représenté en buste, un jeune homme à l'expression méditative (fig. 2) .

(1) A. Foucher, Notes sur l'itinéraire de Hiuan - Tsang en Afghanistan (cartes), Paris 1925.

(2) Altmann, Grabaltare , p. 169. No 17; Salomon Reinach, Répertoire des reliefs grecs et romains, III, p. 489,

(c) ketabton.com: The Digital Library

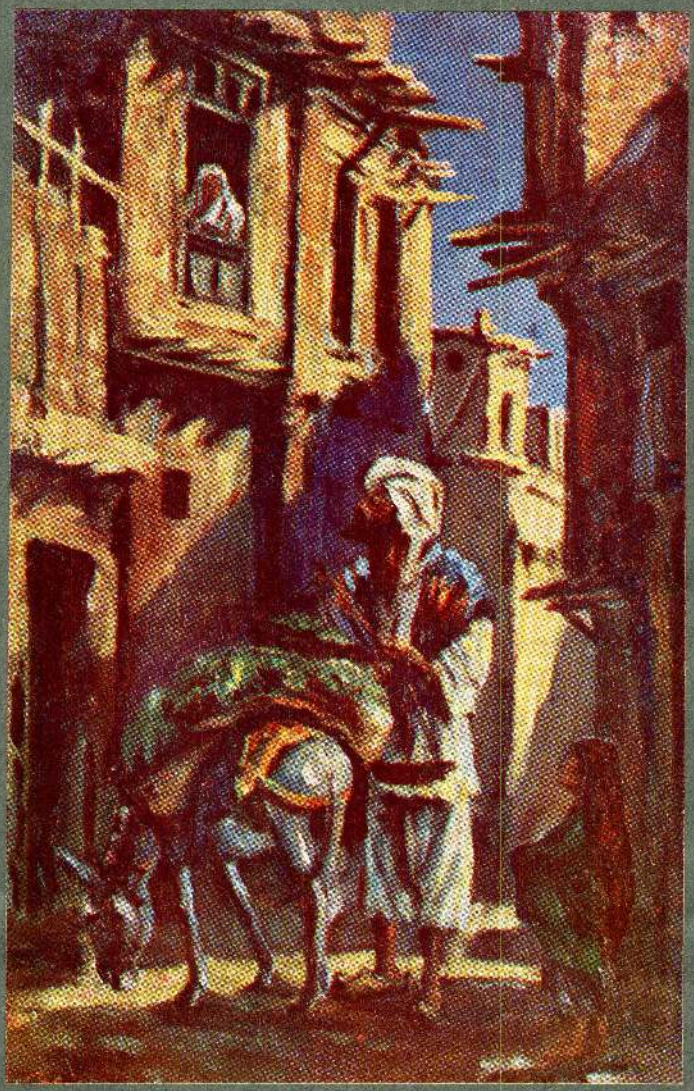

رسم آقای عبد الرب خان متعلم مکتب صنائع نفیسه

(c) ketabton.com: The Digital Library

فهرست مندرجات سالنامهٔ

۱۳۱۸

الف : مضامین

مضمون	صفحه
مقدمه	۱
پادشاه افغانستان	۲
تشکیلات مملکتی (صدارت عظمی)	٤
« وزارت حربیه	٥
« « خارجه	۸
« « داخله	۹
« « عدلیه	۱۰
« « مالیه	۱۱
« « معارف	۱۲
« « اقتصاد ملی	۱۳
« « فوائدعمه	۱٤
« « صحیه	۱٥
« « پست وتلگراف	۱٦
« « معادن	۱۷
« ریاست مستقلهٔ زراعت	۱۸
« « مطبوعات	۱۹
« ولایات وحکومات اعلی :	
« ولایت کابل	۲۰
« قندهار	«
« هرات	۲۱
« مزار شریف	۲۲
« قطغن وبدخشان	«

مضمون	صفحه
تشکیلات حکومت اعلای مشرقی:	۲۳
« حکومت اعلای جنوبی	۲۳
« « « میمنه	۲٤
« « « فراه	۲٥
« دوائر ملی (شورای ملی)	۲٦
« مجلس اعیان	۳۱
« دوائر حضور (وزارت دربار)	۳۳
« دارالتحریر شاهی	۳٤
دوائر متفرقه (ریاست مبایعات)	۳٥
ریاست مطبوعات	«
اجراآت دوائر مملکتی :	
« امور حربیه	۳٦
« خارجه	٤٦
« داخله	٥۳
« عدلیه	٦۰
« مالیه	٦۲
« اقتصاد	٦۳
« فوائد عامه	۷۱
« معارف	۸٤
« مخابرات	۹٤
« زراعت وفلاحت	۱۰۸
« مطبوعات	۱۱۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

مضمون	صفحه	مضمون	صفحه
اعطای نشان	۱۲۸	پښتوته یوه کتنه «الف»	۲۹۸
		نوی کابل «عفیفی»	۳۰۷
مجلس شورای ملی	۱۵۱	دپښتو پرادبیاتویوه کتنه «زمریالی»	۳۳۰
« اعیان	۱۵۲	تعاملات حقوقیه وجزائیهٔملی «پژواك»	۳۴۱
امور بلدیه کابل	۱۵۳	حفظ الصحهٔ مواسم چارگانه «یوسفی»	۳۵۹
آثار برجستهٔ صنعت وادب پښتو «حبیبی»	۱۵۶	بعضی ازاختراعات جدیده «نعیمی»	۳۶۶
مدنیت اوستائی «کهزاد»	۱۶۱	دپښتو ادبیات «رښتین عضو پښتوټولنه»	۳۸۴
یادگار های مدنیت هری «صدقی»	۲۱۳	وقائع مهمهٔ داخلی «نظامی»	۴۲۶
دپښتو ننني لیکوال «خادم»	۲۴۱	گذارشات دنیا «رشتیا»	۴۳۹
نورستان یا جدید الاسلام «اخلاص»	۲۶۰	امور بانك ملی	۴۵۶
تربیهٔ روحیهٔ اطفال درفامیل «ترهکی»	۲۸۰	حفریات بگرام	۴۸۴

ب تصاویر

تصاویر	صفحه	تصاویر	صفحه
اعلیحضرت همایونی	مقابل ۲	ج ، رئیس مستقل زراعت	۱۸
والاحضرت صدر اعظم صاحب	۴	« « مطبوعات	۱۹
ع ،ج « وزیر صاحب حربیه	مقابل ۵	ع ، ج رئیس شورا	۲۶
ع، ج وزیرامورخارجه	۸	« « « اعیان	۳۱
« « والاحضرت سردار شاه ولیخان	«	« « والاحضرت وزیردر بار	۳۳
« « وکیل وزارت داخله	۹	« « وکیل سر منشی	۳۴
« « عدلیه	۱۰	ازمقرریهای مهمهٔ شعبه عسکری ۳۴ قطعه	۴۴
« « مالیه	۱۱	اعلیحضرت همایونی در موقع انداخت	
« « معارف	مقابل ۱۲	توپهای دافع طیاره ۲ قطعه	۴۴
« « اقتصاد	۱۳	اعلیحضرت همایونی بمیدان هوابازی	«
« « فوائد عامه	۱۴	یك عده هوابازان درحین اجرای وظیفه	«
« « پست و تلگراف	۱۶	رسم گذشت و غیره نمایشات عسکری	
« « معادن	۱۷	بروزهای جشن استقلال ۱۵ قطعه	۴۴

(c) ketabton.com: The Digital Library

تصاویر	صفحه
دوجوان فقید	٤٤
ازمقرریهای مهمه وزارت خارجه ۱۲ قطعه	٥٢
سفرای افغان درخارج ۷ قطعه	«
« خارجی مقیم کابل ۷ قطعه	«
ازمقرریهای مهمه وزارت داخله ۲۳ قطعه	٥٨
« « « عدلیه یك قطعه	«
« « « معارف ۱۰ قطعه	٦٢
« « « مالیه ۱۳ «	«
« « « اقتصاد ۱۰ «	«
« « « فوائد عامه ۱۲ قطعه	۷۸
« « « صحیه ۲ قطعه	«
عمارات فابریکات وغیره ۱۸ قطعه	«
ازمقرریهای مهمه وزارت پست ۱۳ قطعه	۹۸
« « « معادن ۹ قطعه	۱۰٦
« « ریاست بلدیه وغیره ۷ قطعه	«
ازکارروائیهای زراعتی ریاست زراعت ۱۶ قطعه	۱۱٦

تصاویر	صفحه
ازمقرریهای مهمهٔ ریاست مطبوعات ٦ قطعه	۱۲٦
از یادگارهای مدنیت هری ۲۱ قطعه	۲٤۰
رسم ۲ قطعه مقابل	۲۱۲ و ۲۷۸
ازمناظر نوی کابل وغیره ۱۲ «	۳۱۸
ازعمارات مزار شریف ۱۱ «	۳٥۸
اختراعات جدید ۱٦ «	۳٦۹
هتلر	٤٤۱
دلادیه	«
موسسکی	٤٤۲
ستالین و ریبن تروب	٤٤۳
چمبرلین	٤٤٤
سراج اوغو	٤٤۹
ویگان وکالیو ۲ قطعه	٤٥۰
کنفرانس دول بالقان	٤٥۲
گاملن	٤٥۳
چرچل	٤٥٤
ملك غازی متوفی	٤٥٥
آثار مکشوفه بگرام ۲۹ قطعه	٤۹۲

غلطنامهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۸

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱٥٦	۲٦	دوهمین	دویمین	۱۷٦	۱٦	دریا	مدیا
«	۳۰	شعبه های	شعبه هائی	۱۸٤	۱۸	مواد	مورو
۱٥۷	۱	تهییج	تهییج	«	۲۱	رد	در
۱٦۰	۲٦	همدوش	همدوشی	۱۹۱	۲٦	با	یا
۱٦٦	۲۳	Vima	Yama	۲۰۳	۲۹	ر	در
۱٦۷	۱۳	رمین	زمین	۲۱٥	۱۰	زاغانزا ،	زاغانزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۶	۲۶	هرات ،	هرات را
۲۲۳	۱۰	هیئتی ،	به هیئتی
۲۲۵	۱۶	متاستانه ،	متاسفانه
۲۳۰	۲۰	نز ،	نیز
۲۳۰	۲۰	انداخه ،	انداخته
۲۳۹	۶	با ،	بنا
۲۳۹	۲۳	هرت ،	هرات
۲۴۴	۱۰	هوا	هواد
»	۱۶	«	«
۲۸۵	۱۳	ول گردی	یله گردی
»	۱۵	این یك	این امریك
»	۱۷	به‌طفل نموده	به طفل وا نمود نموده
۲۸۶	۶	شبح سیاهی	شبح شب سیاهی
۲۸۷	۱۶	و غیره	وغیره تشویق می سازند
۲۹۴	۲۸	سرانه‌ول کرده	سرانه‌محول کرده
۳۰۷	۶	منارل	منازل
»	۱۱	و آرامی	وارای
۳۴۲	۱	مملکنی	مملکتی
۳۴۴	۱۱	جراهیم	جرایم
۳۸۷	۱۱	رونبن	اونبن
»	۱۵	راون	روان
۳۹۱	۱۶	صنو	صو
۳۹۳	۱۸	لغمانی	لغمانی
۳۹۶	۲	مسروته	مسرونه
»	۹	رانړیزو	رانړیزو
۳۹۹	۱۲	چاپار	چاپیر
۴۰۳	۱۲	منعی	معنی
۴۱۶	۱۸	دلداره	دلداری
۴۱۸	۵	نی	پانی
۴۲۱	۲۰	ده	دی

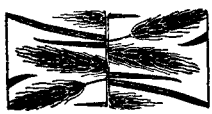

(c) ketabton.com: The Digital Library



سالنامه کابل

ALMANACH DE CABOUL

19

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library